اُصول کافی

تألیف

مرحوم ثقة الاسلام کلینی (ره)

با ترجمه و شرح فارسی

جلد ششم



اصول کافی


مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

اصول کافی

تألیف

مرحوم ثقة الاسلام کلینی (ره)

با ترجمه و شرح فارسی

آیة الله شیخ محمد باقر کمره‌ای

جلد ششم

کتاب دعا - کتاب فضل قرآن - کتاب عشرت





شرکت چاپ و انتشارات اُسوه

نام کتاب : اصول کافی (ج ٦)

مؤلف : ثقة الاسلام کلینی

مترجم : آیة الله محمدباقر کمره‌ای

ناشر : انتشارات اسوه (وابسته به سازمان اوقاف و امور خیریه)

لیتوگرافی : تیزهوش

چاپ : اسوه

نوبت چاپ : سوم

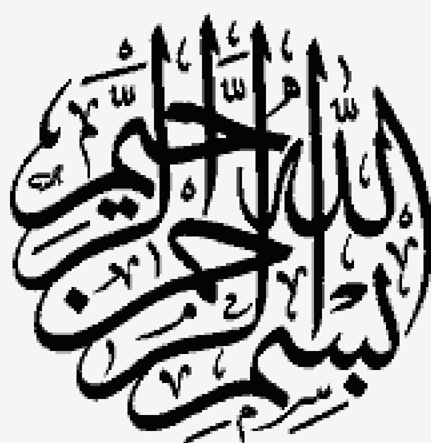
سال نشر : ۱۳۷۵ هـ.ش

تیراژ : ۵۰۰۰ دوره

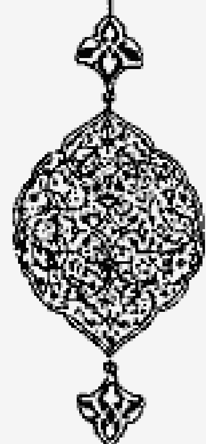
بهای دوره : ۶۵۰۰ تومان

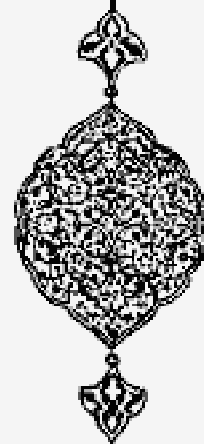
تهران، ص. پ ۶۸۴ـ۱۳۱۴۵، تلفن ۶۴۱۸۲۹۹ و ۶۴۱۸۰۹۹، فاکس ۶۴۱۸۰۲۲

قم، ص. پ ۳۹۹۹ـ۳۷۱۸۵، تلفن ۵۲۲۱۲ و ۵۵۰۸۰، فاکس ۶۱۷۷۵۷


بسم الله الرحمن الرحیم

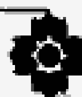

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی











فهرست مطالب

کتاب دعاء (۱۵ ـ ۳۷۵)

باب در فضیلت دعاء و تشویق بدان ۱۵

باب در اینکه دعاء، سلاح مؤمن است ۲۱

باب در اینکه دعا، بلا و قضاء را ردّ می کند ۲۳

باب در اینکه دعا، درمان هر دردی است ۲۷

باب هر که دعا کند برای او اجابت شود ۲۹

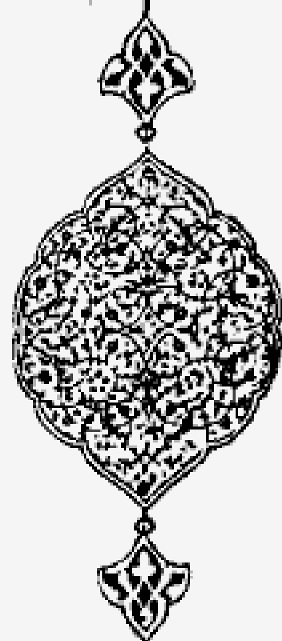
باب اِلهام دعا ۲۹

باب پیشدستی کردن به دعا ۳۱

باب یقین داشتن و اعتماد به دعا ۳۵

باب اقبال به دعا ۳۵

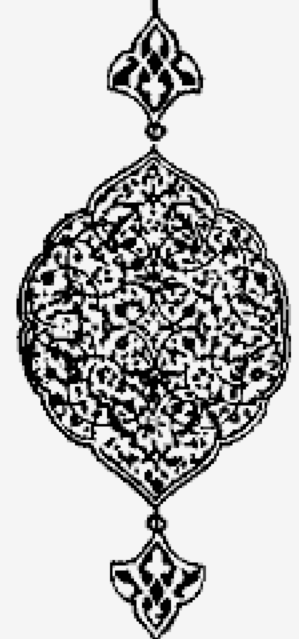
باب اصرار در دعا و انتظار اجابت ۳۹

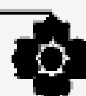




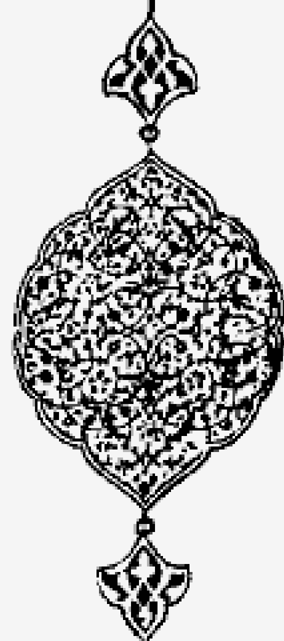


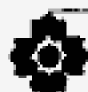
باب نام بردن حاجت در دعا ۴۱
باب نهان داشتن دعا ۴۳
باب در اوقاتی که امید اجابت دعا دارند ۴۳
باب رغبت، رهبت، تضرّع، ابتهال، استعاذه، مسألت ۴۹
باب گریه ۵۵
باب ستایش و ثناء پیش از دعا ۶۱
باب اجتماع برای دعا کردن ۶۹
باب دعا برای همه ۷۱
باب در کسی که اجابت دعایش به تأخیر افتد ۷۳
باب صلوات وطلب رحمت برای پیغمبر محمد(ص)وخاندانش(ع) ۸۱
باب آنچه واجب است از ذکر خدا عزوجل در هر مجلس ۹۳
باب ذکر خدا عزوجل فراوان و بسیار ۹۹
باب در اینکه صاعقه ذاکر را نگیرد ۱۰۵
باب اشتغال به ذکر خدا عزوجل ۱۰۷
باب ذکر خدا عزوجل در نهان ۱۰۹
باب ذکر خدا عزوجل در میان غافلان از حق ۱۱۱
باب سپاس گوئی و تمجید ۱۱۳
باب استغفار و آمرزش جوئی ۱۱۷
باب تسبیح و تهلیل و تکبیر ۱۱۹
باب دعا برای برادران(دینی) در پشت سر آنها ۱۲۵
باب کسی که دعایش اجابت شود ۱۲۹






باب کسی که دعایش مستجاب نیست ۱۳۵
باب نفرین بر دشمن ۱۳۹
باب مباهله ۱۴۳
باب در بیان آنچه بدان پروردگار تبارک وتعالی خود را تمجید کرده است ۱۴۹
باب در کسی که بگوید: لا اله الّا اللّه ۱۵۳
باب کسی که گوید: لا اله الّا اللّه واللّه اکبر ۱۵۵
باب کسی که گوید: لا اله الّا اللّه وحده وحده ۱۵۵
باب کسی که ده بار بگوید: لا اله الّا اللّه وحده لاشریك له ۱۵۷
باب کسی که گوید: أشهد ان لا اله الّا اللّه وحده لاشریك له وأشهد انّ محمداً عبده ورسوله ۱۵۹
باب هر که هر روز ده بار بگوید: أشهد ان لا اله الّا اللّه وحده لاشریك له الهاً واحداً أحداً صمداً لم يتّخذ صاحبة ولا ولداً ۱۵۹
باب هر کس ده بار گوید: یا اللّه یا اللّه ۱۶۱
باب هر کس گوید: لا اله الّا اللّه حقّاً حقّاً ۱۶۱
باب هر که یاربّ یاربّ گوید ۱۶۳
باب هر کس بگوید: لا اله الّا اللّه مخلصاً ۱۶۵
باب هر کس بگوید: ماشاء اللّه لاحول ولا قوّة الّا باللّه ۱۶۵
باب هر کس گوید: استغفر اللّه الذي لا اله الّا هو الحيّ القيّوم ذوالجلال والاكرام وأتوب اليه ۱۶۷
باب در گفتار بام و شام ۱۶۹

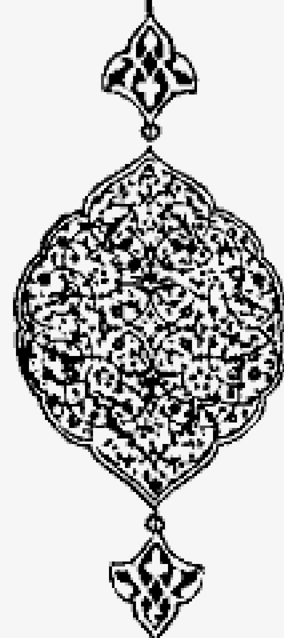


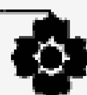



باب دعا هنگام خواب و بیدار شدن ۲۰۵
باب دعا هنگام بیرون رفتن از منزل ۲۱۹
باب دعا پیش از نماز ۲۲۹
باب دعا در دنبال نمازها ۲۳۳
باب دعا برای روزی ۲۴۷
باب دعا برای دَین و وام ۲۵۹
باب دعا برای گرفتاری و همّ و اندوه و ترس ۲۶۳
باب دعا برای دردها و بیماریها ۲۸۷
باب حرز و عوذه ۲۹۹
باب دعاء قرائت قرآن ۳۱۳
باب دعا برای حفظ کردن قرآن ۳۱۹
باب دعاهای مختصر برای همهٔ حاجتهای دنیا و آخرت ۳۲۳

کتاب فضل قرآن (۳۷۹ ـ ۴۷۹)

باب در فضیلت کسی که قرآن را بکار بسته است ۳۹۷
باب کسی که به رنج، قرآن یاد می گیرد ۴۰۷
باب کسی که قرآن را حفظ کرده وسپس فراموش کرده ۴۰۹
باب در خواندن قرآن ۴۱۵
باب خانه‌هائی که در آنها قرآن خوانند ۴۱۵
باب ثواب خواندن قرآن ۴۱۹
باب خواندن قرآن از روی نوشتهٔ قرآن ۴۲۵

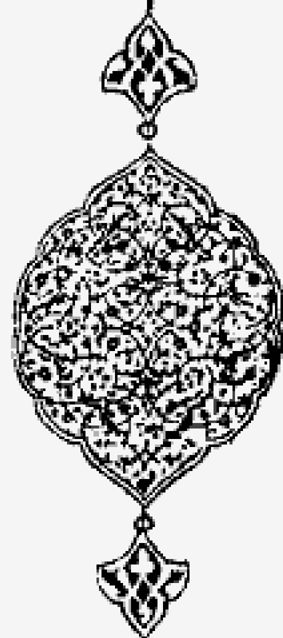




باب شمرده خواندن و خوش آواز خواندنِ قرآن ۴۲۷
باب در کسی که هنگام قرآن خواندن، خود را به غش می‌زند ۴۳۵
باب در مدّتی که قرآن خوانده شود وبه پایان رسد ۴۳۷
باب در اینکه قرآن چنانچه نازل شده وبعبارت درست بالا برده شود ۴۴۱
باب فضل قرآن ۴۴۳
باب نوادر ۴۶۳

کتاب معاشرت (۴۸۳ـ۶۰۱)

باب اندازهٔ معاشرت واجب ۴۸۳
باب حُسن معاشرت ۴۸۷
باب کسی که رفاقت و همنشینی او بایست است ۴۹۱
باب کسی که مجالست و رفاقت با او بد است ۴۹۵
باب دوستی و مهر ورزی با مردم ۵۰۳
باب خبر دادن مرد برادر خود را از دوست داشتن او ۵۰۷
باب در سلام کردن ۵۰۷
باب آنکه باید آغاز سلام کند ۵۱۵
باب سلام دادن یک تن از جمعی بس است و جواب یکی از جمعی بس است ۵۱۷
باب سلام کردن به زنها ۵۱۹
باب سلام بر سائر ملّتها ۵۲۱
باب نامه نویسی با اهل ذمّه ۵۲۹





باب گذشت و چشم پوشی ۵۳۱

باب نادر ۵۳۱

باب عطسه و تسمیت ۵۳۵

باب لزوم احترام مسلمان ریش سفید و سالخورده ۵۴۹

باب گرامی شمردن شخص کریم و بزرگوار ۵۵۳

باب حقّ وارد ۵۵۵

باب المُجالس بالأمانة ۵۵۵

باب در صحبت سر به گوشی ۵۵۷

باب وضع نشستن ۵۵۹

باب تکیه زدن و بر دست تکیه دادن ۵۶۳

باب شوخی و خنده ۵۶۵

باب حقّ همسایگی ۵۷۳

باب حدّ جِوار و همسایگی ۵۸۳

باب خوش رفتاری و حقّ رفیق در سفر ۵۸۵

باب نامه نگاری ۵۸۹

باب نوادر ۵۸۹

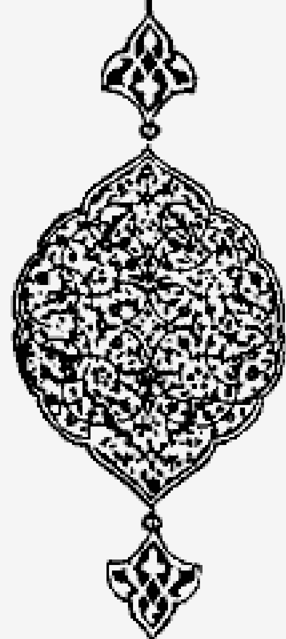
باب ۵۹۵

باب نهی از سوزاندن کاغذهای نوشته شده ۵۹۹

شرحهای کتاب دعاء ۶۰۵

شرحهای کتاب فضل قرآن ۶۳۹

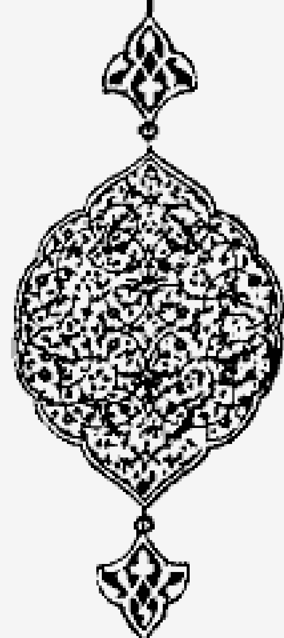
شرحهای کتاب معاشرت ۶۶۱





كِتَابُ الدُّعَاءِ

کتاب دعا



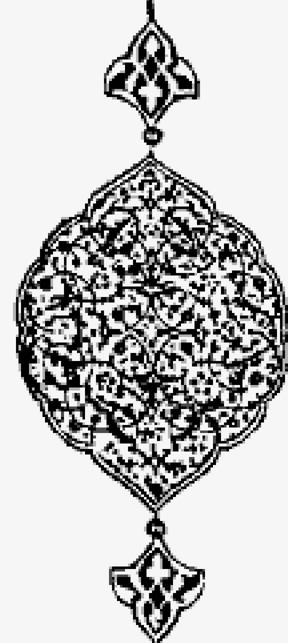


بابُ فَضلِ الُدعاءِ وَالْحَثِّ عَلَيْهِ

١ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهيمَ، عَنْ أَبيهِ، عَنْ حَمّادِ بْنِ عِيسىٰ، عَنْ حَرِيزٍ، عَنْ زُرارَةَ، عَنْ أَبي جَعْفَرٍ عليه السلام قالَ: إِنَّ اللّٰهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ:

((إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ داخِرِينَ)) قالَ: هُوَ الدُّعاءُ وَأَفْضَلُ الْعِبادَةِ الدُّعاءُ، قُلْتُ: ((إِنَّ إِبْراهِيمَ لَأَوّٰاهٌ حَلِيمٌ)) ؟ قالَ:

الأَوّاهُ هُوَ الدَّعّاءُ.



٢ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْماعِيلَ وَابْنِ مَحْبُوبٍ، جَمِيعاً، عَنْ حَنانِ ابْنِ سَدِيرٍ، عَنْ أَبيهِ، قالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام: أَيُّ الْعِبادَةِ أَفْضَلُ؟ فَقالَ: ما مِنْ شَيْءٍ أَفْضَلُ عِنْدَ اللهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ أَنْ يُسْأَلَ وَيُطْلَبَ مِمّا عِنْدَهُ، وَما



باب در فضیلت دعاء و تشویق بدان

۱ ـ از زراره، از امام باقر (ع) فرمود:
راستی خدا عزوجل می‌فرماید (۶۰ سوره مؤمن): «راستی کسانی که سر بر فرازند از پرستش من محققاً با زبونی به دوزخ در آیند» فرمود: مقصود از آن، دعاء است، وبهترین عبادت دعاء است، من گفتم: (۱۱۵ سوره توبه): «راستی که ابراهیم بسیار آه کش و بردبار بود» (یعنی چه؟) فرمود: اواه هم همان دعاء است(یعنی بسیار به درگاه خدا دعا می‌کرد). [1]

۲ ـ از سدیر که به امام باقر (ع) گفتم: کدام عبادت بهتر است؟ در پاسخ فرمود:
چیزی نزد خدا عزوجل بهتر از این نیست که از او درخواست شود و آنچه نزد او خواسته شود و کسی نزد خدا عزوجل ناخواه‌تر



أَحَدٌ أُبْغَضُ إِلَى اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ مِمَّنْ يَسْتَكْبِرُ عَنْ عِبادَتِهِ وَلا يَسْأَلُ ما عِنْدَهُ.

٣ ـ أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِالْجَبّارِ، عَنْ صَفْوانَ، عَنْ مَيْسِرِ بْنِ عَبْدِالْعَزِيزِ، عَنْ أَبي عَبْدِاللّٰهِ عليه السّلام قالَ: قالَ لِي: يا مُيَسِّرُ ادْعُ وَلا تَقُلْ: إِنَّ الْأَمْرَ قَدْ فُرِغَ مِنْهُ، إِنَّ عِنْدَ اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ مَنْزِلَةً لا تُنالُ إِلّا بِمَسْأَلَةٍ، وَلَوْ أَنَّ عَبْداً سَدَّ فاهُ وَلَمْ يَسْأَلْ لَمْ يُعْطَ شَيْئاً فَسَلْ تُعْطَ، يا مَيْسِرُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ بابٍ يُقْرَعُ إِلّا يُوشِكُ أَنْ يُفْتَحَ لِصاحِبِهِ.

٤ ـ حُمَيْدُ بْنُ زِيادٍ، عَنِ الْخَشّابِ، عَنِ ابْنِ بَقّاحٍ، عَنْ مُعاذٍ، عَنْ عَمْرِو بْنِ جُمَيْعٍ، عَنْ أَبي عَبْدِاللّٰهِ عليه السّلام قالَ: مَنْ لَمْ يَسْأَلِ اللّٰهَ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ فَضْلِهِ [فَقَدِ] افْتَقَرَ.

٥ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ حَمّادِ بْنِ عِيسىٰ، عَنْ أَبي عَبْدِاللّٰهِ عليه السّلام قالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ: ادْعُ وَلا تَقُلْ: قَدْ فُرِغَ مِنَ الْأَمْرِ، فَإِنَّ الدُّعاءَ هُوَ الْعِبادَةُ إِنَّ اللّٰهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ: ((إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ داخِرِينَ)) وَقالَ: ((ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ)).

٦ ـ أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِالْجَبّارِ، عَنِ ابْنِ أَبي نَجْرانَ، عَنْ سَيْفٍ التَّمّارِ قالَ: سَمِعْتُ أَبا عَبْدِاللّٰهِ عليه السّلام يَقُولُ:



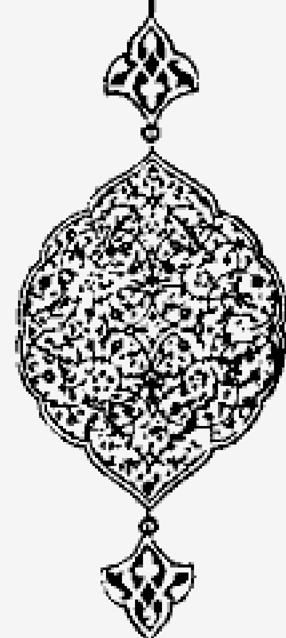
نیست از آنکه از عبادتش تکبّر ورزد و درخواست نکند آنچه را نزد او است.

۳ ـ از میسر بن عبد العزیز که امام صادق (ع) به من فرمود:
ای میسر! دعا کن و مگو که امر گذشته است، راستی در نزد خدا عزوجل مقامی است که بدان نتوان رسید جز به درخواست، اگر چنانچه بنده‌ای دهان خود بندد و درخواستی نکند چیزی به او داده نشود، تو درخواست کن تا به تو بدهند، ای میسر! هیچ دری کوبیده نشود جز آنکه در معرض آن قرار گیرد که به روی کوبندهٔ خود باز شود. [۲]

۴ ـ از امام صادق (ع)، فرمود:
هر که از فضل خدا عزوجل خواستار نشود، محققاً نیازمند و فقیر گردد.

۵ ـ از حماد بن عیسی، گوید: شنیدم امام صادق (ع) می‌فرمود:
دعا کن و مگو کارها تمام شده است، زیرا دعا، همان عبادت است، زیرا خدا عزوجل فرماید (۶۰ سوره مؤمن): «راستی آن کسانی که تکبر ورزند از عبادتم به زودی خوار و زبون به دوزخ می‌روند» و هم فرموده است (۶۰ سوره مؤمن): «مرا بخوانید تا برای شما اجابت کنم».

۶ ـ از سیف تمار، گوید: شنیدم امام صادق (ع) می‌فرمود:
بچسبید به دعاء، زیرا شما به هیچ کرداری به مانند آن مقرّب به خدا نشوید و هیچ حاجت کوچکی را برای آنکه کوچک است



عَلَيْكُمْ بِالدُّعاءِ فَإِنَّكُمْ لا تُقَرَّبُونَ بِمِثْلِهِ وَلا تَتْرُكُوا صَغِيرَةً لِصِغَرِها أَنْ تَدْعُوا بِها، إِنَّ صاحِبَ الصِّغارِ هُوَ صاحِبُ الْكِبارِ.

٧ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسىٰ، عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ، عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ، عَنِ الْقاسِمِ بْنِ سُلَيْمانَ، عَنْ عُبَيْدِ بْنِ زُرارَةَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ رَجُلٍ قالَ: قالَ أَبُو عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام: الدُّعاءُ هُوَ الْعِبادَةُ الَّتِي قالَ اللّٰهُ عَزَّ وَجَلَّ: ((إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبادَتِي...)) الْآيَةَ ادْعُ اللّٰهَ عَزَّ وَجَلَّ وَلا تَقُلْ: إِنَّ الْأَمْرَ قَدْ فُرِغَ مِنْهُ.

قالَ زُرارَةُ: إِنَّما يَعْنِي لا يَمْنَعُكَ إِيمانُكَ بِالْقَضاءِ وَالْقَدَرِ أَنْ تُبالِغَ بِالدُّعاءِ وَتَجْتَهِدَ فِيهِ ـ أَوْ كَما قالَ ـ.

٨ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيادٍ، عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيِّ، عَنِ ابْنِ الْقَدّاحِ، عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: قالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلام: أَحَبُّ الْأَعْمالِ إِلَى اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي الْأَرْضِ الدُّعاءُ وَأَفْضَلُ الْعِبادَةِ الْعَفافُ، قالَ: وَكانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ رَجُلاً دَعّاءً.

وانهید که برای آن به درگاه خدا دعا کنید! زیرا آنکه کوچکها را دارد، همان است که بزرگها را دارد.

۷ ـ امام صادق (ع) فرمود: به راستی دعا، همان عبادت است که خدا عزوجل فرماید (۶۰ سوره مؤمن): «راستی آن کسانی که تکبّر ورزند از عبادتم[(به زودی خوار و زبون در دوزخ در آیند)] الآیه.
به درگاه خدا عزوجل دعا کن و مگو که کارها تمام شده، زراره گفت: یعنی عقیدهٔ تو به قضا و قدر تو را باز ندارد از اینکه دعا کنی بااصرار و بکوشی در آن ـ یا همچنان که گفت.



۸ ـ امام صادق (ع) فرمود: امیر المؤمنین (ع) فرموده:
دوست‌ترین کارهای در زمین به خدا عزوجل، دعاء است و بهترین عبادت، پارسائی است وفرمود: امیرالمؤمنین (ع) پر دعا کن بود. [۳]



بابُ أنَّ الدُّعاءَ سِلاحُ الْمُؤْمِنِ

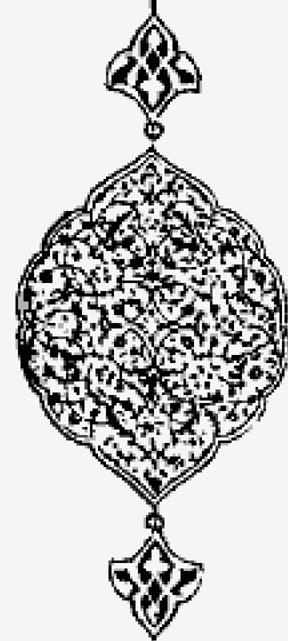
١ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحمَّدِ بْنِ خالِدٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ فَضالَةَ بْنِ أَيُّوب، عَنِ السَّكُونِيِّ، عَنْ أَبي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: قالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّىٰ اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّم: الدُّعاءُ سِلاحُ الْمُؤْمِنِ وَعَمُودُ الدِّينِ وَنُورُ السَّماواتِ وَالْأَرْضِ.

٢ ـ وَبِهذَا الْإِسْنادِ قالَ أَميرُ الْمُؤْمِنينَ عَلَيْهِ السَّلام: الدُّعاءُ مَفاتِيحُ النَّجاحِ وَمَقالِيدُ الْفَلاحِ وَخَيْرُ الدُّعاءِ ما صَدَرَ عَنْ صَدْرٍ نَقِيٍّ وَقَلْبٍ تَقِيٍّ، وَفِي الْمُناجاةِ سَبَبُ النَّجاةِ وَبِالْإِخْلاصِ يَكُونُ الْخَلاصُ فَإِذَا اشْتَدَّ الْفَزَعُ فَإِلَى اللّٰهِ الْمَفْزَعُ.

٣ ـ وَبِإِسْنادِهِ قالَ: قالَ النَّبِيُّ صَلَّىٰ اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّم: أَلا أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ سِلاحٍ يُنْجِيكُمْ مِنْ أَعْدائِكُمْ وَيُدِرُّ أَرْزاقَكُمْ؟

قالُوا: بَلىٰ، قالَ:

تَدْعُونَ رَبَّكُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهارِ، فَإِنَّ سِلاحَ الْمُؤْمِنِ الدُّعاءُ.



٤ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيادٍ، عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيِّ، عَنِ ابْنِ الْقَدّاحِ، عَنْ أَبي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: قالَ أَميرُ الْمُؤْمِنينَ عَلَيْهِ السَّلامُ: الدُّعاءُ تُرْسُ الْمُؤْمِنِ وَمَتىٰ تُكْثِرْ قَرْعَ الْبابِ يُفْتَحْ لَكَ.



باب در اینکه دعاء سلاح مؤمن است

۱ ـ از امام صادق (ع)، فرمود:

دعاء، سلاح مؤمن و ستون دین و نور آسمانها و زمین است.

۲ ـ امیر المؤمنین (ع) فرمود:

دعاء، کلیدهای نجات و کامیابی و گنجینه‌های رستگاری است و بهترین دعاء آن دعاء است که از سینه‌ای پاک و دلی پرهیزکار بر آید، در مناجات سبب نجات است و بااخلاص خلاصی آید وچون بی‌تابی سخت گردد، پناه‌جوئی به درگاه خدا است.

۳ ـ پیغمبر (ص) فرمود:

آیا شما را به سلاحی رهنمائی نکنم که از دشمنتان نجات بخشد و روزی شما را فراوان و سرشار کند؟ گفتند: چرا، فرمود: به درگاه پروردگارتان در شب و روز دعا کنید، زیرا سلاح مؤمن دعاء است.

٤ ـ از امام صادق (ع)، فرمود:

دعاء، سپر مؤمن است و هر زمانی که بسیار در را کوبیدی به روی تو باز می‌شود.



٥ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ ابْنِ فَضّالٍ، عَنْ بَعْضِ أَصْحابِنا، عَنِ الرِّضا عَلَيْهِ السَّلام أَنَّهُ كانَ يَقُولُ لِأَصْحابِهِ: عَلَيْكُمْ بِسِلاحِ الْأَنْبِياءِ، فَقِيلَ: وَما سِلاحُ الْأَنْبِياءِ؟ قالَ: الدُّعاءُ.

٦ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ عَبْدِاللّٰهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ، عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْبَجَلِيِّ قالَ: قالَ أَبُو عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام: إِنَّ الدُّعاءَ أَنْفَذُ مِنَ السِّنانِ.

٧ ـ عَنْهُ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ، عَنْ عَبْدِاللّٰهِ بْنِ سِنانٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: الدُّعاءُ أَنْفَذُ مِنَ السِّنانِ الْحَدِيدِ.

بابُ أَنَّ الدُّعاءَ يَرُدُّ الْبَلاءَ وَالْقَضاءَ

١ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ، عَنْ حَمّادِ بْنِ عُثْمانَ قالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ: إِنَّ الدُّعاءَ يَرُدُّ الْقَضاءَ يَنْقُضُهُ كَما يُنْقَضُ السِّلْكُ وَقَدْ أُبْرِمَ إِبْراماً.

٢ ـ عَنْهُ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ، عَنْ هِشامِ بْنِ سالِمٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ قالَ: سَمِعْتُ أَبا الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلام يَقُولُ: إِنَّ الدُّعاءَ يَرُدُّ ما قَدْ قُدِّرَ وَما لَمْ يُقَدَّرْ، قُلْتُ وَما قَدْ قُدِّرَ عَرَفْتُهُ فَما لَمْ يُقَدَّرْ؟ قالَ: حَتّىٰ لا يَكُونَ.



۵ ـ از امام رضا(ع) که به یاران خود می‌فرمود:
بچسبید به اسلحهٔ پیغمبران، به او عرض شد که: سلاح پیغمبران چیست؟ فرمود: دعاء است.

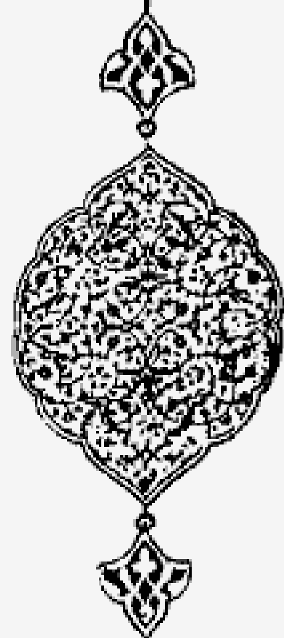
۶ ـ امام صادق (ع) فرمود:
دعا از نیزهٔ آهنین نافذتر است.

۷ ـ امام صادق (ع) فرمود:
دعاء نافذتر است از نیزهٔ آهنین. [٤]

باب در اینکه دعا بلا و قضاء را ردّ می‌کند

۱ ـ از حماد بن عثمان، گوید: شنیدم که می‌فرمود:
راستی دعاء قضاء را بر می‌گرداند و آن را وا می‌تابد چنانچه رشتهٔ نخ واتاب شود بااینکه به سختی تأبیده شده است.

۲ ـ از عمر بن یزید، گوید: از ابی الحسن شنیدم می‌فرمود:
راستی دعا بر می‌گرداند آنچه را مقدّر شده و آنچه را هم مقدّر نشده، گفتم: آنچه را مقدّر شده فهمیده‌ام، بفرمائید آنچه مقدّر نشده است چیست؟ فرمود: تا اینکه تقدیری برای آن نشود. [۵]





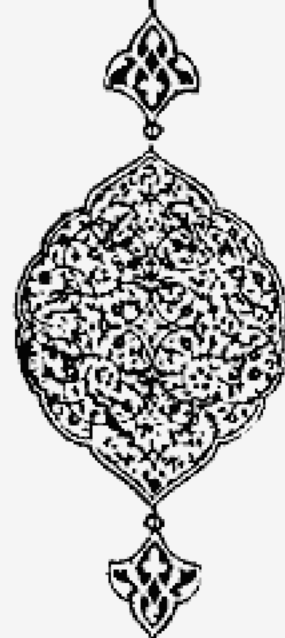
٣ ـ أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِالْجَبَّارِ، عَنْ صَفْوانَ، عَنْ بِسْطامٍ الزَّيّاتِ، عَنْ أَبي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلامُ قالَ: إِنَّ الدُّعاءَ يَرُدُّ الْقَضاءَ وَقَدْ نَزَلَ مِنَ السَّماءِ وَقَدْ أُبْرِمَ إِبْراماً.

٤ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ [أَحْمَدَ بْنِ] مُحَمَّدِ بْنِ عِيسىٰ، عَنْ أَبي هَمّامٍ إِسْماعِيلَ بْنِ هَمّامٍ، عَنِ الرِّضا عَلَيْهِ السَّلامُ قالَ: قالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلامُ: إِنَّ الدُّعاءَ وَالْبَلاءَ لَيَتَرافَقانِ إِلىٰ يَوْمِ الْقِيامَةِ، إِنَّ الدُّعاءَ لَيَرُدُّ الْبَلاءَ وَقَدْ أُبْرِمَ إِبْراماً.

٥ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيادٍ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشّاءِ، عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلامُ قالَ: كانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلامُ يَقُولُ: الدُّعاءُ يَدْفَعُ الْبَلاءَ النّازِلَ وَما لَمْ يَنْزِلْ.

٦ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ حَمّادِ بْنِ عِيسىٰ، عَنْ حَرِيزٍ، عَنْ زُرارَةَ، عَنْ أَبي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلامُ قالَ: قالَ لِي: أَلا أَدُلُّكَ عَلىٰ شَيْءٍ لَمْ يَسْتَثْنِ فِيهِ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ؟ قُلْتُ: بَلىٰ، قالَ: الدُّعاءُ يَرُدُّ الْقَضاءَ وَقَدْ أُبْرِمَ إِبْراماً ـ وَضَمَّ أَصابِعَهُ ـ.

٧ ـ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ، عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنِ الْوَشّاءِ، عَنْ عَبْدِاللّٰهِ بْنِ سِنانٍ، قالَ: سَمِعْتُ أَبا عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلامُ يَقُولُ: الدُّعاءُ يَرُدُّ الْقَضاءَ بَعْدَ ما أُبْرِمَ إِبْراماً، فَأَكْثِرْ مِنَ الدُّعاءِ فَإِنَّهُ مِفْتاحُ كُلِّ رَحْمَةٍ وَنَجاحُ كُلِّ حاجَةٍ وَلا يُنالُ ما عِنْدَ اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ إِلّا بِالدُّعاءِ وَإِنَّهُ لَيْسَ بابٌ يُكْثَرُ قَرْعُهُ إِلّا يُوشِكُ أَنْ يُفْتَحَ لِصاحِبِهِ.





۳ ـ از امام صادق (ع)، فرمود:

راستی دعا بر می‌گرداند قضائی که از آسمان فرود شده وبه سختی ابرام شده است.

٤ ـ از امام رضا (ع) که علی بن الحسین (ع) فرمود:

به راستی که دعاء و بلاء تا روز قیامت با یکدیگر رفیق باشند و محققاً دعاء بر می‌گرداند بلای مبرم را. [٦]

۵ ـ از ابی الحسن (ع)، فرمود: علی بن الحسین (ع) می‌فرمود:

دعاء، بلائی را که نازل شده و نازل نشده دفع می‌کند.

٦ ـ از زراره، از امام باقر (ع) گوید: به من فرمود:

تو را دلالت نکنم بر چیزی که رسول خدا (ص) در آن استثنائی نزده است؟ گفتم: چرا، فرمود: دعاء است که قضاء مبرم سخت را بر می‌گرداند و انگشتانش را به هم چسبانید. [۷]

۷ ـ از عبد الله بن سنان، گوید: شنیدم امام صادق (ع) می‌فرمود: دعاء، قضائی که سخت مبرم شده برمی‌گرداند، بسیار دعا کن که کلید هر رحمت و کامیابی است برای هر حاجت، وبدانچه نزد خدا عزوجل است نتوان رسید جز به دعاء و راستش این است که هیچ دری را فراوان نکوبند جز اینکه زمینه فراهم شود تا به روی کوبنده‌اش باز گردد.



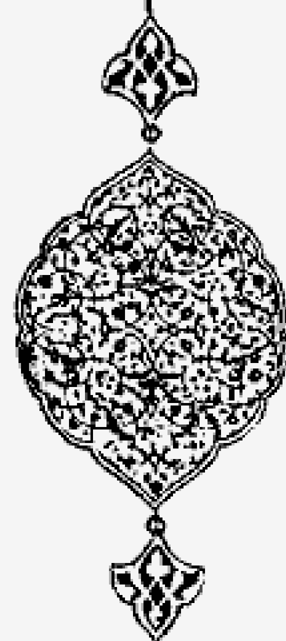
٨ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسىٰ، عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ، عَنْ أَبِي وَلّادٍ قالَ: قالَ أَبُو الْحَسَنِ مُوسىٰ عليه السّلام: عَلَيْكُمْ بِالدُّعاءِ فَإِنَّ الدُّعاءَ لِلّٰهِ وَالطَّلَبَ إِلَى اللّٰهِ يَرُدُّ الْبَلاءَ وَقَدْ قُدِّرَ وَقُضِيَ وَلَمْ يَبْقَ إِلّا إِمْضاؤُهُ، فَإِذا دُعِيَ اللّٰهُ عَزَّ وَجَلَّ وَسُئِلَ صُرِفَ الْبَلاءُ صَرْفَةً.

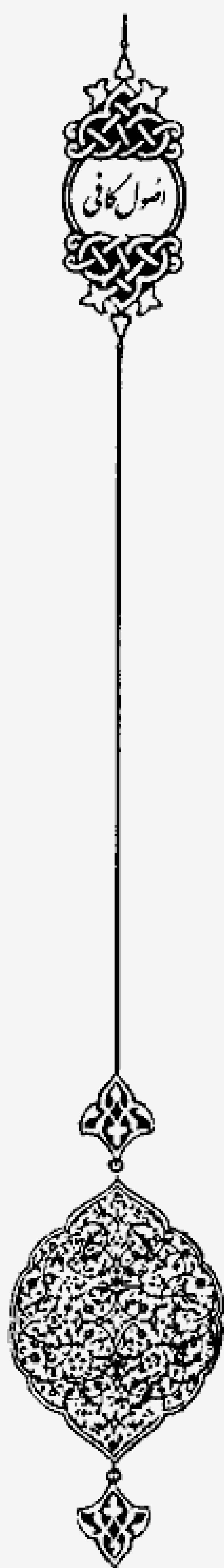
٩ ـ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ، رَفَعَهُ، عَنْ إِسْحاقَ بْنِ عَمّارٍ، قالَ: قالَ أَبُو عَبْدِاللّٰهِ عليه السّلام:

إِنَّ اللّٰهَ عَزَّ وَجَلَّ لَيَدْفَعُ بِالدُّعاءِ الْأَمْرَ الَّذِي عَلِمَهُ أَنْ يُدْعىٰ لَهُ فَيَسْتَجِيبُ وَلَوْلا ما وُفِّقَ الْعَبْدُ مِنْ ذٰلِكَ الدُّعاءِ لَأَصابَهُ مِنْهُ ما يَجُثُّهُ مِنْ جَدِيدِ الْأَرْضِ.

بابُ أَنَّ الدُّعاءَ شِفاءٌ مِنْ كُلِّ داءٍ

١ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ، عَنْ أَسْباطِ بْنِ سالِمٍ، عَنْ عَلاءِ بْنِ كامِلٍ قالَ: قالَ لِي أَبُو عَبْدِاللّٰهِ عليه السّلام: عَلَيْكَ بِالدُّعاءِ فَإِنَّهُ شِفاءٌ مِنْ كُلِّ داءٍ.





۸ ـ از ابی ولاد، گوید: امام کاظم (ع) فرمود:
بچسبید به دعاء، زیرا دعاء به درگاه خدا و دست طلب به آستان خدا بر می‌گرداند بلائی را که مقدّر شده وبدان حکم صادر شده و نمانده است مگر اجرای آن وچون خدا عزوجل خوانده شود و از او درخواست گردد یک باره آن را بر گرداند.

۹ ـ از امام صادق (ع)، فرمود:
راستی خدای عزوجل هر آینه دفع کند به وسیلهٔ دعاء کردن هر آنچه را که می‌داند،اگر به درگاه او دعا شود، اجابت خواهد کرد واگر نباشد که بنده موفّق شود برای دعاء و خواهش دفاع از آن به درگاه خدا، به او بلائی رسد که او را از روی زمین ریشه کن کند. [۸]

باب در اینکه دعا درمان هر دردی است

۱ ـ از علاء بن کامل، گوید: امام صادق (ع) به من فرمود:
بچسب به دعاء، زیرا دعاء درمان هر دردی است. [۹]



بابُ أَنَّ مَنْ دَعَا اسْتُجِيبَ لَهُ

١ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسىٰ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ، عَنْ عَبْدِاللّٰهِ بْنِ مَيْمُونٍ الْقَدّٰاحِ، عَنْ أَبي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: الدُّعاءُ كَهْفُ الْإِجابَةِ كَما أَنَّ السَّحابَ كَهْفُ الْمَطَرِ.

٢ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيادٍ، عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيِّ، عَنِ ابْنِ الْقَدّٰاحِ، عَنْ أَبي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: ما أَبْرَزَ عَبْدٌ يَدَهُ إِلَى اللّٰهِ الْعَزِيزِ الْجَبّٰارِ إِلّٰا اسْتَحْيَا اللّٰهُ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ يَرُدَّها صِفْراً حَتّىٰ يَجْعَلَ فِيها مِنْ فَضْلِ رَحْمَتِهِ ما يَشاءُ، فَإِذا دَعا أَحَدُكُمْ فَلا يَرُدُّ يَدَهُ حَتّىٰ يَمْسَحَ عَلىٰ وَجْهِهِ وَرَأْسِهِ.

بابُ إِلْهامِ الدُّعاءِ

١ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ ابْنِ أَبي عُمَيْرٍ، عَنْ هِشامِ بْنِ سالِمٍ قالَ: قالَ أَبُو عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام: هَلْ تَعْرِفُونَ طُولَ الْبَلاءِ مِنْ



باب هر که دعا کند برای او اجابت شود

۱ ـ از امام صادق (ع)، فرمود:
دعا، پایگاه اجابت است چنانچه ابر پایگاه باران است.

۲ ـ امام صادق (ع) فرمود:
هیچ بنده دست به درگاه خدای عزیز جبّار بر نیاورد جز اینکه خدا عزوجل شرم دارد از اینکه آن را تهی بر گرداند تا از فضل رحمت خود در آن بنهد وهرگاه یکی از شماها دعاء کرد، دستش را بر نگرداند تا آن را به روی و سر خود بکشد. [۱۰]

باب الهام دعا

۱ ـ از هشام بن سالم، گوید: امام صادق (ع) فرمود:
آیا می‌دانید بلاء، طولانی است یا کوتاه است؟ گفتم: نه،



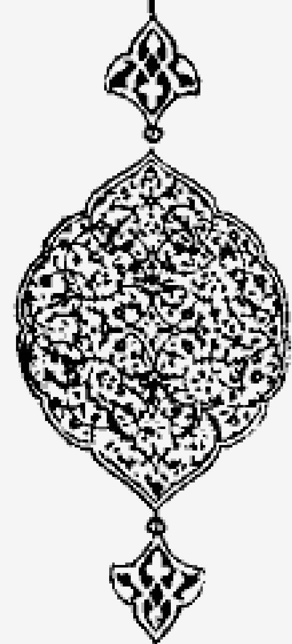
قِصَرِهِ؟ قُلْنا: إذا أُلْهِمَ أَحَدُ [كُمْ] الدُّعاءَ عِنْدَ الْبَلاءِ فَاعْلَمُوا أَنَّ الْبَلاءَ قَصِيرٌ.

٢ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسىٰ، عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ، عَنْ أَبِي وَلّادٍ قالَ: قالَ أَبُو الْحَسَنِ مُوسىٰ عَلَيْهِ السَّلام: ما مِنْ بَلاءٍ يَنْزِلُ عَلىٰ عَبْدٍ مُؤْمِنٍ فَيُلْهِمُهُ اللّٰهُ عَزَّ وَجَلَّ الدُّعاءَ إلّا كانَ كَشْفُ ذٰلِكَ الْبَلاءِ وَشِيكاً وَما مِنْ بَلاءٍ يَنْزِلُ عَلىٰ عَبْدٍ مُؤْمِنٍ فَيُمْسِكُ عَنِ الدُّعاءِ إلّا كانَ ذٰلِكَ الْبَلاءُ طَوِيلاً فَإذا نَزَلَ الْبَلاءُ فَعَلَيْكُمْ بِالدُّعاءِ وَالتَّضَرُّعِ إلَى اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ.

بابُ التَّقَدُّمِ فِي الدُّعاءِ

١ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسىٰ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ، عَنْ هِشامِ بْنِ سالِمٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: مَنْ تَقَدَّمَ فِي الدُّعاءِ اسْتُجِيبَ لَهُ إذا نَزَلَ بِهِ الْبَلاءُ، وَقالَتِ الْمَلائِكَةُ: صَوْتٌ مَعْرُوفٌ، وَلَمْ يُحْجَبْ عَنِ السَّماءِ وَمَنْ لَمْ يَتَقَدَّمْ فِي الدُّعاءِ لَمْ يُسْتَجَبْ لَهُ إذا نَزَلَ بِهِ الْبَلاءُ، وَقالَتِ الْمَلائِكَةُ: إنَّ ذَا الصَّوْتَ لا نَعْرِفُهُ.

٢ ـ عَلِيُّ بْنُ إبْراهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ حَمّادِ بْنِ عِيسىٰ، عَنِ ابْنِ





فرمود: چون به هر کدام شما که مبتلا شدید، الهام شد که دعا کنید، بدانید که مدت بلاء کوتاه است.

۲ ـ از ابی ولاد، گوید: امام کاظم(ع) فرمود:

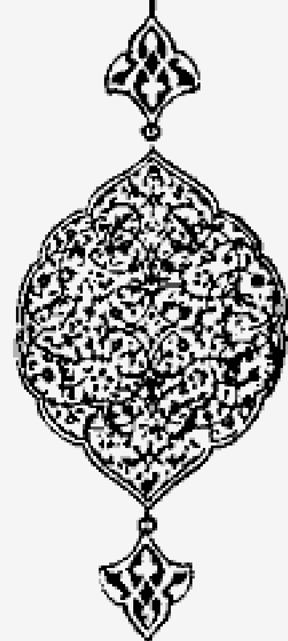
هیچ بلائی بر بندهٔ مؤمن نازل نشود که خدا عزوجل بدو الهام بخشد تا دعا کند جز اینکه بر طرف شدن آن بلا نزدیک است و هیچ بلائی بر بندهٔ مؤمن نازل نشود که از دعا کردن خودداری کند جز اینکه بلا طولانی باشد، پس هرگاه بلا نازل شد، بر شما باد که دعا کنید و زاری کنید به درگاه خدا عزوجل.



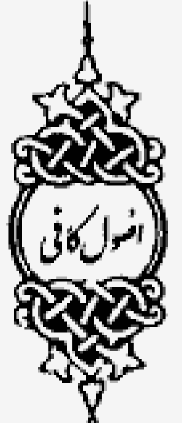
باب پیشدستی کردن به دعا

۱ ـ از امام صادق (ع)، فرمود:

هرکه به دعا پیشدستی کند، بلا که به او نازل شد دعایش مستجاب گردد و فرشته‌ها گویند: ما این آواز را می‌شناسیم و از آسمان ممنوع نگردد، وهرکه به دعا پیشدستی نکند، وقتی بلا به او نازل شود و دعا کند دعایش مستجاب نگردد وفرشته‌ها گویند: راستی مااین آواز را نشناسیم.



۲ ـ امام صادق (ع) فرمود:



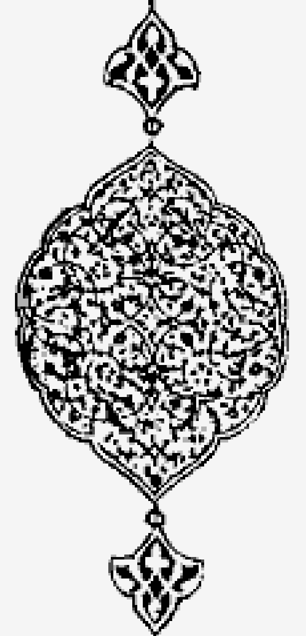
سِنانٍ، عَنْ عَنْبَسَةَ، عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: مَنْ تَخَوَّفَ [مِنْ] بَلاءٍ يُصِيبُهُ فَتَقَدَّمَ فِيهِ بِالدُّعاءِ لَمْ يُرِهِ اللّٰهُ عَزَّ وَجَلَّ ذٰلِكَ الْبَلاءَ أَبداً.

٣ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خالِدٍ، عَنْ إِسْماعِيلَ بْنِ مِهْرانَ، عَنْ مَنْصُورِ بْنِ يُونُسَ، عَنْ هارُونَ بْنِ خارِجَةَ، عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: إِنَّ الدُّعاءَ فِي الرَّخاءِ يَسْتَخْرِجُ الْحَوائِجَ فِي الْبَلاءِ.

٤ ـ عَنْهُ، عَنْ عُثْمانَ بْنِ عِيسىٰ، عَنْ سَماعَةَ قالَ: قالَ أَبُو عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام: مَنْ سَرَّهُ أَنْ يُسْتَجابَ لَهُ فِي الشِّدَّةِ فَلْيُكْثِرِ الدُّعاءَ فِي الرَّخاءِ.

٥ ـ عَنْهُ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ عُبَيْدِاللّٰهِ بْنِ يَحْيىٰ، عَنْ رَجُلٍ، عَنْ عَبْدِالْحَمِيدِ بْنِ غَوّاصٍ الطّائِيِّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: كانَ جَدِّي يَقُولُ: تَقَدَّمُوا فِي الدُّعاءِ فَإِنَّ الْعَبْدَ إِذا كانَ دَعّاءً فَنَزَلَ بِهِ الْبَلاءُ فَدَعا، قِيلَ: صَوْتٌ مَعْرُوفٌ، وَإِذا لَمْ يَكُنْ دَعّاءً فَنَزَلَ بِهِ بَلاءٌ فَدَعا، قِيلَ: أَيْنَ كُنْتَ قَبْلَ الْيَوْمِ.

٦ ـ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ، عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنِ الْوَشّاءِ، عَمَّنْ حَدَّثَهُ، عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: كانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِما السَّلام يَقُولُ: الدُّعاءُ بَعْدَ ما يَنْزِلُ الْبَلاءُ لا يُنْتَفَعُ [بِهِ].





هر که از بلائی‌ترسد که‌به‌او رسد وبوسیلهٔ دعااز گرفتاری‌بر‌آن پیشدستی کند،خدا عزوجل هرگز آن‌بلا را بدو ننماید.

۳ ـ امام صادق (ع) فرمود:

راستی دعا در حال آسایش و عافیت، نیازمندیهای حال بلا را بر می‌آورند (یعنی مانع نزول بلا می‌شود).

۴ ـ امام صادق (ع) فرمود:

هر که را خوش آید که در حال سختی دعایش به اجابت رسد، باید در حال راحتی بسیار دعا کند.

۵ ـ از امام صادق (ع) که جدّم می‌فرمود:

به دعا پیشدستی کنید (یعنی تا گرفتار نشدید دعا کنید) زیرا هرگاه بنده‌ای بسیار دعا کند و بلائی به او رسد و دعا کند، گفته شود: آواز معروفی است، و هرگاه پر دعا نکند و بلائی به او رسد و برای رفع آن دعا کند، گفته شود: تا امروز کجا بودی؟

۶ ـ از امام کاظم (ع) که علی بن الحسین (ع) بسیار می‌فرمود:

دعا کردن پس از نازل شدن بلاء، سودی ندارد. [11]

بابُ الْيَقِينِ فِي الدُّعاء

١ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ ابْنِ أَبي عُمَيْرٍ، عَنْ سُلَيْمٍ الْفَرّاءِ، عَمَّنْ حَدَّثَهُ، عَنْ أَبي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: إِذا دَعَوْتَ فَظُنَّ أَنَّ حاجَتَكَ بِالْبابِ.

بابُ الْإِقْبالِ عَلَى الدُّعاءِ

١ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ ابْنِ أَبي عُمَيْرٍ، عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ، عَنْ سُلَيْمانَ بْنِ عَمْرٍو قالَ: سَمِعْتُ أَبا عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام يَقُولُ:

إِنَّ اللّٰهَ عَزَّ وَجَلَّ لا يَسْتَجِيبُ دُعاءً بِظَهْرِ قَلْبٍ ساهٍ فَإِذا دَعَوْتَ فَأَقْبِلْ بِقَلْبِكَ ثُمَّ اسْتَيْقِنْ بِالْإِجابَةِ.

٢ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيادٍ، عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيِّ، عَنِ ابْنِ الْقَدّاحِ، عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: قالَ أَميرُ الْمُؤْمِنينَ صَلَواتُ اللّٰهِ عَلَيْهِ: لا يَقْبَلُ اللّٰهُ عَزَّ وَجَلَّ دُعاءَ قَلْبٍ لاهٍ، وَكانَ



باب یقین داشتن و اعتماد به دعا

۱ ـ از امام صادق (ع)، فرمود:
هرگاه دعا کردی، بپندار که حاجتت بر در خانه آمده است. [۱۲]

باب اقبال به دعا

۱ ـ از سلیمان بن عمرو، گوید: شنیدم از امام صادق (ع) که می‌فرمود:
راستی خدا اجابت نکند دعائی را از روی در غافل، پس هرگاه دعا کردی از دل بخواه و دعا کن ویقین داشته باش که اجابت می‌شود.

۲ ـ امام صادق (ع) فرمود: امیر المؤمنین (ع) فرموده است:
خدا عزوجل دعای دل غافل و مشغول به خیالات باطله را نپذیرد، و علی (ع) را شیوه این بود که می‌فرمود:

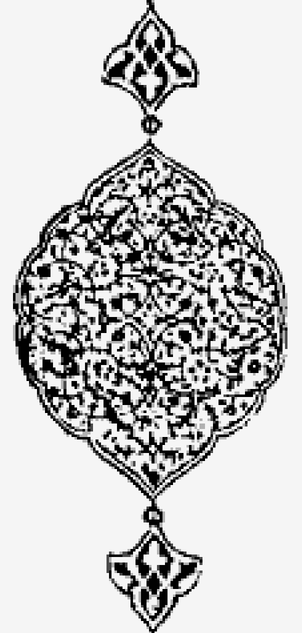


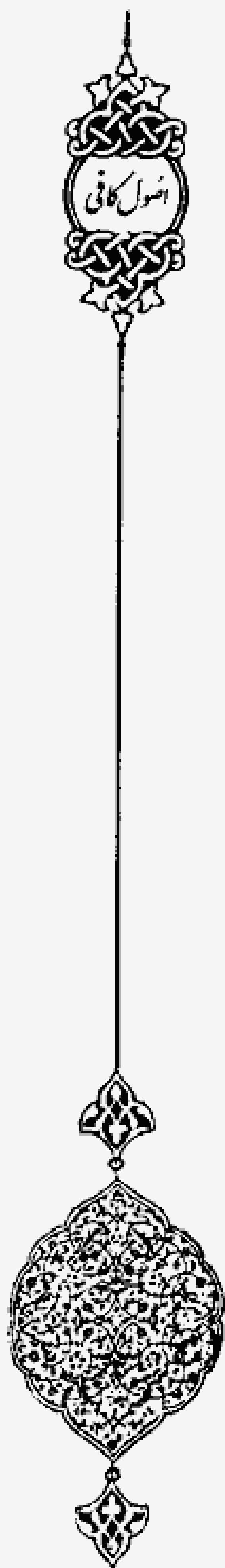
عَلِيٌّ عَلَيهِ السَّلام يَقُولُ: إذا دَعا أَحَدُكُمْ لِلْمَيِّتِ فَلا يَدْعُو لَهُ وَقَلْبُهُ لاهٍ عَنْهُ، وَلكِنْ لِيَجْتَهِدْ لَهُ فِي الدُّعاء.

٣ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسىٰ، عَنْ بَعْضِ أَصْحابِهِ، عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ، عَنْ سُلَيْمٍ الْفَرّاءِ، عَمَّنْ ذَكَرَهُ، عَنْ أَبي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيهِ السَّلام قالَ: إذا دَعَوْتَ فَأَقْبِلْ بِقَلْبِكَ وَظُنَّ حاجَتَكَ بِالْبابِ.

٤ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خالِدٍ، إسْماعِيلَ بْنِ مِهْرانَ، عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ، عَمَّنْ ذَكَرَهُ، عَنْ عَبْدِاللّٰهِ عَلَيهِ السَّلام قالَ: إنَّ اللّٰهَ عَزَّ وَجَلَّ لا يَسْتَجِيبُ دُعاءً بِظَهْرِ قَلْبٍ قاسٍ.

٥ ـ عَلِيُّ بْنُ إبْراهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ ابْنِ أَبي عُمَيْرٍ، عَنْ هِشامِ بْنِ الْحَكَمِ، عَنْ أَبي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيهِ السَّلام قالَ: لَمّا اسْتَسْقىٰ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللهُ عَلَيهِ وَآلِهِ وَسَلَّم وَسُقِيَ النّاسُ حَتّىٰ قالُوا: إنَّهُ الْغَرَقُ ـ وَقالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللهُ عَلَيهِ وَآلِهِ وَسَلَّم بِيَدِهِ وَرَدَّها: اَللّٰهُمَّ حَوالَيْنا وَلا عَلَيْنا قالَ: فَتَفَرَّقَ السَّحابُ ـ فَقالُوا: يا رَسُولَ اللّٰهِ اسْتَسْقَيْتَ لَنا فَلَمْ نُسْقَ ثُمَّ اسْتَسْقَيْتَ لَنا فَسُقِينا؟ قالَ: إنّي دَعَوْتُ وَلَيْسَ لِي فِي ذٰلِكَ نِيَّةٌ ثُمَّ دَعَوْتُ وَلِيَ فِي ذٰلِكَ نِيَّةٌ.





هرگاه یکی از شماها برای مرده‌ای دعا کند، در حالی دعا نکند که دل به او ندارد ولی در دعای به او از دل کوشد.

۳ ـ امام صادق (ع) فرمود:

هرگاه دعا کردی، دل را متوجه کن و پندار که حاجتت بر در خانه آمده است.

٤ ـ امام صادق (ع) فرمود:

راستی خدا عزوجل اجابت نکند دعا را از روی دل سخت و با قساوت.

۵ ـ امام صادق (ع) فرمود:

چون رسول خدا(ص) دعا کرد برای طلب باران و آن قدر برای مردم بارید که گفتند: غرق می‌شویم و رسول خدا(ص) با دست اشاره کرد و آن را باز گردانید، فرمود: در گرد ما باشد و بر سر ما نباشد، فرمود: پس ابرها متفرّق شدند، عرض کردند: یا رسول اللّٰه! یک بار برای ما طلب باران کردی و باران بر ما نبارید وسپس طلب باران کردی وباران بریا ما بارید؟ فرمود: راستی من دعا کردم و دل با آن نداشتم وسپس که دعا کردم از روی نیّت دل بود. [۱۲]



بابُ الإلحاحِ فِي الدُّعاءِ وَالتَّلَبُّثِ

١ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ، عَنْ حُسَيْنِ بْنِ عَطِيَّةَ، عَنْ عَبْدِالْعَزِيزِ الطَّوِيلِ قالَ: قالَ أَبُو عَبْدِاللّٰهِ عليه السلام: إِنَّ الْعَبْدَ إِذا دَعا لَمْ يَزَلِ اللّٰهُ تَبارَكَ وَتَعالىٰ فِي حاجَتِهِ ما لَمْ يَسْتَعْجِلْ.

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسىٰ، عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ، عَنْ حُسَيْنِ بْنِ عَطِيَّةَ، عَنْ عَبْدِالْعَزِيزِ الطَّوِيلِ، عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عليه السلام مِثْلَهُ.

٢ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسىٰ، وَعَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، جَمِيعاً، عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ، عَنْ هِشامِ بْنِ سالِمٍ وَحَفْصُ بْنُ الْبَخْتَرِيِّ وَغَيْرُهُما، عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عليه السلام قالَ: إِنَّ الْعَبْدَ إِذا عَجَّلَ لِحاجَتِهِ يَقُولُ اللّٰهُ تَبارَكَ وَتَعالىٰ: أَما يَعْلَمُ عَبْدِي أَنِّي أَنَا اللّٰهُ الَّذِي أَقْضِي الْحَوائِجَ؟.

٣ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ، عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوانَ، عَنِ الْوَلِيدِ بْنِ عُقْبَةَ الْهَجَرِيِّ قالَ: سَمِعْتُ أَبا جَعْفَرٍ عليه السلام يَقُولُ: وَاللّٰهِ لا يُلِحُّ عَبْدٌ مُؤْمِنٌ عَلَى اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي حاجَتِهِ إِلَّا قَضاها لَهُ.





باب اصرار در دعا و انتظار اجابت



۱ ـ امام صادق (ع) فرمود:

راستی هرگاه بنده دعا کند، پیوسته خدا تبارک وتعالی در کار حاجت او است تا آن بنده شتاب نکند.



۲ ـ امام صادق (ع) فرمود:

راستی چون بنده شتاب کند و برای حاجت خود برخیزد، خدا تبارک وتعالی می‌فرماید:

آیا بنده‌ام نداند که به راستی منم من خدائی که بر آورم حاجتها را. [۱٤]

۳ ـ از ولید بن عقبه هجری، گوید: شنیدم امام صادق (ع) می‌فرمود:

به خدا هیچ بنده‌ای در دعا اصرار نکند به درگاه خدا عزوجل برای حاجتش جز اینکه آن را بر آورد برایش.



٤ ـ عَنْهُ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسىٰ، عَنِ الْحَجّالِ، عَنْ حَسّانٍ، عَنْ أَبِي الصَّبّاحِ، عَنْ أَبي عَبْدِاللّٰهِ عليه السلام قالَ: إِنَّ اللّٰهَ عَزَّ وَجَلَّ كَرِهَ إِلْحاحَ النّاسِ بَعْضُهُمْ عَلىٰ بَعْضٍ فِي الْمَسْأَلَةِ وَأَحَبَّ ذٰلِكَ لِنَفْسِهِ، إِنَّ اللّٰهَ عَزَّ وَجَلَّ يُحِبُّ أَنْ يُسأَلَ وَيُطْلَبَ ما عِنْدَهُ.

٥ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ ابْنِ أَبي عُمَيْرٍ، عَنْ حُسَيْنٍ الْأَحْمَسِيِّ، عَنْ رَجُلٍ، عَنْ أَبي جَعْفَرٍ عليه السلام قالَ: لا وَاللّٰهِ لا يُلِحُّ عَبْدٌ عَلَى اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ إِلَّا اسْتَجابَ اللّٰهُ لَهُ.

٦ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيادٍ، عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيِّ، عَنِ ابْنِ الْقَدّاحِ، عَنْ أَبي عَبْدِاللّٰهِ عليه السلام قالَ: قالَ رَسُولُ اللّٰهِ صلّى الله عليه وآله وسلّم: رَحِمَ اللّٰهُ عَبْداً طَلَبَ مِنَ اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ حاجَةً فَأَلَحَّ فِي الدُّعاءِ اسْتُجِيبَ لَهُ أَوْ لَمْ يُسْتَجَبْ [لَهُ] وَتَلا هٰذِهِ الْآيَةَ: ((وَأَدْعُو رَبِّي عَسىٰ أَلّا أَكُونَ بِدُعاءِ رَبِّي شَقِيّاً)).

بابُ تَسْمِيَةِ الْحاجَةِ فِي الدُّعاءِ

١ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ ابْنِ أَبي عُمَيْرٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ الْفَرّاءِ، عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عليه السلام قالَ: إِنَّ اللّٰهَ تَبارَكَ وَتَعالىٰ يَعْلَمُ ما يُرِيدُ الْعَبْدُ إِذا دَعاهُ وَلٰكِنَّهُ يُحِبُّ أَنْ تُبَثَّ إِلَيْهِ الْحَوائِجُ فَإِذا



۴ ـ امام صادق (ع) فرمود:
خدا بد دارد که بنده‌ها بر یکدیگر در انجام حاجت اصرار ورزند و اصرار را نسبت به خودش دوست دارد، خدا عزوجل دوست می‌دارد که از او درخواست شود و آنچه نزد او است خواهش شود.

۵ ـ از امام باقر (ع)، فرمود:
نه به خدا سوگند که هیچ بنده به درگاه خدا اصرار نورزد جز اینکه خدا برای او اجابت کند.

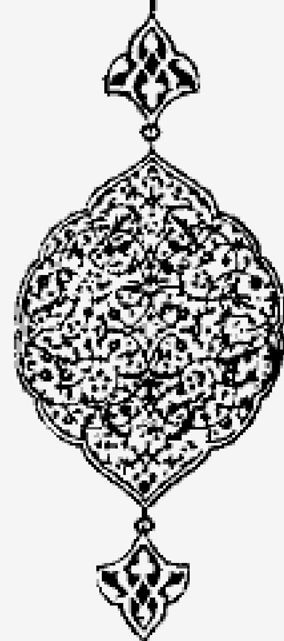
۶ ـ امام صادق (ع) فرمود: رسول خدا (ص) فرموده:
رحمت کند خدا بنده‌ای را که حاجتی از خدا عزوجل بخواهد و در بارهٔ آن اصرار ورزد، چه اجابت شود و چه اجابت نشود و این آیه را خواند (۴۸ سوره مریم): «و دعا کنم به درگاه پروردگارم به امید اینکه در دعا به درگاه پروردگارم بدبخت نباشم».[۱۵]



باب نام بردن حاجت در دعا



۱ ـ از ابی عبدالله فراء، از امام صادق (ع) فرمود:
راستی خدا تبارک وتعالی می‌داند که بنده هرگاه به درگاهش دعا کند چه می‌خواهد ولی او دوستدارد که حوائج به



دَعَوْتَ فَسَمِّ حاجَتَكَ.

وَفي حَديثٍ آخَرَ قالَ:

قالَ: إِنَّ اللّٰهَ عَزَّ وَجَلَّ يَعْلَمُ حاجَتَكَ وَما تُريدُ وَلٰكِنْ يُحِبُّ أَنْ تُـبَـثَّ إِلَيْهِ الْحَوائِجُ.

بابُ إِخْفاءِ الدُّعاءِ

١ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عيسىٰ، عَنْ أَبي هَمّامٍ إِسْماعيلَ بْنِ هَمّامٍ، عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضا عليه السّلام قالَ: دَعْوَةُ الْعَبْدِ سِرّاً دَعْوَةً واحِدَةً تَعْدِلُ سَبْعينَ دَعْوَةً عَلانِيَةً.

وَفي رِوايَةٍ أُخْرىٰ: دَعْوَةٌ تُخْفيها أَفْضَلُ عِنْدَ اللّٰهِ مِنْ سَبْعينَ دَعْوَةً تُظْهِرُها.

بابُ الْأَوْقاتِ وَالْحالاتِ الَّتي تُرْجىٰ فيهَا الْإِجابَةُ

١ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خالِدٍ، عَنْ

درگاه او شرح داده شود، پس چون به درگاه او دعا کردی، حاجتت را نام ببر.

و در حدیث دیگر فرمود: راستی خدا عزوجل حاجت تو را می‌داند و آنچه را می‌خواهی هم می‌داند ولی دوست دارد که هر حاجتی برای او شرح داده شود.



باب نهان داشتن دعا



۱ ـ از امام رضا(ع)، فرمود:

یک دعای بنده در نهانی برابر است با هفتاد دعای عیانی.

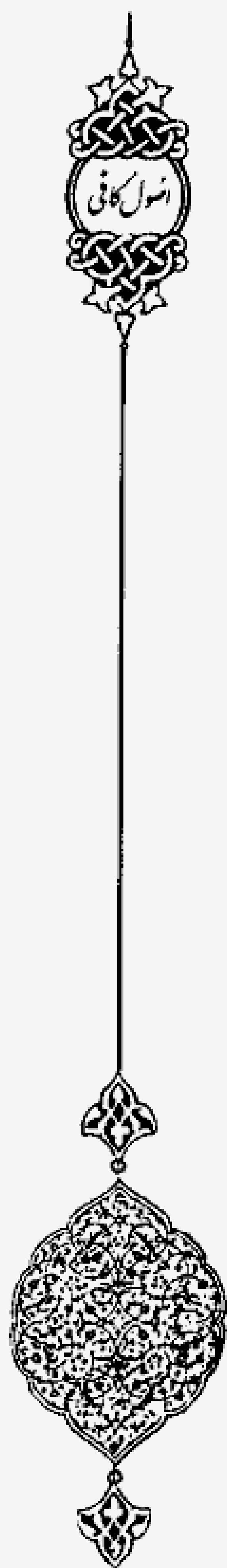
و در روایت دیگر است که: یک دعا را نهان داری بهتر است نزد خدا از هفتاد دعا که آشکار سازی. [۱۶]



باب در اوقاتی که امید اجابت دعا دارند



۱ ـ از زید شحّام، گوید: امام صادق (ع) فرمود:





يَحْيَىٰ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَبِي الْبِلادِ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ زَيْدٍ الشَّحَّامِ قالَ: قالَ أَبُو عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام:

اطْلُبُوا الدُّعاءَ فِي أَرْبَعِ ساعاتٍ: عِنْدَ هُبُوبِ الرِّياحِ وَزَوالِ الْأَفْياءِ وَنُزُولِ الْقَطْرِ وَأَوَّلِ قَطْرَةٍ مِنْ دَمِ الْقَتِيلِ الْمُؤْمِنِ فَإِنَّ أَبْوابَ السَّماءِ تُفْتَحُ عِنْدَ هٰذِهِ الْأَشْياءِ.

٢ ـ عَنْهُ، عَنْ أَبِيهِ وَغَيْرُهُ، عَنِ الْقاسِمِ بْنِ عُرْوَةَ، عَنْ أَبِي الْعَبّاسِ فَضْلِ الْبَقْباقِ قالَ: قالَ أَبُو عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام: يُسْتَجابُ الدُّعاءُ فِي أَرْبَعَةِ مَواطِنَ: فِي الْوَتْرِ وَبَعْدَ الْفَجْرِ وَبَعْدَ الظُّهْرِ وَبَعْدَ الْمَغْرِبِ.

٣ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ النَّوْفَلِيِّ، عَنِ السَّكُونِيِّ، عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: قالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلام: اغْتَنِمُوا الدُّعاءَ عِنْدَ أَرْبَعٍ: عِنْدَ قِراءَةِ الْقُرْآنِ وَعِنْدَ الْأَذانِ، وَعِنْدَ نُزُولِ الْغَيْثِ، وَعِنْدَ الْتِقاءِ الصَّفَّيْنِ لِلشَّهادَةِ.

٤ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ، عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرّاجٍ، عَنْ عَبْدِاللّٰهِ بْنِ عَطاءٍ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: كانَ أَبِي إِذا كانَتْ لَهُ إِلَى اللّٰهِ حاجَةٌ طَلَبَها فِي هٰذِهِ السّاعَةِ، يَعْنِي زَوالَ الشَّمْسِ.

٥ ـ عَنْهُ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ حَمّادِ بْنِ عِيسَىٰ، عَنْ حُسَيْنِ بْنِ الْمُخْتارِ، عَنْ أَبِي بَصِيرٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: إِذا رَقَّ

دعا را در چهار گاه بجوئید و بدان بپوئید:

۱ ـ نزد وزیدن بادها.

۲ ـ نزد زوال سایه‌ها (هنگام ظهر).

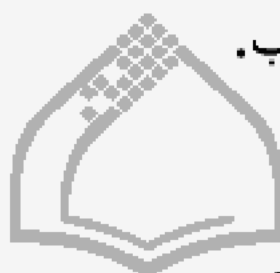
۳ ـ نزد فرود شدن باران.

٤ ـ هنگام ریختن اول قطرهٔ خون مؤمن در راه خدا (در جبههٔ جهاد)

زیرا در این چیزها است که درهای آسمان گشوده شوند. [۱۷]

۲ ـ امام صادق (ع) فرمود:

دعاء، در چهار جا به اجابت رسد: در نماز وتر و پس از نماز سپیده دم و بعد از ظهر و پس از مغرب.



۳ ـ امیر المؤمنین (ع) فرمود:

دعا را در چهار جا غنیمت شمارید: نزد قرائت قرآن و نزد گفتن اذان و نزد فرود شدن باران و نزد بر خورد دو صف (حق و باطل) برای شهادت و جانبازی.

٤ ـ از امام باقر (ع)، فرمود:

شیوهٔ پدرم این بود که چون به خدا حاجتی داشت، در این ساعت آن را می‌خواست، یعنی در زوال آفتاب.

۵ ـ از امام صادق (ع)، فرمود:

چون برای یکی از شما، رقت قلب آمد باید دعا کند، زیرا دل



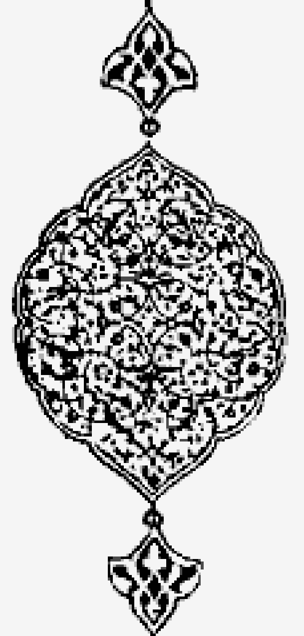
أَحَدُكُمْ فَلْيَدْعُ، فَإِنَّ الْقَلْبَ لا يَرِقُّ حَتّىٰ يَخْلُصَ.

٦ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خالِدٍ، عَنْ شَرِيفِ بْنِ سابِقٍ، عَنِ الْفَضْلِ بْنِ أَبِي قُرَّةَ، عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: قالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّم: خَيْرُ وَقْتٍ دَعَوْتُمُ اللّٰهَ عَزَّ وَجَلَّ فِيهِ الْأَسْحارُ، وَتَلا هٰذِهِ الْآيَةَ فِي قَوْلِ يَعْقُوبَ عَلَيْهِ السَّلام: ((سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبّي)) [وَ] قالَ: أَخَّرَهُمْ إِلَى السَّحَرِ.

٧ ـ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحاقَ، عَنْ سَعْدانَ بْنِ مُسْلِمٍ، عَنْ مُعاوِيَةَ بْنِ عَمّارٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: كانَ أَبِي إِذا طَلَبَ الْحاجَةَ طَلَبَها عِنْدَ زَوالِ الشَّمْسِ فَإِذا أَرادَ ذٰلِكَ قَدَّمَ شَيْئاً فَتَصَدَّقَ بِهِ وَشَمَّ شَيْئاً مِنْ طِيبٍ وَراحَ إِلَى الْمَسْجِدِ وَدَعا فِي حاجَتِهِ بِما شاءَ اللّٰهُ.

٨ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خالِدٍ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَدِيدٍ، رَفَعَهُ إِلَىٰ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: إِذا اقْشَعَرَّ جِلْدُكَ وَدَمَعَتْ عَيْناكَ، فَدُونَكَ دُونَكَ، فَقَدْ قَصَدَ قَصْدُكَ.

قالَ: وَرَواهُ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْماعِيلَ، عَنْ أَبِي إِسْماعِيلَ السَّرّاجِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ، عَنْ سَعِيدٍ مِثْلَهُ.



٩ ـ عَنْهُ، عَنِ الْجامُورانِيِّ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ، عَنْ صَنْدَلٍ، عَنْ أَبِي الصَّبّاحِ الْكِنانِيِّ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: إِنَّ اللّٰهَ عَزَّ وَجَلَّ يُحِبُّ مِنْ عِبادِهِ الْمُؤْمِنِينَ كُلَّ [عَبْدٍ]

تا پاک نشود، رقّت نکند. [۱۸]

۶ ـ از امام صادق (ع) که:

بهترین وقتی که به درگاه خدا عزوجل در آن دعا کنید، وقت سحرها است و این آیه را خواند (۹۸ سوره یوسف): که نقل قول یعقوب است (ع) «به زودی برای شما از پروردگارم آمرزش خواهم» وفرمود: تا به وقت سحر آنها را پس انداخت. [۱۹]

۷ ـ از معاویه بن عمار، از امام صادق (ع) فرمود:

پدرم را شیوه بود که چون طلب حاجتی می‌کرد، آن را هنگام ظهر طلب می‌کرد وچون آهنگ آن می‌نمود چیزی صدقه پیش می‌داشت و به مستحق می‌رساند ومقداری عطر می‌بوئید و به مسجد می‌رفت و برای حاجت خود دعا می‌کرد بدانچه خدا می‌خواست. [۲۰]

۸ ـ از امام صادق (ع)، فرمود:

چون پوستت دانه لرز بر خود گرفت و چشمت گریان شد، خود را باش، خود را باش که محققاً به تو توجهی شده است(از طرف خدا برای انجام حاجت یا از طرف فرشته‌ها برای شفاعت و انجام حاجت به امر خدا ـ از مجلسی‌ره).

۹ ـ از ابی الصباح کنانی، از امام باقر (ع)، فرمود:

راستی خدا عزوجل دوستدارد از میان بنده‌های مؤمن خود، هر بندهٔ بسیار دعا کن را، بچسبید به دعا کردن از سحر تا برآمدن



دُعاءٍ فَعَلَيْكُمْ بِالدُّعاءِ فِي السَّحَرِ إِلى طُلُوعِ الشَّمْسِ فَإِنَّها ساعَةٌ تُفْتَحُ فِيها أَبْوابُ السَّماءِ، وَتُقْسَمُ فِيها الْأَرْزاقُ، وَتُقْضى فِيها الْحَوائِجُ الْعِظامُ.

١٠ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ، عَنْ عُمَرَ بْنِ أُذَيْنَةَ، قالَ: سَمِعْتُ أَبا عَبْدِ اللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام يَقُولُ: إِنَّ فِي اللَّيْلِ لَساعَةً ما يُوافِقُها عَبْدٌ مُسْلِمٌ ثُمَّ يُصَلِّي وَيَدْعُو اللّٰهَ عَزَّ وَجَلَّ فِيها إِلاَّ اسْتَجابَ لَهُ، فِي كُلِّ لَيْلَةٍ، قُلْتُ: أَصْلَحَكَ اللّٰهُ وَأَيُّ ساعَةٍ هِيَ مِنَ اللَّيْلِ؟ قالَ: إِذا مَضى نِصْفُ اللَّيْلِ وَهِيَ السُّدُسُ الْأَوَّلُ مِنْ أَوَّلِ النِّصْفِ.

بابُ الرَّغْبَةِ وَالرَّهْبَةِ وَالتَّضَرُّعِ وَالتَّبَتُّلِ وَالْإِبْتِهالِ وَالْإِسْتِعاذَةِ وَالْمَسأَلَةِ

١ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خالِدٍ، عَنْ إِسْماعِيلَ بْنِ مِهْرانَ، عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ، عَنْ أَبِي إِسْحاقَ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: الرَّغْبَةُ أَنْ تَسْتَقْبِلَ بِبَطْنِ كَفَّيْكَ إِلَى السَّماءِ وَالرَّهْبَةُ أَنْ تَجْعَلَ ظَهْرَ كَفَّيْكَ إِلَى السَّماءِ.

وَقَوْلُهُ:

آفتاب، زیرا این هنگامی است که درهای آسمان در آن باز شود و روزی‌ها را پخش کنند و حاجتهای بزرگ را بر آورند.

۱۰ ـ از عمر بن اذینه، گوید: شنیدم امام صادق (ع) می‌فرمود:

راستی در شب چند هنگام است که هیچ بندهٔ مسلمانی موفّق به درک آنها نشود و نماز بخواند و به درگاه خدا عزوجل دعا کند در آنها جز اینکه خدا هر شب برایش اجابت کند، من گفتم: اصلحک اللّٰه! و آن کدام ساعت از شب است؟ فرمود: چون نیمی از شب گذرد، آن ساعت ششم نخست از نیم اول باشد. [۲۱]

باب رغبت، رهبت، تضرع، ابتهال، استعاذه، مسألت

(انواع دعا به درگاه خدا)

۱ ـ از ابی اسحاق، از امام صادق (ع)، فرمود:

رغبت این است که درون دو مشت خود را به سوی آسمان بداری، و رهبت این است که پشت در دو مشت خود را به سوی آسمان بداری.

و قول خدا (۸ سوره مزمل): «و تبتل جو به درگاه او تبتلی» فرمود: تبتل دعا کردن بااشارهٔ یک انگشت است به درگاه خدا، و



((وَتَبَتَّلْ إِلَيْهِ تَبْتِيلاً)) قالَ: الدُّعاءُ بِإِصْبَعٍ واحِدَةٍ تُشِيرُ بِها، وَالتَّضَرُّعُ تُشِيرُ بِإِصْبَعَيْكَ وَتُحَرِّكُهُما، وَالإِبْتِهالُ رَفْعُ الْيَدَيْنِ وَتَمُدُّهُما وَذٰلِكَ عِنْدَ الدَّمْعَةِ، ثُمَّ ادْعُ.

٢ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ، عَنْ أَبِي أَيُّوبَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قالَ: سَأَلْتُ أَبا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلام عَنْ قَوْلِ اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ: ((فَما اسْتَكانُوا لِرَبِّهِمْ وَما يَتَضَرَّعُونَ)) فَقالَ: الإِسْتِكانَةُ هُوَ الْخُضُوعُ وَالتَّضَرُّعُ هُوَ رَفْعُ الْيَدَيْنِ وَالتَّضَرُّعُ بِهِما.

٣ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَىٰ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسىٰ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خالِدٍ، وَالْحُسَيْنُ بْنُ سَعِيدٍ، جَمِيعاً، عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ، عَنْ يَحْيَى الْحَلَبِيِّ، عَنْ أَبِي خالِدٍ، عَنْ مَرْوَكٍ بَيّاعِ اللُّؤْلُؤِ، عَمَّنْ ذَكَرَهُ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: ذَكَرَ الرَّغْبَةَ، وَأَبْرَزَ باطِنَ راحَتَيْهِ إِلَى السَّماءِ، وَهٰكَذَا الرَّهْبَةَ: وَجَعَلَ ظَهْرَ كَفَّيْهِ إِلَى السَّماءِ، وَهٰكَذَا التَّضَرُّعَ: وَحَرَّكَ أَصابِعَهُ يَمِيناً وَشِمالاً وَهٰكَذَا التَّبَتُّلَ: وَيَرْفَعُ اصابِعَهُ مَرَّةً وَيَضَعُها مَرَّةً، وَهٰكَذَا الإِبْتِهالَ: وَمَدَّ يَدَهُ تِلْقاءَ وَجْهِهِ إِلَى الْقِبْلَةِ وَلا يَبْتَهِلُ حَتّىٰ تَجْرِيَ الدَّمْعَةُ.

٤ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خالِدٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ فَضالَةَ، عَنِ الْعَلاءِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قالَ: سَمِعْتُ أَبا عَبْدِ اللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام يَقُولُ: مَرَّ بِي رَجُلٌ وَأَنَا أَدْعُو فِي صَلاتِي بِيَسارِي فَقالَ:



تضرع و زاری دعا کردن بااشاره به دو انگشت است و حرکت دادن آنها، و ابتهال بالا بردن هر دو دست است و آنها را بکشی به بالا، و این موقع اشک ریختن است وسپس دعا کنی. [۲۲]

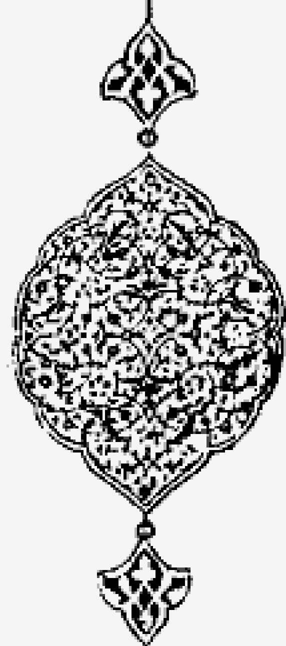
۲ ـ از محمد بن مسلم، گوید: از امام باقر (ع) پرسیدم از قول خدا عزوجل (۷۵ سوره مؤمنون): **«کوچکی نکردند برای پروردگارشان و زاری نکردند به درگاه او»** در پاسخ فرمود: استکانت همان کوچکی کردن است و تضرع بلند کردن هر دو دست است و زاری کردن بدانها.

۳ ـ از مروک مروارید فروش، از کسی که نامش را برد، از امام صادق (ع)، گوید: رغبت را یاد کرد و درون دو کف را به آسمان برداشت وفرمود:

رهبت چنین است و دو پشت دستها را به آسمان نمود و تضرع چنین است و انگشتانش را به راست و چپ جنبانید و تبتّل چنین است و انگشتانش را به بالا می برد و یک بار به پائین می‌آورد و ابتهال چنین است، دست خود را برابر رویش به سوی قبله کشید و ابتهال نباشد تااشک روان گردد.

۴ ـ از محمد بن مسلم، گوید: شنیدم امام صادق (ع) می‌فرمود:

مردی به من گذر کرد و من در نمازم دست چپ را برای دعا بلند کرده بودم، پس گفت: یا اباعبدالله! با دست راستت دعا کن، من گفتم: ای بندهٔ خدا! راستی که خدا تبارک وتعالی بر این هم





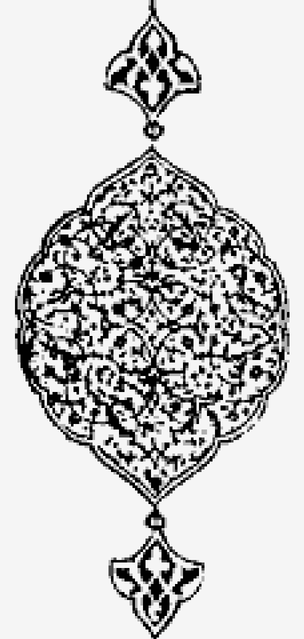
يا عَبْدَ اللّٰهِ بِيَمِينِكَ، فَقُلْتُ: يا عَبْدَ اللّٰهِ إِنَّ اللّٰهَ تَبارَكَ وَتَعالىٰ حَقّاً عَلىٰ هٰذِهِ كَحَقِّهِ عَلىٰ هٰذِهِ.

وَقالَ: الرَّغْبَةُ تَبْسُطُ يَدَيْكَ وَتُظْهِرُ باطِنَهُما، وَالرَّهْبَةُ تَبْسُطُ يَدَيْكَ وَتُظْهِرُ ظَهْرَهُما، وَالتَّضَرُّعُ تُحَرِّكُ السَّبابَةَ الْيُمْنىٰ يَميناً وَشِمالاً، وَالتَّبَتُّلُ تُحَرِّكُ السَّبابَةَ الْيُسْرىٰ تَرْفَعُها فِي السَّماءِ رِسْلاً وَتَضَعُها، وَالْإِبْتِهالُ تَبْسُطُ يَدَيْكَ وَذِراعَيْكَ إِلَى السَّماءِ، وَالْإِبْتِهالُ حِينَ تَرىٰ أَسْبابَ الْبُكاءِ.

٥ ـ عَنْهُ، عَنْ أَبِيهِ أَوْ غَيْرِهِ، عَنْ هارُونَ بْنِ خارِجَةَ، عَنْ أَبِي بَصِيرٍ، عَنْ أَبي عَبْدِاللّٰهِ عليه السّلام قالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الدُّعاءِ وَرَفْعِ الْيَدَيْنِ فَقالَ: عَلىٰ أَرْبَعَةِ أَوْجُهٍ: أَمَّا التَّعَوُّذُ فَتَسْتَقْبِلُ الْقِبْلَةَ بِباطِنِ كَفَّيْكَ، وَأَمَّا الدُّعاءُ فِي الرِّزْقِ فَتَبْسُطُ كَفَّيْكَ وَتُفْضِي بِباطِنِهِما إِلَى السَّماءِ، وَأَمَّا التَّبَتُّلُ فَإِيماءٌ بِإِصْبَعِكَ السَّبابَةِ، وأَمَّا الْإِبْتِهالُ فَرَفْعُ يَدَيْكَ تُجاوِزُ بِهِما رَأْسَكَ وَدُعاءُ التَّضَرُّعِ أَنْ تُحَرِّكَ إِصْبَعَكَ السَّبابَةَ مِمّا يَلِي وَجْهَكَ وَهُوَ دُعاءُ الْخِيفَةِ.

٦ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ، عَنْ أَبِي أَيُّوبَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قالَ: سَأَلْتُ أَبا جَعْفَرٍ عليه السّلام عَنْ قَوْلِ اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ: ((فَما ٱسْتَكانُوا لِرَبِّهِمْ وَما يَتَضَرَّعُونَ)) قالَ: الْإِسْتِكانَةُ هِيَ الْخُضُوعُ وَالتَّضَرُّعُ رَفْعُ الْيَدَيْنِ وَالتَّضَرُّعُ بِهِما.

٧ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ حَمّادٍ، عَنْ حَرِيزٍ، عَنْ



حقی دارد مانند حق او بدان. [۲۳]

و فرمود: در رغبت، هر دو دست را بگشائی و باطن آنها را بنمائی، و در رهبت، هر دو دست را بگشائی و پشت آنها را عیان داری، و در تضرع، انگشت سبابهٔ راست را به راست و چپ بجنبانی، و در تبتّل، انگشت سبابهٔ چپ را بجنبانی و به آرامی آن را به بالا وپائین ببری و بیاوری، و ابتهال این است که هر دو دست و هر دو ذراع را به سوی آسمان فراز داری. ابتهال وقتی است که موجبات گریه فراهم شده است.

۵ ـ از ابی بصیر، گوید: از امام صادق (ع) از دعا کردن و بلند کردن دو دست پرسیدم.

در پاسخ فرمود: بر چهار وجه باشد: اما برای پناه بردن به خدا، باطن دو کف را به سوی قبله کنی، و در دعای برای طلب رزق، دو کف بگشائی و باطن آنها را به سوی آسمان بداری، و اما در تبتّل و توجه به خدا، باانگشت سبّابه اشاره کنی، و اما در حال ابتهال، دو دست را فراز داری تا از سر آنها را در گذرانی، و دعای تضرع و زاری این است که انگشت سبّابه را در برابر رویت بجنبانی و آن دعای خیفه و هراس است. [۲٤]

٦ ـ از محمد بن مسلم، گوید: از امام باقر (ع) پرسیدم از قول خدا عزوجل (۷۵ سوره مؤمنون): «کوچکی نکردند برای پروردگار خود و به درگاهش زاری نکردند» فرمود: استکانه همان خضوع است، و تضرع بلند کردن هر دو دست و زاری با آنها.

۷ ـ از محمد بن مسلم و زراره، گویند: گفتیم: به امام

مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ وَزُرارَةَ قالا: قُلْنا لِأَبِي عَبْدِاللّهِ عَلَيهِ السَّلام: كَيْفَ الْمَسأَلَةُ إِلَى اللّهِ تَبارَكَ وَتَعالىٰ؟ قالَ: تَبْسُطُ كَفَّيْكَ، قُلْنا كَيْفَ الْإِسْتِعاذَةُ؟

قالَ: تُفْضِي بِكَفَّيْكَ وَالتَّبَتُّلُ الإيماءُ بِالأَصْبَعِ، وَالتَّضَرُّعُ: تَحْرِيكُ الْأَصْبَعِ؛ وَالْإِبْتِهالُ أَنْ تَمُدَّ يَدَيْكَ جَمِيعاً.

بابُ الْبُكاءِ

١ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ، عَنْ مَنْصُورِ بْنِ يُونُسَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوانَ، عَنْ أَبي عَبْدِاللّهِ عَلَيهِ السَّلام قالَ: ما مِنْ شَيْءٍ إِلَّا وَلَهُ كَيْلٌ وَوَزْنٌ إِلَّا الدُّمُوعُ فَإِنَّ الْقَطْرَةَ تُطْفِيءُ بِحاراً مِنْ نارٍ، فَإِذا اغْرَوْرَقَتِ الْعَيْنُ بِمائِها لَمْ يَرْهَقْ وَجْهاً قَتَرٌ وَلا ذِلَّةٌ فَإِذا فاضَتْ حَرَّمَهُ اللّهُ عَلَى النّارِ وَلَوْ أَنَّ باكِياً بَكىٰ فِي أُمَّةٍ لَرُحِمُوا.

٢ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيادٍ، عَنْ ابْنِ فَضّالٍ، عَنْ أَبِي جَمِيلَةَ وَمَنْصُورِ بْنِ يُونُسَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوانَ، عَنْ أَبي عَبْدِاللّهِ عَلَيهِ السَّلام قالَ: ما مِنْ عَيْنٍ إِلَّا وَهِيَ باكِيَةٌ يَوْمَ الْقِيامَةِ إِلَّا عَيْناً بَكَتْ مِنْ خَوْفِ اللّهِ وَما اغْرَوْرَقَتْ عَيْنٌ بِمائِها مِنْ خَشْيَةِ اللّهِ عَزَّ وَجَلَّ إِلَّا حَرَّمَ اللّهُ عَزَّ وَجَلَّ سائِرَ جَسَدِهِ عَلَى النّارِ وَلا فاضَتْ عَلىٰ

صادق (ع) چگونه باید از درگاه خدا تبارک وتعالی درخواست کرد؟فرمود:هردو دست خودرا می گشائی،گفتم:پناه‌جوئی چگونه است؟ فرمود: هر دو دستت را در برابر قبله می‌گیری (چنانچه آنها را به دیوار می‌گزاری)، و تبتل اشاره باانگشت است، و تضرع جنبانیدن انگشت است، و ابتهال این است که هر دو دست را باهم کنی و به سوی بالا بکشی. [۲۵]

باب گریه

۱ ـ از امام صادق (ع)، فرمود:

چیزی نیست مگر اینکه پیمانه و وزنی دارد جز گریه که یک قطره‌اش دریاهائی از آتش را خاموش کند وچون دیده اشکین شود، چهره تیرگی و خواری نبیند وچون اشک روان گردد، خدا آن را بر دوزخ حرام گرداند و راستی اگر در یک امتی یک گریان باشد، همه مورد ترحم واقع شوند. [۲۶]

۲ ـ از محمد بن مروان، از امام صادق (ع)، فرمود:

چشمی نیست مگر اینکه روز رستاخیز گریان است جز چشمی که از ترس خدا گریسته است، وهیچ چشم از ترس خدا اشکین نشود جز اینکه همهٔ تن را بر آتش حرام کند، و آن اشک بر هیچ گونه‌ای روان نگردد که تیرگی و خواریش در گیرد، چیزی نباشد جز آنکه پیمانه و وزنی دارد جز اشک، راستی خدا عزوجل به



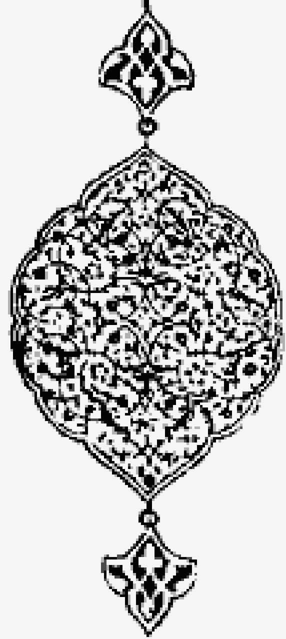
خَدِّهِ فَرَهِقَ ذٰلِكَ الْوَجْهَ قَتَرٌ وَلا ذِلَّةٌ وَما مِنْ شَيْءٍ إلّاٰ وَلَهُ كَيْلٌ وَوَزْنٌ إلّاٰ الدَّمْعَةَ، فَإِنَّ اللّٰهَ عَزَّ وَجَلَّ يُطْفِيءُ بِالْيَسِيرِ مِنْها الْبِحارَ مِنَ النّارِ، فَلَوْ أَنَّ عَبْداً بَكىٰ فِي أُمَّةٍ لَرَحِمَ اللّٰهُ عَزَّ وَجَلَّ تِلْكَ الْأُمَّةَ بِبُكاءِ ذٰلِكَ الْعَبْدِ.

٣ ـ عَنْهُ، عَنْ عَبْدِالرَّحْمٰنِ بْنِ أَبِي نَجْرانَ، عَنْ مُثَنَّى الْحَنّاطِ، عَنْ أَبِي حَمْزَةَ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيهِ السَّلام قالَ: ما مِنْ قَطْرَةٍ أَحَبُّ إلىٰ اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ قَطْرَةِ دُمُوعٍ فِي سَوادِ اللَّيْلِ مَخافَةً مِنَ اللّٰهِ لا يُرادُ بِها غَيْرُهُ.

٤ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ، عَنْ مَنْصُورِ بْنِ يُونُسَ، عَنْ صالِحِ بْنِ رَزِينٍ وَمُحَمَّدِ بْنِ مَرْوانَ وَغَيْرُهُما، عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيهِ السَّلام قالَ: كُلُّ عَيْنٍ باكِيَةٌ يَوْمَ الْقِيامَةِ إلّاٰ ثَلاثَةً: عَيْنٌ غُضَّتْ عَنْ مَحارِمِ اللّٰهِ، وَعَيْنٌ سَهِرَتْ فِي طاعَةِ اللّٰهِ، وَعَيْنٌ بَكَتْ فِي جَوْفِ اللَّيْلِ مِنْ خَشْيَةِ اللّٰهِ.

٥ ـ اِبْنُ أَبِي عُمَيْرٍ، عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرّاجٍ وَدُرُسْتُ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوانَ قالَ:

سَمِعْتُ أَبا عَبْدِاللّٰهِ عَلَيهِ السَّلام يَقُولُ: ما مِنْ شَيْءٍ إلّاٰ وَلَهُ كَيْلٌ وَوَزْنٌ إلّاٰ الدُّمُوعَ، فَإِنَّ الْقَطْرَةَ مِنْها تُطْفِيءُ بِحاراً مِنَ النّارِ فَإِذا اغْرَوْرَقَتِ الْعَيْنُ بِمائِها لَمْ يَرْهَقْ وَجْهَهُ قَتَرٌ وَلا ذِلَّةٌ، فَإِذا فاضَتْ حَرَّمَهُ اللّٰهُ عَلَىٰ النّارِ، وَلَوْ أَنَّ باكِياً بَكىٰ فِي أُمَّةٍ لَرُحِمُوا.





اندکی از آن دریاها از آتش را خاموش کند و اگر چنانچه‌ای که بنده در امتی بگرید، خدا عزوجل برای گریهٔ آن یک بنده به همهٔ آن امت رحم کند.

۳ ـ از امام باقر (ع)، فرمود:

هیچ قطره‌ای نزد خدا محبوب‌تر نیست از یک قطرهٔ اشک که در سیاهی شب از ترس خدا باشد و نظر به دیگری در آن نباشد.

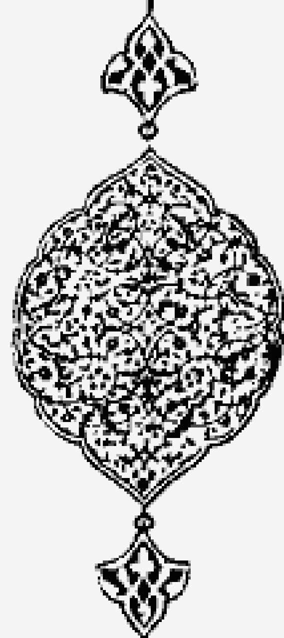
۴ ـ از امام صادق (ع)، فرمود:

هر چشمی در قیامت، گریان است جز سه تا:

چشمی که از آنچه خدا حرام کرده بر هم نهفته شده وچشمی که در راه طاعت خدا بیداری کشیده وچشمی که در دل شب از ترس خدا گریسته.

۵ ـ از محمد بن مروان، گوید: شنیدم امام صادق (ع) می‌فرمود:

هیچ چیزی نیست مگر آنکه پیمانه و وزنی دارد جز اشکها، زیرا یک قطره از آنها دریاهائی از آتش را خاموش می‌کند، وچون چشم به آب خود اندر شود چهرهٔ او را هیچ تیرگی وخواری برنگیرد وچون روان گردد، خدا آن را بر آتش حرام کند واگر یکی باشد که در امتی بگرید (از ترس خدا) به همه رحم شود. [۲۷]



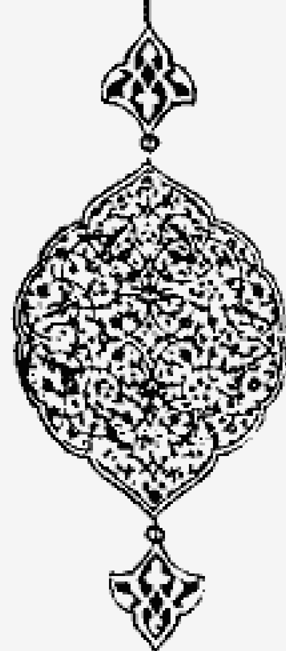


٦ ـ ابْنُ أَبِي عُمَيْرٍ، عَنْ رَجُلٍ مِنْ أَصْحابِهِ قالَ: قالَ أَبُو عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام: أَوْحَىٰ اللّٰهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلىٰ مُوسىٰ عَلَيْهِ السَّلام: أَنَّ عِبادِي لَمْ يَتَقَرَّبُوا إِلَيَّ بِشَيْءٍ أَحَبَّ إِلَيَّ مِنْ ثَلاثِ خِصالٍ، قالَ مُوسىٰ: يا رَبِّ وَما هُنَّ؟ قالَ: يا مُوسىٰ الزُّهْدُ فِي الدُّنْيا وَالْوَرَعُ عَنِ الْمعاصِي وَالْبُكاءُ مِنْ خَشْيَتِي، قالَ مُوسىٰ: يا رَبِّ فَما لِمَنْ صَنَعَ ذا؟ فَأَوْحَىٰ اللّٰهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِ يا مُوسىٰ أَمَّا الزّاهِدُونَ فِي الدُّنْيا فَفِي الْجَنَّةِ، وَأَمَّا الْبَكّاؤُونَ مِنْ خَشْيَتِي فَفِي الرَّفِيعِ الْأَعْلىٰ لا يُشارِكُهُمْ أَحَدٌ، وَأَمَّا الْوَرِعُونَ عَنْ مَعاصِيَّ فَإِنِّي أُفَتِّشُ النّاسَ وَلا أُفَتِّشُهُمْ.

٧ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ عُثْمانَ بْنِ عِيسىٰ، عَنْ إِسْحاقَ بْنِ عَمّارٍ، قالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام أَكُونُ أَدْعُو فَأَشْتَهِي الْبُكاءَ وَلا يَجِيئُنِي وَرُبَّما ذَكَرْتُ بَعْضَ مَنْ ماتَ مِنْ أَهْلِي فَأَرِقُّ وَأَبْكِي فَهَلْ يَجُوزُ ذٰلِكَ؟ فَقالَ: نَعَمْ فَتَذَكَّرْهُمْ فَإِذا رَقَقْتَ فَابْكِ وَادْعُ رَبَّكَ تَبارَكَ وَتَعالىٰ.

٨ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسىٰ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ، عَنْ عَنْبَسَةَ الْعابِدِ قالَ: قالَ أَبُو عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام: إِنْ لَمْ تَكُنْ بِكَ بُكاءٌ فَتَباكَ.

٩ ـ عَنْهُ، عَنِ ابْنِ فَضّالٍ، عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ، عَنْ سَعِيدِ بْنِ يَسارٍ بَيّاعِ السّابِرِيِّ قالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام: إِنِّي أَتَباكىٰ فِي الدُّعاءِ وَلَيْسَ لِي بُكاءٌ؟ قالَ: نَعَمْ وَلَوْ مِثْلَ رَأْسِ الذُّبابِ.





۶ ـ امام صادق (ع) فرمود: خدا عزوجل به موسی وحی کرد که: بنده‌هایم به من تقرب نجستند به چیزی که محبوب‌تر باشد نزد من از سه خصلت، موسی عرض کرد: پروردگارا! آنها چیستند؟ فرمود: ای موسی! زهد در دنیا و ورع از نافرمانیها و گریه از ترس من، موسی عرض کرد: پروردگارا! هرکه اینها را به جا آورد چه پاداشی دارد؟ خدا عزوجل به موسی وحی کرد:

ای موسی! اما زاهدان در دنیا، در بهشت باشند و آنان که از ترس من گریه کنند، در مقام بالاترند و احدی باآنها شریک نباشد و اما آنها که از نافرمانیها بپرهیزند، من که همهٔ مردم را بازرسی کنم، آنان را از بازرسی معاف دارم. [۲۸]

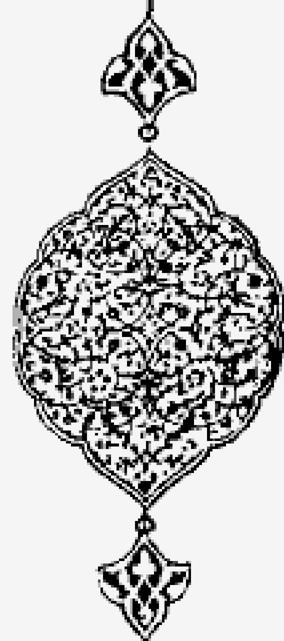
۷ ـ از اسحاق بن عمار، گوید: به امام صادق (ع) گفتم: من دعا می‌کنم و می‌خواهم گریه کنم و گریه‌ام نمی‌آید و بسا به یاد برخی مرده‌های فامیلم بیفتم و رقّت کنم و بگریم، آیا این کار روا است برایم؟ در پاسخ فرمود:

آری، آنان را به یاد آور و هرگاه تو را رقّت دست داد، گریه کن و به درگاه پروردگارت تبارک وتعالی دعا کن.

۸ ـ امام صادق (ع) فرمود:

اگر گریه نداری، خود را به گریه وادار و مانند گریه‌کن بنما.

۹ ـ از سعید بن یسار سابری فروش (سابری نوعی پارچه بوده) گوید: به امام صادق (ع) گفتم: من در حال دعا خود را به گریه زنم و گریه ندارم؟ فرمود: آری، و گرچه به اندازهٔ سر مگسی باشد.



١٠ ـ عَنْهُ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ، قالَ:

قالَ أَبُو عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلامُ لِأَبِي بَصِيرٍ: إِنْ خِفْتَ أَمْراً يَكُونُ أَوْ حاجَةً تُرِيدُها فَابْدَأْ بِاللّٰهِ وَمَجِّدْهُ وَأَثْنِ عَلَيْهِ كَما هُوَ أَهْلُهُ وَصَلِّ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّم وَسَلْ حاجَتَكَ وَتَباكَ وَلَوْ مِثْلَ رَأْسِ الذُّبابِ، إِنَّ أَبِي عَلَيْهِ السَّلام كانَ يَقُولُ: إِنَّ أَقْرَبَ ما يَكُونُ الْعَبْدُ مِنَ الرَّبِّ عَزَّ وَجَلَّ وَهُوَ ساجِدٌ باكٍ.

١١ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ عَبْدِاللّٰهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ، عَنْ إِسْماعِيلَ الْبَجَلِيِّ، عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: إِنْ لَمْ يَجِئْكَ الْبُكاءُ فَتَباكَ، فَإِنْ خَرَجَ مِنْكَ مِثْلُ رَأْسِ الذُّبابِ فَبَخٍّ بَخٍّ.

بابُ الثَّناءِ قَبْلَ الدُّعاءِ

١ ـ أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِالْجَبّارِ، عَنْ صَفْوانَ بْنِ يَحْيىٰ، عَنِ الْحارِثِ بْنِ الْمُغِيرَةِ قالَ: سَمِعْتُ أَبا عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام يَقُولُ: إِيّاكُمْ إِذا أَرادَ أَحَدُكُمْ أَنْ يَسْأَلَ مِنْ رَبِّهِ شَيْئاً مِنْ حَوائِجِ الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ حَتّىٰ يَبْدَأَ بِالثَّناءِ عَلَى اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ وَالْمَدْحِ لَهُ وَالصَّلاةِ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّم ثُمَّ يَسْأَلُ اللّٰهَ حَوائِجَهُ.

۱۰ ـ از علی بن ابی حمزه، گوید: امام صادق (ع) به ابی بصیر فرمود:

اگر از وقوع چیزی بیم داری و یا حاجتی می‌خواهی، آغاز سخن کن به نام خدا و او را تمجید کن وستایش نما چنانچه شایستهٔ آن است، و بر محمد (ص) صلوات فرست وحاجت خود را بخواه و خود را به گریه بدار گرچه به اندازهٔ سر مگسی باشد، زیرا پدرم (ع) همیشه می‌فرمود: نزدیکترین حال بنده به خداوند پروردهٔ عزوجل وقتی است که او در سجده باشد و گریان باشد. [۲۹]

۱۱ ـ از امام صادق (ع)، فرمود:

اگر گریه‌ات نیاید، خود را به گریه بدار و اگر از دیده‌ات به اندازهٔ سر مگسی هم اشک درآید به، به چه خوب است.

باب ستایش و ثناء پیش از دعا

۱ ـ از حارث بن مغیره، گوید: شنیدم امام صادق (ع) می‌فرمود:

مبادا چون یکی از شماها خواهد از پروردگار خود حاجتی برای دنیا و آخرت بخواهد بدان مبادرت کند تا آغاز سخن کند به ستایش و مدح خدا و طلب رحمت بر پیغمبر (ص) وسپس حوائجش را بخواهد.



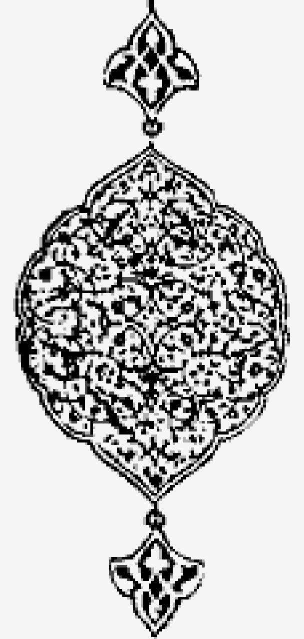
٢ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عِيسىٰ، عَنِ ابْنِ فَضّالٍ، عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قالَ: قالَ أَبُو عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام: إِنَّ فِي كِتابِ أَميرِ الْمُؤْمِنينَ صَلَواتُ اللّٰهِ عَلَيْهِ: إِنَّ الْمِدْحَةَ قَبْلَ الْمَسْأَلَةِ فَإِذا دَعَوْتَ اللّٰهَ عَزَّ وَجَلَّ فَمَجِّدْهُ، قُلْتُ: كَيْفَ أُمَجِّدُهُ؟ قالَ: تَقُولُ: «يا مَنْ هُوَ أَقْرَبُ إِلَيَّ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ، يا فَعّالاً لِما يُرِيدُ، يا مَنْ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ، يا مَنْ هُوَ بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلىٰ، يا مَنْ هُوَ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ».

٣ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خالِدٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ ابْنِ سِنانٍ، عَنْ مُعاوِيَةَ ابْنِ عَمّارٍ، عَنْ أَبي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: إِنَّما هِيَ الْمِدْحَةُ، ثُمَّ الثَّناءُ، ثُمَّ الْإِقْرارُ بِالذَّنْبِ، ثُمَّ الْمَسْأَلَةُ إِنَّهُ وَاللّٰهِ ما خَرَجَ عَبْدٌ مِنْ ذَنْبٍ إِلّا بِالْإِقْرارِ.

٤ ـ وَعَنْهُ، عَنِ ابْنِ فَضّالٍ، عَنْ ثَعْلَبَةَ، عَنْ مُعاوِيَةَ بْنِ عَمّارٍ، عَنْ أَبي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام مِثْلَهُ إِلّا أَنَّهُ قالَ: ثُمَّ الثَّناءُ، ثُمَّ الْاعْتِرافُ بِالذَّنْبِ.

٥ ـ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ، عَنْ مُعَلَّىٰ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ، عَنْ حَمّادِ بْنِ عُثْمانَ، عَنِ الْحارِثِ ابْنِ الْمُغِيرَةِ قالَ: قالَ أَبُو عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام: إِذا أَرَدْتَ أَنْ تَدْعُوَ فَمَجِّدِ اللّٰهَ عَزَّ وَجَلَّ وَاحْمَدْهُ وَسَبِّحْهُ وَهَلِّلْهُ وَأَثْنِ عَلَيْهِ وَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ وَآلِهِ، ثُمَّ سَلْ تُعْطَ.

٦ ـ أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِالْجَبّارِ، عَنْ





۲ ـ از محمد بن مسلم، گوید: امام صادق (ع) می‌فرمود:

راستی در کتاب امیر المؤمنین (ع) است که مدح پیش از درخواست است و هر گاه به درگاه خدا عزوجل دعا کنی، او را تمجید کن، گفتم: چه گونه‌اش تمجید کنم؟ فرمود:

می گوئی: ای کسی که به من از رگ گردن نزدیکتری، ای که هر چیز را خواهی به خوبی انجام دهنده‌ای، ای کسی که میان مرد و دلش حائل می‌شوی، ای کسی که او در نظرانداز برتری است، ای آنکه چیزی به مانندش نیست.

۳ ـ از امام صادق (ع)، فرمود:

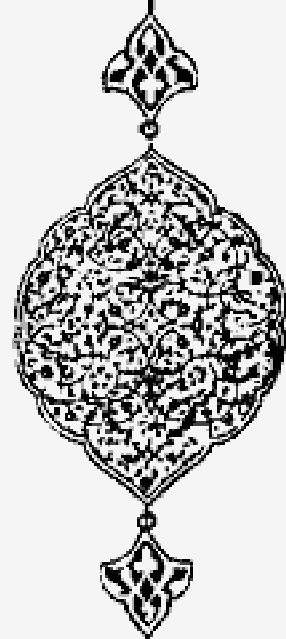
همانا که آن (یعنی آداب دعا) مدح است و ستایش وسپس اقرار به گناه، سپس درخواست راستش این است که به خدا هیچ بنده‌ای از گناه بیرون نشود جز به اقرار و اعتراف. [۳۰]

۴ ـ از امام صادق (ع) مانند همین روایت ۳ (بااین تفاوت) که فرمود: سپس ثناء و سپس اعتراف به گناه کن و سپاسگزار و تسبیح و تهلیل بگو و بر او ستایش کن وصلوات بفرست بر محمد و آل محمد (ص) سپس درخواست کن تا به تو عطا شود.

۵ ـ از حارث بن مغیره که امام صادق (ع) فرمود:

هر گاه خواهی دعا کنی، خدا عزوجل را تمجید کن و سپاسگزار و تسبیح و تهلیل بگو و بر او ستایش کن وصلوات بفرست بر محمد و آل محمد (ص) سپس درخواست کن تا به تو عطا شود.

۶ ـ امام صادق (ع) فرمود: هر گاه یکی از شماها حاجتی





صَفْوانَ، عَنْ عِيصِ بْنِ الْقاسِمِ قالَ: قالَ أَبُو عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام: إِذا طَلَبَ أَحَدُكُمُ الْحاجَةَ فَلْيُثْنِ عَلىٰ رَبِّهِ وَلْيَمْدَحْهُ فَإِنَّ الرَّجُلَ إِذا طَلَبَ الْحاجَةَ مِنَ السُّلْطانِ هَيَّأَ لَهُ مِنَ الْكَلامِ أَحْسَنَ ما يَقْدِرُ عَلَيْهِ فَإِذا طَلَبْتُمُ الْحاجَةَ فَمَجِّدُوا اللّٰهَ الْعَزِيزَ الْجَبّارَ وَامْدَحُوهُ وَأَثْنُوا عَلَيْهِ تَقُولُ:

«يا أَجْوَدَ مَنْ أَعْطىٰ وَيا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ، يا أَرْحَمَ مَنِ اسْتُرْحِمَ، يا أَحَدُ يا صَمَدُ، يا مَنْ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُواً أَحَدٌ، يا مَنْ لَمْ يَتَّخِذْ صاحِبَةً وَلا وَلَداً، يا مَنْ يَفْعَلُ ما يَشاءُ وَيَحْكُمُ ما يُرِيدُ وَيَقْضِي ما أَحَبَّ، يا مَنْ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرءِ وَقَلْبِهِ، يا مَنْ هُوَ بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلىٰ، يا مَنْ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ، يا سَمِيعُ يا بَصِيرُ»، وَأَكْثِرْ مِنْ أَسْماءِ اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ فَإِنَّ أَسْماءَ اللّٰهِ كَثِيرَةٌ وَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَقُلْ:

«اَللّٰهُمَّ أَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلالِ ما أَكُفُّ بِهِ وَجْهِي وَأُؤَدِّي بِهِ عَنْ أَمانَتِي وَأَصِلُ بِهِ رَحِمِي وَيَكُونُ عَوْناً لِي فِي الْحَجِّ وَالْعُمْرَةِ».

وَقالَ: إِنَّ رَجُلاً دَخَلَ الْمَسْجِدَ فَصَلّىٰ رَكْعَتَيْنِ ثُمَّ سَأَلَ اللّٰهَ عَزَّ وَجَلَّ، فَقالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّم: عَجَّلَ الْعَبْدُ رَبَّهُ، وَجاءَ آخَرُ فَصَلّىٰ رَكْعَتَيْنِ ثُمَّ أَثْنىٰ عَلَى اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ وَصَلّىٰ عَلَى النَّبِيِّ [وَآلِهِ] فَقالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّم: سَلْ تُعْطَ.

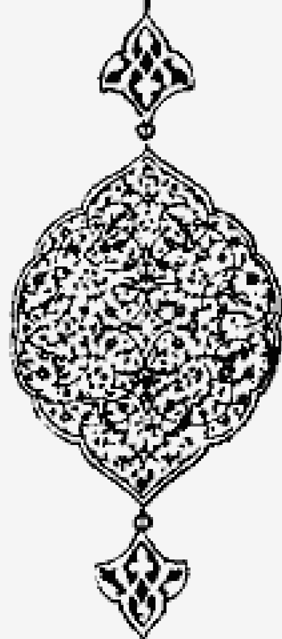
٧ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسىٰ، عَنْ



خواهد، باید پروردگارش را ستایش کند و مدح گوید، زیرا چون مردی حاجتی از سلطان جوید، برای او سخنی آماده سازد که بهتر از آن نتواند، پس هرگاه حاجت خواستید، خدای عزیز جبار را تمجید کنید و مدح نمائید و بر او ستایش کنید، می‌گوئی: ای بخشنده‌ترین هرکه عطا کرده و بهترین کسی که از او خواهش شده، ای مهربان‌تر کسی که از او مهر خواهند، ای یگانه، ای بی‌نیاز، ای کسی که نزاده‌ای و زائیده نشدی و نمی‌باشد برای او همتای، ای کسی که نگرفته است همسری و نه فرزندی، ای کسی که هرچه می‌خواهد، می‌کند، وهرچه اراده سازد، بدان حکم می‌دهد وهرچه را دوست دارد،اجراء می‌نماید، ای کسی که میان مرد و دلش حائل می‌شود، ای کسی که در منظرهٔ اعلا است، ای کسی که به مانندش چیزی نیست، ای شنوا ای بینا. و از نامهای خدا عزوجل بسیار بیاور، زیرا نامهای خدا بسیار است وصلوات فرست بر محمد(ص) وآلش و بگو: بار خدایا از روزی حلالت بر من وسعت بده و به اندازه‌ای که آبروی خود را نگهدارم وآنچه بر من سپرده است بپردازم به وسیلهٔ آن، ورحم خود را پیوست دارم وکمک کنم و برایم در حج و عمره کمک باشد.

و فرمود: مردی به مسجد در آمد و دو رکعت نماز خواند و از خدا عزوجل درخواست کرد، سپس رسول خدا(ص) فرمود: این بنده شتابانه به درگاه پروردگارش رفت ودیگری آمد ونماز گزارد و سپس خدا عزوجل را ستایش کرد وصلوات بر پیغمبر فرستاد(وآلش) پس رسول خدا(ص) فرمود: درخواست کن تا به تو عطا شود.

۷ ـ امام صادق (ع) می‌فرمود:



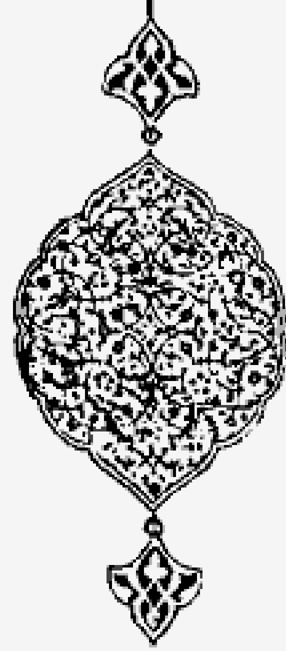


عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ، عَنْ أَبِي كَهْمَسٍ قالَ: سَمِعْتُ أَبا عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام يَقُولُ: دَخَلَ الْمَسْجِدَ فَابْتَدَأَ قَبْلَ الثَّناءِ عَلَى اللّٰهِ وَالصَّلاةِ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّم، فَقالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّم: عاجَلَ الْعَبْدُ رَبَّهُ، ثُمَّ دَخَلَ آخَرُ فَصَلَّىٰ وَأَثْنىٰ عَلَى اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ وَصَلَّىٰ عَلَىٰ رَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّم فَقالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّم: سَلْ تُعْطَهُ، ثُمَّ قالَ: إِنَّ فِي كِتابِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلام أَنَّ الثَّناءَ عَلَى اللّٰهِ وَالصَّلاةِ عَلىٰ رَسُولِهِ قَبْلَ الْمَسْأَلَةِ وَإِنَّ أَحَدَكُمْ لَيَأْتِي الرَّجُلَ يَطْلُبُ الْحاجَةَ فَيُحِبُّ أَنْ يَقُولَ لَهُ خَيْراً قَبْلَ أَنْ يَسْأَلَهُ حاجَتَهُ.

٨ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ عُثْمانَ بْنِ عِيسىٰ، عَمَّنْ حَدَّثَهُ، عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: قُلْتُ: آيَتانِ فِي كِتابِ اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ أَطْلُبُهُما فَلا أَجِدُهُما قالَ: وَما هُما؟ قُلْتُ: قَوْلُ اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ:

((أُدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ)) فَنَدْعُوهُ وَلا نَرىٰ إِجابَةً، قالَ: أَفَتَرَى اللّٰهَ عَزَّ وَجَلَّ أَخْلَفَ وَعْدَهُ؟ قُلْتُ: لا، قالَ: فَمِمَّ ذٰلِكَ؟ قُلْتُ: لا أَدْرِي.

قالَ: لٰكِنِّي أُخْبِرُكَ، مَنْ أَطاعَ اللّٰهَ عَزَّ وَجَلَّ فِيما أَمَرَهُ ثُمَّ دَعاهُ مِنْ جِهَةِ الدُّعاءِ أَجابَهُ، قُلْتُ: وَما جِهَةُ الدُّعاءِ؟ قالَ: تَبْدَأُ فَتَحْمِدُ اللّٰهَ وَتَذْكُرُ نِعَمَهُ عِنْدَكَ ثُمَّ تَشْكُرُهُ ثُمَّ تُصَلِّي عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّم ثُمَّ تَذْكُرُ ذُنُوبَكَ فَتُقِرُّ بِها ثُمَّ تَسْتَعِيذُ مِنْها فَهٰذا جِهَةُ



مردی به مسجد آمد و هنوز ستایش خدا نکرده و صلوات بر پیغمبر(ص) نفرستاده آغاز خواهش از خدا نمود، پس رسول خدا(ص) فرمود: این بنده شتابانه به درگاه پروردگارش رفت، سپس دیگری آمد و ستایش خدا عزوجل نمود و صلوات بر رسول خدا(ص) فرستاد و رسول خدا(ص) فرمود: درخواست کن تا به تو عطا شود، سپس فرمود: در کتاب علی(ع) است که ستایش بر خدا و صلوات بر رسولش پیش از درخواست است و مقدمه آن است و راستی یکی از شماها که نزد مردی آید وحاجتی خواهد، دوست دارد که پیش از درخواست حاجتش برای او سخن خوشی گوید.

۸ ـ از عثمان بن عیسی، از کسی که برای او باز گفته که گوید: به امام صادق (ع) گفتم: دو آیه در قرآن خدا است عزوجل که آنها را می‌جوئیم و نمی‌یابیم، فرمود: آن دو کدامند؟ گفتم: قول خدا عزوجل (۶۰ سوره مؤمن): «مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم»، ما او را می‌خوانیم و اجابتی دریافت نمی‌کنیم، فرمود: به نظر تو خداوند وعده خلافی می‌کند؟ گفتم: نه، فرمود: پس این از چه راه است؟ گفتم: نمی‌دانم، فرمود: ولی من به تو خبر می‌دهم، هرکه خدا عزوجل را اطاعت کند درآنچه به او فرمان داده است وسپس او را از جهت دعا بخواند، خدا اجابت کند، گفتم: جهت دعا چیست؟ فرمود: راه دعا این است که خدا را سپاسگزاری و حمد کنی و نعمتی که به تو داده است یادآور شوی وسپس او را شکرگزاری وسپس صلوات فرستی بر محمد(ص) وآلش وسپس گناهان خود را یاد کنی وبدان‌ها اعتراف نمائی وسپس از آنها به خدا پناه بری، این راه دعا است، سپس فرمود: آیهٔ دیگر چیست؟ گفتم: قول خدا عزوجل (۳۹



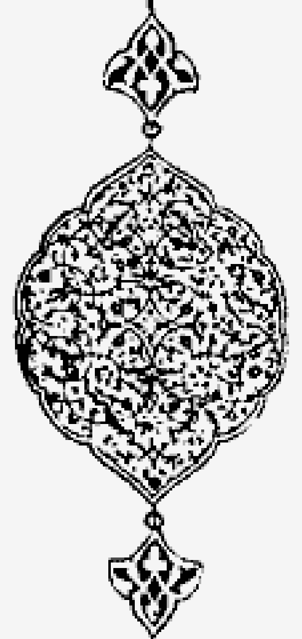
الدُّعاءِ ثُمَّ قالَ: وَما الْآيَةُ الْأُخْرىٰ؟ قُلْتُ: قَوْلُ اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ: ((وَما أَنْفَقْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ وَهُوَ خَيْرُ الرّٰازِقِينَ)) وَإِنّي أُنْفِقُ وَلا أَرىٰ خَلَفاً، قالَ: أَفَتَرى اللّٰهَ عَزَّ وَجَلَّ أَخْلَفَ وَعْدَهُ؟ قُلْتُ: لا، قالَ: فَمِمَّ ذٰلِكَ؟

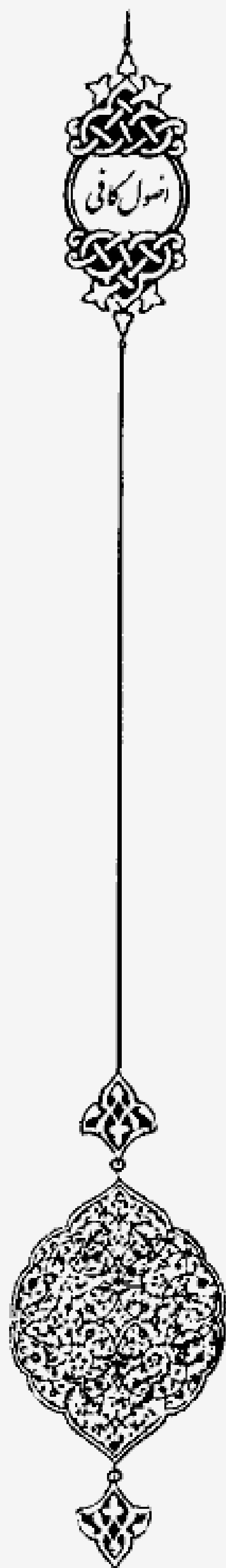
قُلْتُ لا أَدْرِي، قالَ: لَوْ أَنَّ أَحَدَكُمُ اكْتَسَبَ الْمالَ مِنْ حِلِّهِ وَأَنْفَقَهُ في حِلِّهِ لَمْ يُنْفِقْ دِرْهَماً إِلّا أُخْلِفَ عَلَيْه.

٩ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيادٍ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْباطٍ، عَمَّنْ ذَكَرَهُ، عَنْ أَبي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيهِ السَّلام قالَ: مَنْ سَرَّهُ أَنْ يُسْتَجابَ لَهُ دَعْوَتُهُ فَلْيُطِبْ مَكْسَبَهُ.

بابُ الْإِجْتِماعِ فِي الدُّعاءِ

١ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهيمَ، عَنْ أَبيهِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَعْبَدٍ، عَنْ عُبَيْدِاللّٰهِ بْنِ عَبْدِاللّٰهِ الْواسِطِيِّ، عَنْ دُرُسْتَ بْنِ أَبي مَنْصُورٍ، عَنْ أَبي خالِدٍ قالَ: قالَ أَبُو عَبْدِاللّٰهِ عَلَيهِ السَّلام: ما مِنْ رَهْطٍ أَرْبَعينَ رَجُلاً اجْتَمَعُوا فَدَعَوُا اللّٰهَ عَزَّ وَجَلَّ في أَمْرٍ إِلّا اسْتَجابَ اللّٰهُ لَهُمْ، فَإِنْ لَمْ يَكُونُوا أَرْبَعينَ فَأَرْبَعَةٌ يَدْعُونَ اللّٰهَ عَزَّ وَجَلَّ عَشْرَ مَرّاتٍ إِلّا اسْتَجابَ اللّٰهُ لَهُمْ، فَإِنْ لَمْ يَكُونُوا أَرْبَعَةً فَواحِدٌ يَدْعُو اللّٰهَ أَرْبَعينَ مَرَّةً فَيَسْتَجيبُ





سوره زمر): «و هرآنچه را از هرچه باشد خرج کنید عوضش را می‌دهد و او بهترین روزی دهنده‌ها است»)، من خرج می کنم و عوضش را نمی‌بینم، فرمود: به نظر تو خدا عزوجل خلف وعده می کند؟ گفتم: نه، فرمود: پس این از چیست؟ گفتم: نمی‌دانم، فرمود: اگر چنانچه هر یک از شماها مالی را از راه حلالش به دست آورد و آن را در راه حلالش خرج کند وهیچ درهمی(ریالی) خرج نکند جز آنکه به او عوض داده شود. [۳۱]

۹ ـ از امام صادق (ع) فرمود:

هرکه شاد شود که دعایش به اجابت رسد، باید کسب خود را پاک و حلال کند. [۳۲]



باب اجتماع برای دعا کردن

۱ ـ از امام صادق (ع)، فرمود:

هیچ چهل تن مردی برای دعا کردن گرد هم فراهم نشوند و به درگاه خدا عزوجل برای امری دعا کنند جز اینکه آنها را اجابت کند و اگر چهل تن نباشند، چهار تن باشند که خدا را ده بار بخوانند و دعا کنند وخدا برای آنها اجابت کند واگر چهار تن هم فراهم نشوند، یکی باشد که چهل بار به درگاه خدا دعا کند وخدای عزیز



اللّٰهُ الْعَزِيزُ الْجَبّارُ لَهُ.

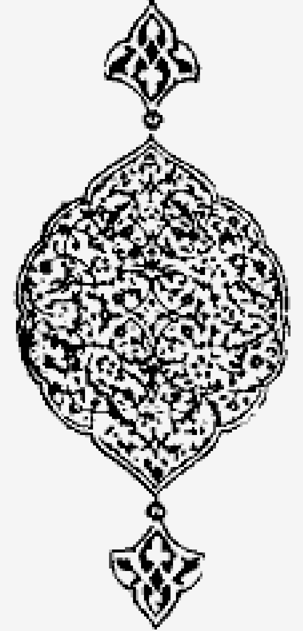
٢ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خالِدٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ، عَنْ عَبْدِ الْأَعْلىٰ، عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيهِ السَّلامُ قالَ: مَا اجْتَمَعَ أَرْبَعَةُ رَهْطٍ قَطُّ عَلىٰ أَمْرٍ واحِدٍ فَدَعَوُا [اللّٰهَ] إِلَّا تَفَرَّقُوا عَنْ إِجابَةٍ.

٣ ـ عَنْهُ، عَنِ الْحَجّالِ، عَنْ ثَعْلَبَةَ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ عُقْبَةَ، عَنْ رَجُلٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيهِ السَّلامُ قالَ: كانَ أَبِي عَلَيهِ السَّلامُ إِذا حَزَنَهُ أَمْرٌ جَمَعَ النِّساءَ وَالصِّبْيانَ ثُمَّ دَعا وَأَمَّنُوا.

٤ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ النَّوْفَلِيِّ، عَنِ السَّكُونِيِّ، عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيهِ السَّلامُ قالَ: الدّاعِي وَالْمُؤَمِّنُ فِي الْأَجْرِ شَرِيكانِ.

بابُ الْعُمُومِ فِي الدُّعاءِ

١ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيادٍ، عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيِّ، عَنِ ابْنِ الْقَدّاحِ، عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيهِ السَّلامُ قالَ: قالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: إِذا دَعا أَحَدُكُمْ فَلْيَعُمَّ، فَإِنَّهُ أَوْجَبُ لِلدُّعاءِ.



و جبّار برایش اجابت کند. [۳۳]

۲ ـ امام صادق (ع) فرمود:

چهار تن گرد هم نیایند و برای یک مطلبی دعا کنند به درگاه خدا جز اینکه بااجابت دعا از هم جدا شوند. [۳٤]

۳ ـ امام صادق (ع) فرمود: شیوهٔ پدرم این بود که چون از امری غمنده می‌شد، زنان و کودکان را گرد می‌آورد وسپس دعا می‌کرد وآنها آمین می‌گفتند. [۳۵]

٤ ـ امام صادق (ع) فرمود:

دعا کننده و آمین‌گو در مزد و ثواب برابرند. [۳٦]

باب دعا برای همه

۱ ـ از امام صادق (ع)، فرمود:

رسول خدا (ص) فرموده است: هرگاه یکی از شماها دعا کند، برای همه دعا کند زیرا که آن مستجاب‌تر است.

بابُ مَنْ أُبطِأَتْ عَلَيهِ الإِجابَةُ

١ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسىٰ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ قالَ: قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ عَلَيهِ السَّلام: جُعِلْتُ فِداكَ إِنّي قَدْ سَأَلْتُ اللّهَ حاجَةً مُنْذُ كَذا وَكَذا سَنَةً وَقَدْ دَخَلَ قَلْبِي مِنْ أَبْطائِها شَيْءٌ، فَقالَ:

يا أَحْمَدُ! إِيّاكَ وَالشَّيْطانَ أَنْ يَكُونَ لَهُ عَلَيْكَ سَبِيلٌ حَتّىٰ يُقَنِّطَكَ، إِنَّ أَبا جَعْفَرٍ صَلَواتُ اللّهِ عَلَيهِ كانَ يَقُولُ: إِنَّ الْمُؤْمِنَ يَسْأَلُ اللّهَ عَزَّ وَجَلَّ حاجَةً فَيُؤَخِّرُ عَنْهُ تَعْجِيلَ إِجابَتِهِ حُبّاً لِصَوْتِهِ وَاسْتِماعِ نَحِيبِهِ.

ثُمَّ قالَ: وَاللّهِ ما أَخَّرَ اللّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ ما يَطْلُبُونَ مِنْ هٰذِهِ الدُّنْيا خَيْرٌ لَهُمْ مِمّا عَجَّلَ لَهُمْ فِيها وَأَيُّ شَيْءٍ الدُّنْيا، إِنَّ أَبا جَعْفَرٍ عَلَيهِ السَّلام كانَ يَقُولُ: يَنْبَغِي لِلْمُؤْمِنِ أَنْ يَكُونَ دُعاؤُهُ فِي الرَّخاءِ نَحْواً مِنْ دُعائِهِ فِي الشِّدَّةِ، لَيْسَ إِذا أُعْطِيَ فَتَرَ، فَلا تَمَلَّ الدُّعاءَ فَإِنَّهُ مِنَ اللّهِ عَزَّ وَجَلَّ بِمَكانٍ وَعَلَيْكَ بِالصَّبْرِ وَطَلَبِ الْحَلالِ وَصِلَةِ الرَّحِمِ وَإِيّاكَ وَمُكاشَفَةَ النّاسِ فَإِنّا أَهْلَ الْبَيْتِ نَصِلُ مَنْ قَطَعَنا وَنُحْسِنُ إِلىٰ مَنْ أَساءَ إِلَيْنا، فَنَرىٰ وَاللّهِ فِي ذٰلِكَ الْعاقِبَةَ الْحَسَنَةَ إِنَّ

باب در کسی که اجابت دعایش به تأخیر افتد

۱ ـ از احمد بن محمد بن أبی نصر گوید: به ابی الحسن (امام رضا ع) گفتم: قربانت، راستی من از چند سال است حاجتی از خدا خواستم و از تأخیر اجابتش در دلم نگرانی افتاده است، فرمود: ای احمد! مبادا شیطان را بر خود راه دهی تا تو را به نومیدی کشاند، راستی امام باقر(ع) بارها می‌فرمود: مؤمن از خدا حاجتی خواهد و شتاب در اجابتش نشود، برای محبوبیت آواز او (به درگاه خدا) سپس فرمود: به خدا سوگند خدا هرچه از این دنیا را که مؤمنان بخواهند به تأخیر اندازد، برای آنها بهتر است از آنچه زود بدانها عطا کند و این دنیا چه چیز است؟ به راستی امام باقر(ع) بارها می‌فرمود: برای مؤمن شایسته است که دعایش در حال فراوانی نعمت و آسایش به همان نحو باشد که در حال تنگی و سختی است وچون به او عطا شود سست نگردد، تو از دعا خسته مشو که دعا مقامی دارد نزد خدا، (بس بزرگ) بر تو باد که شکیبا باشی وروزی حلال بجوئی و صلهٔ رحم کنی ومبادا بامردم یک‌روئی و اظهار دشمنی کنی زیرا ما خاندانی هستیم که صله دهیم به هرکه از ما ببرد وترک ما را کند ونیکی کنیم به هرکه به ما بدی کند و به خدا در این کار سرانجام خوشی بینیم، راستی نعمت‌خواره در این دنیا هرگاه هرچه درخواست کند، به او بدهند، به همان قناعت نکند ودنبال جز آنچه خواسته برود و آن را هم بخواهد ونعمت خدا در چشم او خوار



صاحِبَ النِّعْمَةِ فِي الدُّنْيا إذا سَأَلَ فَأُعْطِيَ، طَلَبَ غَيْرَ الَّذِي سَأَلَ وَصَغُرَتِ النِّعْمَةُ فِي عَيْنِهِ فَلا يَشْبَعُ مِنْ شَيْءٍ وَ إذا كَثُرَتِ النِّعَمُ كانَ الْمُسْلِمُ مِنْ ذٰلِكَ عَلىٰ خَطَرٍ لِلْحُقُوقِ الَّتِي تَجِبُ عَلَيْهِ وَما يُخافُ مِنَ الْفِتْنَةِ بِقَوْلِكَ فَبِمَنْ أَثِقُ وَأَنْتَ حُجَّةُ اللّٰهِ عَلىٰ خَلْقِهِ؟

قالَ: فَكُنْ بِاللّٰهِ أَوْثَقَ فَإِنَّكَ عَلىٰ مَوْعِدٍ مِنَ اللّٰهِ، أَلَيْسَ اللّٰهُ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ:

((وَإِذٰا سَأَلَكَ عِبادِي عَني فَإِنّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ ٱلدّٰاعِ إِذٰا دَعانِ)).

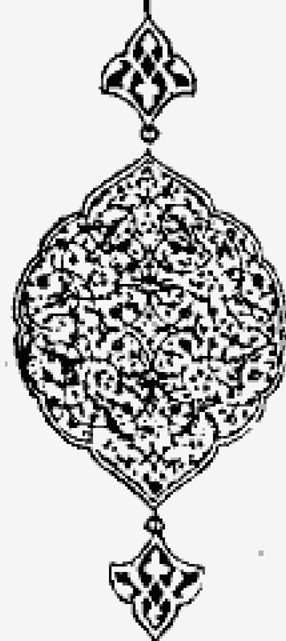
وَقالَ:

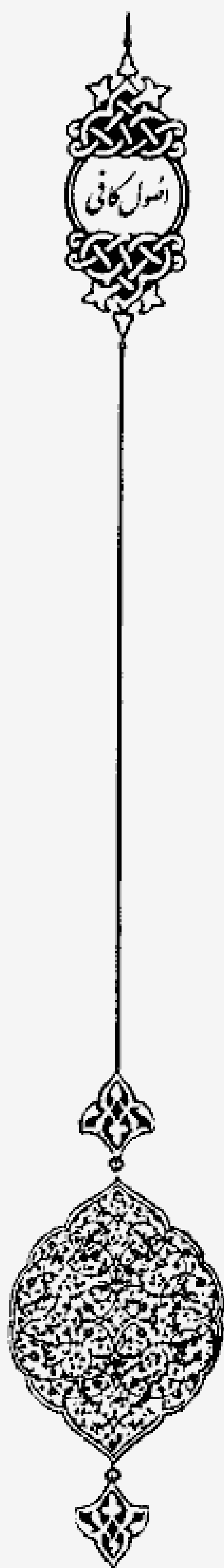
((لاٰ تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللّٰهِ)). وَقالَ:

((وَٱللّٰهُ يَعِدُكُمْ مَغْفِرَةً مِنْهُ وَفَضْلاً)) فَكُنْ بِاللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ أَوْثَقَ مِنْكَ بِغَيْرِهِ وَلا تَجْعَلُوا فِي أَنْفُسِكُمْ إِلاّ خَيْراً فَإِنَّهُ مَغْفُورٌ لَكُمْ.

٢ ـ عَنْهُ، عَنْ أَحْمَدَ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ، عَنْ مَنْصُورٍ الصَّيْقَلِ قالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِاللّٰهِ عليه السلام رُبَّما دَعَا الرَّجُلُ بِالدُّعاءِ فَاسْتُجِيبَ لَهُ ثُمَّ أُخِّرَ ذٰلِكَ إِلىٰ حِينٍ؟ قالَ: فَقالَ: نَعَمْ، قُلْتُ: وَلِمَ ذاكَ؟ لِيَزْدادَ مِنَ الدُّعاءِ؟ قالَ: نَعَمْ.

٣ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ، عَنْ إِسْحاقَ بْنِ أَبِي هِلالٍ الْمَدائِنِيِّ، عَنْ حَدِيدٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عليه السلام قالَ: إِنَّ الْعَبْدَ لَيَدْعُو فَيَقُولُ اللّٰهُ عَزَّ وَجَلَّ لِلْمَلَكَيْنِ: قَدِ اسْتَجَبْتُ لَهُ وَلٰكِنِ احْبِسُوهُ بِحاجَتِهِ، فَإِنِّي أُحِبُّ أَنْ أَسْمَعَ صَوْتَهُ





وکوچک نماید و از هیچ چیز سیر نشود وچون نعمت فراوان شود مسلمان از آن راه به خطر افتد برای حقوقی که باید بپردازد وبرای آنچه که بیم فتنه درآن می‌رود، به من بگو اگر من به تو چیزی گفتم، بدان اعتماد داری؟ من گفتم: قربانت! اگر به گفتار شما اعتماد و اطمینان نکنم، به قول چه کسی اعتماد کنم بااینکه شما حجت خدا هستید بر خلق او؟ فرمود: پس تو باید به گفتهٔ خدا و وعده‌های او اعتماد بیشتری داشته باشی، تو را خدا وعدهٔ اجابت داده است، آیا خدا نیست که می‌فرماید (۱۸۶ سوره بقره): «وهرگاه بپرسد تو را بندگانم از من پس به راستی که من نزدیکم پاسخ دهم دعوت خواننده را هرگاه مرا بخواند» وفرموده است (۵۳ سوره زمر): «ونومید مباشید از رحمت خدا» و باز فرموده است (۲۶۸ سوره بقره): «وخدا است که به شما وعدهٔ آمرزش وفضل می‌دهد» تو به خدا بیشتر وثوق داشته باش از دیگران ودر دل خود جز خوبی راه ندهید، راستش این است که شماها آمرزیده‌اید. [۳۷]

۲ ـ از منصور صیقل، گوید: به امام صادق (ع) گفتم:

بسا که مردی دعائی کند وبرای او اجابت شود وسپس تا مدتی به تأخیر افتد؟ فرمود: آری! گفتم: این برای چیست؟ برای این است که بیشتر دعا کند؟ فرمود: آری.

۳ ـ از حدید، از امام صادق (ع) فرمود:

راستی بنده دعا می‌کند وخدا عزوجل به دو فرشته می‌فرماید: من دعای او را به اجابت رسانیدم ولی حاجت او را نگهدارید تا او بازهم دعا کند، زیرا من دوست دارم آوازش را بشنوم وراستی



وَإِنَّ الْعَبْدَ لَيَدْعُو فَيَقُولُ اللّٰهُ تَبارَكَ وَتَعالى: عَجِّلُوا لَهُ حاجَتَهُ فَإِنِّي أُبْغِضُ صَوْتَهُ.

٤ ـ اِبْنُ أَبِي عُمَيْرٍ، عَنْ سُلَيْمانَ صاحِبِ السّابِرِيِّ، عَنْ إِسْحاقَ بْنِ عَمّارٍ، قالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام: يُسْتَجابُ لِلرَّجُلِ الدُّعاءُ ثُمَّ يُؤَخَّرُ؟

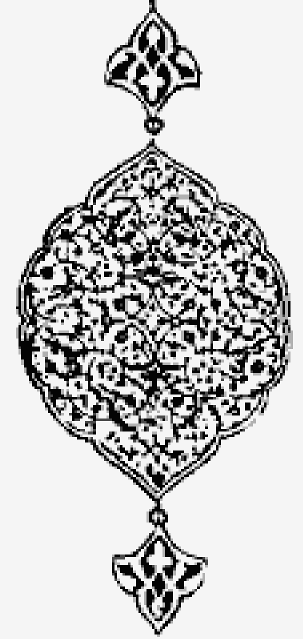
قالَ: نَعَمْ عِشْرِينَ سَنَةً.

٥ ـ اِبْنُ أَبِي عُمَيْرٍ، عَنْ هِشامِ بْنِ سالِمٍ عَنْ أَبي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: كانَ بَيْنَ قَوْلِ اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ ((قَدْ أُجِيبَتْ دَعْوَتُكُما)) وَبَيْنَ أَخْذِ فِرْعَوْنَ أَرْبَعِينَ عاماً.

٦ ـ اِبْنُ أَبِي عُمَيْرٍ، عَنْ إِبْراهِيمَ بْنِ عَبْدِالْحَمِيدِ، عَنْ أَبِي بَصِيرٍ، قالَ: سَمِعْتُ أَبا عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام يَقُولُ: إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَيَدْعُو فَيُؤَخَّرُ اجابَتَهُ إِلىٰ يَوْمِ الْجُمُعَةِ.

٧ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ ابْنِ أَبي عُمَيْرٍ، عَنْ عَبْدِاللّٰهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ، عَنْ غَيْرِ واحِدٍ مِنْ أَصْحابِنا قالَ: قالَ أَبُو عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام:

إِنَّ الْعَبْدَ الْوَلِيَّ لِلّٰهِ يَدْعُو اللّٰهَ عَزَّ وَجَلَّ فِي الْأَمْرِ يَنُوبُهُ فَيَقُولُ لِلْمَلَكِ الْمُوَكَّلِ بِهِ: اقْضِ لِعَبْدِي حاجَتَهُ وَلا تُعَجِّلْها فَإِنِّي أَشْتَهِي أَنْ أَسْمَعَ نِداءَهُ وَصَوْتَهُ وَإِنَّ الْعَبْدَ الْعَدُوَّ لِلّٰهِ لَيَدْعُو اللّٰهَ عَزَّ وَجَلَّ فِي الْأَمْرِ يَنُوبُهُ فَيُقالُ لِلْمَلَكِ الْمُوَكَّلِ بِهِ: اقْضِ [لِعَبْدِي]





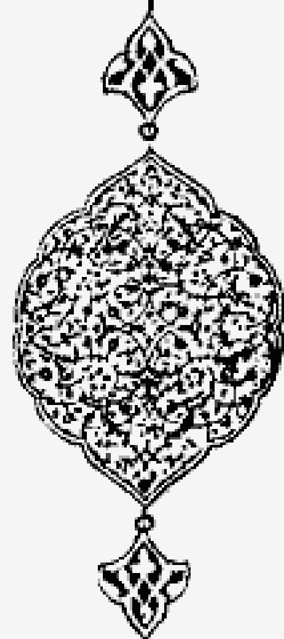
بنده‌ای هم هست که دعا می‌کند وخدا تبارک وتعالی می‌فرماید: زود حاجتش را بدهید، زیرا من از آوازش بدم می‌آید.

۴ ـ از اسحاق بن عمار گوید: به امام صادق (ع) گفتم: دعاء مردی اجابت شود وسپس به تأخیر افتد؟ فرمود: آری! تا بیست سال (یادآور نشدن بیشتر برای این است که کمیاب است ـ از مجلسی‌ره).

۵ ـ از امام صادق (ع)، فرمود: میان گفتهٔ خدا عزوجل [در برابر تقاضای فنای فرعون] (۸۹ سوره یونس): «هرآینه دعاء شما به اجابت رسید» (خطاب به موسی وهارون ع) ومیان غرق شدن فرعون، چهل سال طول کشید.

۶ ـ از ابی بصیر، گوید: از امام صادق (ع) شنیدم می‌فرمود: راستی مؤمن دعا می‌کند و اجابت او تا روز جمعه پس می‌افتد.

۷ ـ امام صادق (ع) فرمود: راستی بنده‌ای که دوست خدا است، به درگاه خدا عزوجل برای امری که بدو رخ داده است وگرفتار شده دعا می‌کند وخدا بدان بنده‌ای که به او موکّل است می‌فرماید: حاجت بندهٔ مرا برآور ودر آن شتاب مکن، زیرا من دوست دارم که فریاد وآوازش را بشنوم وراستی بنده‌ای دشمن خدا است وبه درگاه خدا عزوجل دعائی می‌کند در بارهٔ پیشامدی که بدان گرفتار شده است وبدان فرشته‌ای که به او گمارده است گفته شود برآور[برای بنده‌ام] حاجتش را وشتاب کن، زیرا من خوش ندارم فریاد وآوازش را بشنوم.





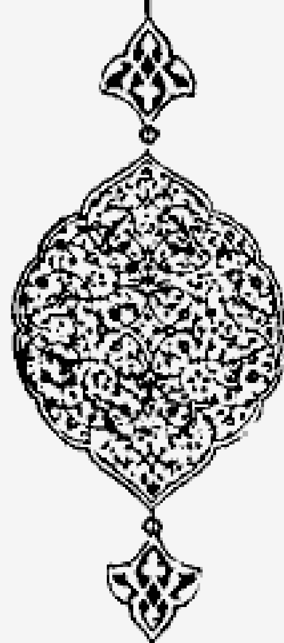
حاجَتَهُ وَعَجِّلْها فَإِنّي أَكْرَهُ أَنْ أَسْمَعَ نِداءَهُ وَصَوْتَهُ.

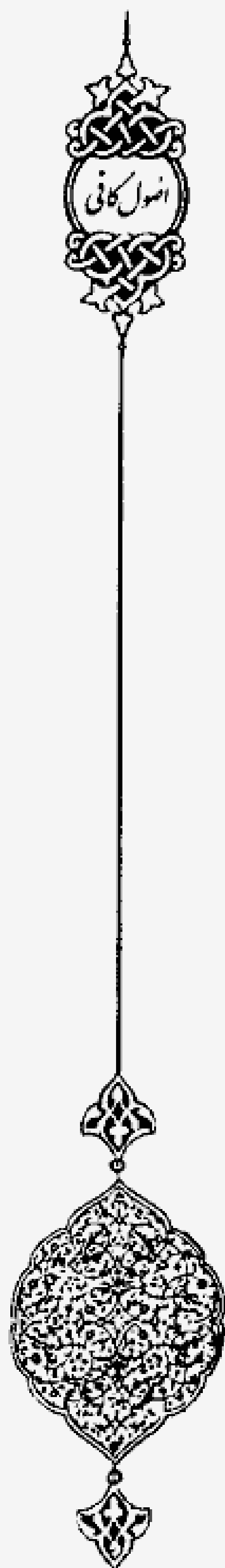
قالَ: فَيَقُولُ النّاسُ: ما أُعْطِيَ هذا إِلّا لِكَرامَتِهِ وَلا مُنِعَ هذا إِلّا لِهَوانِهِ.

٨ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسىٰ، عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ، عَنْ هِشامِ بْنِ سالِمٍ، عَنْ أَبِي بَصِيرٍ، عَنْ أَبي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيهِ السّلام قالَ: لا يَزالُ الْمُؤْمِنُ بِخَيْرٍ وَرَجاءٍ، رَحْمَةٌ مِنَ اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ ما لَمْ يَسْتَعْجِلْ، فَيَقْنَطَ وَيَتْرُكَ الدُّعاءَ، قُلْتُ لَهُ: كَيْفَ يَسْتَعْجِلُ؟ قالَ: يَقُولُ: قَدْ دَعَوْتُ مُنْذُ كَذا وَكَذا وَما أَرىٰ الْإِجابَةَ.

٩ ـ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحاقَ، عَنْ سَعْدانَ بْنِ مُسْلِمٍ، عَنْ إِسْحاقَ بْنِ عَمّارٍ، عَنْ أَبي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيهِ السّلام قالَ: إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَيَدْعُو اللّٰهَ عَزَّ وَجَلَّ فِي حاجَتِهِ فَيَقُولُ اللّٰهُ عَزَّ وَجَلَّ: أَخِّرُوا إِجابَتَهُ، شَوْقاً إِلىٰ صَوْتِهِ وَدُعائِهِ؛ فَإِذا كانَ يَوْمُ الْقِيامَةِ قالَ اللّٰهُ عَزَّ وَجَلَّ:

عَبْدِي! دَعَوْتَنِي فَأَخَّرْتُ إِجابَتَكَ وَثَوابُكَ كَذا وَكَذا وَدَعَوْتَنِي فِي كَذا وَكَذا فَأَخَّرْتُ إِجابَتَكَ وَثَوابُكَ كَذا وَكَذا؛ قالَ: فَيَتَمَنَّىٰ الْمُؤْمِنُ أَنَّهُ لَمْ يُسْتَجَبْ لَهُ دَعْوَةٌ فِي الدُّنْيا مِمّا يَرىٰ مِنْ حُسْنِ الثَّوابِ.





فرمود: پس مردم می‌گویند: به این (دومی) عطا نشده است، مگر برای ارجمندی او و از آن (اوّلی که دوست خدا است) دریغ نشده مگر برای خواری وزبونی او (نزد خدا بااینکه این قضاوت مردم بر خلاف حقیقت است).

۸ ـ از ابی بصیر، از امام صادق (ع) فرمود:

پیوسته مؤمن در حال خیر و امیدواری است از مهر خدا عزوجل، تا شتاب‌زدگی نکند ونومید نشود ودست از دعا بر ندارد، گفتم: به آن حضرت: چگونه شتاب‌زدگی می‌کند؟ فرمود:

می‌گوید: از آغاز فلان سال و فلان ماه دعا کردم و اجابت آن را نبینم. [۳۸]

۹ ـ از اسحاق بن عمار، از امام صادق (ع) فرمود:

راستی مؤمن برای حاجت خود به درگاه خدا عزوجل دعا می‌کند وخدا عزوجل می‌فرماید: اجابتش را به تأخیر اندازید برای اشتیاق به آواز او ودعاء او، وچون روز قیامت شود خدا عزوجل فرماید: ای بندهٔ من! دعا کردی و اجابت تو را به تأخیر انداختم، اکنون ثواب تو چنین وچنان است و تو مرا در بارهٔ چنین وچنان (ناقابل دعا کردی) ومن اجابت تو را به تأخیر انداختم وثوابت چنان وچنان است، گوید: مؤمن آرزو می‌کند که کاش هیچ دعائی برای او در دنیا به اجابت نرسیده بود (وثوابش برای آخرت او ذخیره شده بود) برای آنچه که از حُسْنِ پاداش الهی می‌بیند. [۳۹]



بابُ الصَّلاةِ عَلىٰ النَّبِيِّ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ عليهم السّلام

١ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ، عَنْ هِشامِ بْنِ سالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عليه السّلام قالَ: لا يَزالُ الدُّعاءُ مَحْجُوباً حَتّىٰ يُصَلّي عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ.

٢ـ عَنْهُ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ النَّوْفَلِيِّ، عَنِ السَّكُونِيِّ، عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عليه السّلام قالَ: مَنْ دَعا وَلَمْ يَذْكُرِ النَّبِيَّ صلّى الله عليه وآله وسلّم رَفْرَفَ الدُّعاءُ عَلىٰ رَأْسِهِ فَإِذا ذَكَرَ النَّبِيَّ صلّى الله عليه وآله وسلّم رُفِعَ الدُّعاءُ.

٣ـ أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِالْجَبّارِ، عَنْ صَفْوانَ، عَنْ أَبِي أُسامَةَ زَيْدٍ الشَّحّامِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عليه السّلام أَنَّ رَجُلاً أَتَىٰ النَّبِيَّ صلّى الله عليه وآله وسلّم فَقالَ: يا رَسُولَ اللّٰهِ إِنِّي أَجْعَلُ لَكَ ثُلُثَ صَلَواتِي، لا، بَلْ أَجْعَلُ لَكَ نِصْفَ صَلَواتِي، لا، بَلْ أَجْعَلُها كُلَّها لَكَ، فَقالَ رَسُولُ اللّٰهِ صلّى الله عليه وآله وسلّم: إِذاً تُكْفىٰ مَؤُونَةَ الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ.

٤ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ، عَنْ سَيْفٍ، عَنْ أَبِي أُسامَةَ، عَنْ أَبِي بَصِيرٍ، قالَ: سَأَلْتُ أَبا

باب صلوات و طلب رحمت برای پیغمبر محمد(ص) و خاندانش(ع)

۱ ـ از امام صادق (ع)، فرمود:
پیوسته دعا محبوب است تا صلوات فرستاده شود به محمد وآل محمد (ص). [٤٠]

۲ ـ امام صادق (ع) فرمود:
هرکه دعائی کند و نام پیغمبر(ص) نبرد، دعایش گرد سرش بچرخد، وهرگاه نام پیغمبر(ص) را برد، دعا بالا رود. [٤١]

۳ ـ مردی نزد پیغمبر(ص) آمد و گفت: یا رسول‌اللّٰه! من یک سوّم صلواتم را از آنِ تو مقرّر دارم، نه، بلکه نیمی از صلواتم را از آنِ تو سازم، نه، بلکه همهٔ صلواتم را برای تو مقرّر نمایم.
رسول خدا(ص) فرمود: در این صورت، همهٔ مؤونه و خرج دنیا وآخرتت کفایت می‌شود. [٤٢]

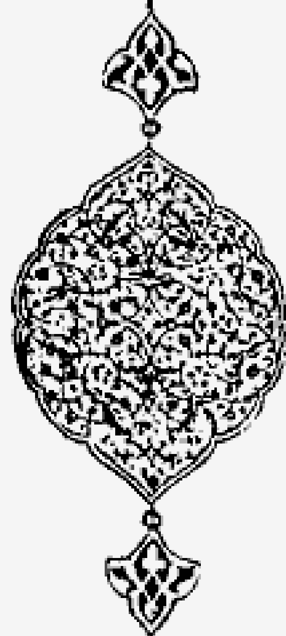
٤ ـ از اُبی بصیر، گوید: از امام صادق (ع) پرسیدم معنی اینکه همهٔ صلواتم را برای شما مقرر می‌دارم چیست؟ در پاسخ



عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام: «ما مَعْنىٰ أَجْعَلُ صَلَواتِي كُلَّها لَكَ»؟ فَقالَ: يُقَدِّمُهُ بَيْنَ يَدَيْ كُلِّ حاجَةٍ فَلا يَسْأَلُ اللّٰهَ عَزَّ وَجَلَّ شَيْئاً حَتّىٰ يَبْدَأَ بِالنَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّم فَيُصَلِّيَ عَلَيْهِ ثُمَّ يَسْأَلَ اللّٰهَ حَوائِجَهُ.

٥ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيادٍ، عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيِّ، عَنِ ابْنِ الْقَدّاحِ، عَنْ أَبي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: قالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّم: لا تَجْعَلُونِي كَقَدَحِ الرّاكِبِ فَإِنَّ الرّاكِبَ يَمْلأُ قَدَحَهُ فَيَشْرَبُهُ إِذا شاءَ، اجْعَلُونِي فِي أَوَّلِ الدُّعاءِ وَفِي آخِرِهِ وَفِي وَسَطِهِ.

٦ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خالِدٍ، عَنْ إِسْماعِيلَ بْنِ مِهْرانَ، عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ، عَنْ أَبِيهِ، وَحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْعَلاءِ، عَنْ أَبِي بَصِيرٍ، عَنْ أَبي عَبْدِاللّٰهِ قالَ: قالَ: إِذا ذُكِرَ النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّم فَأَكْثِرُوا الصَّلاةَ عَلَيْهِ فَإِنَّهُ مَنْ صَلّىٰ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّم صَلاةً واحِدَةً صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ أَلْفَ صَلاةٍ فِي أَلْفِ صَفٍّ مِنَ الْمَلائِكَةِ وَلَمْ يَبْقَ شَيْءٌ مِمّا خَلَقَهُ اللّٰهُ إِلّا صَلّىٰ عَلَى الْعَبْدِ لِصَلاةِ اللّٰهِ عَلَيْهِ وَصَلاةِ مَلائِكَتِهِ، فَمَنْ لَمْ يَرْغَبْ فِي هذا فَهُوَ جاهِلٌ مَغْرُورٌ، قَدْ بَرِئَ اللّٰهُ مِنْهُ وَرَسُولُهُ وَأَهْلُ بَيْتِهِ.



٧ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيادٍ، عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيِّ، عَنِ ابْنِ الْقَدّاحِ، عَنْ أَبي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: قالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّم: مَنْ صَلّىٰ عَلَيَّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

فرمود: يعني او را پيش از هر حاجتي قرار مى‌دهد و از خدا عزوجل درخواستي نمی‌كند تا اول به پيغمبر(ص) صلوات فرستد وسپس حوائج خود را خواهد.

۵ ـ امام صادق (ع) فرمود: رسول خدا(ص) فرموده است:
مرا چون قدح شتر سوار نسازيد، زيرا شتر سوار قدح خود را پر مى‌كند و هر وقت خواست مى‌نوشد، مرا در آغاز دعا و ميانهٔ دعا وآخر دعاء خود قرار دهيد. [۴۳]



۶ ـ امام صادق (ع) فرمود:
چون پيغمبر نامبرده شود، بسيار بر او صلوات بفرستيد، زيرا هركه يک بار بر پيغمبر(ص) صلوات بفرستد، خدا هزار بار در هزار صف از فرشته‌ها بر او صلوات فرستد وچيزى نماند از آنچه خدا آفريده است جز اينكه بر آن بنده صلوات فرستند، براى اينكه خدا وفرشته‌ها بر او صلوات فرستند وهركه در اين فضيلت رغبت نكند، او نادان است و مغرور وخدا ورسول واهل بيتش از او بيزارند. [۴۴]

۷ ـ امام صادق (ع) فرمود:
رسول خدا(ص) فرموده است:
هركه بر من صلوات فرستد، خدا و فرشته‌ها بر او صلوات



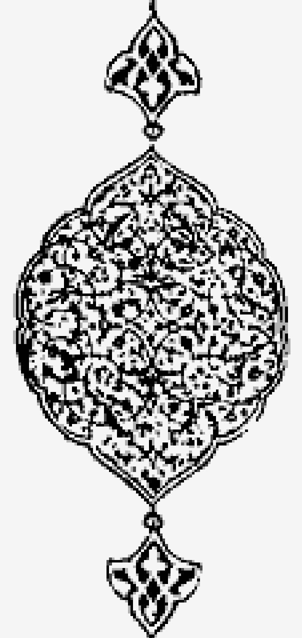
وَمَلائِكَتُهُ وَمَنْ شاءَ فَلْيُقِلَّ وَمَنْ شاءَ فَلْيُكْثِرْ.

٨ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ ابْنِ أَبي عُمَيْرٍ، عَنْ عَبْدِاللّٰهِ بْنِ سِنانٍ، عَنْ أَبي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيهِ السَّلام قالَ: قالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيهِ وَآلِهِ وَسَلَّم: الصَّلاةُ عَلَيَّ وَعَلىٰ أَهْلِ بَيْتِي تَذْهَبُ بِالنِّفاقِ.

٩ ـ أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَسّانٍ، عَنْ أَبِي عِمْرانَ الْأَزْدِيِّ، عَنْ عَبْدِاللّٰهِ بْنِ الْحَكَمِ، عَنْ مُعاوِيَةَ بْنِ عَمّارٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيهِ السَّلام قالَ: مَنْ قالَ: يا رَبِّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ـ مِائَةَ مَرَّةٍ ـ قُضِيَتْ لَهُ مِائَةُ حاجَةٍ ثَلاثُونَ لِلدُّنْيا [وَالْباقِي لِلْآخِرَةِ].

١٠ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ، وَعَبْدُالرَّحْمٰنِ بْنُ أَبِي نَجْرانَ؛ جَمِيعاً، عَنْ صَفْوانَ الْجَمّالِ، عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيهِ السَّلام قالَ: كُلُّ دُعاءٍ يُدْعَى اللّٰهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ مَحْجُوبٌ عَنِ السَّماءِ حَتّىٰ يُصَلّي عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ.

١١ ـ عَنْهُ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ، عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ، عَنْ أَبِي بَكْرٍ الْحَضْرَمِيِّ قالَ: حَدَّثَنِي مَنْ سَمِعَ أَبا عَبْدِاللّٰهِ عَلَيهِ السَّلام يَقُولُ: جاءَ رَجُلٌ إِلىٰ رَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيهِ وَآلِهِ وَسَلَّم فَقالَ: أَجْعَلُ نِصْفَ صَلَواتِي لَكَ؟ قالَ: نَعَمْ، ثُمَّ قالَ: أَجْعَلُ صَلَواتِي كُلَّها لَكَ قالَ: نَعَمْ، فَلَمّا مَضىٰ قالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيهِ وَآلِهِ وَسَلَّم كُفِيَ هَمَّ الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ.



١٢ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ ابْنِ أَبي عُمَيْرٍ، عَنْ مُرازِمٍ

فرستند، هر که خواهد که فرستد وهر که خواهد بیش.

۸ ـ امام صادق (ع) فرمود: رسول خدا(ص) فرموده است: صلوات بر من و خاندانم نفاق را می‌برد.

۹ ـ امام صادق (ع) فرمود:
هر که گوید: «یا ربّ صلّ علی محمد وآل محمد» صد بار، صد حاجت از او برآورده شود که سی از دنیا باشد[و باقی از آخرت].

۱۰ ـ امام صادق (ع) فرمود:
هر دعا که به درگاه خدا عزوجل بکنند، محجوب است از رفتن به آسمان تا صلوات فرستد به محمد وآل محمد.

۱۱ ـ از أبی بکر حضرمی، گفت: برای من بازگفت کسی که از امام صادق (ع) شنیده بود که می‌فرموده است: مردی نزد رسول خدا(ص) آمد وبه عرض رسانید که: من نیمی از دعاهای خود را از آن شما بسازم؟ فرمود: آری! سپس عرض کرد: من همهٔ دعاهای خود را به شما اختصاص دهم؟ فرمود: آری!
چون آن مرد رفت، رسول خدا(ص) فرمود: هم دنیا و هم آخرت او کفایت شد.

۱۲ ـ امام صادق (ع) فرمود:

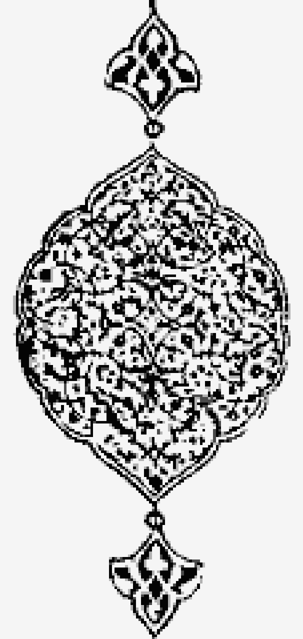


قالَ: قالَ أَبو عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام إِنَّ رَجُلاً أَتىٰ رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّم فَقالَ: يا رَسُولَ اللّٰهِ إِنّي جَعَلْتُ ثُلُثَ صَلَواتِي لَكَ؟ فَقالَ لَهُ خَيْراً.

فَقالَ: يا رَسُولَ اللّٰهِ إِنّي جَعَلْتُ نِصْفَ صَلَواتِي لَكَ؟ فَقالَ لَهُ: ذاكَ أَفْضَلُ، فَقالَ: إِنّي جَعَلْتُ كُلَّ صَلَواتِي لَكَ، فقالَ: إِذاً يَكْفِيكَ اللّٰهُ عَزَّ وَجَلَّ ما أَهَمَّكَ مِنْ أَمْرِ دُنْياكَ وَآخِرَتِكَ، فَقالَ لَهُ رَجُلٌ: أَصْلَحَكَ اللّٰهُ كَيْفَ يَجْعَلُ صَلاتَهُ لَهُ؟ فَقالَ أَبو عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام: لا يَسْأَلُ اللّٰهَ عَزَّ وَجَلَّ شَيْئاً إِلّا بَدأَ بِالصَّلاةِ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّم.

١٣ـ ابْنُ أَبِي عُمَيْرٍ، عَنْ عَبْدِاللّٰهِ بْنِ سِنانٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ: قالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّم: ارْفَعُوا أَصْواتَكُمْ بِالصَّلاةِ عَلَيَّ فَإِنَّها تَذْهَبُ بِالنِّفاقِ.

١٤ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسىٰ، عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ عَبْدِاللّٰهِ، عَنْ إِسْحاقَ بْنِ فَرُّوخَ مَوْلىٰ آلِ طَلْحَةَ قالَ: قالَ أَبو عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام: يا إِسْحاقَ بْنَ فَرُّوخَ مَنْ صَلّىٰ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ عَشْراً صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَمَلائِكَتُهُ مِائَةَ مَرَّةٍ، وَمَنْ صَلّىٰ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ مِائَةَ [مَرَّةٍ] صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَمَلائِكَتُهُ أَلْفاً، أَما تَسْمَعُ قَوْلَ اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ: ((هُوَ الَّذِي يُصَلِّي عَلَيْكُمْ وَمَلائِكَتُهُ لِيُخْرِجَكُمْ مِنَ الظُّلُماتِ إِلَى النُّورِ وَكانَ بِالْمُؤْمِنِينَ رَحِيماً)).



راستی مردی نزد رسول خدا(ص) آمد و گفت: یا رسول الله! من یک سوّم دعاهای خود را برای شما مقرر کرده‌ام، رسول خدا(ص) او را تحسین کرد و او باز عرض کرد: یا رسول الله! من نیمی از دعاهای خود را از آن شما سازم، رسول خدا(ص) فرمود: این بهتر است، آن مرد گفت: من همهٔ دعاهای خود را از آن شما کنم، فرمود: در این صورت خدای عزوجل کفایت کند برایَ تو آنچه را مهم دانی از کار دنیا و آخرتت.

مردی به امام صادق (ع) عرض کرد: اصلحک الله! چگونه همهٔ دعاهای خود را از آنِ آن حضرت می‌کند؟ امام صادق (ع) در پاسخ او فرمود: از خدا عزّوجل چیزی درخواست نکند جز اینکه دعای خود را با صلوات بر محمد و آلش آغاز کند.

۱۳ ـ رسول خدا(ص) فرمود:

به من به آواز بلند صلوات بفرستید، زیرا که آن نفاق را بر طرف کند.

۱۴ ـ از اسحاق بن فروخ مولی آل طلحه، گوید: امام صادق (ع) فرمود:

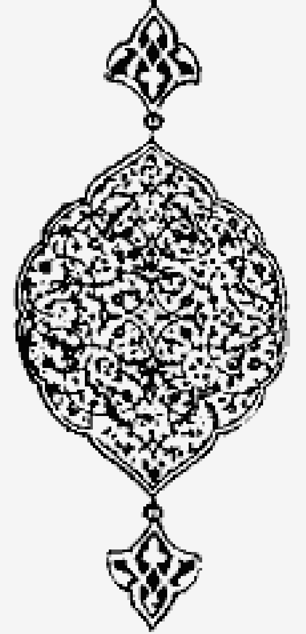
ای اسحاق بن فروخ! هر که ده بار بر محمد و آل محمد صلوات فرستد، خدا وفرشته‌ها صدبار بر او صلوات بفرستند وهر که صدبار بر محمد و آل محمد صلوات فرستد، خدا وفرشته‌ها هزار بار بر او صلوات فرستند، آیا نشنیده‌ای گفتهٔ خدا عزوجل را (۴۳ سوره احزاب): «او است آن خداوندی که رحمت می‌فرستد بر شما و هم فرشته‌هائی که رحمت می‌خواهند برای شما تا بیرون آورند شماها را از تاریها و تیرگیها به سوی روشنی وخدا در بارهٔ مؤمنان مهربان است».



١٥ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ ابْنِ أَبي عُمَيْرٍ، عَنْ أَبِي أَيُّوبَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ، عَنْ أَحَدِهِما عليهما السّلام قالَ: ما فِي الْمِيزانِ شَيْءٌ أَثْقَلُ مِنَ الصَّلاةِ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَإِنَّ الرَّجُلَ لَتُوضَعُ أَعْمالُهُ فِي الْمِيزانِ فَيَمِيلُ بِهِ فَيُخْرِجُ الصَّلاةَ عَلَيْهِ فَيَضَعُها فِي مِيزانِهِ فَيُرَجَّحُ [بِهِ].

١٦ ـ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ، عَنِ ابْنِ جُمْهُورٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ رِجالِهِ قالَ: قال أَبُو عَبْدِاللّٰهِ عليه السّلام: مَنْ كانَتْ لَهُ إِلَى اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ حاجَةٌ فَلْيَبْدَأْ بِالصَّلاةِ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، ثُمَّ يَسْأَلُ حاجَتَهُ، ثُمَّ يَخْتِمُ بِالصَّلاةِ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، فَإِنَّ اللّٰهَ عَزَّ وَجَلَّ أَكْرَمُ مِنْ أَنْ يَقْبَلَ الطَّرَفَيْنِ وَيَدَعَ الْوَسَطَ إِذْ[ا] كانَتِ الصَّلاةُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ لا تُحْجَبُ عَنْهُ.

١٧ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ مُحْسِنِ بْنِ أَحْمَدَ، عَنْ أَبانٍ الْأَحْمَرِ، عَنْ عَبْدِالسَّلامِ بْنِ نُعَيْمٍ قالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِاللّٰهِ عليه السّلام: إِنّي دَخَلْتُ الْبَيْتَ وَلَمْ يَحْضُرْنِي شَيْءٌ مِنَ الدُّعاءِ إِلَّا الصَّلاةَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فَقالَ: أَما إِنَّهُ لَمْ يَخْرُجْ أَحَدٌ بِأَفْضَلَ مِمّا خَرَجْتَ بِهِ.



١٨ ـ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الرَّيّانِ، عَنْ عُبَيْدِاللّٰهِ بْنِ عَبْدِاللّٰهِ الدِّهْقانِ قالَ: دَخَلْتُ عَلىٰ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضا عليه السّلام فَقالَ لِي: ما مَعْنىٰ قَوْلِهِ: ((وَذَكَرَ آسْمَ رَبِّهِ

۱۵ ـ از محمد بن مسلم، از امام باقر یاامام صادق (ع) فرمود:
در میزان، چیزی سنگین‌تر از صلوات بر محمد وآل محمد نیست، وبه راستی مردی باشد که اعمالش را در میزان گذارند و سبک آید وثواب صلوات او درآید و آن را در میزان او نهند و سنگین گردد و بچرخد به سود او.

۱۶ ـ از امام صادق (ع)، فرمود:
هرکه را حاجتی به خدا عزوجل باشد، باید با صلوات بر محمد وآلش آن را آغاز کند وسپس حاجت خود را بخواهد و بازهم در پایان، صلوات بر محمد وآلش بفرستد، زیرا خداوند عزوجل از آن کریم‌تر است که دو طرف را بپذیرد و میانه را وانهد زیرا صلوات بر محمد وآلش از او محجوب نباشد.

۱۷ ـ از عبدالسلام بن نعیم، فرمود: به امام صادق (ع) گفتم: من وارد خانه (کعبه)شدم وچیزی در خاطر، حاضر نداشتم جز صلوات بر محمد وآل محمد (ص) فرمود:
فرمود: هلا کسی بیرون نشده است از خانه با بهتر از آنچه تو بیرون شدی.

۱۸ ـ از عبیدالله، بن عبدالله دهقان، گوید: نزد امام رضا (ع) رفتم و به من فرمود: معنی قول خدا (۱۵ سوره اعلی): «ویاد کرد نام پروردگار خود راو صلوة به جا آورد» چیست؟ گفتم: یعنی هر وقت به

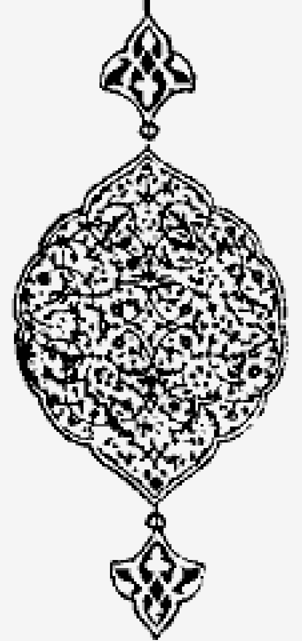


فَصَلّىٰ)) قُلْتُ: كُلَّما ذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ قامَ فَصَلّىٰ، فَقالَ لِي: لَقَدْ كَلَّفَ اللّٰهُ عَزَّ وَجَلَّ هذا شَطَطاً فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِداكَ فَكَيْفَ هُوَ؟ فَقالَ: كُلَّما ذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ صَلّىٰ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ.

۱۹ ـ عَنْهُ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، عَنْ مُفَضَّلِ بْنِ صالِحٍ الْأَسَدِيِّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ هارُونَ، عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيهِ السَّلام قالَ: إِذا صَلّىٰ أَحَدُكُمْ وَلَمْ يَذْكُرِ النَّبِيَّ [وَآلَهُ] صَلَّى اللّٰهُ عَلَيهِ وَآلِهِ وَسَلَّم فِي صَلاتِهِ يُسْلَكُ بِصَلاتِهِ غَيْرَ سَبِيلِ الْجَنَّةِ وَقالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيهِ وَآلِهِ وَسَلَّم: مَنْ ذُكِرْتُ عِنْدَهُ فَلَمْ يُصَلِّ عَلَيَّ دَخَلَ النّارَ فَأَبْعَدَهُ اللّٰهُ، وَقالَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيهِ وَآلِهِ وَسَلَّم: وَمَنْ ذُكِرْتُ عِنْدَهُ فَنَسِيَ الصَّلاةَ عَلَيَّ خُطِئَ بِهِ طَرِيقَ الْجَنَّةِ.

۲۰ ـ أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ، عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ، عَنْ عُبَيْسِ بْنِ هِشامٍ، عَنْ ثابِتٍ، عَنْ أَبِي بَصِيرٍ، عَنْ أَبي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيهِ السَّلام قالَ: قالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيهِ وَآلِهِ وَسَلَّم: مَنْ ذُكِرْتُ عِنْدَهُ فَنَسِيَ أَنْ يُصَلِّيَ عَلَيَّ خَطَأَ اللّٰهُ بِهِ طَرِيقَ الْجَنَّةِ.

۲۱ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيادٍ، عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنِ ابْنِ الْقَدّاحِ، عَنْ أَبي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيهِ السَّلام قالَ: سَمِعَ أَبِي رَجُلاً مُتَعَلِّقاً بِالْبَيْتِ وَهُوَ يَقُولُ: اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ، فَقالَ لَهُ أَبِي: يا عَبْدَ اللّٰهِ لا تَبْتُرْها لا تَظْلِمْنا حَقَّنا قُلْ: اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ.



یاد خدا آمد برخاست ونماز خواند، در پاسخم فرمود: در این صورت خدا تکلیف نابه‌جا و زوری کرده است، پس من گفتم: پس چگونه است معنی آن؟ فرمود:

هر وقتی‌به‌یاد پروردگارش آید،صلوات‌بر محمد وآلش‌فرستد.

۱۹ ـ از امام صادق (ع)، فرمود:

هرگاه یکی از شماها نماز بخواند ودر نمازش نام پیغمبر(ص) را نبرد، نمازش او را به جز راه بهشت برد.

و رسول خدا(ص) فرمود: من در نزد هر کس نام برده شوم و بر من صلوات نفرستد، به دوزخ رود وخدا او را دور کند، وفرمود(ص) من نزد هر کسی نام برده شوم وصلوات بر مرا فراموش کند، از راه بهشت به خطا رفته باشد.

۲۰ ـ امام صادق (ع) فرمود که: رسول خدا(ص) فرموده:

هرکه نام مرا نزد او برند وفراموش کند بر من صلوات بفرستد، خدا او را به راهی جز راه بهشت برد.

۲۱ ـ امام صادق (ع) فرمود: پدرم شنید که مردی به پردهٔ خانهٔ کعبه چسبیده و می‌گوید:

بار خدایا! رحمت بفرست بر محمد، پس پدرم به او فرمود:

ای بندهٔ خدا! آن را دنباله بریده مکن، حق ما را به ستم مبر، بگو: اللّهم صل علی محمد وأهل بیته.



بابُ ما يَجِبُ مِنْ ذِكْرِ اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي كُلِّ مَجْلِسٍ

١ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خالِدٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ خَلَفِ بْنِ حَمّادٍ، عَنْ رِبْعِيِّ ابْنِ عَبْدِاللّٰهِ بْنِ الْجارُودِ الْهُذَلِيِّ، عَنِ الْفُضَيْلِ بْنِ يَسارٍ قالَ: قالَ أَبُو عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام: ما مِنْ مَجْلِسٍ يَجْتَمِعُ فِيهِ أَبْرارٌ وَفُجّارٌ، فَيَقُومُونَ عَلىٰ غَيْرِ ذِكْرِ اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ إِلّا كانَ حَسْرَةً عَلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيامَةِ.

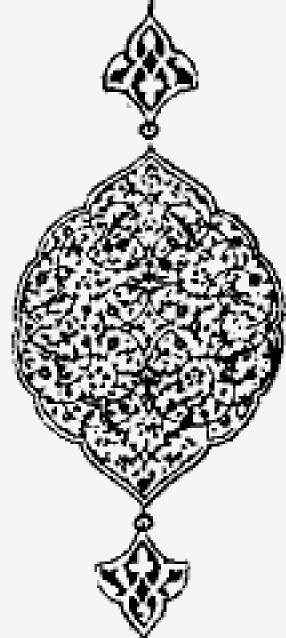
٢ ـ حُمَيْدُ بْنُ زِيادٍ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَماعَةَ، عَنْ وُهَيْبِ بْنِ حَفْصٍ، عَنْ أَبِي بَصِيرٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: ما اجْتَمَعَ فِي مَجْلِسٍ قَوْمٌ لَمْ يَذْكُرُوا اللّٰهَ عَزَّ وَجَلَّ وَلَمْ يَذْكُرونا إِلّا كانَ ذٰلِكَ الْمَجْلِسُ حَسْرَةً عَلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيامَةِ، ثُمَّ قالَ: [قالَ] أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلام: إِنَّ ذِكْرَنا مِنْ ذِكْرِ اللّٰهِ وَذِكْرَ عَدُوِّنا مِنْ ذِكْرِ الشَّيْطانِ.

٣ ـ وَبِإِسْنادِهِ قالَ: قالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلام:

مَنْ أَرادَ أَنْ يَكْتالَ بِالْمِكْيالِ الْأَوْفىٰ فَلْيَقُلْ إِذا أَرادَ أَنْ يَقُومَ مِنْ مَجْلِسِهِ:

سُبْحانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمّا يَصِفُونَ وَسَلامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ





باب آنچه واجب است از ذکر خدا عزوجل در هر مجلس

۱ ـ از امام صادق (ع)، فرمود: هیچ انجمنی فراهم نشود از نیکان و بدکاران که بی‌یاد خدا عزوجل از آن برخیزند جز اینکه در روز قیامت بر آنها مایهٔ افسوس و دریغ باشد. [٤٥]



۲ ـ امام صادق (ع) فرمود:

انجمنی از مردم فراهم نگردد که در آن ذکر خدا عزوجل و ذکر ما نباشد جز اینکه این انجمنی در قیامت مایهٔ افسوس آنان گردد، سپس فرمود:

امام باقر (ع) فرموده است: ذکر ما در شمار ذکر خدا است و ذکر دشمن ما در شمار ذکر شیطان.

۳ ـ امام باقر (ع) فرمود:

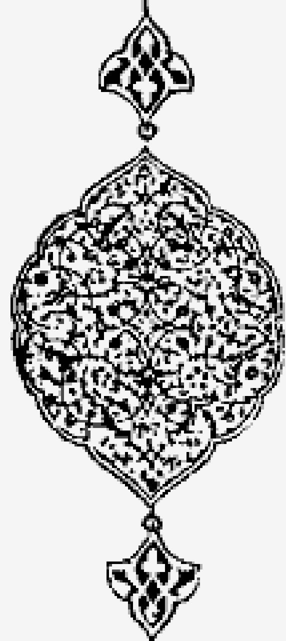
هرکه خواهد به کیل تام اجر برد باید وقتی از مجلس خود برخیزد، بگوید: «سبحان ربك رب العزة عما یصفون و سلام علی المرسلین والحمد لله رب العالمین» «منزه باد پروردگارت پروردگار عزت از آنچه وصف می‌کنند (ملحدان وجاهلان) درود بر رسولان وسپاس از آن



وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعالَمِينَ.

٤ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسىٰ، عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ، عَنْ عَبْدِاللّٰهِ بْنِ سِنانٍ، عَنْ أَبِي حَمْزَةَ الثُّمالِي، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: مَكْتُوبٌ فِي التَّوْراةِ الَّتِي لَمْ تُغَيَّرْ أَنَّ مُوسىٰ عَلَيْهِ السَّلام سَأَلَ رَبَّهُ فَقالَ: يا رَبِّ أَقَرِيبٌ أَنْتَ مِنِّي فَأُناجِيَكَ أَمْ بَعِيدٌ فَأُنادِيَكَ. فَأَوْحَى اللّٰهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِ: يا مُوسىٰ أَنا جَلِيسُ مَنْ ذَكَرَنِي، فَقالَ مُوسىٰ: فَمَنْ فِي سِتْرِكَ يَوْمَ لا سِتْرَ إِلّا سِتْرُكَ؟ فَقالَ: الَّذِينَ يَذْكُرُونَنِي فَأَذْكُرُهُمْ وَيَتَحابُّونَ فِيَّ فَأُحِبُّهُمْ فَأُولٰئِكَ الَّذِينَ إِذا أَرَدْتُ أَنْ أُصِيبَ أَهْلَ الْأَرْضِ بِسُوءٍ ذَكَرْتُهُمْ فَدَفَعْتُ عَنْهُمْ بِهِمْ.

٥ ـ أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِالْجَبّارِ، عَنْ صَفْوانَ بْنِ يَحْيىٰ، عَنْ حُسَيْنِ بْنِ زَيْدٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّم: ما مِنْ قَوْمٍ اجْتَمَعُوا فِي مَجْلِسٍ فَلَمْ يَذْكُرُوا اسْمَ اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ وَلَمْ يُصَلُّوا عَلىٰ نَبِيِّهِمْ إِلّا كانَ ذٰلِكَ الْمَجْلِسُ حَسْرَةً وَوَبالاً عَلَيْهِمْ.



٦ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيادٍ، عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ، عَنِ ابْنِ رِئابٍ، عَنِ الْحَلَبِيِّ، عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: لا بَأْسَ بِذِكْرِ اللّٰهِ وَأَنْتَ تَبُولُ فَإِنَّ ذِكْرَ اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ حَسَنٌ عَلىٰ كُلِّ حالٍ فَلا تَسْأَمْ مِنْ ذِكْرِ اللّٰهِ.

٧ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ النَّوْفَلِيِّ، عَنِ السَّكُونِيِّ،

پروردگار جهانیان».

٤ ـ از ابی حمزه ثمالی، از امام باقر(ع) فرمود:

در توراتی که تحریف نشده است نوشته است که: موسی(ع) از پروردگارش درخواستی کرد، عرض کرد: پروردگارا! تو نزدیکی به من، تا باتو راز گویم؟ یا دوری تا به تو فریاد کنم؟ خدا عزوجل به او وحی کرد: ای موسی! من همنشین هر آن کسم که مرا یاد کند، پس موسی عرض کرد: کیست در پناه تو روزی که جز پناهت پناهی نیست. فرمود: آن کسانی که مرا یاد می‌کنند و من هم آنها را یاد می‌کنم و در راه من باهم دوستی می‌کنند ومن هم آنها را دوست می‌دارم، آنانند که چون خواهم به مردم روی زمین بلا و بدی برسانم برای خاطر آنان از همهٔ آنان دفاع می‌کنم. [٤٦]

٥ ـ از امام صادق (ع) که رسول خدا(ص) فرمود:

هیچ مردمی نباشند که باهم انجمن شوند در یک مجلسی وخدا عزوجل را نام نبرند وصلوات بر پیغمبر خود نفرستند جز اینکه آن مجلس مایهٔ افسوس وزیان باشد بر ایشان.

٦ ـ امام صادق (ع) فرمود:

ذکر خدا در هنگام بول کردنت عیب ندارد، زیرا ذکر خدا در هر حال خوب است، از ذکر خدا خسته مشو.

٧ ـ امام صادق (ع) فرمود:

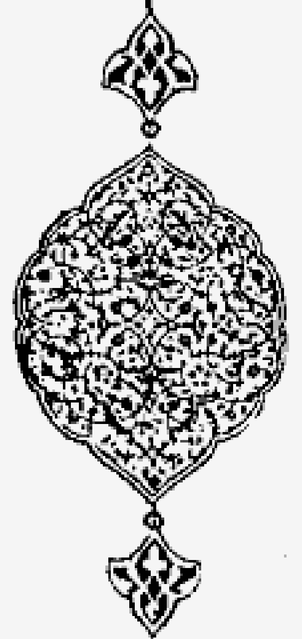


عَنْ أَبي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: أَوْحَىٰ اللّٰهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلىٰ مُوسىٰ عَلَيْهِ السَّلام يا مُوسىٰ لا تَفْرَحْ بِكَثْرَةِ الْمالِ وَلا تَدَعْ ذِكْرِي عَلىٰ كُلِّ حالٍ، فَإِنَّ كَثْرَةَ الْمالِ تُنْسِي الذُّنُوبَ وَإِنَّ تَرْكَ ذِكْرِي يُقْسِي الْقُلُوبَ.

٨ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسىٰ، عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ، عَنْ عَبْدِاللّٰهِ بْنِ سِنانٍ، عَنْ أَبِي حَمْزَةَ، عَنْ أَبي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: مَكْتُوبٌ فِي التَّوْراةِ الَّتِي لَمْ تُغَيَّرْ أَنَّ مُوسىٰ سَأَلَ رَبَّهُ فَقالَ:

إِلٰهِي إِنَّهُ يَأْتِي عَلَيَّ مَجالِسُ أُعِزُّكَ وَأُجِلُّكَ أَن أَذْكُرَكَ فِيها، فَقالَ: يا مُوسىٰ إِنَّ ذِكْرِي حَسَنٌ عَلىٰ كُلِّ حالٍ.

٩ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خالِدٍ، عَنْ ابْنِ فَضّالٍ، عَنْ بَعْضِ أَصْحابِهِ، عَمَّنْ ذَكَرَهُ، عَنْ أَبي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: قالَ اللّٰهُ عَزَّ وَجَلَّ لِمُوسىٰ: أَكْثِرْ ذِكْرِي بِاللَّيْلِ وَالنَّهارِ وَكُنْ عِنْدَ ذِكْرِي خاشِعاً وَعِنْدَ بَلائِي صابِراً واطْمَئِنَّ عِنْدَ ذِكْرِي وَاعْبُدْنِي وَلا تُشْرِكْ بِي شَيْئاً، إِلَيَّ الْمَصِيرُ، يا مُوسىٰ اجْعَلْنِي ذُخْرَكَ وَضَعْ عِنْدِي كَنْزَكَ مِنَ الْباقِياتِ الصّالِحاتِ.



١٠ ـ وبِإِسْنادِهِ، عَنْ أَبي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: قالَ اللّٰهُ عَزَّ وَجَلَّ لِمُوسىٰ:

اجْعَلْ لِسانَكَ مِنْ وَراءِ قَلْبِكَ تَسْلَمْ، وَأَكْثِرْ ذِكْرِي

خدا عزوجل به موسی(ع) وحی کرد:

ای موسی! بفزونی مال، شاد مشو و مبال و یادم را وا منه در هر حال، زیرا فزونی مال، گناهان را فراموش سازد و وانهادن ذکر من، دلها را سخت و تیره کند.

۸ ـ از امام باقر(ع)، فرمود:

در توراتی که تغییر داده نشده است، نوشته است که موسی(ع) از پروردگارش پرسید وچنین گفت: معبودا! راستش این است که مجلسی برایم پیش آمد می‌کند که من تو را عزیزتر و والاتر دانم از آنکه در آنها نامت را برم.

خداوند در پاسخ فرمود: نام بردن من در هر حال خوب است.

۹ ـ از امام صادق (ع) که خدا عزوجل به موسی فرمود:

مرا در شبانه روز بسیار یاد کن وهنگام یاد من، خاشع باش وهنگام بلائی که به تو دهم، صابر باش، درگاه ذکرم آسوده زی ومرا بپرست وچیزی را بامن شریک مساز، سرانجام به سوی من است، ای موسی! مرا ذخیرهٔ خود ساز وگنج کردارهای پاینده وشایستهٔ خود را به من سپار.

۱۰ ـ از امام صادق (ع)، فرمود: خدا عزوجل به موسی فرموده است:

زبانت را دنبال دلت بنه تا سالم بمانی و در شبانه روز بسیار

بِاللَّيْلِ وَالنَّهارِ وَلا تَتَّبِعِ الْخَطِيئَةَ فِي مَعْدِنِها فَتَنْدَمَ فَإِنَّ الْخَطِيئَةَ مَوْعِدُ أَهْلِ النّارِ.

١١ ـ وَبِإِسْنادِهِ قالَ:

فِيما ناجَىٰ اللّٰهُ بِهِ مُوسىٰ عَلَيْهِ السَّلام قالَ:

يا مُوسىٰ لا تَنْسَني عَلىٰ كُلِّ حالٍ فَإِنَّ نِسْيانِي يُمِيتُ الْقَلْبَ.

١٢ ـ عَنْهُ، عَنِ ابْنِ فَضّالٍ، عَنْ غالِبِ بْنِ عُثْمانَ، عَنْ بَشِيرٍ الدَّهّانِ، عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: قالَ اللّٰهُ عَزَّ وَجَلَّ: يا ابْنَ آدَمَ اذْكُرْنِي فِي مَلاءٍ أَذْكُرْكَ فِي مَلاءٍ خَيْرٍ مِنْ مَلَئِكَ.

١٣ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسىٰ، عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ، عَمَّنْ ذَكَرَهُ، عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: قالَ اللّٰهُ عَزَّ وَجَلَّ:

مَنْ ذَكَرَنِي فِي مَلاءٍ مِنَ النّاسِ ذَكَرْتُهُ فِي مَلاءٍ مِنَ الْمَلائِكَةِ.

بابُ ذِكْرِ اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ كَثِيراً

١ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيادٍ، عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيِّ، عَنِ ابْنِ الْقَدّاحِ، عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: ما مِنْ شَيْءٍ إِلّا وَلَهُ حَدٌّ يَنْتَهِي إِلَيْهِ إِلّا الذِّكْرَ فَلَيْسَ لَهُ حَدٌّ يَنْتَهِي إِلَيْهِ فَرَضَ

مرا یاد کن و گناه را از سرچشمه و معدنش دنبال مرو تا پشیمان شوی، زیرا گناه وعده‌گاه اهل دوزخ است. [۴۷]

۱۱ ـ امام صادق (ع) فرمود: در ضمن آنچه خدا با آن با موسی مناجات کرد این بود که فرمود: ای موسی! مرا در هیچ حالی فراموش مکن، زیرا که فراموش کردن من، دل را بمیراند.

۱۲ ـ از امام صادق (ع)، فرمود:

خدا عزوجل فرماید: ای آدمی زاده! مرا در میان مردم یاد کن تا تو را در میان گروه بهتری از فرشته‌ها یاد کنم. [۴۸]

۱۳ ـ امام صادق (ع) فرمود:

خداوند عزوجل فرماید: هر که مرا در میان جمعی از مردم یادآوری کند، من او را در میان جمعی از اشراف فرشته‌ها یادآوری کنم.

باب ذکر خدا عزوجل فراوان و بسیار

۱ ـ از امام صادق (ع)، فرمود: چیزی نیست مگر آنکه برای آن حدّی است که بدان پایان پذیرد جز ذکر خدا که پایانی ندارد، خدا عزوجل فریضه‌هائی واجب کرده است و هر که آنها را انجام



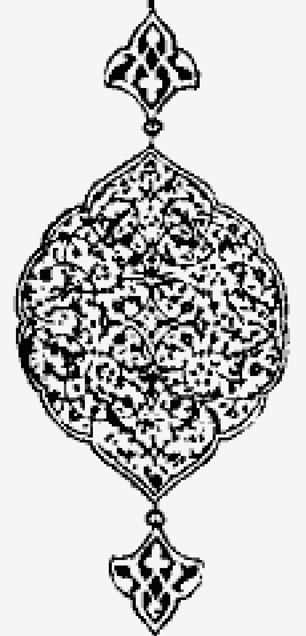
اللّٰهُ عَزَّ وَجَلَّ الْفَرائِضَ فَمَنْ أَدّاهُنَّ فَهُوَ حَدُّهُنَّ، وَشَهْرَ رَمَضانَ فَمَنْ صامَهُ فَهُوَ حَدُّهُ وَالْحَجَّ فَمَنْ حَجَّ فَهُوَ حَدُّهُ إِلاَّ الذِّكْرَ فَإِنَّ اللّٰهَ عَزَّ وَجَلَّ لَمْ يَرْضَ مِنْهُ بِالْقَلِيلِ وَلَمْ يَجْعَلْ لَهُ حَدّاً يَنْتَهِي إِلَيْهِ ثُمَّ تَلا هٰذِهِ الْآيَةَ:

((يٰا أَيُّهَا ٱلَّذِينَ آمَنُوا ٱذْكُرُوا ٱللّٰهَ ذِكْراً كَثِيراً وَسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلاً)) فَقالَ: لَمْ يَجْعَلِ اللّٰهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ حَدّاً يَنْتَهِي إِلَيْهِ.

قالَ: وَكانَ أَبِي عَلَيْهِ السَّلام كَثِيرَ الذِّكْرِ، لَقَدْ كُنْتُ أَمْشِي مَعَهُ وَإِنَّهُ لَيَذْكُرُ اللّٰهَ وَآكُلُ مَعَهُ الطَّعامَ وَإِنَّهُ لَيَذْكُرُ اللّٰهَ وَلَقَدْ كانَ يُحَدِّثُ الْقَوْمَ [وَ] ما يَشْغَلُهُ ذٰلِكَ عَنْ ذِكْرِ اللّٰهِ وَكُنْتُ أَرىٰ لِسانَهُ لازِقاً بِحَنَكِهِ يَقُولُ:

لا إِلٰهَ إِلاَّ اللّٰهُ وَكانَ يَجْمَعُنا فَيَأْمُرُنا بِالذِّكْرِ حَتّىٰ تَطْلُعَ الشَّمْسُ وَيَأْمُرُ بِالْقِراءَةِ مَنْ كانَ يَقْرَأُ مِنّا وَمَنْ كانَ لا يَقْرَأُ مِنّا أَمَرَهُ بِالذِّكْرِ.

وَالْبَيْتُ الَّذِي يُقْرَأُ فِيهِ الْقُرْآنُ وَيُذْكَرُ اللّٰهُ عَزَّ وَجَلَّ فِيهِ تَكْثُرُ بَرَكَتُهُ وَتَحْضُرُهُ الْمَلائِكَةُ وَتَهْجُرُهُ الشَّياطِينُ وَيُضِيءُ لِأَهْلِ السَّماءِ كَما يُضِيءُ الْكَوْكَبُ الدُّرِّيُّ لِأَهْلِ الْأَرْضِ وَالْبَيْتُ الَّذِي لا يُقْرَأُ فِيهِ الْقُرْآنُ وَلا يُذْكَرُ اللّٰهُ فِيهِ تَقِلُّ بَرَكَتُهُ وَتَهْجُرُهُ الْمَلائِكَةُ وَتَحْضُرُهُ الشَّياطِينُ.

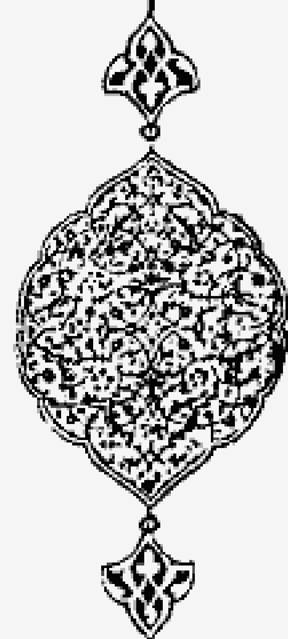


وَقَدْ قالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّم: أَلا أُخْبِرُكُمْ بِخَيْرِ



دهد همان حدّ وپایان آنها است، وماه رمضان است و هرکه آن را روزه دارد همان حدّ وپایان آن است، وحجّ را واجب کرده است وهرکه حجّ کرد به پایان آن رسیده جز همان ذکر خدا، به راستی که خدا عزوجل به اندک از آن راضی نشده وبرای آن پایانی مقرر نکرده است، سپس این آیه را خواند (۴۲ سوره احزاب): «أیا کسانی که گرویدید! یاد کنید خدا را بسیار وتسبیح گوئیدش در بامداد وپسین» پس فرمود: خدا برای آن حدّی مقرر نکرده که در آن به پایان رسد، فرمود (ع): پدرم بسیار ذکر خدا می‌کرد، من به همراه او می‌رفتم و او ذکر خدا می‌گفت، بااو ذکر غذا می‌خوردم و او ذکر خدا می‌گفت، و هرآینه که بامردم در گفتگو بود وآنش از ذکر خدا باز نمی‌داشت و من می‌دیدم زبانش به کامش چسبیده بود ومی‌فرمود: «لا الله الاّ الله» وشیوه‌اش بود که ماها را انجمن می‌کرد ودستور می‌داد به ذکر خدا تاآفتاب می‌زد و هرکدام ما که قرائت (قرآن) می‌دانستیم، دستور به قرائت می‌داد و هرکدام که قرائت نمی‌دانستیم، او را دستور به ذکر می‌داد.

در هر خانه قرآن خوانده شود و ذکر خدا عزوجل گردد، برکتش فزون شود وفرشته‌ها در آن درآیند وشیاطین از آن دوری گزینند وبرای اهل آسمان بدرخشد چنانچه ستاره‌های فروزان برای اهل زمین می‌درخشند و هر آن خانه که در آن قرآن نخوانند وذکر خدا نگویند، برکتش کم شود وفرشته‌ها از آن دوری گزینند وشیاطین در آن حاضر شوند.



و محققاً رسول خدا (ص) فرموده است: آیا به شما خبر ندهم از بهترین کارهای شما که درجهٔ بلندتری است برای شما و در نزد خداوند شما بهتر شما را پاک دامن می‌کند و از پول طلا و نقره برای

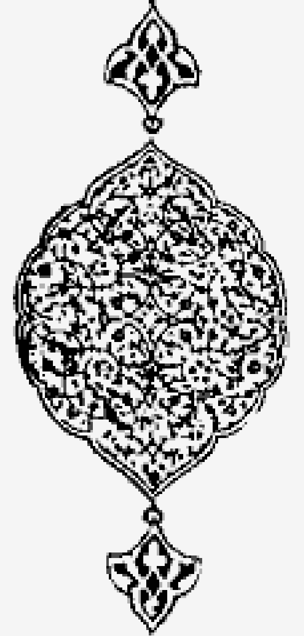


أَعْمالِكُمْ لَكُمْ أَرْفَعِها فِي دَرَجاتِكُمْ وَأَزْكاها عِنْدَ مَلِيكِكُمْ وَخَيْرٍ لَكُمْ مِنَ الدُّنْيا وَالدِّرْهَمِ وَخَيْرٍ لَكُمْ مِنْ أَنْ تَلْقَوا عَدُوَّكُمْ فَتَقْتُلُوهُمْ وَيَقْتُلُوكُمْ؟ فَقالُوا: بَلىٰ، فَقالَ: ذِكْرُ اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ كَثِيراً، ثُمَّ قالَ: جاءَ رَجُلٌ إِلىٰ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيهِ وَآلِهِ وَسَلَّم فَقالَ: مَنْ خَيْرُ أَهْلِ الْمَسْجِدِ؟ فَقالَ أَكْثَرُهُمْ لِلّٰهِ ذِكْراً. وَقالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيهِ وَآلِهِ وَسَلَّم: مَنْ أُعْطِيَ لِساناً ذاكِراً فَقَدْ أُعْطِيَ خَيْرَ الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ. وَقالَ: فِي قَوْلِهِ تَعالىٰ:

((وَلا تَمْنُنْ تَسْتَكْثِرُ)) قالَ: لا تَسْتَكْثِرْ ما عَمِلْتَ مِنْ خَيْرٍ لِلّٰهِ.

٢ ـ حُمَيْدُ بْنُ زِيادٍ، عَنِ ابْنِ سَماعَةَ، عَنْ وُهَيْبِ بْنِ حَفْصٍ، عَنْ أَبِي بَصِيرٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيهِ السَّلام قالَ: شِيعَتُنا الَّذِينَ إِذا خَلَوْا ذَكَرُوا اللّٰهَ كَثِيراً.

٣ ـ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ، عَنْ مُعَلَّىٰ بْنِ مُحَمَّدٍ، وَعِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، جَمِيعاً، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشّاءِ، عَنْ داوُدَ بْنِ سَرْحانَ، عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيهِ السَّلام قالَ: قالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيهِ وَآلِهِ وَسَلَّم: مَنْ أَكْثَرَ ذِكْرَ اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ أَحَبَّهُ اللّٰهُ وَمَنْ ذَكَرَ اللّٰهَ كَثِيراً كُتِبَتْ لَهُ بَراءَتانِ: بَراءَةٌ مِنَ النّارِ وَبَراءَةٌ مِنَ النِّفاقِ.



٤ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسىٰ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ، عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ، عَنْ بَكْرِ بْنِ أَبِي بَكْرٍ، عَنْ زُرارَةَ

شما بهتر است و خوب‌تر از آن است که به دشمن خود برخورید و با آنها نبرد کنید واز آنها بکشید و کشته شوید؟ عرض کردند: یارسول الله! چرا، فرمود: آن بسیار ذکر خدا کردن است، سپس فرمود: مردی نزد پیغمبر(ص) آمد وعرض کرد: بهترین اهل مسجد کیست؟ فرمود: آنکه بسیار ذکر خدا کند ورسول خدا(ص)، فرمود: به هر که زبان گویای به ذکر خدا داده شده است خیر دنیا وآخرت به او داده شده است ودر تفسیر قول خدا تعالی(٦ سوره مدّثر): «و منّت مگذار که کار بیشتری کردی» فرمود: آنچه کار خوب برای خدا کردی آن را بیش مشمار. [٤٩]

٢ ـ از امام صادق (ع)، فرمود:
شیعیان ما آنهایند که هرگاه تنها باشند بسیار ذکر خدا کنند.

٣ ـ از امام صادق (ع)، فرمود: رسول خدا(ص) فرموده است:
هرکه فراوان ذکر خدا عزوجل کند خدایش دوست دارد، وهرکه ذکر خدا را بسیار، برای او دو برائت نوشته شود، برائتی از دوزخ و برائتی از نفاق. [٥٠]

٤ ـ امام صادق (ع) فرمود:
تسبیح فاطمهٔ زهراء(ع) از جمله ذکر بسیار است که خدا



بْنِ أَعْيَنَ، عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيهِ السَّلام قالَ: تَسْبِيحُ فاطِمَةَ الزَّهْراءِ عَلَيها السَّلام مِنَ الذِّكْرِ الْكَثِيرِ الَّذِي قالَ اللّٰهُ عَزَّ وَجَلَّ: ((اَذْكُرُوا اللّٰهَ ذِكْراً كَثِيراً)).

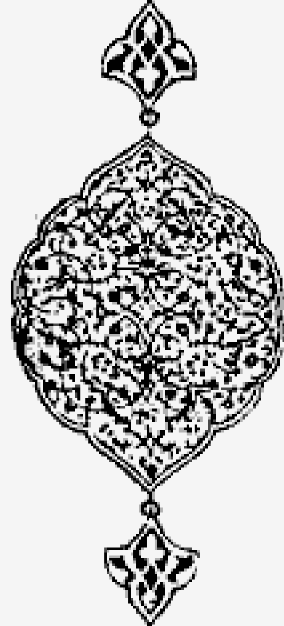
عَنْهُ؛ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ، عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ، عَنْ أَبِي أُسامَةَ زَيْدٍ الشَّحّامِ وَمَنْصُورِ بْنِ حازِمٍ وَسَعِيدٍ الْأَعْرَجِ، عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيهِ السَّلام مِثْلَهُ.

٥ ـ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ، عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنِ الْوَشّاءِ، عَنْ داوُدَ الْحَمّارِ، عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيهِ السَّلام قالَ: مَنْ أَكْثَرَ ذِكْرَ اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ أَظَلَّهُ اللّٰهُ فِي جَنَّتِهِ.



بابُ أَنَّ الصّاعِقَةَ لا تُصِيبُ ذاكِراً

١ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسىٰ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْماعِيلَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَيْلِ، عَنْ أَبِي الصَّبّاحِ الْكِنانِيِّ، عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيهِ السَّلام قالَ: يَمُوتُ الْمُؤْمِنُ بِكُلِّ مِيتَةٍ إِلَّا الصّاعِقَةَ، لا تَأْخُذُهُ وَهُوَ يَذْكُرُ اللّٰهَ عَزَّ وَجَلَّ.



٢ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ، عَنِ ابْنِ أُذَيْنَةَ، عَنْ بُرَيْدِ بْنِ مُعاوِيَةَ الْعِجْلِيِّ قالَ: قالَ أَبُو عَبْدِاللّٰهِ عَلَيهِ السَّلام: إِنَّ

عزوجل فرموده است:

«یاد کنید خدا را یاد کردن بسیار».

۵ ـ امام صادق (ع) فرمود: هر که بسیار ذکر خدا عزوجل گوید، خدا در بهشت خود اورا کاخ‌نشین سازد و زیر درختان و گنبدهای بهشتی به او مأوی دهد یا در بهشتش اورا در سایهٔ رحمت خویش گیرد ومشمول مهر مخصوص خود سازد.

باب در اینکه صاعقه ذاکر را نگیرد

۱ ـ از امام صادق (ع)، فرمود:

مؤمن به هر مرگی بمیرد جز برق زدگی و صاعقه که او را نگیرد بااینکه در ذکر خدا عزوجل است.

۲ ـ از زید بن معاویهٔ عجلی که فرمود (ع):

برقهای آسمانی به هیچ کسی که در ذکر خدا است نمیرسند،



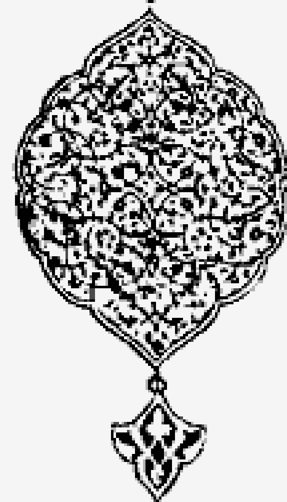
الصَّواعِقَ لا تُصِيبُ ذاكِراً، قالَ: قُلْتُ: وَما الذّاكِرُ؟ قالَ: مَنْ قَرَأَ مِائَةَ آيَةٍ.

٣ ـ حُمَيْدُ بْنُ زِيادٍ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَماعَةَ، عَنْ وُهَيْبِ بْنِ حَفْصٍ، عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قالَ: سَأَلْتُ أَبا عَبْدِاللّٰهِ عَلَيهِ السَّلام عَنْ مِيتَةِ الْمُؤْمِنِ، قالَ: يَمُوتُ الْمُؤْمِنُ بِكُلِّ مِيتَةٍ: يَمُوتُ غَرْقاً وَيَمُوتُ بِالْهَدْمِ وَيُبْتَلىٰ بِالسَّبُعِ وَيَمُوتُ بِالصّاعِقَةِ وَلا تُصِيبُ ذاكِراً لِلّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ.

بابُ الْإِشْتِغالِ بِذِكْرِ اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ

١ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ، عَنْ هِشامِ بْنِ سالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيهِ السَّلام قالَ: إِنَّ اللّٰهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ: مَنْ شَغَلَ بِذِكْرِي عَنْ مَسْأَلَتِي أَعْطَيْتُهُ أَفْضَلَ ما أُعْطِي مَنْ سَأَلَنِي.

٢ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْماعِيلَ، عَنْ مَنْصُورِ بْنِ يُونُسَ، عَنْ هارُونَ ابْنِ خارِجَةَ، عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيهِ السَّلام قالَ: إِنَّ الْعَبْدَ لَيَكُونُ لَهُ الْحاجَةُ إِلَى اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ فَيَبْدَأُ بِالثَّناءِ عَلَى اللّٰهِ وَالصَّلاةِ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ حَتّىٰ يَنْسىٰ حاجَتَهُ فَيَقْضِيها اللّٰهُ لَهُ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَسْأَلَهُ إِيّاها.



گوید: گفتم: ذاکر یعنی چه؟

فرمود: هرکه صد آیه خوانده است. [۵۱]

۳ ـ از ابی بصیر، گوید: از امام صادق (ع) پرسیدم از مردن مؤمن؟ فرمود:

مؤمن به هر گونه مرگی بمیرد: به وسیلهٔ غرق شدن بمیرد، زیر آوار بماند، و دچار درّنده هم می‌شود، وبه صاعقه هم بمیرد، و این صاعقه به کسی که در ذکر خدا عزوجل است نمی‌رسد.

باب اشتغال به ذکر خدا عزوجل

۱ ـ از امام صادق (ع): راستی خدا عزوجل می‌فرماید:
هرکه به ذکر من سرگرم شود و از درخواست از من بازماند، به او عطائی بدهم بهتر از آنچه که به کسی دهم که از من درخواستی کند.

۲ ـ امام صادق (ع) فرمود:

راستی بنده‌ای حاجتی به خدا عزوجل دارد و به ستایش بر خدا آغاز سخن کند و باصلوات به محمد وآل محمد تا حاجت خود را فراموش می‌کند وخدا حاجتش را برآورد بی‌آنکه از او درخواستی کرده باشد.



بابُ ذِكرِ اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي السِّرِّ

١ ـ مُحمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحمَّدِ بْنِ عِيسىٰ، عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ، عَنْ إِبْراهِيمَ بْنِ أَبِي الْبِلادِ عَمَّنْ ذَكَرَهُ، عَنْ أَبي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيهِ السّلام قالَ: قالَ اللّٰهُ عَزَّ وَجَلَّ: مَنْ ذَكَرَنِي سِرّاً ذَكَرْتُهُ عَلانِيَةً.

٢ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحمَّدِ بْنِ خالِدٍ، عَنْ إِسْماعِيلَ بْنِ مِهْرانَ، عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ، عَنْ سُلَيْمانَ بْنِ عَمْرٍو، عَنْ أَبِي الْمَغْرا الْخَصّافِ، رَفَعَهُ، قالَ: قالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيهِ السّلام: مَنْ ذَكَرَ اللّٰهَ عَزَّ وَجَلَّ فِي السِّرِّ فَقَدْ ذَكَرَ اللّٰهَ كَثِيراً، إِنَّ الْمُنافِقِينَ كانُوا يَذْكُرُونَ اللّٰهَ عَلانِيَةً وَلا يَذْكُرُونَهُ فِي السِّرِّ، فَقالَ اللّٰهُ عَزَّ وَجَلَّ: ﴿يُراؤُونَ ٱلنّاسَ وَلا يَذْكُرُونَ ٱللّٰهَ إِلاّ قَلِيلاً﴾.

٣ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحمَّدِ بْنِ خالِدٍ، عَنِ ابْنِ فَضّالٍ، رَفَعَهُ قالَ: قالَ اللّٰهُ عَزَّ وَجَلَّ لِعِيسىٰ عَلَيهِ السّلام: يا عِيسىٰ اذْكُرْنِي فِي نَفْسِكَ أَذْكُرْكَ فِي نَفْسِي وَاذْكُرْنِي فِي مَلاءِ[كَ] أَذْكُرْكَ فِي مَلاءٍ خَيْرٍ مِنْ مَلاءِ الْآدَمِيِّينَ، يا عِيسىٰ أَلِنْ لِي قَلْبَكَ وَأَكْثِرْ ذِكْرِي فِي الْخَلَواتِ وَاعْلَمْ أَنَّ سُرُورِي أَنْ تُبَصْبِصَ إِلَيَّ وَكُنْ فِي ذٰلِكَ حَيّاً وَلا تَكُنْ مَيِّتاً.



باب ذکر خدا عزوجل در نهان

۱ ـ از امام صادق (ع)، فرمود:

هر که مرا در نهانی یاد کند، او را آشکار یاد کنم. [۵۲]

۲ ـ از ابی مغراء خصّاف که حدیث را به معصوم رسانیده است، فرمود: امیرالمؤمنین (ع) فرموده است:

هر که خدا عزوجل را در نهان یاد کند، هر آینه خدا را بسیار یاد کرده است زیرا منافقان در عیان و پیش مسلمانان خدا را یاد کنند و او را در نهان یاد نکنند وبرای همین است که خدا عزوجل فرموده است (۱۴۲ سوره نساء): «خودنمائی کنند در برابر مردم و یاد نکنند خدا را جز اندکی».

۳ ـ از ابن فضال که حدیث را به معصوم رسانیده است، خدا عزوجل به عیسی (ع) فرمود:

ای عیسی! مرا در خاطر دار تا تو را در خاطر دارم و مرا در برابر همکنان بشری (خودت) یاد کن تا تو را در جمعی بهتر از جمع آدمیان یاد کنم.

ای عیسی! دلت را برای من نرم و با پذیرش دار و در تنهائی بسیار یادم کن و بدان که شادی من در این است که برای من تواضع کنی‌ودر آن‌زنده‌وبرازنده‌باشی وفسرده‌ومرده نباشی. [۵۳]



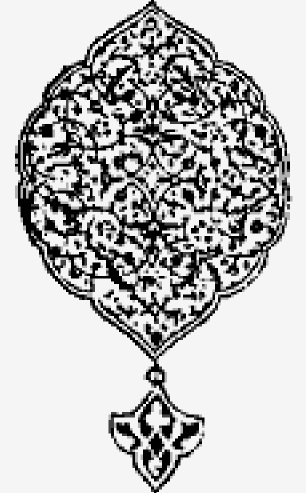
٤ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ حَمّادٍ، عَنْ حَرِيزٍ، عَنْ زُرارَةَ، عَنْ أَحَدِهِما عَلَيهِما السَّلام قالَ: لا يَكْتُبُ الْمَلَكُ إِلّا ما سَمِعَ وَقالَ اللّهُ عَزَّ وَجَلَّ:

((وَاذْكُرْ رَبَّكَ فِي نَفْسِكَ تَضَرُّعاً وَخِيفَةً)) فَلا يَعْلَمُ ثَوابَ ذٰلِكَ الذِّكْرِ فِي نَفْسِ الرَّجُلِ غَيْرُ اللّهِ عَزَّ وَجَلَّ لِعَظَمَتِهِ.

بابُ ذِكْرِ اللّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي الْغافِلينَ

١ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ، عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْمُخْتارِ، عَنْ أَبِي عَبْدِاللّهِ عَلَيهِ السَّلام قالَ: قالَ أَبُو عَبْدِاللّهِ عَلَيهِ السَّلام: الذّاكِرُ لِلّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي الْغافِلِينَ كَالْمُقاتِلِ فِي الْمُحارِبِينَ.

٢ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ النَّوْفَلِيِّ، عَنِ السَّكُونِيِّ، عَنْ أَبِي عَبْدِاللّهِ عَلَيهِ السَّلام قالَ: قالَ رَسُولُ اللّهِ صَلَّى اللّهُ عَلَيهِ وَآلِهِ وَسَلَّم: ذاكِرُ اللّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي الْغافِلِينَ كَالْمُقاتِلِ عَنِ الْفارِّينَ وَالْمُقاتِلُ عَنِ الْفارِّينَ لَهُ الْجَنَّةُ.



۴ ـ از زراره، از امام باقر و یا امام صادق (ع)، فرمود: فرشته ننویسد جز آنچه را بشنود وخدا عزوجل فرموده است(۲۰۴ سوره اعراف): «یاد کن در پیش خودت پروردگارت را با زاری و از روی ترس».

و ثواب اینگونه ذکر را که در پیش خود شخص باشد و نهانی باشد جز خدا عز و جل نداند برای آنکه بسیار بزرگ است. [۵۴]

باب ذکر خدا عزوجل در میان غافلان از حق

۱ ـ امام صادق (ع) فرمود:

آنکه در زمرهٔ عاقلان در یاد خدا عزوجل است چون کسی است که در زمرهٔ جنگجویان در راه خدا نبرد کند. [۵۵]

۲ ـ امام صادق (ع) فرمود: رسول خدا(ص) فرموده است:

یاد آور خدا در میان غافلان چون کسی است که نبرد کند در راه خدا به سود گریخته‌ها و آنکه نبرد کند به سود گریخته‌ها، بهشت از آن او است.



بابُ التَّحْميدِ وَالتَّمْجيدِ

١ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْقَمّاطِ، عَنِ الْمُفَضَّلِ قالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيهِ السَّلام جُعِلْتُ فِداكَ عَلِّمْنِي دُعاءً جامِعاً، فَقالَ لِي: احْمَدِ اللّٰهَ فَإِنَّهُ لا يَبْقىٰ أَحَدٌ يُصَلِّي إِلاّٰ دَعا لَكَ، يَقُولُ: سَمِعَ اللّٰهُ لِمَنْ حَمِدَه.

٢ ـ عَنْهُ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوانَ قالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيهِ السَّلام: أَيُّ الْأَعْمالِ أَحَبُّ إِلىٰ اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ؟ فَقالَ: أَنْ تَحْمَدَهُ.

٣ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ ابْنِ أَبي عُمَيْرٍ، عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْأَنْبارِيِّ، عَنْ أَبي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيهِ السَّلام قالَ: كانَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيهِ وَآلِهِ وَسَلَّم يَحْمَدُ اللّٰهَ فِي كُلِّ يَوْمٍ ثَلاثَمِائَةِ مَرَّةٍ وَسِتِّينَ مَرَّةً، عَدَدَ عُرُوقِ الْجَسَدِ، يَقُولُ: الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعالَمِينَ كَثِيراً عَلىٰ كُلِّ حالٍ.

٤ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، وَحُمَيْدُ بْنُ زِيادٍ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدٍ، جَمِيعاً، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ الْمِيثَمِيِّ، عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ شُعَيْبٍ قالَ: سَمِعْتُ أَبا عَبْدِاللّٰهِ عَلَيهِ السَّلام يَقُولُ: قالَ رَسُولُ اللّٰهِ

باب سپاس گوئی و تمجید

۱ ـ از مفضل، گوید: به امام صادق (ع) گفتم: قربانت دعاء جامعی به من بیاموز، به من فرمود:

خدا را سپاس گذار زیرا هیچ نمازگذاری نماند جز اینکه برایت دعا کند، می‌گوید: خدایا بشنو سخن کسی که تو را سپاس گذارد. [۵۶]

۲ ـ از محمد بن مروان، گوید: به امام گفتم: کدام عمل به درگاه خدا عزوجل محبوب‌تر است؟

در پاسخ فرمود: این است که او را سپاس گوئی.

۳ ـ امام صادق (ع) فرمود: رسول خدا(ص) را شیوه بود که هر روز سیصد و شصت بار خدا را حمد می‌کرد به شمارهٔ رگهای تن انسان، می‌فرمود:

سپاس از آن پروردگار جهانیان است بسیار است، در هر حال.

٤ ـ رسول خدا(ص) فرموده است که: در آدمی زاده سیصد وشصت رگ است که یکصد وهشتاد از آنها آرام است واگر رگ جنبنده‌ای آرام شود، خوابش نبرد واگر رگ آرامی بجنبد، خوابش

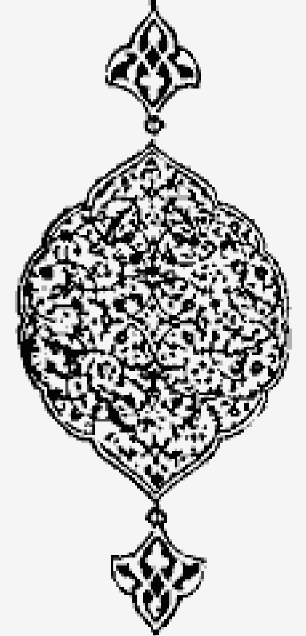


صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: إِنَّ فِي آدَمَ ثَلاثَمِائَةٍ وَسِتِّينَ عِرْقاً، مِنْها مِائَةٌ وَثَمانُونَ مُتَحَرِّكَةٌ وَمِنْها مِائَةٌ وَثَمانُونَ ساكِنَةٌ، فَلَوْ سَكَنَ الْمُتَحَرِّكُ لَمْ يَنَمْ وَلَوْ تَحَرَّكَ السّاكِنُ لَمْ يَنَمْ وَكانَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ إِذا أَصْبَحَ قالَ: الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعالَمِينَ كَثِيراً عَلىٰ كُلِّ حالٍ ـ ثَلاثَمِائَةٍ وَسِتِّينَ مَرَّةً ـ وَإِذا أَمْسىٰ قالَ مِثْلَ ذٰلِكَ.

٥ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خالِدٍ، عَنْ مَنْصُورِ بْنِ الْعَبّاسِ، عَنْ سَعِيدِ بْنِ جَناحٍ قالَ: حَدَّثَنِي أَبُو مَسْعُودٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: مَنْ قالَ أَرْبَعَ مَرّاتٍ إِذا أَصْبَحَ: الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعالَمِينَ، فَقَدْ أَدّىٰ شُكْرَ يَوْمِهِ وَمَنْ قالَها إِذا أَمْسىٰ فَقَدْ أَدّىٰ شُكْرَ لَيْلَتِهِ.

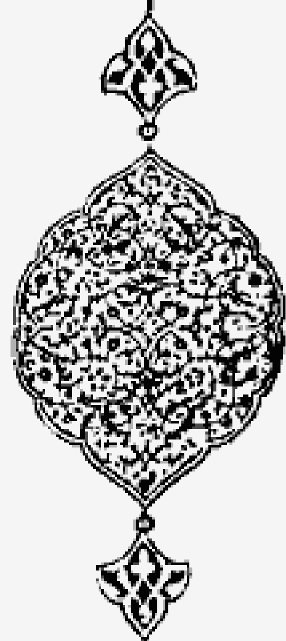
٦ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَسّانٍ، عَنْ بَعْضِ أَصْحابِهِ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: كُلُّ دُعاءٍ لا يَكُونُ قَبْلَهُ تَحْمِيدٌ فَهُوَ أَبْتَرُ، إِنَّما التَّحْمِيدُ ثُمَّ الثَّناءُ، قُلْتُ: ما أَدْرِي ما يُجْزِي مِنَ التَّحْمِيدِ وَالتَّمْجِيدِ.

قالَ: يَقُولُ: «اللّٰهُمَّ أَنْتَ الأَوَّلُ فَلَيْسَ قَبْلَكَ شَيْءٌ وَأَنْتَ الْآخِرُ فَلَيْسَ بَعْدَكَ شَيْءٌ، وَأَنْتَ الظّاهِرُ فَلَيْسَ فَوْقَكَ شَيْءٌ وَأَنْتَ الْباطِنُ فَلَيْسَ دُونَكَ شَيْءٌ وَأَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ».



٧ ـ وَبِهٰذَا الْإِسْنادِ قالَ: سَأَلْتُ أَبا عَبْدِ اللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام ما أَدْنىٰ ما يُجْزِي مِنَ التَّحْمِيدِ؟





نبرد ورسول خدا(ص) را شیوه چنان بود که چون بامداد می‌کرد سیصد وشصت بار می‌فرمود: سپاس از آن پروردگار جهانیان است بسیار بر هر حال، وهرگاه بامداد می‌کرد به همان شماره این ذکر را می‌گفت.

۵ ـ از امام صادق (ع)، فرمود:

هر که در هر بامداد چهار بار بگوید: الحمد لله رب العالمین، هر آینه شکر آن روز را کرده است، وهرکه آن را در شام بگوید، شکر آن شبش را ادا کرده است.



۶ ـ یکی از اصحاب امام صادق (ع) فرمود:

هر دعائی که پیش از آن حمد خدا نباشد نیمه است و پی بریده است، حمد خدا باید وسپس ستایش او، من گفتم: نمی‌دانم چه اندازه از تحمید و تمجید بس است؟

فرمود: می‌گوید: بار خدایا! توئی آغاز و پیش از تو چیزی نیست، و توئی انجام وپس از تو چیزی نیست، توئی آشکارا و فرازتر از تو چیزی نیست، و توئی نهان و در برابر تو چیزی نه، و توئی عزیز و حکمت‌دار.

۷ ـ گوید: پرسیدم از امام صادق (ع) که در تحمید و تمجید چه اندازه بس است؟

قالَ: تَقُولُ: «الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي عَلا فَقَهَرَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي مَلَكَ فَقَدَرَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي بَطَنَ فَخَبَرَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي [يُمِيتُ الْأَحْياءَ وَ] يُحْيِي الْمَوْتىٰ وَهُوَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ».

بابُ الْإِسْتِغْفارِ

١ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ النَّوْفَلِيِّ، عَنِ السَّكُونِيِّ، عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: قالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّم: خَيْرُ الدُّعاءِ الْإِسْتِغْفارُ.

٢ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ حُسَيْنِ بْنِ سَيْفٍ، عَنْ أَبِي جَمِيلَةَ، عَنْ عُبَيْدِ بْنِ زُرارَةَ قالَ: قالَ أَبُو عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام: إِذا أَكْثَرَ الْعَبْدُ مِنَ الْإِسْتِغْفارِ رُفِعَتْ صَحِيفَتُهُ وَهِيَ تَتَلَأْلَأُ.

٣ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ [عَنْ أَبِيهِ] عَنْ ياسِرٍ؛ عَنِ الرِّضا عَلَيْهِ السَّلام قالَ: مَثَلُ الْإِسْتِغْفارِ مَثَلُ وَرَقٍ عَلىٰ شَجَرَةٍ تُحَرَّكُ فَيَتَناثَرُ، وَالْمُسْتَغْفِرُ مِنْ ذَنْبٍ وَيَفْعَلُهُ كَالْمُسْتَهْزِيءِ بِرَبِّهِ.

٤ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خالِدٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنانٍ، عَنْ طَلْحَةَ بْنِ زَيْدٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام أَنَّ رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّم كانَ لا يَقُومُ مِنْ مَجْلِسٍ وَإِنْ

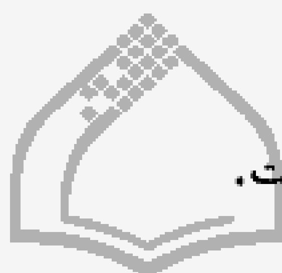


فرمود: می گوئی: سپاس از آن خدا است که فراز است و بر هرچه چیره است وسپاس از آن خدا است که مالک است و توانا وسپاس از آن خدا است که درون است و آگاه وحمد از آن خدا است که (زنده‌ها را بمیراند) ومرده‌ها را زنده کند واو برهرچه تواناست.

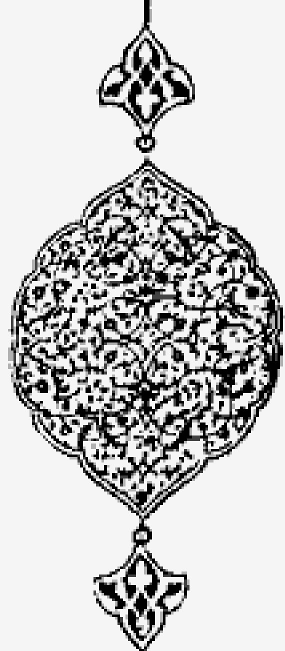


باب استغفار و آمرزش‌جوئی

۱ ـ رسول خدا(ص) فرمود:
بهترین دعا، آمرزش‌جوئی است.



۲ ـ از عبید بن زراره، گوید: امام صادق (ع) فرمود:
هرگاه بنده بسیار آمرزش جوید، نامهٔ عملش بالا رود در حالی که می‌درخشد.



۳ ـ از یاسر، از امام رضا (ع) مثل استغفار چون برگی است بر درختی که بجنبد و پیاپی فرو ریزد وآنکه از گناهش آمرزش جوید و باز گناه کند چون مسخره کنندهٔ پروردگار خود باشد.

۴ ـ از امام صادق (ع) که رسول خدا(ص) را شیوه چنان بود که از هیچ مجلسی بر نمی‌خاست گرچه کوتاه بود تا بیست وپنج بار از خدا عزوجل استغفار می کرد. [۵۷]



خَفَّ حَتَّىٰ يَسْتَغْفِرَ اللّٰهَ عَزَّ وَجَلَّ خَمْساً وَعِشْرِينَ مَرَّةً.

٥ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ، عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ، عَنِ الْحَارِثِ بْنِ الْمُغِيرَةِ، عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّم يَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ عَزَّ وَجَلَّ فِي كُلِّ يَوْمٍ سَبْعِينَ مَرَّةً وَيَتُوبُ إِلَىٰ اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ سَبْعِينَ مَرَّةً، قَالَ: قُلْتُ: كَانَ يَقُولُ: أَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ؟ قَالَ: كَانَ يَقُولُ: أَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ، أَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ ـ سَبْعِينَ مَرَّةً ـ وَيَقُولُ: وَأَتُوبُ إِلَىٰ اللّٰهِ، وَأَتُوبُ إِلَىٰ اللّٰهِ ـ سَبْعِينَ مَرَّةً ـ.

٦ ـ أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِالْجَبَّارِ، عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَىٰ، عَنْ حُسَيْنِ بْنِ زَيْدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّم: الْإِسْتِغْفَارُ وَقَوْلُ: لا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ، خَيْرُ الْعِبَادَةِ، قَالَ اللّٰهُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ: «فَاعْلَمْ إِنَّهُ لا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَاسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ».

بَابُ التَّسْبِيحِ وَالتَّهْلِيلِ وَالتَّكْبِيرِ

١ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ، عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ وَأَبِي أَيُّوبَ الْخَزَّازِ جَمِيعاً، عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام قَالَ:

۵ ـ امام صادق (ع) فرمود: رسول خدا(ص) در هر روز هفتاد بار از خدا عزوجل آمرزش می‌جست و به درگاه خدا عزوجل هفتاد بار توبه می‌کرد (راوی) گوید: گفتم: او می‌فرمود: استغفر اللّٰه ربی و اتوب الیه؟

در پاسخ فرمود: هفتاد بار می‌فرمود: استغفر اللّٰه، استغفر اللّٰه، و هفتاد بار می‌فرمود: اتوب الی اللّٰه، اتوب الی اللّٰه.

۶ ـ از امام صادق (ع) فرمود: رسول خدا(ص) فرموده است: استغفار و گفتن کلمهٔ «لا اله الاّ اللّٰه» بهترین عبادت است، خداوند عزیز جبّار فرموده است (۲۲ سوره محمد): «بدان که راستش این است که نیست شایستهٔ پرستشی جز خدا و آمرزش خواه از گناه خودت».

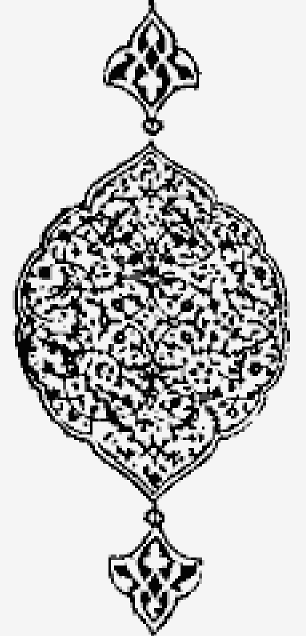
باب تسبیح و تهلیل و تکبیر

۱ ـ از هشام بن سالم و أبی ایوب خزّاز، هر دو، از امام صادق (ع) فرمود: مستمندان و فقراء خدمت رسول خدا(ص) آمدند



جاءَ الْفُقَراءُ إِلىٰ رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّم فَقالُوا: يا رَسُولَ اللّٰهِ! إِنَّ الْأَغْنِياءَ لَهُمْ ما يُعْتِقُونَ وَلَيْسَ لَنا، وَلَهُمْ ما يَحُجُّونَ وَلَيْسَ لَنا، وَلَهُمْ ما يَتَصَدَّقُونَ وَلَيْسَ لَنا، وَلَهُمْ ما يُجاهِدُونَ وَلَيْسَ لَنا، فَقالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّم: مَنْ كَبَّرَ اللّٰهَ عَزَّ وَجَلَّ مِائَةَ مَرَّةٍ كانَ أَفْضَلَ مِنْ عِتْقِ مِائَةِ رَقَبَةٍ وَمَنْ سَبَّحَ اللّٰهَ مِائَةَ مَرَّةٍ كانَ أَفْضَلَ مِنْ سِياقِ مِائَةِ بَدَنَةٍ وَمَنْ حَمِدَ اللّٰهَ مِائَةَ مَرَّةٍ كانَ أَفْضَلَ مِنْ حُمْلانِ مِائَةِ فَرَسٍ في سَبِيلِ اللّٰهِ بِسُرُجِها وَلُجُمِها وَرُكُبِها وَمَنْ قالَ: لا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ، مِائَةَ مَرَّةٍ كانَ أَفْضَلَ النّاسِ عَمَلاً ذٰلِكَ الْيَوْمِ، إِلّا مَنْ زادَ، قالَ: فَبَلَغَ ذٰلِكَ الْأَغْنِياءَ فَصَنَعُوهُ، قالَ: فَعادَ الْفُقَراءُ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّم فَقالُوا: يا رَسُولَ اللّٰهِ! قَدْ بَلَغَ الْأَغْنِياءَ ما قُلْتَ فَصَنَعُوهُ، فَقالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّم: ذٰلِكَ فَضْلُ اللّٰهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشاءُ.

٢ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسىٰ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنانٍ، عَنْ حَمّادٍ، عَنْ رِبْعِيٍّ، عَنْ فُضَيْلٍ، عَنْ أَحَدِهِما عَلَيْهِما السَّلام قالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ: أَكْثِرُوا مِنَ التَّهْلِيلِ وَالتَّكْبِيرِ فَإِنَّهُ لَيْسَ شَيْءٌ أَحَبَّ إِلَى اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنَ التَّهْلِيلِ وَالتَّكْبِيرِ.

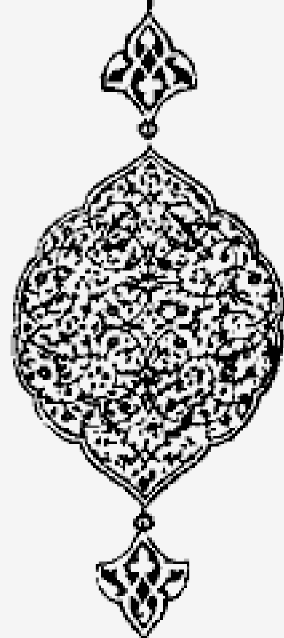


٣ ـ عَلِيٌّ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ النَّوْفَلِيِّ، عَنِ السَّكُونِيِّ، عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: قالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلام التَّسْبِيحُ نِصْفُ الْمِيزانِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ يَمْلَأُ الْمِيزانَ وَاللّٰهُ أَكْبَرُ يَمْلَأُ ما بَيْنَ السَّماءِ وَالْأَرْضِ.



و گفتند: یارسول الله! راستی توانگران دارند که بنده آزاد کنند و ما نداریم، دارند که به حجّ بروند و ما نداریم، دارند چیزی که صدقه بدهند و ما نداریم، دارند آنچه که بدان در راه خدا جهاد کنند و ما نداریم، رسول خدا(ص) فرمود: هرکه صد بار «الله اکبر» گوید، نزد خدا عزوجل بهتر از آزاد کردن صد بنده، و هرکه خدا را صدبار تسبیح گوید بهتر است از راندن صد شتر به قربانگاه حجّ، وهرکه خدا را صد بار حمد گوید بهتر است از تقدیم یکصد اسب برای جهاد در راه خدا با زین و لجام و سوارش، وهرکه صدبار بگوید: «لا اله الا الله»، در آن روز از همهٔ مردم بهتر عمل کرده است جز کسی که بر آن افزوده باشد. فرمود: این گزارش به توانگران رسید و آن را به کار بستند، گوید: مستمندان نزد رسول خدا(ص) برگشتند و گفتند: یارسول الله! آنچه فرمودید، به توانگران رسیده و آن را به کار بستند، رسول خدا(ص) فرمود: این فضل خدا است، به هرکه خواهد می‌دهدش.

۲ ـ از ربعی، از فضیل، از امام باقر و یا امام صادق (ع) گوید: شنیدم می‌فرمود: «الله اکبر و لا اله الاّ الله» بسیار بگوئید زیرا چیزی در نزد خدا عزوجل از الله اکبر گفتن و لا اله الاّ الله گفتن محبوب‌تر نیست.

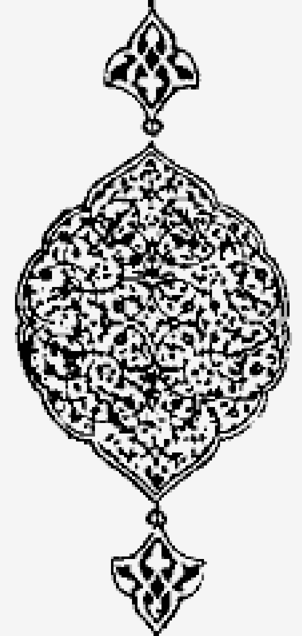


۳ ـ از امام صادق (ع) که امیر المؤمنین (ع) فرمود: «سبحان الله» گفتن، نیمی از میزان اعمال است، و«الحمد لله» همهٔ میزان را پر می‌کند و«الله اکبر» میان آسمان و زمین را پر می‌کند.



٤ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسىٰ، عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ، عَنْ مالِكِ بْنِ عَطِيَّةَ، عَنْ ضُرَيْسٍ الْكُناسِيِّ، عَنْ أَبي جَعْفَرٍ عَلَيهِ السَّلام قالَ: مَرَّ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللهُ عَلَيهِ وَآلِهِ وَسَلَّم بِرَجُلٍ يَغْرِسُ غَرْساً فِي حائِطٍ لَهُ فَوَقَفَ لَهُ وَقالَ: أَلا أَدُلُّكَ عَلىٰ غَرْسٍ أَثْبَتَ أَصْلاً وَأَسْرَعَ إِيناعاً وَأَطْيَبَ ثَمَراً وَأَبْقىٰ؟ قالَ: بَلىٰ فَدُلَّنِي يا رَسُولَ اللّٰهِ، فَقالَ: إِذا أَصْبَحْتَ وَأَمْسَيْتَ فَقُلْ: سُبْحانَ اللّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ أَكْبَرُ فَإِنَّ لَكَ إِنْ قُلْتَهُ بِكُلِّ تَسْبِيحَةٍ عَشْرَ شَجَراتٍ فِي الْجَنَّةِ مِنْ أَنْواعِ الْفاكِهَةِ وَهُنَّ مِنَ الْباقِياتِ الصّالِحاتِ قالَ فَقالَ الرَّجُلُ: فَإِنِّي أُشْهِدُكَ يا رَسُولَ اللّٰهِ أَنَّ حائِطِي هذا صَدَقَةٌ مَقْبُوضَةٌ عَلىٰ فُقَراءِ الْمُسْلِمِينَ أَهْلِ الصَّدَقَةِ فَأَنْزَلَ اللّٰهُ عَزَّ وَجَلَّ آياتٍ مِنَ الْقُرْآنِ: ((فَأَمّا مَنْ أَعْطىٰ وَاتَّقىٰ * وَصَدَّقَ بِالْحُسْنىٰ * فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْيُسْرىٰ)).

٥ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ النَّوْفَلِيِّ، عَنِ السَّكُونِيِّ، عَنْ أَبي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيهِ السَّلام قالَ: قالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللهُ عَلَيهِ وَآلِهِ وَسَلَّم: خَيْرُ الْعِبادَةِ قَوْلُ: لا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ.





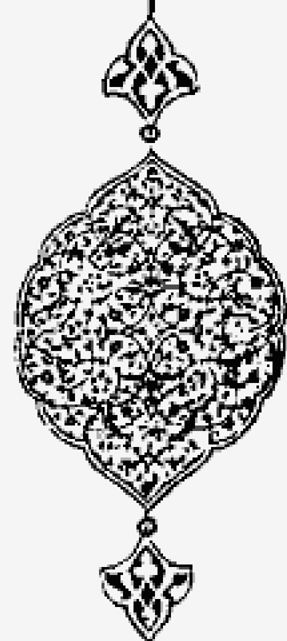
۴ ـ از امام باقر (ع) گوید: رسول خدا (ص) به مردی گذر کرد که در باغستانی درخت می‌کاشت ونزد او ایستاد وفرمود: تو را دلالت نکنم بر کشت درختانی که ریشه‌هایشان برجاتر ورسیدن میوه‌هایشان زودتر ومیوه‌هایشان بهتر وپاینده‌تر باشند؟ گفت: چرا مرا بدان رهنمائی کن یارسول اللّٰه، فرمود:

چون بامداد و پسین کنی بگو: سبحان اللّٰه والحمد للّٰه ولا اله الاّ اللّٰه واللّٰه اکبر، زیرا اگر آن را گوئی به شمارهٔ هر تسبیح ده درخت در بهشت داری از انواع میوه وآنها از باقیات صالحاتند، فرمود: آن مرد گفت: پس به راستی یارسول اللّٰه! من شما را گواه گرفتم که این نخلستان من وقف است و قبض شده است بر فقراء مسلمانان که مستحقّ صدقه باشند.

وخدا آیاتی از قرآن را نازل کرد (۵ سوره اللیل): «وامّا کسی که عطا کند وپرهیزکار باشد وتصدیق به عاقبت خوش به زودی برای او نعمت فراوان آماده سازیم».

۵ ـ رسول خدا (ص) فرمود:

بهترین عبادت، گفتن: لا اله الاّ اللّٰه است.



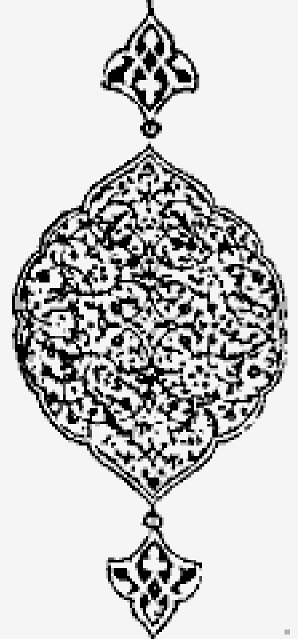


بابُ الدُّعاءِ لِلإخوانِ بِظَهرِ الْغَيْبِ

١ ـ عَلِيُّ بْنُ إبْراهيمَ، عَنْ أَبيهِ، عَنِ ابْنِ أَبي عُمَيْرٍ، عَنْ أَبي الْمَغْرا، عَنِ الْفُضَيْلِ بْنِ يَسارٍ، عَنْ أَبي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: أَوْشَكُ دَعْوَةٍ وَأَسْرَعُ إجابَةٍ دُعاءُ الْمَرْءِ لِأَخِيهِ بِظَهْرِ الْغَيْبِ.

٢ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسىٰ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ، عَنْ عَبْدِاللّٰهِ بْنِ سِنانٍ، عَنْ أَبي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: دُعاءُ الْمَرْءِ لِأَخِيهِ بِظَهْرِ الْغَيْبِ يُدِرُّ الرِّزْقَ وَيَدْفَعُ الْمَكْرُوهَ.

٣ ـ عَنْهُ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ، عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ، عَنْ عَمْرِو بْنِ شِمْرٍ عَنْ جابِرٍ، عَنْ أَبي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلامُ فِي قَوْلِهِ تَبارَكَ وَتَعالىٰ: ((وَيَسْتَجِيبُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصّالِحاتِ وَيَزِيدُهُمْ مِنْ فَضْلِهِ)) قالَ: هُوَ الْمُؤْمِنُ يَدْعُو لِأَخِيهِ بِظَهْرِ الْغَيْبِ فَيَقُولُ لَهُ الْمَلَكُ: آمينَ وَيَقُولُ اللّٰهُ الْعَزِيزُ الْجَبّارُ: وَلَكَ مِثْلا ما سَأَلْتَ وَقَدْ أُعْطِيتَ ما سَأَلْتَ بِحُبِّكَ إيّاهُ.



٤ ـ عَلِيُّ بْنُ إبْراهيمَ، عَنْ أَبيهِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَعْبَدٍ، عَنْ عُبَيْدِاللّٰهِ بْنِ عَبْدِاللّٰهِ الْواسِطِيِّ، عَنْ دُرُسْتَ بْنِ أَبي مَنْصُورٍ، عَنْ أَبي خالِدٍ الْقَمّاطِ قالَ: قالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلامُ: أَسْرَعُ الدُّعاءِ نُجْحاً



باب دعا برای برادران(دینی) در پشت سر آنها

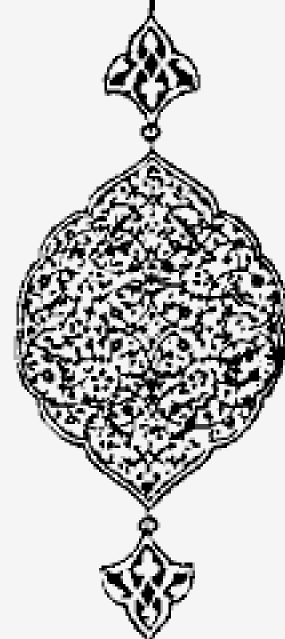
۱ ـ از امام باقر(ع)، فرمود:

دعائی که بیشتر در معرض اجابت است و زودتر مستجاب می‌شود، دعا کردن برای برادران دینی در غیاب او.

۲ ـ از امام صادق(ع)، فرمود:

دعاء مرد در غیاب برادرش (برای او) روزی را فراوان می کند و بدی را جلو می گیرد.

۳ ـ از امام باقر(ع) در تفسیر قول خدا تبارک وتعالی(۲۵ سوره شوری): «و اجابت کند برای آن کسانی که گرویدند وکارهای شایسته کردند و از فضل خود برای آنها بیفزاید» فرمود: مقصود از آن مؤمن است که برای برادر خود در ظهر غیب دعا می کند وفرشته برای او آمین گوید وخدای جبّار عزیز می‌فرماید: برای تو است دو برابر آنچه درخواست کردی و به تو عطا شده آنچه درخواست کردی برای آنکه او را دوست داشتی.



۴ ـ امام باقر(ع) فرمود:

دعائی که در اجابت کامیاب‌تر است دعای برادر است برای برادر دینی خود در پشت سر او، آغاز دعا کند برای برادر خود

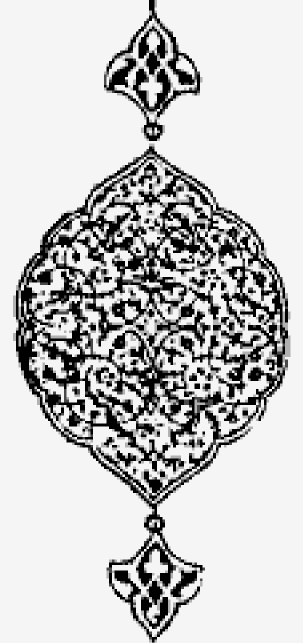


لِلْإِجابَةِ دُعاءُ الْأَخِ لِأَخِيهِ بِظَهْرِ الْغَيْبِ يَبْدَءُ بِالدُّعاءِ لِأَخِيهِ فَيَقُولُ لَهُ مَلَكٌ مُوَكَّلٌ بِهِ: آمِينَ وَلَكَ مِثْلاهُ.

٥ ـ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سُلَيْمانَ، عَنْ إِسْماعِيلَ بْنِ إِبْراهِيمَ، عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ التَّمِيمِيِّ، عَنْ حُسَيْنِ بْنِ عُلْوانَ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلامُ قالَ: قالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: ما مِنْ مُؤْمِنٍ دَعا لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِناتِ إِلّا رَدَّ اللّٰهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَيْهِ مِثْلَ الَّذِي دَعا لَهُمْ بِهِ مِنْ كُلِّ مُؤْمِنٍ وَمُؤْمِنَةٍ مَضىٰ مِنْ أَوَّلِ الدَّهْرِ أَوْ هُوَ آتٍ إِلىٰ يَوْمِ الْقِيامَةِ، إِنَّ الْعَبْدَ لَيُؤْمَرُ بِهِ إِلَى النّارِ يَوْمَ الْقِيامَةِ فَيُسْحَبُ فَيَقُولُ الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِناتُ: يا رَبِّ هٰذا الَّذِي كانَ يَدْعُو لَنا فَشَفِّعْنا فِيهِ فَيُشَفِّعُهُمُ اللّٰهُ عَزَّ وَجَلَّ فِيهِ فَيَنْجُو.

٦ ـ عَلِيٌّ، عَنْ أَبِيهِ قالَ:

رَأَيْتُ عَبْدَ اللّٰهِ بْنَ جُنْدَبٍ فِي الْمَوْقِفِ فَلَمْ أَرَ مَوْقِفاً كانَ أَحْسَنَ مِنْ مَوْقِفِهِ ما زالَ مادّاً يَدَيْهِ إِلىٰ السَّماءِ وَدُمُوعُهُ تَسِيلُ عَلى خَدَّيْهِ حَتّىٰ تَبْلُغَ الْأَرْضَ فَلَمّا صَدَرَ النّاسُ قُلْتُ لَهُ يا أَبا مُحَمَّدٍ ما رَأَيْتُ مَوْقِفاً قَطُّ أَحْسَنَ مِنْ مَوْقِفِكَ قالَ: وَاللّٰهِ ما دَعَوْتُ إِلّا لِإِخْوانِي وَذٰلِكَ أَنَّ أَبا الْحَسَنِ مُوسىٰ عَلَيْهِ السَّلامُ أَخْبَرَنِي أَنَّ مَنْ دَعا لِأَخِيهِ بِظَهْرِ الْغَيْبِ نُودِيَ مِنَ الْعَرْشِ: وَلَكَ مِائَةُ أَلْفِ ضِعْفٍ، فَكَرِهْتُ أَنْ أَدَعَ مِائَةَ أَلْفٍ مَضْمُونَةٍ لِواحِدَةٍ لا أَدْرِي تُسْتَجابُ أَمْ لا.





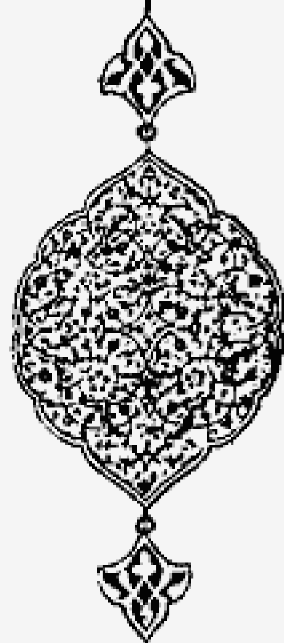
وفرشته‌ای که به او گمارده است می‌گوید: آمین وبرای تو باد دو برابر آن. [۵۸]

۵ ـ از امام صادق (ع) که رسول خدا(ص) فرمود:

هیچ مؤمنی نیست که برای مردان مؤمن وزنان مؤمنه دعا کند جز اینکه خدا عزوجل به او برگرداند مانند آنچه را برای آنان دعا کرده است از طرف هر مرد مؤمن و هر زن مؤمنه‌ای که از آغاز روزگار در گذشته یا تاروز قیامت به جهان آید، راستی بنده‌ای باشد که روز قیامت دستور دهند که او را به دوزخ برند و او را به سوی دوزخ کشند، مؤمنین ومؤمنات می‌گویند: پروردگارا! این است که برای ما دعا می‌کرد وشفاعت ما را در بارهٔ او بپذیرد وخدا شفاعت آنان را در بارهٔ او بپذیرد و نجات یابد.

۶ ـ علی، از پدرش گوید: عبدالله بن جندب را در موقف (عرفات) دیدم و وقوفی بهتر از وقوف او ندیدم، پیوسته دو دستش به سوی آسمان دراز بود و اشکش بر دو گونه‌اش روان بود تا به زمین می‌رسید وچون مردم برگشتند، به او گفتم: ای أبامحمد! من وقوفی بهتر از وقوف تو ندیدم.

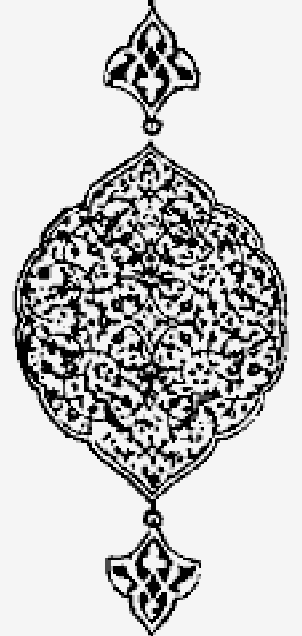
گفت: به خدا من جز برای برادران دینی خود دعائی نکردم واین برای آن است که أبوالحسن ـ امام کاظم ـ (ع) به من خبر داد که هرکه در پشت سر برای برادر خود دعا کند، از عرش به او ندا رسد که: برای تو باد صدهزار برابر آن و من بد داشتم که صدهزار دعای تعهد شده را برای یک دعاء از دست بدهم که نمی‌دانم آن یک دعاء اجابت می‌شود یا نه؟ [۵۹]





۷ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيادٍ، وَعَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، جَمِيعاً، عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ، عَنِ ابْنِ رِئابٍ، عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ، عَنْ ثُوَيْرٍ قالَ: سَمِعْتُ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ عليهما السلام يَقُولُ: إِنَّ الْمَلائِكَةَ إِذا سَمِعُوا الْمُؤْمِنَ يَدْعُو لِأَخِيهِ الْمُؤْمِنِ بِظَهْرِ الْغَيْبِ أَوْ يَذْكُرُهُ بِخَيْرٍ قالُوا: نِعْمَ الْأَخُ أَنْتَ لِأَخِيكَ تَدْعُو لَهُ بِالْخَيْرِ وَهُوَ غائِبٌ وَتَذْكُرُهُ بِخَيْرٍ، قَدْ أَعْطاكَ اللّٰهُ عَزَّ وَجَلَّ مِثْلَيْ ما سَأَلْتَ لَهُ وَأَثْنىٰ عَلَيْكَ مِثْلَيْ ما أَثْنَيْتَ عَلَيْهِ وَلَكَ الْفَضْلُ عَلَيْهِ وَإِذا سَمِعُوهُ يَذْكُرُ أَخاهُ بِسُوءٍ وَيَدْعُو عَلَيْهِ قالُوا لَهُ: بِئْسَ الْأَخُ أَنْتَ لِأَخِيكَ كُفَّ أَيُّها الْمُسَتَّرُ عَلىٰ ذُنُوبِهِ وَعَوْرَتِهِ وَأرْبَعْ عَلىٰ نَفْسِكَ وَأَحْمَدِ اللّٰهَ الَّذِي سَتَرَ عَلَيْكَ وَاعْلَمْ أَنَّ اللّٰهَ عَزَّ وَجَلَّ أَعْلَمُ بِعَبْدِهِ مِنْكَ.

بابُ مَنْ تُسْتَجابُ دَعْوَتُهُ



۱ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خالِدٍ، عَنْ عِيسَى بْنِ عَبْدِاللّٰهِ الْقُمِّيِّ قالَ:

سَمِعْتُ أَبا عَبْدِاللّٰهِ عليه السلام يَقُولُ:

ثَلاثَةٌ دَعْوَتُهُمْ مُسْتَجابَةٌ:

الْحاجُّ فَانْظُرُوا كَيْفَ تَخْلُفُونَهُ.

۷ ـ از ثویر، گوید: شنیدم علی بن الحسین (ع) می‌فرمود:

راستی وقتی فرشته‌ها بشنوند که مؤمن در پشت سر برای برادر مؤمنش دعا می‌کند ویا او را به خوبی یاد می‌کند، گویند: چه خوب برادری هستی، تو برای برادرت در حقّ او دعای خیر می‌کنی بااینکه از تو غائب است و او را به خوبی یاد می‌کنی، هر آینه خدا عزوجل به‌تو می‌دهد دو برابر آنچه را درخواست کردی برای او، و از تو خوبی گوید دو چندان آنچه از او خوبی گفتی و تو بر او فضیلت داری وهرگاه فرشته‌ها بشنوند از زبان او که به برادرش بد گوید و بر او نفرین کند به او گویند: چه بد برادری باشی، تو برای برادرت دست بردار از این سخنان ای کسی که پرده روی گناهان و عیوبش کشیده شده وخود را باش وسپاس کن از آن خدائی که پرده روی تو کشیده وبدان که خدا عزوجل به حال بندهٔ خود از تو داناتر است. [۶۰]

باب کسی که دعایش اجابت شود

۱ ـ از عیسی بن عبدالله قمّی، گوید: از امام صادق (ع) شنیدم می‌فرمود:

دعاء سه کس اجابت شود:

۱ ـ کسی که به حج رود، بپائید تا چگونه به‌جای او در باز ماندگانش رفتار کنید.

۲ ـ جنگجوی در راه خدا، پس بپائید چگونه در باز



وَالْغازِي فِي سَبِيلِ اللّٰهِ فَانْظُرُوا كَيْفَ تَخْلُفُونَهُ.

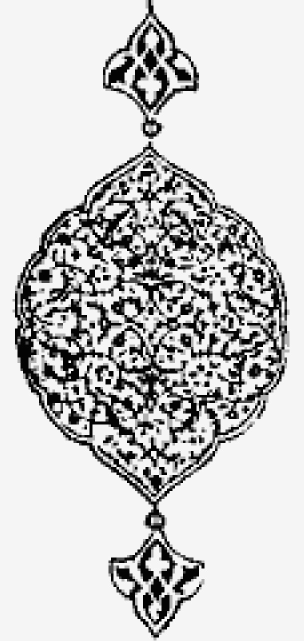
وَالْمَرِيضُ فَلا تُغِيظُوهُ وَلا تُضْجِرُوهُ.

٢ ـ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيُّ، عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشّاءِ، عَنْ عَبْدِاللّٰهِ بْنِ سِنانٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ‌السَّلامُ قالَ: كانَ أَبِي عَلَيْهِ‌السَّلامُ يَقُولُ: خَمْسُ دَعَواتٍ لا يُحْجَبْنَ عَنِ الرَّبِّ تَبارَكَ وَتَعالىٰ: دَعْوَةُ الْإِمامِ الْمُقْسِطِ، وَدَعْوَةُ الْمَظْلُومِ يَقُولُ اللّٰهُ عَزَّ وَجَلَّ: لَأَنْتَقِمَنَّ لَكَ وَلَوْ بَعْدَ حِينٍ، وَدَعْوَةُ الْوَلَدِ الصّالِحِ لِوالِدَيْهِ وَدَعْوَةُ الْوالِدِ الصّالِحِ لِوَلَدِهِ وَدَعْوَةُ الْمُؤْمِنِ لِأَخِيهِ بِظَهْرِ الْغَيْبِ، فَيَقُولُ: وَلَكَ مِثْلُهُ.

٣ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ النَّوْفَلِيِّ، عَنِ السَّكُونِيِّ، عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ‌السَّلامُ قالَ: قالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: إِيّاكُمْ وَدَعْوَةَ الْمَظْلُومِ فَإِنَّها تُرْفَعُ فَوْقَ السَّحابِ حَتّىٰ يَنْظُرَ اللّٰهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْها فَيَقُولُ: ارْفَعُوها حَتّىٰ أَسْتَجِيبَ لَهُ، وَإِيّاكُمْ وَدَعْوَةَ الْوالِدِ فَإِنَّها أَحَدُّ مِنَ السَّيْفِ.

٤ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ، عَنْ أَخِيهِ الْحَسَنِ، عَنْ زُرْعَةَ، عَنْ سَماعَةَ، عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ‌السَّلامُ قالَ: كانَ أَبِي يَقُولُ: اتَّقُوا الظُّلْمَ فَإِنَّ دَعْوَةَ الْمَظْلُومِ تَصْعَدُ إِلَى السَّماءِ.

٥ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ، عَنْ هِشامِ



مانده‌هایش رفتار می کنید.

۳ ـ بیمار، و باید او را به خشم نیاورید ودل تنگ نکنید.

۲ ـ امام صادق (ع) فرمود:

پدرم می‌فرمود: پنج دعا است که از درگاه پروردگار تبارک وتعالی محجوب نشوند:

۱ ـ دعاء امام عادل ۲ ـ دعاء ستم‌کشیده، خدای عزوجل می‌فرماید: هر آینه انتقام تو را از ستمکار بگیرم گرچه پس از زمانی باشد ۳ ـ دعاء فرزند صالح برای پدر ومادر ٤ ـ دعاء پدر خوب برای فرزندش ۵ ـ دعاء مؤمن برای برادر خود در پشت سر او که خدا می گوید: برای تو باد مانند آن. [٦١]

۳ ـ امام صادق (ع) فرمود: رسول خدا(ص) فرموده است:

بپرهیزید از نفرین ستم شده،زیرا تا فراز ابر بر آید وخدای عزوجل در آن بنگرد وفرماید: آن را بر آورید تا برای او اجابت کنم، وبپرهیزید از نفرین پدر که از شمشیر برنده‌تر است. [٦٢]

٤ ـ امام صادق (ع) فرمود: پدرم بود که می‌فرمود:

بپرهیزید از ستم، زیرا نفرین ستم رسیده، به آسمان بالا می‌رود.

۵ ـ امام صادق (ع) فرمود:

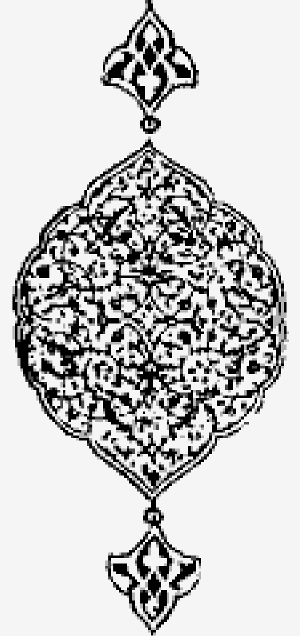


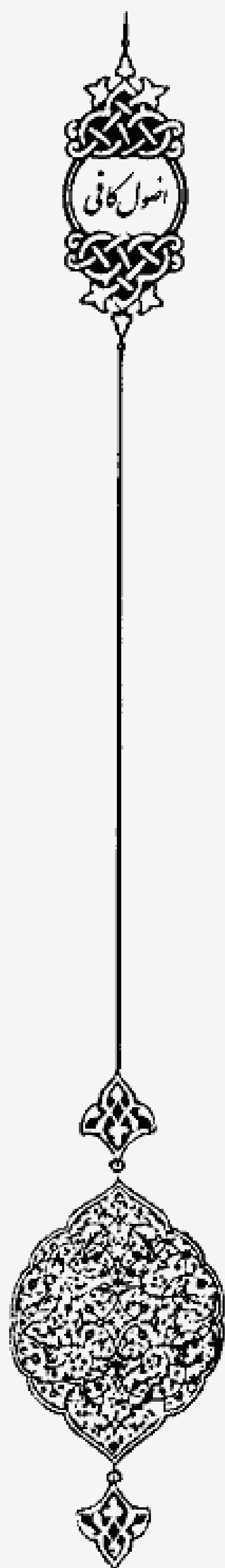
بْنِ سالِمٍ عَنْ أَبي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيهِ السَّلامُ قالَ: مَنْ قَدَّمَ أَرْبَعينَ مِنَ الْمُؤْمِنينَ ثُمَّ دَعَا اسْتُجِيبَ لَهُ.

٦ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ النُّعْمانِ، عَنْ عَبْدِاللّٰهِ بْنِ طَلْحَةَ النَّهْدِيِّ، عَنْ أَبي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيهِ السَّلامُ قالَ: قالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيهِ وَآلِهِ وَسَلَّم: أَرْبَعَةٌ لا تُرَدُّ لَهُمْ دَعْوَةٌ حَتّىٰ تُفْتَحَ لَهُمْ أَبْوابُ السَّماءِ وَتَصِيرَ إِلَى الْعَرْشِ: الْوالِدُ لِوَلَدِهِ، وَالْمَظْلُومُ عَلىٰ مَنْ ظَلَمَهُ، وَالْمُعْتَمِرُ حَتّىٰ يَرْجِعَ، وَالصائِمُ حَتّىٰ يُفْطِرَ.

٧ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ النَّوْفَلِيِّ، عَنِ السَّكُونِيِّ، عَنْ أَبي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيهِ السَّلامُ قالَ: قالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيهِ وَآلِهِ وَسَلَّم: لَيْسَ شَيْءٌ أَسْرَعَ إِجابَةً مِنْ دَعْوَةِ غائِبٍ لِغائِبٍ.

٨ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ النَّوْفَلِيِّ، عَنِ السَّكُونِيِّ، عَنْ أَبي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيهِ السَّلامُ قالَ: قالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيهِ وَآلِهِ وَسَلَّم: دَعا مُوسىٰ عَلَيهِ السَّلامُ وَأَمَّنَ هارُونُ عَلَيهِ السَّلامُ وَأَمَّنَتِ الْمَلائِكَةُ عَلَيهِمُ السَّلامُ فَقالَ اللّٰهُ تَبارَكَ وَتَعالىٰ: ((قَدْ أُجِيبَتْ دَعْوَتُكُما فَاسْتَقِيما)) وَمَنْ غَزا فِي سَبِيلِ اللّٰهِ اسْتُجِيبَ لَهُ كَما اسْتُجِيبَ لَكُما يَوْمَ الْقِيامَةِ.





هرکه نخست به چهل مؤمن دعا کند وسپس به خود دعا کند، دعایش اجابت شود. [۶۳]

۶ ـ امام صادق (ع) فرمود: رسول خدا(ص) فرمود است: چهار کسند که دعای آنها برگشت ندارد تاآنکه درهای آسمان باز شوند وبه عرش برسند: دعای پدر برای فرزند خود، نفرین مظلوم به کسی که به او ستم کرده است، عمره کننده تا به وطن برگردد، وروزه‌دار تا وقتی افطار کند.

۷ ـ امام صادق (ع) فرمود که: پیغمبر(ص) فرموده است: هیچ دعائی زودتر به اجابت نرسد از دعاء غائبی برای غائبی.

۸ ـ امام صادق (ع) فرمود که: رسول خدا(ص) فرموده است: موسی دعا کرد و هارون آمین گفت، و فرشته‌ها هم آمین گفتند، پس خدا تبارک وتعالی فرمود: هرآینه دعاء شما به اجابت رسید، استقامت کنید پا برجا باشید و هرکس هم در راه خدا جهاد کند، دعایش به اجابت رسد (چنانچه برای شما به اجابت رسید) تا به روز قیامت.

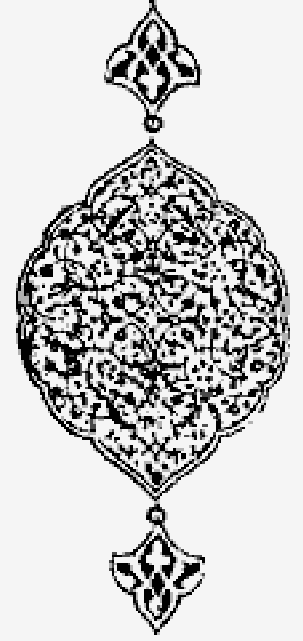


بابُ مَنْ لا تُستَجابُ دَعْوَتُهُ

١ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ حَمّادِ بْنِ عِيسىٰ، عَنْ حُسَيْنِ بْنِ مُخْتارٍ، عَنِ الْوَلِيدِ ابْنِ صَبِيحٍ، عَنْ أَبي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيهِ السَّلامُ قالَ:

صَحِبْتُهُ بَيْنَ مَكَّةَ وَالْمَدِينَةِ فَجاءَ سائِلٌ فَأَمَرَ أَنْ يُعْطىٰ ثُمَّ جاءَ آخَرُ فَأَمَرَ أَنْ يُعْطىٰ، ثُمَّ جاءَ آخَرُ فَأَمَرَ أَنْ يُعْطىٰ، ثُمَّ جاءَ الرّابِعُ فَقالَ أَبُو عَبْدِاللّٰهِ عَلَيهِ السَّلامُ: يُشْبِعُكَ اللّٰهُ، ثُمَّ الْتَفَتَ إِلَيْنا فَقالَ: أَما إِنَّ عِنْدَنا ما نُعْطِيهِ وَلٰكِنْ أَخْشىٰ أَنْ نَكُونَ كَأَحَدِ الثَّلاثَةِ الَّذِينَ لا يُسْتَجابُ لَهُمْ دَعْوَةٌ:

رَجُلٌ أَعْطاهُ اللّٰهُ مالاً فَأَنْفَقَهُ فِي غَيْرِ حَقِّهِ، ثُمَّ قالَ: اللّٰهُمَّ ارْزُقْنِي فَلا يُسْتَجابُ لَهُ وَرَجُلٌ يَدْعُو عَلىٰ امْرَأَتِهِ أَنْ يُرِيحَهُ مِنْها وَقَدْ جَعَلَ اللّٰهُ عَزَّ وَجَلَّ أَمْرَها إِلَيْهِ وَرَجُلٌ يَدْعُو عَلىٰ جارِهِ وَقَدْ جَعَلَ اللّٰهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ السَّبِيلَ إِلىٰ أَنْ يَتَحَوَّلَ عَنْ جِوارِهِ وَيَبِيعَ دارَهُ.



٢ ـ أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِالْجَبّارِ، عَنِ ابْنِ فَضّالٍ، عَنْ إِسْماعِيلَ بْنِ مِهْرانَ، عَنْ عَبْدِاللّٰهِ بْنِ إِبْراهِيمَ، عَنْ جَعْفَرِ بْنِ إِبْراهِيمَ، عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيهِ السَّلامُ قالَ: أَرْبَعَةٌ لا تُسْتَجابُ

باب کسی که دعایش مستجاب نیست

۱ ـ از ولید بن صبیح، از امام صادق (ع)، گوید: به آن حضرت در میان راه مکه ومدینه همراه بودم، یک سائلی آمد وفرمان داد به او چیزی داده شود وسپس دیگری آمد وفرمان داد به او چیزی داده شود وسپس دیگری آمد وفرمان داد به او هم چیزی داده شود، چهارمی آمد وآن حضرت فرمود: خدا سیرت کند وسپس به ما رو کرد وفرمود: هلا نزد ما هست آنچه به او بدهیم ولی می‌ترسیم یکی از آن سه کس باشم که خدا دعاء آنان را اجابت نکند:

۱ ـ مردی که خدا بدو مالی داده و آن را در غیر مورد شایسته بدان خرج کند وسپس گوید: بار خدایا! به من روزی بده ودعاء او اجابت نشود.

۲ ـ مردی که بر زن خود نفرین تا خدا او را از وی راحت کند بااینکه خدا عزوجل کار طلاقش را به دست او گذاشته.

۳ ـ ومردی که بر همسایهٔ خود نفرین کند بااینکه خدا عزوجل برای آسایش او، راهی نهاده است وآن این است که خانهٔ خود بفروشد و از همسایگی او به جای دیگر رود.

۲ ـ از امام صادق (ع) که فرمود:

چهار کسند که دعوتشان اجابت نشود:

۱ ـ مردی که در خانه نشسته و می‌گوید: بار خدایا! مرا روزی بده، به‌او گفته‌شود: آیا به‌تو دستور ندادم که روزی را بجوئی؟



لَهُمْ دَعْوَةٌ: رَجُلٌ جالِسٌ فِي بَيْتِهِ يَقُولُ: اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِي فَيُقالُ لَهُ: أَلَمْ آمُرْكَ بِالطَّلَبِ؟ وَرَجُلٌ كانَتْ لَهُ امْرَأَةٌ فَدَعا عَلَيْها فَيُقالُ لَهُ: أَلَمْ أَجْعَلْ أَمْرَها إِلَيْكَ؟ وَرَجُلٌ كانَ لَهُ مالٌ فَأَفْسَدَهُ فَيَقُولُ: اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِي؛ فَيُقالُ لَهُ: أَلَمْ آمُرْكَ بِالْاِقْتِصادِ؟ أَلَمْ آمُرْكَ بِالْإِصْلاحِ، ثُمَّ قالَ:

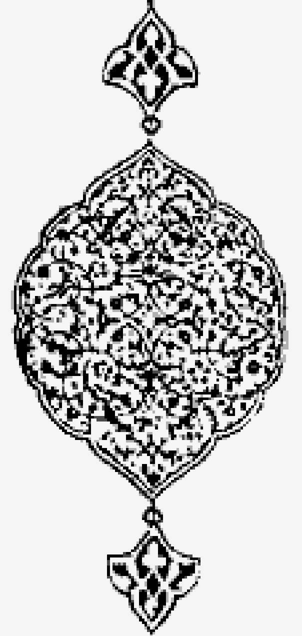
((وَالَّذِينَ إِذٰا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكٰانَ بَيْنَ ذٰلِكَ قِواماً))

وَرَجُلٌ كانَ لَهُ مالٌ فَأَدانَهُ بِغَيْرِ بَيِّنَةٍ فَيُقالُ لَهُ: أَلَمْ آمُرْكَ بِالشَّهادَةِ؟.

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ، عَنْ عُمْرٰانَ بْنِ أَبِي عاصِمٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ‌السَّلامُ مِثْلَهُ.

٣ ـ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيُّ، عَنْ مُعَلَّىٰ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنِ الْوَشّاءِ، عَنْ عَبْدِاللّٰهِ بْنِ سِنانٍ، عَنِ الْوَلِيدِ بْنِ صَبِيحٍ قالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ:

ثَلاثَةٌ تُرَدُّ عَلَيْهِمْ دَعْوَتُهُمْ: رَجُلٌ رَزَقَهُ اللّٰهُ مالاً فَأَنْفَقَهُ فِي غَيْرِ وَجْهِهِ ثُمَّ قالَ: يارَبِّ ارْزُقْنِي، فَيُقالُ لَهُ: أَلَمْ أَرْزُقْكَ؟ وَرَجُلٌ دَعا عَلَىٰ امْرَأَتِهِ وَهُوَ لَها ظالِمٌ فَيُقالُ لَهُ: أَلَمْ أَجْعَلْ أَمْرَها بِيَدِكَ؟ وَرَجُلٌ جَلَسَ فِي بَيْتِهِ وَقالَ يارَبِّ ارْزُقْنِي فَيُقالُ لَهُ: أَلَمْ أَجْعَلْ لَكَ السَّبِيلَ إِلىٰ طَلَبِ الرِّزْقِ؟.



۲ ـ مردی که زنی دارد و بر او نفرین می‌کند، به او گفته شود: آیا کار طلاقش را به دست تو وانگذاردم؟

۳ ـ مردی که مالی داشته وآن را از میان برده است ومی‌گوید: بار خدایا! به من روزی بده، به او گفته شود: آیا به تو دستور ندادم میانه روی کنی و رعایت اقتصاد نمائی؟ آیا به تو دستور ندادم اصلاح مال کنی ونگذاری از میان برود؟.

سپس فرمود (۶۷ سوره فرقان): «وآن کسانی که هرگاه انفاق کنند اسراف نورزند وبه خود تنگ نگیرند و در این میان به حدّ اعتدال باشند».

۴ ـ مردی که مالی داشته و بی گواه به وام داده است، به او گفته شود: آیا به تو دستور ندادم که گواه بگیری؟ [۶٤]

۳ ـ از ولید بن صبیح گوید: شنیدم که او می‌فرمود: سه کس باشند که دعایشان به خودشان برگردد وبه اجابت نرسد:

۱ ـ مردی که خدایش مالی داده و بی‌جا خرج کرده و باز می‌گوید: پروردگارا! به من روزی بده، به او گفته شود: آیا به تو روزی ندادم؟

۲ ـ و مردی که بر همسر ستمکار خود نفرین کند، به او گفته شود: آیا کار طلاقش را به دست تو ندادم.

۳ ـ و مردی که در خانه نشسته و می‌گوید: پروردگارا! به من روزی بده، به او گفته شود: آیا برای تو راه تحصیل روزی فراهم نکرده‌ام؟



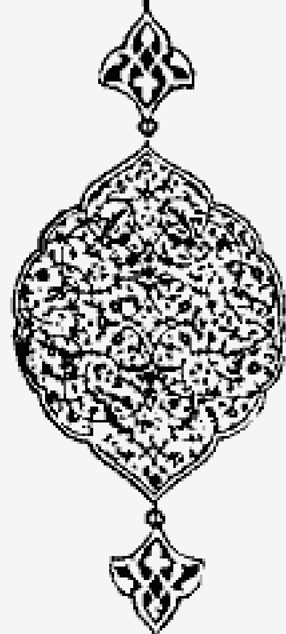
بابُ الدُّعاءِ عَلَى الْعَدُوِّ

١ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيادٍ، عَنْ يَحْيَىٰ بْنِ الْمُبارَكِ، عَنْ عَبْدِاللّٰهِ بْنِ جَبَلَةَ، عَنْ إِسْحاقَ بْنِ عَمّارٍ قالَ: شَكَوْتُ إِلىٰ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ‌السَّلامُ جاراً لِي وَما أَلْقىٰ مِنْهُ، قالَ: فَقالَ لِيَ: ادْعُ عَلَيْهِ، قالَ: فَفَعَلْتُ فَلَمْ أَرَ شَيْئاً فَعُدْتُ إِلَيْهِ فَشَكَوْتُ إِلَيْهِ فَقالَ لِيَ: ادْعُ عَلَيْهِ قالَ: فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِداكَ قَدْ فَعَلْتُ فَلَمْ أَرَ شَيْئاً، فَقالَ: كَيْفَ دَعَوْتَ عَلَيْهِ؟ فَقُلْتُ: إِذا لَقِيتُهُ دَعَوْتُ عَلَيْهِ، قالَ: فَقالَ: ادْعُ عَلَيْهِ إِذا أَدْبَرَ وَ[إِذا] اسْتَدْبَرَ فَفَعَلْتُ فَلَمْ أَلْبَثْ حَتّىٰ أَراحَ اللّٰهُ مِنْهُ.

٢ ـ وَرُوِيَ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ‌السَّلامُ قالَ: إِذا دعا أَحَدُكُمْ عَلىٰ أَحَدٍ قالَ:

اللّٰهُمَّ أَطْرُقْهُ بِبَلِيَّةٍ لا أُخْتَ لَها وَأَبِحْ حَرِيمَهُ.

٣ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسىٰ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ، عَنْ مالِكِ بْنِ عَطِيَّةَ، عَنْ يُونُسَ بْنِ عَمّارٍ قالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ‌السَّلامُ: إِنَّ لِي جاراً مِنْ قُرَيْشٍ مِنْ آلِ مُحْرِزٍ قَدْ نَوَّهَ بِاسْمِي وَشَهَّرَنِي، كُلَّما مَرَرْتُ بِهِ قالَ: هٰذَا الرّافِضِيُّ يَحْمِلُ الْأَمْوالَ إِلىٰ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ؛ قالَ: فَقالَ لِي: فَادْعُ اللّٰهَ عَلَيْهِ إِذا



باب نفرین بر دشمن

۱ ـ از اسحاق بن عمار، گوید: به امام صادق (ع) از همسایهٔ خود و آزاری که از او کشم، شکایت بردم، گوید: به من فرمود: بر او نفرین کن، من کردم و نتیجه‌ای ندیدم و باز به آن حضرت مراجعه کردم وشکایت نمودم، گوید: فرمود: بر او نفرین کن، گفتم: قربانت! من نفرین کردم وچیزی ندیدم، فرمود: چگونه بر او نفرین کردی؟ گفتم: هرگاه به او برخوردم نفرینش کردم، گوید: فرمود: هرگاه به تو پشت کند و از تو رو گرداند نفرینش کن، من این کار را کردم و درنگی نکرد وخدا مرا از او آسوده کرد.

۲ ـ از ابی الحسن (ع) روایت شده (روایت کرده خ ل) که هرگاه یکی از شماها به دشمن نفرین کند، بگوید: «بار خدایا! به بلای شبانه (به شبی تار خ ل) که مانندی ندارد گرفتارش کن ودشمن را بر او چیره ساز».

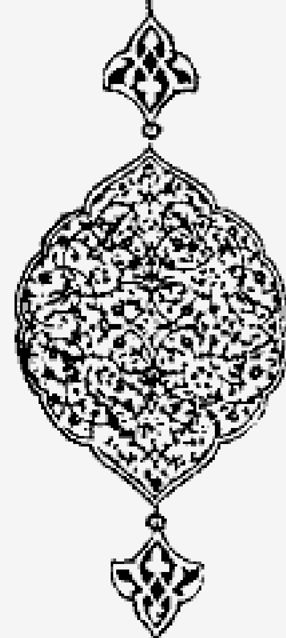
۳ ـ از یونس بن عمار، گوید: به امام صادق (ع) گفتم که: من یک همسایهٔ قرشی نژاد دارم از آل محرز که نام مرا فاش کرده و مرا شهرت داده وهرگاه به او گذرم گوید: این رافضی است و اموالی به جعفر بن محمد می‌پردازد، گوید: به من فرمود: در حال نمازِ شب به او نفرین کن، وقتی در سجده دوّم دو رکعت اول باشی، خدا را حمد کن وتمجید نما وبگو: «بار خدایا! فلان پسر فلان مرا شهرهٔ



كُنْتَ فِي صَلاةِ اللَّيْلِ وَأَنْتَ ساجِدٌ فِي السَّجْدَةِ الْأَخِيرَةِ مِنَ الرَّكْعَتَيْنِ الْأُولَيَيْنِ فَاحْمَدِ اللّٰهَ عَزَّ وَجَلَّ وَمَجِّدْهُ وَقُلْ: اللّٰهُمَّ إِنَّ فُلانَ بْنَ فُلانٍ قَدْ شَهَرَنِي وَنَوَّهَ بِي وَغاظَنِي وَعَرَضَنِي لِلْمَكارِهِ، اللّٰهُمَّ اضْرِبْهُ بِسَهْمٍ عاجِلٍ تَشْغَلْهُ بِهِ عَنِّي اللّٰهُمَّ وَقَرِّبْ أَجَلَهُ وَاقْطَعْ أَثَرَهُ وَعَجِّلْ ذٰلِكَ يا رَبِّ السّاعَةَ السّاعَةَ؛ قالَ: فَلَمّا قَدِمْنا لَيْلاً فَسَأَلْتُ أَهْلَنا عَنْهُ، قُلْتُ: ما فَعَلَ فُلانٌ؟ فَقالُوا: هُوَ مَرِيضٌ، فَما انْقَضىٰ آخِرُ كَلامِي حَتّىٰ سَمِعْتُ الصِّياحَ مِنْ مَنْزِلِهِ وَقالُوا: قَدْ ماتَ.

٤ ـ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْكُوفِيُّ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ التَّيْمِيِّ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْباطٍ، عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ سالِمٍ قالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عليه‌السلام فَقالَ لَهُ الْعَلاءُ بْنُ كامِلٍ: إِنَّ فُلاناً يَفْعَلُ بِي وَيَفْعَلُ فَإِنْ رَأَيْتَ أَنْ تَدْعُوَ اللّٰهَ عَزَّ وَجَلَّ فَقالَ: هذا ضَعْفٌ بِكَ قُلِ: اللّٰهُمَّ إِنَّكَ تَكْفِي مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَلا يَكْفِي مِنْكَ شَيْءٌ فَاكْفِنِي أَمْرَ فُلانٍ بِمَ شِئْتَ وَكَيْفَ شِئْتَ وَ[مِنْ] حَيْثُ شِئْتَ وَأَنّىٰ شِئْتَ.

٥ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنِ ابْنِ أَبِي نَجْرانَ، عَنْ حَمّادِ بْنِ عُثْمانَ، عَنِ الْمِسْمَعِيِّ قالَ: لَمّا قَتَلَ داوُدُ بْنُ عَلِيٍّ الْمُعَلَّىٰ بْنَ خُنَيْسٍ قالَ أَبُو عَبْدِاللّٰهِ عليه‌السلام: لَأَدْعُوَنَّ اللّٰهَ عَلىٰ مَنْ قَتَلَ مَوْلايَ وَأَخَذَ مالِي، فَقالَ لَهُ داوُدُ بْنُ عَلِيٍّ: إِنَّكَ لَتُهَدِّدُنِي بِدُعائِكَ، قالَ حَمّادٌ: قالَ الْمِسْمَعِيُّ: فَحَدَّثَنِي مُعَتِّبٌ أَنَّ أَبا عَبْدِاللّٰهِ عليه‌السلام لَمْ يَزَلْ لَيْلَتَهُ راكِعاً وَساجِداً فَلَمّا كانَ فِي السَّحَرِ سَمِعْتُهُ

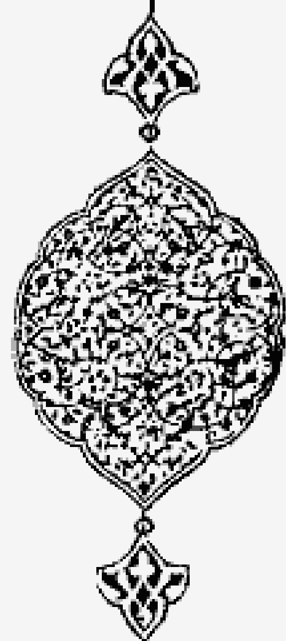




مردم ساخته و سرّ مرا فاش کرده و مرا به خشم آورده ودر معرض خطرها آورده، بار خدایا! او را با تیر شتابانی بزن و از منش بازدار، بار خدایا! مرگش را برسان و اثرش را محو کن و در این باره شتاب کن، پروردگارا! هم‌اکنون هم‌اکنون» گوید: چون به کوفه بازگشتیم شبانهٔ وارد شدیم و از خاندان خود از حال آن مرد پرسیدم، گفتم: فلانی چه کرده است؟ در پاسخ گفتند: بیمار است، و هنوز سخنم را به پایان نرسانده بودم که فریاد شیون از خانه‌اش برخاست وگفتند که مرده است.

۴ ـ از یعقوب بن سالم، گوید: من نزد امام صادق (ع) بودم که علاء بن کامل به آن حضرت گفت: راستی فلانی با من (بدی) می‌کند و می‌کند واگر نظر دارید به درگاه خدا عزوجل، بر او نفرین کنید، در پاسخ فرمود: این از ناتوانی تو است، بگو: «بار خدایا! راستی تو از هر چیز کفایت کنی وچیزی از تو کفایت نکند، کار فلانی را در بارهٔ من کفایت فرما بدانچه خواهی و هرگونه خواهی از آن راهی که خواهی و از آنجا که خواهی».

۵ ـ از حماد، از مسمعی، گوید: چون داود بن علی معلّی بن خنیس را کشت، امام صادق (ع) فرمود: هر آینه به درگاه خدا نفرین کنم بر کسی که وابسته مرا کشته و مال مرا ربوده، داود بن علی به او گفت: تو مرا به نفرین تهدید می‌کنی؟ حماد گوید: مسمعی گفت که: معتب(خادم امام صادق ع) برای من بازگفت که: امام صادق (ع) در آن شب پیوسته در رکوع وسجود بود وچون هنگام سحر شد شنیدمش که در سجده می‌فرمود: «بار خدایا!



يَقُولُ وَهُوَ ساجِدٌ:

«اللّٰهُمَّ إِنّي أَسْأَلُكَ بِقُوَّتِكَ الْقَوِيَّةِ وَبِجَلالِكَ الشَّدِيدِ الَّذِي كُلُّ خَلْقِكَ لَهُ ذَلِيلٌ أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ وَأَنْ تَأْخُذَهُ السّاعَةَ السّاعَةَ»، فَما رَفَعَ رَأْسَهُ حَتّىٰ سَمِعْنا الصَّيْحَةَ فِي دارِ داوُدَ بْنِ عَلِيٍّ فَرَفَعَ أَبُو عَبْدِ اللّٰهِ عليه السلام رَأْسَهُ وَقالَ: إِنّي دَعَوْتُ اللّٰهَ بِدَعْوَةٍ بَعَثَ اللّٰهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَيْهِ مَلَكاً فَضَرَبَ رَأْسَهُ بِمِرْزَبَّةٍ مِنْ حَدِيدٍ انْشَقَّتْ مِنْها مِثانَتُهُ فَماتَ.

بابُ الْمُباهَلَةِ

۱ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَكِيمٍ، عَنْ أَبِي مَسْرُوقٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّٰهِ عليه السلام قالَ: قُلْتُ: إِنّا نُكَلِّمُ النّاسَ فَنَحْتَجُّ عَلَيْهِمْ بِقَوْلِ اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ: «أَطِيعُوا اللّٰهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» فَيَقُولُونَ: نَزَلَتْ فِي أُمَراءِ السَّرايا، فَنَحْتَجُّ عَلَيْهِمْ بِقَوْلِهِ عَزَّ وَجَلَّ: «إِنَّما وَلِيُّكُمُ اللّٰهُ وَرَسُولُهُ» إِلىٰ آخِرِ الْآيَةِ فَيَقُولُونَ:

نَزَلَتْ فِي الْمُؤْمِنِينَ، وَنَحْتَجُّ عَلَيْهِمْ بِقَوْلِ اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ: «قُلْ لا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبىٰ» فَيَقُولُونَ: نَزَلَتْ فِي

من از تو خواستارم به نیروی نیرومندت و به جلالت شدیدت که همه آفریده‌های تو در برابر آن خوارند که رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و بگیری او را هم‌اکنون هم‌اکنون» و سر خود را از سجده برنداشته بود که فریاد شیون را از خانهٔ داود بن علی شنیدم و امام صادق (ع) سر برداشت وفرمود: راستی که من خدا را به دعائی خواندم وخداوند عزوجل فرشته‌ای را فرستاد که عصای آهنین بر سر او زد چنانچه مثانه‌اش ترکید و مرد. [۶۵]

باب مباهله

۱ ـ از ابی مسروق گوید: به امام صادق (ع) گفتم: راستی ما با مردم دیگر(در بارهٔ مذهب) گفت: و گو کنیم و در برابر آنها دلیل آوریم از قول خدا عزوجل (۶۲ سوره نساء): «**فرمان برید از خدا وفرمان برید از رسول خدا و صاحب الأمر خودتان**» در پاسخ گویند: این آیه در بارهٔ فرماندهان قشون‌های گشتی نازل شده است و ما دلیل آوریم بر آنها به قول خدا عزوجل (۷۸ سوره مائده): «**همانا سرپرست شما خدا است ورسولش الی آخر آیه [وآن کسانی که گرویدند آنها را که نماز را برپا دارند وزکوة را بپردازند ودر رکوعند]**» در پاسخ گویند: در بارهٔ همهٔ مؤمنان نازل شده است و دلیل آوریم در برابر آنها به قول خدا عزّوجل (۳۳ سوره شوری): « **بگو ای پیغمبر: من از**



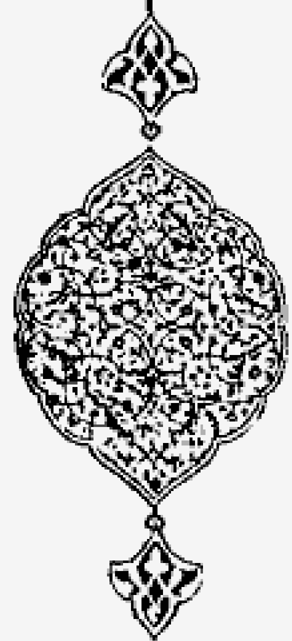
قُرْبِیٰ الْمُسْلِمِينَ، قالَ: فَلَمْ أَدَعْ شَيْئاً مِمّا حَضَرَنِي ذِكْرُهُ مِنْ هٰذِهِ وَشِبْهِهِ إِلَّا ذَكَرْتُهُ، فَقالَ لِي: إِذا كانَ ذٰلِكَ فَٱدْعُهُمْ إِلَى الْمُباهَلَةِ؛ قُلْتُ:

وَكَيْفَ أَصْنَعُ؟ قالَ: أَصْلِحْ نَفْسَكَ ثَلاثاً، وَأَظُنُّهُ قالَ: وَصُمْ وَٱغْتَسِلْ وَٱبْرُزْ أَنْتَ وَهُوَ إِلَى الْجَبّانِ فَشَبِّكْ أَصابِعَكَ مِنْ يَدِكَ الْيُمْنىٰ فِي أَصابِعِهِ، ثُمَّ أَنْصِفْهُ وَابْدَأْ بِنَفْسِكَ وَقُلِ:

«ٱللّٰهُمَّ رَبَّ ٱلسَّماواتِ ٱلسَّبْعِ وَرَبَّ ٱلْأَرَضِينَ ٱلسَّبْعِ، عالِمَ ٱلْغَيْبِ وَٱلشَّهادَةِ ٱلرَّحْمٰنُ ٱلرَّحِيمُ، إِنْ كانَ أَبُو مَسْرُوقٍ جَحَدَ حَقّاً وَادَّعىٰ باطِلاً فَأَنْزِلْ عَلَيْهِ حُسْباناً مِنَ السَّماءِ أَوْ عَذاباً أَلِيماً» ثُمَّ رُدَّ الدَّعْوَةَ عَلَيْهِ فَقُلْ:

«وَإِنْ كانَ فُلانٌ جَحَدَ حَقّاً وَادَّعىٰ باطِلاً فَأَنْزِلْ عَلَيْهِ حُسْباناً مِنَ السَّماءِ أَوْ عَذاباً أَلِيماً» ثُمَّ قالَ لِي: فَإِنَّكَ لا تَلْبَثُ أَنْ تَرىٰ ذٰلِكَ فِيهِ، فَوَاللّٰهِ ما وَجَدْتُ خَلْقاً يُجِيبُنِي إِلَيْهِ.

٢ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيادٍ، إِسْماعِيلَ بْنِ مِهْرانَ، عَنْ مُخَلَّدٍ أَبِي الشُّكْرِ، عَنْ أَبِي حَمْزَةَ الثُّمالِيِّ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه‌السلام قالَ: السّاعَةُ الَّتِي تُباهِلُ فِيها ما بَيْنَ طُلُوعِ الْفَجْرِ إِلىٰ طُلُوعِ الشَّمْسِ.



عِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خالِدٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْماعِيلَ، عَنْ مُخَلَّدٍ أَبِي الشُّكْرِ، عَنْ أَبِي حَمْزَةَ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ

شما مزدی نخواهم جز دوستی با ذی‌القربیٰ [خویشان] » در پاسخ گویند: در بارهٔ خویشان اسلامی نازل شده است و از آنچه در خاطر داشتم راجع به این موضوع و مانند آن چیزی نماند که یاد کردم، امام(ع) فرمود: هرگاه اینطور باشد، آنها را به مباهله(حکمیّت خداوند) دعوت کن، گفتم: چه کار کنم؟ فرمود: سه روز خود را اصلاح کن و به گمانم که فرمود: روزه دار و غسل کن و با مدّعی خود به میدان بیرون شهر برو و انگشتان دست راست خود را در انگشتانش شبکه‌وار بینداز و به او حق بده و به خود آغاز سخن کن وبگو: «بار خدایا! ای پروردگار هفت آسمان و هفت زمین! دانای نهان و عیان! بخشاینده و مهربان! اگر ابو مسروق حق را انکار کرده و مدّعی باطل است، یک عذابی دردناک از آسمان بر او فرود آور» وسپس نفرین را به او برگردان وبگو: «واگر فلان کس حقی را انکار کرده و مدّعی باطل است، بر او عذابی دردناک از آسمان فرود آور» سپس فرمود: پس از آن درنگ نکنی که اثرش را در او به چشم خود ببینی، راوی گوید: به خدا آفریده‌ای نیافتم که پاسخ مثبت به این پیشنهاد من بدهد.

۲ ـ از امام باقر(ع) فرمود:
آن ساعتی که در آن مباهله شود: میان سپیده دم تا برآمدن آفتاب است.

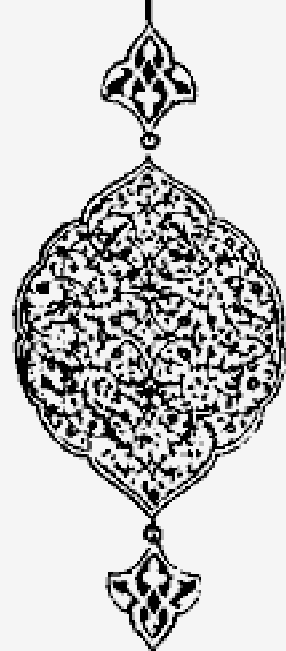


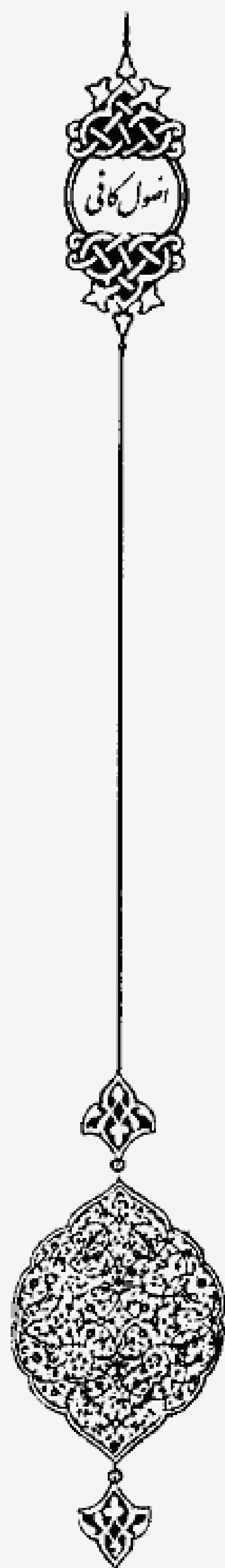
عَلَيهِ‌السَّلامُ مِثْلَهُ.

٣ ـ أَحْمَدُ، عَنْ بَعْضِ أَصْحابِهِ فِي الْمُباهَلَةِ قالَ: تُشَبِّكُ أَصابِعَكَ فِي أَصابِعِهِ ثُمَّ تَقُولُ: «اللّٰهُمَّ إِنْ كانَ فُلانٌ جَحَدَ حَقّاً وَأَقَرَّ بِباطِلٍ فَأَصِبْهُ بِحُسْبانٍ مِنَ السَّماءِ أَوْ بِعَذابٍ مِنْ عِنْدِكَ» ـ وَتُلاعِنُهُ سَبْعِينَ مَرَّةً.

٤ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسىٰ، عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ، عَنْ أَبِي الْعَبّاسِ، عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيهِ‌السَّلامُ فِي الْمُباهَلَةِ قالَ: تُشَبِّكُ أَصابِعَكَ فِي أَصابِعِهِ ثُمَّ تَقُولُ: «اللّٰهُمَّ إِنْ كانَ فُلانٌ جَحَدَ حَقّاً وَأَقَرَّ بِباطِلٍ فَأَصِبْهُ بِحُسْبانٍ مِنَ السَّماءِ أَوْ بِعَذابٍ مِنْ عِنْدِكَ». وَتُلاعِنُهُ سَبْعِينَ مَرَّةً.

٥ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِالْحَمِيدِ، عَنْ أَبِي جَمِيلَةَ، عَنْ بَعْضِ أَصْحابِهِ، قالَ: إِذا جَحَدَ الرَّجُلُ الْحَقَّ فَإِنْ أَرادَ أَنْ تُلاعِنَهُ قُلِ: «اللّٰهُمَّ رَبَّ السَّماواتِ السَّبْعِ وَرَبَّ الْأَرَضِينَ السَّبْعِ وَرَبَّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ إِنْ كانَ فُلانٌ جَحَدَ الْحَقَّ وَكَفَرَ بِهِ فَأَنْزِلْ عَلَيْهِ حُسْباناً مِنَ السَّماءِ أَوْ عَذاباً أَلِيماً».





۳ ـ یکی از اصحاب ما در بارهٔ مباهله گفته است: انگشتانت را در انگشتانش شبکه کنی وسپس گوئی: «بار خدایا اگر فلانی حقی را انکار کرده است و به باطلی اعتراف کرده، او را به عذابی آسمانی درگیر یا به عذابی از پیش خودت» و تا هفتاد بار بااو ملاعنه کنی و نفرین ردّ و بدل نمائی.

٤ ـ از امام صادق (ع) در بارهٔ ملاعنه فرمود:

پنجه به پنجهٔ او افکنی وسپس گوئی: «بار خدایا! اگر فلانی حقی را انکار کرده است و به باطلی اعتراف کرده است، او را به یک عذابی آسمانی درگیر یا به عذابی که خود دانی» و هفتاد بار با او نفرین به یکدیگر را ادامه داده. [٦٦]

۵ ـ ابی جمیله، از یکی از اصحابش فرمود:

هرگاه مردی حق را انکار کرد و تو خواهی با آن ملاعنه کنی بگو: «بار خدایا! پروردگار هفت آسمان و هفت زمین! و پرودگار عرش بزرگ! اگر فلان کس حق را منکر است وبدان کافر است، بر او از آسمان صاعقه سوزانی فرست یا عذاب دردناکی».

بابُ ما يُمَجِّدُ بِهِ الرَّبُّ تَبارَكَ وَتَعالىٰ نَفْسَهُ

١ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ صَفْوانَ بْنِ يَحْيىٰ، عَنْ إِسْحاقَ بْنِ عَمّارٍ، عَنْ بَعْضِ أَصْحابِهِ، عَنْ أَبي عَبْدِ اللّٰهِ عليه‌السلام قالَ: إِنَّ لِلّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ ثَلاثَ ساعاتٍ فِي اللَّيْلِ وَثَلاثَ ساعاتٍ فِي النَّهارِ يُمَجِّدُ فِيهِنَّ نَفْسَهُ؛ فَأَوَّلُ ساعاتِ النَّهارِ حِينَ تَكُونُ الشَّمْسُ هٰذَا الْجانِبَ يَعْنِي مِنَ الْمَشْرِقِ مِقْدارَها مِنَ الْعَصْرِ يَعْنِي مِنَ الْمَغْرِبِ إِلَى الصَّلاةِ الْأُولىٰ وَأَوَّلُ ساعاتِ اللَّيْلِ فِي الثُّلُثِ الْباقِي مِنَ اللَّيْلِ إِلىٰ أَنْ يَنْفَجِرَ الصُّبْحُ يَقُولُ:

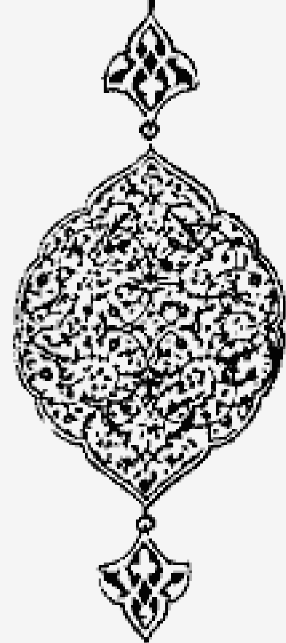
إِنِّي أَنَا اللّٰهُ رَبُّ الْعالَمِينَ، إِنِّي أَنَا اللّٰهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ، إِنِّي أَنَا اللّٰهُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ، إِنِّي أَنَا اللّٰهُ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ، إِنِّي أَنَا اللّٰهُ الرَّحْمٰنُ الرَّحِيمُ، إِنِّي أَنَا اللّٰهُ مالِكُ يَوْمِ الدِّينِ، إِنِّي أَنَا اللّٰهُ لَمْ أَزَلْ وَلا أَزالُ، إِنِّي أَنَا اللّٰهُ خالِقُ الْخَيْرِ وَالشَّرِّ، إِنِّي أَنَا اللّٰهُ خالِقُ الْجَنَّةِ وَالنّارِ، إِنِّي أَنَا اللّٰهُ بَدِيءُ كُلِّ شَيْءٍ وَإِلَيَّ يَعُودُ، إِنِّي أَنَا اللّٰهُ الْواحِدُ الصَّمَدُ، إِنِّي أَنَا اللّٰهُ عالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهادَةِ، إِنِّي أَنَا اللّٰهُ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبّارُ الْمُتَكَبِّرُ، إِنِّي أَنَا اللّٰهُ الْخالِقُ الْبارِيءُ الْمُصَوِّرُ، لِيَ الْأَسْماءُ الْحُسْنىٰ، إِنِّي أَنَا اللّٰهُ الْكَبِيرُ

اصول کافی

باب در بیان آنچه بدان پروردگار تبارک وتعالی خود را تمجید کرده است

۱ ـ از امام صادق (ع) فرمود: راستی خدا عز وجل را سه ساعت است در شب وسه ساعت در روز که در آنها خود را تمجید کند نخست ساعت‌های روز آن گاه است که خورشید در اینجانب مشرق برآید به‌اندازه‌ای که در عصر بالای افق است تا غروب وادامه یابد تا به‌وقت نماز نخست (یعنی نماز ظهر) ونخست ساعت‌های شبانه در ثلث آخر است تا سپیده دم، خداوند می‌فرماید:

راستی که من منم پروردگار جهانیان، راستی که من منم خداوند فرازنده وبزرگوار، راستی که من منم خداوند با عزت حکمتدار، راستی که من منم خداوند آمرزنده ومهرورز، راستی که من منم خداوند بخشاینده ومهربان، راستی که من منم خداوند مالک روز جزاء، راستی که من منم که همیشه بوده وپیوسته هستم، راستی که من منم آفرینندهٔ خیر وشر، راستی که من منم آفرینندهٔ بهشت ودوزخ، راستی که من منم خداوند دانای نهان وعیان، راستی که من منم خداوند مالک قدوس سلام مؤمن مهیمن عزیز جبار متکبر، راستی که من منم خداوند آفرینندهٔ جانبخش صورت‌گر از آن من است نام‌های بهتر، راستی که من منم خداوند بزرگ وبرتر. گوید: سپس امام صادق (ع) فرمود: از بیان خودش که کبریاء وبزرگی برازنده



الْمُتَعالُ.

قالَ: ثُمَّ قالَ أَبُو عَبْدِاللّٰهِ عليه‌السلام: مَنْ عِنْدَهُ وَالْكِبْرِياءُ رِداؤُهُ فَمَنْ نازَعَهُ شَيْئاً مِنْ ذٰلِكَ أَكَبَّهُ اللّٰهُ فِي النّارِ، ثُمَّ قالَ: ما مِنْ عَبْدٍ مُؤْمِنٍ يَدْعُو بِهِنَّ مُقْبِلاً قَلْبَهُ إِلَى اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ إِلّا قَضىٰ حاجَتَهُ، وَلَوْ كانَ شَقِيّاً رَجَوْتُ أَنْ يُحَوَّلَ سَعِيداً.

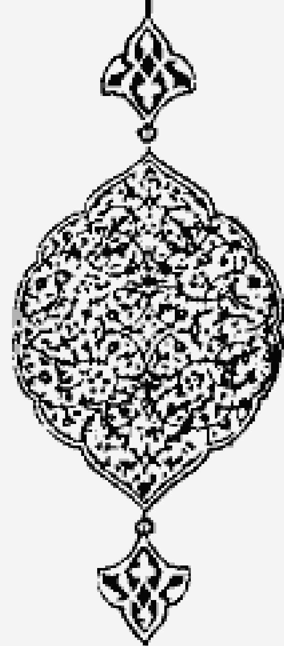
٢ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنِ ابْنِ فَضّالٍ، عَنْ عَبْدِاللّٰهِ بْنِ بُكَيْرٍ، عَنْ عَبْدِاللّٰهِ أَعْيَنَ، عَنْ أَبي عَبْدِاللّٰهِ عليه‌السلام قالَ:

إِنَّ اللّٰهَ تَبارَكَ وَتَعالىٰ يُمَجِّدُ نَفْسَهُ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَلَيْلَةٍ ثَلاثَ مَرّاتٍ فَمَنْ مَجَّدَ اللّٰهَ بِما مَجَّدَ بِهِ نَفْسَهُ ثُمَّ كانَ فِي حالِ شَقْوَةٍ حَوَّلَهُ اللّٰهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلىٰ سَعادَةٍ، يَقُولُ: أَنْتَ اللّٰهُ لا إِلٰهَ إِلّا أَنْتَ رَبُّ الْعالَمِينَ، أَنْتَ اللّٰهُ لا إِلٰهَ إِلّا أَنْتَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِيمُ، أَنْتَ اللّٰهُ لا إِلٰهَ إِلّا أَنْتَ الْعَزِيزُ [الْعَلِيُّ] الْكَبِيرُ، أَنْتَ اللّٰهُ لا إِلٰهَ إِلّا أَنْتَ مالِكُ يَوْمِ الدِّينِ، أَنْتَ اللّٰهُ لا إِلٰهَ إِلّا أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ، أَنْتَ اللّٰهُ لا إِلٰهَ إِلّا أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ، أَنْتَ اللّٰهُ لا إِلٰهَ إِلّا أَنْتَ مِنْكَ بَدْءُ الْخَلْقِ وَإِلَيْكَ يَعُودُ، أَنْتَ اللّٰهُ [الَّذِي] لا إِلٰهَ إِلّا أَنْتَ لَمْ تَزَلْ وَلا تَزالُ، أَنْتَ اللّٰهُ الَّذِي لا إِلٰهَ إِلّا أَنْتَ خالِقُ الْخَيْرِ وَالشَّرِّ أَنْتَ اللّٰهُ لا إِلٰهَ إِلّا أَنْتَ خالِقُ الْجَنَّةِ وَالنّارِ، أَنْتَ اللّٰهُ لا إِلٰهَ إِلّا أَنْتَ أَحَدٌ صَمَدٌ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُواً أَحَدٌ، أَنْتَ اللّٰهُ لا إِلٰهَ إِلّا أَنْتَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلامُ الْمُؤْمِنُ



حضرت او است وهرکه دربارهٔ آن با وی ستیزد خدایش به‌دوزخ سرنگون سازد، سپس فرمود: هیچ بندهٔ مؤمنی نیست که اینها را بخواند ودل به‌درگاه خدا عزوجل داشته باشد جز اینکه خداوند حاجتش را برآورد واگر شقی باشد امیدوارم که به‌سعادت مبدل شود. [٦٧]

۲ ـ از امام صادق (ع) فرمود: راستی خدا تبارک وتعالی خود را تمجید کند در هر شب وروز سه بار وهرکه خدا را تمجید کند بدانچه خداوند خود را بدان تمجید کرده است ودر حال شقاوت باشد خدایش به‌حال سعادت مبدل سازد، خداوند در تمجید خود می‌فرماید: توئی خدا که نیست شایسته پرستشی جز تو که پروردگار جهانیانی، توئی خدا که شایستهٔ پرستشی نیست جز تو که بخشاینده ومهرورزی، توئی خدا که شایستهٔ پرستشی نیست جز تو که با عزت (والا) وبزرگواری، توئی خدا شایستهٔ پرستشی نیست جز تو که مالک روز جزائی، توئی خدا شایستهٔ پرستشی نیست که جز تو آمرزنده ومهربانی، توئی خدا شایسته پرستشی نیست جز تو که با عزت وحکمتداری، توئی خدا شایستهٔ پرستشی نیست جز تو که آغاز آفرینش از تو است وبه‌سوی تو برمی‌گردد، توئی خدا (که) نیست شایستهٔ پرستشی جز تو همیشه بودی وپیوسته هستی، توئی خدا (که) نیست شایسته پرستشی جز تو آفرینندهٔ هر خوب وبدی، توئی خدا نیست شایان پرستش جز تو که آفرینندهٔ بهشت ودوزخی، توئی خدا نیست شایستهٔ پرستشی جز تو یگانه‌ای وبی‌نیاز، نه‌زاده است وزائیده نشده است، ونمی‌باشد برای او همتا هیچکس، توئی خدا نیست شایستهٔ پرستش جز تو ملک قدوس سلام مؤمن عزیز



الْمُهَيْمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحانَ اللّٰهِ عَمّا يُشْرِكُونَ، هُوَ اللّٰهُ الْخالِقُ الْبارِيءُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْماءُ الْحُسْنىٰ يُسَبِّحُ لَهُ ما فِي السَّماواتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (إِلىٰ آخِرِ السُّورَةِ) أَنْتَ اللّٰهُ لا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ الْكَبِيرُ، وَالْكِبْرِياءُ رِداؤُكَ.

بابُ مَنْ قالَ لا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ

١ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَيْلِ، عَنْ أَبِي حَمْزَةَ قالَ: سَمِعْتُ أَبا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلامُ يَقُولُ: ما مِنْ شَيْءٍ أَعْظَمُ ثَواباً مِنْ شَهادَةِ لا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ، إِنَّ اللّٰهَ عَزَّ وَجَلَّ لا يَعْدِلُهُ شَيْءٌ وَلا يُشْرِكُهُ فِي الْأُمُورِ أَحَدٌ.

٢ ـ عَنْهُ، عَنِ الْفُضَيْلِ بْنِ عَبْدِ الْوَهّابِ، عَنْ إِسْحاقَ بْنِ عَبْدِاللّٰهِ، عَنْ عُبَيْدِاللّٰهِ بْنِ الْوَلِيدِ الْوَصّافِيِّ، رَفَعَهُ قالَ: قالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: مَنْ قالَ: لا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ غُرِسَتْ لَهُ شَجَرَةٌ فِي الْجَنَّةِ مِنْ ياقُوتَةٍ حَمْراءَ مَنْبَتُها فِي مِسْكٍ أَبْيَضَ، أَحْلىٰ مِنَ الْعَسَلِ وَأَشَدَّ بَياضاً مِنَ الثَّلْجِ وَأَطْيَبَ رِيحاً مِنَ الْمِسْكِ، فِيها أَمْثالُ ثُدِيِّ الْأَبْكارِ، تَعْلُو عَنْ سَبْعِينَ حُلَّةً.

وَقالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:



جبار متکبّر، منزّه باد خدا از آنچه شریک او سازند، او است خدای آفریننده وجان‌بخش وصورت‌گر، از آن او است همه نام‌های نیکوتر، تسبیح گویدش هر آنچه در آسمانها وزمین است واو است عزیز وبا حکمت (تا آخر سوره) توئی خدا نیست شایستهٔ پرستشی جز تو که بزرگواری وبزرگی برازندهٔ تو است.



باب در کسی که بگوید: لا اله الا اللّه

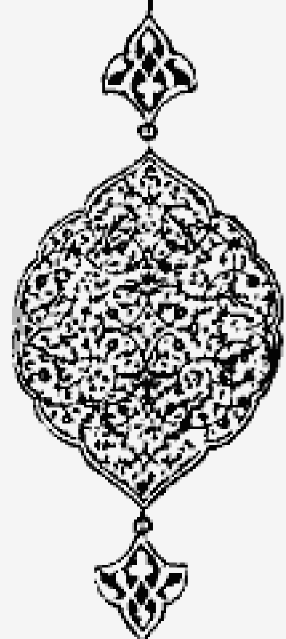


۱ ـ از ابی حمزه گوید: شنیدم امام باقر (ع) می‌فرمود:

هیچ چیز نیست که ثوابش بیشتر باشد از گواهی به اینکه بگوید: «لا اله الاّ اللّه» یعنی «گواهی دهد به یگانگی خداوند» راستی که چیزی با خدا عزوجل برابر نیست و در هیچ امری احدی با او شریک نیست.

۲ ـ رسول خدا (ص) فرمود: هر که بگوید: «لا اله الاّ اللّه» برای او در بهشت درختی کاشته شود از یاقوت سرخ که بنش از مشک سفید برآمده و از عسل شیرین‌تر و از برف سپیدتر و از مشک خوشبوتر است و در آن باشد نمونه‌های پستان دوشیزگان که در زیر هفتاد پیراهن برآمده باشد (و بر آن درخت برآمده باشد هفتاد جامهٔ بهشتی خ ل). [۶۸]

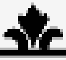
رسول خدا (ص) فرمود: بهترین عبادت گفتن: «لا اله الاّ اللّه» است.





خَيْرُ الْعِبادَةِ قَوْلُ: لا إِلهَ إِلَّا اللّٰهُ.

وَقالَ: خَيْرُ الْعِبادَةِ الْإِسْتِغْفارُ وَذٰلِكَ قَوْلُ اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي كِتابِهِ: ((فَاعْلَمْ أَنَّهُ لا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَاسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ)).



بابُ مَنْ قالَ لا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ أَكْبَرُ



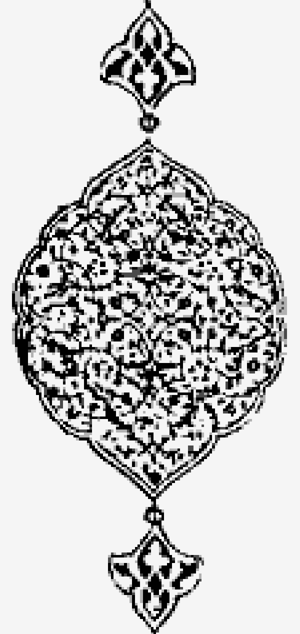
١ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسىٰ، رَفَعَهُ، عَنْ حَرِيزٍ، عَنْ يَعْقُوبَ الْقُمِّيِّ، عَنْ أَبي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيهِ السَّلامُ قالَ: ثَمَنُ الْجَنَّةِ لا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ أَكْبَرُ.



بابُ مَنْ قالَ:
لا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ



١ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ النُّعْمانِ، عَمَّنْ ذَكَرَهُ، عَنْ أَبي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيهِ السَّلامُ قالَ: قالَ جَبْرَئِيلُ عَلَيهِ السَّلامُ لِرَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: طُوبىٰ لِمَنْ قالَ مِنْ أُمَّتِكَ: «لا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ».



و فرموده است: بهترین عبادت استغفار است و این است قول خدا عزوجل در قرآنش (۲۲ سوره محمد): «وبدان که راستش این است که نیست شایستهٔ پرستشی جز خدا و آمرزش‌خواه از گناه خود». [۶۹]



باب کسی که گوید: لا اله الّا اللّه و اللّه اکبر



۱ ـ از امام صادق (ع) فرمود:
بهای بهشت گفتن: لا اله الّا اللّه و اللّه اکبر است.



باب کسی که گوید: لا اله الّا اللّه وحده وحده وحده



۱ ـ از امام صادق (ع) که جبرئیل به رسول خدا (ص) گفت:

خوشا بر هرکه از امّتت بگوید: لا اله الّا اللّه وحده وحده وحده.



بابُ مَنْ قالَ: لا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ (عَشْراً)

١ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ عُمَرِو بْنِ عُثْمانَ، وَعَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، جَمِيعاً، عَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ، عَنِ ابْنِ مُسْكانَ، عَنْ أَبِي بَصِيرٍ، لَيْثٍ الْمُرادِيِّ، عَنْ عَبْدِ الْكَرِيمِ بْنِ عُتْبَةَ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّٰهِ عَلَيْهِ‌السَّلامُ قالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ: مَنْ قالَ عَشْرَ مَرّاتٍ قَبْلَ أَنْ تَطْلُعَ الشَّمْسُ وَقَبْلَ غُرُوبِها: «لا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَيُمِيتُ وَيُحْيِي وَهُوَ حَيٌّ لا يَمُوتُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٍ» كانَتْ كَفّارَةً لِذُنُوبِهِ ذٰلِكَ الْيَوْمَ.

٢ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسىٰ، عَمَّنْ ذَكَرَهُ، عَنْ عُمَرَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّٰهِ عَلَيْهِ‌السَّلامُ قالَ: قالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: مَنْ صَلَّى الْغَداةَ فَقالَ قَبْلَ أَنْ يَنْقُضَ رُكْبَتَيْهِ عَشْرَ مَرّاتٍ: «لا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، يُحْيِي وَيُمِيتُ وَيُمِيتُ وَيُحْيِي [وَهُوَ حَيٌّ لا يَمُوتُ] بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»، وَفِي الْمَغْرِبِ مِثْلَها، لَمْ يَلْقَ اللّٰهَ عَزَّ وَجَلَّ



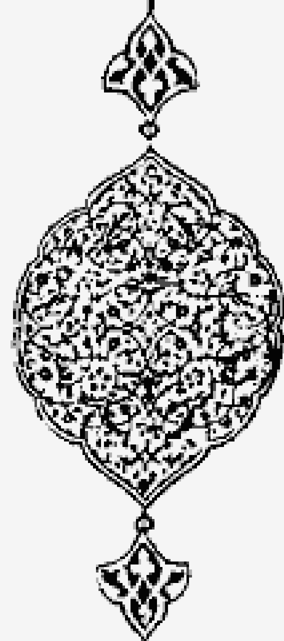
باب کسی که ده بار بگوید: لا اله الاّ اللّٰه وحده لا شریک له

۱ ـ از عبدالکریم بن عتبة که از امام صادق (ع) شنیدم می‌فرمود:

هر که پیش از بر آمدن خورشید و هم پیش از غروب خورشید ده بار بگوید: «نیست شایستهٔ پرستشی جز خدا، یگانه است، شریک ندارد، از آنِ او است ملک و از آنِ او است سپاس، زنده کند و بمیراند و بمیراند و زنده کند و او است زنده‌ای که نمیرد، به دست او است هر خیر و او است بر هرچه توانا» کفّارهٔ گناهان آن روزش گردد.

۲ ـ امام صادق (ع) فرمود که: رسول خدا (ص) فرموده است:

هر که نماز بامداد گذارد و پیش از آنکه دو زانو را از زمین بردارد ده بار بگوید: «نیست شایستهٔ پرستشی جز خدا، یگانه است، شریک ندارد، از آن او است ملک، و از آن او است سپاس، زنده کند و بمیراند و بمیرانَد و زنده کند (و او استَ زنده‌ای که نمیرد) به دست او است هر خیر و او است به هر چیزی توانا» و در مغرب همچنان کند، هیچ بنده‌ای خدا عزوجل را به کرداری بهتر از کردار





عَبْدٌ بِعَمَلٍ أَفْضَلَ مِنْ عَمَلِهِ إِلَّا مِنْ جاءَ بِمِثْلِ عَمَلِهِ.

بابُ مَنْ قالَ: أَشْهَدُ أَنْ لا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ

١ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ، عَنْ سَعِيدٍ، عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ الْحَذّاءِ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه‌السلام قالَ مَنْ قالَ: «أَشْهَدُ أَنْ لا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ وأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ» كَتَبَ اللّٰهُ لَهُ أَلْفَ أَلْفِ حَسَنَةٍ.

بابُ مَنْ قالَ عَشْرَ مَرّاتٍ فِي كُلِّ يَوْمٍ: أَشْهَدُ أَنْ لا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ إِلٰهاً واحِداً أَحَداً صَمَداً، لَمْ يَتَّخِذْ صاحِبَةً وَلا وَلَداً

١ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، وَعَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ عَبْدِالرَّحْمٰنِ بْنِ أَبِي نَجْرانَ، عَنْ عَبْدِالْعَزِيزِ الْعَبْدِيِّ، عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ، عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عليه‌السلام قالَ: مَنْ قالَ فِي كُلِّ يَوْمٍ

اصول کافی

او برخورد نکند مگر کسی که به مانند او کار کند.

باب کسی که گوید: اشهد ان لا اله الاّ اللّٰه وحده لا شریک له و اشهد اں محمداً عبده و رسوله

۱ ـ از امام باقر (ع)، فرمود: هر که گوید:

گواهم که نیست شایستهٔ پرستش جز خدا، یگانه است، شریک ندارد، و گواهم که محمد بنده و رسول او است» خدا برایش هزار هزار حسنه بنویسد.

باب هر که هر روز ده بار بگوید: اشهد ان لا اله الاّ اللّٰه وحده لا شریک له الهاً واحداً احداً صمداً لم یتّخذ صاحبة و لا ولداً

۱ ـ از امام صادق (ع) فرمود:

هر که هر روز ده بار بگوید: «من گواهم که نیست شایستهٔ پرستشی جز خدا، یگانه است، شریک ندارد، معبودی است یکتا،

عَشْرَ مَرّاتٍ: أَشْهَدُ أَنْ لا إِلٰهَ إِلاَّ اللّٰهُ وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ، إِلٰهاً واحِداً، أَحَداً صَمَداً، لَمْ يَتَّخِذْ صاحِبَةً وَلا وَلَداً ـ كَتَبَ اللّٰهُ لَهُ خَمْسَةً وَأَرْبَعِينَ أَلْفَ حَسَنَةٍ وَمَحا عَنْهُ خَمْسَةً وَأَرْبَعِينَ أَلْفَ سَيِّئَةٍ وَرَفَعَ لَهُ خَمْسَةً وَأَرْبَعِينَ أَلْفَ دَرَجَةٍ.

وَفِي رِوايَةٍ أُخْرىٰ: وَكُنَّ لَهُ حِرْزاً فِي يَوْمِهِ مِنَ السُّلْطانِ وَالشَّيْطانِ وَلَمْ تُحِطْ بِهِ كَبِيرَةٌ مِنَ الذُّنُوب.

بابُ مَنْ قالَ: يا اللّٰهُ يا اللّٰهُ ـ عَشْرَ مَرّاتٍ ـ

١ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ أَيُّوبَ بْنِ الْحُرِّ أَخِي أُدَيْمٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّٰهِ عَلَيهِ السَّلامُ قالَ: مَنْ قالَ: يا اللّٰهُ يا اللّٰهُ ـ عَشْرَ مَرّاتٍ ـ قِيلَ لَهُ: لَبَّيْكَ ما حاجَتُكَ.

بابُ مَنْ قالَ: لا إِلٰهَ إِلاَّ اللّٰهُ حَقّاً حَقّاً

١ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسىٰ الْأَرْمِينِيِّ، عَنْ أَبِي عِمْرانَ الْخَرّاطِ، عَنِ الْأَوْزاعِيِّ، عَنْ أَبِي

یگانه، بی‌نیاز، نه همسری گرفته و نه فرزندی» خدا برایش چهل‌وپنج‌هزار حسنه نویسد وچهل‌وپنج‌هزار سیئه از او محو کند وچهل‌وپنج‌هزار درجه برای او بالا برد.

در روایت دیگری است که این ذکرها در آن روز حرز او باشند در برابر سلطان و شیطان و گناه کبیره‌ای پیرامون او را فرانگیرد.

باب هرکس ده بار گوید: یااللّٰه یااللّٰه

۱ ـ از امام صادق (ع) فرمود:
هرکه ده بار گوید: یا اللّٰه یا اللّٰه، به او گفته شود: لبیک! چه حاجتی داری؟

باب هرکس گوید: لا اله الاّ اللّٰه حقاً حقاً

این عنوان مختصر شده است ـ از مجلسی(ره).

۱ ـ از امام صادق (ع) فرمود: هرکه هر روز بگوید: «نیست



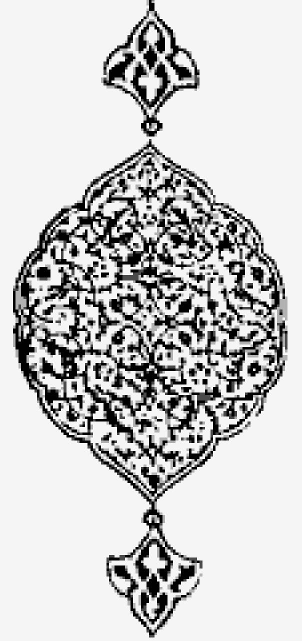
عَبْدِاللّٰهِ عَلَيهِالسَّلامُ قالَ: مَنْ قالَ فِي كُلِّ يَوْمٍ: «لا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ حَقّاً حَقّاً لا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ عُبُودِيَّةً وَرِقّاً؛ لا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ إِيماناً وَصِدْقاً» أَقبَلَ اللّٰهُ عَلَيْهِ بِوَجْهِهِ وَلَمْ يَصْرِفْ وَجْهَهُ عَنْهُ حَتّىٰ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ.

بابُ مَنْ قالَ: يا رَبِّ يا رَبِّ

١ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسىٰ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسىٰ، عَنْ أَيُّوبَ ابْنِ الْحُرِّ أَخِي أُدَيْمٍ، عَنْ أَبي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيهِالسَّلامُ قالَ: مَنْ قالَ عَشْرَ مَرّاتٍ: يا رَبِّ يا رَبِّ قِيلَ لَهُ: لَبَّيْكَ ما حاجَتُكَ.

٢ ـ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ، وَعَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، جَمِيعاً، عَنِ ابْنِ أَبي عُمَيْرٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حُمْرانَ قالَ: مَرِضَ إِسْماعِيلُ بْنُ أَبي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيهِالسَّلامُ فَقالَ لَهُ أَبُو عَبْدِاللّٰهِ عَلَيهِالسَّلامُ: قُلْ: يا رَبِّ يا رَبِّ (عَشْرَ مَرّاتٍ) فَإِنَّ مَنْ قالَ ذٰلِكَ نُودِيَ: لَبَّيْكَ ما حاجَتُكَ.

٣ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسىٰ، عَنْ مُعاوِيَةَ، عَنْ أَبي بَصِيرٍ، عَنْ أَبي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيهِالسَّلامُ قالَ: مَنْ قالَ: يا رَبِّ يا اللّٰهُ يا رَبِّ يا اللّٰهُ (حَتّىٰ يَنْقَطِعَ نَفَسُهُ) قِيلَ لَهُ: لَبَّيْكَ ما حاجَتُكَ.





شایستهٔ پرستشی جز خدا، حق است حق است، نیست شایستهٔ پرستشی جز خدا، به او بندگی و رقّیّت تقدیم کنم، نیست شایستهٔ پرستشی جز خدا، با ایمان و راستی گویم» خدا روی خود به سوی او کند واز او رو برنگرداند تا به بهشت درآید.



باب هر که یا ربّ یا ربّ گوید

۱ ـ از امام صادق (ع) فرمود:

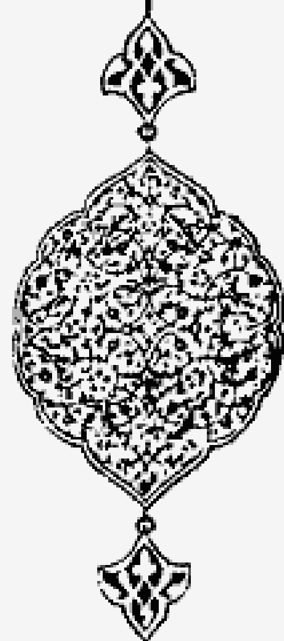
هر که ده بار یاربّ یاربّ گوید، به او گفته شود: لبیک چه حاجتی داری.

۲ ـ از محمد بن حمران گوید: اسماعیل (فرزند امام صادق ع) بیمار شد و امام صادق (ع) به او فرمود:

ده بار بگو: یاربّ یاربّ، زیرا هر که آن را بگوید، به او ندا رسد: لبیک! چه حاجتی داری.

۳ ـ امام صادق (ع) فرمود:

هر که بگوید: یاربّ یاالله یاربّ یاالله تا نفسش ببرد، به او گفته شود: لبیک! چه حاجتی داری.



بابُ مَنْ قالَ: (لٰا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ) مُخْلِصاً

١ ـ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ، عَنْ مُعَلَّىٰ بْنِ مُحَمَّدٍ، وَعِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، جَمِيعاً، عَنِ الْوَشّٰاءِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عائِذٍ، عَنْ أَبِي الْحَسَنِ السَّوّٰاقِ، عَنْ أَبٰانِ بْنِ تَغْلِبَ، عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عليه‌السلام قالَ: يٰا أَبٰانُ إِذا قَدِمْتَ الْكُوفَةَ فَارْوِ هذا الْحَدِيثَ: مَنْ شَهِدَ أَنْ لٰا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ مُخْلِصاً وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ، قالَ قُلْتُ لَهُ: إِنَّهُ يَأْتِينِي مِنْ كُلِّ صِنْفٍ مِنَ الْأَصْنافِ أَفَأَرْوِي لَهُمْ هذا الْحَدِيثَ؟ قالَ: نَعَمْ يٰا أَبٰانُ إِنَّهُ إِذا كانَ يَوْمَ الْقِيامَةِ وَجَمَعَ اللّٰهُ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ فَتُسْلَبُ لٰا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ مِنْهُمْ إِلَّا مَنْ كانَ عَلىٰ هذَا الْأَمْرِ.

مَنْ قالَ: ما شاءَ اللّٰهُ لا حَوْلَ وَلٰا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ

١ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسىٰ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ، عَنْ هِشامِ بْنِ سالِمٍ، عَنْ أَبي عَبْدِاللّٰهِ عليه‌السلام قالَ: إِذا دَعَا الرَّجُلُ فَقالَ بَعْدَ ما دَعا: ما شاءَ اللّٰهُ لا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ، قالَ



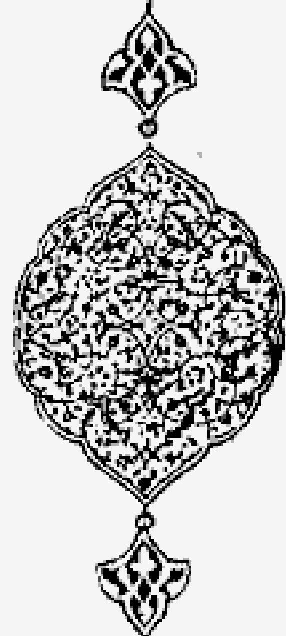
باب هرکس بگوید: لا اله الاّ اللّٰه مخلصاً

۱ ـ از ابان بن تغلب از امام صادق (ع) فرمود: ای ابان، چون به‌کوفه رفتی این حدیث را روایت کن:

هرکه از روی اخلاص گواهی دهد که نیست شایسته پرستشی جز خدا، بهشت برای او واجب باشد. گوید: به‌او گفتم: راستش این است که از هر فرقه‌ای نزد من می‌آیند، برای همهٔ آنان این حدیث را روایت کنم؟ فرمود: آری، ای ابان چون روز رستاخیز شود وخداوند همهٔ اولین وآخرین را گردآورد، خدا لااله‌الاّاللّٰه را از آنها بگیرد جز از کسی که بر این مذهب حق باشد. [۷۰]

باب هر کس بگوید ماشاء اللّٰه لاحول ولاقوة الاّ باللّٰه

۱ ـ از هشام بن سالم که امام صادق (ع) فرمود: هرگاه مردی دعا کند وپس از آن بگوید آنچه باشد که خدا خواهد نیست جنبشی ونه توانی جز به‌خدا، خدا عز وجل فرماید: بنده‌ام دلیری



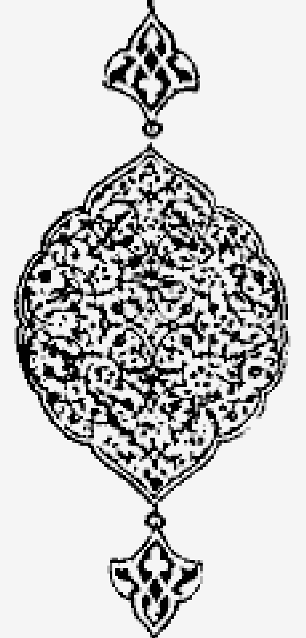


اللّهُ عَزَّ وَجَلَّ: اسْتَبْسَلَ عَبْدِي وَاسْتَسْلَمَ لِأَمْرِي اقْضُوا حاجَتَهُ.

٢ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ بَعْضِ أَصْحابِهِ، عَنْ جَمِيلٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيهِ السَّلامُ قالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ: مَنْ قالَ: ما شاءَ اللّهُ لا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ إِلاّ بِاللّٰهِ ـ سَبْعِينَ مَرَّةً ـ صَرَفَ عَنْهُ سَبْعِينَ نَوْعاً مِنْ أَنْواعِ الْبَلاءِ أَيْسَرُ ذٰلِكَ الْخَنِقُ؛ قُلْتُ: جُعِلْتُ فِداكَ وَمَا الْخَنِقُ؟ قالَ: لا يَعْتَلُّ بِالْجُنُونِ فَيُخْنَقُ.

بابُ مَنْ قالَ: أَسْتَغْفِرُ اللّهَ الَّذِي لا إِلٰهَ إِلاّ هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ ذُو الْجَلالِ وَالْإِكْرامِ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ

١ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسىٰ، عَنْ عَبْدِالصَّمَدِ، عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ حَمّادٍ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيهِ السَّلامُ قالَ: مَنْ قالَ فِي دُبُرِ صَلاةِ الْفَرِيضَةِ قَبْلَ أَنْ يُثَنِّيَ رِجْلَيْهِ: أَسْتَغْفِرُ اللّهَ الَّذِي لا إِلٰهَ إِلاّ هُوَ الْحَيَّ الْقَيُّومَ ذَا الْجَلالِ وَالْإِكْرامِ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ (ثَلاثَ مَرّاتٍ) غَفَرَ اللّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ ذُنُوبَهُ وَلَوْ كانَتْ مِثْلَ زَبَدِ الْبَحْرِ.



کرد وتسلیمِ امر ما شد، حاجتش را بر آورید.

۲ ـ از جمیل گوید: شنیدم که امام صادق (ع) می‌فرمود: هر که هفتاد بار گوید: ماشاء اللّٰه لاحول ولاقوة الاّ باللّٰه هفتاد نوع بلا از او بگردد که آسان‌تر همه خنق وخفه‌شدن باشد، گفتم: قربانت! خنق چیست؟ فرمود: مقصود این است که دچار دیوانگی نشود تا خفه گردد. [۷۱]

باب هر کس گوید استغفر اللّٰه الذی لا اله الاّ هو الحی القیوم ذوالجلال والاکرام واتوب الیه

۱ ـ از امام باقر (ع) فرمود: هر که دنبال نماز واجب پیش از آنکه دو پای خود تا کند سه بار بگوید: آمرزش خواهم از آن خدا که نیست شایستهٔ ستایشی جز او زنده وپاینده است صاحب جلالت واکرام است ـ وبه‌او باز گردم ـ خدا عز وجل گناهانش را بیامرزد، گرچه مانند کف دریا باشند.

بابُ الْقَوْلِ عِنْدَ الْإِصْباحِ وَالْإِمْساءِ

١ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْباطٍ، عَنْ غالِبِ بْنِ عَبْدِاللّٰهِ، عَنْ أَبي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيهِ السَّلامُ فِي قَوْلِ اللّٰهِ تَبارَكَ وَتَعالىٰ: ((وَظِلالُهُمْ بِالْغُدُوِّ وَالْآصالِ)) قالَ: هُوَ الدُّعاءُ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ غُرُوبِها وَهِيَ ساعَةُ إِجابَةٍ.

٢ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنِ ابْنِ فَضّالٍ، عَنْ أَبِي جَمِيلَةَ، عَنْ جابِرٍ، عَنْ أَبي جَعْفَرٍ عَلَيهِ السَّلامُ قالَ: إِنَّ إِبْلِيسَ عَلَيْهِ لَعائِنُ اللّٰهِ يَبُثُّ جُنُودَ اللَّيْلِ مِنْ حَيْثُ تَغِيبُ الشَّمْسُ وَتَطْلَعُ فَأَكْثِرُوا ذِكْرَ اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي هاتَيْنِ السّاعَتَيْنِ وَتَعَوَّذُوا بِاللّٰهِ مِنْ شَرِّ إِبْلِيسَ وَجُنُودِهِ وَعَوِّذُوا صِغارَكُمْ فِي تِلْكَ السّاعَتَيْنِ فَإِنَّهُما ساعَتا غَفْلَةٍ.

٣ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسىٰ، وَعَلِيُّ بْنُ إِبْراهيمَ، عَنْ أَبِيهِ، جَمِيعاً، عَنِ ابْنِ أَبي عُمَيْرٍ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَطِيَّةَ، عَنْ رَزِينٍ صاحِبِ الْأَنْماطِ، عَنْ أَحَدِهِما عَلَيهِما السَّلامُ قالَ: مَنْ قالَ: اللّٰهُمَّ إِنّي أُشْهِدُكَ وَأُشْهِدُ مَلائِكَتَكَ الْمُقَرَّبِينَ وَحَمَلَةَ عَرْشِكَ الْمُصْطَفَيْنَ أَنَّكَ أَنْتَ اللّٰهُ لا إِلٰهَ إِلّا أَنْتَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِيمُ وَأَنَّ مُحَمَّداً

باب در گفتارِ بام وشام

۱ ـ از غالب بن عبداللّٰه از امام صادق (ع) در شرحِ قول خدا تبارک وتعالی (۱۵ سوره رعد): «برای خدا سجده کند هرکه در آسمان‌ها وزمین است خواه ناخواه، وسایه‌های آنان در بامداد وپسین» فرمود: مقصود از آن دعا پیش از برآمدن آفتاب است وپیش از غروبِ آن وآن ساعتِ اجابت است. [۷۲]

۲ ـ از امام صادق (ع) فرمود: راستی که ابلیس ـ بر او باد لعنت‌های خدا ـ لشکرهای خود را شبانه از آنجا می‌فرستد که آفتاب غروب می‌کند وبرمی‌آید ودر این دو ساعت بسیار ذکر خدا گوئید واز شرّ ابلیس ولشکریانش به‌خدا پناه برید وخردسالانِ خود را در این دو ساعت به پناه خدا سپارید زیرا که دو ساعت غفلت باشند. [۷۳]

۳ ـ از رزین پتو فروش از امام باقر ویا از امام صادق (ع) فرمود:

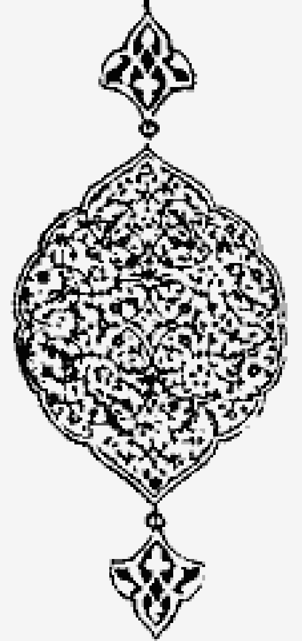
هرکه بگوید: بار خدایا من تو را گواه گیرم وفرشته‌های مقربت را وحاملان عرشِ تو را که برگزیده‌اند بر اینکه توئی خدا نیست شایسته پرستشی جز تو بخشاینده ومهربانی، و گواهم که محمد بنده ورسول تو است، وبر اینکه فلان، امامِ من وولی من است وبر



عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ وَأَنَّ فُلانَ بْنَ فُلانٍ إمامِي وَوَلِيِّي وَأَنَّ أباهُ رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّم وَعَلِيّاً وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ وَفُلاناً وَفُلاناً ـ حَتّىٰ يَنْتَهِيَ إِلَيْهِ ـ أَئِمَّتِي وَأَوْلِيائِي عَلىٰ ذٰلِكَ أَحْيا وَعَلَيْهِ أَمُوتُ وَعَلَيْهِ أُبْعَثُ يَوْمَ الْقِيامَةِ وَأَبْرَأُ مِنْ فُلانٍ وَفُلانٍ وَفُلانٍ. فَإِنْ ماتَ فِي لَيْلَتِهِ دَخَلَ الْجَنَّةَ.

٤ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنِ الْحَجّالِ، وَبَكْرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ أَبِي إِسْحاقَ الشَّعِيرِيِّ، عَنْ يَزِيدَ بْنِ كَلْثَمَةَ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّٰهِ أَوْ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِما السَّلام قالَ: تَقُولُ إِذا أَصْبَحْتَ: أَصْبَحْتُ بِاللّٰهِ مُؤْمِناً عَلىٰ دِينِ مُحَمَّدٍ وَسُنَّتِهِ وَدِينِ عَلِيٍّ وَسُنَّتِهِ وَدِينِ الْأَوْصِياءِ وَسُنَّتِهِمْ، آمَنْتُ بِسِرِّهِمْ وَعَلانِيَتِهِمْ وَشاهِدِهِمْ وَغائِبِهِمْ وَأَعُوذُ بِاللّٰهِ مِمَّا اسْتَعاذَ مِنْهُ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّم وَعَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلامُ وَالْأَوْصِياءُ وَأَرْغَبُ إِلَى اللّٰهِ فِيما رَغِبُوا إِلَيْهِ وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ.

٥ ـ عَنْهُ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ، عَنْ أَبِي أَيُّوبَ إِبْراهِيمَ بْنِ عُثْمانَ الْخَزّازِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قالَ: قالَ أَبُو عَبْدِ اللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلامُ: إِنَّ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ صَلَواتُ اللّٰهِ عَلَيْهِما كانَ إِذا أَصْبَحَ قالَ: «أَبْتَدِئُ يَوْمِي هٰذا بَيْنَ يَدَيْ نِسْيانِي وَعَجَلَتِي بِسْمِ اللّٰهِ وَما شاءَ اللّٰهُ» فَإِذا فَعَلَ ذٰلِكَ الْعَبْدُ أَجْزَأَهُ مِمّا نَسِيَ فِي يَوْمِهِ.



٦ ـ عَنْهُ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، وَعَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ،

بنده ورسول تو است، وبر اینکه فلان، امامِ من وولی من است وبر اینکه پدرش رسول‌خدا(ص) با علی وحسن وحسین وفلان وفلان تا برسد به‌او (یعنی امامِ زمان) امامان واولیاء منند، بر این عقیده زنده بمانم وبر آن بمیرم وبا آن در قیامت مبعوث شود وبی‌زارم از فلان وفلان واگر در همان شب بمیرد به‌بهشت رود.

٤ ـ از یزید بن کلثمه از امام صادق ویا از امام باقر(ع) فرمود:

هرگاه بامداد کردی می‌گوئی: من بامداد کردم با ایمان به‌خدا وبر دین محمد وروش او ودین علی وروش او ودین اوصیاء وروش آنها، ایمان دارم به‌نهان آنان وعیانشان وشاهدشان وغائبشان، وبه‌خدا پناه برم از آنچه رسول‌خدا(ص) از آن پناه خواسته وعلی واوصیاء پناه خواستند وتوجه دارم به‌درگاه خدا در آنچه بدان توجه ورغبت داشتند ونیست جنبش ونه توانی جز به‌خدا.

٥ ـ از امام صادق (ع) که علی بن الحسین (ع) را شیوه بود که چون بامداد می‌کرد می‌فرمود: من این روز خود را در میان فراموشی وشتابم آغاز می‌کنم بنام خدا وآنچه خدا خواهد، وچون بنده چنین کند او را از آنچه در آن روز فراموش کند بس باشد (یعنی از او بازخواست نشود).

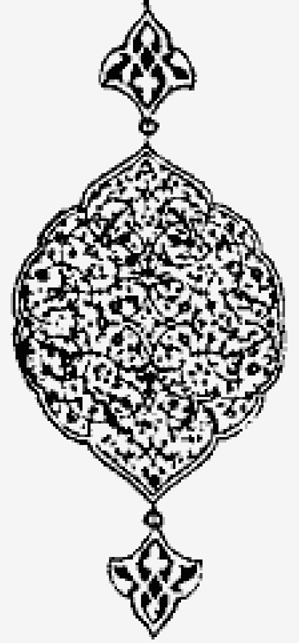
٦ ـ امام صادق (ع) فرمود:



جَميعاً، عَنِ ابْنِ أبي عُمَيْرٍ، عَنْ عُمَرَ بْنِ شِهابٍ وَسُلَيْمٍ الْفَرّاءِ، عَنْ رَجُلٍ، عَنْ أَبي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيهِ السَّلامُ قالَ: مَنْ قالَ هذا حينَ يُمْسي حُفَّ بِجَناحٍ مِنْ أَجْنِحَةِ جَبْرَئيلَ عَلَيهِ السَّلامُ حَتّىٰ يُصْبِحَ: «أَسْتَوْدِعُ اللّٰهَ الْعَلِيَّ الْأَعْلَىٰ الْجَليلَ الْعَظيمَ نَفْسي وَمَنْ يَعْنيني أَمْرُهُ، أَسْتَوْدِعُ اللّٰهَ نَفْسِيَ الْمَرْهُوبَ الْمَخُوفَ الْمُتَضَعْضِعَ لِعَظَمَتِهِ كُلُّ شَيْءٍ» ثَلاثَ مَرّاتٍ.

٧ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، وَأَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِالْجَبّارِ، عَنِ الْحَجّالِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ عُقْبَةَ وَغالِبِ بْنِ عُثْمانَ، عَمَّنْ ذَكَرَهُ، عَنْ أَبي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيهِ السَّلامُ قالَ: إذا أَمْسَيْتَ قُلْ: «اَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْأَلُكَ عِنْدَ إِقْبالِ لَيْلِكَ وَإِدْبارِ نَهارِكَ وَحُضُورِ صَلَواتِكَ وَأَصْواتِ دُعائِكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ» وَادْعُ بِما أَحْبَبْتَ.

٨ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيادٍ، عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيِّ، عَنِ ابْنِ الْقَدّاحِ، عَنْ أَبي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيهِ السَّلامُ قالَ: ما مِنْ يَوْمٍ يَأْتي عَلَىٰ ابْنِ آدَمَ إِلّا قالَ لَهُ ذٰلِكَ الْيَوْمُ: يَا ابْنَ آدَمَ! أَنَا يَوْمٌ جَديدٌ وَأَنَا عَلَيْكَ شَهيدٌ، فَقُلْ فِيَّ خَيْراً وَاعْمَلْ فِيَّ خَيْراً أَشْهَدْ لَكَ بِهِ يَوْمَ الْقِيامَةِ فَإِنَّكَ لَنْ تَرانِي بَعْدَها أَبَداً قالَ: وَكانَ عَلِيٌّ عَلَيهِ السَّلامُ إِذا أَمْسىٰ يَقُولُ: مَرْحَباً بِاللَّيْلِ الْجَديدِ وَالْكاتِبِ الشَّهيدِ اكْتُبا عَلىٰ اسْمِ اللّٰهِ ثُمَّ يَذْكُرُ اللّٰهَ عَزَّ وَجَلَّ.





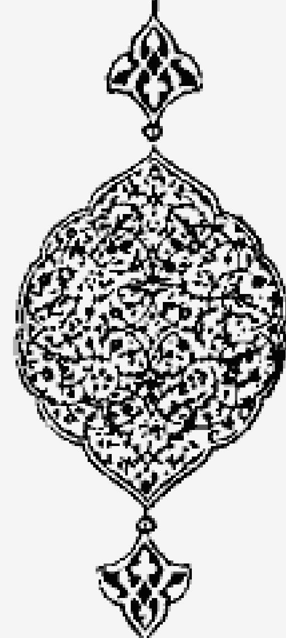
هر که این ذکر را هنگام ورود شب سه بار بگوید در درون پری از پرهای جبرئیل درآید تا بامداد کند: «بخدا سپارم که علی واعلی وجلیل وعظیم است خودم را وهر که به‌کارم می‌خورد، به‌خدا سپارم خویش را از آن خدائیکه هرچیز در برابر بزرگواریش ترسان ولرزان است».

۷ ـ امام صادق (ع) فرمود:

چون شب کنی بگو: «بار خدایا من از تو خواستارم هنگام آمدن شبت ورفتن روزت وحضور نمازهایت وآوازهای دعا به‌درگاهت که رحمت فرستی به‌محمد وآل محمد» وهرچه خواهی دعا کن.

۸ ـ امام صادق (ع) فرمود:

روزی نباشد که بر آدمی‌زاده درآید جز اینکه گوید: ای آدمی‌زاده، من روز نو توام وبر تو گواهم، در من کار خوب کن تا در روز رستاخیز برای تو گواهی دهم زیرا پس از این هرگز مرا نبینی؛ فرمود که علی (ع) را شیوه بود که چون شب می‌کرد می‌فرمود: مرحبا به‌این شبِ تازه ونویسنده گواه برای من نام خدا را بنویسید، سپس ذکر خدا عز وجل می‌کرد.

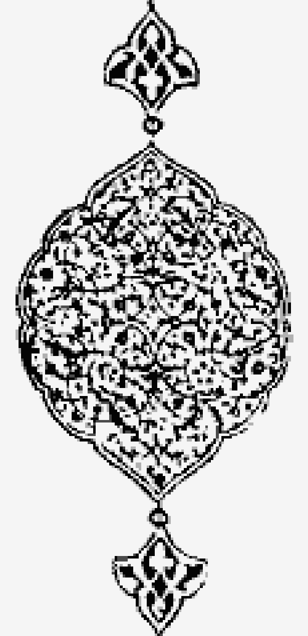




٩ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ صالِحِ بْنِ السِّنْدِيِّ، عَنْ جَعْفَرِ بْنِ بَشِيرٍ، عَنْ عَبْدِاللّٰهِ ابْنِ بُكَيْرٍ، عَنْ شِهابِ بْنِ عَبْدِ رَبِّهِ قالَ: سَمِعْتُ أَبا عَبْدِاللّٰهِ عليه‌السلام يَقُولُ: إِذا تَغَيَّرَتِ الشَّمْسُ فَاذْكُرِ اللّٰهَ عَزَّ وَجَلَّ وَإِنْ كُنْتَ مَعَ قَوْمٍ يَشْغَلُونَكَ فَقُمْ وَادْعُ.

١٠ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خالِدٍ، عَنْ شَرِيفِ بْنِ سابِقٍ، عَنِ الْفَضْلِ بْنِ أَبِي قُرَّةَ، عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عليه‌السلام قالَ: ثَلاثٌ تَناسَخَها الْأَنْبِياءُ مِنْ آدَمَ عليه‌السلام حَتّىٰ وَصَلْنَ إِلىٰ رَسُولِ اللّٰهِ صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم كانَ إِذا أَصْبَحَ يَقُولُ: «اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ إِيماناً تُباشِرُ بِهِ قَلْبِي وَيَقِيناً حَتّىٰ أَعْلَمَ أَنَّهُ لا يُصِيبُنِي إِلّا ما كَتَبْتَ لِي وَرَضِّنِي بِما قَسَمْتَ لِي».

وَرَواهُ بَعْضُ أَصْحابِنا وَزادَ فِيهِ: «حَتّىٰ لا أُحِبَّ تَعْجِيلَ ما أَخَّرْتَ وَلا تَأْخِيرَ ما عَجَّلْتَ يا حَيُّ يا قَيُّومُ بِرَحْمَتِكَ أَسْتَغِيثُ، أَصْلِحْ لِي شَأْنِي كُلَّهُ وَلا تَكِلْنِي إِلىٰ نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَداً وَصَلَّى اللّٰهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ».



١١ ـ وَ[رُوِيَ] عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عليه‌السلام: «الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي أَصْبَحْنا وَالْمُلْكُ لَهُ وَأَصْبَحْتُ عَبْدَكَ وَابْنَ عَبْدِكَ وَابْنَ أَمَتِكَ فِي قَبْضَتِكَ، اللّٰهُمَّ ارْزُقْنِي مِنْ فَضْلِكَ رِزْقاً مِنْ حَيْثُ أَحْتَسِبُ وَمِنْ حَيْثُ لا أَحْتَسِبُ وَاحْفَظْنِي مِنْ حَيْثُ أَحْتَفِظُ وَمِنْ حَيْثُ لا أَحْتَفِظُ اللّٰهُمَّ ارْزُقْنِي مِنْ فَضْلِكَ وَلا تَجْعَلْ لِي حاجَةً إِلىٰ أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ،

۹ ـ از شهاب بن عبد ربه گوید: شنیدم امام صادق (ع) می‌فرمود:

هرگاه آفتاب بگردد (برآید یا به‌زوال رسد یا غروب کند) ذکر خدا عز وجل کن واگر با مردمی باشی که تو را بازمی‌دارند از نزد آنان برخیز ودعا کن.

۱۰ ـ از امام صادق (ع) فرمود:

سه چیز را پیمبران از هم نسخه گرفتند از آدم تا رسیدند به رسول خاتم (ص) که همیشه هرگاه صبح می‌کرد می‌گفت: «بار خدایا به راستی من از تو خواستارم ایمانی دلنشین و یقینی واقع بین تا بدانم که به من نرسد جز آنچه تو بر من نوشتی و مرا بدانچه بهره‌ام کردی خشنود دار».

و یکی از اصحاب ما، آن را روایت کرده است ودر آن افزوده است: «تا دوست ندارم تعجیل در آنچه را تو پس اندازی و نه تأخیر آنچه را تو پیش اندازی ای زنده! ای پاینده! به رحمت تو دادرسی کنم، همهٔ کار مرا اصلاح کن و مرا به خودم وا مگذار هرگز تا به یک چشم بر هم زدن وصلّیٰ الله علی محمد وآله.

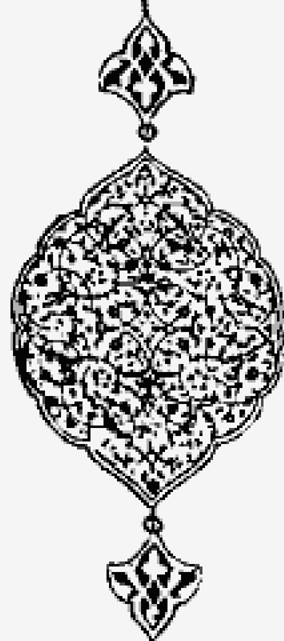
۱۱ ـ و از امام صادق (ع) روایت شده است: «سپاس از آن خدا است که ملک را دارا است و من بامدادن کردم و بنده و بنده‌زاده توام و کنیززادهٔ تو در دست تو، بار خدایا! مرا روزی ده از فضل خود، روزی فراوانی از آنجا که گمان برم و از آنجا که گمان نبرم و نگهدارم از آن‌رو که خود را نگه می‌دارم و از آن‌رو که نتوانم خود را نگهداشت، بار خدایا! از فضل خودت روزیم ده



اللّٰهمّ أَلْبِسْنِي الْعافِيَةَ وَارْزُقْنِي عَلَيْها الشُّكْرَ، يا واحِدُ يا صَمَدُ يا اللّٰهُ الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُواً أَحَدٌ؛ يا اللّٰهُ يا رَحْمٰنُ يا رَحِيمُ يا مالِكَ الْمُلْكِ وَرَبَّ الْأَرْبابِ وَسَيِّدَ السّاداتِ وَيا اللّٰهُ [يا] لا إِلٰهَ إِلّا أَنْتَ اشْفِنِي بِشِفائِكَ مِنْ كُلِّ داءٍ وَسُقْمٍ فَإِنِّي عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ أَتَقَلَّبُ فِي قَبْضَتِكَ».

١٢ـ عَنْهُ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، رَفَعَهُ إِلىٰ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام أَنَّهُ كانَ يَقُولُ: «اللّٰهُمَّ إِنِّي وَهٰذَا النَّهارَ خَلْقانِ مِنْ خَلْقِكَ؛ اللّٰهُمَّ لا تَبْتَلِنِي بِهِ وَلا تَبْتَلِهِ بِي، اللّٰهُمَّ وَلا تُرِهِ مِنِّي جُرْأَةً عَلىٰ مَعاصِيكَ وَلا رُكُوباً لِمَحارِمِكَ، اللّٰهُمَّ اصْرِفْ عَنِّي الْأَزْلَ وَاللَّأْواءَ وَالْبَلْوىٰ وَسُوءَ الْقَضاءِ وَشَماتَةَ الْأَعْداءِ وَمَنْظَرَ السُّوءِ فِي نَفْسِي وَمالِي».

قالَ: وَما مِنْ عَبْدٍ يَقُولُ حِينَ يُمْسِي وَيُصْبِحُ: «رَضِيتُ بِاللّٰهِ رَبّاً وَبِالْإِسْلامِ دِيناً وَبِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ نَبِيّاً وَبِالْقُرْآنِ بَلاغاً وَبِعَلِيٍّ إِماماً» ـ ثَلاثاً ـ إِلّا كانَ حَقّاً عَلَى اللّٰهِ الْعَزِيزِ الْجَبّارِ أَنْ يُرْضِيَهُ يَوْمَ الْقِيامَةِ.



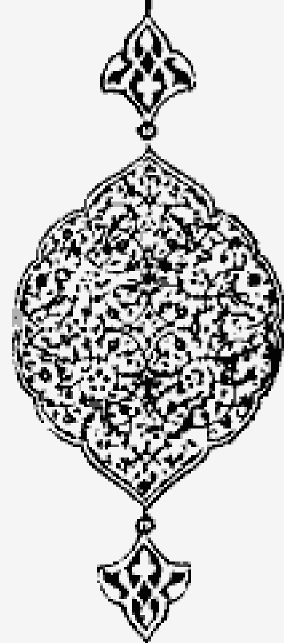
قالَ: وَكانَ يَقُولُ عليه السلام إِذا أَمْسىٰ: «أَصْبَحْنا لِلّٰهِ شاكِرِينَ وَأَمْسَيْنا لِلّٰهِ حامِدِينَ فَلَكَ الْحَمْدُ كَما أَمْسَيْنا لَكَ مُسْلِمِينَ سالِمِينَ» قالَ: وَإِذا أَصْبَحَ قالَ: «أَمْسَيْنا لِلّٰهِ شاكِرِينَ وَأَصْبَحْنا لِلّٰهِ حامِدِينَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ كَما أَصْبَحْنا لَكَ مُسْلِمِينَ سالِمِينَ».

ومگذار برای من نیازی به کسی از آفریده‌هایت، بار خدایا! جامهٔ عافیتم درپوشان و بر آنم شکرگذاری خود را روزی کن، ای یکتا! ای یگانه! ای بی‌نیاز! ای خدائی که نزاده و زاده نیست و احدی بااو همتا نیست! ای خدا! ای بخشاینده! ای مهربان! ای مالک الملک! پرورنده پرورنده‌ها و آقای آقایان! و ای خدا، نیست شایستهٔ پرستشی جز تو، مرا به درمان خود درمان کن از هر درد وبیماری، زیرا من بنده و بنده‌زادهٔ توام ودر دست تو می‌گردم.

۱۲ ـ از محمد بن علی که آن را به‌امیرالمؤمنین (ع) رسانیده که می‌گفته است: «بار خدایا، من واین روز هر دو از آفریده‌های توایم، بار خدایا مرا بدان میازمای واو را به‌من آزمایش مکن، بار خدایا به‌او منما که به‌نافرمانی تو دلیرم وبدانچه غدقن کردی اندرم، بار خدایا در این روز تنگی وسختی وگرفتاری وپیش‌آمدِ بد وسرزنشِ دشمنان ومنظرهٔ بد را در خود ومالم از من بگردان» فرمود: بنده‌ای نَباشد که چون شب کند یا صبح نماید سه بار بگوید: «به‌خدا خشنودم که پروردگارم باشد وبه‌اسلام که دینم باشد وبه‌محمد (ص) که پیغمبرم باشد وبه‌قرآن برای اینکه تبلیغ به‌من کند وبه‌علی برای اینکه رهبر وپیشوایم باشد» جز اینکه بر خدای عزیز جبّار سزاوار است که در روز رستاخیز او را خشنود سازد.

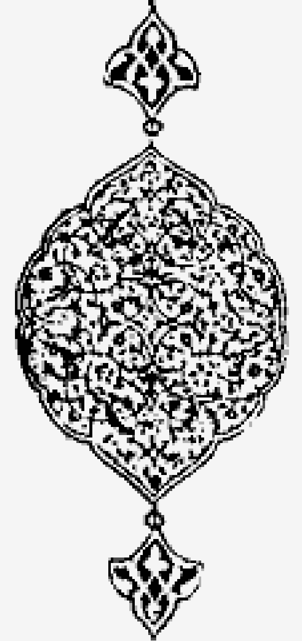
فرمود: چون شب می‌کرد، می‌فرمود: بامدادان کردیم در شکرگذاری خدا وشب نمودیم در سپاس خدا، خدایا از آن تو است سپاس چونانکه بامداد کردیم با تسلیم به‌تو در حال سلامت.

فرمود: در هر بامداد می‌گفت: شب کردیم در شکرگذاری خدا وبامداد کردیم در سپاس‌گذاری خدا، سپاس از آن خدا است چونان که بامداد کردیم با تسلیم به‌تو در حال سلامت.

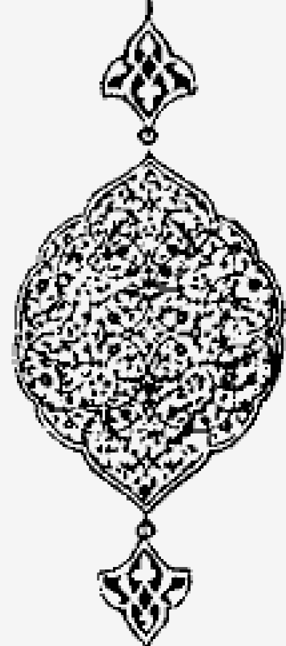




۱۳ـ عَنْهُ، عَنْ عُثْمانَ بْنِ عِيسىٰ، عَنْ سَماعَةَ، عَنْ أَبِي بَصِيرٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّٰهِ عَلَيْهِ‌السَّلَامُ قالَ: كانَ أَبِي عَلَيْهِ‌السَّلَامُ يَقُولُ إِذا أَصْبَحَ: «بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ وَإِلَى اللّٰهِ وَفِي سَبِيلِ اللّٰهِ وَعَلىٰ مِلَّةِ رَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ اللّٰهُمَّ إِلَيْكَ أَسْلَمْتُ نَفْسِي وَإِلَيْكَ فَوَّضْتُ أَمْرِي وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ يا رَبَّ الْعالَمِينَ، اللّٰهُمَّ احْفَظْنِي بِحِفْظِ الْإِيمانِ مِنْ بَيْنِ يَدَيَّ وَمِنْ خَلْفِي وَعَنْ يَمِينِي وَعَنْ شِمالِي وَمِنْ فَوْقِي وَمِنْ تَحْتِي وَمِنْ قِبَلِي، لا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ، لا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ، نَسْأَلُكَ الْعَفْوَ وَالْعافِيَةَ مِنْ كُلِّ سُوءٍ وَشَرٍّ فِي الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ، اللّٰهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذابِ الْقَبْرِ وَمِنْ ضَغْطَةِ الْقَبْرِ وَمِنْ ضِيقِ الْقَبْرِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ سَطَواتِ اللَّيْلِ وَالنَّهارِ، اللّٰهُمَّ رَبَّ الْمَشْعَرِ الْحَرامِ وَرَبَّ الْبَلَدِ الْحَرامِ وَرَبَّ الْحِلِّ وَالْحَرامِ أَبْلِغْ مُحَمَّداً وَآلَ مُحَمَّدٍ عَنِّي السَّلامُ، اللّٰهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِدِرْعِكَ الْحَصِينَةِ وَأَعُوذُ بِجَمْعِكَ أَنْ تُمِيتَنِي غَرَقاً أَوْ حَرَقاً أَوْ شَرَقاً أَوْ قَوَداً أَوْ صَبْراً أَوْ مَسَماً أَوْ تَرَدِّياً فِي بِئْرٍ أَوْ أَكِيلَ السَّبُعِ أَوْ مَوْتَ الْفَجْأَةِ أَوْ بِشَيْءٍ مِنْ مِيتاتِ السَّوءِ وَلٰكِنْ أَمِتْنِي عَلىٰ فِراشِي فِي طاعَتِكَ وَطاعَةِ رَسُولِكَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ مُصِيباً لِلْحَقِّ غَيْرَ مُخْطِيءٍ، أَوْ فِي الصَّفِّ الَّذِي نَعَتَّهُمْ فِي كِتابِكَ: ((كَأَنَّهُمْ بُنْيانٌ مَرْصُوصٌ)) أُعِيذُ نَفْسِي وَوُلْدِي وَما رَزَقَنِي رَبِّي بِقُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ (حَتّىٰ يَخْتِمَ السُّورَةَ) وَيَقُولُ: وَأُعِيذُ وَنَفْسِي وَوُلْدِي وَما رَزَقَنِي رَبِّي بِقُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النّاسِ (حَتّىٰ يَخْتِمَ السُّورَةَ) وَيَقُولُ: الْحَمْدُ لِلّٰهِ عَدَدَ



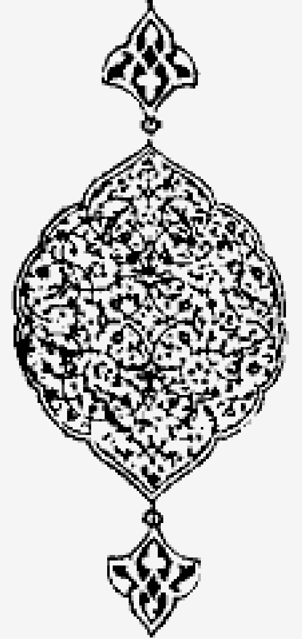
۱۳ ـ از امام صادق (ع) که: پدرم چون صبح می‌کرد، می‌گفت: بنام خدا! بذات خدا! وبه‌سوی خدا ودر راه خدا وبر کیش رسول‌خدا(ص) بار خدایا خود را به‌تو سپردم وکارم را به‌تو واگزاردم وبر تو توکل کردم ای پروردگارِ جهانیان، بار خدایا در پناه ایمانم نگه‌دار از پیش روی ودنبال سرم واز سمت راست وچپم واز فراز سر وزیر پایم واز برابرم، نیست شایستهٔ پرستشی جز تو، نیست جنبش ونه توانی جز به‌تو، از تو عفو وعافیت جویم از هر بدی واز هر شری در دنیا وآخرت، بار خدایا من از عذاب قبر وفشارش به‌تو پناه برم وبه‌تو پناهم از دست‌اندازی‌های شب وروز، بار خدایا پروردگار مشعرالحرام وپروردگار بلدالحرام (شهر مکه) وپروردگار حل وحرم برسان به‌محمد وخاندانش سلامِ مرا، بار خدایا پناه برم به‌جوشن نگه‌دارندهٔ تو وپناه برم به‌وابستگی به‌حضرتت از اینکه مرا بمیرانی به‌وسیلهٔ غرق در آب وسوختن وگلوگیر شدن یا به‌قصاص یا دست‌بسته به‌دستِ دشمن یا به‌زهر خوردن یا پرت‌شدن در چاه یا به‌خوردن درنده‌ها یا مرگِ ناگهانی یا به‌هر یک از مُردن‌های ناگوار ولی مرا در بستر خود بمیران در فرمان‌بری از خودت وفرمان‌بری از رسولت(ص) با اینکه به‌حق رسیده وراه خطا نرفته باشم یا در صف مجاهدان حق که در قرآنت آنها را ستوده‌ای که(٤ سوره صف): «سازمانی بهم آمیخته‌اند» پناه دهم خودم وفرزندانم وهرچه پروردگارم به‌من روزی کرده است، به‌قل اعوذ بربّ الفلق (بخواند تا آخرِ سوره) ومی‌گوید: سپاس از آن خدا است به‌شمارهٔ آنچه خدا آفریده، سپاس از آن خدا است بمانند آنچه آفریده وسپاس از آن خدا است بر آنچه آفریده وسپاس از آن خدا است تا کشش کلماتش وسپاس از آن خدا است به‌وزن عرشش وسپاس از آن خدا است تا خودش

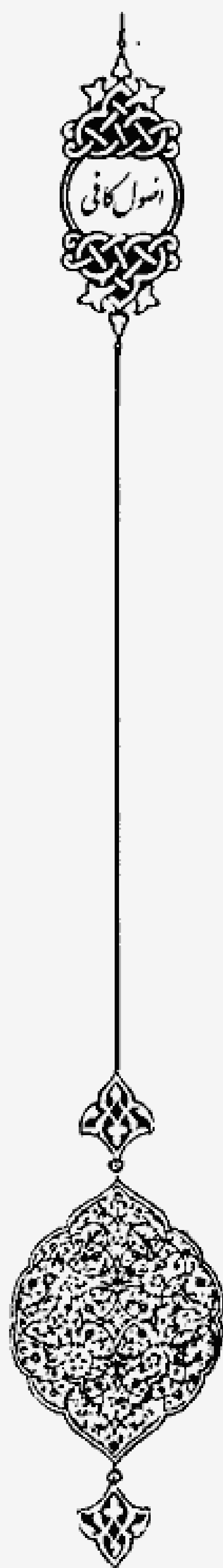




ما خَلَقَ اللّٰهُ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ مِثْلَ ما خَلَقَ [اللّٰهُ] وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ مِلْءَ ما خَلَقَ اللّٰهُ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ مِدادَ كَلِماتِهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ زِنَةَ عَرْشِهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رِضا نَفْسِهِ وَلا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ وَلا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ، سُبْحانَ اللّٰهِ رَبِّ السَّماواتِ وَالْأَرَضِينَ وَما بَيْنَهُما وَرَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، اللّٰهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ دَرَكِ الشَّقاءِ وَمِنْ شَماتَةِ الْأَعْداءِ وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ وَالْوَقْرِ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ سُوءِ الْمَنْظَرِ فِي الْأَهْلِ وَالْمالِ وَالْوَلَدِ» وَيُصَلِّي عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ عَشْرَ مَرّاتٍ.

۱۴ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيادٍ، وَ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، وَعَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، جَمِيعاً، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ، عَنْ مالِكِ بْنِ عَطِيَّةَ، عَنْ أَبِي حَمْزَةَ الثُّمالِيِّ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلامُ قالَ: ما مِنْ عَبْدٍ يَقُولُ إِذا أَصْبَحَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ: «اللّٰهُ أَكْبَرُ اللّٰهُ أَكْبَرُ كَبِيراً وَسُبْحانَ اللّٰهِ بُكْرَةً وَأَصِيلاً وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعالَمِينَ كَثِيراً، لا شَرِيكَ لَهُ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ» إِلَّا ابْتَدَرَهُنَّ مَلَكٌ وَجَعَلَهُنَّ فِي جَوْفِ جَناحِهِ وَصَعِدَ بِهِنَّ إِلَى السَّماءِ الدُّنْيا فَتَقُولُ الْمَلائِكَةُ: ما مَعَكَ؟ فَيَقُولُ: مَعِي كَلِماتٌ قالَهُنَّ رَجُلٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَهِيَ كَذا وَكَذا، فَيَقُولُونَ: رَحِمَ اللّٰهُ مَنْ قالَ هٰؤُلاءِ الْكَلِماتِ وَغَفَرَ لَهُ قالَ: وَكُلَّما مَرَّ بِسَماءٍ قالَ لِأَهْلِها مِثْلَ ذٰلِكَ، فَيَقُولُونَ: رَحِمَ اللّٰهُ مَنْ قالَ هٰؤُلاءِ الْكَلِماتِ وَغَفَرَ لَهُ، حَتّىٰ يَنْتَهِيَ بِهِنَّ إِلىٰ حَمَلَةِ الْعَرْشِ، فَيَقُولُ لَهُمْ: إِنَّ مَعِي كَلِماتٍ تَكَلَّمَ بِهِنَّ





خشنود گردد ونیست شایستهٔ ستایش جز خدای بردبار کریم ونیست شایستهٔ ستایش جز خدای علیّ عظیم، منزّه‌باد پروردگار آسمان‌ها وزمین‌ها وهرچه میان آنها است وپروردگار عرش عظیم، بار خدایا به‌تو پناه می‌برم از دچار شدن به‌شقاوت وسرزنش دشمن‌ها وبه‌تو پناه برم از فقر وبارِ سنگین وبه‌تو پناه برم از منظرهٔ بد وناگوار دربارهٔ اهل ومال وفرزند وده بار صلوات بر محمد وآلش صلوات فرستد.

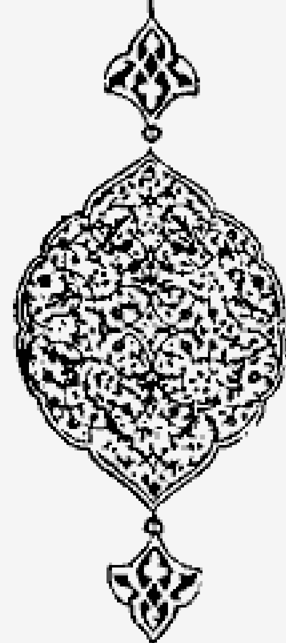
۱۴ ـ از امام باقر(ع) فرمود: بنده‌ای نباشد که که چون صبح کند پیش از برآمدن خورشید گوید: «اللّٰه اکبر اللّٰه اکبر کبیراً ـ منزّه باد خدا در بامداد وپسین، وسپاس از آن خدا است پروردگار جهانیان بسیار وفراوان، شریک ندارد، وصلی اللّٰه علی محمد وآله» جز اینکه فرشته‌ای آنها را دریابد ومیان پرِ خود نهد وبه‌آسمان دنیا بالا برد وفرشته‌ها به‌او گویند: چه همراه تو است؟ در پاسخ گوید: با من چند کلمه است که مردی از مؤمنان گفته وآنها چنین وچنانند، وفرشته‌ها گویند: خدا رحمت کند هرکه این کلمات را گفته است واو را بیامرزد وبه‌هر آسمانی که بالا رود به‌اهل آن گزارش دهد وآنها گویند: خدا رحمت کند آن را که این کلمات را خوانده است واو را بیامرزد تا آنها را به‌حاملان عرش رساند وبه‌آنها گوید: با من کلماتی است که مردی از مؤمنان گفته است وچنین وچنانند، وحاملان عرش می‌گویند: خدا این بنده را رحمت کند وبیامرزد،



رَجُلٌ مِنَ الْمُؤْمِنينَ وَهِيَ كَذا وَكَذا فَيَقُولُونَ: رَحِمَ اللّٰهُ هذا الْعَبْدَ وَغَفَرَ لَهُ انْطَلِقْ بِهِنَّ إِلىٰ حَفَظَةِ كُنُوزِ مَقالَةِ الْمُؤْمِنينَ فَإِنَّ هٰؤُلاءِ كَلِماتُ الْكُنُوزِ حَتّىٰ تَكْتُبَهُنَّ فِي دِيوانِ الْكُنُوزِ.

١٥ ـ حُمَيْدُ بْنُ زِيادٍ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَماعَةَ، عَنْ غَيْرِ واحِدٍ مِنْ أَصْحابِهِ، عَنْ أَبانَ بْنِ عُثْمانَ، عَنْ عِيسَىٰ بْنِ عَبْدِاللّٰهِ، عَنْ أَبي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلامُ قالَ: إِذا أَصْبَحْتَ فَقُلِ: «اللّٰهُمَّ إِنّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ ما خَلَقْتَ وَذَرَأْتَ وَبَرَأْتَ فِي بِلادِكَ وَعِبادِكَ؛ اللّٰهُمَّ أَسْأَلُكَ بِجَلالِكَ وَجَمالِكَ وَحِلْمِكَ وَكَرَمِكَ كَذا وَكَذا».

١٦ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ حَمّادِ بْنِ عِيسَىٰ، عَنْ عَبْدِاللّٰهِ بْنِ مَيْمُونٍ، عَنْ أَبي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلامُ أَنَّ عَلِيّاً صَلَواتُ اللّٰهِ عَلَيْهِ وَآلِهِ كانَ يَقُولُ إِذا أَصْبَحَ: «سُبْحانَ اللّٰهِ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ ـ ثَلاثاً ـ اللّٰهُمَّ إِنّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ زَوالِ نِعْمَتِكَ وَمِنْ تَحْوِيلِ عافِيَتِكَ وَمِنْ فَجْأَةِ نِقْمَتِكَ وَمِنْ دَرَكِ الشَّقاءِ وَمِنْ شَرِّ ما سَبَقَ فِي اللَّيْلِ؛ اللّٰهُمَّ إِنّي أَسْأَلُكَ بِعِزَّةِ مُلْكِكَ وَشِدَّةِ قُوَّتِكَ وَبِعَظِيمِ سُلْطانِكَ وَبِقُدْرَتِكَ عَلىٰ خَلْقِكَ». ثُمَّ سَلْ حاجَتَكَ.



١٧ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ حَمّادٍ، عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْمُخْتارِ، عَنِ الْعَلاءِ بْنِ كامِلٍ قالَ: سَمِعْتُ أَبا عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلامُ يَقُولُ: ﴿وَٱذْكُرْ رَبَّكَ فِي نَفْسِكَ تَضَرُّعاً وَخِيفَةً وَدُونَ ٱلْجَهْرِ مِنَ ٱلْقَوْلِ﴾ عِنْدَ الْمَساءِ: لا إِلٰهَ إِلاَّ اللّٰهُ وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ



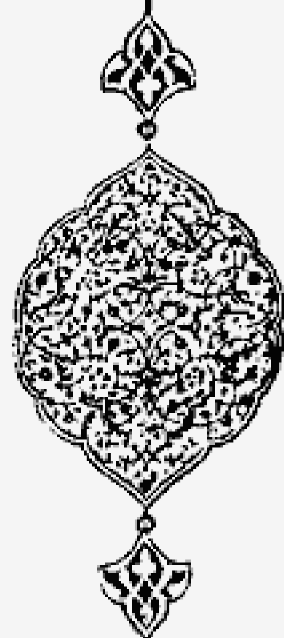
آنها را ببر نزد نگهبانانِ گنجینه‌های گفتارِ مؤمنان زیرا اینها گنجور کلماتند تا آنها را در دفترِ گنجینه‌ها بنویسند.

۱۵ ـ از امام صادق (ع) که:

چون صبح کنی بگو: بار خدایا من به‌تو پناه برم از شرّ آنچه آفریدی وبرآوردی وجان بخشیدی در همهٔ بلاد وعباد خودت، بار خدایا من از تو خواهم به‌والائی وزیبائی وبردباری و کرمت چنین وچنان (یعنی حاجات خود را ذکر کند).

۱۶ ـ از امام صادق (ع) فرمود: علی (ع) را شیوهٔ این بود که هرگاه صبح می‌کرد می‌فرمود (سه بار): سبحان اللّٰه الملك القدّوس، بار خدایا راستی من به‌تو پناه برم از زوال نعمت ودیگرگونی عافیت وبه‌ناگاه رسیدن بلایت واز دچار شدن به‌بدبختی واز شرّ هرآنچه در شب پیش آمده، بار خدایا من از تو خواهم به‌حقّ عزّت ملکت وشدّت نیرویت وبه‌وسیلهٔ تسلط وبزرگواریت وبه‌توانائیت بر خلقت ـ سپس حاجتِ خود را بخواه.

۱۷ ـ از علاء بن کامل که: شنیدم امام صادق (ع) می‌فرمود: پروردگارت را در نهادت یادآور با زاری وهراس و گفتارِ آهسته ؛ هنگامِ شب (بگو): نیست شایستهٔ ستایش جز خدا تنها است، شریک ندارد از آنِ او است ملک واز آنِ او است سپاس، زنده کند

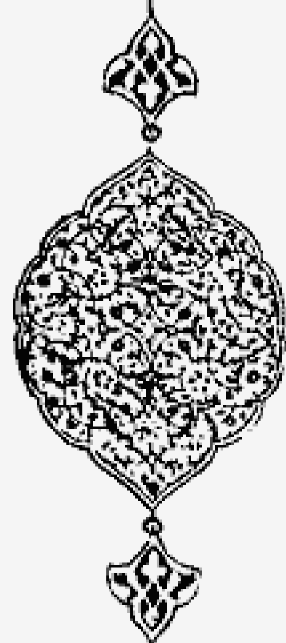




يُحْيِي وَيُمِيتُ وَيُمِيتُ وَيُحْيِي وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. قالَ: قُلْتُ: بِيَدِهِ الْخَيْرُ؟ قالَ: إِنَّ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَلكِنْ قُلْ كَما أَقُولُ [لَكَ] عَشْرَ مَرّاتٍ وَأَعُوذُ بِاللّٰهِ السَّمِيعُ الْعَلِيمِ حِينَ تَطْلُعُ الشَّمْسُ وَحِينَ تَغْرُبُ عَشْرَ مَرّاتٍ.

١٨ ـ عَلِيٌّ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ حَمّادٍ، عَنْ حَرِيزٍ، عَنْ زُرارَةَ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه‌السلام قالَ: يَقُولُ بَعْدَ الصُّبْحِ: «الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الصَّباحِ، الْحَمْدُ لِلّٰهِ فالِقِ الْإِصْباحِ (ثَلاثَ مَرّاتٍ) اللّٰهُمَّ افْتَحْ لِي بابَ الْأَمْرِ الَّذِي فِيهِ الْيُسْرُ وَالْعافِيَةُ، اللّٰهُمَّ هَيِّئْ لِي سَبِيلَهُ وَبَصِّرْنِي مَخْرَجَهُ، اللّٰهُمَّ إِنْ كُنْتَ قَضَيْتَ لِأَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ عَلَيَّ مَقْدِرَةً بِالشَّرِّ فَخُذْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ وَعَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ شِمالِهِ وَمِنْ تَحْتِ قَدَمَيْهِ وَمِنْ فَوْقِ رَأْسِهِ وَاكْفِنِيهِ بِما شِئْتَ وَمِنْ حَيْثُ شِئْتَ وَكَيْفَ شِئْتَ».

١٩ ـ أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبّارِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْماعِيلَ، عَنْ أَبِي إِسْماعِيلَ السَّرّاجِ، عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْمُخْتارِ، عَنْ رَجُلٍ؛ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه‌السلام قالَ: مَنْ قالَ إِذا أَصْبَحَ: «اللّٰهُمَّ إِنِّي أَصْبَحْتُ فِي ذِمَّتِكَ وَجِوارِكَ، اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْتَوْدِعُكَ دِينِي وَنَفْسِي وَدُنْيايَ وَآخِرَتِي وَأَهْلِي وَمالِي وَأَعُوذُ بِكَ يا عَظِيمُ مِنْ شَرِّ خَلْقِكَ جَمِيعاً وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ ما يُبْلِسُ بِهِ إِبْلِيسُ وَجُنُودُهُ». إِذا قالَ هذا الْكَلامَ لَمْ يَضُرَّهُ يَوْمَهُ ذلِكَ شَيْءٌ وَإِذا أَمْسىٰ فَقالَهُ لَمْ يَضُرَّهُ تِلْكَ اللَّيْلَةَ شَيْءٌ إِنْ شاءَ اللّٰهُ تَعالىٰ.



وبمیراند وبمیراند وزنده کند واو است بر هرچه توانا.

گوید: گفتم: بیده الخیر، فرمود: درست است که بیده الخیر ولی چنان بگو که من برای تو گفتم تا ده بار، وبگو: پناه برم به‌خدای شنوا ودانا ـ هنگامی که برآید آفتاب وهنگامی که غروب کند ـ ده بار. [۷٤]

۱۸ ـ از امام باقر(ع) فرمود: می‌گوید (می‌گوئی تو خ ل) پس از برآمدن بامداد تا سه بار: سپاس از آن خدا است که پروردگار صباح است، سپاس از آن خدا شکافندهٔ هر صباح، بار خدایا بر من بگشای دری که در آن خوشی وعافیت است، بار خدایا راهش را برایم آماده ساز ومرا به‌بیرون شدن از آن بینا گردان، بار خدایا اگر به‌هرکدام از آفریده‌هایت دربارهٔ من توانائی به‌آزار داده‌ای جلو او را از پیش وپس وراست وچپ واز زیر گام وبالای سرش بربند وشرّ او را از من کفایت کن بدانچه خواهی واز آن راه که خواهی وهرگونه بخواهی.

۱۹ ـ از امام باقر(ع) فرمود: هرکه چون صبح کند گوید: بار خدایا من صبح کردم در پناه تو وزیر سایهٔ تو، بار خدایا من به‌تو می‌سپارم دینم وخودم ودنیا وآخرتم واهل ومالم وبه‌تو پناه برم ای بزرگوار از شرّ همهٔ خلقت وبه‌تو پناه برم از شرّ آنچه ابلیس ولشکرش وسوسه کند.

چون این کلام را بگوید، در آن روز چیزی به‌وی زیان نرساند وهرگاه چون به‌شب درآید آن را بگوید در آن شب چیزی به‌او زیان نرساند انشاء الله تعالیٰ.



٢٠ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسىٰ، عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ، عَنْ عُثْمانَ بْنِ عِيسىٰ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ، عَنْ أَبِي بَصِيرٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عليه‌السلام قالَ: إِذا صَلَّيْتَ الْمَغْرِبَ وَالْغَداةَ فَقُلْ: «بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ لا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ إِلّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» ـ سَبْعَ مَرّاتٍ ـ فَإِنَّهُ مَنْ قالَها لَمْ يُصِبْهُ جُذامٌ وَلا بَرَصٌ وَلا جُنُونٌ وَلا سَبْعُونَ نَوْعاً مِنْ أَنْواعِ الْبَلاءِ، قالَ: وَتَقُولُ إِذا أَصْبَحْتَ وَأَمْسَيْتَ: «الْحَمْدُ لِرَبِّ الصَّباحِ، الْحَمْدُ لِفالِقِ الْإِصْباحِ ـ مَرَّتَيْنِ ـ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي أَذْهَبَ اللَّيْلَ بِقُدْرَتِهِ وَجاءَ بِالنَّهارِ بِرَحْمَتِهِ وَنَحْنُ فِي عافِيَةٍ».

وَيَقْرَأُ آيَةَ الْكُرْسِيِّ وَآخِرَ الْحَشْرِ وَعَشْرَ آياتٍ مِنَ الصّافّاتِ وَسُبْحانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمّا يَصِفُونَ وَسَلامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعالَمِينَ * فَسُبْحانَ اللّٰهِ حِينَ تُمْسُونَ وَحِينَ تُصْبِحُونَ * وَلَهُ الْحَمْدُ فِي السَّماواتِ وَالْأَرْضِ وَعَشِيّاً وَحِينَ تُظْهِرُونَ * يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَيُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِها وَكَذٰلِكَ تُخْرَجُونَ * سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّ الْمَلائِكَةِ وَالرُّوحِ سَبَقَتْ رَحْمَتُكَ غَضَبَكَ لا إِلٰهَ إِلّا أَنْتَ سُبْحانَكَ إِنِّي عَمِلْتُ سُوءاً وَظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي وَتُبْ عَلَيَّ إِنَّكَ أَنْتَ التَّوّابُ الرَّحِيمُ».

٢١ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ، عَنْ

۲۰ ـ از امام صادق (ع) فرمود: چون نماز مغرب وبامداد بخوانی، هفت بار بگو: بسم الله الرحمن الرحيم ولاحول ولاقوة الاّ بالله العلی العظیم، زیرا هرکس آن را بگوید خوره وپیسی ودیوانگی وهفتاد نوع بلا به‌او نرسد.

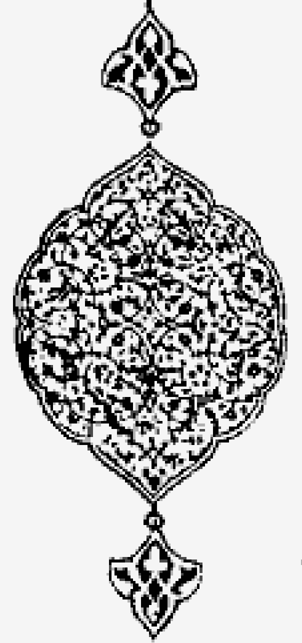
فرمود: در هر صبح وشب که وارد شوی دو بار می‌گوئی: الحمد لربّ الصباح، الحمد لفالق الاصباح ـ سپاس از آن خدائی است که شب را به‌نیروی خود برد وروز را به‌رحمت خود آورد وما در عافیتیم، وآیة الکرسی وآخر سورهٔ حشر را با ده آیه از سورهٔ مبارکهٔ والصافات می‌خواند با «سبحان ربك ربّ العزة عمّا يصفون وسلامٌ على المرسلين والحمد لله ربّ العالمين» با آيهٔ (۱۷ سوره روم): «فسبحان الله حين تمسون وحين تصبحون وله الحمد في السمٰوات والارض وعشياً وحين تظهرون، يخرج الحي من الميت ويخرج الميت من الحي ويحيي الارض بعد موتها وكذلك تخرجون» سبوحٌ قدوس، ربّ الملائكة والروح، سبقت رحمتك غضبك، لااله الاّ انت سبحانك انّي عملت سوءاً وظلمت نفسي فاغفر لي وارحمني وتب عليّ انك انت التواب الرحيم. [۷۵]

۲۱ ـ از امام صادق (ع) می‌فرمود: بار خدایا از آن تو است



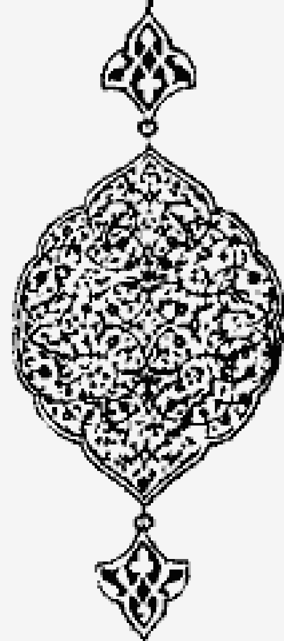
مُعاوِيَةَ بْنِ عَمّارٍ، عَنْ أَبي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ‌السَّلامُ: «اللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ أَحْمَدُكَ وَأَسْتَعِينُكَ وَأَنْتَ رَبِّي وَأَنَا عَبْدُكَ، أَصْبَحْتُ عَلىٰ عَهْدِكَ وَعْدِكَ وَأُومِنُ بِوَعْدِكَ وَأُوفِي بِعَهْدِكَ مَا اسْتَطَعْتُ، وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ إِلّا بِاللّٰهِ وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، أَصْبَحْتُ عَلىٰ فِطْرَةِ الْإِسْلامِ وَكَلِمَةِ الْإِخْلاصِ وَمِلَّةِ إِبْراهِيمَ وَدِينِ مُحَمَّدٍ، عَلىٰ ذٰلِكَ أَحْيا وَأَمُوتُ إِنْ شاءَ اللّٰهُ، اللّٰهُمَّ أَحْيِنِي ما أَحْيَيْتَنِي بِهِ وَأَمِتْنِي إِذا أَمَتَّنِي عَلىٰ ذٰلِكَ وَابْعَثْنِي إِذا بَعَثْتَنِي عَلىٰ ذٰلِكَ، أَبْتَغِي بِذٰلِكَ رِضْوانَكَ وَاتِّباعَ سَبِيلِكَ، إِلَيْكَ أَلْجَأْتُ ظَهْرِي وَإِلَيْكَ فَوَّضْتُ أَمْرِي، آلُ مُحَمَّدٍ أَئِمَّتِي لَيْسَ لِي أَئِمَّةٌ غَيْرُهُمْ، بِهِمْ أَئْتَمُّ وَإِيّاهُمْ أَتَوَلّىٰ وَبِهِمْ أَقْتَدِي، اللّٰهُمَّ اجْعَلْهُمْ أَوْلِيائِي فِي الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ وَاجْعَلْنِي أُوالِي أَوْلِياءَهُمْ وَأُعادِي أَعْداءَهُم فِي الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ وَأَلْحِقْنِي بِالصّالِحِينَ وَآبائِي مَعَهُمْ».

٢٢ ـ أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِالْجَبّارِ، عَنْ صَفْوانَ، عَمَّنْ ذَكَرَهُ، عَنْ أَبي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ‌السَّلامُ قالَ: قُلْتُ لَهُ عَلِّمْنِي شَيْئاً أَقُولُهُ إِذا أَصْبَحْتُ وَإِذا أَمْسَيْتُ فَقالَ: قُلِ: «الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي يَفْعَلُ ما يَشاءُ وَلا يَفْعَلُ ما يَشاءُ غَيْرُهُ، الْحَمْدُ لِلّٰهِ كَما يُحِبُّ اللّٰهُ أَنْ يُحْمَدَ، الْحَمْدُ لِلّٰهِ كَما هُوَ أَهْلُهُ، اللّٰهُمَّ أَدْخِلْنِي فِي كُلِّ خَيْرٍ أَدْخَلْتَ فِيهِ مُحَمَّداً وَآلَ مُحَمَّدٍ وَأَخْرِجْنِي مِنْ كُلِّ سُوءٍ أَخْرَجْتَ مِنْهُ مُحَمَّداً وَآلَ مُحَمَّدٍ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ».



حمد وسپاس، تو را سپاس گویم واز تو یاری جویم وتوئی پروردگارم ومنم بندهٔ تو، صبح کردم بر عهد تو ووعدهٔ تو وبه‌وعده‌ات ایمان دارم وبه‌عهدت وفا کارم تا بتوانم ونیست جنبشی ونه توانی جز به‌خدا یگانه است شریک ندارد، وگواهم که محمد (ص) بنده ورسول او است، من صبح کردم به‌فطرت اسلام وکلمهٔ اخلاص وملت ابراهیم ودین محمد بر این عقیده زنده بمانم وبمیرم انشاءالله، بار خدایا تا مرا زنده داری زنده بدار بدان ومرا بر آن بمیران وچون مبعوثم کنی بر آن مبعوث کن ومن می‌جویم به‌وسیلهٔ آن رضای تو وپیروی از راه تو را، تو را پشتیبان خود ساختم وکارم را به‌تو واگذاردم، آل محمد پیشوایان منند ودیگری پیشوای من نیست، از آنها پیروی کنم وآنها را دوست وسرپرست دانم وبدانها اقتداء نمایم، بار خدایا آنان را در دنیا وآخرت دوستان من ساز ومرا توفیق ده تا با دوستان آنها دوستی کنم وبا دشمنانشان دشمنی کنم در دنیا وآخرت ومرا به‌صالحان ملحق ساز در حالی که پدرانم با آنان باشند (یعنی پدرانم را هم از صالحین مقرر فرما).

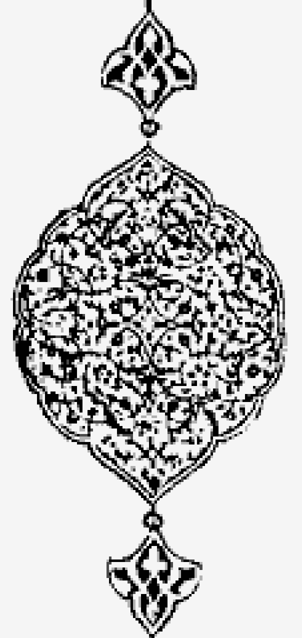
۲۲ ـ به‌امام صادق (ع) گفت: به‌من چیزی بیاموز که در آغازِ صبح وشام بگویم، فرمود: بگو سپاس از آنِ خدا است که می‌کَند آنچه را می‌خواهد ونمی‌کند دیگری آنچه را میَ‌خواهد (یعنی بر او بایست نیست) سپاس از آنِ خدا است چنانچه خداوند دوست دارد که سپاسگزاری شود، سپاس از آنِ خدا است چنانچه او را شاید، بار خدایا مرا درآور در هر خیری کهَ محمد وآل محمد را در آن درآوری ومرا برآور از هر بدی که محمد وآل محمد را از آن برآوردی وصلیٰ الله علی محمد وآل محمد.





۲۳ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خالِدٍ، عَنْ عَبْدِالرَّحْمٰنِ بْنِ حَمّادٍ الْكُوفِيِّ، عَنْ عَمْرِو بْنِ مُصْعَبٍ، عَنْ فُراتِ بْنِ الْأَحْنَفِ، عَنْ أَبي عَبْدِاللّٰهِ عليه‌السلام قالَ: مَهْما تَرَكْتَ مِنْ شَيْءٍ فَلا تَتْرُكْ أَنْ تَقُولَ في كُلِّ صَباحٍ وَمَساءٍ: «اللّٰهُمَّ إِنّي أَصْبَحْتُ أَسْتَغْفِرُكَ في هذَا الصَّباحِ وَفي هذَا الْيَوْمِ لِأَهْلِ رَحْمَتِكَ وَأَبْرَأُ إِلَيْكَ مِنْ أَهْلِ لَعْنَتِكَ.

اللّٰهُمَّ إِنّي أَصْبَحْتُ أَبْرَأُ إِلَيْكَ في هٰذَا الْيَوْمِ وَفي هذَا الصَّباحِ مِمَّنْ نَحْنُ بَيْنَ ظَهْرانَيْهِمْ مِنَ الْمُشْرِكينَ وَمِمّا كانُوا يَعْبُدُونَ، إِنَّهُمْ كانُوا قَوْمَ سَوْءٍ فاسِقينَ، اللّٰهُمَّ اجْعَلْ ما أَنْزَلْتَ مِنَ السَّماءِ إِلَى الْأَرْضِ في هذَا الصَّباحِ وَفي هذَا الْيَوْمِ بَرَكَةً عَلىٰ أَوْلِيائِكَ وَعِقاباً عَلىٰ أَعْدائِكَ، اللّٰهُمَّ والِ مَنْ والاكَ وَعادِ مَنْ عاداكَ؛ اللّٰهُمَّ اخْتِمْ لي بِالْأَمْنِ وَالْإِيمانِ كُلَّما طَلَعَتْ شَمْسٌ أَوْ غَرَبَت، اللّٰهُمَّ اغْفِرْ لي وَلِوالِدَيَّ وَارْحَمْهُما كَما رَبَّياني صَغيراً، اللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنينَ وَالْمُؤْمِناتِ وَالْمُسْلِمينَ وَالْمُسْلِماتِ الْأَحْياءِ مِنْهُمْ وَالْأَمْواتِ.



اللّٰهُمَّ إِنَّكَ تَعْلَمُ مُنْقَلَبَهُمْ وَمَثْواهُمْ، اللّٰهُمَّ احْفَظْ إِمامَ الْمُسْلِمينَ بِحِفْظِ الْإِيمانِ وَانْصُرْهُ نَصْراً عَزيزاً وَافْتَحْ لَهُ فَتْحاً يَسيراً وَاجْعَلْ لَهُ وَلَنا مِنْ لَدُنْكَ سُلْطاناً نَصيراً، اللّٰهُمَّ الْعَنْ فُلاناً وَفُلاناً وَالْفِرَقَ الْمُخْتَلِفَةَ عَلىٰ رَسُولِكَ وَوُلاةِ الْأَمْرِ بَعْدَ رَسُولِكَ وَالْأَئِمَّةِ مِنْ



۲۳ ـ از امام صادق (ع) فرمود: هر آنچه را ترک کنی، این گفتار را در هر بام وشام ترک مکن:

بار خدایا صبح کردم ودر این صبح از تو آمرزش می‌خواهم وهم در این روز برای هرکه اهل رحمت تو است وبه‌تو بیزارم از هرکه اهل لعنت تو است.

بار خدایا من صبح کردم ودر این روز واین بامداد به‌تو بیزارم از کسانی که ما در میان آنهائیم از مردم مشرک واز آنچه می‌پرستند، راستی که آنان مردم بد ونابکارند.

بار الٰها هر آنچه در این بامداد واین روز از آسمان به‌زمین فرود آوردی برای ما برکت ساز وبر دشمنانت عذاب، بار خدایا دوست دار هرکه دوستت دارد، ودشمن دار هرکه را با تو دشمنی کند.

بار خدایا این روز را برای من با امنیت وایمان به‌پایان رسان هر آن زمانی که آفتاب برآید ویا فرود شود.

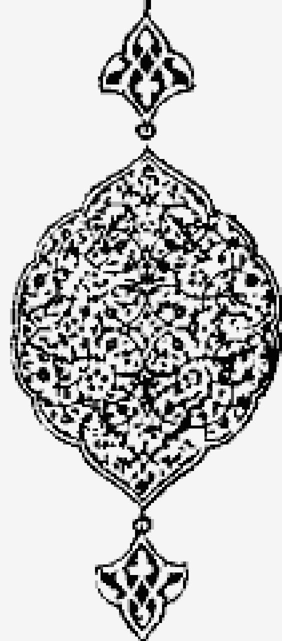
بار خدایا بیامرز مرا وپدر ومادر مرا وبه‌آنها رحم کن چنانچه مرا از کودکی پروریدند.

بار خدایا بیامرز مؤمنین ومؤمنات ومسلمین ومسلمات را از زنده ومرده.

بار خدایا تو سرانجام وپایگاه آنها را می‌دانی.

بار خدایا امام مسلمانان را در پناه ایمان نگه‌دار واو را نصرت با عزت بده وپیروزی وفتح آسان، وبرای او وماها از نزدِ خود تسلّطِ پیروزمندانه‌ای مقرر ساز.

خدایا فلان وفلان را با دستجات مخالف رسولت ومخالف امامان برحق بعد از رسولت وشیعه‌های آنها لعنت کن، واز تو خواهمَ فزونی از فضلت وتوفیق اقرار به‌هر آنچه از نزدت آمده است

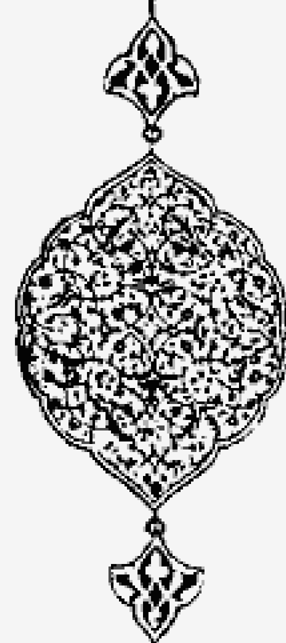


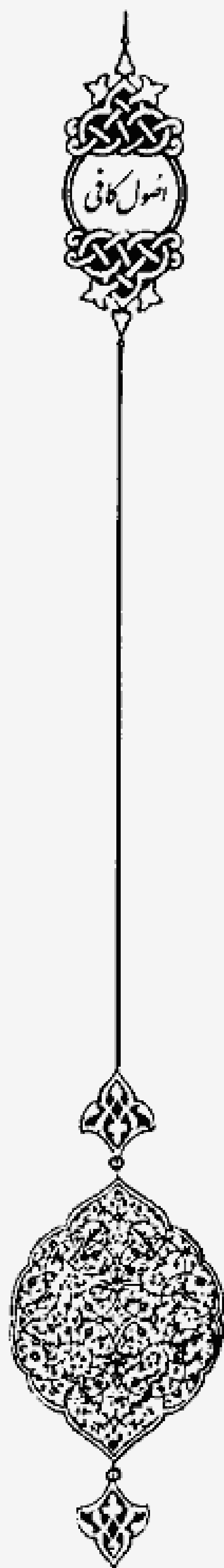


بَعْدِهِ وَشِيعَتِهِمْ وَأَسْأَلُكَ الزِّيادَةَ مِنْ فَضْلِكَ وَالْإِقْرارَ بِما جاءَ مِنْ عِنْدِكَ وَالتَّسْلِيمَ لِأَمْرِكَ وَالْمُحافَظَةَ عَلىٰ ما أَمَرْتَ بِهِ لا أَبْتَغِي بِهِ بَدَلاً وَلا أَشْتَرِي بِهِ ثَمَناً قَلِيلاً، اللّٰهُمَّ اهْدِنِي فِيمَنْ هَدَيْتَ وَقِنِي شَرَّ ما قَضَيْتَ، إِنَّكَ تَقْضِي وَلا يُقْضىٰ عَلَيْكَ وَلا يَذِلُّ مَنْ والَيْتَ، تَبارَكْتَ وَتَعالَيْتَ، سُبْحانَكَ رَبَّ الْبَيْتِ تَقَبَّلْ مِنِّي دُعائِي وَما تَقَرَّبْتُ إِلَيْكَ مِنْ خَيْرٍ فَاضْعِفْهُ لِي أَضْعافاً [مُضاعَفَةً] كَثِيرَةً وَآتِنا مِنْ لَدُنْكَ [رَحْمَةً وَ] أَجْراً عَظِيماً، رَبِّ ما أَحْسَنَ ما ابْتَلَيْتَنِي وَأَعْظَمَ ما أَعْطَيْتَنِي وَأَطْوَلَ ما عافَيْتَنِي وَأَكْثَرَ ما سَتَرْتَ عَلَيَّ، فَلَكَ الْحَمْدُ يا إِلٰهِي كَثِيراً طَيِّباً مُبارَكاً عَلَيْهِ؛ مِلْءَ السَّماواتِ وَمِلْءَ الْأَرْضِ وَمِلْءَ ما شاءَ رَبِّي كَما يُحِبُّ وَيَرْضىٰ وَكَما يَنْبَغِي لِوَجْهِ رَبِّي ذِي الْجَلالِ وَالْإِكْرامِ».

٢٤ ـ عَنْهُ، عَنْ إِسْماعِيلَ بْنِ مِهْرانَ، عَنْ حَمّادِ بْنِ عُثْمانَ قالَ: سَمِعْتُ أَبا عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ‌السَّلامُ يَقُولُ: مَنْ قالَ: «ما شاءَ اللّٰهُ كانَ، لا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ إِلّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» مِائَةَ مَرَّةٍ حِينَ يُصَلِّي الْفَجْرَ لَمْ يَرَ يَوْمَهُ ذٰلِكَ شَيْئاً يَكْرَهُهُ.

٢٥ ـ عَنْهُ، عَنْ إِسْماعِيلَ بْنِ مَهْرانَ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ، عَنْ أَبِي بَصِيرٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ‌السَّلامُ قالَ: مَنْ قالَ فِي دُبُرِ صَلاةِ الْفَجْرِ وَدُبُرِ صَلاةِ الْمَغْرِبِ سَبْعَ مَرّاتٍ: «بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ لا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ إِلّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» دَفَعَ اللّٰهُ عَزَّ وَجَلَّ عَنْهُ سَبْعِينَ نَوْعاً مِنْ أَنْواعِ الْبَلاءِ أَهْوَنُها الرِّيحُ وَالْبَرَصُ وَالْجُنُونُ وَإِنْ





وتسلیم به‌امرِ تو ومحافظت بر آنچه فرمودی، ونجویم برای آن بَدَلی ونفروشم آن را به‌بهای اندک.

بار خدایا مرا در زمرهٔ آنان که هدایت کردی هدایت فرما واز شرّ آنچه مقدر کردی نگه‌دار زیرا تو حکم کنی وبر تو حکمی نشود وخوار نگردد هر که را دوست داری، برتری بلند مقامی منزهی ای پروردگار خانهٔ کعبه بپذیر از من دعایم را وهر کار خیری که به‌وسیلهٔ آن به‌تو تقرّب جستم آن را دو چندان کن بسیار واز نزد خودت رحمت واجر عظیم به‌ما بده.

پروردگارا چه خوش مرا آزمایش کردی وچه عطای بزرگی به‌من دادی وچه بسیار مرا در پرده داشتی، از آن تو باد سپاس ای معبودم، سپاس بسیار پاک وبا برکتی پر آسمان‌ها وزمین وپر آنچه پروردگارم خواهد چنانچه دوست دارد وراضی باشد وچنانچه شایستهٔ ذاتِ پروردگارِ من است که صاحب جلالت وکرامت است.

۲۴ ـ از حماد بن عثمان گوید: شنیدم امام صادق (ع) می‌فرمود: هر که چون نماز بامداد گذارد صد بار بگوید: ماشاء اللّٰه کان لاحول ولاقوة الاّ باللّٰه العلی العظیم ـ در آن روز خود بدی نبیند.

۲۵ ـ از امام صادق (ع) دنبال نماز فجر ونماز مغرب هفت بار بگوید: بسم اللّٰه الرحمن الرحیم لاحول ولا قوة الاّ باللّٰه العلی العظیم ـ خدا عز وجل هفتاد نوع بلاء از او بگرداند که آسانترِ آنها بادهای بد (چون استسقاء وغیره یا مقصود عفونتِ اعضاء است که بوی بد دهد یا گرفتاری به‌طوفان که موجب سقوط وهلاکت باشد ـ از مجلسی وغیره) وپیسی ودیوانگی است، واگر شقی باشد از



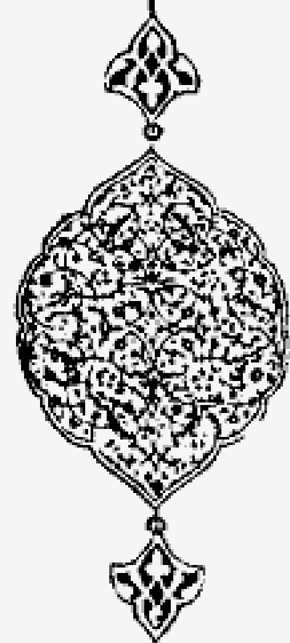
كانَ شَقِيّاً مُحِيَ مِنَ الشَّقاءِ وَكُتِبَ فِي السُّعَداءِ.

٢٦ ـ وَفِي رِوايَةِ سَعْدانَ، عَنْ أَبِي بَصِيرٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عليه‌السلام مِثْلُهُ إلّا أَنَّهُ قالَ: أَهْوَنُهُ الْجُنُونُ وَالْجُذامُ وَالْبَرَصُ وَإنْ كانَ شَقِيّاً رَجَوْتُ أَنْ يُحَوِّلَهُ اللّٰهُ عَزَّ وَجَلَّ إلَى السَّعادَةِ.

٢٧ ـ عَنْهُ، عَنِ ابْنِ فَضّالٍ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْجَهْمِ، عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه‌السلام مِثْلُهُ إلّا أَنَّهُ قالَ: يَقُولُها ثَلاثَ مَرّاتٍ حِينَ يُصْبِحُ وَثَلاثَ مَرّاتٍ حِينَ يُمْسِي لَمْ يَخَفْ شَيْطاناً وَلا سُلْطاناً وَلا بَرَصاً وَلا جُذاماً وَلَمْ يَقُلْ سَبْعَ مَرّاتٍ. قالَ أَبُو الْحَسَنِ عليه‌السلام: وَأَنَا أَقُولُها مِائَةَ مَرَّةٍ.

٢٨ ـ عَنْهُ، عَنْ عُثْمانَ بْنِ عِيسىٰ، عَنْ سَماعَةَ، عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عليه‌السلام قالَ: إذا صَلَّيْتَ الْغَداةَ وَالْمَغْرِبَ فَقُلْ: «بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ لا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ إلّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» ـ سَبْعَ مَرّاتٍ ـ فَإنَّهُ مَنْ قالَها لَمْ يُصِبْهُ جُنُونٌ وَلا جُذامٌ وَلا بَرَصٌ وَلا سَبْعُونَ نَوْعاً مِنْ أَنْواعِ الْبَلاءِ.

٢٩ ـ عَنْهُ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِالْحَمِيدِ، عَنْ سَعْدِ بْنِ زَيْدٍ قالَ: قالَ أَبُو الْحَسَنِ عليه‌السلام: إذا صَلَّيْتَ الْمَغْرِبَ فَلا تَبْسُطْ رِجْلَكَ وَلا تَكَلِّمْ أَحَداً حَتّىٰ تَقُولَ مِائَةَ مَرَّةٍ: «بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ لا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ إلّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» وَمِائَةَ مَرَّةٍ فِي الْغَداةِ فَمَنْ قالَها دَفَعَ اللّٰهُ عَنْهُ مِائَةَ نَوْعٍ مِنْ أَنْواعِ الْبَلاءِ أَدْنىٰ نَوْعٍ مِنْها الْبَرَصُ وَالْجُذامُ



شقاوت بدر آید ودر سعادتمندان نوشته شود.

۲۶ ـ در روایتِ ابی بصیر از آن حضرت بمانند او رسیده است جز اینکه گوید آسانترینِ آن بلاها جنون است وجذام وبرص، واگر شقی باشد من امیدوارم که خدا عز وجل او را به‌سعادت منتقل سازد.

۲۷ ـ از ابی الحسن (ع) هم مانند آن نقل است جز اینکه او فرموده است: این ذکر را سه بار در بامداد گوید، وسه بار در آغازِ شب، ونترسد از شیطان ونه از سلطان ونه از برص ونه از جذام ودر آن هفت بار ذکر نشده، وابوالحسن (ع) فرموده است: من آن را صد بار گویم.

۲۸ ـ از امام صادق (ع) فرمود: هرگاه نماز بامداد ومغرب را خواندی، هفت بار بگو: بسم الله الرحمن الرحيم لاحول ولاقوة الاّ بالله العلي العظيم ـ زیرا هرکه آن را بگوید به‌او نرسد جنون وجذام وبرص ونه هفتاد نوع از انواع بلا.

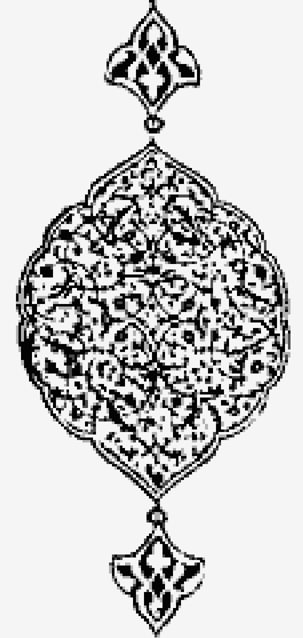
۲۹ ـ ابو الحسن (ع) فرمود: چون نماز مغرب را خواندی پایت را دراز مکن وبا کسی سخن مگو تا صد بار بگوئی بسم الله الرحمن الرحيم ولاحول ولاقوة الاّ بالله العلي العظيم وصد بار هم پس از نماز صبح بگو؛ هرکه آن را گوید خدا از او صد نوع از انواع بلا دفع کند که از آن جمله است: برص وجذام وشیطان وسلطان.



وَالشَّيْطانُ وَالسُّلْطانُ.

٣٠ ـ عَنْهُ، عَنْ عَبْدِالرَّحْمٰنِ بْنِ حَمّادٍ، عَنْ عَبْدِاللّٰهِ بْنِ إِبْراهِيمَ الْجَعْفَرِيِّ قالَ: سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه‌السلام يَقُولُ: إذا أَمْسَيْتَ فَنَظَرْتَ إِلَى الشَّمْسِ فِي غُرُوبٍ وَإِدْبارٍ فَقُلْ: «بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَداً وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي يَصِفُ وَلا يُوصَفُ وَيَعْلَمُ وَلا يُعْلَمُ، يَعْلَمُ خائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَما تُخْفِي الصُّدُورُ؛ أَعُوذُ بِوَجْهِ اللّٰهِ الْكَرِيمِ وَباسْمِ اللّٰهِ الْعَظِيمِ مِنْ شَرِّ ما ذَرَأَ وَما بَرَأَ وَمِنْ شَرِّ ما تَحْتَ الثَّرىٰ وَمِنْ شَرِّ ما ظَهَرَ وَما بَطَنَ وَمِنْ شَرِّ ما كانَ فِي اللَّيْلِ وَالنَّهارِ وَمِنْ شَرِّ أَبِي مُرَّةَ وَما وَلَدَ وَمِنْ شَرِّ الرَّسِيسِ وَمِنْ شَرِّ ما وَصَفْتُ وَما لَمْ أَصِفْ؟ فَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعالَمِينَ» ذَكَرَ أَنَّها أَمانٌ مِنَ السَّبُعِ وَمِنَ الشَّيْطانِ الرَّجِيمِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِهِ.

قالَ: وَكانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه‌السلام يَقُولُ إِذا أَصْبَحَ: «سُبْحانَ اللّٰهِ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ ـ ثَلاثاً ـ اللّٰهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ زَوالِ نِعْمَتِكَ وَمِنْ تَحْوِيلِ عافِيَتِكَ وَمِنْ فَجْأَةِ نِقْمَتِكَ وَمِنْ دَرَكِ الشَّقاءِ وَمِنْ شَرِّ ما سَبَقَ فِي الْكِتابِ، اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِعِزَّةِ مُلْكِكَ وَشِدَّةِ قُوَّتِكَ وَبِعَظِيمِ سُلْطانِكَ وَبِقُدْرَتِكَ عَلىٰ خَلْقِكَ».



٣١ ـ عَنْهُ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، عَنْ عَبْدِالرَّحْمٰنِ بْنِ أَبِي هاشِمٍ، عَنْ أَبِي خَدِيجَةَ، عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عليه‌السلام قالَ: إِنَّ الدُّعاءَ قَبْلَ

۳۰ ـ از عبدالله بن ابراهیم جعفری گوید: از ابوالحسن (ع) شنیدم می‌فرمود: چون به‌شب رسی وبنگری خورشید در نهان شدن وپشت دادن است بگو: «بسم الله الرحمن الرحیم، سپاس از آنِ خدا است که فرزندی برنگرفته وشریک ملکی ندارد، سپاس از آنِ خدا است که وصف کند ووصف نشود وبداند ودانسته نشود، بداند خیانت دیده ما را وآنچه نهان است در سینهٔ ما، پناه برم به‌وجه الله الکریم وبه‌اسم الله العظیم از شرّ آنچه در شب است ودر روز است واز شرّ ابی‌مره (کنیهٔ شیطان است) وآنچه بزاید واز شرّ تباهی وهوس‌رانی بیهوده واز شرّ آنچه وصف کردم ونکردم، وسپاس از آنِ پروردگارِ جهانیان است» یادآور شد که این دعا وسیلهٔ امان از درنده واز شیطانِ رجیم واز ذریهٔ او است.

فرمود که امیر المؤمنین (ع) می‌فرمود: در آغاز صبح تا سه بار سبحان‌الله الملک القدوس، بار خدایا به‌تو پناه برم از زوال نعمتت ودیگرگونی عافیتت واز بلای ناگهانت واز دچار شدن به‌بدبختی واز شرّ آنچه در کتاب سابقه دارد، بار خدایا از تو خواستارم به‌عزت ملکت وسختی نیرویت وبزرگواری سلطانت وبه‌قدرتی که بر آفریده‌های خود داری.

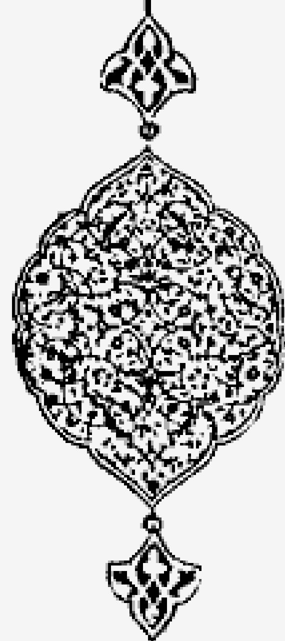
۳۱ ـ از امام صادق (ع) فرمود: دعاء پیش از برآمدن آفتاب وپیش از غروب آن روشی است ثابت وواجب هنگام سپیده‌دم



طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ غُرُوبِها سُنَّةٌ واجِبَةٌ مَعَ طُلُوعِ الْفَجْرِ وَالْمَغْرِبِ تَقُولُ: «لا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَيُمِيتُ وَيُحْيِي وَهُوَ حَيٌّ لا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» ـ عَشْرَ مَرّاتٍ ـ.

وَتَقُولُ: «أَعُوذُ بِاللّٰهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنْ هَمَزاتِ الشَّياطِينِ وَأَعُوذُ بِكَ رَبِّ أَنْ يَحْضُرُونِ، إِنَّ اللّٰهَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» (عَشْرَ مَرّاتٍ) قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ الْغُرُوبِ فَإِنْ نَسِيتَ قَضَيْتَ كَما تَقْضِي الصَّلاةَ إِذا نَسِيتَها.

٣٢ ـ عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، عَنْ أَبِي جَمِيلَةَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوانَ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلامُ قالَ: قُلْ: «أَسْتَعِيذُ بِاللّٰهِ مِنَ الشَّيْطانِ الرَّجِيمِ وَأَعُوذُ بِاللّٰهِ أَنْ يَحْضُرُونِ، إِنَّ اللّٰهَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» وَقُلْ: «لا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ». قالَ: فَقالَ لَهُ رَجُلٌ: مَفْرُوضٌ هُوَ؟ قالَ: نَعَمْ مَفْرُوضٌ مَحْدُودٌ تَقُولُهُ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ الْغُرُوبِ عَشْرَ مَرّاتٍ فَإِنْ فاتَكَ شَيْءٌ فَاقْضِهِ مِنَ اللَّيْلِ وَالنَّهارِ.

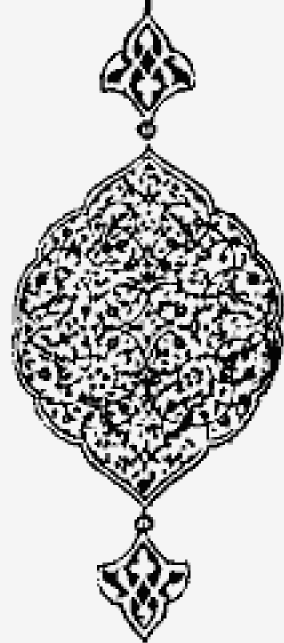


٣٣ ـ عَنْهُ، عَنْ إِسْماعِيلَ بْنِ مِهْرانَ، عَنْ رَجُلٍ، عَنْ إِسْحاقَ بْنِ عَمّارٍ، عَنِ الْعَلاءِ بْنِ كامِلٍ قالَ: قالَ أَبُو عَبْدِ اللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلامُ: إِنَّ مِنَ الدُّعاءِ ما يَنْبَغِي لِصاحِبِهِ إِذا نَسِيَهُ أَنْ يَقْضِيَهُ يَقُولُ بَعْدَ الْغَداةِ: «لا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ



ومغرب می گوئی، ده بار: لااله الاّ اللّٰه وحده لا شریك له، له الملك وله الحمد یحیي ویمیت، ویمیت ویحیي وهو حيٌ لایموت، بیده الخیر وهو علی کل شیٔ قدیر. ده بار می گوئی: اعوذ باللّٰه السمیع العلیم من همزات الشیاطین واعوذ بک رب ان یحضرون (یعنی پناه برم به‌خدا از وسوسهٔ شیطان‌ها از اینکه گردِ من آیند) انّ اللّٰه هو السمیع العلیم - پیش از برآمدن خورشید وپیش از غروبِ آن، واگر فراموش کنی آن را قضا می کنی چنانچه نماز را قضا می کنی.

۳۲ - از محمد بن مروان از امام صادق (ع) فرمود: بگو: استعیذ باللّٰه من الشیطان الرجیم واعوذ باللّٰه ان یحضرون، انّ اللّٰه هو السمیع العلیم. بگو: لااله الاّ اللّٰه وحده لاشریک له یحیي ویمیت وهو علی کل شیٔ قدیر، گوید: مردی به‌آن حضرت گفت: آن مقرر است؟ فرمود: مقرر است واندازه دارد، پیش از برآمدن آفتاب وپیش از غروب ده بار می گوئی، واگر از تو فوت شد از شب یا از روز آن را قضا می کنی.



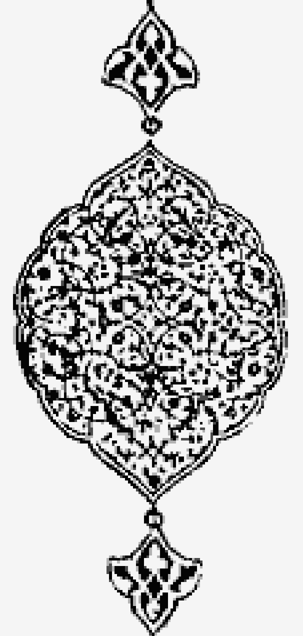
۳۳ - از امام صادق (ع) فرمود: برخی دعاها هست که اگر فراموش کرد سزاوار است آن را قضا کند، می گوید پس از بامداد ده بار: لااله وحده لاشریك له، له الملك وله الحمد یحیي ویمیت، ویمیت ویحیي وهو حيٌ لایموت، بیده الخیر[کله] وهو علی کل شیٔ قدیر.



وَيُمِيتُ وَيُحْيِي وَهُوَ حَيٌّ لا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ [كُلُّهُ] وَهُوَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (عَشْرَ مَرّاتٍ) وَيَقُولُ: «أَعُوذُ بِاللّٰهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ» (عَشْرَ مَرّاتٍ) فَإِذا نَسِيَ مِنْ ذٰلِكَ شَيْئاً كانَ عَلَيْهِ قَضاؤُهُ.

٣٤ ـ عَنْهُ، عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ، عَنِ الْعَلاءِ بْنِ رَزِينٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قالَ: سَأَلْتُ أَبا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلامُ عَنِ التَّسْبِيحِ، فَقالَ: ما عَلِمْتُ شَيْئاً مُوَظَّفاً غَيْرَ تَسْبِيحِ فاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلامُ وَعَشْرَ مَرّاتٍ بَعْدَ الْفَجْرِ تَقُولُ: «لا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ [يُحْيِي وَيُمِيتُ] وَهُوَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» وَيُسَبِّحُ ما شاءَ تَطَوُّعاً.

٣٥ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسىٰ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنانٍ، عَنْ إِسْماعِيلَ بْنِ جابِرٍ، عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ الْحَذّاءِ قالَ: قالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلامُ: مَنْ قالَ حِينَ يَطْلُعُ الْفَجْرُ: «لا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ [وَيُمِيتُ وَيُحْيِي] وَهُوَ حَيٌّ لا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (عَشْرَ مَرّاتٍ) «وَصَلَّى اللّٰهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ» عَشْرَ مَرّاتٍ، وَسَبَّحَ خَمْساً وَثَلاثِينَ مَرَّةً وَهَلَّلَ خَمْساً وَثَلاثِينَ مَرَّةً وَحَمِدَ اللّٰهَ خَمْساً وَثَلاثِينَ مَرَّةً لَمْ يُكْتَبْ فِي ذٰلِكَ الصَّباحِ مِنَ الْغافِلِينَ وَإِذا قالَها فِي الْمَساءِ لَمْ يُكْتَبْ فِي تِلْكَ اللَّيْلَةِ مِنَ الْغافِلِينَ.



٣٦ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسىٰ، عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَيْلِ قالَ: كَتَبْتُ إِلىٰ أَبِي

ومی گوید (ده بار): اعوذ باللّٰه السمیع العلیم. وهرگاه چیزی از آن فراموش کرد بر او است که قضا کند.

۳۴ ـ از محمد بن مسلم گوید: از امام باقر (ع) دربارهٔ تسبیح پرسیدم، فرمود: دربارهٔ آن چیز مقرری ندانم جز همان تسبیح فاطمه زهرا (ع) وده بار پس از سپیده‌دم بگوئی: لاٰ الٰه الاّٰ اللّٰه وحده لاشریك له، له الملك وله الحمد [یحیي ویمیت] وهو علی کل شیئٌ قدیر. وهرچه خواهد تبرعاً تسبیح گوید.

۳۵ ـ از ابی عبیده حذاّء گوید: امام باقر (ع) فرمود: هرکه در هنگام برآمدن سپیده، ده بار بگوید: لا اله الاّٰ اللّٰه وحده لاشریك له، له الملك وله الحمد یحیي ویمیت (ویمیت ویحیي) وهو حي لایموت بیده الخیر وهو علی کل شئٌ قدیر. وده بار بگوید: صلی اللّٰه علی محمد وآل محمد. وسی وپنج بار بگوید: سبحان اللّٰه. وسی وپنج بار بگوید: لا اله الاّٰ اللّٰه. وسی وپنج بار بگوید: الحمد للّٰه. در آن صبح از غافلان نوشته نشود واگر آن را در شب بگوید در آن شب از غافلان ثبت نشود.

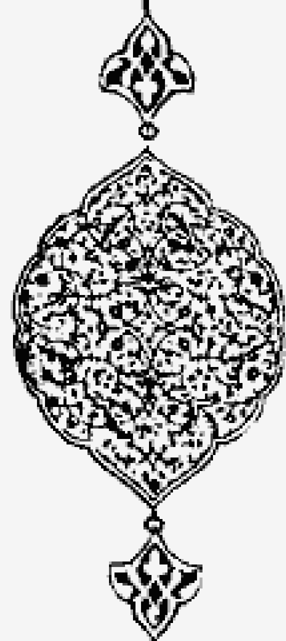
۳۶ ـ از محمد بن فضیل گوید: به‌امام جواد (ع) نوشتم وخواستم که دعائی به‌من بیاموزد، در پاسخم نوشت: هرگاه صبح



جَعْفَرٍ الثّانِي عليه‌السلام أَسْأَلُهُ أَنْ يُعَلِّمَنِي دُعاءً فَكَتَبَ إِلَيَّ: تَقُولُ إِذا أَصْبَحْتَ وَأَمْسَيْتَ: «اللّٰهُ اللّٰهُ اللّٰهُ رَبِّي الرَّحْمٰنُ الرَّحِيمُ لاٰ أُشْرِكُ بِهِ شَيْئاً» وَإِنْ زِدْتَ عَلىٰ ذٰلِكَ فَهُوَ خَيْرٌ، ثُمَّ تَدْعُو بِما بَدا لَكَ فِي حاجَتِكَ فَهُوَ لِكُلِّ شَيْءٍ بِإِذْنِ اللّٰهِ تَعالىٰ يَفْعَلُ اللّٰهُ ما يَشاءُ.

٣٧ ـ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحٰاقَ، عَنْ سُعْدٰانَ، عَنْ دٰاوُدَ الرَّقِّيِّ، عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عليه‌السلام قالَ: لا تَدَعْ أَنْ تَدْعُوَ بِهٰذَا الدُّعاءِ ثَلاثَ مَرّاتٍ إِذا أَصْبَحْتَ وَثَلاثَ مَرّاتٍ إِذا أَمْسَيْتَ: «اللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي فِي دِرْعِكَ الْحَصِينَةِ الَّتِي تَجْعَلُ فِيها مَنْ تُرِيدُ» فَإِنَّ أَبِي عليه‌السلام كانَ يَقُولُ: هذا مِنَ الدُّعاءِ الْمَخْزُونِ.

٣٨ ـ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ، عَنْ بَعْضِ أَصْحابِهِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنٰانٍ، عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْمُكٰارِي، عَنْ أَبِي حَمْزَةَ، عَنْ أَبي جَعْفَرٍ عليه‌السلام قالَ: قُلْتُ لَهُ: ما عَنىٰ بِقَوْلِهِ: «وَإِبْرٰاهِيمَ الَّذِي وَفّىٰ»؟ قالَ: كَلِماتٍ بالَغَ فِيهِنَّ، قُلْتُ وَما هُنَّ؟ قالَ: كانَ إِذا أَصْبَحَ قالَ: أَصْبَحْتُ وَرَبِّي مَحْمُودٌ أَصْبَحْتُ لا أُشْرِكُ بِاللّٰهِ شَيْئاً وَلا أَدْعُو مَعَهُ إِلٰهاً وَلا أَتَّخِذُ مِنْ دُونِهِ وَلِيّاً ـ ثَلاثاً ـ وَإِذا أَمْسىٰ قالَها ثَلاثاً، قالَ: فَأَنْزَلَ اللّٰهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي كِتابِهِ: ((وَإِبْرٰاهِيمَ الَّذِي وَفّىٰ)) قُلْتُ: فَما عَنىٰ بِقَوْلِهِ فِي نُوحٍ: ((إِنَّهُ كانَ عَبْداً شَكُوراً)) قالَ: كَلِماتٍ بالَغَ فِيهِنَّ، قُلْتُ:



وَما هُنَّ؟

کنی یا شب کنی بگو: اللّه اللّه اللّه ربی الرحمن الرحیم لا اشرک به شیئاً. واگر بر آن افزائی بهتر است سپس دعا کنی بهر آنچه تو را پیش آید از حاجت خود که آن برای هر چیزی نافع است به‌اذن خدا تعالی که می‌کند هرچه خواهد.

۳۷ ـ از امام صادق (ع) فرمود: این دعا را وا منه که سه بار در آغازِ صبح وسه بار در آغازِ شب بخوانی: بار خدایا مرا در پناه محکمِ خود درگیر که هرکه را خواهی در آن جای دهی. زیرا پدرم می‌فرمود: این از گنجینهٔ دعاها است.

۳۸ ـ از ابی حمزه گوید: به‌امام باقر (ع) گفتم: چه معنی دارد قول خدا (۳۷ سوره نجم): «وابراهیم که وفاداری کرده»، فرمود: کلماتی بوده که در تذکارش مبالغه وکوشش داشته است، گفتم: چیستند آنها؟ فرمود: هرگاه صبح می‌کرد سه بار می‌فرمود: صبح کردم وپروردگارم ستوده است، صبح کردم وچیزی را شریکِ او نمی‌دانم وبهمراهش معبودی نمی‌خوانم ودر برابرش سرپرستی نمی‌گیرم، وچون شب می‌کرد آنها را سه بار می‌گفت. فرمود: برای همین خدا عز وجل در قرآنش نازل کرد: «وابراهیم که وفاداری نمود»، گفتم: چه مقصود دارد از گفتهٔ خود دربارهٔ نوح (ع) (۳ سوره اسراء): «راستش این است که او بنده‌ای شکرگذار بود»؟ فرمود: کلماتی که در آنها کوشا بود ومبالغه می‌کرد. گفتم: آنها چیستند؟ فرمود: چون صبح می‌کرد می‌گفت: صبح کردم وتو را گواه می‌گیرم بدانچه در این صبح به‌من دادی از نعمت وعافیت در دین یا

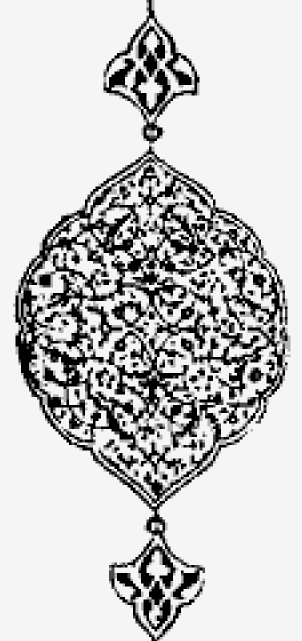


قالَ: كانَ إذا أَصْبَحَ قالَ: أَصْبَحْتُ أُشْهِدُكَ ما أَصْبَحْتُ بِي مِنْ نِعْمَةٍ أَوْ عافِيَةٍ فِي دِينٍ أَوْ دُنْيا فَإِنَّها مِنْكَ وَحْدَكَ لا شَرِيكَ لَكَ، فَلَكَ الْحَمْدُ عَلىٰ ذٰلِكَ وَلَكَ الشُّكْرُ كَثِيراً. كانَ يَقُولُها إذا أَصْبَحَ ثَلاثاً وَإذا أَمْسىٰ ثَلاثاً، قُلْتُ: فَما عَنىٰ بِقَوْلِهِ فِي يَحْيىٰ: «وَحَناناً مِنْ لَدُنا وَزَكاةً» قالَ: تَحَنُّنَ اللّٰهِ، قالَ: قُلْتُ: فَما بَلَغَ مِنْ تَحَنُّنِ مِنْ تَحَنُّنِ اللّٰهِ عَلَيْهِ؟ قالَ: كانَ إذا قالَ: يا رَبِّ، قالَ اللّٰهُ عَزَّ وَجَلَّ لَبَّيْكَ يا يَحْيىٰ.

بابُ الدُّعاءِ عِنْدَ النَّوْمِ وَالإِنْتِباهِ

١ ـ عَلِيُّ بْنُ إبْراهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، وَالْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إسْحاقَ، جَمِيعاً عَنْ بَكْرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ‌السَّلامُ قالَ: مَنْ قالَ حِينَ يَأْخُذُ مَضْجَعَهُ ثَلاثَ مَرّاتٍ: «الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي عَلا فَقَهرَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي بَطَنَ فَخَبَرَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي مَلَكَ فَقَدَرَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي يُحْيِي الْمَوْتىٰ وَيُمِيتُ الأَحْياءَ وَهُوَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»، خَرَجَ مِنَ الذُّنُوبِ كَهَيْئَةِ يَوْمٍ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ.

٢ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، رَفَعَهُ إلىٰ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ‌السَّلامُ قالَ: إذا أَوىٰ أَحَدُكُمْ إلىٰ فِراشِهِ فَلْيَقُلْ: اللّٰهُمَّ إنِّي



دنیا که همه از تو است، تنهائی، شریک نداری، از آن تو است سپاس بر این واز آن تو است شکر فراوان. شیوه‌اش بود که هرگاه صبح می‌کرد سه بار آن را می‌گفت، وهرگاه شب می‌کرد سه بار آن را می‌گفت. گفتم: چه قصد کرده خدا به گفتهٔ خود دربارهٔ یحییٰ (۱۲ سوره مریم): «ومهر ورحمت از نزد ما وپاکیزه کردن»، فرمود: مهر از طرف خدا بود، گوید: گفتم: تا کجا مورد مهر خدا شد؟ فرمود: بجائی که همیشه هرگاه می‌گفت: یارب، خدا عز وجل می‌فرمود: لبیک یا یحییٰ. [۷۶]

باب دعا هنگام خواب وبیدار شدن

۱ ـ از امام صادق (ع) فرمود: هرکه وقتی به‌بستر خواب می‌رود سه بار بگوید: (سپاس از آن خدا است که فرازنده است ومسلط، وسپاس از آن خدا است که نهان است وآگاه وسپاس از آن خدا است که مالک است واندازه‌گیر وسپاس از آن خدا است که زنده کند مرده‌ها را وبمیراند زنده‌ها را واو بر هر چیز توانا است). بیرون آید از گناهان چون روزی که از مادر زاده.

۲ ـ امام صادق (ع) فرمود: چون یکی از شماها به‌بستر خود رود باید بگوید: بار خدایا من روح خود را نزد تو باز داشتم وتو آن



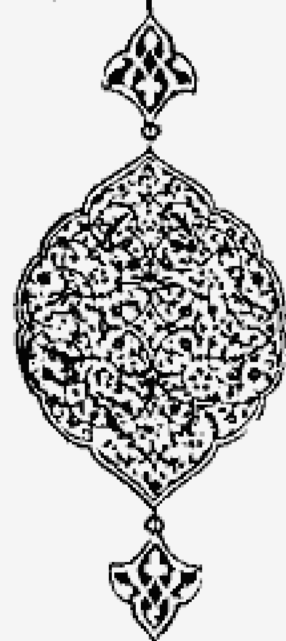
اخْتَبَسْتُ نَفْسِي عِنْدَكَ فَاحْتَبِسْها فِي مَحَلِّ رِضْوانِكَ وَمَغْفِرَتِكَ وَإِنْ رَدَدْتَها [إِلَىٰ بَدَنِي] فَارْدُدْها مُؤْمِنَةً عارِفَةً بِحَقِّ أَوْلِيائِكَ حَتّىٰ تَتَوَفّاها عَلىٰ ذٰلِكَ.

٣ ـ حُمَيْدُ بْنُ زِيادٍ، عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ غَيْرِ واحِدٍ، عَنْ أَبانِ بْنِ عُثْمانَ، عَنْ يَحْيَىٰ بْنِ أَبِي الْعَلاءِ، عَنْ أَبي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ‌السَّلامُ أَنَّهُ كانَ يَقُولُ عِنْدَ مَنامِهِ: آمَنْتُ بِاللّٰهِ وَكَفَرْتُ بِالطّاغُوتِ، اللّٰهُمَّ احْفَظْنِي فِي مَنامِي وَفِي يَقْظَتِي.

٤ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ ابْنِ أَبي عُمَيْرٍ، عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرّاجٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوانَ قالَ: قالَ أَبُو عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ‌السَّلامُ: أَلا أُخْبِرُكُمْ بِما كانَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ إِذا أَوىٰ إِلىٰ فِراشِهِ؟ قُلْتُ: بَلىٰ، قالَ: كانَ يَقْرَأُ آيَةَ الْكُرْسِيِّ وَيَقُولُ: «بِسْمِ اللّٰهِ آمَنْتُ بِاللّٰهِ وَكَفَرْتُ بِالطّاغُوتِ، اللّٰهُمَّ احْفَظْنِي فِي مَنامِي وَفِي يَقْظَتِي».

٥ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ عَبْدِاللّٰهِ بْنِ مَيْمُونٍ، عَنْ أَبي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ‌السَّلامُ قالَ: كانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ صَلَواتُ اللّٰهِ عَلَيْهِ يَقُولُ: اللّٰهُمَّ إِنّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْإِحْتِلامِ وَمِنْ سُوءِ الْأَحْلامِ وَأَنْ يَلْعَبَ بِيَ الشَّيْطانُ فِي الْيَقْظَةِ وَالْمَنامِ.

٦ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسىٰ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خالِدٍ، وَالْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ، جَمِيعاً عَنِ الْقاسِمِ بْنِ عُرْوَةَ،

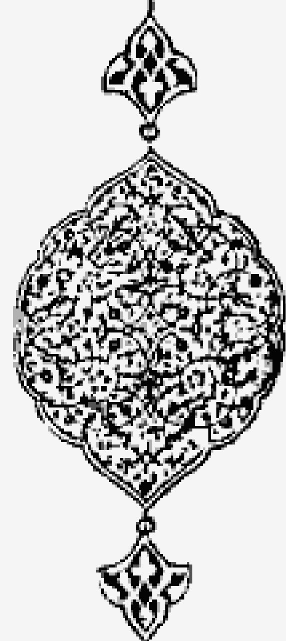




را در جایگاه رضایت وآمرزش خویش باز دار واگر به‌تنم باز گردانیدی، مؤمن وعارفش باز گردان بحق دوستانت تا آنکه او را به‌ایمان وعرفان دریافت کنی.

۳ ـ شیوهٔ حضرتِ امام صادق (ع) این بود که هنگام خواب می‌فرمود: به‌خدا ایمان دارم وبه‌طاغوت کفر ورزم، بار خدایا مرا در خوابم ودر بیداریم نگهداری کن.

۴ ـ از محمد بن مروان که امام صادق (ع) فرمود: آیا به‌شما گزارش ندهم آنچه را که شیوهٔ رسول خدا (ص) بود که هرگاه به‌بستر خود جا می‌کرد می‌فرمود؟ گفتم: چرا، فرمود: آیة الکرسی را می‌خواند ومی‌گفت: آمنت باللّٰه وکفرت بالطاغوت، بار خدایا مرا در خواب وبیداریم حفظ کن.



۵ ـ از امام صادق (ع) فرمود: امیر المؤمنین (ع) می‌گفت: بار خدایا من به‌تو پناه برم از احتلام وخواب‌های بد واز اینکه شیطان در بیداری وخواب با من بازی کند.

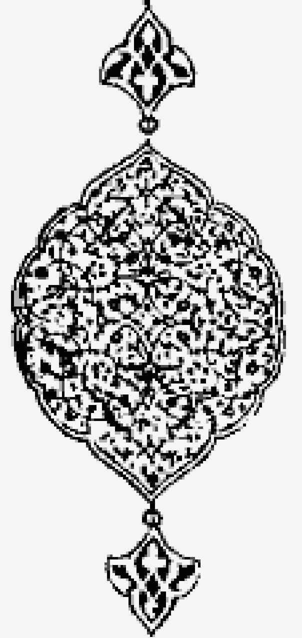
۶ ـ از امام صادق (ع) دربارهٔ تسبیح فاطمه زهراء (ع) فرمود: چون به‌خوابگاهِ خود رفتی سی وچهار بار اللّٰه‌اکبر بگو وسی



عَنْ هِشامِ بْنِ سالِمٍ عَنْ أَبي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيهِ‌السَّلامُ قالَ: تَسْبِيحُ فاطِمَةَ الزَّهْراءِ عَلَيها‌السَّلامُ إِذا أَخَذْتَ مَضْجَعَكَ فَكَبِّرِ اللّٰهَ أَرْبَعاً وَثَلاثِينَ وَاحْمَدْهُ ثَلاثاً وَثَلاثِينَ وَسَبِّحْهُ ثَلاثاً وَثَلاثِينَ وَتَقْرَأُ آيَةَ الْكُرْسِيِّ وَالْمُعَوِّذَتَيْنِ وَعَشْرَ آياتٍ مِنْ أَوَّلِ الصّافّاتِ وَعَشْراً مِنْ آخِرِها.

٧ ـ عَنْهُ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ، عَنْ فَضالَةَ بْنِ أَيُّوبَ، عَنْ داوُدَ بْنِ فَرْقَدٍ، عَنْ أَخِيهِ أَنَّ شِهابَ بْنَ عَبْدِ رَبِّهِ سَأَلَهُ أَنْ يَسْأَلَ أَبا عَبْدِاللّٰهِ عَلَيهِ‌السَّلامُ وَقالَ: قُلْ لَهُ: إِنَّ امْرَأَةً تُفْزِعُنِي فِي الْمَنامِ بِاللَّيْلِ؛ فَقالَ: قُلْ لَهُ: اجْعَلْ مِسْباحاً وَكَبِّرِ اللّٰهَ أَرْبَعاً وَثَلاثِينَ تَكْبِيرَةً وَسَبِّحِ اللّٰهَ ثَلاثاً وَثَلاثِينَ تَسْبِيحَةً وَاحْمَدِ اللّٰهَ ثَلاثاً وَثَلاثِينَ وَقُلْ: لا إِلٰهَ إِلاَّ اللّٰهُ وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَيُمِيتُ وَيُحْيِي، بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَلَهُ اخْتِلافُ اللَّيْلِ وَالنَّهارِ وَهُوَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ـ عَشْرَ مَرّاتٍ ـ.

٨ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ، عَنْ مُعاوِيَةَ بْنِ وَهْبٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيهِ‌السَّلامُ أَنَّهُ أَتاهُ ابْنٌ لَهُ لَيْلَةً فَقالَ لَهُ: يا أَبَهْ أُرِيدُ أَنْ أَنامَ، فَقالَ: يا بُنَيَّ قُلْ: «أَشْهَدُ أَنْ لا إِلٰهَ إِلاَّ اللّٰهُ وَأَنَّ مُحَمَّداً صَلَّى اللّٰهُ عَلَيهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، أَعُوذُ بِعَظَمَةِ اللّٰهِ وَأَعُوذُ بِعِزَّةِ اللّٰهِ وَأَعُوذُ بِقُدْرَةِ اللّٰهِ وَأَعُوذُ بِجَلالِ اللّٰهِ وَأَعُوذُ بِسُلْطانِ اللّٰهِ؛ إِنَّ اللّٰهَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَعُوذُ بِعَفْوِ اللّٰهِ وَأَعُوذُ بِغُفْرانِ اللّٰهِ وَأَعُوذُ بِرَحْمَةِ اللّٰهِ مِنْ شَرِّ السّامَّةِ وَالْهامَّةِ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دابَّةٍ صَغِيرَةٍ



وسه بار الحمدلله بگو وسی وسه بار سبحان‌الله، و آیة الکرسی ودو سورهٔ قل‌اعوذ را، با ده آیه از اول سورهٔ والصافات، وده آیه از آخرش بخوان.

۷ ـ از داود بن فرقد از برادرش که شهاب بن عبد ربه از او درخواست که از امام صادق (ع) پرسشی کند، به‌او گفت که:

زنی است شب در خواب، مرا به‌هراس می‌اندازد. امام فرمود: در پاسخِ او بگو: تسبیح بسازد وسی وچهار بار الله‌اکبر بگوید وسی وسه بار سبحان‌الله وسی وسه بار الحمدلله، وبگو: لا اله الاّ الله وحده لاشریک له، له الملک وله الحمد، یحیي ویمیت ویحیي، بیده الخیر وله اختلاف اللیل والنهار وهو علی کل شئٍ قدیر ـ ده بار.

۸ ـ از معاویة بن وهب که شبی یکی از پسران امام صادق (ع) نزد آن حضرت آمد وگفت: پدر جان، من می‌خواهم بخوابم، به‌او فرمود: ای فرزند جانم! بگو: اشهد ان لا اله الاّ الله وانّ محمداً عبده ورسوله پناه برم به‌بزرگی خدا وپناه برم به‌عزت خدا وپناه برم به‌قدرت خدا وپناه برم به‌جلال خدا وپناه برم به‌سلطان خدا، راستی که خدا به‌هر چیز توانا است، وپناه برم به گذشت خدا وپناه برم به‌آمرزش خدا وپناه برم به‌رحمت خدا از شرّ هر گزنده وکشنده واز شرّ هر جاندار خرد وبزرگ در شب وروز، از شرّ



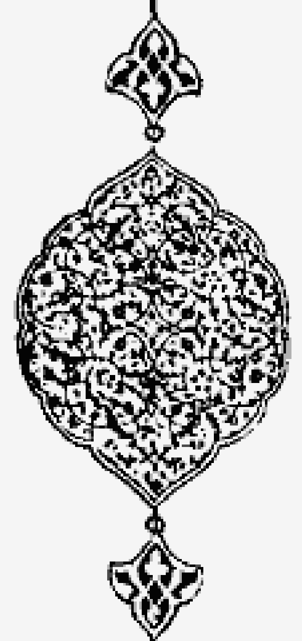
أَوْ كَبِيرَةٍ بِلَيْلٍ أَوْ نَهارٍ وَمِنْ شَرِّ فَسَقَةِ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَمِنْ شَرِّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ وَمِنْ شَرِّ الصَّواعِقِ وَالْبَرْدِ، اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ».

قالَ مُعاوِيَةُ: فَيَقُولُ الصَّبِيُّ: الطَّيِّبِ، عِنْدَ ذِكْرِ النَّبِيِّ: الْمُبارَكِ، قالَ: نَعَمْ يا بُنَيَّ الطَّيِّبِ الْمُبارَكِ.

٩ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ بَعْضِ أَصْحابِهِ، عَنْ مُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ قالَ: قالَ لِي أَبُو عَبْدِاللّٰهِ عَلَيهِ السَّلام: إِنِ اسْتَطَعْتَ أَنْ لا تَبِيتَ لَيْلَةً حَتّىٰ تَعُوذَ بِأَحَدَ عَشَرَ حَرْفاً؟ قُلْتُ: أَخْبِرْنِي بِها؟ قالَ: قُلْ: «أَعُوذُ بِعِزَّةِ اللّٰهِ وَأَعُوذُ بِقُدْرَةِ اللّٰهِ وَأَعُوذُ بِجَلالِ اللّٰهِ وَأَعُوذُ بِسُلْطانِ اللّٰهِ وَأَعُوذُ بِجَمالِ اللّٰهِ وَأَعُوذُ بِدَفْعِ اللّٰهِ وَأَعُوذُ بِمَنْعِ اللّٰهِ وَأَعُوذُ بِجَمْعِ اللّٰهِ وَأَعُوذُ بِمُلْكِ اللّٰهِ وَأَعُوذُ بِوَجْهِ اللّٰهِ وَأَعُوذُ بِرَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى اللهُ عَلَيهِ وَآلِهِ وَسَلَّم مِنْ شَرِّ ما خَلَقَ وَبَرَأَ وَذَرَأَ». وَتَعُوذُ بِهِ كُلَّما شِئْتَ.

١٠ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ عُثْمانَ بْنِ عِيسىٰ، عَنْ خالِدِ بْنِ نَجِيحٍ قالَ: كانَ أَبُو عَبْدِاللّٰهِ عَلَيهِ السَّلام يَقُولُ: إِذا أَوَيْتَ إِلىٰ فِراشِكَ فَقُلْ: «بِسْمِ اللّٰهِ وَضَعْتُ جَنْبِيَ الْأَيْمَنَ [لِلّٰهِ] عَلىٰ مِلَّةِ إِبْراهِيمَ حَنِيفاً لِلّٰهِ مُسْلِماً وَما أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ».

١١ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسىٰ، عَنْ حُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ، عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ، عَنِ الْقاسِمِ بْنِ سُلَيْمانَ، عَنْ



بدکاران جنّ وانس واز شرّ بدکاران عرب وعجم واز شرّ صاعقه‌های سوزان وتگرگ، اللّهم صل علی محمد عبدک ورسولک. معاویه گوید: آن کودک در یادآوری پیغمبر (ص) گفت: (الطیب المبارک، امام فرمود: آری پسر جانم الطیب المبارک. [۷۷]

۹ ـ از مفضل بن عمر که امام صادق (ع) به‌من فرمود: اگر بتوانی هیچ شبی نخوابی تا به‌یازده جمله خود را در پناهِ خدا گذاری؟ گفتم: آنها را به‌من بفرمائید، فرمود:

بگو: أعوذ بعزّة اللّٰه وأعوذ بقدرة اللّٰه وأعوذ بجلال اللّٰه وأعوذ بسلطان اللّٰه وأعوذ بجمال اللّٰه وأعوذ بدفع اللّٰه وأعوذ بمنع اللّٰه وأعوذ بجمع اللّٰه وأعوذ بملک اللّٰه وأعوذ بوجه اللّٰه وأعوذ برسول اللّٰه من شرّ ما خلق وبرأ وذرأ ـ وپناه گیر بدان هر وقت بخواهی. [۷۸]

۱۰ ـ از خالد بن نجیح از امام صادق (ع) که می‌فرمود:

هرگاه به‌بستر خود رفتی بگو:

به‌نام خدا، پهلوی راستم را بر بستر نهادم (برای خدا) بر کیش ابراهیم، با اخلاص نسبت به‌خدا با عقیدهٔ مسلمانی، ومن نیستم از مشرکان.

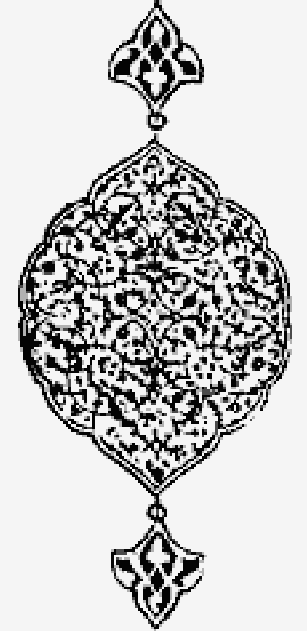
۱۱ ـ از جرّاح مدائنی از امام صادق (ع) فرمود:

هرگاه یکی از شماها شب از خواب برخاست باید بگوید:

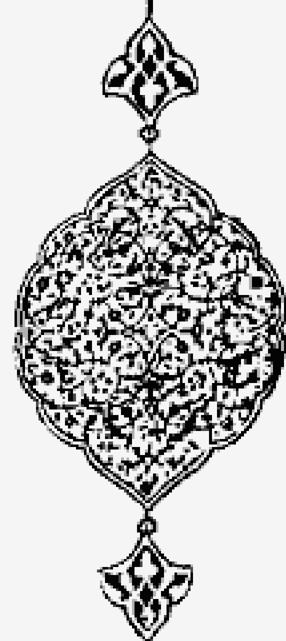


جَرّاحٍ الْمَدائِنِيِّ، عَنْ أَبي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيهِ‌السَّلامُ قالَ: «إِذا قامَ أَحَدُكُمْ مِنَ اللَّيْلِ فَلْيَقُلْ: «سُبْحانَ رَبِّ النَّبِيّينَ وَإِلٰهِ الْمُرْسَلينَ وَرَبِّ الْمُسْتَضْعَفينَ» وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذي يُحْيِي الْمَوْتىٰ وَهُوَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ. يَقُولُ اللّٰهُ عَزَّ وَجَلَّ: صَدَقَ عَبْدي وَشَكَرَ.

١٢ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهيمَ، عَنْ أَبيهِ، عَنْ حَمّادِ بْنِ عيسىٰ، عَنْ حَريزٍ، عَنْ زُرارَةَ، عَنْ أَبي جَعْفَرٍ عَلَيهِ‌السَّلامُ قالَ: إِذا قُمْتَ بِاللَّيْلِ مِنْ مَنامِكَ فَقُلْ: «الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذي رَدَّ عَلَيَّ رُوحي لِأَحْمَدَهُ وَأَعْبُدَهُ» فَإِذا سَمِعْتَ صَوْتَ الدّيكِ فَقُلْ: سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّ الْمَلائِكَةِ وَالرُّوحِ، سَبَقَتْ رَحْمَتُكَ غَضَبَكَ، لا إِلٰهَ إِلاّ أَنْتَ وَحْدَكَ، عَمِلْتُ سُوءاً وَظَلَمْتُ نَفْسي فَاغْفِرْ لي، فَإِنَّهُ لا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلاّ أَنْتَ، فَإِذا قُمْتَ فَانْظُرْ فِي آفاقِ السَّماءِ وَقُلِ: اللّٰهُمَّ لا يُواري مِنْكَ لَيْلٌ داجٍ وَلا سَماءٌ ذاتُ أَبْراجٍ وَلا أَرْضٌ ذاتُ مِهادٍ وَلا ظُلُماتٌ بَعْضُها فَوْقَ بَعْضٍ وَلا بَحْرٌ لُجِّيٌّ تُدْلِجُ بَيْنَ يَدَيِ الْمُدْلِجِ مِنْ خَلْقِكَ تَعْلَمُ خائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَما تُخْفِي الصُّدُورُ، غارَتِ النُّجُومُ وَنامَتِ الْعُيُونُ وَأَنْتَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لا تَأْخُذُكَ سِنَةٌ وَلا نَوْمٌ سُبْحانَ رَبّي رَبِّ الْعالَمينَ وَإِلٰهِ الْمُرْسَلينَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعالَمينَ».



١٣ـ أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِالْجَبّارِ، وَمُحَمَّدِ بْنُ إِسْماعيلَ، عَنِ الْفَضْلِ ابْنِ شاذانَ، جَميعاً، عَنْ صَفْوانَ بْنِ يَحْيىٰ، عَنْ عَبْدِالرَّحْمٰنِ بْنِ الْحَجّاجِ، قالَ: كانَ أَبُو عَبْدِاللّٰهِ عَلَيهِ‌السَّلامُ



سبحان ربّ النبیین وآله المرسلین وربّ المستضعفین (مقصود از آنها امامانند (ع) ـ از مجلسی ره) والحمد لله الذي یحیي الموتیٰ وهو علیٰ کلّ شيءٍ قدیر. خدا عز وجل می‌فرماید:

بندهٔ من راست گفت وشکر گزارد.

۱۲ ـ از امام باقر(ع) فرمود:

چون شب از خواب برخاستی بگو: سپاس از آنِ خدا است که جانم را به‌من باز گردانید تا او را سپاس گویم وبپرستم. چون آوازِ خروس شنیدی، بگو: سبّوح قدّوس ربّ الملائکة والروح رحمتت بر خشمت پیشدستی کرده است، نیست شایستهٔ پرستشی جز تو، یگانه‌ای، من بد کردم وبه‌خود ستم کردم، مرا بیامرز زیرا گناهان را نیامرزد جز تو. چون برخاستی، در کرانه‌های آسمان بنگر وبگو: بار خدایا از تو نهان نسازد(چیزی را) شبِ تار ونه آسمانِ برج دار ونه زمینِ بستر گذار ونه تاریکی‌های برهم ودَرهم ونه دریایَ ژرف، در پیشِ شَب‌رُوانِ خلقت، شب‌رَوی کنی، وبدانی خیانت دیده‌ها وآنچه را نهان سازند سینه‌ها، اختران به‌سراشیب رفتند ودیده‌ها به‌خواب اندر شدند وتوئی زنده وپاینده، نه چُرتت گیرد ونه خوابت برد، منزّه‌باد پروردگار من پروردگار جهانیان ومعبود مرسلان وسپاس از آن خداوندِ عالمیان.

۱۳ ـ از عبدالرحمن بن حجاج که گفت:

هرگاه امام صادق (ع) در پایان شب بر می‌خواست آواز بر می‌آورد تا اهل خانه همه می‌شنیدند ومی‌فرمود:



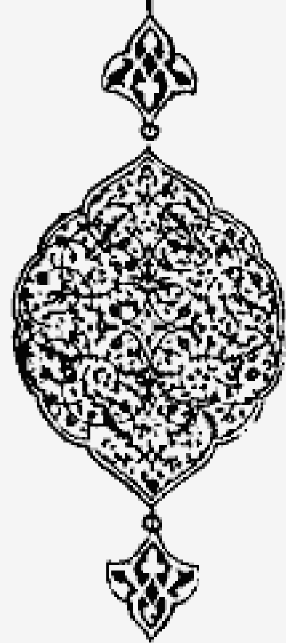
إذا قامَ آخِرَ اللَّيْلِ يَرْفَعُ صَوْتَهُ حَتىٰ يُسْمِعَ أَهْلَ الدّارِ وَيَقُولُ: «اللّٰهُمَّ أَعِنّي عَلىٰ هَوْلِ الْمُطَّلَعِ، وَوَسِّعْ عَلَيَّ ضِيقَ الْمَضْجَعِ وَارْزُقْنِي خَيْرَ ما قَبْلَ الْمَوتِ وَارْزُقْنِي خَيْرَ ما بَعْدَ الْمَوْتِ».

١٤ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ ابْنِ أَبي عُمَيْرٍ، عَنْ بَعْضِ أَصْحابِهِ، رَفَعَهُ قالَ:

تَقُولُ إذا أَرَدْتَ النَّوْمَ: «اللّٰهُمَّ إِنْ أَمْسَكْتَ نَفْسي فَارْحَمْها وَإِنْ أَرْسَلْتَها فَاحْفَظْها».

١٥ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسىٰ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خالِدٍ، وَالْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ، جَمِيعاً عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ، عَنْ يَحْيَى الْحَلَبِيِّ، عَنْ أَبِي أُسامَةَ قالَ: سَمِعْتُ أَبا عَبْدِاللّٰهِ عليه السلام يَقُولُ: مَنْ قَرَأَ قُلْ هُوَ اللّٰهُ أَحَدٌ مِائَةَ مَرَّةٍ حِينَ يَأْخُذُ مَضْجَعَهُ غُفِرَ لَهُ ما عَمِلَ قَبْلَ ذٰلِكَ خَمْسِينَ عاماً، وَقالَ يَحْيىٰ: فَسَأَلْتُ سَماعَةَ عَنْ ذٰلِكَ فَقالَ: حَدَّثَنِي أَبُو بَصِيرٍ قالَ: سَمِعْتُ أَبا عَبْدِاللّٰهِ عليه السلام يَقُولُ ذٰلِكَ، وَقالَ: يا أَبا مُحَمَّدٍ أَما إِنَّكَ إِنْ جَرَّبْتَهُ وَجَدْتَهُ سَدِيداً.

١٦ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيادٍ، وَعَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، جَمِيعاً، عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيِّ، عَنِ ابْنِ الْقَدّاحِ، عَنْ أَبي عَبْدِاللّٰهِ عليه السلام قالَ: كانَ رَسُولُ اللّٰهِ صلى الله عليه وآله وسلم إذا أَوىٰ إِلىٰ فِراشِهِ قالَ: «اللّٰهُمَّ بِاسْمِكَ أَحْيا وَبِاسْمِكَ أَمُوتُ» فَإِذا قامَ مِنْ نَومِهِ قالَ: «الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي أَحْيانِي بَعْدَ ما أَماتَنِي وَإِلَيْهِ النُّشُورُ»





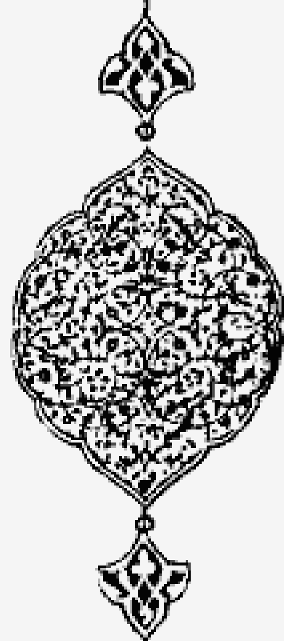
بار خدایا، مرا بر هراس سرکشی به‌آخرت یاری کن، وتنگیِ آرامگاه را بر من گشایش ده، وبه‌من روزی کن خیرِ پیش از مردن وخیرِ پس از مردن را.

۱۴ ـ از امام صادق (ع) که فرمود:
می گوئی هنگام خوابیدن:
بار خدایا، اگر جانم را نگه‌داشتی بدو مهر ورز، واگر رها کردی آن را حفظ کن.

۱۵ ـ از یحیی حلبی از ابی اسامه، گوید:
شنیدم امام صادق (ع) می‌فرمود:
هر که چون به‌بسترِ خوابش رود، صد بار قل هوالله را بخواند، خدا تا پنجاه سال پیش از آن هرچه کرده است بیامرزد. یحیی گوید:
من این را از سماعه پرسیدم، در پاسخ گفت:
ابو بصیر به‌من باز گفت:
من شنیدم امام صادق (ع) این را می‌فرمود، وگفت:
ای ابا محمد، امّا اگر تو آن را بیازمائی دریابی که درست است. [۷۹]

۱۶ ـ از ابن قدّاح از امام صادق (ع) فرمود: شیوهٔ رسول خدا(ص) بود که چون در بستر می‌آرمید، می‌فرمود: بار خدایا به‌نام تو زنده‌ام وبه‌نام تو بمیرم، وچون از خواب برمی‌خاست می گفت: سپاس از آن خدا است که زنده کرد مرا پس از آنکه میرانید مرا وبه‌سوی او است رستاخیز.

وامام صادق (ع) فرمود: هر که هنگام خوابیدنش سه بار

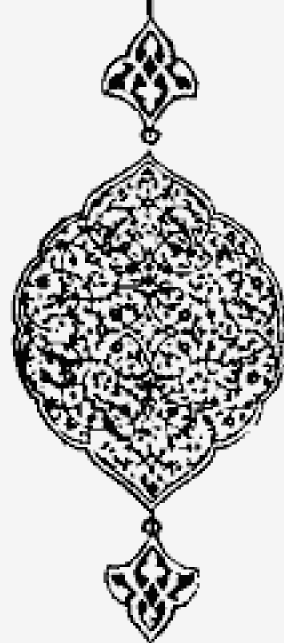




وَقالَ: قالَ أبُو عَبْدِاللّٰهِ عليه‌السلام: مَنْ قَرَأ عِنْدَ مَنامِهِ آيَةَ الْكُرْسِيِّ ثَلاثَ مَرّاتٍ وَالْآيَةَ الَّتِي فِي آلِ عِمْرانَ: «شَهِدَ اللّٰهُ أَنَّهُ لا إِلٰهَ إِلاّ هُوَ وَالْمَلائِكَةُ» وَآيَةَ السُّخْرَةِ وَآيَةَ السَّجْدَةِ وُكِّلَ بِهِ شَيْطانانِ يَحْفَظانِهِ مِنْ مَرَدَةِ الشَّياطِينِ، شاؤُوا أوْ أبَوْا وَمَعَهُما مِنَ اللّٰهِ ثَلاثُونَ مَلَكاً يَحْمَدُونَ اللّٰهَ عَزَّ وَجَلَّ وَيُسَبِّحُونَهُ وَيُهَلِّلُونَهُ وَيُكَبِّرُونَهُ وَيَسْتَغْفِرُونَ لَهُ إِلىٰ أنْ يَنْتَبِهَ ذٰلِكَ الْعَبْدُ مِنْ نَوْمِهِ وَثَوابُ ذٰلِكَ لَهُ.

١٧ـ عَنْ أحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ الْكُوفِيِّ، عَنْ حَمْدانَ الْقَلانِسِيِّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْوَلِيدِ، عَنْ أبانٍ، عَنْ عامِرِ بْنِ عَبْدِاللّٰهِ بْنِ جُذاعَةَ، عَنْ أبي عَبْدِاللّٰهِ عليه‌السلام قالَ: ما مِنْ أحَدٍ يَقْرَأُ آخِرَ الْكَهْفِ عِنْدَ النَّوْمِ إِلاّ تَيَقَّظَ فِي السّاعَةِ الَّتِي يُرِيدُ.

١٨ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ، عَنْ أبِيهِ، عَنِ النَّوْفَلِيِّ، عَنِ السَّكُونِيِّ، عَنْ أبي عَبْدِاللّٰهِ عليه‌السلام قالَ: قالَ النَّبِيُّ صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم: مَنْ أرادَ شَيْئاً مِنْ قِيامِ اللَّيْلِ وَأخَذَ مَضْجَعَهُ فَلْيَقُلْ: «[بِسْمِ اللّٰهِ] اللّٰهُمَّ لا تُؤْمِنِّي مَكْرَكَ وَلا تُنْسِنِي ذِكْرَكَ، وَلا تَجْعَلْنِي مِنَ الْغافِلِينَ، أقُومُ ساعَةَ كَذا وَكَذا». إِلاّ وَكَّلَ اللّٰهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ مَلَكاً يُنَبِّهُهُ تِلْكَ السّاعَةَ.



آیةالکرسی را بخواند و آیه‌ای که در سورهٔ آل‌عمران است: «شهد الله أنّه لاٰ اله الاّ هو والملائکة» و آیهٔ سخره و آیهٔ سجده را، دو شیطان بر او گمارده شود که او را از مَرَدهٔ شیاطین حفظ کنند، بخواهند یا نخواهند وبا آن دو، سی تن فرشته باشند که خدا عز وجل را حمد کنند واو را تسبیح گویند وتهلیل گویند وتکبیر گویند وبرای او آمرزش خواهند تا آن بنده از خواب بیدار شود وهمه ثوابش از او باشد. [۸۰]

۱۷ ـ از امام صادق (ع) فرمود:

کسی نیست که آخر کهف را هنگام خوابیدنش بخواند جز اینکه هر ساعتی را که خواهد بیدار می‌شود (مقصود آیهٔ: «قل انّما انا بشرٌ مثلکم» است ـ از مجلسی ره).

۱۸ ـ پیغمبر (ص) فرمود:

هر که خواهد شب به‌عبادت برخیزد چون در بسترِ خود خوابید باید بگوید:

(بسم اللّٰه) بار خدایا مرا از مکرِ خود آسوده مدار ویاد خودت را فراموشم مکن ومرا در گروه غافلاَن مقرر منما، من برخیزم در ساعت کذا و کذا.

ومحققاً خدا عز وجل بدو فرشته‌ای گمارد که او را همان ساعت بیدار کند.



بابُ الدُّعاءِ إذا خَرَجَ الإنسانُ مِنْ مَنْزِلِهِ

١ ـ عَلِيُّ بْنُ إبْراهيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ ابْنِ أَبي عُمَيْرٍ، عَنْ أَبِي أَيُّوبَ الْخَزّازِ، عَنْ أَبِي حَمْزَةَ قالَ: رَأَيْتُ أَبا عَبْدِاللّٰهِ عليه‌السلام يُحَرِّكُ شَفَتَيْهِ حِينَ أَرادَ أَنْ يَخْرُجَ وَهُوَ قائِمٌ عَلَى الْبابِ، فَقُلْتُ: [إنّي] رَأَيْتُكَ تُحَرِّكُ شَفَتَيْكَ حِينَ خَرَجْتَ فَهَلْ قُلْتَ شَيْئاً؟ قالَ: نَعَمْ إنَّ الإنْسانَ إذا خَرَجَ مِنْ مَنْزِلِهِ قالَ حِينَ يُرِيدُ أَنْ يَخْرُجَ: «اللّٰهُ أَكْبَرُ اللّٰهُ أَكْبَرُ (ثَلاثاً) بِاللّٰهِ أَخْرُجُ وَبِاللّٰهِ أَدْخُلُ وَعَلَى اللّٰهِ أَتَوَكَّلُ» (ثلاث مَرّاتٍ) «اللّٰهُمَّ افْتَحْ لِي في وَجْهِي هذا بِخَيْرٍ وَاخْتِمْ لِي بِخَيْرٍ وَقِنِي شَرَّ كُلِّ دابَّةٍ أَنْتَ آخِذٌ بِناصِيَتِها إنَّ رَبِّي عَلى صِراطٍ مُسْتَقِيمٍ» لَمْ يَزَلْ فِي ضَمانِ اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ حَتّى يَرُدَّهُ اللّٰهُ إلَى الْمَكانِ الَّذِي كانَ فِيهِ.

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسىٰ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ، عَنْ أَبِي أَيُّوبَ، عَنْ أَبِي حَمْزَةَ مِثْلَهُ.

٢ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسىٰ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ، عَنْ مالِكِ بْنِ عَطِيَّةَ، عَنْ أَبِي حَمْزَةَ الثُّمالِي قالَ: أَتَيْتُ بابَ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عليهما‌السلام فَوافَقْتُهُ حِينَ خَرَجَ مِنَ الْبابِ

باب دعا هنگام بیرون رفتن از منزل

۱ ـ از ابی حمزه گوید: دیدم امام صادق (ع) هنگام بیرون رفتن از خانه دو لب خود را می‌جنبانید وبر در خانه ایستاده بود، به‌او عرض کردم که: دیدم دو لب خود را هنگامی که از خانه بدر آمدی جنبانیدی، آیا چیزی گفتی؟ فرمود: آری، راستی انسان چون خواهد از خانهٔ خود بدر آید هنگام بیرون شدن سه بار گوید: اللّٰه‌اکبر، وسه بار گوید: باللّٰه اخرج وباللّٰه ادخل وعلی اللّٰه اتوکل ـ بار خدایا در برابرم در خیر را بگشا و کارم را به‌خیر به‌پایان آور ونگهدارم از شرّ هر جنبنده‌ای که مهارش را داری، راستی پروردگار من به‌راه راست است ـ پیوسته در ضمانت خدا عز وجل است تا خداوند او را بهمان جا برگرداند که در آن بوده است.

۲ ـ از ابی حمزهٔ ثمالی گوید: به‌درِ خانهٔ علی بن الحسین (ع) آمدم وهنگامی که از خانه بیرون می‌شد به‌آن حضرت رسیدم، فرمود: بسم اللّٰه آمنت باللّٰه وتوکلت علی اللّٰه، سپس فرمود: این ابا



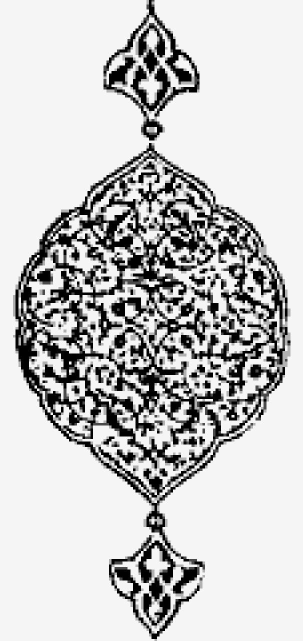
فَقالَ: بِسْمِ اللّٰهِ آمَنْتُ بِاللّٰهِ وَتَوَكَّلْتُ عَلَى اللّٰهِ. ثُمَّ قالَ: يا أَبا حَمْزَةَ إِنَّ الْعَبْدَ إِذا خَرَجَ مِنْ مَنْزِلِهِ عَرَضَ لَهُ الشَّيْطانُ فَإِذا قالَ: بِسْمِ اللّٰهِ قالَ الْمَلَكانِ:

كُفِيتَ، فَإِذا قالَ: آمَنْتُ بِاللّٰهِ، قالا: هُدِيتَ، فَإِذا قالَ: تَوَكَّلْتُ عَلَى اللّٰهِ، قالا: وُقِيتَ فَيَتَنَحَّى الشَّيْطانُ فَيَقُولُ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ:

كَيْفَ لَنا بِمَنْ هُدِيَ وَكُفِيَ وَوُقِيَ؟ قالَ: ثُمَّ قالَ: اللّٰهُمَّ إِنَّ عِرْضِي لَكَ الْيَوْمَ ثُمَّ قالَ: يا أَبا حَمْزَةَ إِنْ تَرَكْتَ النّاسَ لَمْ يَتْرُكُوكَ وَإِنْ رَفَضْتَهُمْ لَمْ يَرْفُضُوكَ، قُلْتُ: فَما أَصْنَعُ؟ قالَ: أَعْطِهِمْ [مِنْ] عِرْضِكَ لِيَوْمِ فَقْرِكَ وَفاقَتِكَ.

۳ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ عُثْمانَ بْنِ عِيسىٰ، عَنْ أَبِي حَمْزَةَ قالَ: اسْتَأْذَنْتُ عَلىٰ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ‌السَّلامُ فَخَرَجَ إِلَيَّ وَشَفَتاهُ تَتَحَرَّكانِ فَقُلْتُ لَهُ، فَقالَ: أَفَطَنْتَ لِذٰلِكَ يا ثُمالِيُّ؟ قُلْتُ: نَعَمْ جُعِلْتُ فِداكَ، قالَ: إِنِّي وَاللّٰهِ تَكَلَّمْتُ بِكَلامٍ ما تَكَلَّمَ بِهِ أَحَدٌ قَطُّ إِلّا كَفاهُ ما أَهَمَّهُ مِنْ أَمْرِ دُنْياهُ وَآخِرَتِهِ.

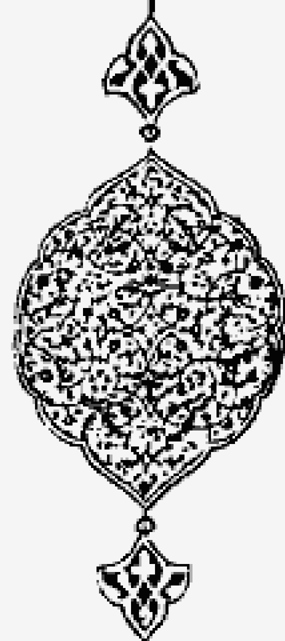
قالَ قُلْتُ لَهُ: أَخْبِرْنِي بِهِ قالَ: نَعَمْ مَنْ قالَ حِينَ يَخْرُجُ مِنْ مَنْزِلِهِ: «بِسْمِ اللّٰهِ حَسْبِيَ اللّٰهُ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللّٰهِ، اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ أُمُورِي كُلِّها وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ خِزْيِ الدُّنْيا وَعَذابِ الْآخِرَةِ» كَفاهُ اللّٰهُ ما أَهَمَّهُ مِنْ أَمْرِ دُنْياهُ وَآخِرَتِهِ.





حمزه راستی بنده چون از منزلش بدر آید شیطان سر راهش آید وهرگاه بسم الله گوید آن دو فرشته (که همراه اویند) گویند: کفایت شدی، وهرگاه گوید آمنت بالله گویند: هدایت شدی، وهرگاه گوید: توکلت علی الله گویند: محفوظ شدی، وشیطانها از او دوری کنند وبه‌یکدیگر گویند: چه راهی است برای ما به‌کسی که هدایت شده وکفایت شده ودر حفظ الهی است. گوید: سپس امام فرمود: بار خدایا من امروز آبروی خود را به‌تو واگذاردم (یعنی هر که به‌من بد گوید وآبرویم را بریزد برای خاطر تو ویا برای تقیه جوابی به‌او ندهم ـ از مجلسی‌ره). سپس فرمود: ای ابا حمزه، اگر دست از مردم برداری، مردم از تو دست برندارند واگر آنها را ترک کنی آنها تو را ترک نکنند. گفتم: پس من چکنم؟ فرمود: از آبروی خود به‌آنها بده وآنها را ذخیرهٔ روز فقر ونیاز خود کن. [۸۱]

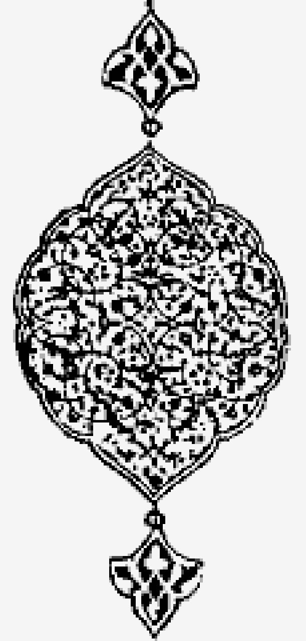
۳ ـ از ابی حمزه گوید: اجازهٔ ورود به‌امام باقر(ع) خواستم وآن حضرت بیرون آمد نزد من ودو لبش می‌جنبید، به‌او عرض کردم (دربارهٔ آن) فرمود: آن را فهمیدی ای ثمالی؟ گفتم: آری قربانت، فرمود: من کلامی گفتم که هیچکس هرگز بدان سخن نگوید جز اینکه خدا کفایت کند از او آنچه بدان اهمیت دهد از امر دنیا وآخرتِ خود، گوید: به‌آن حضرت گفتم: به‌من خبر دِه از آن، فرمود: بسیار خوب، هر که چون از خانه‌اش بیرون آید بگوید: بسم الله حسبی الله، توکلت علی الله ـ بار خدایا راستی از تو خواستارم بهی وخوبی همه کارهایم را، به‌تو پناه برم از رسوائی دنیا وعذاب آخرت ؛ خدا کفایت کند از او آنچه را برای او مهم است از کار دنیا وآخرتش.





٤ـ عَنْهُ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ، عَنْ عاصِمِ بْنِ حُمَيْدٍ، عَنْ أَبِي بَصِيرٍ، عَنْ أَبي جَعْفَرٍ عَلَيهِ السَّلامُ قالَ: مَنْ قالَ حِينَ يَخْرُجُ مِنْ بابِ دارِهِ: «أَعُوذُ بِما عاذَتْ بِهِ مَلائِكَةُ اللّٰهِ مِنْ شَرِّ هذا الْيَوْمِ الْجَدِيدِ الَّذِي إِذا غابَتْ شَمْسُهُ لَمْ تَعُدْ مِنْ شَرِّ نَفْسِي وَمِنْ شَرِّ غَيْرِي وَمِنْ شَرِّ الشَّياطِينِ وَمِنْ شَرِّ مَنْ نَصَبَ لِأَوْلِياءِ اللّٰهِ وَمِنْ شَرِّ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَمِنْ شَرِّ السِّباعِ وَالْهَوامِّ وَمِنْ شَرِّ رُكُوبِ الْمَحارِمِ كُلِّها، أُجِيرُ نَفْسِي بِاللّٰهِ مِنْ كُلِّ شَرٍّ» غَفَرَ اللّٰهُ لَهُ وَتابَ عَلَيْهِ وَكَفاهُ الْهَمَّ وَحَجَزَهُ عَنِ السُّوءِ وَعَصَمَهُ مِنَ الشَّرِّ.

٥ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ، عَنْ مُعاوِيَةَ بْنِ عَمّارٍ، عَنْ أَبي عَبْدِ اللّٰهِ عَلَيهِ السَّلامُ قالَ: إِذا خَرَجْتَ مِنْ مَنْزِلِكَ فَقُلْ: «بِسْمِ اللّٰهِ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللّٰهِ، لا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ إِلّا بِاللّٰهِ، اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ ما خَرَجْتُ لَهُ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ ما خَرَجْتُ لَهُ، اللّٰهُمَّ أَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ وَأَتْمِمْ عَلَيَّ نِعْمَتَكَ وَاسْتَعْمِلْنِي فِي طاعَتِكَ وَاجْعَلْ رَغْبَتِي فِيما عِنْدَكَ وَتَوَفَّنِي عَلى مِلَّتِكَ وَمِلَّةِ رَسُولِكَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ».



٦ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، عَنْ عَبْدِ الرَّحْمٰنِ بْنِ أَبِي هاشِمٍ، عَنْ أَبِي خَدِيجَةَ قالَ: كانَ أَبُو عَبْدِ اللّٰهِ عَلَيهِ السَّلامُ إِذا خَرَجَ يَقُولُ: «اللّٰهُمَّ بِكَ خَرَجْتُ وَلَكَ أَسْلَمْتُ وَبِكَ آمَنْتُ وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ، اللّٰهُمَّ بارِكْ لِي فِي يَوْمِي هٰذا وَارْزُقْنِي



۴ ـ از ابی بصیر از امام باقر (ع) فرمود: هر که چون از خانه‌اش بدر آید گوید:

من پناه برم بدانچه فرشته‌های خدا پناه برند، از شرّ این روز تازه که هرگاه خورشیدش نهان گردد در افق برنگردد، از شرّ خودم واز شرّ جز خودم، واز شرّ شیطان واز شرّ هر که با دوستان خدا دشمن است، واز شرّ جنّ وانس، واز شرّ درنده‌ها وگزنده‌های زهرناک، واز شرّ ارتکاب هر حرامی وخود را در پناه خدا نهم از هر بدی.

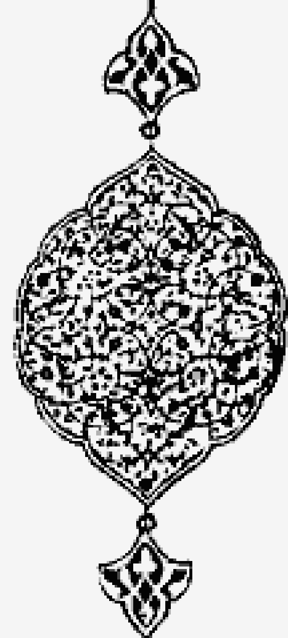
خدا او را بیامرزد وتوبهٔ او را بپذیرد ومهمّ او را کفایت کند واو را از بدی جلوگیر شود واز شر نگهدارد.

۵ ـ از امام صادق (ع) فرمود:

هرگاه از منزلت بیرون شدی بگو (یعنی هنگام بیرون شدن):
بسم اللّه توکلت علی اللّه لاحول ولاقوة الاّ باللّه، بار خدایا من از تو خواهم خیر آنچه را برای آن بیرون شدم، وپناه برم به‌تو از شرّ آنچه برای آن بیرون شدم، بار خدایا از فضل خود به‌من وسعت بده ونعمتت را بر من تمام کن ومرا به‌فرمان‌بریت بگمار ومرا مشتاق هرآنچه کن که در نزد تو است ومرا به کیش وملتِ خود وملت رسولت (ص) بمیران.

۶ ـ از ابی خدیجه گفت: امام صادق (ع) را شیوه بود که چون از خانهٔ خود بیرون می‌شد می گفت:

بار خدایا به‌امید تو بیرون شدم وبه‌تو تسلیم گردیدم وبه‌تو ایمان آوردم وبر تو توکل سازم، بار خدایا در این روزم به‌من برکت بده، وکامجوئی وگشایش وپاری وپاکیزگی وزهجوئی وبرکتش را



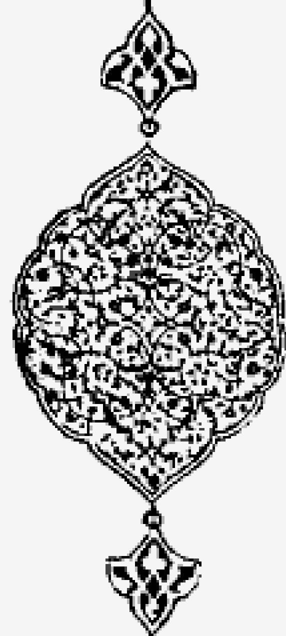


فَوْزَهُ وَفَتْحَهُ وَنَصْرَهُ وَطَهورَهُ وَهُداهُ وَبَرَكَتَهُ وَاصْرِفْ عَنّي شَرَّهُ وَشَرَّ ما فِيهِ، بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ وَاللّٰهُ أَكْبَرُ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعالَمِينَ، اللّٰهُمَّ إِنّي قَدْ خَرَجْتُ فَبارِكْ لي في خُروجي وَانْفَعْني بِهِ» قالَ: وَإِذا دَخَلَ في مَنْزِلِهِ قالَ ذٰلِكَ.

٧ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنانٍ، عَنِ الرِّضا عليه السلام قالَ: كانَ أَبي عليه السلام إِذا خَرَجَ مِنْ مَنْزِلِهِ قالَ: «بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ، خَرَجْتُ بِحَوْلِ اللّٰهِ وَقُوَّتِهِ لا بِحَوْلٍ مِنّي وَلا قُوَّتي بَلْ بِحَوْلِكَ وَقُوَّتِكَ يا رَبِّ مُتَعَرِّضاً لِرِزْقِكَ فَأْتِني بِهِ في عافِيَةٍ».

٨ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ ابْنِ أَبي عُمَيْرٍ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَطِيَّةَ، عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ قالَ: قالَ أَبو عَبْدِ اللّٰهِ عليه السلام: مَنْ قَرَأَ قُلْ هُوَ اللّٰهُ أَحَدٌ حِينَ يَخْرُجُ مِنْ مَنْزِلِهِ عَشْرَ مَرّاتٍ لَمْ يَزَلْ في حِفْظِ اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ وَكِلائَتِهِ حَتّىٰ يَرْجِعَ إِلىٰ مَنْزِلِهِ.

٩ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ مُوسَى بْنِ الْقاسِمِ، عَنْ صَبّاحٍ الْحَذّاءِ قالَ: قالَ أَبو الْحَسَنِ عليه السلام: إِذا أَرَدْتَ السَّفَرَ فَقِفْ عَلىٰ بابِ دارِكَ وَاقْرَأْ فاتِحَةَ الْكِتابِ أَمامَكَ وَعَنْ يَمِينِكَ وَعَنْ شِمالِكَ وَ«قُلْ هُوَ اللّٰهُ أَحَدٌ» أَمامَكَ وَعَنْ يَمِينِكَ وَعَنْ شِمالِكَ وَ«قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النّاسِ» وَ«قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ» أَمامَكَ وَعَنْ يَمِينِكَ وَعَنْ شِمالِكَ ثُمَّ قُلِ: «اللّٰهُمَّ احْفَظْني وَاحْفَظْ ما مَعِيَ



به‌من روزی کن وشرّ آن وشرّ هرچه در آن است از من بگردان، بسم الله وبالله والله اکبر والحمد لله رب العالمین - بار خدایا من بدر آمدم، بیرون شدنم را مبارک کن ومرا بدان سود بخش.

گوید: چون به‌منزلش هم می‌رفت همین را می‌گفت. [۸۲]

۷ - از امام رضا (ع) فرمود:

چون پدرم از منزل خود بیرون می‌شد می‌گفت:

بسم الله الرحمن الرحیم، خرجت بحول الله وقوته لابحولٍ منّی ولا قوّتی بل بحولك وقوتك یارب متعرضاً لرزقك فأتني به في عافية.



۸ - امام صادق (ع) فرمود:

چون کسی از منزلش درآید ده بار سورهٔ قل هو الله احد بخواند، پیوسته در حفظ خدا عز وجل باشد ودر نگهداریِ او تا به‌منزلش برگردد.

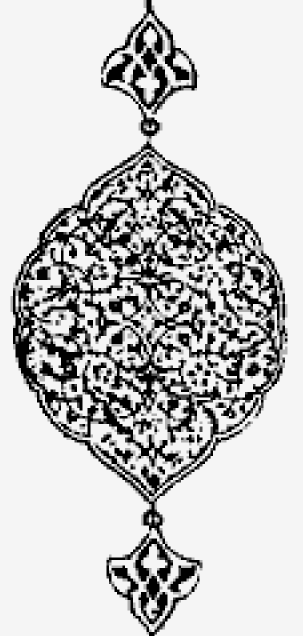
۹ - از صباح کفشگر که ابو الحسن (ع) فرمود: چون آهنگ سفر کردی به‌درِ خانه‌ات بایست وسورهٔ حمد را از پیش‌رو واز سمت راست واز سمت چپ بخوان، وسورهٔ قل هو الله احد را از پیش‌رو واز سمت راست واز سمت چپ بخوان واعوذ بربّ الناس وقل اعوذ بربّ الفلق را از پیش‌رو وسمت راست وسمت چپ بخوان، سپس بگو: بار خدایا مرا حفظ کن وحفظ کن آنچه با من است ومرا سالم دار وسالم دار آنچه با من است ومرا به‌مقصد رسان وبه‌مقصد برسان آنچه را با



وَسَلِّمْنِي وَسَلِّمْ ما مَعِيَ وَبَلِّغْنِي وَبَلِّغْ ما مَعِي بَلاغاً حَسَناً» ثُمَّ قالَ: أما رَأَيْتَ الرَّجُلَ يُحْفَظُ وَلا يُحْفَظُ ما مَعَهُ وَيَسْلَمُ وَلا يَسْلَمُ ما مَعَهُ وَيَبْلُغُ وَلا يَبْلُغُ ما مَعَهُ.

١٠ ـ حُمَيْدُ بْنُ زِيادٍ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ غَيْرِ واحِدٍ، عَنْ أبانٍ، عَنْ أَبِي حَمْزَةَ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه‌السلام أَنَّهُ كانَ إذا خَرَجَ مِنَ الْبَيْتِ قالَ: «بِسْمِ اللّٰهِ خَرَجْتُ وَعَلَى اللّٰهِ تَوَكَّلْتُ لا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ إلّا بِاللّٰهِ».

١١ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيادٍ، عَنْ مُوسَى بْنِ الْقاسِمِ، عَنْ صَبّاحٍ الْحَذّاءِ، عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه‌السلام قالَ: يا صَبّاحُ لَوْ كانَ الرَّجُلُ مِنْكُمْ إذا أرادَ سَفَراً قامَ عَلَى بابِ دارِهِ تِلْقاءَ وَجْهِهِ الَّذِي يَتَوَجَّهُ لَهُ فَقَرَأَ الْحَمْدَ أَمامَهُ وَعَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ شِمالِهِ وَالْمُعَوِّذَتَيْنِ أَمامَهُ وَعَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ شِمالِهِ وَقُلْ هُوَ اللّٰهُ أَحَدٌ أَمامَهُ وَعَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ شِمالِهِ وَآيَةَ الْكُرْسِيِّ أَمامَهُ وَعَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ شِمالِهِ، ثُمَّ قالَ: «اللّٰهُمَّ احْفَظْنِي وَاحْفَظْ ما مَعِيَ وَسَلِّمْنِي وَسَلِّمْ ما مَعِيَ وَبَلِّغْنِي وَبَلِّغْ ما مَعِيَ بِبَلاغِكَ الْحَسَنِ الْجَمِيلِ» لَحَفَظَهُ اللّٰهُ وَحَفَظَ ما مَعَهُ وَسَلَّمَهُ وَسَلَّمَ ما مَعَهُ وَبَلَّغَهُ وَبَلَّغَ ما مَعَهُ، أما رَأَيْتَ الرَّجُلَ يُحْفَظُ وَلا يُحْفَظُ ما مَعَهُ وَيَبْلُغُ وَلا يَبْلُغُ ما مَعَهُ وَيَسْلَمُ وَلا يَسْلَمُ ما مَعَهُ.



١٢ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنِ ابْنِ فَضّالٍ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْجَهْمِ، عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه‌السلام قالَ: إذا خَرَجْتَ مِنْ

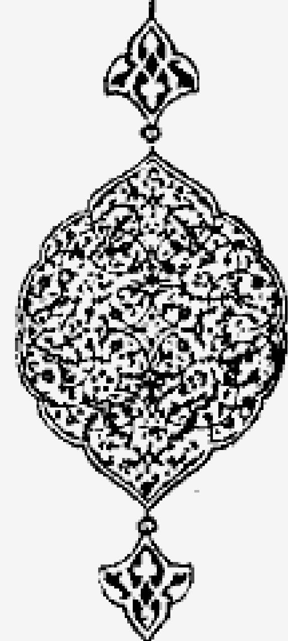


من است، رسانیدن خوب ؛ سپس فرمود: آیا نبینی که مردی محفوظ ماند وآنچه با او است محفوظ نماند وسالم ماند وآنچه با او است سالم نماند وخودش به‌مقصد رسد وآنچه با او است به‌مقصود نرسد.

۱۰ ـ از ابی حمزه که چون امام باقر(ع) از خانه بیرون می‌شد می‌گفت:

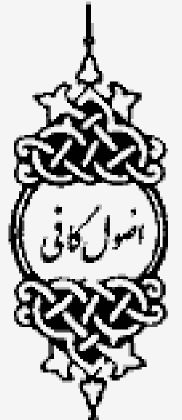
بسم اللّٰه خرجت، وعلی اللّٰه توکلت، لاحول ولا قوة الاّ باللّٰه.

۱۱ ـ از صباح حذّاء از ابی‌الحسن (ع) فرمود: ای صباح، اگر هرگاه یکی از شماها آهنگ سفر می‌کرد، به‌درِ خانهٔ خود می‌ایستاد ودر برابر روی خود که به‌سوی آن می‌رود سورهٔ حمد را از پیش‌ِرو واز سمت راست وسمت چپ می‌خواند ومعوذتین را هم از پیش‌ِرو وسمت راست وسمت چپش می‌خواند وقل هو اللّٰه احد را هم از پیش‌ِرو وسمت راست وسمت چپش می‌خواند وآیة الکرسي را هم از پیش‌ِرو وسمت راست وسمت چپش می‌خواندوسپس بخواند: اللّٰهم احفظنی واحفظ ما معی وسلمنی وسلم مامعی وبلّغنی وبلّغ مامعی ببلاغك الحسن الجمیل، هرآینه خدا او را وهرچه را با او است حفظ کند واو را با هرکه همراه او است سالم دارد واو را با هرچه همراه او است به‌مقصد رساند، آیا نبینی مردی حفظ شود وآنچه با او است حفظ نشود وخودش به‌مقصد رسد وآنچه با او است نرسد وسالم ماند وآنچه همراه او است سالم نماند.



۱۲ ـ از حسن بن جهم از ابی الحسن (ع) فرمود:

چون از منزلت بیرون شوی در سفر باشد ویا حضر بگو:

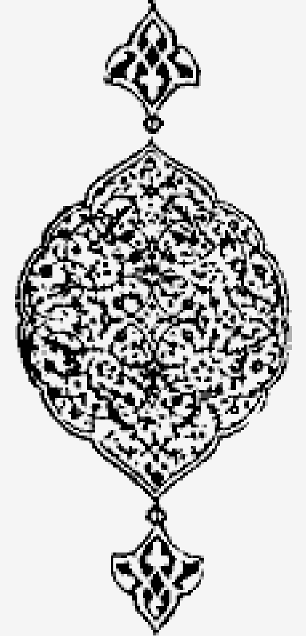


مَنْزِلَكَ فِي سَفَرٍ أَوْ حَضَرٍ فَقُلْ: «بِسْمِ اللّٰهِ آمَنْتُ بِاللّٰهِ، تَوَكَّلْتُ عَلَىٰ اللّٰهِ ما شاءَ اللّٰهُ لا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ» فَتَلَقّاهُ الشَّياطِينُ فَتَنْصَرِفُ وَتَضْرِبُ الْمَلائِكَةُ وُجُوهَها وَتَقُولُ: ما سَبِيلُكُمْ عَلَيْهِ وَقَدْ سَمَّىٰ اللّٰهَ وَآمَنَ بِهِ وَتَوَكَّلَ عَلَيْهِ وَقالَ: ما شاءَ اللّٰهُ لا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ.

بابُ الدُّعاءِ قَبْلَ الصَّلاةِ

١ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسىٰ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ النُّعْمانِ، عَنْ بَعْضِ أَصْحابِهِ، عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ‌السَّلامُ قالَ: كانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ‌السَّلامُ يَقُولُ: مَنْ قالَ هذا الْقَوْلَ كانَ مَعَ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ إِذا قامَ قَبْلَ أَنْ يَسْتَفْتِحَ الصَّلاةَ: «اللّٰهُمَّ إِنِّي أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأُقَدِّمُهُمْ بَيْنَ يَدَيْ صَلاتِي وَأَتَقَرَّبُ بِهِمْ إِلَيْكَ فَاجْعَلْنِي بِهِمْ وَجِيهاً فِي الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ؛ مَنَنْتَ عَلَيَّ بِمَعْرِفَتِهِمْ فَاخْتِمْ لِي بِطاعَتِهِمْ وَمَعْرِفَتِهِمْ وَوَلايَتِهِمْ، فَإِنَّها السَّعادَةُ وَاخْتِمْ لِي بِها، فَإِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ».

ثُمَّ تُصَلِّي فَإِذا انْصَرَفْتَ قُلْتَ: «اللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي مَعَ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فِي كُلِّ عافِيَةٍ وَبَلاءٍ وَاجْعَلْنِي مَعَ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فِي كُلِّ مَثْوىً وَمُنْقَلَبٍ، اللّٰهُمَّ اجْعَلْ مَحْيايَ مَحْياهُمْ وَمَماتِي مَماتَهُمْ



بسم اللّٰه، آمنت باللّٰه، توکلت علی اللّٰه، ماشاء اللّٰه، لاحول ولاقوة الاّ باللّٰه ـ شیاطین به‌او برخورند وبرگردند وفرشته‌ها به‌روی آنها بزنند وبگویند: شما چه راهی بدو دارید با اینکه خدا را نامبرده وبه‌او ایمان دارد وبر او توکل کرده است وگفته‌است: ماشاء اللّٰه، لاحول ولاقوة الاّ باللّٰه.



باب دعا پیش از نماز



۱ ـ از امام صادق (ع) که امیر المؤمنین (ع) می‌فرمود: هر که این دعا را هنگام شروع در نماز بخواند با محمد وآل محمد باشد:

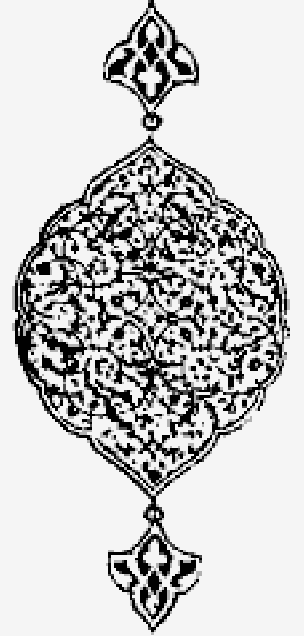
بار خدایا من به‌وسلهٔ محمد وآل محمد به‌تو روی آوردم وآنان را پیش از نماز به‌درگاهت وسیله نمودم وبدانها به‌حضرتِ تو تقرّب جستم، مرا به‌خاطر آنها در دنیا وآخرت آبرومند ساز واز مقربان خود نما، به‌معرفتشان بر من منت نهادی وبه‌طاعت ومعرفت وولایتشان مرا سرانجام بخش زیرا که آن سعادتمندی است، وزندگی مرا بدان به‌پایان رسان زیرا تو بر هرچیز توانائی. سپس نماز خود را می‌خوانی وچون فارغ شدی می‌گوئی: بار خدایا مرا با محمد وآل محمد مقرر دار در هر عافیتی وهر بلاء ومرا با محمد وآل محمد مقرر دار در هر اقامت وحرکت، بار خدایا زندگیِ مرا زندگیِ آسان ساز ومردنم را مردن آنان ومرا در هرجا با آنها بدار واز آنها جدا



وَاجْعَلْنِي مَعَهُمْ فِي الْمَواطِنِ كُلِّها وَلا تُفَرِّقْ بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ، إِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ».

٢ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خالِدٍ، عَنْ بَعْضِ أَصْحابِنا، رَفَعَهُ قالَ: تَقُولُ قَبْلَ دُخُولِكَ فِي الصَّلاةِ: «اللّٰهُمَّ إِنِّي أُقَدِّمُ مُحَمَّداً نَبِيَّكَ صَلَّى اللهُ عَلَيهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بَيْنَ يَدَيْ حاجَتِي وَأَتَوَجَّهُ بِهِ [إِلَيْكَ] فِي طَلِبَتِي فَاجْعَلْنِي بِهِمْ وَجِيهاً فِي الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ، اللّٰهُمَّ اجْعَلْ صَلاتِي بِهِمْ مُتَقَبَّلَةً وَذَنْبِي بِهِمْ مَغْفُوراً وَدُعائِي بِهِمْ مُسْتَجاباً يا أَرْحَمَ الرّاحِمِينَ».

٣ ـ عَنْهُ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ عَبْدِاللّٰهِ بْنِ الْقاسِمِ، عَنْ صَفْوانَ الْجَمّالِ قالَ: شَهِدْتُ أَبا عَبْدِاللّٰهِ عَلَيهِ السَّلامُ وَاسْتَقْبَلَ الْقِبْلَةَ قَبْلَ التَّكْبِيرِ وَقالَ: «اللّٰهُمَّ لا تُؤْيِسْنِي مِنْ رَوْحِكَ وَلا تُقَنِّطْنِي مِنْ رَحْمَتِكَ وَلا تُؤْمِنِّي مَكْرَكَ فَإِنَّهُ لا يَأْمَنُ مَكْرَ اللّٰهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْخاسِرُونَ» قُلْتُ: جُعِلْتُ فِداكَ ما سَمِعْتُ بِهٰذا مِنْ أَحَدٍ قَبْلَكَ فَقالَ: إِنَّ مِنْ أَكْبَرِ الْكَبائِرِ عِنْدَ اللّٰهِ الْيَأْسَ مِنْ رَوْحِ اللّٰهِ وَالْقُنُوطَ مِنْ رَحْمَةِ اللّٰهِ وَالْأَمْنَ مِنْ مَكْرِ اللّٰهِ.



مدار زیرا تو بر هر چیزی توانائی.

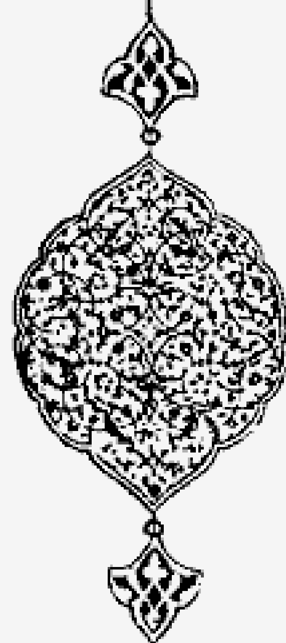
۲ ـ معصوم (ع) فرمود:
پیش از دخول در نماز می‌گوئی:
بار خدایا من محمد پیغمبرت را از حاجتِ خود پیش داشتم، وبه‌وسیلهٔ او به‌تو روی آوردم، در مطلب خودم مرا به‌وسیلهٔ آنها در دنیا وآخرت آبرومند ساز واز مقرّبان بنواز، بار خدایا به‌وسیلهٔ آنان نمازم را پذیرا شده ساز وگناهم را آمرزیده ودعایم را مستجاب، یاارحم الراحمین.

۳ ـ از صفوان جمّال گوید: من حضور امام صادق (ع) بودم که پیش از تکبیرة الاحرام برابر قبله ایستاد وگفت:
بار خدایا مرا از رحمت ونوازشِ خود محروم مساز واز مهرِ خود نومید مکن واز مکر ومجازاتِ خود آسوده‌خاطر منما زیرا از مکرِ خدا آسوده نزیند جز زیانکاران. گفتم: قربانت، من این دعا را از احَدی پیش از شما نشنیدم، فرمود:
از بزرگترین گناهان کبیره نزد خدا نومیدی از نوازش خدا وناامیدی از رحمت ومهر خدا وآسوده خاطر بودن از مکر ومجازات خدا است.



بابُ الدُّعاءِ فِي أَدْبارِ الصَّلَواتِ

١ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسىٰ، عَنْ أَبي عَبْدِاللّٰهِ الْبَرْقِيِّ، عَنْ عِيسىٰ ابْنِ عَبْدِاللّٰهِ الْقُمِّيِّ، عَنْ أَبي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلامُ قالَ: كانَ أَميرُ الْمُؤْمِنينَ صَلَواتُ اللّٰهِ عَلَيْهِ يَقُولُ إِذا فَرَغَ مِنَ الزَّوالِ اللّٰهُمَّ إِنّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ وَأَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَأَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِمَلائِكَتِكَ الْمُقَرَّبينَ وَأَنْبِيائِكَ الْمُرْسَلِينَ وَبِكَ، اللّٰهُمَّ أَنْتَ الْغَنِيُّ عَنّي وَبِيَ الْفاقَةُ إِلَيْكَ أَنْتَ الْغَنِيُّ وَأَنَا الْفَقيرُ إِلَيْكَ أَقَلْتَني عَثْرَتي وَسَتَرْتَ عَلَيَّ ذُنُوبي فَاقْضِ لِيَ الْيَوْمَ حاجَتي وَلا تُعَذِّبْني بِقَبيحِ ما تَعْلَمُ مِنّي، بَلْ عَفْوُكَ وَجُودُكَ يَسَعُني» قالَ: ثُمَّ يَخِرُّ ساجِداً وَيَقُولُ: «يا أَهْلَ التَّقْوىٰ وَيا أَهْلَ الْمَغْفِرَةِ يا بَرُّ يا رَحيمُ، أَنْتَ أَبَرُّ بِي مِنْ أَبي وَأُمّي وَمِنْ جَميعِ الْخَلائِقِ اقْبَلْني بِقَضاءِ حاجَتي مُجاباً دُعائي مَرْحُوماً صَوْتي قَدْ كَشَفْتَ أَنْواعَ الْبَلايا عَنّي».



٢ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهيمَ، عَنْ أَبيهِ، وَمُحَمَّدُ بْنُ إِسْماعيلَ، عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شاذانَ، جَميعاً، عَنِ ابْنِ أَبي عُمَيْرٍ، عَنْ إِبْراهيمَ بْنِ عَبْدِ الْحَميدِ، عَنِ الصَّبّاحِ بْنِ سَيابَةَ، عَنْ أَبي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلامُ قالَ: مَنْ



باب دعا در دنبال نمازها

۱ ـ از امام صادق (ع) که چون امیرالمؤمنین (ع) از نماز ظهر فارغ می‌شد می‌گفت:

بار خدایا، راستی که من به‌تو تقرّب جویم به‌وسیلهٔ جود وکرمت وبه‌تو تقرّب جویم به‌محمد بنده ورسولت وبه‌تو تقرّب جویم به‌فرشته‌های مقرّبت وپیغمبران مرسلت وبه‌خودت، بار خدایا توئی بی‌نیاز از من ومنم نیازمند به‌تو، توئی توانگر ومنم درویش به‌درگاهت از لغزشم درگذشتی وگناهانم را زیر پرده کردی، امروز حاجتم را برآور ومرا به‌زشتی آنچه خودت می‌دانی عذاب مکن بلکه گذشت وجودت مرا فراگیرد. فرمود: سپس به‌سجده می‌افتاد ومی‌گفت:

یا اهل التقویٰ ویا اهل المغفره ویا بر یارحیم، تو از مادر وپدر وهمه کس به‌من خوشرفتارتری، مرا به‌وسیلهٔ برآوردن حاجتم بپذیر ودعایم را اجابت فرما وآوازم را بنواز، تو انواع بلاها را از من دور کردی.

۲ ـ از امام صادق (ع) فرمود:

هرکه پس از نماز مغرب سه بار بگوید:

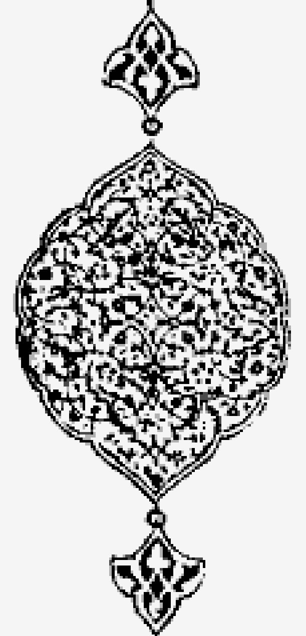
الحمد للّٰه الذی یفعل مایشاء، ولایفعل مایشاء غیره ؛ خیر



قالَ إذا صَلّىٰ الْمَغرِبَ ثَلاثَ مَرّاتٍ: «الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي يَفْعَلُ ما يَشاءُ وَلا يَفْعَلُ ما يَشاءُ غَيْرُهُ» أُعْطِيَ خَيْراً كَثِيراً.

٣ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خالِدٍ، عَنْ أَبِيهِ، رفَعَهُ قالَ: يَقُولُ بَعْدَ الْعِشائَيْنِ: «اللّٰهُمَّ بِيَدِكَ مَقادِيرُ اللَّيْلِ وَالنَّهارِ وَمَقادِيرُ الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ وَمَقادِيرُ الْمَوْتِ وَالْحَياةِ وَمَقادِيرُ الشَّمْسِ وَالْقَمَرِ وَمَقادِيرُ النَّصْرِ وَالْخِذْلانِ وَمَقادِيرُ الْغِنىٰ وَالْفَقْرِ، اللّٰهُمَّ بارِكْ لِي فِي دِينِي وَدُنْيايَ وَفِي جَسَدِي وَأَهْلِي وَوُلْدِيَ، اللّٰهُمَّ ادْرَأْ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ وَالْجِنِّ وَالْإِنْسِ، وَاجْعَلْ مُنْقَلَبِي إِلىٰ خَيْرٍ دائِمٍ وَنَعِيمٍ لا يَزُولُ».

٤ـ عَنْهُ، عَنْ بَعْضِ أَصْحابِهِ، رَفَعَهُ، قالَ: مَنْ قالَ بَعْدَ كُلِّ صَلاةٍ وَهُوَ آخِذٌ بِلِحْيَتِهِ بِيَدِهِ الْيُمْنىٰ: «يا ذَا الْجَلالِ وَالْإِكْرامِ ارْحَمْنِي مِنَ النّارِ» ـ ثَلاثَ مَرّاتٍ ـ وَيَدُهُ الْيُسْرىٰ مَرْفُوعَةٌ وَبَطْنُها إِلىٰ ما يَلِي السَّماءَ ثُمَّ يَقُولُ: «أَجِرْنِي مِنَ الْعَذابِ الْأَلِيمِ» [ثَلاثَ مَرّاتٍ] ثُمَّ يُؤَخِّرُ يَدَهُ عَنْ لِحْيَتِهِ ثُمَّ يَرْفَعُ يَدَهُ وَيَجْعَلُ بُطُونَهُما مِمّا يَلِي السَّماءَ، ثُمَّ يَقُولُ: «يا عَزِيزُ يا كَرِيمُ يا رَحْمٰنُ يا رَحِيمُ» وَيُقَلِّبُ يَدَيْهِ وَيَجْعَلُ بَطْنَها مِمّا يَلِي السَّماءَ، ثُمَّ يَقُولُ «أَجِرْنِي مِنَ الْعَذابِ [الْأَلِيمِ]» ثَلاثَ مَرّاتٍ ـ «صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَالْمَلائِكَةِ وَالرُّوحِ» غُفِرَ لَهُ وَرُضِيَ عَنْهُ وَوُصِلَ بِالْإِسْتِغْفارِ لَهُ حَتّىٰ يَمُوتَ جَمِيعُ الْخَلائِقِ إِلَّا الثَّقَلَيْنِ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ.



بسیاری به‌او عطا شود.

۳ ـ به‌معصوم رسانیده و گفته: می‌گوید پس از نماز مغرب وعشاء:

بار خدایا به‌دست تو است اندازه‌های شب وروز واندازهٔ دنیا وآخرت واندازهٔ مرگ وزندگی واندازهٔ خورشید وماه واندازهٔ یاری وانهادن واندازهٔ توانگری ودرویشی، بار خدایا برکت بده به‌من در دینم ودنیایم ودر تنم وخاندانم وفرزندم، بار خدایا دفع کن از من شرّ بدکاران عرب وعجم وجن وانس را، وبرگشتِ مرا به‌خیر بی‌پایان ونعمت پیوسته مقرر ساز.

٤ ـ به‌معصوم رسانیده که فرمود: هرکه پس از هر نمازی دست به‌ریش خود گیرد با دست راستِ خود وسه بار گوید: یاذا الجلال والاکرام ارحمني من النار، ودست چپ را بلند کند وکفِ آن را به‌سوی آسمان گیرد وسه بار گوید: اجرنی من العذاب الالیم، سپس از ریش بازگیرد وبه‌سوی آسمان بلند کند وکفِ آن را بدان سوی کند وگوید: یاعزیز ویاکریم ویارحمن ویارحیم، باز هر دو دست به‌سوی آسمان گیرد وسه بار بگوید: اجرنی من العذاب الالیم، صلّ علی محمد وآل محمد والملائکة والروح ـ آمرزیده شود واز او خشنودی بعمل آید واستغفار برایش بپاید تا همه خلایق بمیرند وبلکه تا همهٔ انس وجن هم بمیرند. وفرمود: چون از تشهّد فارغ شدی (یعنی نماز را تمام کردی، چون سلام تابع تشهد اخیر است) هر دو دست



وَقالَ: إذا فَرَغْتَ مِنْ تَشَهُّدِكَ فَارْفَعْ يَدَيْكَ وَقُلِ: «اللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِي مَغْفِرَةً عَزْماً جَزْماً لا تُغادِرُ ذَنْباً وَلا أَرْتَكِبُ بَعْدَها مُحَرَّماً أَبَداً وَعافِنِي مُعافاةً لا بَلْوىٰ بَعْدَهُ أَبَداً وَاهْدِنِي هُدىً لا أَضِلُّ بَعْدَهُ أَبَداً وَانْفَعْنِي يا رَبِّ بِما عَلَّمْتَنِي وَاجْعَلْهُ لِي وَلا تَجْعَلْهُ عَلَيَّ وَارْزُقْنِي كَفافاً وَرَضِّنِي بِهِ يا رَبّاهُ وَتُبْ عَلَيَّ يا اللّٰهُ يا اللّٰهُ يا اللّٰهُ يا رَحْمٰنُ يا رَحْمٰنُ يا رَحْمٰنُ يا رَحِيمُ يا رَحِيمُ يا رَحِيمُ، ارْحَمْنِي مِنَ النّارِ ذاتِ السَّعِيرِ وَابْسُطْ عَلَيَّ مِنْ سَعَةِ رِزْقِكَ وَاهْدِنِي لِمَا اخْتُلِفَ فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِكَ وَاعْصِمْنِي مِنَ الشَّيْطانِ الرَّجِيمِ وَأَبْلِغْ مُحَمَّداً صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ عَنِّي تَحِيَّةً كَثِيرَةً وَسَلاماً وَاهْدِنِي بِهُداكَ وَأَغْنِنِي بِغِناكَ وَاجْعَلْنِي مِنْ أَوْلِيائِكَ الْمُخْلَصِينَ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ آمِينَ» قالَ: مَنْ قالَ هٰذا بَعْدَ كُلِّ صَلاةٍ رَدَّ اللّٰهُ عَلَيْهِ رُوحَهُ فِي قَبْرِهِ وَكانَ حَيّاً مَرْزُوقاً ناعِماً مَسْرُوراً إِلىٰ يَوْمِ الْقِيامَةِ.

٥ ـ عَنْهُ، عَنْ بَعْضِ أَصْحابِهِ، رَفَعَهُ قالَ: تَقُولُ بَعْدَ الْفَجْرِ «اللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْداً خالِداً مَعَ خُلُودِكَ وَلَكَ الْحَمْدُ حَمْداً لا مُنْتَهىٰ لَهُ دُونَ رِضاكَ وَلَكَ الْحَمْدُ حَمْداً لا أَمَدَ لَهُ دُونَ مَشِيئَتِكَ وَلَكَ الْحَمْدُ حَمْداً لا جَزاءَ لِقائِلِهِ إِلّا رِضاكَ ـ اللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ وَإِلَيْكَ الْمُشْتَكىٰ وَأَنْتَ الْمُسْتَعانُ؛ اللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ كَما أَنْتَ أَهْلُهُ، الْحَمْدُ لِلّٰهِ بِمَحامِدِهِ كُلِّها عَلىٰ نَعْمائِهِ كُلِّها حَتّىٰ يَنْتَهِيَ الْحَمْدُ إِلىٰ حَيْثُ ما يُحِبُّ رَبِّي وَيَرْضىٰ». وَتَقُولُ بَعْدَ الْفَجْرِ قَبْلَ أَنْ تَتَكَلَّمَ: «الْحَمْدُ

را بردار وبگو: بار خدایا، مرا بیامرز بطور حتم وگناهی را فرو مگذار ومن پس از آن هرگز دست به‌گناهی نیالایم وعافیتی به‌من بده که هرگز دنبالش بلائی نباشد ومرا چنان رهبری کن که هرگز دنبال آن گمراه نشوم ومرا بدانچه دانی پروردگارا سود بخش وآن را بسود من مقرر دار، نه به‌زیانم وروزی به‌اندازهٔ کفایت به‌من عطا کن ومرا بدان خشنود دار، پروردگارا، وتوبه‌ام را بپذیر یاالله یاالله یاالله یارحمن یارحمن یارحمن یارحیم یارحیم یارحیم به‌من از دوزخِ سوزان ترحّم کن واز روزی فراوانت ارزانی دار ودر آنچه مورد اختلاف است مرا بحق هدایت کن به‌اذن خودت، واز شیطان رجیم مرا نگهدار واز من به‌محمد (ص) تحیتِ فراوان ودرود برسان وبه‌هدایت خود مرا رهبری کن واز غنای خود مرا غني ساز ومرا از دوستان مخلص خود ساز وصلی الله علی محمد وآل محمد، آمین.

فرمود: هر که این دعا را پس از هر نمازی بخواند خدا جانش را در گورِ او به‌وی برگرداند وزنده کند وروزی خورد ودر نعمت وشادی بسر برد تا روز قیامت.

۵ ـ حدیث را به‌معصوم رسانیده که فرمود: پس از نمازِ بامداد، می‌گوئی: بار خدایا از آن تو است سپاس، سپاسی جاویدان تا پاینده‌ای، واز آن تو است سپاس، سپاسی که پایان ندارد تا به‌خشنودیت گراید، واز آن تو است سپاس، سپاسی که تمام نشود تا بخواستِ تو رسد، واز آن تو است سپاس، سپاسی که گوینده‌اش پاداشی ندارد جز رضای تو، بار خدایا از آن او است سپاس وبه‌درگاه تو است شکایت وتوئی یاور، بار خدایا از آنِ تو است سپاس چنانت که سزا است، سپاس از آن خدا است به‌همهٔ انواع سپاسش برابرِ همهٔ نعمت‌هایش تا سپاس برسد بدانجا که پروردگارم

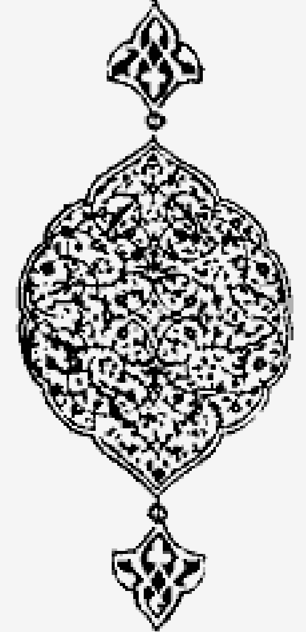


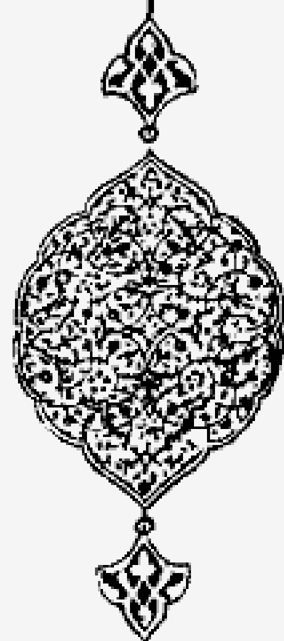
لِلّٰهِ مِلْءَ الْمِيزانِ وَمُنْتَهىٰ الرِّضا وَزِنَةَ الْعَرْشِ وَسُبْحانَ اللّٰهِ مِلْءَ الْمِيزانِ وَمُنْتَهىٰ الرِّضا وَزِنَةَ الْعَرْشِ وَاللّٰهُ أَكْبَرُ مِلْءَ الْمِيزانِ وَمُنْتَهىٰ الرِّضا وَزِنَةَ الْعَرْشِ وَلا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ مِلْءَ الْمِيزانِ وَمُنْتَهىٰ الرِّضا وَزِنَةَ الْعَرْشِ» تُعِيدُ ذٰلِكَ أَرْبَعَ مَرّاتٍ ثُمَّ تَقُولُ: «[اللّٰهُمَّ] أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ الْعَبْدِ الذَّلِيلِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَغْفِرَ لَنا ذُنُوبَنا وَتَقْضِيَ لَنا حَوائِجَنا فِي الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ فِي يُسْرٍ مِنْكَ وَعافِيَةٍ».

٦ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيادٍ، عَنْ بَعْضِ أَصْحابِهِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفَرَجِ قالَ: كَتَبَ إِلَيَّ أَبُو جَعْفَرٍ ابْنُ الرِّضا عليهما السلام بِهٰذَا الدُّعاءِ وَعَلَّمَنِيهِ وَقالَ:

مَنْ قالَ فِي دُبُرِ صَلاةِ الْفَجْرِ لَمْ يَلْتَمِسْ حاجَةً إِلَّا تَيَسَّرَتْ لَهُ وَكَفاهُ اللّٰهُ ما أَهَمَّهُ:

«بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أُفَوِّضُ أَمْرِي إِلَى اللّٰهِ إِنَّ اللّٰهَ بَصِيرٌ بِالْعِبادِ ۞ فَوَقاهُ اللّٰهُ سَيِّئاتِ ما مَكَرُوا، لا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ، سُبْحانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظّالِمِينَ ۞ فَاسْتَجَبْنا لَهُ وَنَجَّيْناهُ مِنَ الْغَمِّ وَكَذٰلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ ۞ حَسْبُنَا اللّٰهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ ۞ فَانْقَلَبُوا بِنِعْمَةٍ مِنَ اللّٰهِ وَفَضْلٍ لَمْ يَمْسَسْهُمْ سُوءٌ ما شاءَ اللّٰهُ لا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ [الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ] ما شاءَ اللّٰهُ لا ما شاءَ النّاسُ ما شاءَ اللّٰهُ وَإِنْ كَرِهَ النّاسُ، حَسْبِيَ الرَّبُّ مِنَ الْمَرْبُوبِينَ حَسْبِيَ الْخالِقُ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ





دوست دارد وخشنود شود.

وبعد از نماز بامداد پیش از سخن گفتن می‌گوئی: سپاس از آن خدا است پرمیزان وبه‌نهایت رضاها وبه‌وزن عرش ومنزّه باد خدا پرمیزان وبه‌نهایت رضا وبه‌وزن عرش والله اکبر پرمیزان وبه‌نهایت رضا وبه‌وزن عرش ولا الٰه الاّ الله ملؤ المیزان ومنتهی‌الرضا وزنة العرش، چهار بار آن را می‌گوئی وسپس می‌گوئی: بار خدایا از تو خواهش کنم خواهش کردن بنده‌ای خوار که رحمت فرستی بر محمد وآل محمد وبیامرزی گناهان مرا وبرآوری حاجت مرا در دنیا وآخرت به‌آسانی وعافیتِ خود. [۸۳]

۶ ـ از محمد بن الفرج گوید: امام جواد(ع) این دعا را برای من نوشت وآن را به‌من آموخت، وگوید: فرمود: هرکه دنبال نمازِ بامداد آن را بخواند هیچ حاجتی نخواهد جز آنکه برایش میسّر گردد وهر مهمی دارد خدا برای او کفایت کند، ودعا این است: بسم الله وبالله وصلی الله علی محمد وآله وافوّض امری الی الله انّ الله بصیر بالعباد. یعنی واگذارم کار خود را به‌خدا زیرا خدا به‌بنده‌ها بینا است وخدا او را از بدکرداریهای هرچه نیرنگ ریختند نگه‌داشت، نیست شایستهٔ پرستشی جز تو، منزّهی تو، به‌راستی من بودم از گروه ستمکاران، ما او را اجابت کردیم واز غمش رها ساختیم وچنین رها کنیم مؤمنان را، بس است ما را خدا وچه خوب وکیلی است، پس برگشتند با نعمت وفضل او ونرسید بدانها بدی هرچه خدا خواهد است، نیست جنبش ونه توانی جز به‌خدا(بلند مقام وبزرگوار) آنچه شود که خدا خواهد نه آنچه را مردم خواهند، آنچه شود که خدا خواهد گرچه مردم را بد آید، بس است مرا پروردگار از پرورده شده‌ها، بس است مرا آفریدگار از آفریده شده‌ها، بس است مرا



حَسْبِيَ الرّازِقُ مِنَ الْمَرْزُوقِينَ حَسْبِيَ الَّذِي لَمْ يَزَلْ حَسْبِي مُنْذُ قَطُّ حَسْبِيَ اللّٰهُ الَّذِي لا إِلٰهَ إِلّا هُوَ، عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ».

وَقالَ: إِذا انْصَرَفْتَ مِنْ صَلاةٍ مَكْتُوبَةٍ فَقُلْ:

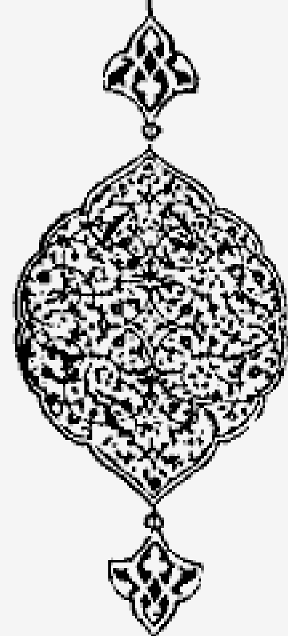
«رَضِيتُ بِاللّٰهِ رَبّاً وَبِمُحَمَّدٍ نَبِيّاً وَبِالإِسْلامِ دِيناً وَبِالْقُرْآنِ كِتاباً وَبِفُلانٍ وَفُلانٍ أَئِمَّةً اللّٰهُمَّ وَلِيُّكَ فُلانٌ فَاحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ وَعَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ شِمالِهِ وَمِنْ فَوْقِهِ وَمِنْ تَحْتِهِ وَامْدُدْ لَهُ فِي عُمُرِهِ وَاجْعَلْهُ الْقائِمَ بِأَمْرِكَ وَالْمُنْتَصِرَ لِدِينِكَ وَأَرِهِ ما يُحِبُّ وَما تَقِرُّ بِهِ عَيْنُهُ فِي نَفْسِهِ وَذُرِّيَّتِهِ وَفِي أَهْلِهِ وَمالِهِ وَفِي شِيعَتِهِ وَفِي عَدُوِّهِ وَأَرِهِمْ مِنْهُ ما يَحْذَرُونَ وَأَرِهِ فِيهِمْ ما يُحِبُّ وَتَقِرُّ بِهِ عَيْنُهُ وَاشْفِ صُدُورَنا وَصُدُورَ قَوْمٍ مُؤْمِنِينَ».

قالَ: وكانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّم يَقُولُ إِذا فَرَغَ مِنْ صَلاتِهِ:

«اللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِي ما قَدَّمْتُ وَما أَخَّرْتُ وَما أَسْرَرْتُ وَما أَعْلَنْتُ وَإِسْرافِي عَلىٰ نَفْسِي وَما أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنِّي.

اللّٰهُمَّ أَنْتَ الْمُقَدِّمُ وَأَنْتَ الْمُؤَخِّرُ لا إِلٰهَ إِلّا أَنْتَ بِعِلْمِكَ الْغَيْبَ وَبِقُدْرَتِكَ عَلَى الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ ما عَلِمْتَ الْحَياةَ خَيْراً لِي فَأَحْيِنِي، وَتَوَفَّنِي إِذا عَلِمْتَ الْوَفاةَ خَيْراً لِي.

اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَشْيَتَكَ فِي السِّرِّ وَالْعَلانِيَةِ وَكَلِمَةَ الْحَقِّ فِي الْغَضَبِ وَالرِّضا وَالْقَصْدَ فِي الْفَقْرِ وَالْغِنىٰ وَأَسْأَلُكَ نَعِيماً لا يَنْفَدُ



روزی ده از روزی خورها، بس است مرا آنکه پیوسته بس بوده مرا از آغاز هرگز، بس است مرا خدا که نیست شایستهٔ پرستشی جز او، بر او توکّل دارم واو است پروردگار عرش بزرگ.

وفرمود(ع): چون از نمازِ واجب برگذشتی بگو: خشنودم به‌خدا که پروردگار باشد وبه‌محمّد که پیغمبر باشد وبه‌اسلام که دینم باشد وبه‌قرآن که کتاب مذهبم باشد وبه‌فلان وفلان که امامم باشند (نام ائمه را برد)، بار خدایا ولی تو فلان (نام امام زمان را برد) او را نگهدار از برابرش ودنبال سرش واز سمت راست واز سمت چپش واز بالای سر وزیر پایش وعمرش را دراز دار واو را به‌امر خود بگمار ویاری کنندهٔ دینت دار وبه‌او بنما آنچه را دوست دارد وآنچه مایهٔ روشنی چشم او است دربارهٔ خودش ونژادش ودربارهٔ خاندانش ومالش ودربارهٔ شیعیانش ودربارهٔ دشمنانش وبنما بدانها از وی آنچه را که در حذر شوند وبنما به‌او دربارهٔ آنان آنچه دوست دارد ومایهٔ چشم‌روشنی او است وشفابخش سینه‌های ما وسینه‌های مردم باایمان را.

فرمود: چون پیغمبر(ص) از نمازش فارغ می‌شد می‌گفت: بار خدایا بیامرز برایم آنچه پیش کردم وآنچه پس انداختم وآنچه نهان کردم وآنچه عیان ساختم وبیامرز اسرافم را دربارهٔ خودم وآنچه را که تو بدان از خود من هم داناتری، بار خدایا تو پیش داری وتو پس اندازی ونیست شایستهٔ پرستشی جز تو بحق علم غیبت وتوانائیت بر همه خلقت تا زندگی را برای بهتر دانی مرا زنده‌دار وچون وفاتم را بهتر دانی جانم را بگیر، بار خدایا من از تو خواستارم ترس از تو را در نهان وعیان وسخن حق را در حال خشم وخشنودی ومیانه‌روی در زندگی را در حال فقر وتوانگری واز تو خواهم نعمتی فنا ناپذیر



وَقُرَّةَ عَيْنٍ لا يَنْقَطِعُ وَأَسْأَلُكَ الرِّضا بِالْقَضاءِ وَبَرَكَةَ الْمَوْتِ بَعْدَ الْعَيْشِ وَبَرْدَ الْعَيْشِ بَعْدَ الْمَوْتِ وَلَذَّةَ الْمَنْظَرِ إِلىٰ وَجْهِكَ وَشَوْقاً إِلىٰ رُؤْيَتِكَ وَلِقائِكَ مِنْ غَيْرِ ضَرّاءَ مُضِرَّةٍ وَلا فِتْنَةٍ مُضِلَّةٍ.

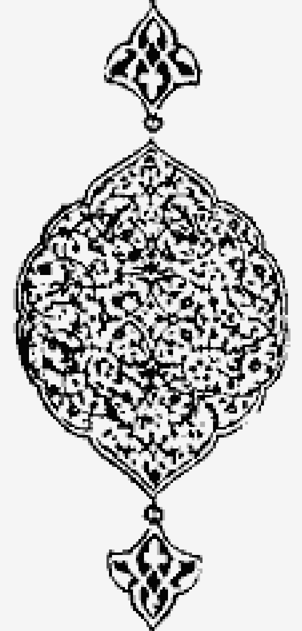
اللّٰهُمَّ زَيِّنّا بِزِينَةِ الْإِيمانِ وَاجْعَلْنا هُداةً مَهْدِيِّينَ.

اللّٰهُمَّ اهْدِنا فِيمَنْ هَدَيْتَ.

اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ عَزِيمَةَ الرَّشادِ وَالثَّباتَ فِي الْأَمْرِ وَالرُّشْدِ وَأَسْأَلُكَ شُكْرَ نِعْمَتِكَ وَحُسْنَ عافِيَتِكَ وَأَداءَ حَقِّكَ وَأَسْأَلُكَ يا رَبِّ قَلْباً سَلِيماً وَلِساناً صادِقاً وَأَسْتَغْفِرُكَ لِما تَعْلَمُ وَأَسْأَلُكَ خَيْرَ ما تَعْلَمُ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ ما تَعْلَمُ فَإِنَّكَ تَعْلَمُ وَلا نَعْلَمُ وَأَنْتَ عَلّامُ الْغُيُوبِ».

٧ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ، عَنْ حَمّادِ بْنِ عُثْمانَ، عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ، قالَ: سَمِعْتُ أَبا عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام يَقُولُ: جاءَ جَبْرَئِيلُ عَلَيْهِ السَّلام إِلىٰ يُوسُفَ وَهُوَ فِي السِّجْنِ فَقالَ لَهُ: يا يُوسُفُ قُلْ فِي دُبُرِ كُلِّ صَلاةٍ: «اللّٰهُمَّ اجْعَلْ لِي فَرَجاً وَمَخْرَجاً وَارْزُقْنِي مِنْ حَيْثُ أَحْتَسِبُ وَمِنْ حَيْثُ لا أَحْتَسِبُ».

٨ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسىٰ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ، عَنْ بَكْرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَمَّنْ رَواهُ، عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: مَنْ قالَ هٰذِهِ الْكَلِماتِ عِنْدَ كُلِّ صَلاةٍ مَكْتُوبَةٍ حُفِظَ فِي نَفْسِهِ وَدارِهِ وَمالِهِ وَوُلْدِهِ: أُجِيرُ نَفْسِي وَمالِي وَوُلْدِي وَأَهْلِي وَدارِي وَكُلَّ ما هُوَ مِنِّي بِاللّٰهِ الْواحِدِ الْأَحَدِ الصَّمَدِ الَّذِي لَمْ



وروشنی چشمی که دنباله‌اش نبرد واز تو خواهم رضا به‌قضا وبرکت ومیمنتِ مرگ را بعد از زندگی وزندگی خوش وخرّم پس از مرگ ولذّت نگاه به‌سوی رویت وشیفتگی به‌دیدار ولقایت بی‌زیان کاهنده وبی فتنهٔ گمراه کننده، بار خدایا ما را به‌ایمان بیارای وما را رهبرانی درست مقرر ساز، بار خدایا رهبری کن ما را با کسانی که رهبری کردی، بار خدایا راستی که من از تو خواهم تصمیم به‌درست روی وپایداری در کار ورهجوئی را واز تو خواهم توفیقِ شکرگزاری نعمت وحسن عافیت وپرداخت حقت را واز تو خواهم پروردگارا دلی سالم وزبانی راستگو واز تو آمرزش خواهم مر آنچه را که می‌دانی واز تو خواهم بهتر آنچه را که می‌دانی وبه‌تو پناه برم از شرّ آنچه می‌دانی زیرا تو می‌دانی وما نمی‌دانیم وتو علاّم الغیوبی.

۷ ـ از سیف بن عمیره گوید: از امام صادق (ع) شنیدم می‌فرمود:

جبرئیل در زندان نزد یوسف (ع) آمد وبه‌او گفت:

ای یوسف در دنبال هر نمازی بگو:

بار خدایا به‌من فرج وگشایشی بده وروزیم را برسان ازآنجا که گمان برم واز آنجا که گمان نبرم.

۸ ـ از امام صادق (ع) فرمود: هرکه این کلمات را در هنگام هر نماز واجبی بخواند خودش وخانه‌اش ومالش وفرزندش محفوظ بماند:

پناه می‌دهم خودم ومالم وفرزندانم واهلم وخانه‌ام وهرچه دارم به‌خدای یگانه ویکتا آن بی‌نیازی که نه‌زاده وزائیده نشده واحدی همتایش نیست وپناه می‌دهم خود ومال وفرزند وهرچه دارم



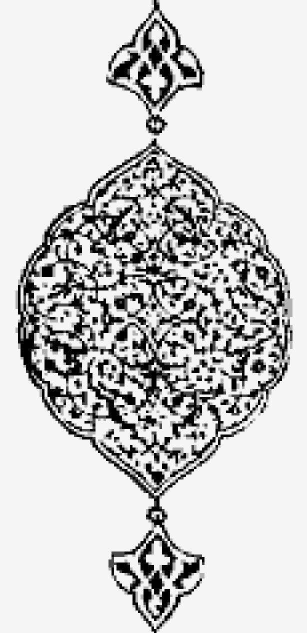
يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُواً أَحَدٌ، وَأُجِيرُ نَفْسي وَمالِي وَوُلْدِي وَكُلَّما هُوَ مِنّي بِرَبِّ الْفَلَقِ مِنْ شَرِّ ما خَلَقَ ـ إلىٰ آخِرِها ـ وَبِرَبِّ النّاسِ ـ إلىٰ آخِرِها ـ وَآيَةِ الْكُرْسِيِّ ـ إلىٰ آخِرِها ـ.

٩ ـ عَلِيُّ بْنُ إبْراهيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ ابْنِ أَبي عُمَيْرٍ، عَنْ مُعاوِيَةَ بْنِ عَمّارٍ قالَ: مَنْ قالَ فِي دُبُرِ الْفَرِيضَةِ:

«يا مَنْ يَفْعَلُ ما يَشاءُ وَلا يَفْعَلُ ما يَشاءُ أَحَدٌ غَيْرُهُ» ـ ثَلاثاً ـ ثُمَّ سَأَلَ أُعْطِيَ ما سَأَلَ.

١٠ ـ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إسْحاقَ، عَنْ سَعْدانَ، عَنْ سَعِيدِ بْنِ يَسارٍ قالَ: قالَ أَبُو عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام: إذا صَلَّيْتَ الْمَغْرِبَ فَأَمِرَّ يَدَكَ عَلىٰ جَبْهَتِكَ وَقُلْ: «بِسْمِ اللّٰهِ الَّذِي لا إلٰهَ إلّا هُوَ عالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهادَةِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ، اللّٰهُمَّ أَذْهِبْ عَنّي الْهَمَّ [وَالْغَمَّ] وَالْحُزْنَ» ـ ثَلاثَ مَرّاتٍ ـ.

١١ ـ عَلِيُّ بْنُ إبْراهيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ ابْنِ أَبي عُمَيْرٍ، عَنْ مُحَمَّدٍ الْجُعْفِيِّ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ أَبي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: كُنْتُ كَثِيراً ما أَشْتَكِي عَيْنِي فَشَكَوْتُ ذٰلِكَ إلىٰ أَبي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام فَقالَ: أَلا أُعَلِّمُكَ دُعاءً لِدُنْياكَ وَآخِرَتِكَ وَبَلاغاً لِوَجَعِ عَيْنَيْكَ؟ قُلْتُ: بَلىٰ، قالَ: تَقُولُ فِي دُبُرِ الْفَجْرِ وَدُبُرِ الْمَغْرِبِ: «اللّٰهُمَّ إنّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْكَ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلِ النُّورَ فِي بَصَرِي وَالْبَصِيرَةَ فِي دِينِي وَالْيَقِينَ فِي قَلْبِي وَالْإخْلاصَ فِي





برب الفلق از شرّ آنچه آفریده (تا آخر سوره) وبرب الناس (تا آخر سوره) وآیة الکرسی (تا آخر). [۸٤]

۹ ـ از معاویة بن عمار گوید:

هر که در دنبال نماز فریضه سه بار بگوید: یا من یفعل ما یشاء ولا یفعل ما یشاء احدٌ غیره ـ یعنی ای کسی که هرچه خواهد می‌کند ودیگری نباشد جز او که هرچه را خواهد بتواند کرد ـ سپس خواهش کند به‌او داده شود هرچه را خواهش کرده.

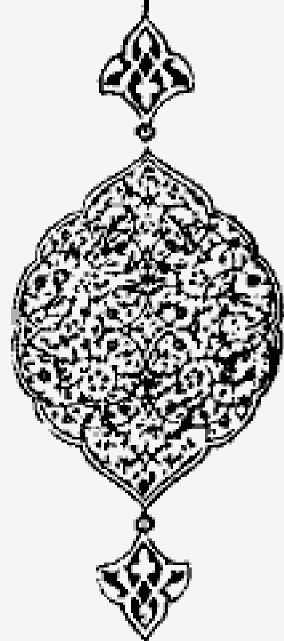
۱۰ ـ امام صادق (ع) فرمود:

هر گاه نماز مغرب را خواندی، دست بر پیشانیِ خود بکش وسه بار بگو:

بسم الله الذی لااله الاّ هو عالم الغیب والشهادة الرحمن الرحیم، اللّهم اذهب عنّی الهم (والغمّ) والحزن.

۱۱ ـ از محمد جعفی از پدرش که گفت: من بسیار از چشم خود شکایت داشتم وشکایتش را نزد امام صادق (ع) بردم، فرمود: به‌تو دعائی می‌آموزم که برای دنیا وآخرت ودرد چشمت سودمند باشد؟

گفتم: چرا، فرمود: در دنبال نماز بامداد ونماز مغرب می‌گوئی: بار خدایا من از تو خواهم بحق محمد وآل محمد بر تو که رحمت فرستی به‌محمد وآل محمد ونور در دیدهٔ من گذاری وبینائی در دینم ویقین در دلم واخلاص در دلم وسلامت در جانم ووسعت





عَمَلِي وَالسَّلامَةَ فِي نَفْسِي وَالسَّعَةَ فِي رِزْقِي وَالشُّكْرَ لَكَ أَبَداً ما أَبْقَيْتَنِي».

١٢ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ قالَ: حَدَّثَنِي أَبُو جَعْفَرٍ الشَّامِيُّ قالَ: حَدَّثَنِي رَجُلٌ بِالشَّامِ يُقالُ لَهُ: هِلْقامُ بْنُ أَبِي هِلْقام قالَ: أَتَيْتُ أَبا إِبْراهِيمَ عَلَيهِ السَّلام فَقُلْتُ لَهُ: جُعِلْتُ فِداكَ عَلِّمْنِي دُعاءً جامِعاً لِلدُّنْيا وَالآخِرَةِ وَأَوْجِزْ، فَقالَ: قُلْ فِي دُبُرِ الْفَجْرِ إِلىٰ أَنْ تَطْلُعَ الشَّمْسُ: «سُبْحانَ اللّٰهِ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ أَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ وَأَسْأَلُهُ مِنْ فَضْلِهِ».

قالَ هِلْقامُ: لَقَدْ كُنْتُ مِنْ أَسْوَءِ أَهْلِ بَيْتِي حالاً فَما عَلِمْتُ حَتّىٰ أَتانِي مِيراثٌ مِنْ قِبَلِ رَجُلٍ ما ظَنَنْتُ أَنَّ بَيْنِي وَبَيْنَهُ قَرابَةً وَإِنِّي الْيَوْمَ لَمِنْ أَيْسَرِ أَهْلِ بَيْتِي وَما ذٰلِكَ إِلّا بِما عَلَّمَنِي مَوْلايَ الْعَبْدُ الصّالِحُ عَلَيهِ السَّلام.

بابُ الدُّعاءِ لِلرِّزْقِ

١ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسىٰ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خالِدٍ، وَالْحُسَيْنُ بْنُ سَعِيدٍ جَمِيعاً، عَنِ الْقاسِمِ بْنِ عُرْوَةَ، عَنْ أَبِي جَمِيلَةَ، عَنْ مُعاوِيَةَ بْنِ عَمّارٍ قالَ: سَأَلْتُ أَبا عَبْدِاللّٰهِ عَلَيهِ السَّلام

در روزیم وشکرگزاری برای خودت تا مرا زنده می‌داری.

۱۲ ـ ابو جعفر شامی باز گفته است که: مردی در شام به‌نام هلقام بن ابی هلقام گفت: من نزد امام کاظم (ع) رفتم وبه‌او گفتم: قربانت دعائی به‌من بیاموز که جامع دنیا وآخرت باشد وکوتاه بفرما.

در پاسخ فرمود: دنبال نماز بامداد تا برآمدن آفتاب بگو: سبحان اللّٰه العظیم وبحمده واستغفر اللّٰه واسأله من فضله.

هلقام گوید: من میان خاندانم از همه بدحالتر بودم وبر اثر این دعاء، ندانسته میراث مردی به‌من رسید که گمان نمی‌کردم بامن خویشاوند باشد ومن امروزه در خاندانم از همه توانگرترم وسببی برای آن نمی‌دانم جز همان دعائی که مولایم عبدصالح به‌من آموخت.

باب دعا برای روزی

۱ ـ از معاویة بن عمّار گوید: از امام صادق (ع) خواستم که به‌من دعائی برای روزی بیاموزد وبه‌من دعائی آموخت که چیزی را ندیدم برای روزی از آن جالبتر باشد، فرمود: بگو: اللهم ارزقنی من

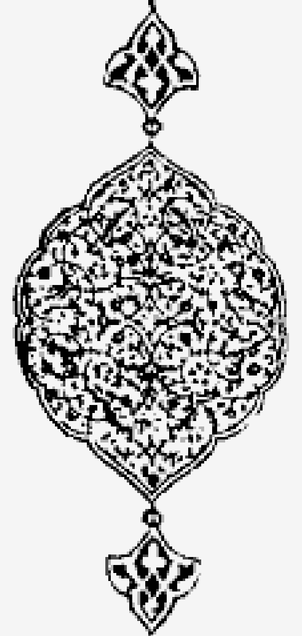


أَنْ يُعَلِّمَنِي دُعاءً لِلرِّزْقِ، فَعَلَّمَنِي دُعاءً ما رَأَيْتُ أَجْلَبَ مِنْهُ لِلرِّزْقِ قالَ: قُلِ:

«اللّٰهُمَّ ارْزُقْنِي مِنْ فَضْلِكَ الْواسِعِ الْحَلالِ الطَّيِّبِ، رِزْقاً واسِعاً حَلالاً طَيِّباً بَلاغاً لِلدُّنْيا وَالْآخِرَةِ، صَبّاً صَبّاً، هَنِيئاً مَرِيئاً، مِنْ غَيْرِ كَدٍّ وَلا مَنٍّ مِنْ أَحَدِ خَلْقِكَ إِلّا سَعَةً مِنْ فَضْلِكَ الْواسِعِ فَإِنَّكَ قُلْتَ: ((وَآسْأَلُوا آللّٰهَ مِن فَضْلِهِ)) فَمِنْ فَضْلِكَ أَسْأَلُ، وَمِنْ عَطِيَّتِكَ أَسْأَلُ، وَمِنْ يَدِكَ الْمَلْأىٰ أَسْأَلُ».

٢ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنِ ابْنِ فَضّالٍ، عَنْ يُونُسَ، عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام: لَقَدِ اسْتَبْطَأْتُ الرِّزْقَ فَغَضِبَ ثُمَّ قالَ لِي: قُلِ: «اللّٰهُمَّ إِنَّكَ تَكَفَّلْتَ بِرِزْقِي وَرِزْقِ كُلِّ دابَّةٍ، يا خَيْرَ مَدْعُوٍّ وَيا خَيْرَ مَنْ أَعْطىٰ وَيا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ وَيا أَفْضَلَ مُرْتَجىً افْعَلْ بِي كَذا وَكَذا».

٣ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ، عَنْ إِسْماعِيلَ بْنِ عَبْدِالْخالِقِ قالَ: أَبْطَأَ رَجُلٌ مِنْ أَصْحابِ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّم عَنْهُ ثُمَّ أَتاهُ فَقالَ لَهُ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّم: ما أَبْطَأَ بِكَ عَنّا؟ فَقالَ: السُّقْمُ وَالْفَقْرُ، فَقالَ لَهُ: أَفَلا أُعَلِّمُكَ دُعاءً يُذْهِبُ اللّٰهُ عَنْكَ بِالسُّقْمِ وَالْفَقْرِ؟ قالَ: بَلىٰ يا رَسُولَ اللّٰهِ، فَقالَ: قُلْ: «لا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ إِلّا بِاللّٰهِ [الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ] تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لا يَمُوتُ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ [صاحِبَةً وَلا] وَلَداً وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي





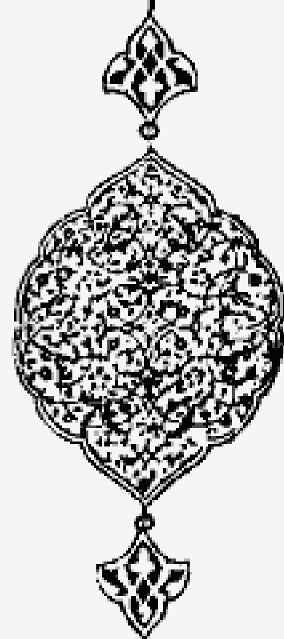
فضلک الواسع الطیب، رزقاً واسعاً حلالاً طیباً بلاغاً للدنیا والاخرة صبّاً صبّاً هنیئاً مریئاً من غیر کدّ ولا منّ من احد خلقک الاّ سعة من فضلک الواسع فانک قلت(۳۱ سوره نساء): «واسألوا الله من فضله» فمن فضلک اسأل ومن عطیّتک اسأل ومن یدک الملاء اسأل (بار خدایا به‌من روزی بده از فضلِ واسع وحلال وپاکِ خود، روزیِ واسع وحلال وپاک، رسا بکارِ دنیا وآخرت فرو ریز، فرو ریز، گوارا وخوشگوار وبی‌رنج ومنّت از احدی جز از فضلِ وسیع خودت، زیرا تو گفتی: «از خدا خواهش کنید از فضلِ او» من از فضلت خواستارم واز عطایت خواستارم واز آنچه پردست داری خواستارم).

۲ ـ از ابی بصیر گوید: به‌امام صادق (ع) گفتم: آمدن روزی را کند می‌شمارم. به‌خشم شد وبه‌من فرمود:

بگو: بار خدایا تو کفیل رزق من وهر جنبنده شدی، ای بهترین خوانده شده وای بهترین عطا بخش، ای بهترین کسی که از او خواهش شود وای برتر کسی که به‌او امید دارند بامن چنین وچنین کن.

۳ ـ از اسماعیل بن عبد الخالق گوید: مردی از اصحاب پیغمبر(ص) دیر به‌خدمت او رسید وسپس نزد آن حضرت آمد، پس رسول‌خدا(ص) به‌او فرمود: چه چیز موجب دیر کردنت شد از آمدن نزدِ ما؟ عرض کرد: بیماری ونداری، فرمود: آیا به‌تو دعائی یاد ندهم که خدا به‌وسیلهٔ آن بیماری ونداری را از تو ببرد؟ عرض کرد:

چرا یا رسول الله، فرمود: بگو: لاحول ولاقوة الاّ بالله العلی العظیم توکلت علی الحی الذی لایموت والحمد لله الذی لم یتّخذ صاحبة ولا ولداً ولم یکن له شریک فی الملک ولم یکن له ولی من

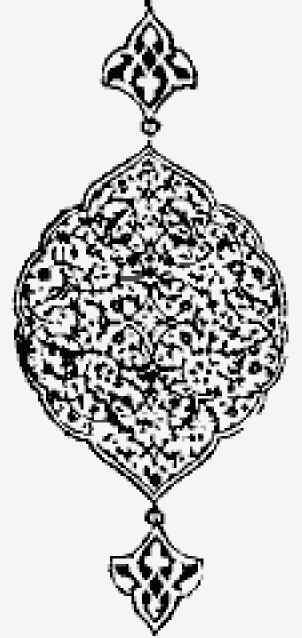




الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ وَكَبِّرْهُ تَكْبِيراً»، قالَ: فَما لَبِثَ أَنْ عادَ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فَقالَ: يا رَسُولَ اللّٰهِ قَدْ أَذْهَبَ اللّٰهُ عَنِّي السُّقْمَ وَالْفَقْرَ.

٤ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ حَمّادِ بْنِ عِيسىٰ، عَنْ إِبْراهِيمَ بْنِ عُمَرَ الْيَمانِيِّ، عَنْ زَيْدٍ الشَّحّامِ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: ادْعُ فِي طَلَبِ الرِّزْقِ فِي الْمَكْتُوبَةِ وَأَنْتَ ساجِدٌ: «يا خَيْرَ الْمَسْؤُولِينَ وَيا خَيْرَ الْمُعْطِينَ ارْزُقْنِي وَارْزُقْ عِيالِي مِنْ فَضْلِكَ الْواسِعِ فَإِنَّكَ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ».

٥ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسىٰ، عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خالِدٍ، عَنِ الْقاسِمِ بْنِ عُرْوَةَ، عَنْ أَبِي جَمِيلَةَ، عَنْ أَبِي بَصِيرٍ، قالَ: شَكَوْتُ إِلَىٰ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام الْحاجَةَ وَسَأَلْتُهُ أَنْ يُعَلِّمَنِي دُعاءً فِي طَلَبِ الرِّزْقِ فَعَلَّمَنِي دُعاءً ما احْتَجْتُ مُنْذُ دَعَوْتُ بِهِ، قالَ: قُلْ فِي [دُبُرِ] صَلاةِ اللَّيْلِ وَأَنْتَ ساجِدٌ: «يا خَيْرَ مَدْعُوٍّ وَيا خَيْرَ مَسْؤُولٍ وَيا أَوْسَعَ مَنْ أَعْطىٰ وَيا خَيْرَ مُرْتَجىً ارْزُقْنِي وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ وَسَبِّبْ لِي رِزْقاً مِنْ قِبَلِكَ، إِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ».



٦ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسىٰ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي داوُدَ، عَنْ أَبِي حَمْزَةَ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: جاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فَقالَ: يا رَسُولَ



الذل وکبّره تکبیراً. گوید: درنگی نکرد که نزد پیغمبر(ص) بازگشت وعرض کرد: یارسول الله خداوند بیماری ونداری را از من برد.

۴ ـ از امام باقر(ع) فرمود:

برای طلب رزق در سجدهٔ نمازِ واجب بگو:

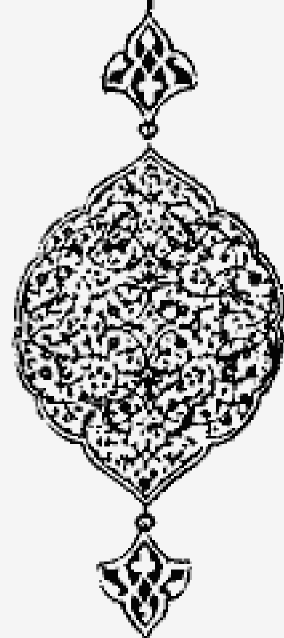
یاخیر المسئولین ویاخیر المعطین ارزقنی وارزق عیالی من فضلک الواسع فانّک ذو الفضل العظیم.

۵ ـ از ابی بصیر گوید: به‌امام صادق(ع) از نیازمندی شکایت کردم واز او خواستم که به‌من دعائی در طلب روزی بیاموزد ودعائی به‌من آموخت که از آن وقت که با آن دعا کردم نیازمند نشدم، فرمود:

در دنبالِ نماز شب در حال سجده بگو:

یا خیر مَدعوّ ویا خیر مسئول ویا اوسع من اعطیٰ ویا خیر مرتجیٰ ارزقنی واوسع علیّ من رزقک وسبّب لی رزقاً من قبلک انک علی کل شیءٌ قدیر.

۶ ـ از امام باقر(ع) که مردی نزد پیغمبر(ص) آمد وگفت: یا رسول‌الله من عیال‌مندم وقرض‌دار وحالم سخت شده، به‌من دعائی بیاموز که با آن به‌درگاه خدا دعا کنم تا به‌من روزی دهد وقرضم را

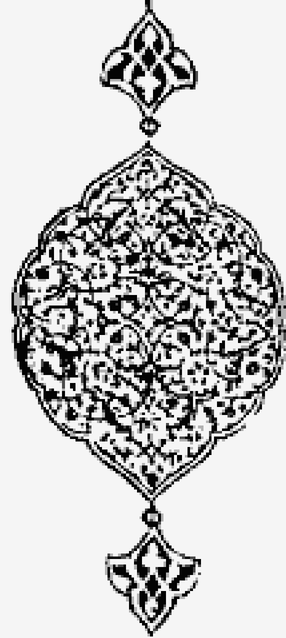




اللّٰهِ إِنّي ذُو عِيالٍ وَعَلَيَّ دَيْنٌ وَقَدِ اشْتَدَّتْ حالِي فَعَلِّمْنِي دُعاءً أَدْعُو اللّٰهَ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ لِيَرْزُقَنِي ما أَقْضِي بِهِ دَيْنِي وَأَسْتَعِينُ بِهِ عَلىٰ عِيالِي، فَقالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: يا عَبْدَ اللّٰهِ تَوَضَّأْ وَأَسْبِغْ وُضُوءَكَ ثُمَّ صَلِّ رَكْعَتَيْنِ تُتِمُّ الرُّكُوعَ وَالسُّجُودَ ثُمَّ قُلْ: «يا ماجِدُ يا واحِدُ يا كَرِيمُ [يا دائِمُ] أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ ـ يا مُحَمَّدُ يا رَسُولَ اللّٰهِ إِنِّي أَتَوَجَّهُ بِكَ إِلَى اللّٰهِ رَبِّكَ وَرَبِّي وَرَبِّ كُلِّ شَيْءٍ ـ أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ وَأَسْأَلُكَ نَفْحَةً كَرِيمَةً مِنْ نَفَحاتِكَ وَفَتْحاً يَسِيراً وَرِزْقاً واسِعاً أَلُمُّ بِهِ شَعْثِي وَأَقْضِي بِهِ دَيْنِي وَأَسْتَعِينُ بِهِ عَلىٰ عِيالِي».

٧ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ، عَنْ أَبانٍ، عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْمُكارِي وَغَيْرِهِ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلامُ قالَ: عَلَّمَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ هٰذَا الدُّعاءَ: يا رازِقَ الْمُقِلِّينَ، يا راحِمَ الْمَساكِينِ، يا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ، يا ذَا الْقُوَّةِ الْمَتِينِ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ وَارْزُقْنِي وَعافِنِي وَاكْفِنِي ما أَهَمَّنِي».

٨ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ مُعَمَّرِ بْنِ خَلّادٍ، عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلامُ قالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ: نَظَرَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلامُ إِلىٰ رَجُلٍ وَهُوَ يَقُولُ: «اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلالِ» فَقالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلامُ: سَأَلْتَ قُوتَ النَّبِيِّينَ قُلِ: «اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ رِزْقاً [حَلالاً] واسِعاً طَيِّباً مِنْ رِزْقِكَ».





بپردازم وبدان بر عیالم کمک گیرم، رسول‌خدا(ص) فرمود: این بندهٔ خدا، وضوء بساز ووضویت را کامل بساز وسپس دو رکعت نماز بگذار با رکوع وسجود کامل، سپس بگو: یاماجد یاواحد یاکریم (یادائم) اتوجه الیک بمحمد نبیک نبی الرحمه، یامحمد یارسول‌اللّٰه انی اتوجه بک الی اللّٰه ربک وربی ورب کل شیئ ان تصلی علی محمد واهل بیته واسئلک نفحةً کریمةً من نفحاتک وفتحاً یسیراً ورزقاً واسعاً المّ به شعثی واقضی به دینی واستعین به علی عیالی.



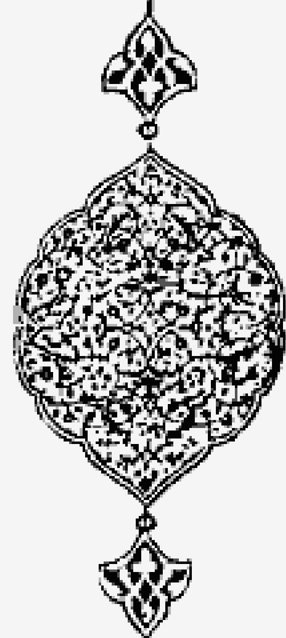
۷ ـ از امام صادق (ع) که رسول خدا(ص) این دعا را تعلیم داد:

یارازق المقلّین(روزی ده ندارها) یاراحم المساکین یاولی المؤمنین، یاذاالقوّة المتین صلّ علی محمد واهل بیته وارزقنی وعافنی واکفنی ما اهمّنی.

۸ ـ از معمّر بن خلّاد گوید:

شنیدم ابوالحسن(ع) می‌فرمود:

امام باقر به‌مردی نگریست که می‌گفت: بار خدایا از تو قوتِ حلال خواستارم. امام باقر(ع) فرمود: تو قوتِ پیغمبران را میطلبی، بگو: بار خدایا راستی که من از تو روزیِ حلال فراوان پاکیزه خواستارم از روزیِ تو.





٩ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خالِدٍ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ قال: قُلْتُ لِلرِّضا عليه السلام: جُعِلْتُ فِداكَ ادْعُ اللّٰهَ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ يَرْزُقَنِيَ الْحَلالَ فَقالَ: أَتَدْرِي مَا الْحَلالُ؟

قُلْتُ: الَّذِي عِنْدَنا الْكَسْبُ الطَّيِّبُ، فَقالَ: كانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليهما السلام يَقُولُ: الْحَلالُ هُوَ قُوتُ الْمُصْطَفَيْنَ ثُمَّ قالَ: قُلْ: «أَسْأَلُكَ مِنْ رِزْقِكَ الْواسِعِ».

١٠ ـ عَنْهُ، عَنْ بَعْضِ أَصْحابِهِ، عَنْ مُفَضَّلِ بْنِ مَزْيَدٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عليه السلام قالَ: قُلِ: «اللّٰهُمَّ أَوْسِعْ عَلَيَّ فِي رِزْقِي وَامْدُدْ لِي فِي عُمُرِي وَاجْعَلْ لِي مِمَّنْ تَنْتَصِرُ بِهِ لِدِينِكَ وَلا تَسْتَبْدِلْ بِي غَيْرِي».

١١ ـ عَنْهُ، عَنْ أَبِي إِبْراهِيمَ عليه السلام دُعاءٌ فِي الرِّزْقِ: «يا اللّٰهُ يا اللّٰهُ يا اللّٰهُ أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مَنْ حَقُّهُ عَلَيْكَ عَظِيمٌ أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَرْزُقَنِي الْعَمَلَ بِما عَلَّمْتَنِي مِنْ مَعْرِفَةِ حَقِّكَ وَأَنْ تَبْسُطَ عَلَيَّ ما حَظَرْتَ مِنْ رِزْقِكَ».

١٢ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيادٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِالْحَمِيدِ الْعَطّارِ، عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ، عَنْ أَبِي بَصِيرٍ، قالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِاللّٰهِ عليه السلام: إِنّا قَدِ اسْتَبْطَأْنا الرِّزْقَ فَغَضِبَ ثُمَّ قالَ: قُلْ:

۹ ـ از احمد بن محمد بن ابی نصر گوید: به‌امام رضا (ع) گفتم:

قربانت، به‌درگاه خدا عز وجل دعا کن که روزیِ حلال به‌من دهد.

پس فرمود: می‌دانی حلال چیست؟

گفتم: آنچه در نزد ما است از کسب پاک.

پس فرمود: علی بن الحسین (ع) می‌فرمود: حلال، قوت برگزیدگان است.

سپس فرمود: بگو: از تو رزق فراوان خواستارم.

۱۰ ـ از امام صادق (ع) فرمود:

بگو: بار خدایا روزیم را فراوان کن وعمرم را دراز کن ومرا از یاوران دینت بگردان ودیگری را بجای من منه.

۱۱ ـ از امام کاظم (ع) در دعای رزق:

یاالله یاالله یاالله از تو خواهش دارم بحق کسی که بر تو حق بزرگ دارد که رحمت فرستی بر محمد وآل محمد وبه‌من روزی کنی عمل بدانچه یادم دادی از شناسائی حقت وبرگشائی به‌رویم آنچه را از روزی خود از من دریغ کردی.

۱۲ ـ از ابی بصیر که به‌امام صادق (ع) گفتم:

ما رسیدن روزی را دیر شمردیم.

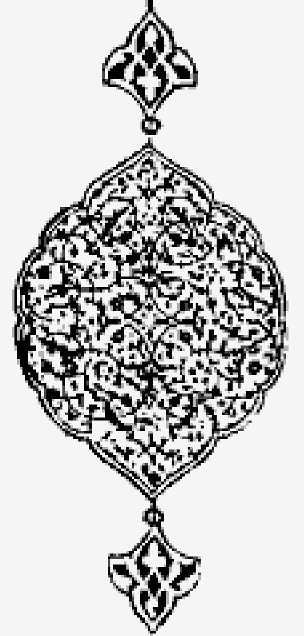
خشم کرد وسپس فرمود: بگو: بار خدایا تو روزی من وروزی هر جانداری را کفالت کردی، ای بهترین کسی که خوانده



«اللّٰهُمَّ إِنَّكَ تَكَفَّلْتَ بِرِزْقِي وَرِزْقِ كُلِّ دابَّةٍ فَيا خَيْرَ مَنْ دُعِيَ وَيا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ وَيا خَيْرَ مَنْ أَعْطىٰ وَيا أَفْضَلَ مُرْتَجىً افْعَلْ بِي كَذا وَكَذا».

١٣ ـ أَبُو بَصِيرٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: كانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِما السَّلام يَدْعُو بِهٰذَا الدُّعاءِ: «اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ حُسْنَ الْمَعِيشَةِ أَتَقَوّىٰ بِها عَلىٰ جَمِيعِ حَوائِجِي وَأَتَوَصَّلُ بِها فِي الْحَياةِ إِلىٰ آخِرَتِي مِنْ غَيْرِ أَنْ تُتْرِفَنِي فِيها فَأَطْغىٰ أَوْ تُقَتِّرَ بِها عَلَيَّ فَأَشْقىٰ، أَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ حَلالِ رِزْقِكَ وَأَفِضْ عَلَيَّ مِنْ سَيْبِ فَضْلِكَ نِعْمَةً مِنْكَ سابِغَةً وَعَطاءً غَيْرَ مَمْنُونٍ ثُمَّ لا تَشْغَلْنِي عَنْ شُكْرِ نِعْمَتِكَ بِإِكْثارٍ مِنْها تُلْهِينِي بَهْجَتُهُ وَتَفْتِنِّي زَهَراتُ زَهْوَتِهِ، وَلا بِإِقْلالٍ عَلَيَّ مِنْها يَقْصُرُ بِعَمَلِي كَدُّهُ وَيَمْلأُ صَدْرِي هَمُّهُ أَعْطِنِي مِنْ ذٰلِكَ يا إِلٰهِي غِنىً عَنْ شِرارِ خَلْقِكَ وَبَلاغاً أَنالُ بِهِ رِضْوانَكَ وَأَعُوذُ بِكَ يا إِلٰهِي مِنْ شَرِّ الدُّنْيا وَشَرِّ ما فِيها، لا تَجْعَلِ الدُّنْيا عَلَيَّ سِجْناً وَلا فِراقَها عَلَيَّ حُزْناً.

أَخْرِجْنِي مِنْ فِتْنَتِها مَرْضِيّاً عَنِّي مَقْبُولاً فِيها عَمَلِي إِلىٰ دارِ الْحَيَوانِ وَمَساكِنِ الْأَخْيارِ وَأَبْدِلْنِي بِالدُّنْيا الْفانِيَةِ نَعِيمَ الدّارِ الْباقِيَةِ.



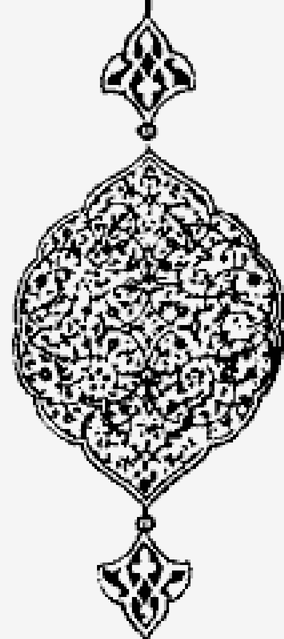
اللّٰهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ أَزْلِها وَزِلْزالِها وَسَطَواتِ شَياطِينِها وَسَلاطِينِها وَنَكالِها وَمِنْ بَغْيِ مَنْ بَغىٰ عَلَيَّ فِيها، اللّٰهُمَّ مَنْ كادَنِي



شود، ای بهترین کسی که از او درخواست شود، وای بهترین کسی که ببخشد، و ای برتر هرکه به‌او امید باشد، با من چنین و چنان کن. [۸۵]

۱۳ ـ از امام صادق (ع) که علی بن الحسین (ع) را شیوه بود که این دعا را می‌خواند:

بار خدایا از تو خواستارم معیشت خوبی که در همه حوائجم از آن نیرو گیرم وبدان در دوران زندگی این جهان برای آخرتم وسیله سازم بی آنکه مرا بدان به‌خوش‌گذرانی بیجا واداری تا سرکشی کنم یا به‌من آنقدر تنگ بگیری که بدبخت شوم، از رزق حلالت به‌من بده واز باران فضلت به‌من تفضّل کن، نعمت بخشی شایانی باشد وعطائی پیوسته وبی‌منّت سپس به‌واسطهٔ بسیاری نعمتت مرا از شکرش باز مدار وبه‌خرّمیش سرگرم مساز وبه‌شکوفائی زیبائیش به‌آشوب مکش، وچندان مکاه که رنج تحصیل آن دست مرا از کردار وعبادت کوتاه سازد وسینه ودلم را از هم وتشویش آن پرکند، به‌من دربارهٔ روزی آنچه را عطا کن که وسیلهٔ بی‌نیازی از شرار خلقت گردد وتا آنجا به‌زندگی من رسا باشد که به‌رضوانت برسم وبه‌تو پناهم، معبودا از شرّ دنیا وشرّ آنچه در دنیا است،دنیا را زندان من مساز وجدائی از آن را مایهٔ اندوهِ من مکن، مرا از گرفتاری وآشوب آن چنان برآور که مورد پسند باشم وکردارم در آن پذیرفته باشد وبه‌سر منزل زندگی جاویدم برسان وبانیکانم همنشین کن بجای دنیای فناپذیر نعمت خانه پاینده‌ام بده، بار خدایا من به‌تو پناه برم از تنگدستی وپریشانی دنیا واز یورش شیاطین وسلاطین وشکنجهٔ آنان واز ستم ودست‌اندازی هرکه در آن به‌من دست‌اندازی





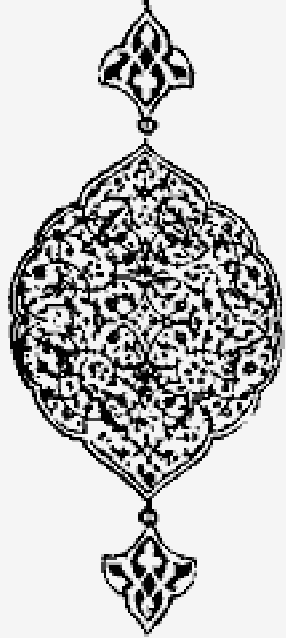
فَكِدْهُ وَمَنْ أَرادَنِي فَأَرِدْهُ.

وَفُلَّ عَنِّي حَدَّ مَنْ نَصَبَ لِي حَدَّهُ وَأَطْفِ عَنِّي نارَ مَنْ شَبَّ لِي وَقُودَهُ وَاكْفِنِي مَكْرَ الْمَكَرَةِ وَافْقَأْ عَنِّي عُيُونَ الْكَفَرَةِ وَاكْفِنِي هَمَّ مَنْ أَدْخَلَ عَلَيَّ هَمَّهُ وَادْفَعْ عَنِّي شَرَّ الْحَسَدَةِ وَاعْصِمْنِي مِنْ ذٰلِكَ بِالسَّكِينَةِ وَأَلْبِسْنِي دِرْعَكَ الْحَصِينَةَ وَاخْبَأْنِي فِي سِتْرِكَ الْواقِي وَأَصْلِحْ لِي حالِي وَصَدِّقْ قَوْلِي بِفِعالِي وَبارِكْ لِي فِي أَهْلِي وَمالِي».

بابُ الدُّعاءِ لِلدَّيْنِ

١ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَسَهْلِ بْنِ زِيادٍ، جَمِيعاً، عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ، عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرّاجٍ، عَنْ وَلِيدِ بْنِ صَبِيحٍ قالَ: شَكَوْتُ إِلىٰ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيهِ السَّلام دَيْناً لِي عَلىٰ أُناسٍ، فَقالَ: قُلِ: «اللّٰهُمَّ لَحْظَةً مِنْ لَحَظاتِكَ تُيَسِّرْ عَلىٰ غُرَمائِي بِها الْقَضاءَ وَتُيَسِّرْ لِي بِهَا الْإِقْتِضاءَ إِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ».

٢ ـ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيُّ، عَنْ مُعَلَّىٰ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشّاءِ، عَنْ حَمّادِ بْنِ عُثْمانَ، عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيهِ السَّلام قالَ: أَتَى النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيهِ وَآلِهِ وَسَلَّم رَجُلٌ فَقالَ: يا نَبِيَّ اللّٰهِ



کند، بار خدایا هر که به‌من نیرنگ کند نیرنگش بزن وهر که آهنگ من کند آهنگِ او کن وهر که به‌من تیغ کشد تیغش را کند کن وهر که به‌من آتش افروزد شعله‌اش را خاموش ساز وکفایت کن از من مکرِ مکّاران وبدر آور از برای من دیدهٔ کافران را وکفایت کن مرا از همّ وغمّ هرکس همّ وغمّی به‌من وارد می‌کند ودفع کن از من شرّ حسودان را ومرا از آن نگهدار به‌آرامی ووقار، وزره استوار خود را به‌اندامم بپوشان ومرا در حفظ حفیظ خود نهان دار وحالم را اصلاح کن وکردارم را مصدّق گفتارم بنما وبه‌اهل ومالم برکت بده. [۸۶]

باب دعا برای دَین و وام

۱ ـ از ولید بن صبیح گوید:

به‌امام صادق (ع) شکایت کردم از اینکه از مردمی بستانکارم (ونمی دهند)، در پاسخ فرمود:

بگو: بار خدایا نظری بفرما که بدهکارانِ من توان پرداخت یابند ومن توان دریافت زیرا تو بر هرچه توانائی.

۲ ـ از امام صادق (ع) فرمود:

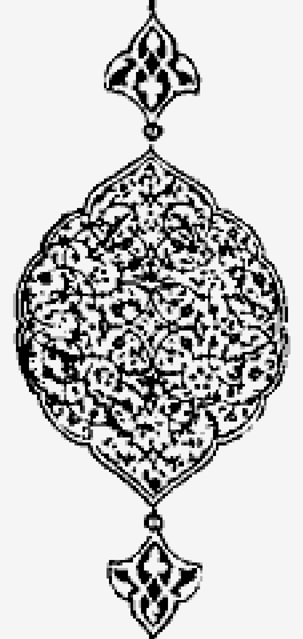
مردی نزد پیغمبر (ص) آمد وگفت: یانبی الله الغالب، من هم بدهکاری دارم وهم وسوسه در سینه. پیغمبر (ص) در پاسخش



الْغالِبُ عَلَيَّ الدَّيْنُ وَوَسْوَسَةُ الصَّدْرِ، فَقالَ لَهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّم قُلْ: «تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لا يَمُوتُ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ صاحِبَةً وَلا وَلَداً وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ وَكَبِّرْهُ تَكْبِيراً».

قالَ: فَصَبَرَ الرَّجُلُ ما شاءَ اللّٰهُ، ثُمَّ مَرَّ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّم فَهَتَفَ بِهِ فَقالَ: ما صَنَعْتَ؟ فَقالَ: أَدْمَنْتُ ما قُلْتَ لِي يا رَسُولَ اللّٰهِ فَقَضَى اللّٰهُ دَيْنِي وَأَذْهَبَ وَسْوَسَةَ صَدْرِي.

٣ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنانٍ، عَنِ ابْنِ مُسْكانَ، عَنْ أَبِي حَمْزَةَ الثُّمالِيِّ، عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: جاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّم فَقالَ: يا رَسُولَ اللّٰهِ قَدْ لَقِيتُ شِدَّةً مِنْ وَسْوَسَةِ الصَّدْرِ وَأَنَا رَجُلٌ مَدِينٌ مُعِيلٌ مُحْوِجٌ فَقالَ لَهُ: كَرِّرْ هٰذِهِ الْكَلِماتِ: «تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لا يَمُوتُ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ صاحِبَةً وَلا وَلَداً وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ وَكَبِّرْهُ تَكْبِيراً» فَلَمْ يَلْبَثْ أَنْ جاءَهُ فَقالَ: أَذْهَبَ اللّٰهُ عَنِّي وَسْوَسَةَ صَدْرِي وَقَضَى عَنِّي دَيْنِي وَوَسَّعَ عَلَيَّ رِزْقِي.



٤ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ عَبْدِاللّٰهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ، عَنْ مُوسَى بْنِ بَكْرٍ، عَنْ أَبِي إِبْراهِيمَ عَلَيْهِ السَّلام كانَ كَتَبَهُ لِي فِي قِرْطاسٍ: «اللّٰهُمَّ ارْدُدْ إِلَى جَمِيعِ خَلْقِكَ مَظالِمَهُمُ الَّتِي قِبَلِي، صَغِيرَها



فرمود: بگو: توکلت علی الحی الذی لایموت والحمد للّه الذی لم یتخذ صاحبةً ولا ولداً ولم یکن له شریک فی الملک ولم یکن له ولیّ من الذل وکبره تکبیرا.

گوید: آن مرد تا زمانی که خدا می‌خواست گذرانید وسپس پیغمبر گذر کرد، پیغمبر او را آواز داد وگفت: چه کردی؟ جواب داد: یارسول‌اللّه، آنچه را به‌من تعلیم دادی ادامه دادم وخدا بدهکاریم را ادا کرد ووسوسهٔ خاطرم را از میان برد.

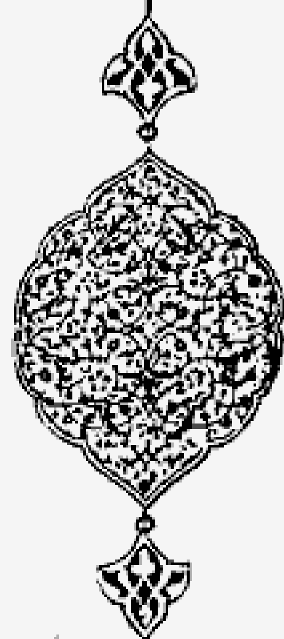
۳ ـ از امام صادق (ع) که مردی نزد پیغمبر (ص) آمد وعرض کرد: یارسول‌اللّه من از وسوسه در سینهٔ خود سختی کشیده ومی‌کشم ومن مردی عیال‌وار ونیازمندم.

به‌او فرمود: این کلمات را تکرار کن:

توکلت علی الحی الذی لایموت والحمد للّه الذی لم یتخذ صاحبة ولا ولداً ولم یکن له شریک فی الملک ولم یکن له ولی من الذل وکبّره تکبیرا.

ودرنگی نشد که نزد او آمد وبه‌آن حضرت عرض کرد: خدا وسوسهٔ سینه‌ام را برد وبدهکاری مرا پرداخت وروزیم را فراوان ساخت.

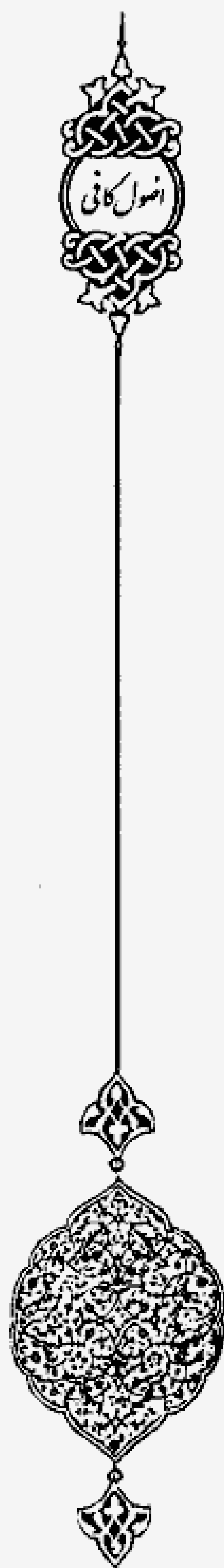
٤ ـ از موسی بن بکر که امام کاظم (ع) این را برایم در کاغذی نوشت: بار خدایا برگردان به‌همه آفریده‌هایت مظالم وحقوقی که به‌عهدهٔ من است از خرد وکلان حقوق باتسهیل خودت



وَكَبِيرها فِي يُسْرٍ مِنْكَ وَعافِيَةٍ وَما لَمْ تَبْلُغْهُ قُوَّتِي وَلَمْ تَسَعْهُ ذاتُ يَدِي وَلَمْ يَقْوِ عَلَيْهِ بَدَنِي وَيَقِينِي وَنَفْسِي فَأَدِّهِ عَنِّي مِنْ جَزِيلِ ما عِنْدَكَ مِنْ فَضْلِكَ ثُمَّ لا تَخْلُفْ عَلَيَّ مِنْهُ شَيْئاً تَقْضِيهِ مِنْ حَسَناتِي، يا أَرْحَمَ الرّاحِمِينَ أَشْهَدُ أَنْ لا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَأَنَّ الدِّينَ كَما شُرِعَ وَأَنَّ الْإِسْلامَ كَما وُصِفَ وَأَنَّ الْكِتابَ كَما أُنْزِلَ وَأَنَّ الْقَوْلَ كَما حُدِّثَ وَأَنَّ اللّٰهَ هُوَ الْحَقُّ الْمُبِينُ ذَكَرَ اللّٰهُ مُحَمَّداً وَأَهْلَ بَيْتِهِ بِخَيْرٍ وَحَيّاً مُحَمَّداً وَأَهْلَ بَيْتِهِ بِالسَّلامِ».

بابُ الدُّعاءِ لِلْكَرْبِ وَالْهَمِّ وَالْحُزْنِ وَالْخَوْفِ

١ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْماعِيلَ بْنِ بَزِيعٍ، عَنْ أَبِي إِسْماعِيلَ السَّرّاجِ، عَنِ ابْنِ مُسْكانَ، عَنْ أَبِي حَمْزَةَ قالَ: قالَ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ عليهما السّلام: يا أَبا حَمْزَةَ ما لَكَ إِذا أَتىٰ بِكَ أَمْرٌ تَخافُهُ أَنْ لا تَتَوَجَّهَ إِلىٰ بَعْضِ زَوايا بَيْتِكَ ـ يَعْنِي الْقِبْلَةَ ـ فَتُصَلِّيَ رَكْعَتَيْنِ ثُمَّ تَقُولَ: «يا أَبْصَرَ النّاظِرِينَ وَيا أَسْمَعَ السّامِعِينَ وَيا أَسْرَعَ الْحاسِبِينَ وَيا أَرْحَمَ الرّاحِمِينَ» (سَبْعِينَ مَرَّةً) كُلَّما دَعَوْتَ بِهٰذِهِ الْكَلِماتِ [مَرَّةً] سَأَلْتَ حاجَةً.



وعافیت و آنچه را نیروی من بدان نرسد واز پرداختش دست‌تنگ باشم وتن ویقین ونفسم بر آن توانا نیست از طرف من پرداخت کن از فضل شایانت سپس چیزی از آن را بر من بجا مگذار که از حسناتم آن را بپردازی یاارحم‌الراحمین، گواهم که نیست شایستهٔ پرستشی جز خدا یگانه است وشریک ندارد و گواهم که محمد (ص) بنده وفرستادهٔ او است وبر اینکه دیانت همان است که دستور داده و کتاب چنان است که فرو فرستاده و گفته همان که بازگفته وبر اینکه خداوند است حق روشن، خدا محمد وخاندانش را بخوبی یاد کند ومحمد وخاندانش را بدرود تحیت رساند.

باب دعا برای گرفتاری وهمّ واندوه وترس

۱ ـ از ابی حمزه گوید: امام باقر (ع) فرمود:
ای ابا حمزه تو را چه شده که هرگاه پیشامدی بیمناکت رخ دهد رو نمی‌کنی به‌یکی از گوشه‌های خانه‌ات ـ یعنی به سوی قبله ـ ودو رکعت نماز بخوانی وبگوئی یاابصر الناظرین ویا اسمع السامعین ویا اسرع الحاسبین ویا ارحم الراحمین، تا هفتاد بار وهر بار که این دعا را خواندی حاجتی بخواهی.

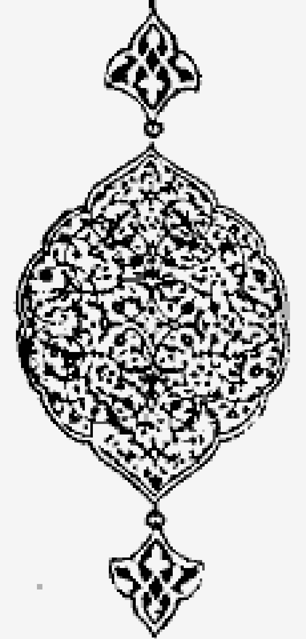


٢ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيادٍ، عَنْ عَبْدِالرَّحْمٰنِ بْنِ أَبِي نَجْرانَ، عَنْ عاصِمِ بْنِ حُمَيْدٍ، عَنْ ثابِتٍ، عَنْ أَسْماءَ قالَتْ: قالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّم: مَنْ أَصابَهُ هَمٌّ أَوْ غَمٌّ أَوْ كَرْبٌ أَوْ بَلاءٌ أَوْ لَأْواءُ فَلْيَقُلْ: «اللّٰهُ رَبِّي وَلا أُشْرِكُ بِهِ شَيْئاً، تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لا يَمُوتُ».

٣ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ أَبِي عُمَيْرٍ، عَنْ هِشامِ بْنِ سالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: إِذا نَزَلَتْ بِرَجُلٍ نازِلَةٌ أَوْ شَدِيدَةٌ، أَوْ كَرَبَهُ أَمْرٌ فَلْيَكْشِفْ عَنْ رُكْبَتَيْهِ وَذِراعَيْهِ وَلْيُلْصِقْهُما بِالْأَرْضِ وَلْيُلْزِقْ جُؤْجُؤَهُ بِالْأَرْضِ ثُمَّ لْيَدْعُ بِحاجَتِهِ وَهُوَ ساجِدٌ.

٤ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَمّارٍ الدَّهّانِ، عَنْ مِسْمَعٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: لَمّا طَرَحَ إِخْوَةُ يُوسُفَ فِي الْجُبِّ أَتاهُ جَبْرَئِيلُ عَلَيْهِ السَّلام فَدَخَلَ عَلَيْهِ فَقالَ:

يا غُلامُ ما تَصْنَعُ هٰهُنا؟ فَقالَ: إِنَّ إِخْوَتِي أَلْقَوْنِي فِي الْجُبِّ، قالَ: فَتُحِبُّ أَنْ تَخْرُجَ مِنْهُ؟ قالَ: ذاكَ إِلَى اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ إِنْ شاءَ أَخْرَجَنِي قالَ: فَقالَ لَهُ: إِنَّ اللّٰهَ تَعالىٰ يَقُولُ لَكَ: ادْعُنِي بِهٰذَا الدُّعاءِ حَتّىٰ أُخْرِجَكَ مِنَ الْجُبِّ فَقالَ لَهُ: وَما الدُّعاءُ؟ فَقالَ: قُلِ: «اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَنَّ لَكَ الْحَمْدَ، لا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ الْمَنّانُ بَدِيعُ السَّماواتِ وَالْأَرْضِ ذُو الْجَلالِ وَالْإِكْرامِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ



۲ ـ رسول خدا(ص) فرمود:

به‌هرکس غمّی یا گرفتاری یا بلائی یا تنگیِ معیشتی برسد باید بگوید:

الله ربی ولا اشرک به شیئاً، توکلت علی الحی الذی لایموت.

۳ ـ از امام صادق (ع) فرمود:

چون به‌کسی ناگواری یا سختی یا گرفتاری در کاری رخ داد باید پا را تا بدو زانو ودستها را تا آرنج برهنه کند وبه‌زمین چسباند وسینه به‌زمین ساید وسپس در حال سجده برای حاجتِ خود دعا کند.

٤ ـ از امام صادق (ع) گوید:

چون برادران یوسف او را در چاه انداختند جبرئیلش آمد وبر او وارد شد وگفت: ای پسرک، در اینجا چه می‌کنی؟ گفت: برادرانم مرا به‌چاه افکندند. گفت: دوست داری که از آن برآئی؟ پاسخ داد:

این با خدا عز وجل است، اگر خواهد مرا بیرون آورد.

به‌او گفت: خدا تعالی به‌تو می‌گوید: مرا با این دعا بخوان تا تو را از چاه برآورم. به‌او گفت: آن دعا چیست؟ گفت: بگو: اللهم انی اسألک بان لک الحمد لااله الاّ انت المنّان بدیع السمٰوات والارض ذوالجلال والاکرام ان تصلی علی محمد وآل محمد وآن تجعل لی مما انا فیه فرجاً ومخرجاً.

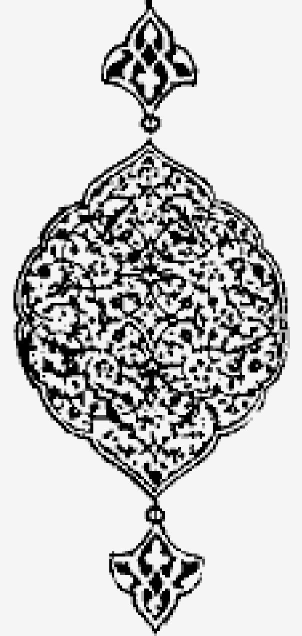


تَجْعَلَ مِمّا أَنَا فِيهِ فَرَجاً وَمَخْرَجاً» قالَ: ثُمَّ كانَ مِنْ قِصَّتِهِ ما ذَكَرَ اللّٰهُ فِي كِتابِهِ.

٥ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَسْماعِيلَ، عَنْ أَبِي إِسْماعِيلَ السَّرّاجِ، عَنْ مُعاوِيَةَ بْنِ عَمّارٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام أَنَّ الَّذِي دَعا بِهِ أَبُو عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام عَلىٰ داوُدَ بْنِ عَلِيٍّ حِينَ قَتَلَ الْمُعَلَّىٰ بْنَ خُنَيْسٍ وَأَخَذَ مالَ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام: «اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِنُورِكَ الَّذِي لا يُطْفىٰ وَبِعَزائِمِكَ الَّتِي لا تُخْفىٰ وَبِعِزِّكَ الَّذِي لا يَنْقَضِي وَبِنِعْمَتِكَ الَّتِي لا تُحْصىٰ وَبِسُلْطانِكَ الَّذِي كَفَفْتَ بِهِ فِرْعَوْنَ عَنْ مُوسىٰ عَلَيْهِ السَّلام».

٦ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ بَعْضِ أَصْحابِهِ، عَنْ إِسْماعِيلَ بْنِ جابِرٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام فِي الْهَمِّ قالَ: تَغْتَسِلُ وَتُصَلِّي رَكْعَتَيْنِ وَتَقُولُ: «يا فارِجَ الْهَمِّ وَيا كاشِفَ الْغَمِّ يا رَحْمٰنَ الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ وَرَحِيمَهُما فَرِّجْ هَمِّي وَاكْشِفْ غَمِّي يا اللّٰهُ الْواحِدُ الْأَحَدُ الصَّمَدُ الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُواً أَحَدٌ، اعْصِمْنِي وَطَهِّرْنِي وَاذْهَبْ بِبَلِيَّتِي» وَاقْرَأْ آيَةَ الْكُرْسِيِّ وَالْمُعَوِّذَتَيْنِ.

٧ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ عُثْمانَ بْنِ عِيسىٰ، عَنْ سَماعَةَ، عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: إِذا خِفْتَ أَمْراً فَقُلْ: «اللّٰهُمَّ إِنَّكَ لا يَكْفِي مِنْكَ أَحَدٌ وَأَنْتَ تَكْفِي مِنْ كُلِّ أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ فَاكْفِنِي كَذا وَكَذا».



پس از آن داستانش همان شد که خدا در کتاب خود یاد کرده.

۵ ـ از معاویة بن عمّار از امام صادق (ع) گوید:

آن دعا ونفرینی که امام صادق (ع) به‌داود بن علی کرد هنگامی که معلّیٰ بن خنیس را کشت ومال آن حضرت را از او گرفت این است:

بار خدایا من از تو خواستارم بحق آن نورت که خاموشی ندارد وبه‌عزائمت که نهان نیستند وبه‌عزّتت که تمامی ندارد وبه‌نعمتت که شماره ندارد وبه‌همان سلطنت که باآن فرعون را از موسی(ع) بازداشتی.

۶ ـ از اسماعیل بن جابر که امام صادق (ع) فرمود:

برای رفع هم، غسل کن ودو رکعت نماز بخوان وبگو:

یافارج الهم ویا کاشف الغم یارحمن الدنیا والآخرة ورحیمهما فرّج همّی واکشف غمّی یاالله الواحد الاحد الصمد الذی لم یلد ولم یولد ولم یکن له کفواً احد، مرا نگهدار وپاک کن وبلاء را از من ببر، وبخوان آیة الکرسی را با دو سورهٔ قل اعوذ ـ یعنی قل اعوذ بربّ الفلق وقل اعوذ بربّ الناس.

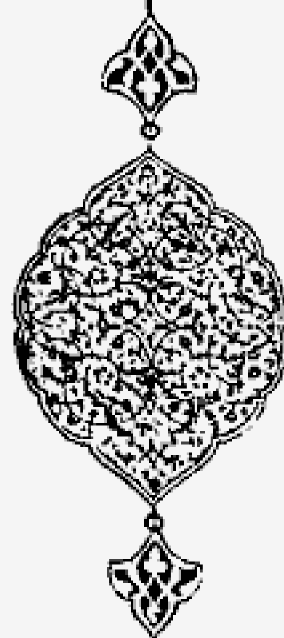
۷ ـ از امام صادق (ع) فرمود: چون از امری بترسی بگو: بار خدایا احدی از تو کفایت نکنند وتوئی که از هر کسی کفایت می‌کنی، از من کفایت کن چنین وچنان را.

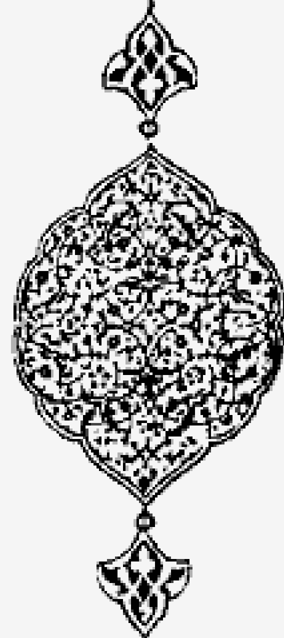
ودر حدیث دیگر است که می‌گوئی: ای که از هرچیز



وَفي حَديثٍ آخَرَ قالَ: تَقُولُ: «يا كافِياً مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَلا يَكْفِي مِنْكَ شَيْءٌ فِي السماواتِ وَالْأَرْضِ، اكْفِنِي ما أَهَمَّنِي مِنْ أَمْرِ الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ»، وَقالَ أَبُو عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام: مَنْ دَخَلَ عَلىٰ سُلْطانٍ يَهابُهُ فَلْيَقُلْ: «بِاللّٰهِ أَسْتَفْتِحُ وَبِاللّٰهِ أَسْتَنْجِحُ وَبِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّم أَتَوَجَّهُ، اللّٰهُمَّ ذَلِّلْ لِي صُعُوبَتَهُ وَسَهِّلْ لِي حُزُونَتَهُ فَإِنَّكَ تَمْحُو ما تَشاءُ وَتُثْبِتُ وَعِنْدَكَ أُمُّ الْكِتابِ» وَتَقُولُ أَيْضاً «حَسْبِيَ اللّٰهُ لا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ وَأَمْتَنِعُ بِحَوْلِ اللّٰهِ وَقُوَّتِهِ مِنْ حَوْلِهِمْ وَقُوَّتِهِمْ وَأَمْتَنِعُ بِرَبِّ الْفَلَقِ مِنْ شَرِّ ما خَلَقَ وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ».

٨ ـ عَنْهُ، عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحابِنا، رَفَعُوهُ، إِلىٰ أَبي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: كانَ مِنْ دُعاءِ أَبِي عَلَيْهِ السَّلام فِي الْأَمْرِ يَحْدُثُ: «اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي وَزَكِّ عَمَلِي وَيَسِّرْ مُنْقَلَبِي وَاهْدِ[ء] قَلْبِي وَآمِنْ خَوْفِي وَعافِنِي فِي عُمْرِي كُلِّهِ وَثَبِّتْ حُجَّتِي وَاغْفِرْ خَطاياىَ وَبَيِّضْ وَجْهِي وَاعْصِمْنِي فِي دِينِي وَسَهِّلْ مَطْلَبِي وَوَسِّعْ عَلَيَّ فِي رِزْقِي فَإِنِّي ضَعِيفٌ وَتَجاوَزْ عَنْ سَيِّءِ ما عِنْدِي بِحُسْنِ ما عِنْدَكَ وَلا تَفْجَعْنِي بِنَفْسِي وَلا تَفْجَعْ لِي حَمِيماً وَهَبْ لِي يا إِلٰهِي لَحْظَةً مِنْ لَحَظاتِكَ، تَكْشِفُ بِها عَنِّي جَمِيعَ ما بِهِ ابْتَلَيْتَنِي وَتَرُدُّ بِها عَلَيَّ ما هُوَ أَحْسَنُ عاداتِكَ عِنْدِي، فَقَدْ ضَعُفَتْ قُوَّتِي وَقَلَّتْ حِيلَتِي وَانْقَطَعَ مِنْ خَلْقِكَ رَجائي وَلَمْ يَبْقَ إِلَّا رَجاؤُكَ





کفایت کنی وچیزی از تو کفایت نکند در آسمان‌ها وزمین، کفایت کن از من آنچه را برای من مهم است از کار دنیا وآخرت وصلی الله علی محمد وآله.

وامام صادق (ع) فرمود: هرکه بر سلطانی وارد می‌شود که از او می‌ترسد باید بگوید: بالله استفتح وبالله استنجح وبمحمد اتوجه، بار خدایا سرکشی آن را برایم رام کن وسختی آن را هموار کن زیرا تو محو کنی آنچه را خواهی ونزد تو است دفتر کل.

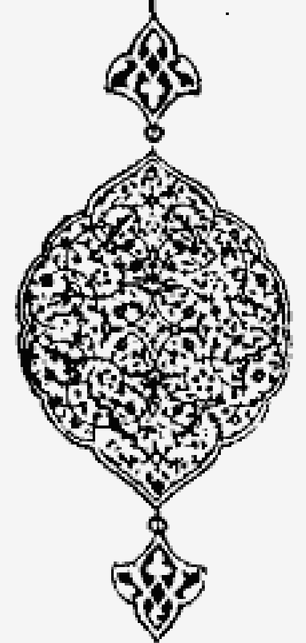
ونیز می گوئی: حسبی الله لا اله الاّ هو علیه توکلت وهو ربّ العرش العظیم وامتنع بحول الله وقوته من حولهم وقوتهم وامتنع برب الفلق من شرّ ما خلق ولاحول ولاقوة الاّ بالله.

۸ ـ حدیث را به‌امام صادق (ع) رسانیدند که فرمود: از دعاهای پدرم دربارهٔ امری که رخ می‌داد این است: بار خدایا رحمت فرست به‌محمد وآل محمد وبیامرز مرا وبه‌من رحم کن وپاکیزه کن کردار مرا وبرگرد مرا آسان کن ودلِ مرا آرام کن واز ترسم آسوده ساز ودر همهٔ عمرم عافیت بخش ودلیلم را برجا دار واز خطاهایم درگذر ورویم را سپید ودینم را نگهدار ومقصدم را آسان کن وروزیم را فراوان کن زیرا من ناتوانم واز بدی آنچه نزد من است بخوبی آنچه نزد تو است درگذر ومرا داغدار خویش مساز وخویشان مرا داغدار مکن ویک نظر رحمتِ خود را به‌من ببخش که بدان همه گرفتاری‌های مرا برطرف کنی وبه‌من برگردانی هر شیوه‌ای که نزد تو بهتر است که هرآینه نیرویم سست شده وچاره‌ام از دست شده وامدم از خلقِ تو بریده ونمانده است مگر همان امید به‌تو وتوکّل بر



وَتَوَكُّلِي عَلَيْكَ وَقُدْرَتُكَ عَلَيَّ يا رَبِّ أَنْ تَرْحَمَنِي وَتُعافِيَنِي كَقُدْرَتِكَ عَلَيَّ أَنْ تُعَذِّبَنِي وَتَبْتَلِيَنِي، إِلٰهِي ذِكْرُ عَوائِدِكَ يُونِسُنِي وَالرَّجاءُ لِإِنْعامِكَ يُقَوِّينِي وَلَمْ أَخْلُ مِنْ نِعَمِكَ مُنْذُ خَلَقْتَنِي وَأَنْتَ رَبِّي وَسَيِّدِي وَمَفْزَعِي وَمَلْجَئِي وَالْحافِظُ لِي وَالذّابُّ عَنِّي وَالرَّحِيمُ بِي وَالْمُتَكَفِّلُ بِرِزْقِي وَفِي قَضائِكَ وَقُدْرَتِكَ كُلُّ ما أَنَا فِيهِ فَلْيَكُنْ يا سَيِّدِي وَمَوْلايَ فِيما قَضَيْتَ وَقَدَّرْتَ وَحَتَمْتَ تَعْجِيلُ خَلاصِي مِمّا أَنَا فِيهِ جَمِيعِهِ وَالْعافِيَةُ لِي فَإِنِّي لا أَجِدُ لِدَفْعِ ذٰلِكَ أَحَداً غَيْرَكَ وَلا أَعْتَمِدُ فِيهِ إِلّا عَلَيْكَ، فَكُنْ يا ذَا الْجَلالِ [وَالْإِكْرامِ] عِنْدَ أَحْسَنِ ظَنِّي بِكَ وَرَجائِي لَكَ وَارْحَمْ تَضَرُّعِي وَاسْتِكانَتِي وَضَعْفَ رُكْنِي وَامْنُنْ بِذٰلِكَ عَلَيَّ وَعَلىٰ كُلِّ داعٍ دَعاكَ يا أَرْحَمَ الرّاحِمِينَ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ».

٩ ــ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيادٍ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْباطٍ، عَنْ إِسْماعِيلَ بْنِ يَسارٍ، عَنْ بَعْضِ مَنْ رَواهُ قالَ: قالَ: إِذا أَحْزَنَكَ أَمْرٌ فَقُلْ فِي آخِرِ سُجُودِكَ: «يا جَبْرَئِيلُ يا مُحَمَّدُ، يا جَبْرَئِيلُ يا مُحَمَّدُ ــ تُكَرِّرُ ذٰلِكَ ــ اكْفِيانِي ما أَنَا فِيهِ فَإِنَّكُما كافِيانِ وَاحْفَظانِي بِإِذْنِ اللّٰهِ فَإِنَّكُما حافِظانِ».



١٠ ــ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَعْيَنَ، عَنْ بِشْرِ بْنِ مَسْلَمَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّٰهِ عليه السلام قالَ: كانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليهما السلام يَقُولُ: ما أُبالِي إِذا قُلْتُ هٰذِهِ الْكَلِماتِ لَوِ

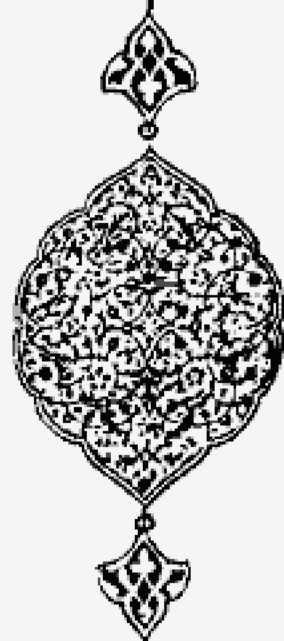


تو وقدرتت بر من پروردگارا که به‌من مهرورزی ومرا عافیت بخشی چونانکه توانی مرا عذاب کنی وگرفتار سازی، معبودا ذکر بخششهایت مرا آرام می‌کند وامید به‌انعامت مرا نیرو می‌دهد از آن گاهم که آفریدی بی نعمت تو نبودم توئی پروردگارم وآقایم وپناهم ودادرسم ونگهبانم ودفع کننده از من ومهرورز به‌من وکفیل روزیم، هرآنچه من در آنم، از قضا وقدرت تو است، ای آقا ومولای من در ضمن قضا وقدر وتصمیم تو رهائی من باشد از هر گرفتاریم که دارم وعافیت من باشد زیرا من احدی را از برای دفاع آنها ندارم جز تو واعتماد به‌کسی ندارم جز بر تو، یا ذوالجلال والاکرام خوشبینی وامید مرا منظور دار وزاری وناتوانی وزبونی مرا ترحّم کن وبدان بر من منّت نه وبر هر دعاکنندهٔ به‌درگاهت یاارحم الراحمین وصلی الله علی محمد وآله.

۹ ـ امام صادق (ع) فرمود:

هرگاه امری تو را به‌اندوه افکنده بگو در آخر سجده‌ات:

یاجبرئیل یامحمد یاجبرئیل یامحمد ـ آن را تکرار کن ـ اکفیانی ماانا فیه فانّکما کافیان واحفظانی باذن الله فانّکما حافظان.



۱۰ ـ از امام صادق (ع) که علی بن الحسین (ع) می‌فرمود:

چون این کلمات را بگویم، باک ندارم اگر جن وانس برعلیه من جمع شوند:

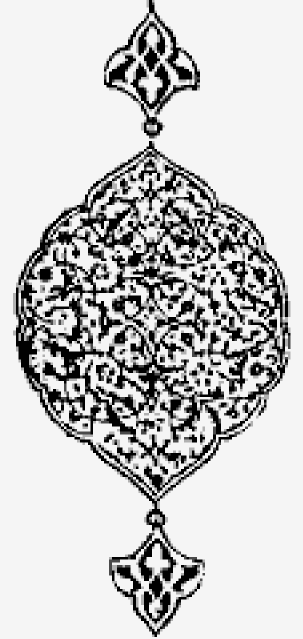


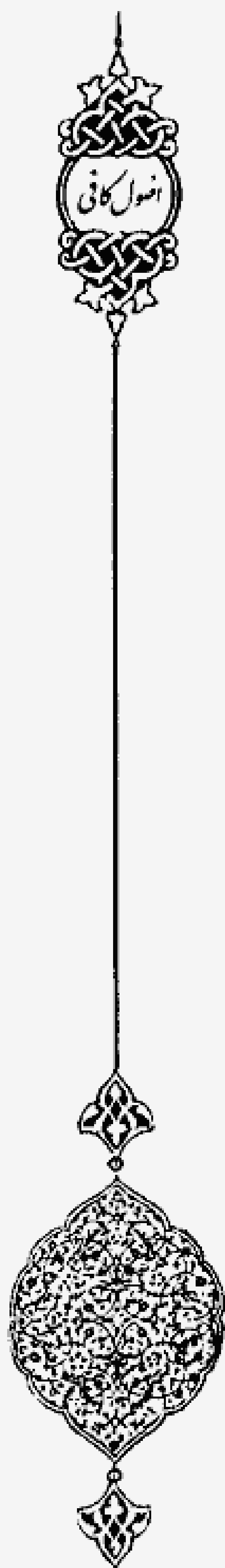
اجْتَمَعَ عَلَيَّ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ: «بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ وَمِنَ اللّٰهِ وَإِلَى اللّٰهِ وَفِي سَبِيلِ اللّٰهِ وَعَلىٰ مِلَّةِ رَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ اللّٰهُمَّ إِلَيْكَ أَسْلَمْتُ نَفْسِي وَإِلَيْكَ وَجَّهْتُ وَجْهِي وَإِلَيْكَ أَلْجَأْتُ ظَهْرِي وَإِلَيْكَ فَوَّضْتُ أَمْرِي اللّٰهُمَّ احْفَظْنِي بِحِفْظِ الْإِيمانِ مِنْ بَيْنِ يَدَيَّ وَمِنْ خَلْفِي وَعَنْ يَمِينِي وَعَنْ شِمالِي وَمِنْ فَوْقِي وَمِنْ تَحْتِي وَمِنْ قِبَلِي وَادْفَعْ عَنِّي بِحَوْلِكَ وَقُوَّتِكَ، فَإِنَّهُ لا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ».

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسىٰ، عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ مِثْلَهُ.

١١ ـ عَنْهُ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ، عَنْ بَعْضِ أَصْحابِنا قالَ: قالَ أَبُو عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام: قالَ لِي رَجُلٌ أَيُّ شَيْءٍ قُلْتَ حِينَ دَخَلْتَ عَلىٰ أَبِي جَعْفَرٍ بِالرَّبَذَةِ؟ قالَ: قُلْتُ: «اللّٰهُمَّ إِنَّكَ تَكْفِي مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَلا يَكْفِي مِنْكَ شَيْءٌ فَاكْفِنِي بِما شِئْتَ وَكَيْفَ شِئْتَ وَمِنْ حَيْثُ شِئْتَ وَأَنّىٰ شِئْتَ».

١٢ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَيْسِرٍ قالَ: لَمّا قَدِمَ أَبُو عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام عَلىٰ أَبِي جَعْفَرٍ أَقامَ أَبُو جَعْفَرٍ مَوْلىً لَهُ عَلىٰ رَأْسِهِ وَقالَ لَهُ: إِذا دَخَلَ عَلَيَّ فَاضْرِبْ عُنُقَهُ، فَلَمّا دَخَلَ أَبُو عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام نَظَرَ إِلىٰ أَبِي جَعْفَرٍ وَأَسَرَّ شَيْئاً فِيما بَيْنَهُ وَبَيْنَ نَفْسِهِ، لا يَدْرِي ما هُوَ ثُمَّ أَظْهَرَ: «يا مَنْ يَكْفِي خَلْقَهُ كُلَّهُمْ وَلا يَكْفِيهِ أَحَدٌ اكْفِنِي شَرَّ عَبْدِاللّٰهِ بْنِ عَلِيٍّ» قالَ:





بسم الله وبالله ومن الله والی الله وفی سبیل الله وعلی ملة رسول‌الله، بار خدایا خود را به‌تو تسلیم کردم وبس وبه‌سوی تو رو کردم وبس تو را پشتیبانِ خود ساختم وبس وکارم را بس به‌تو واگذاردم، بار خدایا مرا به‌ایمان نگهبان باش از پیش رویم وپشت سرم واز سمت راست وچپم واز بالای سر وزیر پایم واز هر سو که هستم، بحول وقوّت خود از من دفاع کن زیرا حول وقوّتی نباشد جز به‌تو.

۱۱ ـ از امام صادق (ع) که: مردی به‌من گفت:
چون در ربذه (آرامگاه ابوذر غفاری در آنجا است) نزد ابی جعفر (منصور عباسی) وارد شدی چه ذکری گفتی؟
فرمود که: گفتم: بار خدایا تو از هرچیز کفایت کنی وچیزی از تو کفایت نکند، کفایت کن از من به‌آنچه خواهی وهرگونه خواهی واز هرسو خواهی واز هرجا خواهی (هر زمانی خواهی خ‌ل).

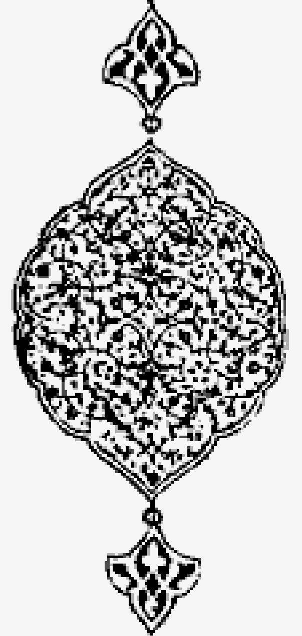
۱۲ ـ از علی بن میسر گوید: چون امام صادق (ع) نزد ابی‌جعفر منصور وارد می‌شد، ابوجعفر یکی از غلامانِ خود را بر سرِ او واداشت وبه‌او گفت: چون وارد شد گردنش را بزن، وچون امام صادق (ع) وارد شد به‌منصور نگاهی کرد وزیر لب سخنی گفت که ندانست چه بود؛ وسپس این جمله را آشکارا گفت: این کسی که از همه خلق خود کفایت کنی وکسی از او کفایت نتواند شرّ عبدالله بن علی را از من دفع کن. فرمود: دیگر چشم منصور غلامش را نمی‌دید



فَصارَ أَبُو جَعْفَرٍ لا يُبْصِرُ مَوْلاهُ وَصارَ مَوْلاهُ لا يُبْصِرُهُ، فَقالَ أَبُو جَعْفَرٍ: يا جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ لَقَدْ عَنَّيْتُكَ فِي هٰذَا الْحَرِّ فَانْصَرِفْ فَخَرَجَ أَبُو عَبْدِاللّٰهِ عَلَيهِ السَّلام مِنْ عِنْدِهِ، فَقالَ أَبُو جَعْفَرٍ لِمَوْلاهُ: ما مَنَعَكَ أَنْ تَفْعَلَ ما أَمَرْتُكَ بِهِ؟ فَقالَ: لا وَاللّٰهِ ما أَبْصَرْتُهُ وَلَقَدْ جاءَ شَيْءٌ فَحالَ بَيْنِي وَبَيْنَهُ، فَقالَ لَهُ أَبُو جَعْفَرٍ: وَاللّٰهِ لَئِنْ حَدَّثْتَ بِهٰذَا الْحَدِيثِ أَحَداً لَأَقْتُلَنَّكَ.

١٣ ـ عَنْهُ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ عُمَرَ بْنِ عَبْدِالْعَزِيزِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي داوُدَ، عَنْ عَبْدِاللّٰهِ بْنِ عَبْدِالرَّحْمٰنِ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيهِ السَّلام قالَ: قالَ لِي: أَلا أُعَلِّمُكَ دُعاءً تَدْعُو بِهِ، إِنّا أَهْلَ الْبَيْتِ إِذا كَرَبَنا أَمْرٌ وَتَخَوَّفْنا مِنَ السُّلْطانِ أَمْراً لا قِبَلَ لَنا بِهِ نَدْعُو بِهِ، قُلْتُ: بَلىٰ بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي يَا ابْنَ رَسُولِ اللّٰهِ، قالَ: قُلْ: «يا كائِناً قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ وَيا مُكَوِّنَ كُلِّ شَيْءٍ وَيا باقِيَ بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافْعَلْ بِي كَذا وَكَذا».

١٤ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيادٍ، وَمُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، جَمِيعاً، عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيارَ قالَ: كَتَبَ مُحَمَّدُ بْنُ حَمْزَةَ الْغَنَوِيُّ إِلَيَّ يَسْأَلُنِي أَنْ أَكْتُبَ إِلىٰ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيهِ السَّلام فِي دُعاءٍ يُعَلِّمُهُ يَرْجُو بِهِ الْفَرَجَ فَكَتَبَ إِلَيَّ: أَمّا ما سَأَلَ مُحَمَّدُ بْنُ حَمْزَةَ مِنْ تَعْلِيمِهِ دُعاءً يَرْجُو بِهِ الْفَرَجَ فَقُلْ لَهُ: يَلْزَمُ «يا مَنْ يَكْفِي مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَلا يَكْفِي مِنْهُ شَيْءٌ اكْفِنِي ما أَهَمَّنِي مِمّا أَنَا فِيهِ» فَإِنِّي



وچشم غلامش منصور را نمی‌دید، ومنصور گفت: ای جعفر بن محمد راستی در این گرما شما را به‌رنج انداختم، برگرد. وامام صادق (ع) از نزد او بیرون شد ومنصور به‌غلامش گفت: چرا دستور مرا دربارهٔ او اجراء نکردی؟ گفت: بخدا من او را ندیدم وپرده‌ای میان من واو کشیده شد. منصور گفت: بخدا اگر این داستان را به‌کسی بازگوئی هرآینه تو را خواهم کشت.

۱۳ ـ از عبیدالله بن عبدالرحمن که: امام باقر (ع) به‌من فرمود: آیا به‌تو دعائی نیاموزم که بدان دعا کنی که ما خانواده را چون گرفتاری رخ دهد واز طرف سلطان پیش آمدی شود که تاب آن را نداریم با آن دعا کنیم؟
گفتم: چرا یا بن رسول‌الله، پدرم ومادرم قربانت.
فرمود: بگو: یا کائناً قبل کل شیئ ـ ای که پیش از هرچیز بودی وهرچیز را پدید آوردی، ای پاینده پس از هرچیز صلّ علی محمد وآل محمد وبا من چنین وچنان کن.

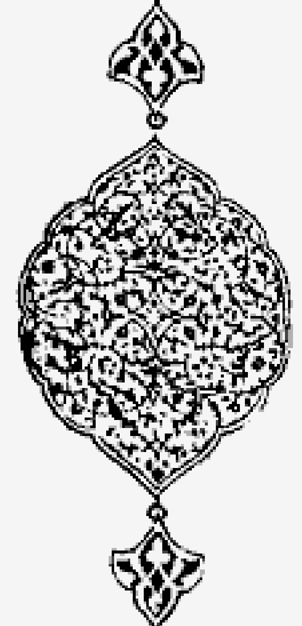
۱٤ ـ از علی بن مهزیار که محمد بن حمزه غنوی به‌من نوشت واز من خواست که به‌امام جواد بنویسم که به‌او دعائی بیاموزد که به‌وسیلهٔ آن امیدوار فرج باشد.
در پاسخِ من نوشت: امّا آنچه محمد بن حمزه خواسته که به‌او دعائی آموخته شود برای فرج وگشایش، به‌او بگو ملازم این دعا باشد: یا من یکفی من کل شیئٌ ولایکفی منه شیئٌ، اکفنی ماأهمّنی مما انا فیه. که من امیدوارم از غم وگرفتاریِ خود کفایت شود انشاءالله



أَرْجُو أَنْ يَكْفِيَ ما هُوَ فِيهِ مِنَ الْغَمِّ إِنْ شاءَ اللّٰهُ تَعالىٰ، فَأَعْلَمْتُهُ ذٰلِكَ فَما أَتىٰ عَلَيْهِ إِلَّا قَلِيلٌ حَتّىٰ خَرَجَ مِنَ الْحَبْسِ.

١٥ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ بَعْضِ أَصْحابِهِ، عَنِ ابْنِ أَبِي حَمْزَةَ قالَ: سَمِعْتُ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ عليهما السلام يَقُولُ لِابْنِهِ: يا بُنَيَّ مَنْ أَصابَهُ مِنْكُمْ مُصِيبَةٌ أَوْ نَزَلَتْ بِهِ نازِلَةٌ فَلْيَتَوَضَّأْ وَلْيُسْبِغِ الْوُضُوءَ ثُمَّ يُصَلِّي رَكْعَتَيْنِ أَوْ أَرْبَعَ رَكَعاتٍ ثُمَّ يَقُولُ فِي آخِرِهِنَّ: «يا مَوْضِعَ كُلِّ شَكْوىٰ وَيا سامِعَ كُلِّ نَجْوىٰ وَشاهِدَ كُلِّ مَلَاءٍ وَعالِمَ كُلِّ خَفِيَّةٍ وَيا دافِعَ ما يَشاءُ مِنْ بَلِيَّةٍ، وَيا خَلِيلَ إِبْراهِيمَ وَيا نَجِيَّ مُوسىٰ وَيا مُصْطَفِيَ مُحَمَّدٍ صلّى الله عليه وآله وسلّم أَدْعُوكَ دُعاءَ مَنِ اشْتَدَّتْ فاقَتُهُ وَقَلَّتْ حِيلَتُهُ وَضَعُفَتْ قُوَّتُهُ، دُعاءَ الْغَرِيقِ الْغَرِيبِ الْمُضْطَرِّ الَّذِي لا يَجِدُ لِكَشْفِ ما هُوَ فِيهِ إِلَّا أَنْتَ يا أَرْحَمَ الرّاحِمِينَ» فَإِنَّهُ لا يَدْعُو بِهِ أَحَدٌ إِلَّا كَشَفَ اللّٰهُ عَنْهُ إِنْ شاءَ اللّٰهُ.

١٦ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ، عَنِ ابْنِ أَخِي سَعِيدٍ، عَنْ سَعِيدِ بْنِ يَسارٍ قالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِاللّٰهِ عليه السلام: يَدْخُلُنِي الْغَمُّ فَقالَ: أَكْثِرْ مِنْ [أَنْ تَ]قُولَ: «اللّٰهُ اللّٰهُ رَبِّي لا أُشْرِكُ بِهِ شَيْئاً» فَإِذا خِفْتَ وَسْوَسَةً أَوْ حَدِيثَ نَفْسٍ فَقُلِ: «اللّٰهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ وَابْنُ أَمَتِكَ، ناصِيَتِي بِيَدِكَ، عَدْلٌ فِيَّ حُكْمُكَ، ماضٍ فِيَّ قَضاؤُكَ اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِكُلِّ اسْمٍ هُوَ لَكَ أَنْزَلْتَهُ فِي كِتابِكَ أَوْ عَلَّمْتَهُ أَحَداً مِنْ خَلْقِكَ أَوِ اسْتَأْثَرْتَ بِهِ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ أَنْ



تعالی. من این دعا را به‌او اعلام کردم واندکی بر او نگذشت که از زندان بیرون آمد.

۱۵ ـ از ابن ابی حمزه گوید: علی بن الحسین (ع) می‌فرمود به‌پسرش:

ای پسر جانم به‌هرکدام شما مصیبتی رسید وناگواری رخ داد باید وضوء سازد ووضوی خود را کامل کند سپس دو رکعت یا چهار رکعت نماز بخواند ودر آخرش بگوید: یاموضع کلّ شکویٰ ویا سامع کلّ نجویٰ وشاهد کلّ ملاء وعالم کلّ خفیّه ویادافع مایشاء من بلیته ویاخلیل ابراهیم ونجیّ موسیٰ ویامصطفی محمد (ص) ادعوک دعاء من اشتدّت فاقته وقلّت حیلته وضعفت قوّته دعاءالغریق الغریب المضطر الذی لایجد لکشف ماهو فیه الاّ انت یاارحم الراحمین. زیرا احدی بدان دعا نکند جز اینکه خدا به‌او گشایش دهد انشاءالله.

۱۶ ـ از سعید بن یسار گوید: به‌امام صادق (ع) گفتم: غمگین می‌شوم، فرمود: بسیار بگو: الله الله ربّی لاشرک به شیئاً، وهرگاه از وسوسه یااندیشه‌های بیهوده (حدیث نفس) بترسی بگو: بار خدایا من بنده وبنده‌زادهٔ تو ام ومهارم به‌دستِ تو است حکمِ تو دربارهٔ من عادلانه است وفرمانت دربارهٔ من مجری است، بار خدایا من از تو خواهش کنم بحق هر نامی که داری وآن را در قرآنت فرو فرستادی یا به‌یکی از آفریده‌هایت آموختی یا در علم غیب به‌خود اختصاص دادی که رحمت فرستی بر محمد وآل محمد وقرآن را نور



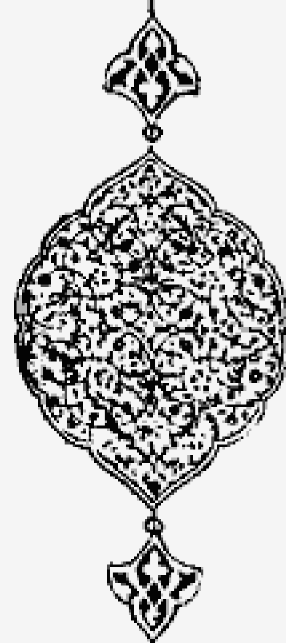
تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَجْعَلَ الْقُرْآنَ نُورَ بَصَرِي وَرَبِيعَ قَلْبِي وَجَلاءَ حُزْنِي وَذَهابَ هَمِّي، اللّٰهُ اللّٰهُ رَبِّي لا أُشْرِكُ بِهِ شَيْئاً».

١٧ ـ أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِالْجَبّارِ، عَنْ صَفْوانَ، عَنِ الْعَلاءِ بْنِ رَزِينٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ، عَنْ أَبي جَعْفَرٍ عَلَيهِ السَّلام قالَ: كانَ دُعاءُ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيهِ وَآلِهِ وَسَلَّم لَيْلَةَ الْأَحْزابِ: يا صَرِيخَ الْمَكْرُوبِينَ وَيا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ وَيا كاشِفَ غَمِّيَ اكْشِفْ عَنِّي غَمِّي وَهَمِّي وَكَرْبِي، فَإِنَّكَ تَعْلَمُ حالِي وَحالَ أَصْحابِي وَاكْفِنِي هَوْلَ عَدُوِّي.

١٨ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيادٍ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْباطٍ، عَنْ إِبْراهِيمَ بْنِ أَبِي إِسْرائِيلَ، عَنِ الرِّضا عَلَيهِ السَّلام قالَ: خَرَجَ بِجارِيَةٍ لَنا خَنازِيرُ فِي عُنُقِها فَأَتانِي آتٍ فَقالَ: يا عَلِيُّ قُلْ لَها: فَلْتَقُلْ:

«يا رَؤُوفُ يا رَحِيمُ يا رَبِّ يا سَيِّدِي» ـ تُكَرِّرُهُ ـ قالَ: فَقالَتْهُ فَأَذْهَبَ اللّٰهُ عَزَّ وَجَلَّ عَنْها، قالَ: وَقالَ: هٰذَا الدُّعاءُ الَّذِي دَعا بِهِ جَعْفَرُ بْنُ سُلَيْمانَ.

١٩ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنِ الْحُسَيْنِ قالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عَلَيهِ السَّلام دُعاءً وَأَنا خَلْفَهُ فَقالَ: «اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَاسْمِكَ الْعَظِيمِ وَبِعِزَّتِكَ الَّتِي لا تُرامُ وَبِقُدْرَتِكَ الَّتِي لا يَمْتَنِعُ مِنْها شَيْءٌ أَنْ تَفْعَلَ بِي كَذا وَكَذا» قالَ:



چشم من سازی وبهار دل من وبرطرف شدن اندوه وبرندهٔ همّ من گردانی الله الله ربّی لااشرک به شیئاً.

۱۷ ـ امام باقر(ع) فرمود: دعاء پیغمبر(ص) در شب جنگ احزاب این بود:

یا صریخ المکروبین (ای دادرس گرفتاران) ویا مجیب دعوة المضطرین ویا کاشف غمّی اکشف عنّی غمّی وهمّی وکربی فانّک تعلم حالي وحال اصحابی واکفنی هول عدوّی.

۱۸ ـ از ابراهیم بن ابی اسرائیل از امام رضا(ع) که فرمود: یک دخترکی از ما بود که در گردنش خنازیر برآمد وکس نزد من آمد وگفت: ای علی (نام امام رضا است) به‌آن دخترک بگو تا بگوید: یارؤوف یارحیم یارب یاسیدی، آن را تکرار کند. فرمود: آن را گفت وخدا عز وجل بیماری او را از میان برد.

گوید: فرمود: این دعائی است که جعفر بن سلیمان با آن دعا کرد (شاید جعفر بن سلیمان هم به‌این بیماری گرفتار شده وبه‌وسیلهٔ این دعا شفا یافته است ـ از مجلسی‌ره).

۱۹ ـ از حسین گوید: از ابي الحسن(ع) دعائی خواستم ودر دنبال آن حضرت بودم، فرمود: اللّهم انّی اسألک بوجهک الکریم وبعزتک التی لاترام وبقدرتک التی لایمتنع منها شیئٌ ان تفعل بی کذا وکذا.

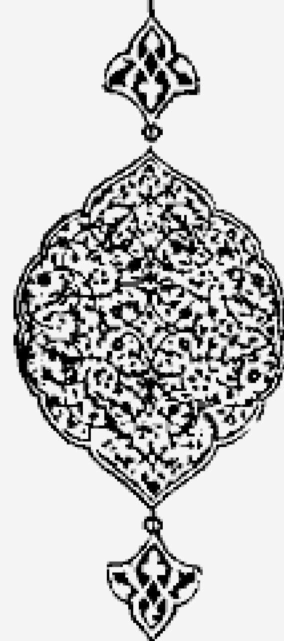
گوید در نامه‌ای به‌خط خودش به‌من نوشت که بگو:



وَ كَتَبَ إِلَيَّ رُقْعَةً بِخَطِّهِ قُلْ: يا مَنْ عَلا فَقَهَرَ وَبَطَنَ فَخَبَرَ، يا مَنْ مَلَكَ فَقَدَرَ وَيا مَنْ يُحْيِي الْمَوْتىٰ وَهُوَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافْعَلْ بِي كَذا وَكَذا» ثُمَّ قُلْ: «يا لا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ ارْحَمْنِي بِحَقِّ لا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ ارْحَمْنِي». وَكَتَبَ إِلَيَّ فِي رُقْعَةٍ أُخْرىٰ يَأْمُرُنِي أَنْ أَقُولَ: اللّٰهُمَّ ادْفَعْ عَنِّي بِحَوْلِكَ وَقُوَّتِكَ، اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ فِي يَوْمِي هذا وَشَهْرِي هذا وَعامِي هذا بَرَكاتِكَ فِيها وَما يَنْزِلُ فِيها مِنْ عُقُوبَةٍ أَوْ مَكْرُوهٍ أَوْ بَلاءٍ فَاصْرِفْهُ عَنِّي وَعَنْ وُلْدِي بِحَوْلِكَ وَقُوَّتِكَ، إِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، اللّٰهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ زَوالِ نِعْمَتِكَ وَتَحْوِيلِ عافِيَتِكَ وَمِنْ فَجْأَةِ نِقْمَتِكَ وَمِنْ شَرِّ كِتابٍ قَدْ سَبَقَ اللّٰهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ نَفْسِي وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دابَّةٍ أَنْتَ آخِذٌ بِناصِيَتِها إِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَإِنَّ اللّٰهَ قَدْ أَحاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْماً وَأَحْصىٰ كُلَّ شَيْءٍ عَدَداً».

٢٠ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خالِدٍ، عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ: «يا حَيُّ يا قَيُّومُ، يا لا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ، بِرَحْمَتِكَ أَسْتَغِيثُ، فَاكْفِنِي ما أَهَمَّنِي، وَلا تَكِلْنِي إِلىٰ نَفْسِي» تَقُولُهُ مِائَةَ مَرَّةٍ وَأَنْتَ ساجِدٌ.

٢١ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ بَعْضِ أَصْحابِهِ، عَنْ إِبْراهِيمَ بْنِ حَنانٍ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ سُورَةَ، عَنْ سَماعَةَ قالَ: قالَ لِي أَبُو الْحَسَنِ عَلَيهِ السَّلام: إِذا كانَ لَكَ يا سَماعَةُ إِلَى اللّٰهِ عَزَّ





یامن علا فقهر وبطن فخبر، یامن ملک فقدر ویامن یحیي الموتیٰ وهو علی کلّ شیئٍ قدیر صلّ علی محمد وآل محمد وافعل بی کذا وکذا (بجای کذا وکذا حاجت خود را بگوید) سپس بگو: یا لااله الاّ الله ارحمنی بحق لا اله الاّ الله ارحمنی.

ودر رقعهٔ دیگر به‌من نوشت ودستور داد که بگویم: اللّهم ادفع عنّی بحولک وقوّتک، اللّهم انّی اسألک في یومی هذا وشهری هذا وعامي هذا برکاتک فیها وماینزل فیها من عقوبة او مکروه او بلاء فاصرفه عنّي وعن ولدی بحولک وقوّتک انّک علی کلّ شیئٍ قدیر، اللّهم انّي اعوذ بک من زوال نعمتک وتحویل عافیتک ومن فجأة نقمتک ومن شرّ کتاب سبق (خدایا به‌تو پناهم از زوال نعمت ودگرگونی عافیت واز عذاب ناگهانت واز شرّ سرنوشت بد) اللّهم انّی اعوذ بک من شرّ نفسی ومن شرّ کل دابّة انت آخذ بناصیتها انّک علی کلّ شیئٌ قدیر وانّ الله قد احاط بکلّ شیئٍ علماً واحصیٰ کل شیئٍ عدداً.

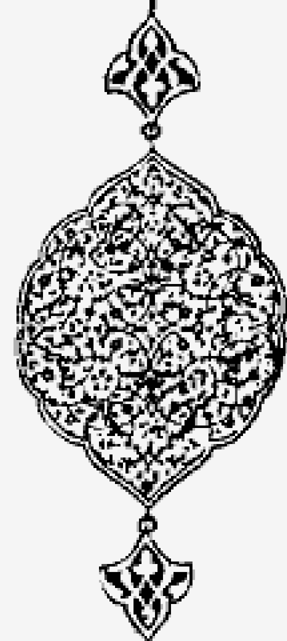
۲۰ ـ از عمر بن یزید:

یا حی یا قیّوم یا لا اله الاّ انت برحمتك استغیث فاکفنی ما اهمّني ولاتکلني الی نفسي.

این دعا را صد بار در سجده بخوان.

۲۱ ـ از سماعه، گوید: ابو الحسن (ع) به‌من فرمود: ای سماعه، چون به‌خدا عز وجل حاجتی داری بگو:

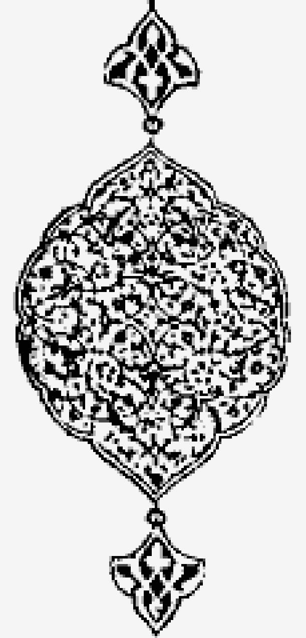
بار خدایا از تو خواهم به‌حق محمد وعلی زیرا آنها در نزد تو





وَجَلَّ حاجَةٌ فَقُلِ: «اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ فَإِنَّ لَهُما عِنْدَكَ شَأْناً مِنَ الشَّأْنِ وَقَدْرًا مِنَ الْقَدْرِ، فَبِحَقِّ ذٰلِكَ الشَّأْنِ وَبِحَقِّ ذٰلِكَ الْقَدْرِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَفْعَلَ بِي كَذا وَكَذا» فَإِنَّهُ إِذا كانَ يَوْمَ الْقِيامَةِ لَمْ يَبْقَ مَلَكٌ مُقَرَّبٌ وَلا نَبِيٌّ مُرْسَلٌ وَلا مُؤْمِنٌ مُمْتَحَنٌ إِلّٰا وَهُوَ يَحْتاجُ إِلَيْهِما فِي ذٰلِكَ الْيَوْمِ.

٢٢ ـ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ، عَنْ إِبْراهِيمَ بْنِ إِسْحاقَ الْأَحْمَرِ، عَنْ أَبِي الْقاسِمِ الْكُوفِيِّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْماعِيلَ، عَنْ مُعاوِيَةَ بْنِ عَمّارٍ وَالْعَلاءِ بْنِ سَيابَةَ وَظَرِيفِ بْنِ ناصِحٍ قالَ: لَمّا بَعَثَ أَبُو الدَّوانِيقِ إِلىٰ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام رَفَعَ يَدَهُ إِلَى السَّماءِ، ثُمَّ قالَ: «اللّٰهُمَّ إِنَّكَ حَفِظْتَ الْغُلامَيْنِ بِصَلاحِ أَبَوَيْهِما فَاحْفَظْنِي بِصَلاحِ آبائِي مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ؛ اللّٰهُمَّ إِنِّي أَدْرَءُ بِكَ فِي نَحْرِهِ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهِ» ثُمَّ قالَ لِلْجَمّالِ: سِرْ، فَلَمّا اسْتَقْبَلَهُ بِبابِ أَبِي الدَّوانِيقِ قالَ لَهُ: يا أَبا عَبْدِاللّٰهِ ما أَشَدَّ باطِنَهُ عَلَيْكَ لَقَدْ سَمِعْتُهُ يَقُولُ: وَاللّٰهِ لا تَرَكْتُ لَهُمْ نَخْلاً إِلّٰا عَقَرْتُهُ وَلا مالاً إِلّٰا نَهَبْتُهُ وَلا ذُرِّيَّةً إِلّٰا سَبَيْتُها، قالَ: فَهَمَسَ بِشَيْءٍ خَفِيٍّ وَحَرَّكَ شَفَتَيْهِ، فَلَمّا دَخَلَ سَلَّمَ وَقَعَدَ فَرَدَّ عَلَيْهِ السَّلام ثُمَّ قالَ: أَما وَاللّٰهِ لَقَدْ هَمَمْتُ أَنْ لا أَتْرُكَ لَكَ نَخْلاً إِلّٰا عَقَرْتُهُ وَلا مالاً إِلّٰا أَخَذْتُهُ، فَقالَ أَبُو عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام: يا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ! إِنَّ اللّٰهَ ابْتَلىٰ أَيُّوبَ فَصَبَرَ وَأَعْطىٰ داوُدَ فَشَكَرَ وَقَدَّرَ يُوسُفَ فَغَفَرَ وَأَنْتَ مِنْ ذٰلِكَ النَّسْلِ وَلا

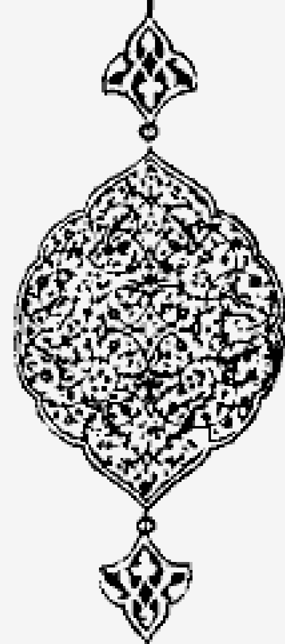


مقامی ارجمند وقدر واعتباری بسزا دارند، بحق آن مقام وبحق آن مقدرة که رحمت کن محمد وآل محمد را وبا من چنین وچنان کن.

زیرا چون روز رستاخیز شود هیچ فرشتهٔ مقرّب وپیغمبر مرسل ومؤمنی آزموده نماند جز اینکه بدانها نیاز دارند در آن روز.

۲۲ ـ از معاویة بن عمّار وعلاء بن سیابه وظریف بن ناصح که: چون منصور عبّاسی به‌دنبال امام صادق (ع) فرستاد، آن حضرت دست به‌آسمان برداشت وگفت: بار خدایا تو آن دو پسر بچه را بخاطر خوبی پدر ومادرشان نگه‌داشتی، مرا هم بخاطر خوبیِ پدرانم محمد وعلی وحسن وحسین وعلی بن الحسین ومحمد بن علی(ع) نگهدار، بار خدایا من به‌وسیلهٔ تو گلوی او را بگیرم واز شرّ او به‌تو پناه برم.

سپس به‌شتربان فرمود: حرکت کن، وچون ربیع حاجب درِ خانهٔ منصور خدمتِ آن حضرت رسید به‌او گفت: وه، چه اندازه دلش به‌تو سختگیر است، من از او شنیدم می‌گفت: به‌خدا هرچه نخل خرما دارند می‌برم وهرچه دارائی دارند چپاول می‌کنم وهرچه کودک دارند به‌اسیری می‌گیرم، گوید: زیر لب چیزی نهانی فرمود، وچون به‌منصور وارد شد سلام کرد ونشست ومنصور جواب داد به‌آن حضرت وگفت: به‌خدا تصمیم گرفته بودم نخلی برایت نگذارم وهمه را ببرم وهرچه داری بگیرم. امام صادق (ع) فرمود: یاامیرالمؤمنین راستی خداوند ایّوب را گرفتار کرد واو صبر کرد وبه‌داود نعمت داد واو شکر کرد وبه‌یوسف قدرت انتقام از برادران عطا کرد واو هم گذشت کرد وتو هم از این نژادی واین نژاد کاری

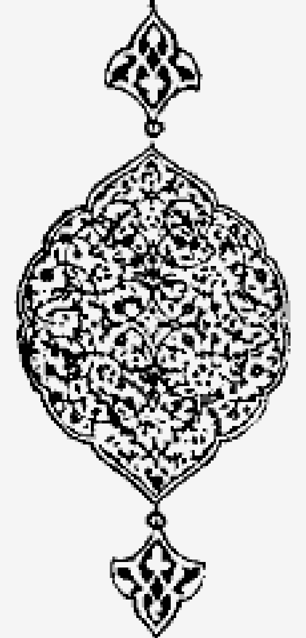




يَأْتِي ذٰلِكَ النَّسْلُ إلّا بِما يُشْبِهُهُ، فَقالَ: صَدَقْتَ قَدْ عَفَوْتُ عَنْكُمْ، فَقالَ لَهُ: يا أَميرَ الْمُؤْمِنينَ! إنَّهُ لَمْ يَنَلْ مِنّا أَهْلَ الْبَيْتِ أَحَدٌ دَماً إلّا سَلَبَهُ اللهُ مُلْكَهُ فَغَضِبَ لِذٰلِكَ وَاسْتَشاطَ فَقالَ: عَلىٰ رِسْلِكَ يا أَميرَ الْمُؤْمِنينَ إنَّ هٰذا الْمُلْكَ كانَ فِي آلِ أَبِي سُفْيانَ فَلَمّا قَتَلَ يَزيدُ حُسَيْناً سَلَبَهُ اللهُ مُلْكَهُ فَوَرَّثَهُ آلَ مَرْوانَ، فَلَمّا قَتَلَ هِشامٌ زَيْداً سَلَبَهُ اللهُ مُلْكَهُ فَوَرَّثَهُ مَرْوانَ بْنَ مُحَمَّدٍ، فَلَمّا قَتَلَ مَرْوانُ إبْراهيمَ سَلَبَهُ اللهُ مُلْكَهُ فَأَعْطاكُمُوهُ فَقالَ: صَدَقْتَ هاتِ أَرْفَعْ حَوائِجَكَ فَقالَ: الْإذْنُ، فَقالَ:

هُوَ فِي يَدِكَ مَتىٰ شِئْتَ، فَخَرَجَ فَقالَ لَهُ الرَّبيعُ: قَدْ أَمَرَ لَكَ بِعَشَرَةِ آلافِ دِرْهَمٍ، قالَ: لا حاجَةَ لِي فِيها؛ قالَ: إذَنْ تُغْضِبُهُ فَخُذْها ثُمَّ تَصَدَّقْ بِها.

٢٣ ـ عَلِيُّ بْنُ إبْراهيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ ابْنِ أَبي عُمَيْرٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَعْيَنَ، عَنْ قَيْسِ بْنِ سَلَمَةَ عَنْ أَبي عَبْدِاللهِ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: كانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ صَلَواتُ اللهِ عَلَيْهِما يَقُولُ: ما أُبالِي إذا قُلْتُ هٰذِهِ الْكَلِماتِ لَوِ اجْتَمَعَ عَلَيَّ الْجِنُّ وَالْإنْسُ: «بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ وَمِنَ اللهِ وَإلَى اللهِ وَفِي سَبيلِ اللهِ وَعَلىٰ مِلَّةِ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّم، اللّٰهُمَّ إلَيْكَ أَسْلَمْتُ نَفْسِي، وَإلَيْكَ وَجَّهْتُ وَجْهِي وَإلَيْكَ أَلْجَأْتُ ظَهْرِي وَإلَيْكَ فَوَّضْتُ أَمْرِي، اللّٰهُمَّ احْفَظْنِي بِحِفْظِ الْإيمانِ مِنْ بَيْنِ يَدَيَّ وَمِنْ خَلْفِي وَعَنْ يَميني وَعَنْ شِمالِي وَمِنْ فَوْقِي وَمِنْ تَحْتِي



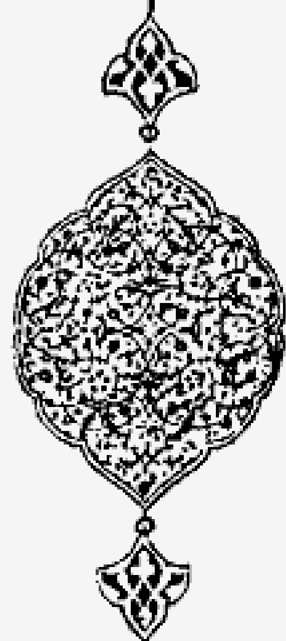


نکنند جز آنچه بدان ماند، گفت: راست گفتی من از شماها درگذشتم، پس امام صادق (ع) به‌او گفت: یاامیرالمؤمنین هیچکس از خاندان ما خونی نریخته است جز اینکه خداوند ملک او را برگرفته است. پس برای این سخن بخشم آمد وآتش گرفت، امام فرمود: آرام باش یاامیرالمؤمنین راستی این سلطنت در خاندان ابی‌سفیان بود وچون یزید حسین (ع) را کشت خدا از آنها برگرفتش وبه‌آل مروان رسید وچون هشام زید را کشت به‌دست مروان بن محمد افتاد وچون مروان ابراهیم را کشت ملک او را گرفت وبه‌شماها داد. منصور گفت: راست گفتی مهمترین حاجتِ خود را بخواه، فرمود: اذن در برگشت است، منصور گفت: آن به‌دست خودِ شما است هر وقت بخواهی برگرد. امام صادق (ع) بیرون آمد وربیع حاجب به‌او عرض کرد: دستور ده هزار درهم برای شما داده است، امام فرمود: من بدان حاجتی ندارم، گفت: در این صورت به‌تو خشمگین می‌شود، آن را بگیر ودر راه خدا صدقه بده.

۲۳ ـ از امام صادق (ع) که بارها علی بن الحسین (ع) می‌فرمود:

من باک ندارم هرگاه این کلمات را بگویم از اینکه جن وانس در برابرم گرد آیند:

بسم اللّه وباللّه والی اللّه وفی سبیل اللّه وعلی ملة رسول‌اللّه (ص) اللّهم الیک اسلمت نفسی والیک وجّهت وجهی والیک الجأت ظهری والیک فوّضت امری اللّهم احفظنی بحفظ الایمان من بین یدی ومن خلفی وعن یمینی وعن شمالی ومن فوقی ومن تحتی ومن قبلی وادفع عنّی بحولک وقوّتک فانّه لاحول ولاقوّة



وَمِنْ قِبَلِي؛ وادْفَعْ عَنّي بِحَوْلِكَ وَقُوَّتِكَ فَإِنَّهُ لا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ».

بابُ الدُّعاءِ لِلْعِلَلِ وَالأَمْراضِ

١ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسىٰ، عَنْ عَبْدِالرَّحْمٰنِ بْنِ أَبِي نَجْرانَ وَابْنِ فَضّالٍ، عَنْ بَعْضِ أَصْحابِنا، عَنْ أَبي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: كانَ يَقُولُ عِنْدَ الْعِلَّةِ «اللّٰهُمَّ إِنَّكَ عَيَّرْتَ أَقْواماً فَقُلْتَ: ﴿قُلِ ادْعُوا الَّذِينَ زَعَمْتُمْ مِنْ دُونِهِ فَلا يَمْلِكُونَ كَشْفَ الضُّرِّ عَنْكُمْ وَلا تَحْوِيلاً﴾ فَيا مَنْ لا يَمْلِكُ كَشْفَ ضُرِّي وَلا تَحْوِيلَهُ عَنّي أَحَدٌ غَيْرُهُ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاكْشِفْ ضُرِّي وَحَوِّلْهُ إِلىٰ مَنْ يَدْعُو مَعَكَ إِلٰهاً آخَرَ لا إِلٰهَ غَيْرُكَ».

٢ ـ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ، عَنْ عَبْدِ الْعَزِيزِ بْنِ الْمُهْتَدِي، عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِالرَّحْمٰنِ، عَنْ داوُدَ بْنِ زَرْبِي قالَ: مَرِضْتُ بِالْمَدِينَةِ مَرَضاً شَدِيداً فَبَلَغَ ذٰلِكَ أَبا عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام فَكَتَبَ إِلَيَّ: قَدْ بَلَغَنِي عِلَّتُكَ فَاشْتَرِ صاعاً مِنْ بُرٍّ ثُمَّ اسْتَلْقِ عَلىٰ قَفاكَ وَانْثُرْهُ عَلىٰ صَدْرِكَ كَيْفَما انْتَثَرَ وَقُلِ: «اللّٰهُمَّ إِنّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي إِذا سَأَلَكَ بِهِ الْمُضْطَرُّ كَشَفْتَ ما بِهِ مِنْ ضُرٍّ وَمَكَّنْتَ لَهُ فِي الْأَرْضِ وَجَعَلْتَهُ خَلِيفَتَكَ عَلىٰ

الاّ باللّه (ترجمهٔ آن گذشت).

باب دعا برای دردها وبیماریها

۱ ـ از امام صادق (ع) که هنگام درد وپیشامدِ بد می‌گفت:

بار خدایا تو مردمی را سرزنش کردی وفرمودی (۵۸ سوره اسراء): «بگو (ای محمد) بخوانید آنهائی را که در برابر خدا پنداشتید تا بدانید که نمی‌توانند از شما زیانی را دور کنند ودیگرگون نمایند» پس ای خدائی که جز او نمی‌تواند زیان مرا دور کند وآن را دیگرگون نماید رحمت فرست بر محمد وآل محمد وزیان مرا دور ساز وآن را از من بگردان به‌سوی کسی که با تو معبود دیگری را می‌خواند، نیست شایستهٔ پرستشی جز تو.

۲ ـ از داود بن زربی گوید: من در مدینه سخت بیمار شدم وخبرش به‌امام صادق (ع) رسید، به‌من نوشت که: خبرِ دردمندیت به‌من رسید، یک صاع (در حدود چهل سیر) گندم بخَر وبه‌پشت بخواب وآن را روی سینه‌ات بریز به‌هرگونه در پاشید وبگو: بار خدایا من تو را خواستارم بدان نامت که چون آن بیچاره تو را بدان خواند زیان وگرفتاری که دارد از او دور کنی واو را بر زمین تمکّن دهی وخلیفه‌اش بر خلقت نمائی (مقصود امام زمان ع است) که

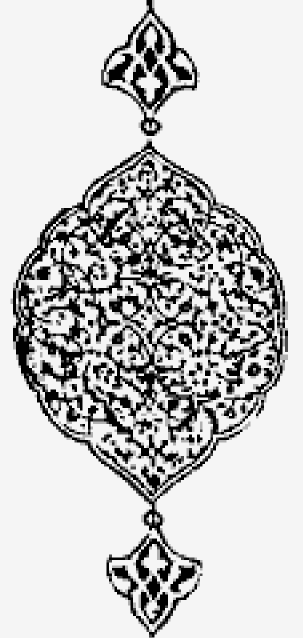


خَلْقِكَ أَنْ تُصَلِّيَ على مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُعافِيَنِي مِنْ عِلَّتِي» ثُمَّ اسْتَوِ جالِساً وَاجْمَعِ الْبُرَّ مِنْ حَوْلِكَ وَقُلْ مِثْلَ ذلِكَ وَاقْسِمْهُ مُدّاً مُدّاً لِكُلِّ مِسْكِينٍ وَقُلْ مِثْلَ ذلِكَ؛ قالَ داوُدُ: فَفَعَلْتُ ذلِكَ فَكَأَنَّما نُشِطْتُ مِنْ عِقالٍ وَقَدْ فَعَلَهُ غَيْرُ واحِدٍ فَانْتَفَعَ بِهِ.

٣ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ، عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ نُعَيْمٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيهِ السّلام قالَ: اشْتَكىٰ بَعْضُ وُلْدِهِ فَقالَ:

يا بُنَيَّ قُلِ: «اللّٰهُمَّ اشْفِنِي بِشِفائِكَ وَداوِنِي بِدَوائِكَ وَعافِنِي مِنْ بَلائِكَ فَإِنِّي عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ».

٤ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ، عَنْ مالِكِ بْنِ عَطِيَّةَ، عَنْ يُونُسَ بْنِ عَمّارٍ قالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيهِ السّلام جُعِلْتُ فِداكَ هذَا الَّذِي قَدْ ظَهَرَ بِوَجْهِي يَزْعَمُ النّاسُ أَنَّ اللّٰهَ عَزَّ وَجَلَّ لَمْ يَبْتَلِ بِهِ عَبْداً لَهُ فِيهِ حاجَةٌ فَقالَ لِي: لا، لَقَدْ كانَ مُؤْمِنُ آلِ فِرْعَوْنَ مُكَنَّعَ الْأَصابِعِ فَكانَ يَقُولُ هكَذا ـ وَيَمُدُّ يَدَهُ ـ وَيَقُولُ: «يا قَوْمِ اتَّبِعُوا الْمُرْسَلِينَ» قالَ: ثُمَّ قالَ: إِذا كانَ الثُّلُثُ الْأَخِيرُ مِنَ اللَّيْلِ فِي أَوَّلِهِ فَتَوَضَّأْ وَقُمْ إِلىٰ صَلاتِكَ الَّتِي تُصَلِّيها فَإِذا كُنْتَ فِي السَّجْدَةِ الْأَخِيرَةِ مِنَ الرَّكْعَتَيْنِ الْأُولَيَيْنِ فَقُلْ وَأَنْتَ ساجِدٌ: «يا عَلِيُّ يا عَظِيمُ يا رَحْمٰنُ يا رَحِيمُ يا سامِعَ الدَّعَواتِ وَيا مُعْطِيَ الْخَيْراتِ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَعْطِنِي مِنْ خَيْرِ



رحمت فرستی بر محمد وآل محمد ومرا از دردم عافیت بخشی. سپس درست بنشین وگندمها را از گرد خود جمع کن وهمان دعا را بخوان وآن را به چهار مد (در حدود ده سیر) بخش کن وهر مدی را به‌مستمندی بده وباز همان دعا را بخوان.

۳ ـ از حسین بن نعیم که: یکی از فرزندان امام صادق (ع) بیمار شد وآن حضرت به‌او فرمود:

ای پسر جانم بگو:

بار خدایا به‌درمان خود مرا درمان کن واز داروی خود به‌من بچشان واز بلای خود مرا عافیت بخش زیرا من بندهٔ تو وبنده‌زادهٔ توام.

۴ ـ از یونس بن عمّار گوید: به‌امام صادق (ع) گفتم: قربانت، اینکه در چهره‌ام آشکار شده است علّتی است که مردم پندارند خدا عز وجل هیچ بنده‌ای که او را خواهد بدانش گرفتار نکند. در پاسخم فرمود: نه، هر آینه که مؤمن آل فرعون انگشتانش چلاق بود وچنین می‌گفت ـ دستش را دراز می‌کرد ـ ومی‌گفت (۲۰ سوره یس): «ای مردم پیروی کنید از مرسلانِ خدا». گوید: سپس فرمود: چون آغاز ثلث اخیر شب شد وضوء ساز وبه‌نمازی پرداز که آن را می‌خوانی وهرگاه به‌سجده دوم دو رکعت اول نماز شب رسیدی بگو در همان سجده: یاعلی ویاعظیم یارحمن ویارحیم یاسامع الدعوات ویامعطی الخیرات صلّ علی محمد وآل محمد واعطنی من خیر الدنیا والآخرة ما انت اهله واصرف عنّی من شرّ

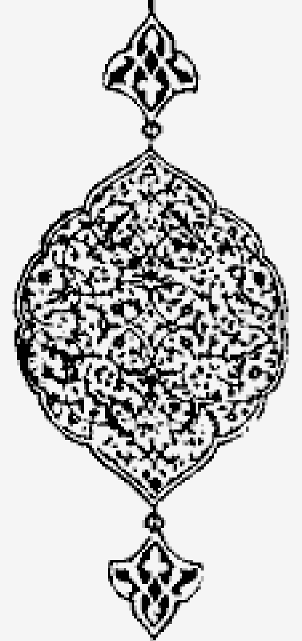


الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ ما أَنْتَ أَهْلُهُ واصْرِفْ عَنِّي مِنْ شَرِّ الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ ما أَنْتَ أَهْلُهُ وَاذْهِبْ عَنِّي هٰذَا الْوَجَعَ (وَسَمِّهِ) فَإِنَّهُ قَدْ غاظَنِي وَ[أَ]حْزَنَنِي» وَأَلِحَّ فِي الدُّعاءِ. قالَ: فَما وَصَلْتُ إِلَى الْكُوفَةِ حَتّىٰ أَذْهَبَ اللّٰهُ بِهِ عَنِّي كُلَّهُ.

٥ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، وَعِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْماعِيلَ جَمِيعاً، عَنْ حَنانِ بْنِ سَدِيرٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قالَ: إِذا رَأَيْتَ الرَّجُلَ مَرَّ بِهِ الْبَلاءُ فَقُلِ: «الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي عافانِي مِمَّا ابْتَلاكَ بِهِ وَفَضَّلَنِي عَلَيْكَ وَعَلىٰ كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقَ» وَلا تُسْمِعْهُ.

٦ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ بَعْضِ أَصْحابِهِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسىٰ، عَنْ داوُدَ بْنِ زَرْبِي، عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عليه السلام قالَ: تَضَعُ يَدَكَ عَلَى الْمَوْضِعِ الَّذِي فِيهِ الْوَجَعُ وَتَقُولُ ثَلاثَ مَرّاتٍ: «اللّٰهُ اللّٰهُ رَبِّي حَقّاً لا أُشْرِكُ بِهِ شَيْئاً؛ اللّٰهُمَّ أَنْتَ لَها وَلِكُلِّ عَظِيمَةٍ فَفَرِّجْها عَنِّي».

٧ ـ عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسىٰ، عَنْ داوُدَ، عَنْ مُفَضَّلٍ؛ عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عليه السلام لِلْأَوْجاعِ تَقُولُ: «بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ كَمْ مِنْ نِعْمَةٍ لِلّٰهِ فِي عِرْقٍ ساكِنٍ وَغَيْرِ ساكِنٍ عَلىٰ عَبْدٍ شاكِرٍ وَغَيْرِ شاكِرٍ» وَتَأْخُذُ لِحْيَتَكَ بِيَدِكَ الْيُمْنىٰ بَعْدَ صَلاةٍ مَفْرُوضَةٍ وَتَقُولُ: «اللّٰهُمَّ فَرِّجْ عَنِّي كُرْبَتِي وَعَجِّلْ عافِيَتِي وَاكْشِفْ ضُرِّي» ـ ثَلاثَ مَرّاتٍ ـ وَاحْرِصْ أَنْ يَكُونَ ذٰلِكَ مَعَ دُمُوعٍ وَبُكاءٍ.





الدنیا والآخرة ما انت اهله وأُذهب عنّی هذا الوجع ـ وآن درد را نام ببر ـ فانّه قد غاظنی و[أ]حزننی (مرا به‌خشم آورده واندوهناک کرده)، ودر دعا اصرار کن. گوید: هنوز به‌کوفه نرسیده بودم که خدا همهٔ آن درد را از من برد وشفای کامل عطا کرد. [۸۷]

۵ ـ از امام باقر(ع) فرمود: چون مرد گرفتار بلائی را دیدی بگو:

سپاس از آنِ خدا است که مرا عافیت داده از آنچه تو را بدان گرفتار کرده است وبرتری داده مرا به‌تو وبر بسیاری از کسانی که آفریده ـ وبگوش او مرسان ـ.

۶ ـ از امام باقر(ع) فرمود: دستِ خود بر موضع درد گذار وسه بار بگو:

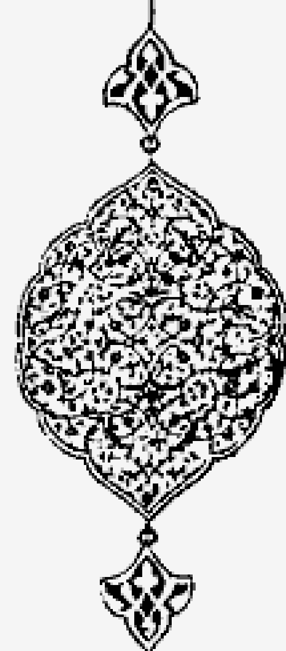
اللّٰه اللّٰه ربّی حقاً لا اشرک به شیئاً، اللّٰهم انت لها ولکل عظیمة ففرجها عنّی (بار خدایا توئی برای شفای آن ودر درد بزرگی آن را از من برگشا).

۷ ـ از امام صادق (ع) که برای هر دردی بگو:

بسم اللّٰه وباللّٰه کم من نعمة للّٰه فی عرق ساکن وغیر ساکن علی عبد شاکر وغیر شاکر، وبادست راست ریشت را بگیر وپس از نماز واجب سه بار بگو:

بار خدایا گرفتاریم را رفع کن وعافیتم را زود برسان وزیان از من دور کن.

وسعی کن که این دعا با اشک وگریه باشد.





٨ ـ عَلِيُّ بْنُ إبْراهيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ ابْنِ أَبي عُمَيْرٍ، عَنْ إبْراهِيمَ بْنِ عَبْدِالْحَمِيدِ، عَنْ رَجُلٍ قالَ: دَخَلْتُ عَلىٰ أَبي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام فَشَكَوْتُ إلَيْهِ وَجَعاً بِي فَقالَ: قُلْ: «بِسْمِ اللّٰهِ ـ ثُمَّ امْسَحْ يَدَكَ عَلَيْهِ وَقُلْ ـ أَعُوذُ بِعِزَّةِ اللّٰهِ وَأَعُوذُ بِقُدْرَةِ اللّٰهِ وَأَعُوذُ بِجَلالِ اللّٰهِ وَأَعُوذُ بِعَظَمَةِ اللّٰهِ وَأَعُوذُ بِجَمْعِ اللّٰهِ وَأَعُوذُ بِرَسُولِ اللّٰهِ وَأَعُوذُ بِأَسْماءِ اللّٰهِ مِنْ شَرِّ ما أَحْذَرُ وَمِنْ شَرِّ ما أَخافُ عَلىٰ نَفْسِي» تَقُولُها سَبْعَ مَرّاتٍ، قالَ: فَفَعَلْتُ فَأَذْهَبَ اللّٰهُ عَزَّ وَجَلَّ [بِها] الْوَجَعَ عَنِّي.

٩ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسىٰ، عَنِ الْوَشّاءِ، عَنْ عَبْدِاللّٰهِ بْنِ سِنانٍ، عَنْ عَوْنٍ قالَ: أَمِرَّ يَدَكَ عَلىٰ مَوْضِعِ الْوَجَعِ ثُمَّ قُلْ: «بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ وَمُحَمَّدٍ رَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّم وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ إلّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ؛ اللّٰهُمَّ امْسَحْ عَنِّي ما أَجِدُ» ثُمَّ تُمِرُّ يَدَكَ الْيُمْنىٰ وَتَمْسَحُ مَوْضِعَ الْوَجَعِ ـ ثَلاثَ مَرّاتٍ ـ.

١٠ ـ عَنْهُ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبي نَصْرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَخِي غَرّامٍ، عَنْ عَبْدِاللّٰهِ ابْنِ سِنانٍ، عَنْ أَبي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: تَضَعُ يَدَكَ عَلىٰ مَوْضِعِ الْوَجَعِ ثُمَّ تَقُولُ: «بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ [وَ] مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّم وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ إلّا بِاللّٰهِ، اللّٰهُمَّ امْسَحْ عَنِّي ما أَجِدُ» وَتَمْسَحُ الْوَجَعَ ثَلاثَ مَرّاتٍ.

١١ ـ عَلِيُّ بْنُ إبْراهيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ عُمْرِو بْنِ عُثْمانَ، عَنْ

۸ ـ از ابراهیم بن عبدالحمید از مردی گفت: خدمت امام صادق (ع) رسیدم وبه‌او شکایت کردم از دردی که داشتم فرمود:

بگو: بسم اللّٰه. ودستت را بر آن بکش وبگو: اعوذ بعزت اللّٰه واعوذ بقدرة اللّٰه واعوذ بجلال اللّٰه واعوذ بعظمة اللّٰه واعوذ بجمع اللّٰه واعوذ برسول اللّٰه واعوذ باسماء اللّٰه من شرّ ما احذر ومن شرّ ما اخاف علی نفسی. هفت بار آن را بگو.

گوید: من چنین کردم وخدا عمدهٔ آن درد را از من برد.

۹ ـ از عون که فرمود: دست به‌موضع درد بکش سپس بگو:

بسم اللّٰه وباللّٰه ومحمد رسول اللّٰه ولاحول ولاقوة الاّ باللّٰه العلی العظیم، بار خدایا آنچه از آن درد می‌کشم از من ببر.

وسه بار به‌موضعِ درد دست بکش.

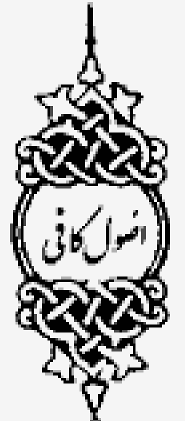
۱۰ ـ از امام صادق (ع) فرمود:

دستت را بجای درد می‌گذاری ومی‌گوئی:

بسم اللّٰه وباللّٰه [و] محمد رسول اللّٰه ولاحول ولاقوة الاّ باللّٰه، اللّٰهم امسح عنّی ما اجده.

وسه بار به‌محل درد دست می‌کشی.

۱۱ ـ از علی بن عیسی از عمویش گوید: به‌او (یعنی امام ع)

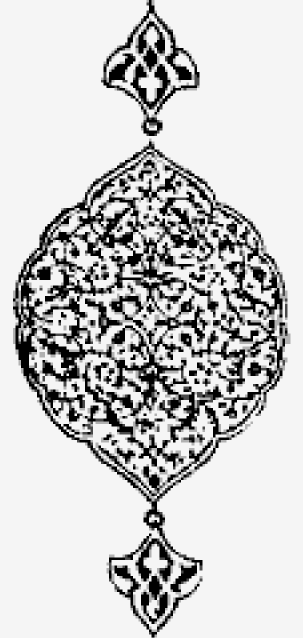


عَلِيِّ بْنِ عِيسىٰ، عَنْ عَمِّهِ قالَ: قُلْتُ لَهُ: عَلِّمْنِي دُعاءً أَدْعُو بِهِ لِوَجَعٍ أَصابَنِي؟ قالَ: قُلْ وَأَنْتَ ساجِدٌ: «يا اللّٰهُ يا رَحْمٰنُ [يا رَحِيمُ] يا رَبَّ الْأَرْبابِ وَإِلٰهِ الْآلِهَةِ وَيا مَلِكَ الْمُلُوكِ وَيا سَيِّدَ السّادَةِ اشْفِنِي بِشِفائِكَ مِنْ كُلِّ داءٍ وَسُقْمٍ فَإِنِّي عَبْدُكَ أَتَقَلَّبُ فِي قَبْضَتِكَ».

١٢ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسىٰ، عَنِ ابْنِ أَبِي نَجْرانَ، عَنْ حَمّادِ بْنِ عِيسىٰ، عَنْ حَرِيزٍ، عَنْ زُرارَةَ، عَنْ أَحَدِهِما عليهما السلام قالَ: إِذا دَخَلْتَ عَلىٰ مَرِيضٍ فَقُلْ: «أُعِيذُكَ بِاللّٰهِ الْعَظِيمِ رَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ مِنْ شَرِّ كُلِّ عِرْقٍ نَفّارٍ وَمِنْ شَرِّ حَرِّ النّارِ» ـ سَبْعَ مَرّاتٍ ـ.

١٣ ـ عَنْهُ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسىٰ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ، عَنْ أَبانِ بْنِ عُثْمانَ، عَنِ الثُّمالِيِّ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قالَ: إِذا اشْتَكَى الْإِنْسانُ فَلْيَقُلْ: «بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ وَمُحَمَّدٍ رَسُولِ اللّٰهِ صلى الله عليه وآله وسلم أَعُوذُ بِعِزَّةِ اللّٰهِ وَأَعُوذُ بِقُدْرَةِ اللّٰهِ عَلىٰ ما يَشاءُ مِنْ شَرِّ ما أَجِدُ».

١٤ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسىٰ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ، عَنْ هِشامٍ الْجَوالِيقِيِّ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّٰهِ عليه السلام: «يا مُنْزِلَ الشِّفاءِ وَمُذْهِبَ الدّاءِ أَنْزِلْ عَلىٰ ما بِيَ مِنْ داءٍ شِفاءً».



١٥ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ مُوسَىٰ بْنِ الْحَسَنِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسىٰ، عَنْ أَبِي إِسْحاقَ صاحِبِ الشَّعِيرِ، عَنِ الْحُسَيْنِ الْخُراسانِيِّ

گفتم: دعائی به‌من بیاموز که برای دردی که به‌من رسید بخوانم.

فرمود: در سجده بگو: یا الله یارحمن (یارحیم) یاربّ الارباب والٰه الآلهة ویاملک الملوک ویاسید السادة اشفنی بشفائک من کلّ داء وسقم فانّی عبدک اتقلّب فی قبضتک.

۱۲ ـ از زراره از یکی از دو امام (ع) فرمود: چون سرِ بستر بیماری حاضر شدی هفت بار بگو:

اُعیذك باللّٰه العظیم ربّ العرش العظیم من شرّ کلّ عرق نفّار (نعّارخ ل) ومن شرّ حرّ النار (تو را بخدای بزرگ پروردگار عرش عظیم پناه دهم از شرّ هر رگ گریخته (خون ریز خ ل) واز شرّ سوزشِ آن).

۱۳ ـ از امام باقر (ع) فرمود:

چون انسان بیمار شد بگوید: بسم اللّٰه وباللّٰه ومحمد رسول اللّٰه اعوذ بعزة اللّٰه واعوذ بقدرة اللّٰه علی ما یشاء من شرّ ما أجد.

۱۴ ـ از امام صادق (ع) (که بگوید):

ای نازل کنندهٔ شفاء وبرندهٔ درد، نازل کن برای دردی که دارد شفاء.

۱۵ ـ از حسین خراسانی که نانوا بود گفت: به‌امام صادق (ع) از دردی که داشتم شکایت کردم، فرمود:

وَكانَ خَبّازاً قالَ: شَكَوْتُ إِلىٰ أَبي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام وَجَعاً بِي فَقالَ: إِذا صَلَّيْتَ فَضَعْ يَدَكَ مَوْضِعَ سُجُودِكَ ثُمَّ قُلْ: «بِسْمِ اللّٰهِ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّم اشْفِنِي يا شافِي لا شِفاءَ إِلَّا شِفاؤُكَ، شِفاءً لا يُغادِرُ سُقْماً، شِفاءً مِنْ كُلِّ داءٍ وَسُقْمٍ».

١٦ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ بَعْضِ أَصْحابِهِ، عَنْ أَبِي حَمْزَةَ، عَنْ أَبي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: مَرِضَ عَلِيٌّ صَلَواتُ اللّٰهِ عَلَيْهِ فَأَتاهُ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّم فَقالَ لَهُ: قُلِ: «اللّٰهُمَّ إِنّي أَسْأَلُكَ تَعْجِيلَ عافِيَتِكَ وَصَبْراً عَلىٰ بَلِيَّتِكَ وَخُرُوجاً إِلىٰ رَحْمَتِكَ».

١٧ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ، عَنْ هارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ، عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ صَدَقَةَ، عَنْ أَبي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّم كانَ يُنْشِرُ بِهذا الدُّعاءِ: تَضَعُ يَدَكَ عَلىٰ مَوْضِعِ الْوَجَعِ وَتَقُولُ: «أَيُّتُهَا الْوَجَعُ اسْكُنْ بِسَكِينَةِ اللّٰهِ وَقِرَّ بِوَقارِ اللّٰهِ وَانْحَجِزْ بِحاجِزِ اللّٰهِ وَاهْدَأْ بِهَدْإِ اللّٰهِ أُعِيذُكَ أَيُّهَا الْإِنْسانُ بِما أَعاذَ اللّٰهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ عَرْشَهُ وَمَلائِكَتَهُ يَوْمَ الرَّجْفَةِ وَالزَّلازِلِ» تَقُولُ ذٰلِكَ سَبْعَ مَرّاتٍ وَلا أَقَلَّ مِنَ الثَّلاثِ.

١٨ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسىٰ، عَنْ عَمّارِ بْنِ الْمُبارَكِ، عَنْ عَوْنِ بْنِ سَعْدٍ مَوْلَى الْجَعْفَرِيِّ، عَنْ مُعاوِيَةَ بْنِ عَمّارٍ، عَنْ أَبي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: تَضَعُ يَدَكَ عَلىٰ مَوْضِعِ الْوَجَعِ وَتَقُولُ: «اللّٰهُمَّ إِنّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ الْقُرْآنِ الْعَظِيمِ الَّذِي نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ



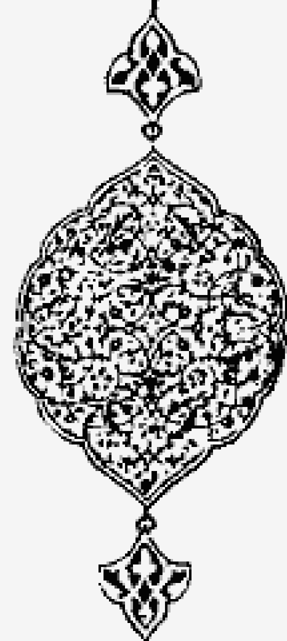
هر گاه نماز خواندی بجای سجده‌ات دست بگذار وبگو: بسم الله محمد رسول الله اشفني یاشافي لاشفاء الاّ شفاءک، شفاء لایغادر سقماً من کل داء وسقمٍ (به من شفا بخش ای کسی که تنها شفا از تو است، شفائی که بیماری نگذارد، شفاء از هر درد وبیماری).

۱۶ ـ از امام باقر(ع) که علی(ع) بیمار شد ورسول خدا(ص) نزد او آمد به‌او فرمود: بگو:

اللّهم انّي اسألك تعجيل عافيتك وصبراً على بليّتك وخروجاً الى رحمتك.

۱۷ ـ از امام صادق (ع) که پیغمبر(ص) با این دعا معالجه می‌کرد: دست را بر جای درد می‌گذاری ومی گوئی:

أیا درد، آرام شو بسکینة الله وقرار گیر بوقار الله وبر کنار شو به مانع از طرف خدا، بیارام به‌آرامشِ خدا، أیا انسان تو را پناه دهم بدانچه خدا عز وجل عرش وفرشته‌هایش را پناه داد در روز لرزش وزلزله‌ها. این را هفت بار می‌گوئی وکمتر از سه بار نباشد.



۱۸ ـ از امام صادق (ع) که: دستِ خود بجای درد می‌گذاری ومی‌گوئی:

اللّهم انّي اسألك بحقّ القرآن العظيم الذی نزل به الروح الامين وهو عندك في امّ الكتاب عليّ حكيم، ان تشفيني بشفائك



الْأَمِينُ وَهُوَ عِنْدَكَ فِي أُمِّ الْكِتابِ عَلِيٌّ حَكِيمٌ أَنْ تَشْفِيَنِي بِشِفائِكَ وَتُداوِيَنِي بِدَوائِكَ وَتُعافِيَنِي مِنْ بَلائِكَ» ـ ثَلاثَ مَرّاتٍ ـ وَتُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ.

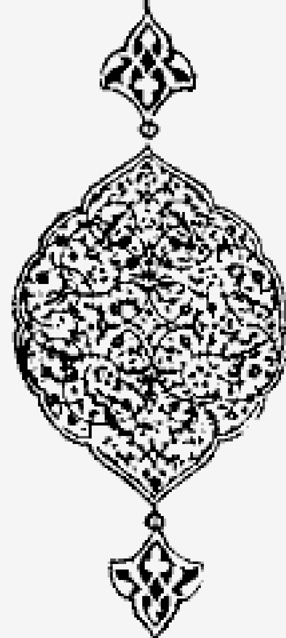
١٩ ـ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ، عَنِ الْعَوْفِيِّ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِاللّٰهِ بْنِ زُرارَةَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَيْلِ، عَنْ أَبِي حَمْزَةَ قالَ: عَرَضَ بِيَ وَجَعٌ فِي رُكْبَتِي، فَشَكَوْتُ ذٰلِكَ إِلىٰ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلام فَقالَ: إِذا صَلَّيْتَ فَقُلْ: «يا أَجْوَدَ مَنْ أَعْطىٰ وَيا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ وَيا أَرْحَمَ مَنِ اسْتُرْحِمَ، ارْحَمْ ضَعْفِي وَقِلَّةَ حِيلَتِي وَعافِنِي مِنْ وَجَعِي» قالَ: فَفَعَلْتُهُ فَعُوفِيتُ.



بابُ الْحِرْزِ وَالْعَوْذَةِ

١ ـ حُمَيْدُ بْنُ زِيادٍ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ غَيْرِ واحِدٍ، عَنْ أَبانٍ، عَنِ ابْنِ الْمُنْذِرِ قالَ: ذُكِرَتْ عِنْدَ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام الْوَحْشَةُ، فَقالَ: أَلا أُخْبِرُكُمْ بِشَيْءٍ إِذا قُلْتُمُوهُ لَمْ تَسْتَوْحِشُوا بِلَيْلٍ وَلا نَهارٍ:

«بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ وَتَوَكَّلْتُ عَلَى اللّٰهِ وَإِنَّهُ مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللّٰهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللّٰهَ بالِغُ أَمْرِهِ فَقالَ: بَلَغَنا أَنَّ رَجُلاً قالَها ثَلاثِينَ



وتداويني بدوائك وتعافيني من بلائك. تا سه بار، وصلوات می‌فرستی بر محمد وآلش.

۱۹ ـ از محمد بن فضيل از ابی حمزه گفت: دردی در زانوهايم رخ داد وشكايتش را به‌امام باقر (ع) كردم، فرمود: هرگاه تو نماز خواندی بگو:

يا اجود من اعطىٰ وياخير من سُئل ويارحم من استرحم، ارحم ضعفي وقلة حيلتي وعافني من وجعي.

گويد: آن را بكار بستم وعافيت يافتم.



باب حرز وعوذه

۱ ـ ابن منذر گويد: از هراسيدن نزد امام صادق (ع) يادآور شدم، فرمود: به‌شما چيزی را خبر ندهم كه هرگاه آن را بگوئيد نه در شب ونه در روز نهراسيد:

بسم الله وبالله وتوكلت على الله وانّه من يتوكل على الله فهو حسبه انّ الله بالغ امره قد جعل الله لكل شيئٍ قدراً، اللّهم اجعلني في كنفك وفي جوارك واجعلني في امانك وفي منعك.

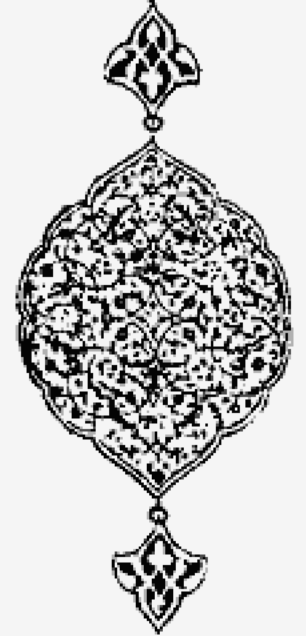
پس فرمود: به‌ما رسيده كه مردی سی سال به‌اين دعا ملازم



سَنَةً وَتَرَكَها لَيْلَةً فَلَسَعَتْهُ عَقْرَبٌ.

٢ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ مُحْسِنِ بْنِ أَحْمَدَ، عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ، عَنْ أَبِي بَصِيرٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: قُلْ: «أَعُوذُ بِعِزَّةِ اللّٰهِ وَأَعُوذُ بِقُدْرَةِ اللّٰهِ وَأَعُوذُ بِجَلالِ اللّٰهِ وَأَعُوذُ بِعَظَمَةِ اللّٰهِ وَأَعُوذُ بِعَفْوِ اللّٰهِ وَأَعُوذُ بِمَغْفِرَةِ اللّٰهِ وَأَعُوذُ بِرَحْمَةِ اللّٰهِ وَأَعُوذُ بِسُلْطانِ اللّٰهِ الَّذِي هُوَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَعُوذُ بِكَرَمِ اللّٰهِ وَأَعُوذُ بِجَمْعِ اللّٰهِ مِنْ شَرِّ كُلِّ جَبّارٍ عَنِيدٍ وَكُلِّ شَيْطانٍ مَرِيدٍ وَشَرِّ كُلِّ قَرِيبٍ أَوْ بَعِيدٍ أَوْ ضَعِيفٍ أَوْ شَدِيدٍ وَمِنْ شَرِّ السّامَّةِ وَالْهامَّةِ وَالْعامَّةِ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دابَّةٍ صَغِيرَةٍ أَوْ كَبِيرَةٍ بِلَيْلٍ أَوْ نَهارٍ وَمِنْ شَرِّ فُسّاقِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ وَمِنْ شَرِّ فَسَقَةِ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ».

٣ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ بَعْضِ أَصْحابِهِ، عَنِ الْقَدّاحِ، عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: قالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلام: رَقَى النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّم حَسَناً وَحُسَيْناً فَقالَ: «أُعِيذُكُما بِكَلِماتِ اللّٰهِ التّامّاتِ وَأَسْمائِهِ الْحُسْنىٰ كُلِّها عامَّةً مِنْ شَرِّ السّامَّةِ وَالْهامَّةِ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ عَيْنٍ لامَّةٍ وَمِنْ شَرِّ حاسِدٍ إِذا حَسَدَ» ثُمَّ الْتَفَتَ النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّم إِلَيْنا فَقالَ: هٰكَذا كانَ يُعَوِّذُ إِبْراهِيمُ إِسْماعِيلَ وَإِسْحاقَ عَلَيْهِم السَّلام.



٤ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ بَكْرٍ، عَنْ سُلَيْمانَ الْجَعْفَرِيِّ قالَ: سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلام يَقُولُ: إِذا

بود ویک شب آن را ترک کرد وهمان شب عقرب او را گزید.

۲ ـ از امام صادق (ع) فرمود: بگو: اعوذ بعزت اللّٰه واعوذ بقدرة اللّٰه واعوذ بجلال اللّٰه واعوذ بعظمة اللّٰه واعوذ بعفو اللّٰه واعوذ بمغفرة اللّٰه واعوذ برحمة اللّٰه واعوذ بسلطان اللّٰه الذي هو علی كل شيئ قدير، اعوذ بكرم اللّٰه واعوذ بجمع اللّٰه من شرّ كلّ جبّار عنيد وكلّ شيطان مريد وشرّ كلّ قريب او بعيد او ضعيف او شديد ومن شرّ السامة والهامة والعامة (از شرّ گزنده و کشنده وسال قحط) ومن شرّ كلّ دابّة صغيرة او كبيرة بليل او نهار ومن شرّ فسّاق العرب والعجم من شرّ فسقة الجن والانس.



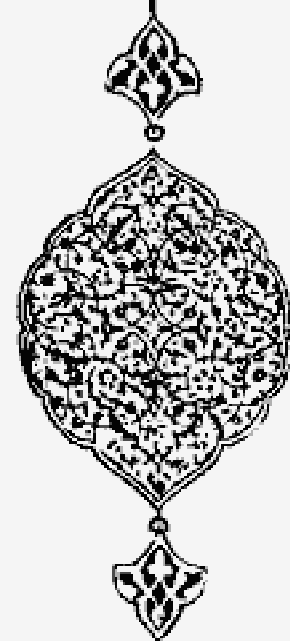
۳ ـ از امام صادق (ع) که امیرالمؤمنین (ع) فرمود: پیغمبر حسن وحسین را رقیه نمود پس فرمود: پناه دهم شما را به کلمات تامّهٔ خدا وبه‌اسماء حسنیٰ خدا که همه عمومی هستند از شرّ زهرداران وگزنده‌های کشنده واز شرّ هر چشمِ بد واز شرّ حسود هنگام حسد. سپس پیغمبر (ص) رو به ما کرد وفرمود: ابراهیم را شیوه بود که اسماعیل واسحاق را چنین در پناه خدا می گذاشت.

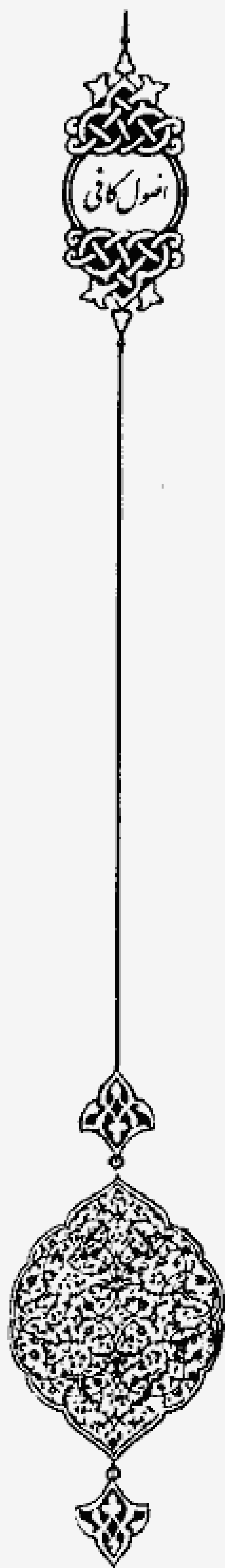
۴ ـ از سلیمان جعفری گوید: شنیدم ابوالحسن (ع) می‌فرمود: چون شام کنی وبنگری که خورشید رو به پنهان شدن وپشت



أَمْسَيْتَ فَنَظَرْتَ إِلىٰ الشَّمْسِ فِي غُرُوبٍ وَإِدْبارٍ فَقُلْ: «بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ صاحِبَةً وَلا وَلَداً وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِ وَكَبِّرْهُ تَكْبِيراً وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي يَصِفُ وَلا يُوصَفُ وَيَعْلَمُ وَلا يُعْلَمُ يَعْلَمُ خائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَما تُخْفِي الصُّدُورِ وَأَعُوذُ بِوَجْهِ اللّٰهِ الْكَرِيمِ وَبِاسْمِ اللّٰهِ الْعَظِيمِ مِنْ شَرِّ ما بَرَأَ وَذَرأَ وَمِنْ شَرِّ ما تَحْتَ الثَّرىٰ وَمِنْ شَرِّ ما بَطَنَ وَظَهَرَ وَمِنْ شَرِّ ما وَصَفْتُ وَما لَمْ أَصِفْ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعالَمِينَ» ذَكَرَ أَنَّها أَمانٌ مِنْ كُلِّ سَبُعٍ وَمِنَ الشَّيْطانِ الرَّجِيمِ وَذُرِّيَّتِهِ وَكُلِّ ما عَضَّ أَوْ لَسَعَ وَلا يَخافُ صاحِبُها إِذا تَكَلَّمَ بِها لِصّاً وَلا غُولاً قالَ: قُلْتُ لَهُ: إِنِّي صاحِبُ صَيْدِ السَّبُعِ وَأَنا أَبِيتُ فِي اللَّيْلِ فِي الْخَراباتِ وَأَتَوَحَّشُ فَقالَ لِي: قُلْ إِذا دَخَلْتَ: «بِسْمِ اللّٰهِ أَدْخُلُ» وَأَدْخِلْ رِجْلَكَ الْيُمْنىٰ وَإِذا خَرَجْتَ فَأَخْرِجْ رِجْلَكَ الْيُسْرىٰ وَسَمِّ اللّٰهِ فَإِنَّكَ لا تَرىٰ مَكْرُوهاً.

۵ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسىٰ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ، عَنْ قُتَيْبَةَ الْأَعْشىٰ قالَ: عَلَّمَنِي أَبُو عَبْدِ اللّٰهِ عليه السلام قالَ: قُلْ: «بِسْمِ اللّٰهِ الْجَلِيلِ أُعِيذُ بِاللّٰهِ الْعَظِيمِ مِنَ الْهامَّةِ وَالسّامَّةِ وَاللّامَّةِ وَالْعامَّةِ وَمِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَمِنَ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ وَمِنْ نَفْثِهِمْ وَبَغْيِهِمْ وَنَفْخِهِمْ وَبِآيَةِ الْكُرْسِيِّ» ثُمَّ تَقْرَأُها ثُمَّ تَقُولُ فِي الثّانِيَةِ: «بِسْمِ اللّٰهِ أُعِيذُ فُلاناً بِاللّٰهِ الْجَلِيلِ...» ـ حَتّىٰ تَأْتِيَ عَلَيْهِ ـ.





به‌جهان کردن است بگو: بسم الله وبالله والحمد لله الذی لم یتّخذ صاحبة ولا ولداً ولم یکن له شریک في الملك ولم یکن له وليّ من الذلّ وکبّره تکبیراً والحمد لله الذي یصف ولایوصف ویَعلم ولا یُعلم، یَعلم خائنة الاعین وما تُخفي الصدور واعوذ بوجه الله الکریم وباسم الله العظیم من شرّ ما برأ وذرأ ومن شرّ ما تحت الثریٰ ومن شرّ مابطن وظهر ومن شرّ ما وصفت وما لم اصف والحمد لله ربّ العالمین. فرمود: این امان است از هر درنده واز شیطان رجیم ونژادش وهر آنچه به‌دندان گیرد وبگزد وصاحب این ورد وخواننده‌اش نباید از دزد وغول بترسد. من به‌آن حضرت گفتم که: به‌شکار درنده می‌روم وشبها در ویرانه‌ها می‌خوابم ومی‌هراسم. به‌من فرمود:

چون درآئی بگو: به‌نام خدا درآمدم، وپای راستت را پیش بگذار وهرگاه بیرون آئی پای چپ را پیش نه ونام خدا را ببر که تو بدنخواهی دید.

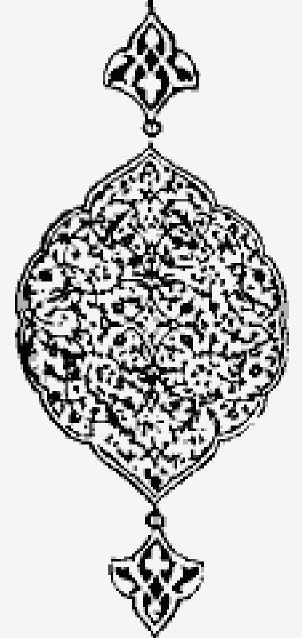
۵ ـ از قتیبه اعشی گوید: امام صادق (ع) به‌من یاد داد که بگو: بسم الله الجلیل پناه دهم فلانی را به‌خدای بزرگ از شرّ هر گزندهٔ کشنده وهر زهردار وهر چشمِ بد واز سال گرانی واز شرّ جن وانس وعرب وعجم واز دمیدن واز ستم ودست‌اندازی آنها واز پف کردن آنها وبه‌آیة الکرسي، وسپس آن را می‌خوانی وسپس در بار دوم می‌گوئی: اعیذ فلاناً بالله الجلیل... تا به‌آخر آن.



٦ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ ابْنِ أَبي عُمَيْرٍ، عَنْ إِسْحاقَ بْنِ عَمّارٍ، قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام: جُعِلْتُ فِداكَ إِنّي أَخافُ الْعَقارِبَ، فَقالَ: انْظُرْ إِلىٰ بَناتِ نَعْشٍ الْكَواكِبِ الثَّلاثَةِ الْوُسْطىٰ مِنْها بِجَنْبِهِ كَوْكَبٌ صَغِيرٌ قَرِيبٌ مِنْهُ تُسَمِّيهِ الْعَرَبُ «السُّها» وَنَحْنُ نُسَمِّيهِ «أَسْلَمَ» أَحِدَّ النَّظَرَ إِلَيْهِ كُلَّ لَيْلَةٍ وَقُلْ ثَلاثَ مَرّاتٍ: «اللّٰهُمَّ رَبَّ أَسْلَمَ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ وَسَلِّمْنا» قالَ: إِسْحاقُ فَما تَرَكْتُهُ مُنْذُ دَهْرِي إِلّا مَرَّةً واحِدَةً فَضَرَبَتْنِي الْعَقْرَبُ.

٧ ـ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ، عِنِ الْعَبّاسِ بْنِ عامِرٍ، عَنْ أَبِي جَمِيلَةَ، عَنْ سَعْدٍ الْإِسْكافِ قالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ: مَنْ قالَ هٰذِهِ الْكَلِماتِ فَأَنا ضامِنٌ لَهُ أَلّا يُصِيبَهُ عَقْرَبٌ وَلا هامَّةٌ حَتّىٰ يُصْبِحَ: «أَعُوذُ بِكَلِماتِ اللّٰهِ التّامّاتِ الَّتِي لا يُجاوِزُهُنَّ بَرٌّ وَلا فاجِرٌ مِنْ شَرِّ ما ذَرَأَ وَمِنْ شَرِّ ما بَرَأَ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دابَّةٍ هُوَ آخِذٌ بِناصِيَتِها إِنَّ رَبِّي عَلىٰ صِراطٍ مُسْتَقِيمٍ».

٨ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ، عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: كانَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّم فِي بَعْضِ مَغازِيهِ إِذا شَكَوْا إِلَيْهِ الْبَراغِيثَ أَنَّها تُؤْذِيهِمْ فَقالَ: إِذا أَخَذَ أَحَدُكُمْ مَضْجَعَهُ فَلْيَقُلْ: أَيُّهَا الْأَسْوَدُ الْوَثّابُ الَّذِي لا يُبالِي غَلَقاً وَلا باباً عَزَمْتُ عَلَيْكَ بِأُمِّ الْكِتابِ

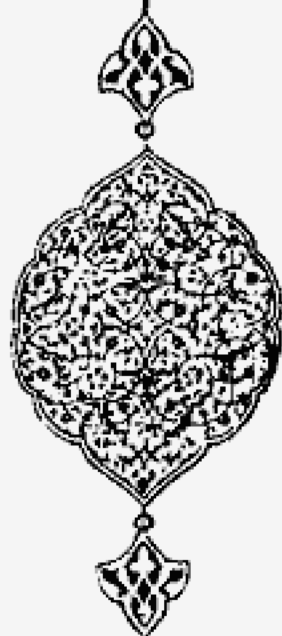




۶ ـ از اسحاق بن عمّار گوید: به‌امام صادق (ع) گفتم: قربانت، راستی من از عقرب‌ها می‌ترسم، فرمود: به‌سه ستاره از هفت ستارهٔ بنات‌النعش بنگر که در کنار میانهٔ آنها اختر کوچکی است نزدیک آن که عرب آن را سها نامند وما آن را اسلم نامیم هر شب خیره بدان نگاه کن وسه بار بگو: اللّهم ربّ اسلم، صلّ علی محمد وآل محمد وعجّل فرجهم وسلّمنا. اسحاق گفت: در عمر خود آن را ترک نکردم جز یک بار که در آن یک بار هم عقرب مرا گزید.

۷ ـ از سعد اسکاف گوید: شنیدم که امام صادق (ع) می‌فرمود: هرکه این کلمات را بگوید من ضامنم که گزند عقرب وگزنده‌های دیگر به‌او نرسد تا صبح: اعوذ بکلمات اللّه التامّات التي لا یجاوزهن برّ ولا فاجر من شرّ ما ذرأ ومن شرّ ما برأ ومن شرّ کلّ دابّة هو آخذ بناصیتها انّ ربّي علی صراط مستقیم.

۸ ـ از علی بن ابی حمزه از ابی الحسن (ع) فرمود: رسول خدا در یکی از جهادهای خود بود، واصحابش از آزار کیک به‌وی شکایت بردند، فرمود: چون هرکدام شما به‌بستر خود رود بگوید: ای سیاه جهنده که از بست وبند ودر باکی نداری من تو را قسم می‌دهم به‌امّ الکتاب که مرا ویارانم را آزار نرسانی تا شب برود وبامداد بیاید بدانچه آید (والذي نعرفه ـ آنچه ما می‌دانیم این است)

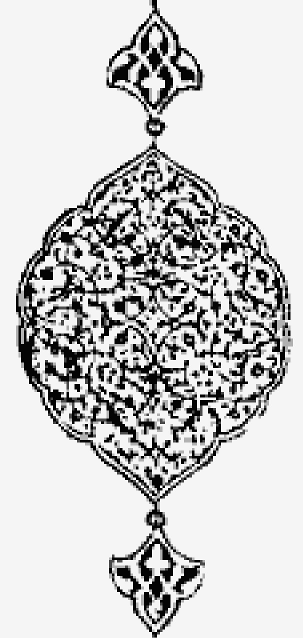




أَلاّ تُؤْذِيَنِي وَأَصْحابِي إِلىٰ أَنْ يَذْهَبَ اللَّيْلُ وَيَجِيءَ الصُّبْحُ بِما جاءَ» ـ وَالَّذِي نَعْرِفُهُ ـ إِلىٰ أَنْ يَؤُوبَ الصُّبْحُ مَتىٰ ما آبَ».

٩ ـ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ، عَنِ ابْنِ جُمْهُورٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنانٍ، عَنْ عَبْدِاللّٰهِ بْنِ سِنانٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: قالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلام: إِذا لَقِيتَ السَّبُعَ فَقُلْ: «أَعُوذُ بِرَبِّ دانْيالَ وَالْجُبِّ مِنْ شَرِّ كُلِّ أَسَدٍ مُسْتَأْسِدٍ».

١٠ ـ مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ أَبُو الْعَبّاسِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسىٰ، عَنْ صالِحِ بْنِ سَعِيدٍ، عَنْ إِبْراهِيمَ بْنِ مُحَمَّدِ ابْنِ هارُونَ أَنَّهُ كَتَبَ إِلىٰ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلام يَسْأَلُهُ عَوْذَةً لِلرِّياحِ الَّتِي تَعْرِضُ لِلصِّبْيانِ فَكَتَبَ إِلَيْهِ بِخَطِّهِ بِهاتَيْنِ الْعَوْذَتَيْنِ وَزَعَمَ صالِحٌ أَنَّهُ أَنْفَذَهُما إِلىٰ إِبْراهِيمَ بِخَطِّهِ: «اللّٰهُ أَكْبَرُ اللّٰهُ أَكْبَرُ اللّٰهُ أَكْبَرُ أَشْهَدُ أَنْ لا إِلٰهَ إِلاَّ اللّٰهُ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً رَسُولُ اللّٰهِ، اللّٰهُ أَكْبَرُ اللّٰهُ أَكْبَرُ لا إِلٰهَ إِلاَّ اللّٰهُ وَلا رَبَّ لِي إِلاَّ اللّٰهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ لا شَرِيكَ لَهُ سُبْحانَ اللّٰهِ، ما شاءَ اللّٰهُ كانَ وَما لَمْ يَشَأْ لَمْ يَكُنْ، اللّٰهُمَّ ذَا الْجَلالِ وَالْإِكْرامِ، رَبَّ مُوسىٰ وَعِيسىٰ وَإِبْراهِيمَ الَّذِي وَفّىٰ، إِلٰهَ إِبْراهِيمَ وَإِسْماعِيلَ وَإِسْحاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْباطِ، لا إِلٰهَ إِلاَّ أَنْتَ سُبْحانَكَ مَعَ ما عَدَدْتَ مِنْ آياتِكَ وَبِعَظَمَتِكَ وَبِما سَأَلَكَ بِهِ النَّبِيُّونَ وَبِأَنَّكَ رَبُّ النّاسِ كُنْتَ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ وَأَنْتَ بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ، أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي تُمْسِكُ بِهِ السَّماواتِ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلاَّ بِإِذْنِكَ وَبِكَلِماتِكَ التّامّاتِ الَّتِي





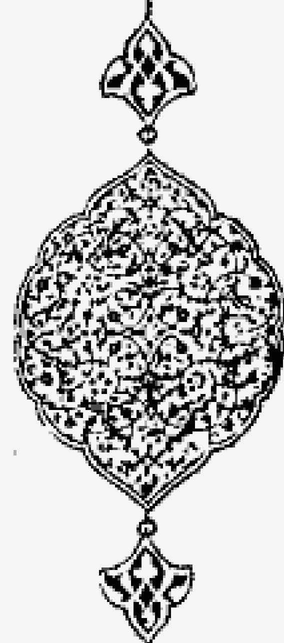
تا برگردد بامداد هر زمانی برگردد. [۸۸]

۹ ـ امیرالمؤمنین (ع) فرمود:

چون به درنده برخوردی بگو: اعوذ برب دانیال و الجُبّ من شرّ کلّ اسد مستأسد (پناه برم به پروردگار دانیال از هر شیر شرزه و درنده. [۸۹]

۱۰ ـ از ابراهیم بن محمد بن هارون که به امام باقر (ع) نوشت وپرسید از پناه به خدا در بارهٔ بادهائی که برای کودکان رخ می‌دهد، در پاسخ، به خط خود این دو عوذه را نگاشت و صالح (راوی حدیث) معتقد است که آنها را برای ابراهیم فرستاد:

«الله اکبر الله اکبر، اشهد ان لا اله الاّ الله، اشهد ان محمداً رسول الله، الله اکبر الله اکبر، لا اله الاّ الله، و لا ربّ لی الاّ الله، له الملك و له الحمد لا شریك له، سبحان الله، ماشاء الله کان و مالم یشأ لم یکن، اللهم ذا الجلال و الاکرام، ربّ موسیٰ و عیسیٰ و ابراهیم الذی وفّیٰ اله ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و الاسباط، لا اله الاّ انت سبحانك مع ما عددت من آیاتك و بعظمتك و بماسألك به النبیّون و بأنّك رب الناس، کنت قبل کل شییء و انت بعد کل شییء، اسألك باسمك الذی تمسك به السماوات ان تقع علی الارض الاّ بأذنك و بکلماتك التامّات التی تحیی به الموتیٰ ان تجیر عبدك فلان (نام او را برد) من شرّ ما ینزل من السماء و ما یعرج الیها و ما

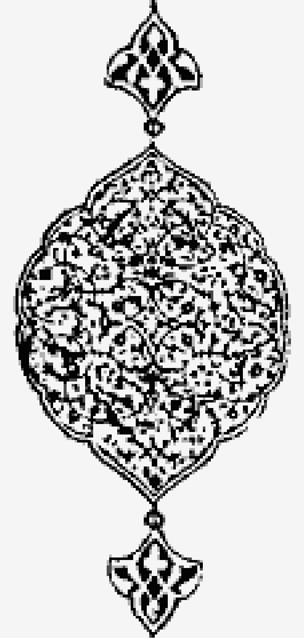




الَّتِي تُحْيِي بِهِ الْمَوْتى أَنْ تُجِيرَ عَبْدَكَ فُلاناً مِنْ شَرِّ ما يَنْزِلُ مِنَ السَّماءِ وَما يَعْرِجُ إِلَيْها وَما يَخْرُجُ مِنَ الْأَرْضِ وَما يَلِجُ فِيها وَسَلامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعالَمِينَ» وَكَتَبَ إِلَيْهِ أَيْضاً بِخَطِّهِ: «بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ وَإِلَى اللّٰهِ وَكَما شاءَ اللّٰهُ وَأُعِيذُهُ بِعِزَّةِ اللّٰهِ وَجَبَرُوتِ اللّٰهِ وَقُدْرَةِ اللّٰهِ وَمَلَكُوتِ اللّٰهِ، هذَا الْكِتابُ مِنَ اللّٰهِ شِفاءٌ لِفُلانٍ [ابْنِ] عَبْدِكَ وَابْنِ أَمَتِكَ عَبْدِي اللّٰهُ صَلَّى اللّٰهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ».

١١ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خالِدٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، عَنْ عَبْدِاللّٰهِ بْنِ يَحْيَى الْكاهِلِيِّ قالَ: قالَ أَبُو عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام: إِذا لَقِيتَ السَّبُعَ فَاقْرَأْ فِي وَجْهِهِ آيَةَ الْكُرْسِيِّ وَقُلْ لَهُ: «عَزَمْتُ عَلَيْكَ بِعَزِيمَةِ اللّٰهِ وَعَزِيمَةِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّم وَعَزِيمَةِ سُلَيْمانَ بْنِ داوُدَ عَلَيْهِمَا السَّلام وَعَزِيمَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طالِبٍ عَلَيْهِ السَّلام وَالْأَئِمَّةِ الطّاهِرِينَ مِنْ بَعْدِهِ» فَإِنَّهُ يَنْصَرِفُ عَنْكَ إِنْ شاءَ اللّٰهُ. قالَ: فَخَرَجْتُ فَإِذا السَّبُعُ قَدِ اعْتَرَضَ فَعَزَمْتُ عَلَيْهِ وَقُلْتُ لَهُ: إِلَّا تَنَحَّيْتَ عَنْ طَرِيقِنا وَلَمْ تُؤْذِنا، قالَ: فَنَظَرْتُ إِلَيْهِ قَدْ طَأْطَأَ [بِ]رَأْسِهِ وَأَدْخَلَ ذَنَبَهُ بَيْنَ رِجْلَيْهِ وَانْصَرَفَ.

١٢ ـ عَنْهُ، عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ يُونُسَ، عَنْ بَعْضِ أَصْحابِنا، عَنْ أَبِي الْجارُودِ، عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: مَنْ قالَ فِي دُبُرِ الْفَرِيضَةِ: «أَسْتَوْدِعُ اللّٰهَ الْعَظِيمَ الْجَلِيلَ نَفْسِي وَأَهْلِي وَوُلْدِي وَمَنْ يَعْنِينِي أَمْرُهُ وَأَسْتَوْدِعُ اللّٰهَ الْمَرْهُوبَ الْمَخُوفَ



یخرج من الأرض و ما یلج فیها و سلام علی المرسلین و الحمد للّٰه رب العالمین» و نیز بخطش نگاشت: «بسم اللّٰه و باللّٰه و الی اللّٰه و کما شاء و اعیذه بعزة اللّٰه و جبروت اللّٰه و قدرة اللّٰه و ملکوت اللّٰه هذا الکتاب من اللّٰه شفاء لفلان بن فلان (ابن) عبدك و ابن امتك عبدی اللّٰه صلّی اللّٰه علی محمد و آله.

۱۱ ـ از عبداللّٰه بن یحیی کاهلی گوید: امام صادق (ع) فرمود:

چون به درنده‌ای برخوردی در روی او آیت الکرسی بخوان و به او بگو: «عزمت علیك بعزیمة اللّٰه و عزیمة محمد (ص) و عزیمة سلیمان بن داود و عزیمة امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب(ع) و الأئمة الطاهرین من بعده» که آن درنده از برابر تو برگردد ان شاء اللّٰه.

گوید: من بیرون رفتم و به ناگاه درنده‌ای سر راهم درآمد، من او را قسم دادم و به او گفتم: از راه ما برگرد و ما را نیازار، گوید: به او نگاه کردم که سرش را به زیر انداخت و دمش را میان دو پایش نهاد و برگشت.

۱۲ ـ از امام صادق (ع) که هرکس دنبال نماز واجب بگوید:

«سپردم به خدای بزرگوار و والا خود وخاندانم وفرزندانم و هرکه را خواهم، سپردم به خدا که بهراسد و بترسد و بلرزد در برابر

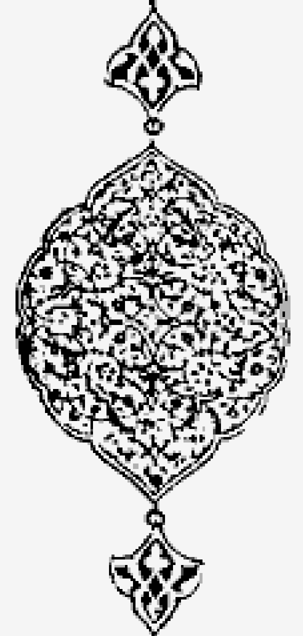


الْمُتَضَعْضِعَ لِعَظَمَتِهِ كُلُّ شَيْءٍ نَفْسِي وَأَهْلِي وَوُلْدِي وَمَنْ يَعْنِينِي أَمْرُهُ» حُفَّ بِجَناحٍ مِنْ أَجْنِحَةِ جَبْرَئِيلَ عَلَيْهِ السَّلام وَحُفِظَ فِي نَفْسِهِ وَأَهْلِهِ وَمالِهِ.

١٣ ـ عَنْهُ، رَفَعَهُ قالَ: مَنْ باتَ فِي دارٍ وَبَيْتٍ وَحْدَهُ فَلْيَقْرَأْ آيَةَ الْكُرْسِيِّ وَلْيَقُلْ:

«اللّٰهُمَّ آنِسْ وَحْشَتِي وَآمِنْ رَوْعَتِي وَأَعِنِّي عَلىٰ وَحْدَتِي».

١٤ ـ أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سالِمٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ النَّضْرِ، عَنْ عَمْرِو بْنِ شِمْرٍ، عَنْ يَزِيدَ بْنِ مُرَّةَ، عَنْ بُكَيْرٍ قالَ: سَمِعْتُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلام يَقُولُ: قالَ لِي رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّم: يا عَلِيُّ أَلا أُعَلِّمُكَ كَلِماتٍ؟ إِذا وَقَعْتَ فِي وَرْطَةٍ أَوْ بَلِيَّةٍ فَقُلْ: «بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» فَإِنَّ اللّٰهَ عَزَّ وَجَلَّ يَصْرِفُ بِها عَنْكَ ما يَشاءُ مِنْ أَنْواعِ الْبَلاءِ.





عظمتش هر چیزی خودم وخاندانم ومالم وفرزندم‌وهرکه را خواهم» در زیر یکی از پرهای جبرئیل درآید و خود وخاندان ومالش محفوظ گردند.

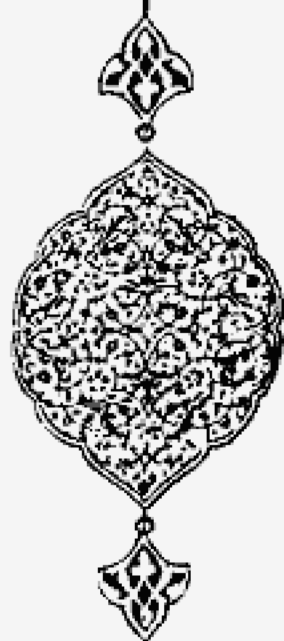
۱۳ ـ به معصوم رسانیده است که فرمود:

هرکه تنها در خانه‌ای شب را به سر برد، باید آیة الکرسی را بخواند و باید بگوید:

بار خدایا هراسم را آرام کن و ترسم را بیاسای و در تنهائی کمکم کن.

۱٤ ـ از بکیر، فرمود: از امیرالمؤمنین(ع) شنیدم می‌فرمود: رسول خدا(ص) به من فرمود:

ای علی! آیا به تو کلماتی نیآموزم؟ هر گاهی که در سختی و بلائی افتی بگو: «بسم اللّٰه الرحمن الرحیم و لا حول ولا قوة الاّ باللّٰه العليّ العظیم» زیرا خدا عزوجل می‌گرداند بدان از تو آنچه را خواهد از انواع بلا.





بابُ الدُّعاءِ عِنْدَ قِراءَةِ الْقُرْآنِ

١ ـ قالَ: كانَ أَبُو عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السّلام يَدْعُو عِنْدَ قِراءَةِ كِتابِ اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ:

«اللّٰهُمَّ رَبَّنا لَكَ الْحَمْدُ أَنْتَ الْمُتَوَحِّدُ بِالْقُدْرَةِ وَالسُّلْطانِ الْمَتِينِ وَلَكَ الْحَمْدُ أَنْتَ الْمُتَعالِي بِالْعِزِّ وَالْكِبْرِياءِ وَفَوْقَ السَّماواتِ وَالْعَرْشِ الْعَظِيمِ رَبَّنا وَلَكَ الْحَمْدُ أَنْتَ الْمُكْتَفِي بِعِلْمِكَ وَالْمُحْتاجُ إِلَيْكَ مِنَ الْحِكْمَةِ وَالْقُرْآنِ الْعَظِيمِ الْمُبِينِ.

اللّٰهُمَّ أَنْتَ عَلَّمْتَناهُ قَبْلَ رَغْبَتِنا فِي تَعَلُّمِهِ وَاخْتَصَصْتَنا بِهِ قَبْلَ رَغْبَتِنا بِنَفْعِهِ.

اللّٰهُمَّ فَإِذا كانَ ذٰلِكَ مَنّاً مِنْكَ وَفَضْلاً وَجُوداً وَلُطْفاً بِنا وَرَحْمَةً لَنا وَامْتِناناً عَلَيْنا مِنْ غَيْرِ حَوْلِنا وَلا حِيلَتِنا وَلا قُوَّتِنا.

اللّٰهُمَّ فَحَبِّبْ إِلَيْنا حُسْنَ تِلاوَتِهِ وَحِفْظَ آياتِهِ وَإِيماناً بِمُتَشابِهِهِ وَعَمَلاً بِمُحْكَمِهِ وَسَبَباً فِي تَأْوِيلِهِ وَهُدىً فِي تَدْبِيرِهِ وَبَصِيرَةً بِنُورِهِ.

اللّٰهُمَّ وَكَما أَنْزَلْتَهُ شِفاءً لِأَوْلِيائِكَ وَشَقاءً عَلىٰ أَعْدائِكَ وَعَمىً عَلىٰ أَهْلِ مَعْصِيَتِكَ وَنُوراً لِأَهْلِ طاعَتِكَ.

اللّٰهُمَّ فَاجْعَلْهُ لَنا حِصْناً مِنْ عَذابِكَ وَحِرْزاً مِنْ غَضَبِكَ

باب دعاء قرائت قرآن

۱ ـ امام صادق (ع) نزد خواندن قرآن خدا عزوجل، این دعا را می‌خواند: «بار خدایا پروردگار ما! از آن تو است سپاس، توئی یگانه در توانائی و سلطنت استوار و از آن تو است سپاس، توئی برتر به عزت و کبریاء و فراز آسمانها و عرش بزرگ، پروردگار ما! از آن تو است سپاس، تو خود همه چیز را فرستنده آیات و ذکر عظیم، پروردگار ما! از آن تو است سپاس بدانچه آموختی از حکمت و از قرآن بزرگوار و روشن کننده، بار الها توئی که پیش از اظهار شوق آن را به ما آموختی و سودش را نجسته آن را به ما یاددادی، بار خدایا! در صورتی که این خود منت و فضل و جود و لطف است نسبت به ما و رحمت است برای ما و امتنا نیست بر سر ما بی‌جنبش و چاره‌جوئی و توانی از طرف ما، بار خدایا! پس خوب خواندن آن و نگه‌داشتن آیاتش را نزد ما محبوب ساز و ایمان به متشابه و عمل به آیات محکم آن را با وسیلهٔ تأویل و رهیابی در تدبیر و بینائی در پرتوش به دل ما انداز.

بار خدایا! چنانی که آن را درمان برای دوستانت نازل کردی و وسیلهٔ بدبختی دشمنانت ساختی و آن را نابینائی نافرمان وروشنی فرمان‌برانت نمودی، بار خدایا! آن را برای ما دژی ساز از عذابت وپناهگاهی از خشمت و جلوگیری از نافرمانیت و نگهبانی از بدخواهیت ورهنمائی به فرمانبریت و نوری در روز ملاقات تا بدان



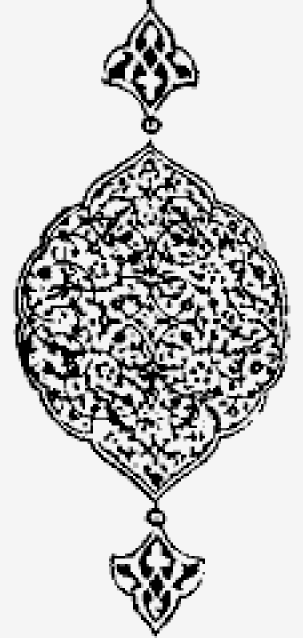
وَحاجِزاً عَنْ مَعْصِيَتِكَ وَعِصْمَةً مِنْ سَخَطِكَ وَدَلِيلاً عَلىٰ طاعَتِكَ وَنُوراً يَوْمَ نَلْقاكَ نَسْتَضِيءُ بِهِ فِي خَلْقِكَ وَنَجُوزُ بِهِ [عَلىٰ] صِراطِكَ وَنَهْتَدِي بِهِ إِلىٰ جَنَّتِكَ.

اللّٰهُمَّ إِنّا نَعُوذُ بِكَ مِنَ الشِّقْوَةِ فِي حَمْلِهِ وَالْعَمىٰ وَالْجَوْرَ عَنْ حُكْمِهِ وَالْغُلُوِّ عَنْ قَصْدِهِ وَالتَّقْصِيرِ دُونَ حَقِّهِ.

اللّٰهُمَّ احْمِلْ عَنّا ثِقْلَهُ وَأَوْجِبْ لَنا أَجْرَهُ وَأَوْزِعْنا شُكْرَهُ وَاجْعَلْنا نُراعِيهِ وَنَحْفَظُهُ.

اللّٰهُمَّ اجْعَلْنا نَتَّبِعُ حَلالَهُ وَنَجْتَنِبُ حَرامَهُ وَنُقِيمُ حُدُودَهُ وَنُؤَدِّي فَرائِضَهُ اللّٰهُمَّ ارْزُقْنا حَلاوَةً فِي تِلاوَتِهِ وَنَشاطاً فِي قِيامِهِ وَوَجَلاً فِي تَرْتِيلِهِ وَقُوَّةً فِي اسْتِعْمالِهِ فِي آناءِ اللَّيْلِ وَ [أَطْرافِ] النَّهارِ.

اللّٰهُمَّ وَاشْفِنا مِنَ النَّوْمِ بِالْيَسِيرِ وَأَيْقِظْنا فِي ساعَةِ اللَّيْلِ مِنْ رُقادِ الرّاقِدِينَ وَنَبِّهْنا عِنْدَ الْأَحايِينِ الَّتِي يُسْتَجابُ فِيها الدُّعاءُ مِنْ سِنَةِ الْوَسْنانِينَ.



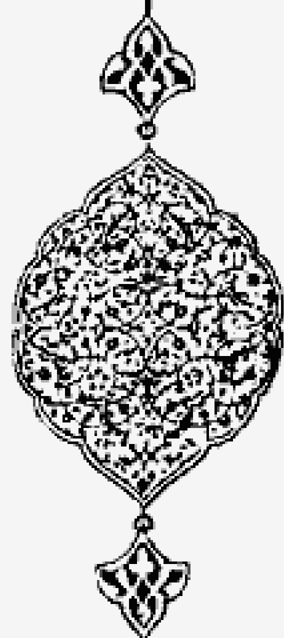
اللّٰهُمَّ اجْعَلْ لِقُلُوبِنا ذُكاءً عِنْدَ عَجائِبِهِ الَّتِي لا تَنْقَضِي وَلَذاذَةً عِنْدَ تَرْدِيدِهِ وَعِبْرَةً عِنْدَ تَرْجِيعِهِ وَنَفْعاً بَيِّناً عِنْدَ اسْتِفْهامِهِ، اللّٰهُمَّ إِنّا نَعُوذُ بِكَ مِنْ تَخَلُّفِهِ فِي قُلُوبِنا وَتَوَسُّدِهِ عِنْدَ رِقادِنا وَنَبْذِهِ وَراءَ ظُهُورِنا وَنَعُوذُ بِكَ مِنْ قَساوَةِ قُلُوبِنا لِما بِهِ وَعَظْتَنا، اللّٰهُمَّ انْفَعْنا بِما صَرَّفْتَ فِيهِ مِنَ الْآياتِ وَذَكِّرْنا بِما ضَرَبْتَ فِيهِ مِنَ الْمَثُلاتِ وَكَفِّرْ عَنّا

میان خلق تو پرتویاب شویم و به وسیلهٔ آن از صراط تو بگذریم و به بهشت تو راه بریم.

بار خدایا! به تو پناهم از شقاوت و جفاکاری در تحمل آن و کوری از به کار بستن آن و خلاف نمودن در حکمش و گردن فرازی از توجه بدان و کوتاهی کردن در برابر حق آن، بار خدایا! سنگینی آن را به کمک ما بر دار و مزدش را به ما لازم دار و شکر و قدردانی از آن را بر ما بگمار و ما را راعی و حافظ آن ساز، بار خدایا! ما را پیروی کن از حلال آن و کناره‌جوی از حرامش و برپا دارندهٔ حدود و پرادخت کنندهٔ مقرراتش بنما.

بار خدایا! خواندنش را به کام ما شیرین گردان و در قیام بدان مارا نشاط بخش و در ضمن مرتب خواندن و حسن تعبیر از آن دل ما را ترسان ساز و نیروی به کار بستن آن را در هر آن از شب و روز به ما عطا کن، بار خدایا! به اندکی خواب، خسته‌گی ما را درمان کن و در ساعات مقرره شب ما را از خواب خوابیده‌ها بیدار کن و در آن هنگامه‌ها که دعا اجابت شود، از چُرتِ چرت‌زنان برانگیز. بار خدایا! به دل ما هوشی بده در برابر شگفتیهای بی‌پایان قرآن و لذّتی در زمزمه کردن با آن و عبرتی در موقع شرح و بیان معانی آن و سود روشنی در هنگام فهم‌جوئی آن، بار خدایا! ما به تو پناه بریم از اینکه دلچسب ما نباشد و از اینکه آن را بالش خواب خود کنیم و پشت سر اندازیم و به تو پناه بریم از قساوت خود نسبت بدانچه ما را پندداری.

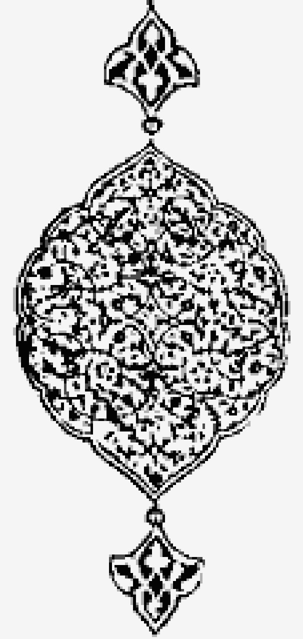
بار خدایا! ما را سودبخش بدانچه در قرآن از آیات خود مصرف کردی و ما را یادآور ساز بدانچه از مثلها که در آن آوردی و با تأویل آن بدکرداریهای ما را جبران کن و به وسیلهٔ آن مزد

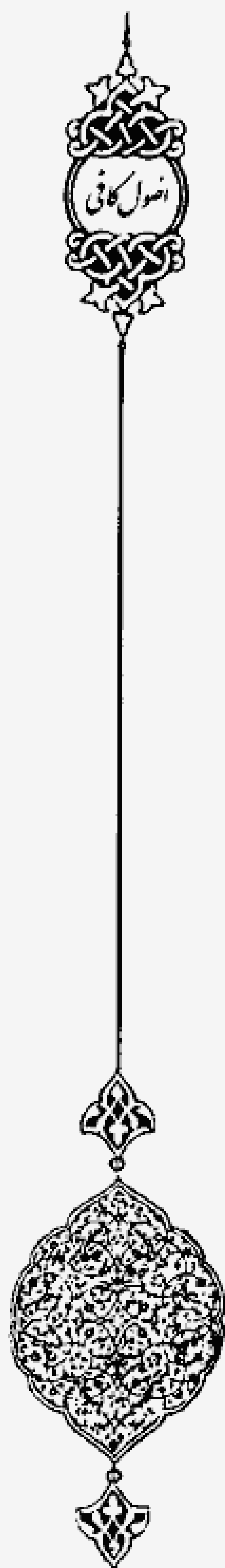




بِتَأْوِيلِهِ السَّيِّئاتِ وَضاعِفْ لَنا بِهِ جَزاءً فِي الْحَسَناتِ وَارْفَعْنا بِهِ ثَواباً فِي الدَّرَجاتِ وَلَقِّنا بِهِ الْبُشْرىٰ بَعْدَ الْمَماتِ اللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ لَنا زاداً تُقَوِّينا بِهِ فِي الْمَوقِفِ وَفِي الْوُقُوفِ بَيْنَ يَدَيْكَ وَطَرِيقاً واضِحاً نَسْلُكُ بِهِ فِي الْمَوْقِفِ بَيْنَ يَدَيْكَ وَطَرِيقاً واضِحاً نَسْلُكُ بِهِ إِلَيْكَ وَعِلْماً نافِعاً نَشْكُرُ بِهِ نَعْماءَكَ وَتَخَشُّعاً صادِقاً نُسَبِّحُ بِهِ أَسْماءَكَ، فَإِنَّكَ اتَّخَذْتَ بِهِ عَلَيْنا حُجَّةً قَطَعْتَ بِهِ عُذْرَنا وَاصْطَنَعْتَ بِهِ عِنْدَنا نِعْمَةً قَصُرَ عَنْها شُكْرُنا.

اللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ لَنا وَلِيّاً يُثَبِّتُنا مِنَ الزَّلَلِ وَدَلِيلاً يَهْدِينا لِصالِحِ الْعَمَلِ وَعَوْناً هادِياً يُقَوِّمُنا مِنَ الْمَيْلِ وَعَوْناً يُقَوِّينا مِنَ الْمَلَلِ حَتّىٰ يَبْلُغَ بِنا أَفْضَلَ الْأَمَلِ اللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ لَنا شافِعاً يَوْمَ اللِّقاءِ وَسِلاحاً يَوْمَ الْإِرْتِقاءِ وَحَجِيجاً يَوْمَ الْقَضاءِ وَنُوراً يَوْمَ الظَّلْماءِ يَوْمَ لا أَرْضَ وَلا سَماءَ يَوْمَ يُجْزىٰ كُلُّ ساعٍ بِما سَعىٰ، اللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ لَنا رَيّاً يَوْمَ الظَّماءِ وَفَوْزاً يَوْمَ الْجَزاءِ مِنْ نارٍ حامِيَةٍ، قَلِيلَةِ الْبُقْيا عَلىٰ مَنْ بِها اصْطَلىٰ وَبِحَرِّها تَلَظّىٰ، اللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ لَنا بُرْهاناً عَلىٰ رُؤُوسِ الْمَلَأِ يَوْمَ يُجْمَعُ فِيهِ أَهْلُ الْأَرْضِ وَأَهْلُ السَّماءِ، اللّٰهُمَّ ارْزُقْنا مَنازِلَ الشُّهَداءِ وَعَيْشَ السُّعَداءِ وَمُرافَقَةَ الْأَنْبِياءِ إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعاءِ».





کردار نیک ما را چند برابر ساز ودرجات ما را بدان بالا بر و با آن پس از مرگ مژده به دهان ما گذار، بار خدایا! آن را توشه‌ای ساز برای ما که در موقع وقوف برابرت نیرومند شویم و راه روشنی که از آن به سوی تو پوئیم و دانش سودمندی که بدان شکر نعمت جوئیم و خشوع با حقیقتی که نامهای مقدّست را بدان منزّه دانیم، زیرا تو بدان بر ما حجّتی آوردی که راه عذر بر ما بستی و به وسیلهٔ آن نعمتی به ما ارزانی داشتی که زبان شکر ما از آن کوتاه است.

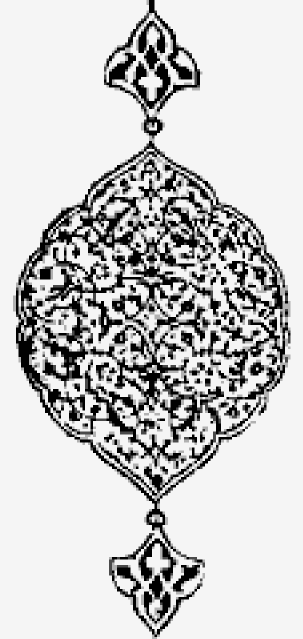
بار خدایا! او را برای ما سرپرستی ساز که از لغزشمان بازگیرد و راهنمائی که ما را به کار شایسته بگیرد و کمکی رهنما که از انحراف و کجی به راستی کشاند و یاوری که از خستگی برهاند تا ما را به برترین آرمانها رساند، بار خدایا! آن را برای ما شفیع روز ملاقات خود ساز و ساز و برگ روز برفراز شدن و وکیل مدافع روز قضاوت و نور در روز ظلمت روزی که نه زمینی باشد و نه آسمان روزی که هرکس بدانچه برای آن کوشیده مزد گیرد.

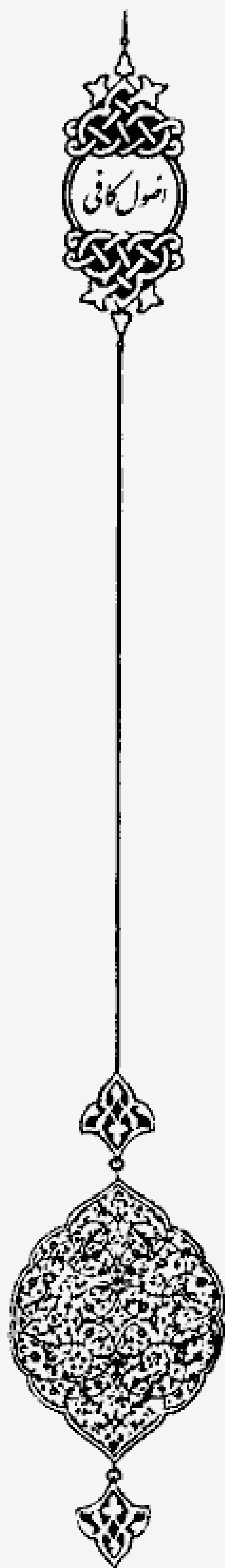
بار خدایا! آن را در روز تشنگی وسیلهٔ سیرابی ما ساز و نور روز پاداش گردان و بی‌ترحّم بر هرکه به جانش افروخته گردد و به سوزش شعله‌ور شود، بار خدایا! قرآن را برهان ما ساز در میان روزی که همهٔ اهل آسمانها و زمین گردآیند، بار خدایا! به مامقامات شهیدان بده و زندگی سعاتمندان و رفاقت با پیمبران، زیرا تو شنونده دعائی.



بابُ الدُّعاءِ فِي حِفظِ الْقُرْآنِ

١ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحمَّدِ بْنِ خالِدٍ، عَمَّنْ ذَكَرَهُ، عَنْ عَبْدِاللّٰهِ بْنِ سِنانٍ، عَنْ أَبانِ بْنِ تَغْلِبَ، عَنْ أَبي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: تَقُولُ: «اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ وَلَمْ يَسْأَلِ الْعِبادُ مِثْلَكَ أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ وَرَسُولِكَ وَإِبْراهِيمَ خَلِيلِكَ وَصَفِيِّكَ وَمُوسىٰ كَلِيمِكَ وَنَجِيِّكَ وَعِيسىٰ كَلِمَتِكَ وَرُوحِكَ وَأَسْأَلُكَ بِصُحُفِ إِبْراهِيمَ وَتَوْراةِ مُوسىٰ وَزَبُورِ داوُدَ وَإِنْجِيلِ عِيسىٰ وَقُرْآنِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَبِكُلِّ وَحْيٍ أَوْحَيْتَهُ وَقَضاءٍ أَمْضَيْتَهُ وَحَقٍّ قَضَيْتَهُ وَغَنِيٍّ أَغْنَيْتَهُ وَضالٍّ هَدَيْتَهُ وَسائِلٍ أَعْطَيْتَهُ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي وَضَعْتَهُ عَلَى اللَّيْلِ فَأَظْلَمَ وَبِاسْمِكَ الَّذِي وَضَعْتَهُ عَلَى النَّهارِ فَاسْتَنارَ وَبِاسْمِكَ الَّذِي وَضَعْتَهُ عَلَى الْأَرْضِ فَاسْتَقَرَّتْ وَدَعَمْتَ بِهِ السَّماواتِ فَاسْتَقَلَّتْ وَوَضَعْتَهُ عَلَى الْجِبالِ فَرَسَتْ وَبِاسْمِكَ الَّذِي بَثَثْتَ بِهِ الْأَرْزاقَ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي تُحْيِي بِهِ الْمَوْتىٰ وَأَسْأَلُكَ بِمَعاقِدِ الْعِزِّ مِنْ عَرْشِكَ وَمُنْتَهَى الرَّحْمَةِ مِنْ كِتابِكَ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَرْزُقَنِي حِفْظَ الْقُرْآنِ وَأَصْنافَ الْعِلْمِ وَأَنْ تُثَبِّتَها فِي قَلْبِي وَسَمْعِي وَبَصَرِي وَأَنْ تُخالِطَ بِها لَحْمِي





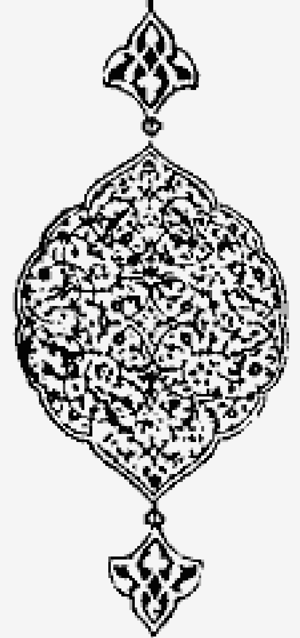
باب دعا برای حفظ کردن قرآن

۱ ـ از ابان بن تغلب که امام صادق (ع) فرمود: میگوئی: «بار خدایا! من از تو خواهم و بنده‌ها خواهش نکنند کسی را که مانند تو باشد، از تو خواهم به حق محمد پیغمبرت و رسولت و ابراهیم خلیلت و برگزیده‌ات و موسی همسخنت و همرازات و عیسی کلمه‌ات و روحت و از تو خواهم به حق صحف ابراهیم و توراة موسی و زبور داود و انجیل عیسی و قرآن محمد (ص) و به هر روحی که فرستادی و حکمی که اجراء کردی و توانگری که مالش عطا کردی و گمراهی که بدو راه نمودی و گدائی که بدو بخشیدی و بدان نامت که آن را بر شب نهادی و تاریک شد و بدان نامت که بر روز نهادی و روشنی گرفت و بدان نامت که بر زمینش نهادی برجا ماند و بر آسمانها ستونش کردی و استوار شدند و بر کوههایش نهادی و لنگر گرفتند و بدان نامت که روزیها را بدان پراکندی و از تو خواهم بدان نامت که مرده‌ها را به آن زنده کنی و از تو خواهم به بست و بندهای عزت عرشت و منتهای رحمت قرآنت از تو خواهم که رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و به من روزی کن حفظ کردن قرآن و اصناف دانش، و آنها را در دل و گوش و چشم پا بر جا داری و با گوشت و خون و استخوانها و مغزم بیامیزی و شب و روز را از رحمت و قدرت خود بدان به کار بندی، زیرا نه جنبشی و نه توانی نباشد جز به وسیلهٔ تو ای زنده ای پاینده». گوید: در



وَدَمِي وَعِظامِي وَمُخِّي وَتَسْتَعْمِلَ بِها لَيْلِي وَنَهارِي بِرَحْمَتِكَ وَقُدْرَتِكَ فَإنَّهُ لا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ إلَّا بِكَ يا حَيُّ يا قَيُّومُ» قالَ: وَفِي حَدِيثٍ آخَرَ زِيادَةٌ: «وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعاكَ بِهِ عِبادُكَ الَّذِينَ اسْتَجَبْتَ لَهُمْ وَأَنْبِياؤُكَ فَغَفَرْتَ لَهُمْ وَرَحِمْتَهُمْ وَأَسْأَلُكَ بِكُلِّ اسْمٍ أَنْزَلْتَهُ فِي كُتُبِكَ وَبِاسْمِكَ الَّذِي اسْتَقَرَّ بِهِ عَرْشُكَ وَبِاسْمِكَ الواحِدِ الْأَحَدِ الْفَرْدِ الْوِتْرِ الْمُتَعالِ الَّذِي يَمْلأُ الْأَرْكانَ كُلَّها، الطّاهِرِ الطُّهْرِ الْمُبارَكِ الْمُقَدَّسِ الْحَيِّ الْقَيُّومِ نُورِ السَّماواتِ وَالْأَرْضِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ الْكَبِيرِ الْمُتَعالِ وَكِتابِكَ الْمُنْزَلِ بِالْحَقِّ وَكَلِماتِكَ التّامّاتِ وَنُورِكَ التّامِّ وَبِعَظَمَتِكَ وَأَرْكانِكَ».

وَقالَ فِي حَدِيثٍ آخَرَ: قالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّم: مَنْ أَرادَ أَنْ يُوعِيَهُ اللّٰهُ عَزَّ وَجَلَّ الْقُرْآنَ وَالْعِلْمَ فَلْيَكْتُبْ هذا الدُّعاءَ فِي إناءٍ نَظِيفٍ بِعَسَلٍ ماذِيٍّ ثُمَّ يَغْسِلُهُ بِماءِ الْمَطَرِ قَبْلَ أَنْ يَمَسَّ الْأَرْضَ وَيَشْرَبُهُ ثَلاثَةَ أَيّامٍ عَلَى الرِّيقِ فَإنَّهُ يَحْفَظُ ذٰلِكَ إنْ شاءَ اللّٰهُ.



٢ ـ عَنْهُ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ حَمّادِ بْنِ عِيسى، رَفَعَهُ إلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: قالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّم أُعَلِّمُكَ دُعاءً لا تَنْسَى الْقُرْآنَ: «اللّٰهُمَّ ارْحَمْنِي بِتَرْكِ مَعاصِيكَ أَبَداً ما أَبْقَيْتَنِي وَارْحَمْنِي مِنْ تَكَلُّفِ ما لا يَعْنِينِي وَارْزُقْنِي حُسْنَ الْمَنْظَرِ فِيما يُرْضِيكَ عَنِّي وَأَلْزِمْ قَلْبِي حِفْظَ كِتابِكَ كَما عَلَّمْتَنِي وَارْزُقْنِي أَنْ أَتْلُوَهُ عَلَى النَّحْوِ الَّذِي يُرْضِيكَ عَنِّي، اللّٰهُمَّ نَوِّرْ بِكِتابِكَ بَصَرِي

حدیث دیگر اضافه‌ای دارد:

و از تو خواهم بدان نامت که بنده‌هایت بدان تو را خوانند هم آنان که دعای آنها را اجابت کنی و پیغمبران تو هم و آنان را بیامرزی و رحمت کنی و از تو خواهم بدان نامت که در کتابها فرو فرستادی و بدان نامت که عرشت بدان استوار است، و به نام تو واحد و أحد و فرد و وتر و متعالی که همه ارکان زمین را پر کنند، پاک و پاکیزه و مبارک و مقدّس و زنده و پاینده، روشنی آسمانها و زمین بخشنده و مهربان بزرگوار و برتر، و به کتابت که به حق و راستی فرود آمده است و سخنان درست تو و نور تامّت و به عظمت و ارکانت». گوید: در حدیث دیگر است که:

رسول خدا(ص) فرموده: هر کس خواهد خداوند قرآن و علم را در دل او جا دهد، به این دعا را با عسل سفید در ظرف پاکی نویسد و آن را با آب بارانی که به زمین نرسیده است بشوید و تا سه روز ناشنا بیاشامد که موجب حفظ گردد، انشاء اللّٰه.

۲ ـ سند را به أمیرالمؤمنین(ع) رسانیده که فرمود: رسول خدا(ص) فرموده است:

من به تو دعائی یاد بدهم که قرآن را فراموش نکنی: «بار خدایا با ترک هر نافرمانیت به من رحم کن تا مرا زنده‌داری و به من رحم کن از رنج کشیدن برای آنچه به کارم نیاید و به من روزی کن خوش‌نمائی در آنچه تو را از من خشنود سازد و به دلم بچسبان حفظ کردن قرآنت را چنانچه آن را به من آموختی و به من روزی

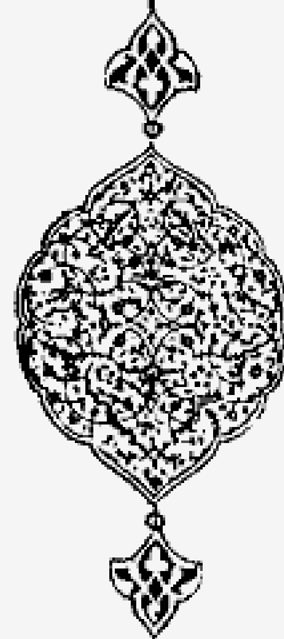


وَاشْرَحْ بِهِ صَدْرِي وَفَرِّحْ بِهِ قَلْبِي وَأَطْلِقْ بِهِ لِسانِي وَاسْتَعْمِلْ بِهِ بَدَنِي وَقَوِّنِي عَلىٰ ذٰلِكَ وَأَعِنِّي عَلَيْهِ إِنَّهُ لا مُعِينَ عَلَيْهِ إِلَّا أَنْتَ، لا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ».

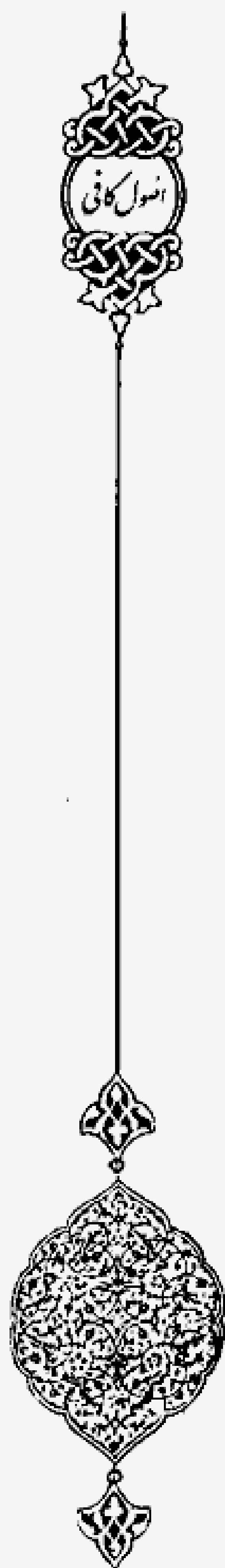
قالَ: وَرَواهُ بَعْضُ أَصْحابِنا، عَنْ وَلِيدِ بْنِ صَبِيحٍ، عَنْ حَفْصٍ الْأَعْوَرِ، عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام.

بابُ دَعَواتٍ مُوجَزاتٍ لِجَمِيعِ الْحَوائِجِ لِلدُّنْيا وَالْآخِرَةِ

١ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسىٰ، عَنْ إِسْماعِيلَ بْنِ سَهْلٍ، عَنْ عَبْدِاللّٰهِ بْنِ جُنْدُبٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: قُلِ: «اللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي أَخْشاكَ كَأَنِّي أَراكَ وَأَسْعِدْنِي بِتَقْواكَ وَلا تُشْقِنِي بِنَشْطِي لِمَعاصِيكَ وَخِرْ لِي فِي قَضائِكَ وَبارِكْ [لِي] فِي قَدَرِكَ حَتّىٰ لا أُحِبَّ تَأْخِيرَ ما عَجَّلْتَ وَلا تَعْجِيلَ ما أَخَّرْتَ وَاجْعَلْ غِنايَ فِي نَفْسِي وَمَتِّعْنِي بِسَمْعِي وَبَصَرِي وَاجْعَلْهُمَا الْوارِثَيْنِ مِنِّي وَانْصُرْنِي عَلىٰ مَنْ ظَلَمَنِي وَأَرِنِي فِيهِ قُدْرَتَكَ يا رَبِّ وَأَقِرَّ بِذٰلِكَ عَيْنِي».



٢ ـ أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِالْجَبّارِ، عَنْ



کن آن را همان طوری که خوشایند تو است بخوانم، بار خدایا! با قرآنت دیدهٔ مرا روشن کن و بدان سینهٔ مرا بگشا و دلم را شاد کن و زبانم را باز کن و تنم را بدان به کار بند و مرا بدان نیرو بخش بر این موضوع و بدان یاری کن، زیرا یاوری در آن جز تو نیست، نیست شایستهٔ پرستشی جز تو». [۹۰]

باب دعاهای مختصر برای همه حاجتهای دنیا و آخرت

۱ ـ از امام صادق (ع) فرمود: بگو: «بار خدایا مرا از خود ترسان ساز که گویا تو را به چشم خود می‌نگرم و با تقوای نسبت به خود خوشبخت و سعاتمند گردان و مرا بدبخت من به خاطر نشاط در نافرمانیت و در حکم خود خیر مرا به خواه و تقدیر مبارکی برای من بنما تا دوست نداشته باشم پس‌اندازی آنچه را بشتاب آوردی و شتاب‌آوردن آنچه را پس انداختی و مرا به خود متّکی دار و از گوش و چشمم بهره‌مند ساز و آنها را وارث من کن و مرا به ستمکارم پیروزی بخش و توانائیت را به او بنما، پروردگارا! چشم مرا بدان روشن کن».

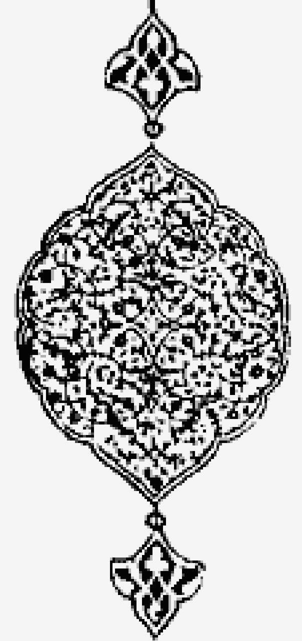
۲ ـ از ابراهیم بن میمون گوید: شنیدم امام صادق (ع)



صَفْوانَ بْنِ يَحْيىٰ، عَنْ أَبِي سُلَيْمانَ الْجَصّاصِ، عَنْ إِبْراهِيمَ بْنِ مَيْمُونٍ قالَ: سَمِعْتُ أَبا عَبْدِاللّٰهِ عَلَيهِ السَّلام يَقُولُ: «اللّٰهُمَّ أَعِنِّي عَلىٰ هَوْلِ يَوْمِ الْقِيامَةِ وَأَخْرِجْنِي مِنَ الدُّنْيا سالِماً وَزَوِّجْنِي مِنَ الْحُورِ الْعِينِ وَاكْفِنِي مَؤُونَتِي وَمَؤُونَةَ عِيالِي وَمَؤُونَةَ النّاسِ وَأَدْخِلْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبادِكَ الصّالِحِينَ».

٣ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ حَمّادِ بْنِ عِيسىٰ، عَنْ حَرِيزٍ، عَنْ زُرارَةَ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيهِ السَّلام قالَ: قُلِ: «اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ كُلِّ خَيْرٍ أَحاطَ بِهِ عِلْمُكَ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ كُلِّ سُوءٍ أَحاطَ بِهِ عِلْمُكَ، اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ عافِيَتَكَ فِي أُمُورِي كُلِّها وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ خِزْيِ الدُّنْيا وَعَذابِ الْآخِرَةِ».

٤ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسىٰ، وَعِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيادٍ، جَمِيعاً عَنْ عَلِيِّ بْنِ زِيادٍ قالَ: كَتَبَ عَلِيُّ بْنُ بَصِيرٍ يَسْأَلُهُ أَنْ يَكْتُبَ لَهُ فِي أَسْفَلِ كِتابِهِ دُعاءً يُعَلِّمُهُ إِيّاهُ يَدْعُو بِهِ فَيُعْصَمُ بِهِ مِنَ الذُّنُوبِ جامِعاً لِلدُّنْيا وَالْآخِرَةِ فَكَتَبَ عَلَيهِ السَّلام بِخَطِّهِ: «بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ، يا مَنْ أَظْهَرَ الْجَمِيلَ وَسَتَرَ الْقَبِيحَ وَلَمْ يَهْتِكِ السِّتْرَ عَنِّي، يا كَرِيمَ الْعَفْوِ يا حَسَنَ التَّجاوُزِ يا واسِعَ الْمَغْفِرَةِ، يا باسِطَ الْيَدَيْنِ بِالرَّحْمَةِ يا صاحِبَ كُلِّ نَجْوىٰ وَيا مُنْتَهىٰ كُلِّ شَكْوىٰ، يا كَرِيمَ الصَّفْحِ، يا عَظِيمَ الْمَنِّ يا مُبْتَدِئَ كُلِّ نِعْمَةٍ قَبْلَ اسْتِحْقاقِها، يا رَبّاهُ يا سَيِّداهُ يا مَوْلاهُ يا غِياثاهُ صَلِّ



می‌فرمود:

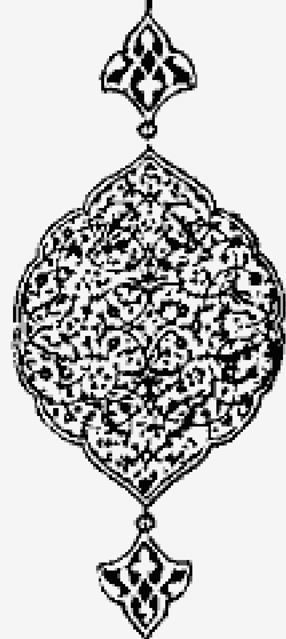
«بار خدایا! مرا بر هراس روز رستاخیز یاری نما و از دنیا سالم و درست بیرون بر، و از حورالعین جفت من کن و خرج خودم و عیالم را کفایت کن و به رحمت مرا در زمره بندگان خوبت در آور».

۳ - از امام باقر(ع) که فرمود: بگو:

«بار خدایا! راستی من از تو خواهم از هر خوبی که دانشت فراگرفته و به تو پناهم از هر بدی که دانشت فراگرفته، بار خدایا! از تو خواهم عافیت در همهٔ امورم و به تو پناهم از رسوائی در دنیا و از عذاب در آخرت.



۴ - از علی بن زیاد، گوید: علی بن بصیر به آن حضرت نوشته که در زیر نامه‌اش دعائی به او بیاموزد که با آن دعا کند تا از گناهان نگهبانی شود و جامع برای دنیا و آخرت باشد، در پاسخ او به خط خود نوشت: «بسم الله الرحمن الرحیم، ای کسی که نیکی را آشکار کند و زشتی را بپوشاند و پردهٔ مرا ندرد، ای کریم گذشت و خوش درگذشت، ای وسیع آمرزش، ای پر بخشش در رحمت، ای دمساز هر راز و پایان هر شکایت، ای چشم‌پوش با کرامت، ای بزرگوار در بخشش، ای آغاز کنندهٔ هر نعمت پیش از استحقاق آن، یا ربّاه یا سیداه یا مولاه یا غیاثاه! صلّ علی محمد و آل محمد و از تو خواهم که مرا به دوزخ نکشانی».



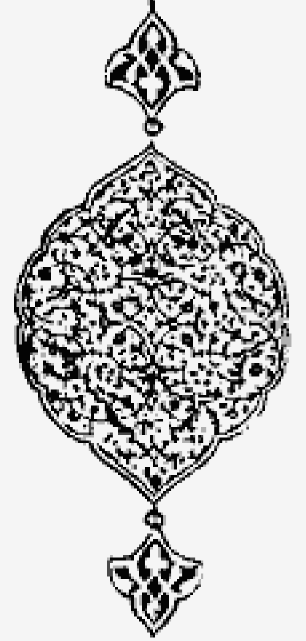


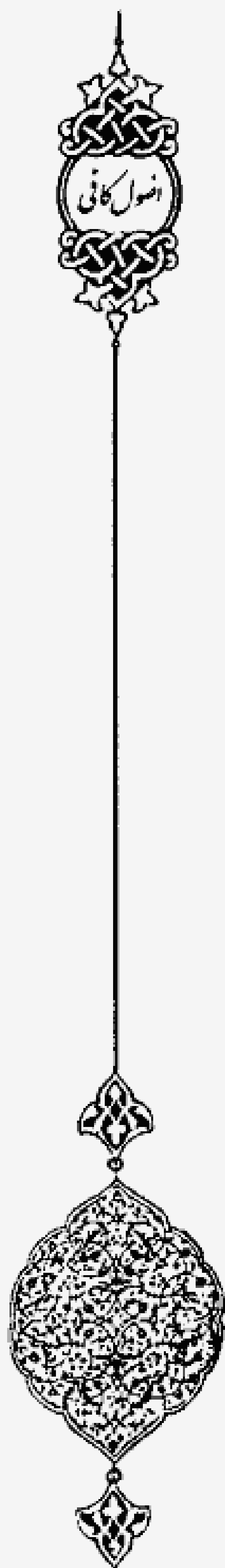
عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأسْأَلُكَ أنْ لا تَجْعَلَنِي فِي النّارِ» ثُمَّ تَسْأَلُ ما بَدا لَكَ.

٥ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ أحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسىٰ، عَنْ أبي عَبْدِاللّٰهِ الْبَرْقِيِّ وَأبِي طالِبٍ عَنْ بَكْرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ أبي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: «اللّٰهُمَّ أنْتَ ثِقَتِي فِي كُلِّ كُرْبَةٍ وَأنْتَ رَجائي فِي كُلِّ شِدَّةٍ وَأنْتَ لِي فِي كُلِّ أمْرٍ نَزَلَ بِي ثِقَةٌ وَعِدَّةٌ، كَمْ مِنْ كَرْبٍ يَضْعُفُ عَنْهُ الْفُؤادُ وَتَقِلُّ فِيهِ الْحِيلَةُ وَيَخْذُلُ عَنْهُ الْقَرِيبُ وَالْبَعِيدُ وَيَشْمُتُ بِهِ الْعَدُوُّ وَتُعيِينِي فِيهِ الاُمُورُ أنْزَلْتُهُ بِكَ وَشَكَوْتُهُ إلَيْكَ، راغِباً فِيهِ عَمَّنْ سِواكَ فَفَرَّجْتَهُ وَكَشَفْتَهُ وَكَفَيْتَنِيهِ فَأنْتَ وَلِيُّ كُلِّ نِعْمَةٍ وَصاحِبُ كُلِّ حاجَةٍ وَمُنْتَهىٰ كُلِّ رَغْبَةٍ، فَلَكَ الْحَمْدُ كَثِيراً وَلَكَ الْمَنُّ فاضِلاً».

٦ ـ عَنْهُ، عَنْ أحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ، عَنْ أبانٍ، عَنْ عِيسىٰ بْنِ عَبْدِاللّٰهِ الْقُمِّيِّ، عَنْ أبي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: قُلِ: «اللّٰهُمَّ إنِّي أسْأَلُكَ بِجَلالِكَ وَجَمالِكَ وَكَرَمِكَ أنْ تَفْعَلَ بِي كَذا وَكَذا».

٧ ـ عَنْهُ، عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ، عَنِ الْفَضْلِ بْنِ يُونُسَ، عَنْ أبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: قالَ لِي: أكْثِرْ مِنْ أنْ تَقُولَ: «[اللّٰهُمَّ] لا تَجْعَلْنِي مِنَ الْمُعارِينَ وَلا تُخْرِجْنِي مِنَ التَّقْصِيرِ»؟ قالَ: قُلْتُ: أمّا الْمُعارِينَ فَقَدْ عَرَفْتُ فَما مَعْنىٰ لا تُخْرِجْنِي مِنَ التَّقْصِيرِ قالَ: كُلُّ عَمَلٍ تَعْمَلُهُ تُرِيدُ بِهِ وَجْهَ اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ فَكُنْ فِيهِ مُقَصِّراً عِنْدَ نَفْسِكَ،





سپس هرچه در نظرت آمد بخواه.

۵ ـ از امام صادق (ع) گفته است: «بار خدایا تونی مورد وثوقم در هر گرفتاری و تونی امیدم در هر سختی و تو در هر امری برایم رخ دهد پشتیبان و ذخیرهٔ منی، چه بسیار گرفتاری که دل از آن ناتوان شد و چارهٔ آن ناچار و خویش و بیگانه در آن یاری نکردند و دشمن بدان شادی و سرزنش نمود و برای هر کارم مورد اهمیّت بود من به آستانت آوردم، به تواُش شکایت کردم و از دیگران رو بر گرفتم و به درگاه تو روی کردم و تواُش گره گشائی کردی و از منش بر گرفتی و کفایتم کردی، پس تونی سرپرست هر نعمت و برآورندهٔ هر حاجت و پایان هر رغبت، پس از آنِ تو است سپاس فراوان و از آنِ تو است بخشش بی‌پایان».

۶ ـ امام صادق (ع) فرمود: بگو:

«بارخدایا! از تو خواهم به حق جلالت و جمالت و کرمت که بامن چنین وچنان کنی».

۷ ـ از فضل بن یونس، که ابی الحسن (ع) به من فرمود: بگو:

«بار خدایا! مرا از عاریتی‌گیران ایمان و از تقصیر در انجام وظیفه بر می‌آورد» گوید: گفتم: عاریت‌گیران ایمان را فهمیدم، معنی اینکه مرا از تقصیر بر می‌آورد چیست؟

فرمود: هر کاری برای خدا عزوجل بکنی بازهم خود را



فَإِنَّ النّاسَ كُلَّهُمْ فِي أَعْمالِهِمْ فِيما بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ مُقَصِّرُونَ.

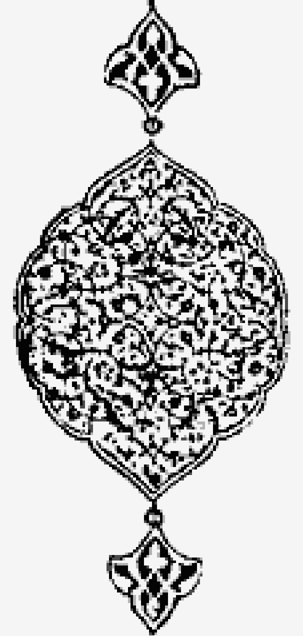
٨ ـ عَنْهُ، عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ، عَنْ أَبانٍ، عَنْ عَبْدِ الرَّحْمٰنِ بْنِ أَعْيَنَ قالَ: قالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيهِ السَّلام لَقَدْ غَفَرَ اللّٰهُ عَزَّ وَجَلَّ لِرَجُلٍ مِنْ أَهْلِ الْبادِيَةِ بِكَلِمَتَيْنِ دَعا بِهِما، قالَ: «اللّٰهُمَّ إِنْ تُعَذِّبْنِي فَأَهْلٌ لِذٰلِكَ أَنَا، وَإِنْ تَغْفِرْ لِي فَأَهْلٌ لِذٰلِكَ أَنْتَ» فَغَفَرَ اللّٰهُ لَهُ.

٩ ـ عَنْهُ، عَنْ يَحْيَىٰ بْنِ الْمُبارَكِ، عَنْ إِبْراهِيمَ بْنِ أَبِي الْبِلادِ، عَنْ عَمِّهِ، عَنِ الرِّضا عَلَيهِ السَّلام قالَ:

«يا مَنْ دَلَّنِي عَلىٰ نَفْسِهِ وَذَلَّلَ قَلْبِي بِتَصْدِيقِهِ، أَسْأَلُكَ الْأَمْنَ وَالْإِ[ي]مانَ فِي الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ».

١٠ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ، عَنْ أَبِيهِ، قالَ: رَأَيْتُ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ عَلَيهِما السَّلام فِي فِناءِ الْكَعْبَةِ فِي اللَّيْلِ وَهُوَ يُصَلِّي فَأَطالَ الْقِيامَ حَتّىٰ جَعَلَ مَرَّةً يَتَوَكَّأُ عَلىٰ رِجْلِهِ الْيُمْنىٰ وَمَرَّةً عَلىٰ رِجْلِهِ الْيُسْرىٰ ثُمَّ سَمِعْتُهُ يَقُولُ بِصَوْتٍ كَأَنَّهُ باكٍ:

«يا سَيِّدِي تُعَذِّبُنِي وَحُبُّكَ فِي قَلْبِي؟ أَما وَعِزَّتِكَ لَئِنْ فَعَلْتَ لَتَجْمَعَنَّ بَيْنِي وَبَيْنَ قَوْمٍ طالَ ما عادَيْتُهُمْ فِيكَ».



١١ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ عُمَرَ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ، عَنْ بَعْضِ أَصْحابِنا، عَنْ داوُدَ الرَّقِّيِّ قالَ: إِنِّي كُنْتُ أَسْمَعُ

مقصر دان، زیرا همهٔ مردم در انجام وظیفهٔ خداپرستی میان خود و خدا عزوجل مقصّرند.

۸ ـ از امام باقر (ع)، فرمود:

خدا یک مرد بیابانی را به دو کلمه دعا آمرزید، گفت: «بار خدایا! اگر عذابم کنی، من سزاوار آنم و اگر بیامرزی، تو شایستهٔ آنی» وخدایش آمرزید.

۹ ـ از امام رضا (ع)، گفت:

«ایکه مرا به خود رهبری کردی و دلم را رام باورداشتن خودت ساختی، از تو خواهم آسودگی و ایمان (امان خ) را در دنیاو آخرت».

۱۰ ـ از محمد بن أبی حمزه، از پدرش، گوید: علی بن الحسین (ع) را در سایه‌انداز خانهٔ کعبه دیدم که شب‌هنگام نماز می‌خواند و قیام را طول می‌داد تا آنجا که یک‌بار برپای راست تکیه می‌زد و یک‌بار برپای چپ، سپس شنیدم با آواز گریه‌آلوده‌ای می‌گفت: «ای آقایم! مرا عذاب می‌کنی بااینکه دوستیت را در دل دارم، هلا به عزّتت سوگند اگر چنین کنی، میان من و مردمی انجمنی کردی که دورانی دراز با آنها به خاطرت دشمنی کرده‌ام».

۱۱ ـ از داود رقّی، گوید:

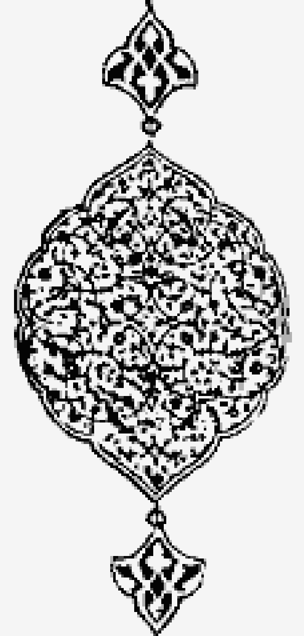
من شنیدم که امام صادق (ع) بیشتراصرارش در حال دعا به



أَبا عَبْدِاللّٰهِ عَلَيهِ السَّلام أَكْثَرَ ما يُلِحُّ بِهِ فِي الدُّعاءِ عَلَى اللّٰهِ بِحَقِّ الْخَمْسَةِ يَعْنِي رَسُولَ اللّٰهِ وَأَميرَ الْمُؤْمِنينَ وَفاطِمَةَ وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ صَلَواتُ اللّٰهِ عَلَيهِمْ.

١٢ ـ عَنْهُ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ، عَنْ أَبِي أَيُّوبَ، عَنْ إِبْراهِيمَ الْكَرْخِيِّ قالَ: عَلَّمَنا أَبُو عَبْدِاللّٰهِ عَلَيهِ السَّلام دُعاءً وَأَمَرَنا أَنْ نَدْعُوَ بِهِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ: «اللّٰهُمَّ إِنِّي تَعَمَّدْتُ إِلَيْكَ بِحاجَتِي وَأَنْزَلْتُ بِكَ الْيَوْمَ فَقْرِي وَمَسْكَنَتِي، فَأَنَا [الْيَوْمَ] لِمَغْفِرَتِكَ أَرْجىٰ مِنِّي لِعَمَلِي وَلَمَغْفِرَتُكَ وَرَحْمَتُكَ أَوْسَعُ مِنْ ذُنُوبِي فَتَوَلَّ قَضاءَ كُلِّ حاجَةٍ هِيَ لِي بِقُدْرَتِكَ عَلَيْها وَتَيْسِيرُ ذٰلِكَ عَلَيْكَ وَلِفَقْرِي إِلَيْكَ فَإِنِّي لَمْ أُصِبْ خَيْراً قَطُّ إِلَّا مِنْكَ وَلَمْ يَصْرِفْ عَنِّي أَحَدٌ شَرّاً قَطُّ غَيْرُكَ وَلَيْسَ أَرْجُو لِآخِرَتِي وَدُنْيايَ سِواكَ وَلا لِيَوْمِ فَقْرِي [وَ] يَوْمَ يُفْرِدُنِي فِي حُفْرَتِي، وَأُفْضِي إِلَيْكَ يا رَبِّ بِفَقْرِي.

١٣ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ، عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَطِيَّةَ، عَنْ زَيْدٍ الصّائِغِ قالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيهِ السَّلام: ادْعُ اللّٰهَ لَنا، فَقالَ: «اللّٰهُمَّ ارْزُقْهُمْ صِدْقَ الْحَدِيثِ وَأَداءَ الْأَمانَةِ وَالْمُحافَظَةَ عَلَى الصَّلَواتِ، اللّٰهُمَّ إِنَّهُمْ أَحَقُّ خَلْقِكَ أَنْ تَفْعَلَهُ بِهِمْ اللّٰهُمَّ وَافْعَلْهُ بِهِمْ».



١٤ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيادٍ، وَعَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ، عَنْ أَبِي حَمْزَةَ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ

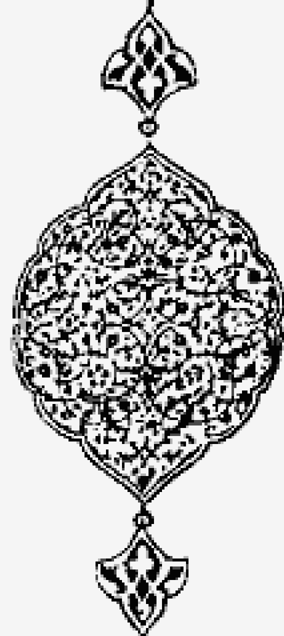


حق پنج‌تن بود، یعنی رسول خدا(ص) و أمیر مؤمنان و فاطمه و حسن و حسین (ع).

۱۲ ـ از ابراهیم کرخی که امام صادق (ع) به ما دعائی برای خصوص روز جمعه آموخت «بار خدایا! راستی که من نیازم را عمداً به درگاه تو آوردم، امروزه بارفقر و زبونی خود را به آستان تو فرو نهادم، امروزه من به آمرزش تو امیدوارترم از کردار خودم و بی‌تردید آمرزش و مهر تو وسیعت‌تر است از گناهان من، بر آوردن هرحاجتی که دارم در مقام برآ برای اینکه توانائی بدان داری و برای تو بسیار آسان است و من هم نیاز جدّی به تو دارم، زیرا هرگز چیزی به من نرسیده است جز از تو و هرگز کس از من بدی را جز تو برنگردانیده، برای آخرت و دنیایم جز به تو امیدی‌ندارم و نه برای روز نیازمندیم و روزی که مردم مرا در گورم تنها گذارند و من نیاز خود را به درگاه تو کشانم».

۱۳ ـ از زید بن صائغ، گوید: گفتم: به امام صادق (ع) برای من دعا کن، فرمود:

«بار خدایا! با آنان روزی کن راست گفتاری و امانت داری و محافظت برای ادای نمازها، بار خدایا! راستی آنان سزاوارتر خلق تو اند که با آنها چنین کنی، بار خدایا! آن را با آنان بکن».



۱٤ ـ از علی بن الحسین (ع) که أمیر المؤمنین (ع) می‌گفت:

«بار خدایا! بر من منّت نه به توکّل بر خودت و واگذاردن



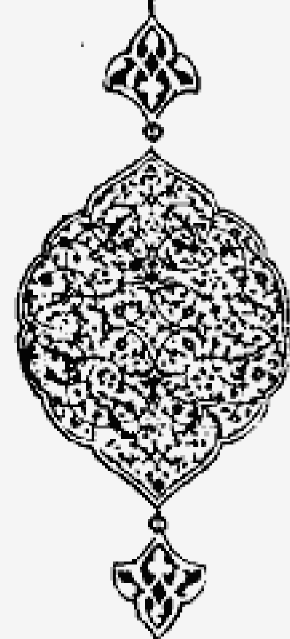
الْحُسَيْنِ عَلَيهِما السَّلام قالَ: كانَ أَميرُ الْمُؤْمِنينَ صَلَواتُ اللهِ عَلَيهِ يَقُولُ: «اللّٰهُمَّ مُنَّ عَلَيَّ بِالتَّوَكُّلِ عَلَيْكَ وَالتَّفْوِيضِ إِلَيْكَ وَالرِّضا بِقَدَرِكَ وَالتَّسْلِيمِ لِأَمْرِكَ، حَتّىٰ لا أُحِبَّ تَعْجِيلَ ما أَخَّرْتَ وَلا تَأْخِيرَ ما عَجَّلْتَ يا رَبَّ الْعالَمِينَ».

۱۵ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنانٍ، عَنْ سجيمٍ، عَنِ ابْنِ أَبِي يَعْفُورٍ قالَ: سَمِعْتُ أَبا عَبْدِاللّٰهِ عَلَيهِ السَّلام يَقُولُ: وَهُوَ رافِعٌ يَدَهُ إِلَى السَّماءِ: «رَبِّ لا تَكِلْنِي إِلىٰ نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَداً، لا أَقَلَّ مِنْ ذٰلِكَ وَلا أَكْثَرَ» قالَ: فَما كانَ بِأَسْرَعَ مِنْ أَنْ تَحَدَّرَ الدُّمُوعُ مِنْ جَوانِبِ لِحْيَتِهِ ثُمَّ أَقْبَلَ عَلَيَّ فَقالَ: يَا ابْنَ أَبِي يَعْفُورٍ! إِنَّ يُونُسَ بْنَ مَتّي وَكَلَهُ اللّٰهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلىٰ نَفْسِهِ أَقَلَّ مِنْ طَرْفَةِ عَيْنٍ فَأَحْدَثَ ذٰلِكَ الذَّنْبَ؛ قُلْتُ: فَبَلَغَ بِهِ كُفْراً ـ أَصْلَحَكَ اللّٰهُ ـ؟ قالَ: لا، وَلٰكِنَّ الْمَوْتَ عَلىٰ تِلْكَ الْحالِ هَلاكٌ.

۱۶ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خالِدٍ، رَفَعَهُ قالَ:

أَتىٰ جَبْرَئِيلُ عَلَيهِ السَّلام إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيهِ وَآلِهِ وَسَلَّم فَقالَ لَهُ: إِنَّ رَبَّكَ يَقُولُ لَكَ: إِذا أَرَدْتَ أَنْ تَعْبُدَنِي يَوْماً وَلَيْلَةً حَقَّ عِبادَتِي فَارْفَعْ يَدَيْكَ إِلَيَّ وَقُلِ:

«اللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْداً خالِداً مَعَ خُلُودِكَ وَلَكَ الْحَمْدُ حَمْداً لا مُنْتَهىٰ لَهُ دُونَ عِلْمِكَ وَلَكَ الْحَمْدُ حَمْداً لا أَمَدَ لَهُ

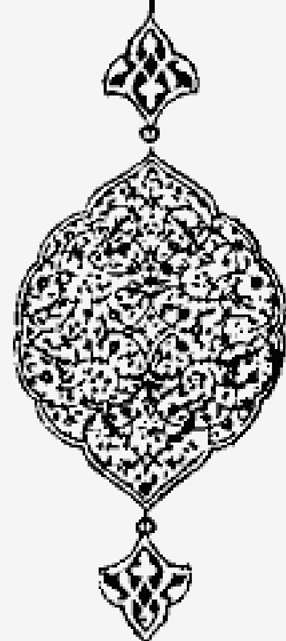




کار به خودت و خشنودی به مقدرت و تسلیم شدن به فرمانت تا دوست نداشته باشم تعجیل شود در آنچه تو پس اندازی و تأخیر شود در آنچه تو بشتابی، یا رب العالمین».

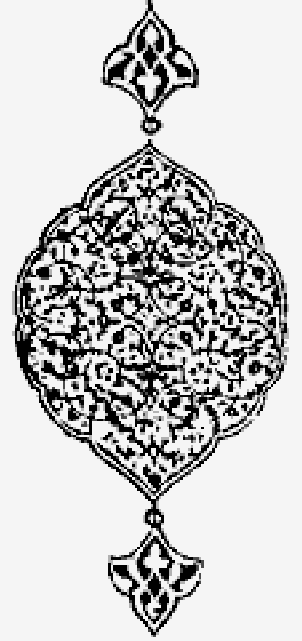
۱۵ ـ از ابن یعفور گوید: شنیدم امام صادق (ع) در حالی که دست به آسمان بر آورده بود، می‌گفت: «پروردگارا! مرا یک چشم به هم زدن به خودم وامگذار، نه کمتر از آن و نه بیشتر، و هرچه زودتر اشک از هر سوی ریشش فرو بارید، سپس به من رو کرد و فرمود: ای پسر ابی یعفور! راستی خدا عزوجل کمتر از چشم به‌هم‌زدنی یونس بن متی را به خود وانهاد و آن ناشایسته را انجام داد، گفتم: اصلحک الله، او را به حال کفر برد؟ فرمود: نه، ولی مردن در این حالت هلاک است.

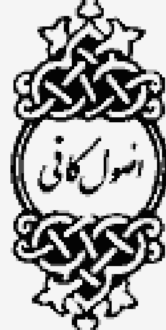
۱۶ ـ حدیث را به معصوم رسانیده که فرمود: جبرئیل نزد پیغمبر (ص) آمد و به او گفت: هرگاه خواهی روزی و شبی مرا چنانچه شاید بپرستی، هر دو دست خود را به درگاهم بر آور و بگو: «بار خدایا! از آن تو است سپاس، سپاسی جاویدان با جاویدیت و از آنِ تو است حمدَ و سپاس، سپاسی که پایانی ندارد تا آنجا که دانَشت رسد و از آن تو است سپاسی که نهایت ندارد کمتر از خواستت، و از آنِ تَو است سپاس سپاسی که مزدی ندارد، گوینده‌اش جز خشنودیت، بار خدایا! از آن تو است همهٔ سپاس و از آنِ تو است همهٔ بخشش و از تو است همهٔ فخر و از تو است همهٔ بهاء





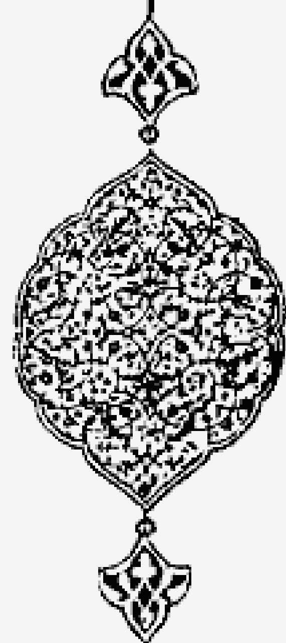
دُونَ مَشِيئَتِكَ وَلَكَ الْحَمْدُ حَمْداً لا جَزاءَ لِقائِلِهِ إِلَّا رِضاكَ اللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ كُلُّهُ وَلَكَ الْمَنُّ كُلُّهُ وَلَكَ الْفَخْرُ كُلُّهُ وَلَكَ الْبَهاءُ كُلُّهُ وَلَكَ النُّورُ كُلُّهُ وَلَكَ الْعِزَّةُ كُلُّها وَلَكَ الْجَبَرُوتُ كُلُّها وَلَكَ الْعَظَمَةُ كُلُّها وَلَكَ الدُّنْيا كُلُّها وَلَكَ الْآخِرَةُ كُلُّها وَلَكَ اللَّيْلُ وَالنَّهارُ كُلُّهُ وَلَكَ الْخَلْقُ كُلُّهُ وَبِيَدِكَ الْخَيْرُ كُلُّهُ وَإِلَيْكَ يَرْجِعُ الْأَمْرُ كُلُّهُ عَلانِيَتُهُ وَسِرُّهُ، اللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْداً أَبَداً، أَنْتَ حَسَنُ الْبَلاءِ، جَلِيلُ الثَّناءِ، سابِغُ النَّعْماءِ، عَدْلُ الْقَضاءِ، جَزِيلُ الْعَطاءِ، حَسَنُ الْآلاءِ إِلٰهُ [مَنْ] فِي الْأَرْضِ وَإِلٰهُ [مَنْ] فِي السَّماءِ، اللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ فِي السَّبْعِ الشِّدادِ وَلَكَ الْحَمْدُ فِي الْأَرْضِ الْمِهادِ وَلَكَ الْحَمْدُ طاقَةَ الْعِبادِ وَلَكَ الْحَمْدُ سَعَةَ الْبِلادِ وَلَكَ الْحَمْدُ فِي الْجِبالِ الْأَوْتادِ وَلَكَ الْحَمْدُ فِي اللَّيْلِ إِذا يَغْشىٰ وَلَكَ الْحَمْدُ فِي النَّهارِ إِذا تَجَلّىٰ وَلَكَ الْحَمْدُ فِي الْآخِرَةِ وَالْأُولىٰ وَلَكَ الْحَمْدُ فِي الْمَثانِي وَالْقُرْآنِ الْعَظِيمِ وَسُبْحانَ اللّٰهِ وَبِحَمْدِهِ وَالْأَرْضُ جَمِيعاً قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيامَةِ وَالسَّماواتُ مَطْوِيّاتٌ بِيَمِينِهِ، سُبْحانَهُ وَتَعالىٰ عَمّا يُشْرِكُونَ، سُبْحانَ اللّٰهِ وَبِحَمْدِهِ كُلُّ شَيْءٍ هالِكٌ إِلّا وَجْهَهُ، سُبْحانَكَ رَبَّنا وَتَعالَيْتَ وَتَبارَكْتَ وَتَقَدَّسْتَ، خَلَقْتَ كُلَّ شَيْءٍ بِقُدْرَتِكَ وَقَهَرْتَ كُلَّ شَيْءٍ بِعِزَّتِكَ وَعَلَوْتَ فَوْقَ كُلِّ شَيْءٍ بِارْتِفاعِكَ وَغَلَبْتَ كُلَّ شَيْءٍ بِقُوَّتِكَ وَابْتَدَعْتَ كُلَّ شَيْءٍ بِحِكْمَتِكَ وَعِلْمِكَ وَبَعَثْتَ الرُّسُلَ بِكُتُبِكَ وَهَدَيْتَ الصالِحِينَ بِإِذْنِكَ وَأَيَّدْتَ الْمُؤْمِنِينَ بِنَصْرِكَ وَقَهَرْتَ الْخَلْقَ





و از تو است همهٔ نور و از تو است همهٔ عزّت و از تو است همهٔ جبروت و از تو است همهٔ بزرگواری و از تو است همهٔ دنیا و از تو است همهٔ آخرت و از تو است همهٔ شب و روز و از تو است همهٔ خلق و به دست تو است همهٔ خوبیها و به سوی تو، باز گردد همهٔ امور از عیان و نهان.

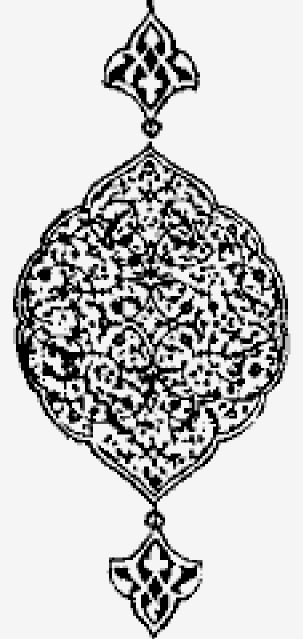
بار خدایا! از تو است سپاس ابدی، توئی خوش آزمایشی و بزرگ ستایش و پر نعمت و عادل قضاوت و شایان عطا و نیک نعمت معبود هر که در زمین است و معبود هر که در آسمان است، بار خدایا! از تو است سپاس در هفت آسمان سخت و از تو است سپاس در زمین گسترده و از تو است توان و تاب بنده‌ها و از تو است سپاس به وسعت بلاد و از آنِ تو است سپاس در کوههای میخین و از تو است سپاس در شب تاریکیش همه را فرو گیرد و از آنِ تو است سپاس در روز چون پرتو افکند و از آنِ تو است سپاس در آخرت و دنیا و از آنِ تو است سپاس در مثانی و قرآن عظیم و منزّه باد خدا که به سپاسش اندرم و همهٔ زمین در قبضهٔ او است، روز رستاخیز آسمانها به‌هم نوردیده در سمت راستش، منزّه است و فراز است از آنچه بدو شریک سازند، سبحان الله و به حمده همهٔ چیز نابود است جز نمودار او، منزّهی تو پروردگار ما برتری و مبارکی و مقدّسی، هر چیزی را به توان خود آفریدی و همه چیز را به عزّت مقهور ساختی و بالاتر هر چیز برآمدی به فرازی خود، و بر همه چیز چیره‌ای به توانائی خود و همه چیز را به حکمت و دانشت ابتکار کردی و آفریدی و رسولان را به کتاب خود برانگیختی و شایسته‌ها را به اذن خود رهبری کردی و مؤمنان را به یاری خود کمک دادی و همه را به سلطان خود مقهور نمودی، نیست شایستهٔ پرستشی جز تو،





بِسُلْطانِكَ، لا إِلٰهَ إِلاّ أَنْتَ، وَحْدَكَ لا شَرِيكَ لَكَ، لا نَعْبُدُ غَيْرَكَ وَلا نَسْأَلُ إِلاّ إِيّاكَ وَلا نَرْغَبُ إِلاّ إِلَيْكَ، أَنْتَ مَوْضِعُ شَكْوانا وَمُنْتَهىٰ رَغْبَتِنا وَإِلٰهُنا وَمَلِيكُنا».

١٧ ــ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ، عَنْ مُعاوِيَةَ بْنِ عَمّارٍ قالَ: قالَ [لِي] أَبُو عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام ابْتِداءً مِنْهُ: يا مُعاوِيَةُ أَما عَلِمْتَ أَنَّ رَجُلاً أَتىٰ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ صَلَواتُ اللّٰهِ عَلَيْهِ فَشَكىٰ الْإِبْطاءَ عَلَيْهِ فِي الْجَوابِ فِي دُعائِهِ فَقالَ لَهُ: أَيْنَ أَنْتَ عَنِ الدُّعاءِ السَّرِيعِ الْإِجابَةِ؟ فَقالَ لَهُ الرَّجُلُ: ما هُوَ؟ قالَ: قُلْ: «اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ الْأَعْظَمِ الْأَجَلِّ الْأَكْرَمِ الْمَخْزُونِ الْمَكْنُونِ النُّورِ الْحَقِّ الْبُرْهانِ الْمُبِينِ الَّذِي هُوَ نُورٌ مَعَ نُورٍ مِنْ نُورٍ وَنُورٌ فِي نُورٍ وَنُورٌ عَلىٰ نُورٍ وَنُورٌ فَوْقَ كُلِّ نُورٍ وَنُورٌ يَضِيءُ بِهِ كُلُّ ظُلْمَةٍ وَيَكْسِرُ كُلَّ شِدَّةٍ وَكُلُّ شَيْطانٍ مَرِيدٍ وَكُلُّ جَبّارٍ عَنِيدٍ، لا تَقِرُّ بِهِ أَرْضٌ وَلا تَقُومُ بِهِ سَماءٌ وَيَأْمَنُ بِهِ كُلُّ خائِفٍ وَيَبْطُلُ بِهِ سِحْرُ كُلِّ ساحِرٍ وَبَغْيُ كُلِّ باغٍ وَحَسَدُ كُلِّ حاسِدٍ وَيَتَصَدَّعُ لِعَظَمَتِهِ الْبَرُّ وَالْبَحْرُ وَيَسْتَقِلُّ بِهِ الْفُلْكُ حِينَ يَتَكَلَّمُ بِهِ الْمَلَكُ فَلا يَكُونُ لِلْمَوْجِ عَلَيْهِ سَبِيلٌ وَهُوَ اسْمُكَ الْأَعْظَمُ الْأَعْظَمُ الْأَجَلُّ الْأَجَلُّ النُّورُ الْأَكْبَرُ الَّذِي سَمَّيْتَ بِهِ نَفْسَكَ وَاسْتَوَيْتَ بِهِ عَلىٰ عَرْشِكَ وَأَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ أَسْأَلُكَ بِكَ وَبِهِمْ أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَفْعَلَ بِي كَذا وَكَذا».

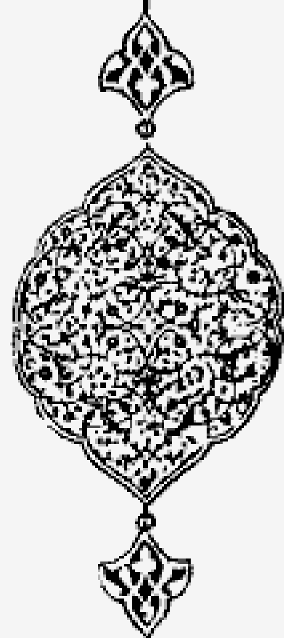




یگانه‌ای شریک نداری و جز تو را نپرستیم و جز از تو نخواهیم و جز به سوی تو روی دل نداریم، توئی موضع شکایت ما و نهایت رغبت ما و معبود ما و مالک ما.

۱۷ ـ از معاویه بن عمار که امام صادق (ع) با من آغاز سخن کرد و فرمود: ای معاویه! نمی‌دانی که مردی نزد امیرالمؤمنین (ع) آمد و شکایت کرد از اینکه جواب دعای او دیر شده است، در پاسخ او فرمود: تو کجائی که دعای زود اجابت را بخوانی؟ آن مرد گفت: چیست آن دعا؟ فرمود: بگو:

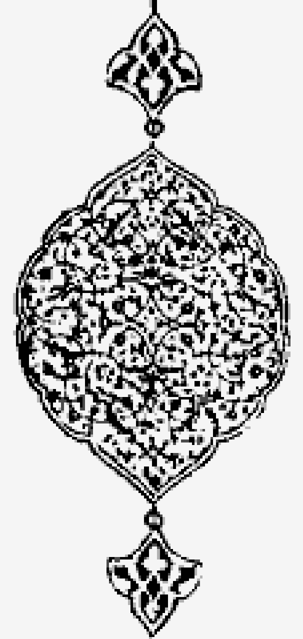
بار خدایا! از تو خواهم به حق نام بزرگ و بزرگتر و والاتر و ارجمندتر تو که نهان است و در پرده است، نور و حقّ و برهان مبین است، آن نامی که نور است همراه نور، و نور است از نور، و نور است در نور، و نور است بر نور، و نور است بالای هر نور، نوری است که روشن شود بدان هر تاریکی و شکسته شود بدان هر سختی و هر شیطان سرکش و هر جبّار لجباز، نامی که زمین زیر آن برجا نماند و آسمان از سنگینی آن برجا نایستد، و هر ترسانی باآن آسوده شود، و جادوی هر جادوگری بدان بیهوده و باطل گردد، و ستم هر ستمگر و حسد هر حسود بدان محو شود و از بزرگی آن هر بیابان و دریا بترکد وچون ملک بدان تکلم کند فلک برجا ایستد وهیچ موج پریشانی بدان راه نیست و آن نام اعظم اعظم اجلّ اکرم تو است، نور اکبر است که خود را بدان نامیدی و بدان بر عرش خود استوار شدی. و به تو روی آرم به محمد و خاندانش و از تو خواهم به حق خودت و به حق آنان که رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و با من چنین و چنان کنی. [۹۱]





۱۸ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خالِدٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ خَلَفِ بْنِ حَمّادٍ، عَنْ عَمْرِو بْنِ أَبِي الْمِقْدامِ قالَ: أَمْلىٰ عَلَيَّ هٰذَا الدُّعاءَ أَبُو عَبْدِاللّٰهِ عليه السلام وَهُوَ جامِعٌ لِلدُّنْيا وَالْآخِرَةِ، تَقُولُ بَعْدَ حَمْدِ اللّٰهِ وَالثَّناءِ عَلَيْهِ:

اللّٰهُمَّ أَنْتَ اللّٰهُ لا إِلٰهَ إِلّا أَنْتَ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ وَأَنْتَ اللّٰهُ لا إِلٰهَ إِلّا أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ وَأَنْتَ اللّٰهُ لا إِلٰهَ إِلّا أَنْتَ الْواحِدُ الْقَهّارُ وَأَنْتَ اللّٰهُ لا إِلٰهَ إِلّا أَنْتَ الْمَلِكُ الْجَبّارُ وَأَنْتَ اللّٰهُ لا إِلٰهَ إِلّا أَنْتَ الرَّحِيمُ الْغَفّارُ وَأَنْتَ اللّٰهُ لا إِلٰهَ إِلّا أَنْتَ شَدِيدُ الْمِحالِ وَأَنْتَ اللّٰهُ لا إِلٰهَ إِلّا أَنْتَ الْكَبِيرُ الْمُتَعالُ وَأَنْتَ اللّٰهُ لا إِلٰهَ إِلّا أَنْتَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ وَأَنْتَ اللّٰهُ لا إِلٰهَ إِلّا أَنْتَ الْمَنِيعُ الْقَدِيرُ وَأَنْتَ اللّٰهُ لا إِلٰهَ إِلّا أَنْتَ الْغَفُورُ الشَّكُورُ وَأَنْتَ اللّٰهُ لا إِلٰهَ إِلّا أَنْتَ الْحَمِيدُ الْمَجِيدُ وَأَنْتَ اللّٰهُ لا إِلٰهَ إِلّا أَنْتَ الْغَفُورُ الْوَدُودُ وَأَنْتَ اللّٰهُ لا إِلٰهَ إِلّا أَنْتَ الْحَنّانُ الْمَنّانُ وَأَنْتَ اللّٰهُ لا إِلٰهَ إِلّا أَنْتَ الْحَلِيمُ الدَّيّانُ وَأَنْتَ اللّٰهُ لا إِلٰهَ إِلّا أَنْتَ الْجَوادُ الْماجِدُ وَأَنْتَ اللّٰهُ لا إِلٰهَ إِلّا أَنْتَ الْواحِدُ الْأَحَدُ وَأَنْتَ اللّٰهُ لا إِلٰهَ إِلّا أَنْتَ الْغائِبُ الشّاهِدُ وَأَنْتَ اللّٰهُ لا إِلٰهَ إِلّا أَنْتَ الظّاهِرُ الْباطِنُ وَأَنْتَ اللّٰهُ لا إِلٰهَ إِلّا أَنْتَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ تَمَّ نُورُكَ فَهَدَيْتَ وَبَسَطْتَ يَدَكَ فَأَعْطَيْتَ، رَبَّنا وَجْهُكَ أَكْرَمُ الْوُجُوهِ وَجِهَتُكَ خَيْرُ الْجِهاتِ وَعَطِيَّتُكَ أَفْضَلُ الْعَطايا وَأَهْنَأُها تُطاعُ رَبَّنا فَتَشْكُرُ وَتُعْصىٰ رَبَّنا فَتَغْفِرُ لِمَنْ شِئْتَ، تُجِيبُ الْمُضْطَرِّ[ينَ] وَتَكْشِفُ السُّوءَ وَتَقْبَلُ التَّوْبَةَ وَتَعْفُو عَنِ

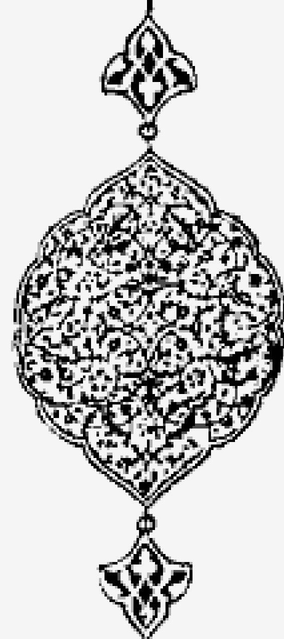


۱۸ ـ از عمرو بن أبی المقدام، گوید: این دعا را امام‌صادق (ع) به من دیکته کرد و آن جامع حوائج دنیا و آخرت است، پس از حمد و ثنای خدا می گوئی:

اللهم أنت اللّه لا اله الا أنت الحلیم الكریم، و أنت اللّه لا اله الا أنت العزیز الحكیم، و أنت اللّه لا اله الا أنت الواحد القهّار، و أنت اللّه لا اله الا أنت الملك الجبار، و أنت اللّه لا اله الا أنت الرحیم الغفّار، و أنت اللّه لا اله الا أنت شدید المحال، و أنت اللّه لا اله الا أنت الرحیم المتعال، و أنت اللّه لا اله الا أنت السمیع البصیر، و أنت اللّه لا اله الا أنت المنیع القدیر، و أنت اللّه لا اله الا أنت الغفور الشكور، و أنت اللّه لا اله الا أنت الحمید المجید، و أنت اللّه لا اله أنت الغفور الودود، و أنت اللّه لا اله الا أنت الحنّان المنّان، و أنت اللّه لا اله أنت الحلیم الدیّان، و أنت اللّه لا اله الا أنت الجواد الماجد، و أنت اللّه لا اله الا أنت الواحد الأحد، و أنت اللّه لا اله الا أنت الغالب الشاهد، و أنت اللّه لا اله الا أنت الظاهر الباطن.

و توئی که نیست شایستهٔ پرستشی جز تو به هر چیز دانائی، نورت کامل است پس رهبری کردی و دستت باز است پس عطا بخشیدی، پروردگار ما نمود تو کریمترین نمودها است و سوی حضرتت بهترین سویها است و عطیّه‌ات برترین عطیّه‌ها و گواراترین آنها است فرمانبرده شوی، پروردگار ما و قدردانی کنی و نافرمانی شوی و برای هرکه خواهی آمرزش دهی، بی‌چاره‌ها را اجابت کنی و بدی را برطرف سازی و توبه را بپذیری و از گناهان درگذری، بخششهایت را پاداشی نتوان داد و نعمتهایت را شماره نتوان کرد و گفتار هیچ گوینده‌ای به مدح تو رسا نیست.

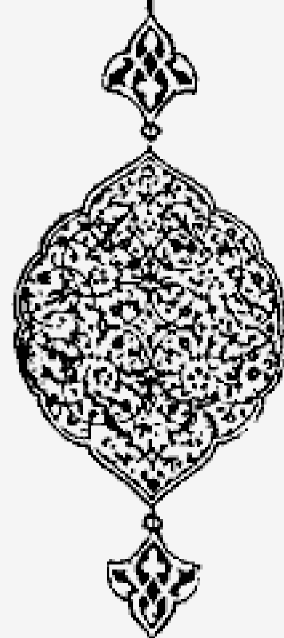
بار خدایا! رحمت فرست بر محمد و آل محمد و زود بدانها





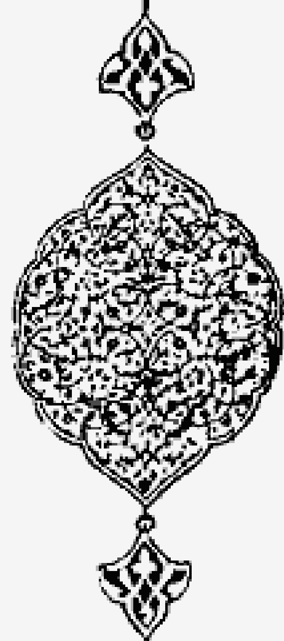
الذُّنُوبِ لا تُجازىٰ أياديكَ وَلا تُحْصىٰ نِعَمُكَ وَلا يَبْلُغُ مِدْحَتَكَ قَوْلُ قائِلٍ، اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ وَرَوحَهُمْ وَراحَتَهُمْ وَسُرُورَهُمْ وَأَذِقْنِي طَعْمَ فَرَجِهِمْ وَأَهْلِكْ أَعْداءَهُمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَآتِنا فِي الدُّنْيا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنا عَذابَ النّارِ وَاجْعَلْنا مِنَ الَّذِينَ لا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلا هُمْ يَحْزَنُونَ وَاجْعَلْنِي مِنَ الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَلىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ وَثَبِّتْنِي بِالْقَوْلِ الثّابِتِ فِي الْحَياةِ الدُّنْيا وَفِي الْآخِرَةِ وَبارِكْ لِي فِي الْمَحْيا وَالْمَماتِ وَالْمَوْقِفِ وَالنُّشُورِ وَالْحِسابِ وَالْمِيزانِ وَأَهْوالِ يَوْمِ الْقِيامَةِ وَسَلِّمْنِي عَلَى الصِّراطِ وَأَجِزْنِي عَلَيْهِ وَارْزُقْنِي عِلْماً نافِعاً وَيَقِيناً صادِقاً وَتُقىً وَبِرّاً وَوَرَعاً وَخَوْفاً مِنْكَ وَفَرَقاً يُبَلِّغُنِي مِنْكَ زُلْفىٰ وَلا يُباعِدُنِي عَنْكَ وَأَحْبِبْنِي وَلا تُبْغِضْنِي وَتَوَلَّنِي وَلا تَخْذُلْنِي وَأَعْطِنِي مِنْ جَمِيعِ خَيْرِ الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ ما عَلِمْتُ مِنْهُ وَما لَمْ أَعْلَمْ وَأَجِرْنِي مِنَ السُّوءِ كُلِّهِ بِحَذافِيرِهِ ما عَلِمْتُ مِنْهُ وَما لَمْ أَعْلَمْ».

١٩ ــ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خالِدٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ فَضالَةَ بْنِ أَيُّوبَ، عَنْ مُعاوِيَةَ بْنِ عَمّارٍ قالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السّلام: أَلا تَخُصُّنِي بِدُعاءٍ؟ قالَ: بَلىٰ، قالَ: قُلْ: «يا واحِدُ يا ماجِدُ يا أَحَدُ يا صَمَدُ يا مَنْ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُواً أَحَدٌ يا عَزِيزُ يا كَرِيمُ يا حَنّانُ يا مَنّانُ يا سامِعَ الدَّعَواتِ يا أَجْوَدَ مَنْ سُئِلَ وَيا خَيْرَ مَنْ أَعْطىٰ يا اللّٰهُ يا اللّٰهُ يا اللّٰهُ» قُلْتُ: «وَلَقَدْ نادٰينا نُوحٌ





گشایش بده وآسایش عطا کن و شادشان کن و مزّهٔ فرج آنان را به من بچشان و دشمنانشان را از جنّ و انس هلاک کن و بده به ماها در دنیا حسنه و در آخرت حسنه، و نگهدار ما را از عذاب دوزخ و ما را از آنها ساز که نه ترسی دارند و نه بر آنها اندوه درآید و بگردان مرا از کسانی که شکیبا بودند و بر پروردگار خود توکّل می‌کردند و برجا دار مرا به گفتار پا برجا در زندگانی دنیا و دیگر سرای، و مبارک کن برایم زندگی را و مرگ را و موقف را و نشور و حساب و میزان و هولهای قیامت را و سالم دار مرا بر روی صراط و مرا از آن بگذران و به من روزی کن دانشی سودمند و اعتقادی درست و تقوا و برّ و ورع و ترس از تو، هراسی که مرا به تو نزدیک کند و از تو دور نکند، و مرا دوست بدار و دشمن مدار و با خود دار و از خود مران و فرو مگذار و به من بده از جمیع خیر دنیا و آخرت و آنچه را از آن می‌دانم، و از همهٔ بدی‌ها پناهم بده سراسر آنچه را می‌دانم و آنچه را نمی‌دانم.



۱۹ ـ از معاویة بن عمار، گوید: به امام صادق (ع) گفتم: آیا به یک دعائی مرا مخصوص به مهر خود نمی‌کنید؟ فرمود: چرا، فرمود: بگو:

«یا واحد یا ماجد یا احد یا صمد و یامن لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفواً یا أحد یا عزیز یا کریم یا حنّان یا منّان یا سامع الدعوات یا أجود من سُئل و یا خیر من أُعطی یاالله یاالله یاالله» قلت: «و لقد نادٰینا نوح فلنعم المجیبون».

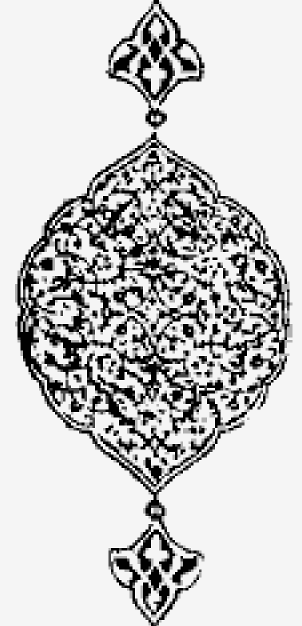


فَلَنِعْمَ ٱلْمُجِيبُونَ)) ثُمَّ قالَ أَبُو عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام: كانَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّم يَقُولُ: «[نَعَمْ] لَنِعْمَ الْمُجِيبُ أَنْتَ وَنِعْمَ الْمَدْعُوُّ وَنِعْمَ الْمَسْؤُولُ أَسْأَلُكَ بِنُورِ وَجْهِكَ وَأَسْأَلُكَ بِعِزَّتِكَ وَقُدْرَتِكَ وَجَبَرُوتِكَ وَأَسْأَلُكَ بِمَلَكُوتِكَ وَدِرْعِكَ الْحَصِينَةِ وَبِجَمْعِكَ وَأَرْكانِكَ كُلِّها وَبِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَبِحَقِّ الْأَوْصِياءِ بَعْدَ مُحَمَّدٍ أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَفْعَلَ بِي كَذا وَكَذا».

٢٠ ـ عَنْهُ، عَنْ بَعْضِ أَصْحابِهِ، عَنْ حُسَيْنِ بْنِ عُمارَةَ، عَنْ حُسَيْنِ بْنِ أَبِي سَعِيدٍ الْمُكارِي، وَجَهْمِ بْنِ أَبِي جَهْمَةَ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ـ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ الْكُوفَةِ كانَ يُعْرَفُ بِكُنْيَتِهِ ـ قالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام: عَلِّمْنِي دُعاءً أَدْعُو بِهِ فَقالَ: نَعَمْ قُلْ: «يا مَنْ أَرْجُوهُ لِكُلِّ خَيْرٍ وَيا مَنْ آمَنُ سَخَطَهُ عِنْدَ كُلِّ عَثْرَةٍ وَيا مَنْ يُعْطِي بِالْقَلِيلِ الْكَثِيرَ، يا مَنْ أَعْطىٰ مَنْ سَأَلَهُ تَحَنُّناً مِنْهُ وَرَحْمَةً، يا مَنْ أَعْطىٰ مَنْ لَمْ يَسْأَلْهُ وَلَمْ يَعْرِفْهُ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَعْطِنِي بِمَسْأَلَتِي مِنْ جَمِيعِ خَيْرِ الدُّنْيا وَجَمِيعِ خَيْرِ الْآخِرَةِ فَإِنَّهُ غَيْرُ مَنْقُوصٍ ما أَعْطَيْتَنِي وَزِدْنِي مِنْ سَعَةِ فَضْلِكَ يا كَرِيمُ».

٢١ ـ وَعَنْهُ، رَفَعَهُ إِلىٰ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلام أَنَّهُ عَلَّمَ أَخاهُ عَبْدَاللّٰهِ بْنَ عَلِيٍّ هٰذَا الدُّعاءَ:

«اَللّٰهُمَّ ارْفَعْ ظَنِّي صاعِداً وَلا تُطْمِعْ فِيَّ عَدُوّاً وَلا حاسِداً وَاحْفَظْنِي قائِماً وَقاعِداً وَيَقْظاناً وَراقِداً، اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِي



سپس امام صادق فرمود: رسول خدا(ص) می‌فرمود: [نعم] لنعم المجیب أنت و نعم المدعو و نعم المسؤول، اسألك بعزتك و قدرتك و جبروتك و أسألك بملكوتك و درعك الحصينة و بجمعك و اركانك كلها و بحقّ محمد و بحقّ الأوصياء بعد محمد، ان تصلّي على محمد وآل محمد و ان تفعل بي كذا و كذا.

۲۰ ـ از ابی جعفر(ع)، مردی کوفی که به کنیه‌اش معروف بوده گوید: به امام صادق (ع) گفتم: دعائی به من آموز که بدان دعا کنم، فرمود: خوب است بگو:

«ای کسی که برای هر خیری بدو امیدوارم و نزد هر لغزشی از خشم او در امانم، و ای کسی که در برابر کم اندک، بسیار می‌دهد، ای کسی که عطا دهد به هر که از او خواهد از مهربانی و رحمت، ای کسی که عطا بخشد بدان که از او نخواهد و او را نشناسد، رحمت فرست بر محمد و آل محمد و به خواهش من از همهٔ خیر دنیا و همهٔ خیر آخرت به من عطا کن، زیرا که راستش از عطای به من کاستی پدید نشود واز سعهٔ فضلت برای من بیفزا، ای کریم.

۲۱ ـ سند را به امام باقر(ع) رسانیده که به برادر خود عبدالله بن علی این دعا را آموخت:

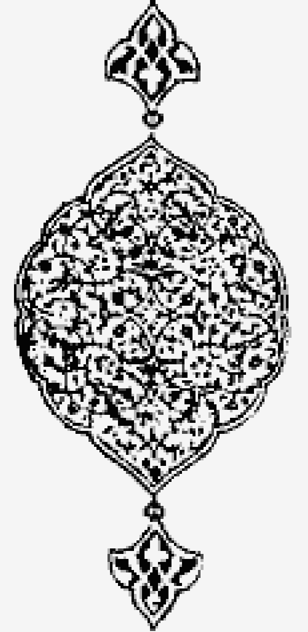
«بار خدایا! گمان مرا بالا بر و دشمن و حسود را به طمع دست‌اندازی مینداز، و مرا حفظ کن ایستاده باشم یا نشسته یا بیدار باشم یا خواب، بار خدایا! مرا بیامرز و رحمت کن و به راه هرچه



وَارْحَمْنِي وَاهْدِنِي سَبِيلَكَ الْأَقْوَمَ وَقِنِي حَرَّ جَهَنَّمَ وَاحْطُطْ عَنِّي الْمَغْرَمَ وَالْمَأْثَمَ وَاجْعَلْنِي مِنْ خَيْرِ خِيارِ الْعالَمِ».

٢٢ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ، عَنْ عُثْمانَ بْنِ عِيسىٰ وَهارُونَ ابْنِ خارِجَةَ قالَ: سَمِعْتُ أَبا عَبْدِاللّٰهِ عليه السلام يَقُولُ: «ارْحَمْنِي مِمّا لا طاقَةَ لِي بِهِ وَلا صَبْرَ لِي عَلَيْهِ».

٢٣ ـ عَنْهُ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ، عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ، عَنِ ابْنِ سِنانَ، عَنْ حَفْصٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قالَ: قُلْتُ لَهُ: عَلِّمْنِي دُعاءً فَقالَ: فَأَيْنَ أَنْتَ عَنْ دُعاءِ الْإِلْحاحِ، قالَ: قُلْتُ: وَما دُعاءُ الْإِلْحاحِ؟ فَقالَ: «اللّٰهُمَّ رَبَّ السَّماواتِ السَّبْعِ وَما بَيْنَهُنَّ وَرَبَّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ وَرَبَّ جَبْرَئِيلَ وَمِيكائِيلَ وَإِسْرافِيلَ وَرَبَّ الْقُرْآنِ الْعَظِيمِ وَرَبَّ مُحَمَّدٍ خاتَمِ النَّبِيِّينَ، إِنِّي أَسْأَلُكَ بِالَّذِي تَقُومُ بِهِ السَّماءُ وَبِهِ تَقُومُ الْأَرْضُ وَبِهِ تُفَرِّقُ بَيْنَ الْجَمْعِ وَبِهِ تَجْمَعُ بَيْنَ الْمُتَفَرِّقِ وَبِهِ تَرْزُقُ الْأَحْياءَ وَبِهِ أَحْصَيْتَ عَدَدَ الرِّمالِ وَوَزْنَ الْجِبالِ وَكَيْلَ الْبُحُورِ» ثُمَّ تُصَلِّي عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، ثُمَّ تَسْأَلُهُ حاجَتَكَ وَأَلِحَّ فِي الطَّلَبِ.



٢٤ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ، عَنْ كَرّامٍ، عَنِ ابْنِ أَبِي يَعْفُورٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عليه السلام أَنَّهُ كانَ يَقُولُ: «اللّٰهُمَّ امْلَأْ قَلْبِي حُبّاً لَكَ وَخَشْيَةً مِنْكَ وَتَصْدِيقاً وَإِيماناً بِكَ وَفَرَقاً

راست‌تر خود رهبری کن و از سوز دوزخ نگهدار و بار بدهکاری و گناه را از دوشم فرود آر و مرا از بهترین اخیار جهان ساز».

۲۲ ـ از هارون بن خارجه، گوید: از امام صادق (ع) شنیدم به من می‌گفت:

«به من رحم کن از آنچه تاب ندارم و بر آن شکیبائی نتوانم».

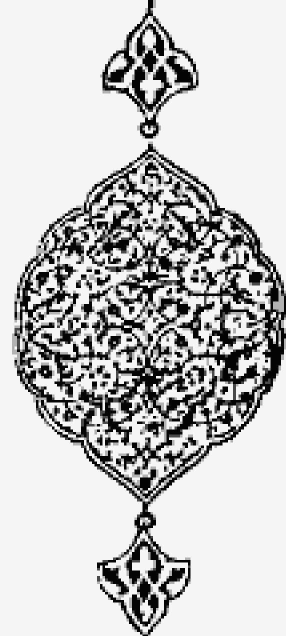
۲۳ ـ از محمد بن مسلم، گوید: به او گفتم: به من دعائی بیاموز، فرمود: تو کجائی که دعای الحاح را بخوانی، گوید: گفتم: دعای الحاح چیست؟ در پاسخ فرمود:

«بار خدایا! پروردگار هفت آسمان و آنچه میان آنها است و پروردگار عرش بزرگ و پروردگار جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و پروردگار قرآن عظیم و پروردگار محمد خاتم پیغمبران، راستی من از تو خواهش دارم بدانچه آسمان بر آن برپا است و بدانچه زمین بدان برپا است و بدان پراکنده کنی جمع را و جمع کنی پراکنده را و بدان روزی دهی زنده‌ها را و بدان آمار کنی شمار ریگها و وزن کوهها و پیمانهٔ دریاها را».

سپس صلوات فرستی به محمد و آل محمد و سپس حاجت خود را بخواهی و درخواست خود اصرار ورزی.

۲۴ ـ از امام صادق (ع)، می‌گفت:

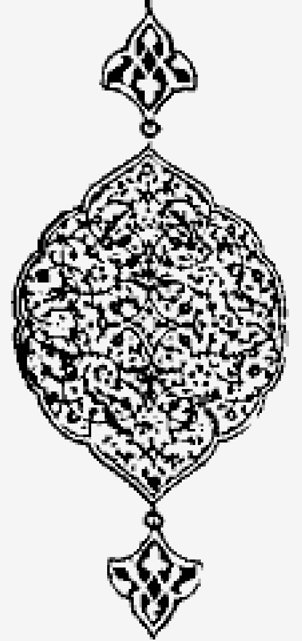
«بار خدایا! دلم را پر از مهر خود کن و از ترس خودت و از تصدیق و ایمان به تو و از بیمت و از اشتیاق درگاهت یا ذو الجلال و





مِنْكَ وَشَوْقاً إِلَيْكَ يا ذَا الْجَلالِ وَالْإِكْرامِ، اللّٰهُمَّ حَبِّبْ إِلَيَّ لِقاءَكَ وَاجْعَلْ لِي فِي لِقائِكَ خَيْرَ الرَّحْمَةِ وَالْبَرَكَةِ وَأَلْحِقْنِي بِالصّالِحِينَ وَلا تُؤَخِّرْنِي مَعَ الْأَشْرارِ وَالْحِقْنِي بِصالِحِ مَنْ مَضىٰ وَاجْعَلْنِي مَعَ صالِحِ مَنْ بَقِيَ وَخُذْ بِي سَبِيلَ الصّالِحِينَ وَأَعِنِّي عَلىٰ نَفْسِي بِما تُعِينُ بِهِ الصّالِحِينَ عَلىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلا تَرُدَّنِي فِي سُوءٍ اسْتَنْقَذْتَنِي مِنْهُ يا رَبَّ الْعالَمِينَ، أَسْأَلُكَ إِيماناً لا أَجَلَ لَهُ دُونَ لِقائِكَ، تُحْيِينِي وَتُمِيتُنِي عَلَيْهِ وَتَبْعَثُنِي عَلَيْهِ إِذا بَعَثْتَنِي وَابْرَأْ قَلْبِي مِنَ الرِّياءِ وَالسُّمْعَةِ وَالشَّكِّ فِي دِينِكَ.

اللّٰهُمَّ أَعْطِنِي نَصْراً فِي دِينِكَ وَقُوَّةً فِي عِبادَتِكَ وَفَهْماً فِي خَلْقِكَ وَكِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِكَ وَبَيِّضْ وَجْهِي بِنُورِكَ وَاجْعَلْ رَغْبَتِي فِيما عِنْدَكَ وَتَوَفَّنِي فِي سَبِيلِكَ عَلىٰ مِلَّتِكَ وَمِلَّةِ رَسُولِكَ، اللّٰهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكَسَلِ وَالْهَرَمِ وَالْجُبْنِ وَالْبُخْلِ وَالْغَفْلَةِ وَالْقَسْوَةِ وَالْفَتْرَةِ وَالْمَسْكَنَةِ وَأَعُوذُ بِكَ يا رَبِّ مِنْ نَفْسٍ لا تَشْبَعُ وَمِنْ قَلْبٍ لا يَخْشَعُ وَمِنْ دُعاءٍ لا يُسْمَعُ وَمِنْ صَلاةٍ لا تَنْفَعُ وَأُعِيذُ بِكَ نَفْسِي وَأَهْلِي وَذُرِّيَّتِي مِنَ الشَّيْطانِ الرَّجِيمِ، اللّٰهُمَّ إِنَّهُ لا يُجِيرُنِي مِنْكَ أَحَدٌ وَلا أَجِدُ مِنْ دُونِكَ مُلْتَحَداً فَلا تَخْذُلْنِي وَلا تَرُدَّنِي فِي هَلَكَةٍ وَلا تَرُدَّنِي بِعَذابٍ، أَسْأَلُكَ الثَّباتَ عَلىٰ دِينِكَ وَالتَّصْدِيقَ بِكِتابِكَ وَاتِّباعَ رَسُولِكَ؛ اللّٰهُمَّ اذْكُرْنِي بِرَحْمَتِكَ وَلا تَذْكُرْنِي بِخَطِيئَتِي وَتَقَبَّلْ مِنِّي وَزِدْنِي مِنْ فَضْلِكَ إِنِّي إِلَيْكَ راغِبٌ.





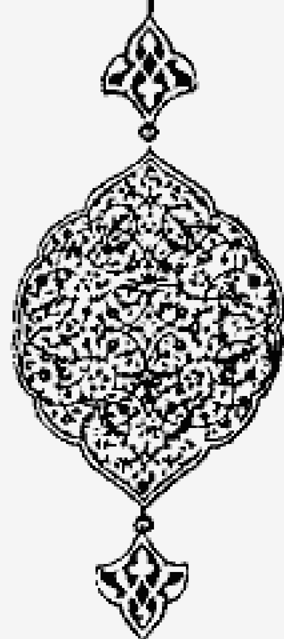
الاکرام، بار خدایا! لقایت را محبوبم ساز و در لقایت خیر و رحمت و برکت برایم مقرر دار و مرا به نیکان پیوند و با بدان به دنبال مگذار و مرا به نیکان گذشته پیوند، و با نیکان به‌جا مانده همراه کن، و مرا به راه نیکان بر، و مرا در بارهٔ خودم کمکی کن بدانچه نیکان را در بارهٔ خودشان کمک کنی، و مرا به‌هر بدی که رها کردی برمگردان، یا ربّ العالمین! از تو خواهم ایمانی که به سر نیاید تا تو را ملاقات کنم، مرا زنده داری و بمیرانی بر آن و مبعوثم کنی گاه انگیزشم بر آن، و دلم را از خودنمائی و شهرت‌جوئی و شکّ در دینت پاک کن.

بار خدایا! به من بده یاری در دینت و نیرو در پرستشت و فهم در آفرینشت و دو بهره از رحمتت و رویم را به نورت سپید کن و مرا رغبت ده بدانچه در نزد تو است، جانم را بگیر در راه خودت و بر کیش خودت و کیش رسولت.

بار خدایا! به تو پناهم از تنبلی و پیری و ترسناکی و بخل و غفلت و سخت‌دلی و سستی و زبونی، و به تو پناهم پروردگارا از ذاتی که سیری ندارد و از دلی که ترس ندارد و از دعائی که شنوده نشود و نمازی که سود ندهد، به تو پناهنده سازم خودم و خاندانم و نژادم را از شیطان رجیم.

بار خدایا! راستش این است که احدی مرا در برابر تو پناهی نتواند داد و جز تو پشتیبانی نیابم، مرا وامگذار و به هلاکت و عذاب مسپار، از تو خواهم که در دینت پایدار باشم و به قرآنت ایمان دارم و پیروی رسولت کنم.

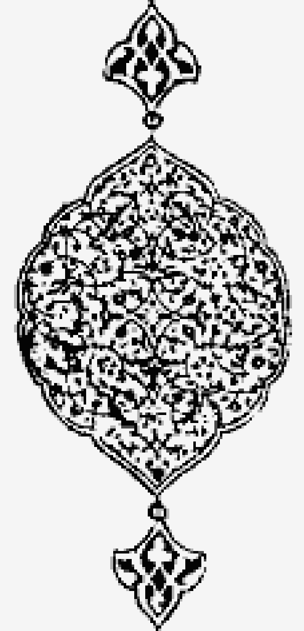
بار خدایا! مرا به مهرت یاد کن و به خطایم یاد مکن، و از من بپذیر و از فضلت بیفزایم، زیرا من به تو رو دارم، بار خدایا! ثواب





اللّٰهُمَّ اجْعَلْ ثَوابَ مَنْطِقِي وَثَوابَ مَجْلِسِي رِضاكَ عَنِّي وَاجْعَلْ عَمَلِي وَدُعائِي خالِصاً لَكَ وَاجْعَلْ ثَوابِيَ الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ وَاجْمَعْ لِي جَمِيعَ ما سَأَلْتُكَ وَزِدْنِي مِنْ فَضْلِكَ إِنِّي إِلَيْكَ راغِبٌ، اللّٰهُمَّ غارَتِ النُّجُومُ وَنامَتِ الْعُيُونُ وَأَنْتَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ، لا يُوارِي مِنْكَ لَيْلٌ ساجٍ وَلا سَماءٌ ذاتُ أَبْراجٍ وَلا أَرْضٌ ذاتُ مِهادٍ وَلا بَحْرٌ لُجِّيٌّ وَلا ظُلُماتٌ بَعْضُها فَوْقَ بَعْضٍ تُدْلِجُ الرَّحْمَةَ عَلىٰ مَنْ تَشاءُ مِنْ خَلْقِكَ تَعْلَمُ خائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَما تُخْفِي الصُّدُورُ، أَشْهَدُ بِما شَهِدْتَ بِهِ عَلىٰ نَفْسِكَ وَشَهِدَتْ مَلائِكَتُكَ وَأُولُوا الْعِلْمِ لا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ وَمَنْ لَمْ يَشْهَدْ بِما شَهِدْتَ بِهِ عَلىٰ نَفْسِكَ وَشَهِدَتْ مَلائِكَتُكَ وَأُولُوا الْعِلْمِ فَاكْتُبْ شَهادَتِي مَكانَ شَهادَتِهِمْ، اللّٰهُمَّ أَنْتَ السَّلامُ وَمِنْكَ السَّلامُ، أَسْأَلُكَ يا ذَا الْجَلالِ وَالْإِكْرامِ أَنْ تَفُكَّ رَقَبَتِي مِنَ النّارِ».

٢٥ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَىٰ الْخَثْعَمِيِّ، عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: إِنَّ أَبا ذَرٍّ أَتىٰ رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّم وَمَعَهُ جَبْرَئِيلُ عَلَيْهِ السَّلام فِي صُورَةِ دِحْيَةَ الْكَلْبِيِّ وَقَدِ اسْتَخْلاهُ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّم فَلَمّا رَآهُما انْصَرَفَ عَنْهُما وَلَمْ يَقْطَعْ كَلامَهُما فَقالَ جَبْرَئِيلُ عَلَيْهِ السَّلام: يا مُحَمَّدُ هٰذا أَبُو ذَرٍّ قَدْ مَرَّ بِنا وَلَمْ يُسَلِّمْ عَلَيْنا أَما لَوْ سَلَّمَ لَرَدَدْنا عَلَيْهِ؛ يا مُحَمَّدُ إِنَّ لَهُ دُعاءً يَدْعُو بِهِ، مَعْرُوفاً عِنْدَ أَهْلِ السَّماءِ فَسَلْهُ عَنْهُ إِذا

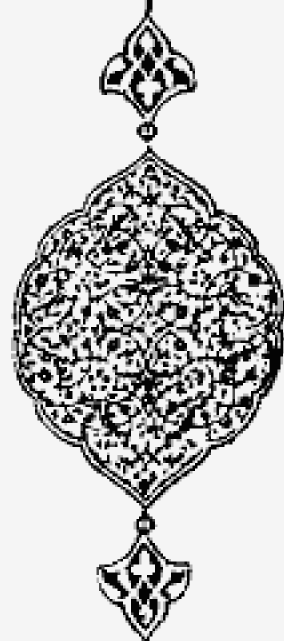


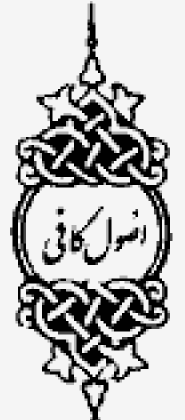


مجلس و گفتارم را رضای خود مقرر دار و کردار و دعایم را خالص درگاه خود ساز و ثواب مرا بهشت مقرر کن به رحمت خودت، و فراهم آر برایم هر آنچه از تو خواستم و از فضلت بر آن بیفزا، زیرا من به تو رو دارم.

بار خدایا! ستاره‌گان سرازیر به افق شدند و دیده‌ها همه در خوابند و توئی زنده و پاینده، از تو نهان نسازد چیزی را شب تار و نه آسمان پر از برج و نه زمین گسترده و نه دریای عمیق ژرف و نه تاریکیهای برهم و درهم رحمت خود را شبانه به هرکدام خلقت که خواهی بدهی، بدانی خیانت دیده‌ها و آنچه نهان کنند سینه‌ها، من در باره‌ات گواهم بدانچه خودت در بارهٔ خود گواهی و فرشته‌هایت گواهند و دانشمندان گواهند: نیست شایستهٔ پرستشی جز تو عزّت مدار و حکمت شعار، و هر کس گواهی ندهد بدانچه خودت در بارهٔ خودت گواهی دادی و فرشته‌هایت و دانشمندان بدان گواهی دادند، گواهی مرا به جای گواهی آنان بنویس، بار خدایا! توئی سلام واز تو است و از تو خواهم یا ذا الجلال و الاکرام که مرا از دوزخ برهانی.

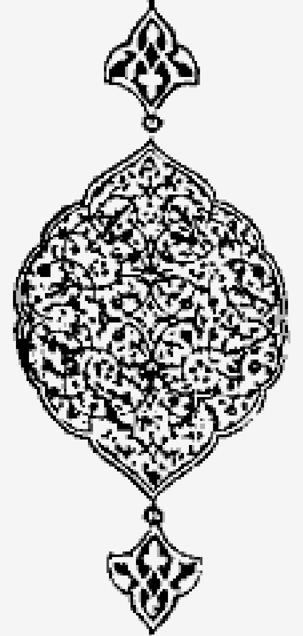
۲۵ ـ از امام صادق (ع) که أبا ذر خدمت رسول خدا(ص) آمد و جبرئیل به صورت دحیه کلبی نزد آن حضرت بود و با او خلوت کرده بود وچون أبا ذر آنان را دید، از نزد آنها برگشت و نخواست سخن آنها را قطع کند، جبرئیل گفت: یا محمد! این أبو ذر بود که به ما گذر کرد و به ما سلام نداد، هلا اگر سلام داده بود پاسخش می‌گفتیم، ای محمد! این أبو ذر را دعائی است معروف نزد اهل آسمانها، از او بپرس، از آن دعا هنگامی که من به آسمان بالا رفتم، چون جبرئیل بالا رفت، أبو ذر نزد پیغمبر(ص) آمد ورسول





عَرَجْتُ إِلَى السَّماءِ؛ فَلَمّا ارْتَفَعَ جَبْرَئِيلُ جاءَ أَبُو ذَرٍّ إِلَى النَّبِيِّ فَقالَ لَهُ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّم ما مَنَعَكَ يا أَبا ذَرٍّ أَنْ تَكُونَ سَلَّمْتَ عَلَيْنا حِينَ مَرَرْتَ بِنا؟ فَقالَ: ظَنَنْتُ يا رَسُولَ اللّٰهِ أَنَّ الَّذِي [كانَ] مَعَكَ دِحْيَةُ الْكَلْبِيُّ قَدِ اسْتَخْلَيْتَهُ لِبَعْضِ شَأْنِكَ، فَقالَ: ذاكَ جَبْرَئِيلُ عَلَيْهِ السَّلام يا أَبا ذَرٍّ وَقَدْ قالَ: أَما لَوْ سَلَّمَ عَلَيْنا لَرَدَدْنا عَلَيْهِ، فَلَمّا عَلِمَ أَبُو ذَرٍّ أَنَّهُ كانَ جَبْرَئِيلُ عَلَيْهِ السَّلام دَخَلَهُ مِنَ النَّدامَةِ حَيْثُ لَمْ يُسَلِّمْ عَلَيْهِ ما شاءَ اللّٰهُ فَقالَ لَهُ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّم: ما هٰذَا الدُّعاءُ الَّذِي تَدْعُو بِهِ؟ فَقَدْ أَخْبَرَنِي جَبْرَئِيلُ عَلَيْهِ السَّلام أَنَّ لَكَ دُعاءً تَدْعُو بِهِ، مَعْرُوفاً فِي السَّماءِ، فَقالَ: نَعَمْ يا رَسُولَ اللّٰهِ أَقُولُ: «اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْأَمْنَ وَالْإِيمانَ [بِكَ] وَالتَّصْدِيقَ بِنَبِيِّكَ وَالْعافِيَةَ مِنْ جَمِيعِ الْبَلاءِ وَالشُّكْرَ عَلَى الْعافِيَةِ وَالْغِنىٰ عَنْ شِرارِ النّاسِ».

۲۶ ـ عَلِيٌّ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ، عَنْ هِشامِ بْنِ سالِمٍ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ قالَ: أَخَذْتُ هٰذَا الدُّعاءَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ [مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ] عَلَيْهِ السَّلام قالَ: وَكانَ أَبُو جَعْفَرٍ يُسَمِّيهِ الْجامِعَ: «بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ أَشْهَدُ أَنْ لا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، آمَنْتُ بِاللّٰهِ وَبِجَمِيعِ رُسُلِهِ وَبِجَمِيعِ ما أُنْزِلَ بِهِ عَلَىٰ جَمِيعِ الرُّسُلِ وَأَنَّ وَعْدَ اللّٰهِ حَقٌّ وَلِقاءَهُ حَقٌّ وَصَدَقَ اللّٰهُ وَبَلَّغَ الْمُرْسَلُونَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعالَمِينَ، وَسُبْحانَ اللّٰهِ كُلَّما سَبَّحَ اللّٰهَ شَيْءٌ وَكَما يُحِبُّ اللّٰهُ أَنْ يُسَبَّحَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ كُلَّما حَمِدَ اللّٰهَ شَيْءٌ

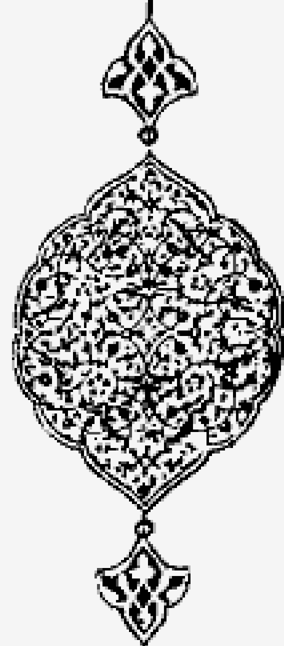




خدا(ص) به او فرمود: ای ابو ذر! چه تو را بازداشت از اینکه چون به ما گذر کردی، به ما سلام کنی؟ گفت: من گمان کردم آنکه نزد شما است دحیه کلبی است و با او در بارهٔ امری خلوت کردی، فرمود: او جبرئیل بود ای ابو ذر، و گفت: اگر به ما سلام کرده بود به او جواب می‌دادیم، و چون أبو ذر دانست که او جبرئیل بوده بسیار پشیمان شد که چرا سلام نکرده است، تا آنجا که خدا خواهد رسول خدا(ص) به او فرمود: این دعائی که تو می‌خوانی چیست؟ راستی جبرئیل به من خبر داد که تو دعائی می‌خوانی که نزد اهل آسمان معروف است، گفت: آری یا رسول الله، می‌گویم:

«بار خدایا! از تو خواهش دارم امن و ایمان به تو را و تصدیق به پیغمبرت را و عافیت از همهٔ بلاها را و شکرگزاری بر عافیت را وبی‌نیازی از مردم بد را».

۲۶ ـ از ابی حمزه، گوید: من این دعا را از امام باقر(ع) گرفتم و امام باقر آن را جامع می‌نامید: «بسم الله الرحمن الرحیم، گواهی می‌دهم که نیست شایستهٔ پرستشی جز خدا یگانه است، شریک ندارد و گواهم که محمد بنده ورسول او است، ایمان دارم به خدا و به همهٔ رسولانش و به هرچه آورده برای هر رسولی و به اینکه وعدهٔ خدا حق است و ملاقاتش حق است، خدا راست گفته و رسولانش رسانیده‌اند و الحمد لله ربّ العالمین و منزّه است خدا هر آن زمانی که چیزی تسبیح گوید خدا را و چنانچه خدا دوست دارد که تنزیه شود، سپاس از آن خدا است هر آن گاهی که چیزی خدا را سپاس گوید وچنانچه خدَا خواهد سپاس شود و خدا یگانه است

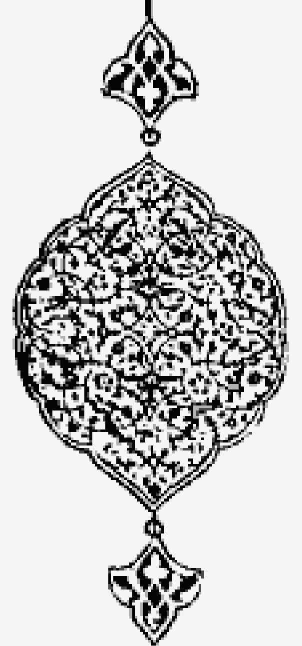




وَكَما يُحِبُّ اللهُ أَنْ يُحْمَدَ، وَلا إِلهَ إِلاَّ اللهُ كُلَّما هَلَّلَ اللهَ شَيْءٌ وَكَما يُحِبُّ اللهُ أَنْ يُهَلَّلَ، وَاللهُ أَكْبَرُ كُلَّما كَبَّرَ اللهَ شَيْءٌ وَكَما يُحِبُّ اللهُ أَنْ يُكَبَّرَ، اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مَفاتِيحَ الْخَيْرِ وَخَواتِيمَهُ وَسَوابِغَهُ وَفَوائِدَهُ وَبَرَكاتِهِ وَما بَلَغَ عِلْمَهُ عِلْمِي وَما قَصُرَ عَنْ إِحْصائِهِ حِفْظِي.

اللّٰهُمَّ انْهَجْ إِلَيَّ أَسْبابَ مَعْرِفَتِهِ وَافْتَحْ لِي أَبْوابَهُ وَغَشِّنِي بِبَرَكاتِ رَحْمَتِكَ وَمُنَّ عَلَيَّ بِعِصْمَةٍ عَنِ الْإِزالَةِ عَنْ دِينِكَ وَطَهِّرْ قَلْبِي مِنَ الشَّكِّ وَلا تَشْغَلْ قَلْبِي بِدُنْيايَ وَعاجِلِ مَعاشِي عَنْ آجِلِ ثَوابِ آخِرَتِي وَاشْغَلْ قَلْبِي بِحِفْظِ ما لا تَقْبَلُ مِنِّي جَهْلَهُ وَذَلِّلْ لِكُلِّ خَيْرٍ لِسانِي وَطَهِّرْ قَلْبِي مِنَ الرِّياءِ وَلا تُجْرِهِ فِي مَفاصِلِي وَاجْعَلْ عَمَلِي خالِصاً لَكَ، اللّٰهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الشَّرِّ وَأَنْواعِ الْفَواحِشِ كُلِّها ظاهِرِها وَباطِنِها وَغَفَلاتِها وَجَمِيعِ ما يُرِيدُنِي بِهِ الشَّيْطانُ الرَّجِيمُ وَما يُرِيدُنِي بِهِ السُّلْطانُ الْعَنِيدُ مِمّا أَحَطْتَ بِعِلْمِهِ وَأَنْتَ الْقادِرُ عَلىٰ صَرْفِهِ عَنِّي.

اللّٰهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ طَوارِقِ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَزَوابِعِهِمْ وَبَوائِقِهِمْ وَمَكائِدِهِمْ وَمَشاهِدِ الْفَسَقَةِ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَأَنْ أُسْتَزَلَّ عَنْ دِينِي فَتَفْسُدَ عَلَيَّ آخِرَتِي وَأَنْ يَكُونَ ذٰلِكَ مِنْهُمْ ضَرَراً عَلَيَّ فِي مَعاشِي أَوْ يَعْرِضَ بَلاءٌ يُصِيبُنِي مِنْهُمْ لا قُوَّةَ لِي بِهِ وَلا صَبْرَ لِي عَلىٰ احْتِمالِهِ فَلا تَبْتَلِنِي يا إِلٰهِي بِمُقاساتِهِ فَيَمْنَعَنِي ذٰلِكَ عَنْ ذِكْرِكَ وَيَشْغَلَنِي عَنْ عِبادَتِكَ؛ أَنْتَ العاصِمُ الْمانِعُ الدّافِعُ الواقِي مِنْ ذٰلِكَ



به هر آنچه خدا را یگانه شناسد و خدا خواهد یگانه باشد، و خدا بزرگتر است به هر آنچه هرچه او را بزرگتر داند و چنانچه خدا خودش خواهد که بزرگتر شمرده شود.

بار خدایا! راستی من از تو خواهم آغازی خیر و پایانهای خیر و شایانهایش و فوائدش و برکاتش و آنچه به دانش من رسد و آنچه حافظهٔ من از شمارهٔ آن کوته است، بار خدایا! پیش من اسباب شناسائیش را منظّم ساز و درهای آن را بر من بگشا و مرا در برکات رحمت خود فروگیر و به من منّت نه به معصوم بودن از بیرون شدن از دینت، و دلم را از شکّ پاک کن و دلم را به دنیا و معیشت نقدش از آیندهٔ ثواب آخرتم بازمدار ومشغول دار دلم را به حفظ آنچه ندانستن آن را از من نپذیری وزبانم را رام هرخیری کن و آن را در مفاصلم به راه میانداز وکردارم را خالص برای خود کن.

بار خدایا! من به تو پناه برم از شرّ و هر نوع هرزگی و زشتی برون و درون، و از هر غفلت و از چه شیطان رجیم از من خواهد و یا سلطان عنید طلبد از آنچه در فراخور علم تو است و تو توانائی که از منش بازگردانی. بارخدایا! به‌تو پناهم‌از شبگردان جنّ و انس واز چرخنده‌های آنان و از مهلکه‌ها و نیرنگ‌هایشان و از محل اجتماعات فاسقان جن و انس (باشگاه نا بکاران جن و انس) و از اینکه از دینم بلغزم و آخرتم بر من تباه شود و از اینکه آنان زیانی به معاشم رسانند یا بلائی از طرفشان به من رخ دهد که توانائی آن را ندارم و بر تحمّلش شکیبا نباشم.

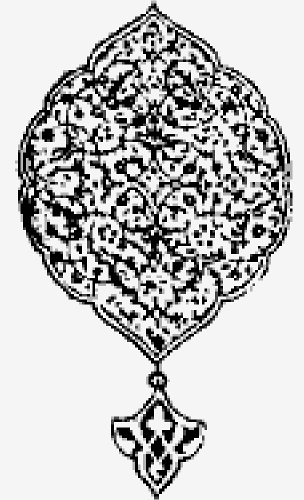
بار معبودا! مرا به رنج بردن از آن گرفتار مکن تا که مرا مانع از یاد تو گردد و از عبادتت باز دارد، توئی مانع و دافع و حافظ از همهٔ اینها، از تو خواهم بار خدایا فراوانی معیشتم را تا مرا



كُلِّهِ، أَسْأَلُكَ اللّٰهُمَّ الرَّفاهِيَةَ فِي مَعِيشَتِي ما أَبْقَيْتَنِي مَعِيشَةً أَقْوىٰ بِها عَلىٰ طاعَتِكَ وَأَبْلُغُ بِها رِضْوانَكَ وَأَصِيرُ بِها إِلىٰ دارِ الْحَيَوانِ غَداً وَلا تَرْزُقْنِي رِزْقاً يُطْغِينِي وَلا تَبْتَلِنِي بِفَقْرٍ أَشْقىٰ بِهِ مُضَيَّقاً عَلَيَّ، أَعْطِنِي حَظّاً وافِراً فِي آخِرَتِي وَمَعاشاً واسِعاً هَنِيئاً مَرِيئاً فِي دُنْيايَ وَلا تَجْعَلِ الدُّنْيا عَلَيَّ سِجْناً وَلا تَجْعَلْ فِراقَها عَلَيَّ حُزْناً أَجِرْنِي مِنْ فِتْنَتِها وَاجْعَلْ عَمَلِي فِيها مَقْبُولاً وَسَعْيِي فِيها مَشْكُوراً.

اللّٰهُمَّ وَمَنْ أَرادَنِي بِسُوءٍ فَأَرِدْهُ بِمِثْلِهِ وَمَنْ كادَنِي فِيها فَكِدْهُ وَاصْرِفْ عَنِّي هَمَّ مَنْ أَدْخَلَ عَلَيَّ هَمَّهُ وَامْكُرْ بِمَنْ مَكَرَ بِي فَإِنَّكَ خَيْرُ الْماكِرِينَ وَافْقَأْ عَنِّي عُيُونَ الْكَفَرَةِ وَالظَّلَمَةِ وَالطُّغاةِ وَالْحَسَدَةِ. اللّٰهُمَّ وَأَنْزِلْ عَلَيَّ مِنْكَ السَّكِينَةَ وَأَلْبِسْنِي دِرْعَكَ الْحَصِينَةَ وَاحْفَظْنِي بِسِتْرِكَ الْواقِي وَجَلِّلْنِي عافِيَتَكَ النّافِعَةَ وَصَدِّقْ قَوْلِي وَفِعالِي وَبارِكْ لِي فِي وُلْدِي وَأَهْلِي وَمالِي، اللّٰهُمَّ ما قَدَّمْتُ وَما أَخَّرْتُ وَما أَغْفَلْتُ وَما تَعَمَّدْتُ وَما تَوانَيْتُ وَما أَعْلَنْتُ وَما أَسْرَرْتُ فَاغْفِرْهُ لِي يا أَرْحَمَ الرّاحِمِينَ».

۲۷ ـ أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِالْجَبّارِ، عَنْ صَفْوانَ بْنِ يَحْيىٰ، عَنِ الْعَلاءِ بْنِ رَزِينٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قالَ: قُلِ: «اللّٰهُمَّ أَوْسِعْ عَلَيَّ فِي رِزْقِي وَامْدُدْ لِي فِي عُمْرِي وَاغْفِرْ لِي ذَنْبِي وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ تَنْتَصِرُ بِهِ لِدِينِكَ وَلا تَسْتَبْدِلْ بِي غَيْرِي».





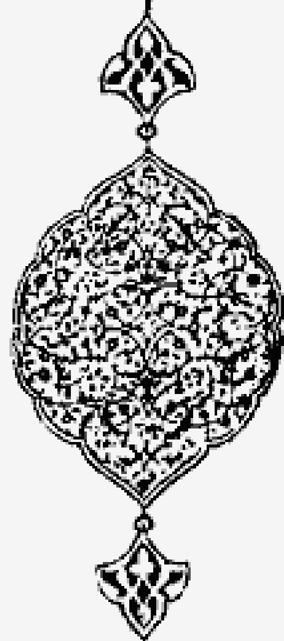
زنده‌داری یک معاشی که به وسیلهٔ آن برای فرمانبردنت نیرومند شوم و به رضوانت برسم و فردای قیامت به وسیلهٔ آن به بهشت که خانهٔ زندگی است بروم، به من یک‌روزی مده که سرکشم کند و به فقری گرفتارم مکن که در تنگنای بدبختی افتم، به من بهرهٔ وافر آخرت بده و معاش وسیع گوارا و خوشگوار در دنیایم و دنیا را زندانم مکن و جدائی از آن را اندوه من مساز و از فتنه‌اش مرا در پناه گیر و کردارم را در آن مقبول نما و کوششم را قابل تقدیر.

بار خدایا! هرکه به من سوء قصد کند، بدو همان را قصد کن و هرکه به من کید ورزد، کیدش ورز و از من بازدار، همّ هرکه را که همّ خود را به دلم میاندازد و مکر کن با هرکه به من مکر می‌کند زیرا تو بهترین مکر کننده‌هائی و از توجه به من درآور چشم کفار و ستمکاران و سرکشان و حسودان را، بار خدایا! از طرف خودت به من آرامش بخش و به من بپوشان زره دژین خودت را و نگهدار مرا به پردهٔ حفاظت خود و جامهٔ عافیت را در برم کن و مرا راست گفتار و درست کردار دار و در فرزندانم و خاندانم و مالم برکت ده.

بار خدایا! هر آنچه پیش انداختم و پس انداختم و آنچه را غفلت کردم و به عمد خطا کردم و آنچه را سستی کردم و آنچه را عیانی کردم و آنچه را نهانی کردم برایم بیامرز، یا ارحم الراحمین.

۲۷ ـ از امام باقر (ع) فرمود: بگو:

«بارخدایا! روزی‌ام را واسع کن و عمرم را دراز کن و گناهم را بیامرز و مرا از آنها مقرر دار که بدانها دینت را یاری کنی و دیگری را به جایم مگیر».



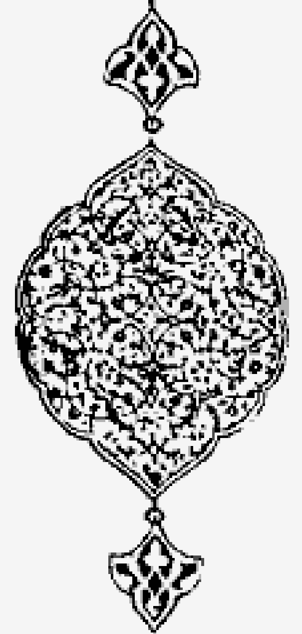


۲۸ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنانٍ، عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ شُعَيْبٍ، عَنْ أَبي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام أَنَّهُ كانَ يَقُولُ: «يا مَنْ يَشْكُرُ الْيَسيرَ وَيَعْفُو عَنِ الْكَثيرِ وَهُوَ الْغَفُورُ الرَّحيمُ اغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتي ذَهَبَتْ لَذَّتُها وَبَقِيَتْ تَبِعَتُها».

۲۹ ـ وَبِهذا الْإِسْنادِ، عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ شُعَيْبٍ، عَنْ أَبي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: كانَ مِنْ دُعائِهِ يَقُولُ: «يا نُورُ يا قُدُّوسُ يا أَوَّلَ الْأَوَّلينَ وَيا آخِرَ الْآخِرينَ يا رَحْمٰنُ يا رَحيمُ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتي تُغَيِّرُ النِّعَمَ وَاغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتي تُحِلُّ النِّقَمَ وَاغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتي تَهْتِكُ الْعِصَمَ وَاغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتي تُنْزِلُ الْبَلاءَ وَاغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتي تُديلُ الْأَعْداءَ وَاغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتي تُعَجِّلُ الْفَناءَ وَاغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتي تَقْطَعُ الرَّجاءَ وَاغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتي تُظْلِمُ الْهَواءَ، وَاغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتي تَكْشِفُ الْغِطاءَ وَاغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتي تَرُدُّ الدُّعاءَ وَاغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتي تَرُدُّ غَيْثَ السَّماءِ».

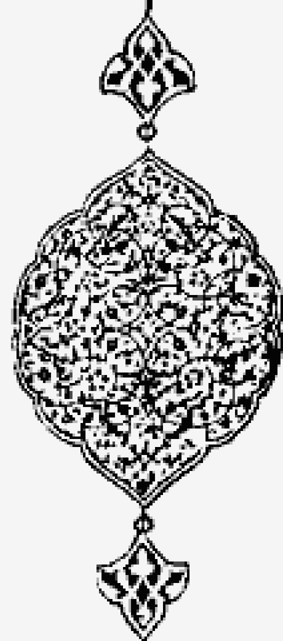
۳۰ ـ عَنْهُ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنانٍ، عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ شُعَيْبٍ، عَنْ أَبي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام: «يا عُدَّتي في كُرْبَتي وَيا صاحِبي في شِدَّتي وَيا وَلِيّي في نِعْمَتي وَيا غِياثي في رَغْبَتي» قالَ: وَكانَ مِنْ دُعاءِ أَميرِ الْمُؤْمِنينَ عَلَيْهِ السَّلام:

«اللّٰهُمَّ كَتَبْتَ الْآثارَ وَعَلِمْتَ الْأَخْبارَ وَاطَّلَعْتَ عَلَى الْأَسْرارِ فَحُلْتَ بَيْنَنا وَبَيْنَ الْقُلُوبِ فَالسِّرُّ عِنْدَكَ عَلانِيَةٌ وَالْقُلُوبُ إِلَيْكَ مُفْضاةٌ



۲۸ ـ از امام صادق (ع) می‌فرمود:
ای که از اندک قدردانی کنی و از بسیار در گذری و او است پر آمرزنده و پر مهربان، بیامرز برایم گناهانی لذّتش رفته و گرفتاریش مانده است.

۲۹ ـ از امام صادق (ع) که از جمله دعاهایش می‌گفت:
«یا نور یا قدوس یا اول الاولین و یا آخر الآخرین یا رحمن و یا رحیم، بیامرز برایم گناهانی که نعمتها را دیگرگون کنند و بیامرز برایم گناهانی که پرده‌ها را بردند، بیامرز برایم گناهانی که بلا فرود آورند و بیامرزد برایم گناهانی که دشمنان را چیره سازند، و بیامرز برایم گناهانی که به نابود کردن شتابند، و بیامرز برایم گناهانی که هوا را تار کنند، و بیامرز برایم گناهانی که پرده را بردارند، و بیامرز برایم گناهانی که دعا را برگردانند، و بیامرز برایم گناهانی که باران آسمان را واگیرد».



۳۰ ـ از امام صادق (ع): «ای پشت من در گرفتاریم و ای یارم در سختیم و ای سرپرستم در نعمتم و ای دادرسم در رغبتم».
فرمود: از دعاء أُمیرالمؤمنین (ع) است: «بار خدایا! ثبت کردی هر اثر را ودانستی هر خبر را و آگاه شدی بر هر سِرّ و جلوگیر شدی میان ما و دلها، هر نهانی نزد تو عیان است و دلها به سوی درگاهت روان و کشان و همانا به محض فرمانت هرچه را خواهی گوئی: باش، و بی‌درنگ میباشد، پس بگو از رحمتت برای



وَإِنَّما أَمْرُكَ لِشَيْءٍ إِذا أَرَدْتَهُ أَنْ تَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ فَقُلْ بِرَحْمَتِكَ لِطاعَتِكَ أَنْ تَدْخُلَ فِي كُلِّ عُضْوٍ مِنْ أَعْضائِي وَلا تُفارِقَنِي حَتّىٰ أَلْقاكَ وَقُلْ بِرَحْمَتِكَ لِمَعْصِيَتِكَ أَنْ تَخْرُجَ مِنْ كُلِّ عُضْوٍ مِنْ أَعْضائِي فَلا تَقْرُبَنِي حَتّىٰ أَلْقاكَ وَارْزُقْنِي مِنَ الدُّنْيا وَزَهِّدْنِي فِيها وَلا تَزْوِها عَنِّي وَلا تُرَغِّبْنِي فِيها يا رَحْمٰنُ».

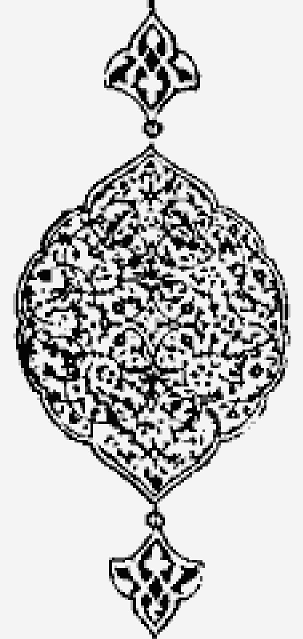
٣١ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ، عَنِ الْعَلاءِ بْنِ رَزِينٍ، عَنْ عَبْدِالرَّحْمٰنِ ابْنِ سَيابَةَ قالَ: أَعْطانِي أَبُو عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام هٰذَا الدُّعاءَ: «اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلِيِّ الْحَمْدِ وَأَهْلِهِ وَمُنْتَهاهُ وَمَحَلِّهِ أَخْلَصَ مَنْ وَحَّدَهُ وَاهْتَدىٰ مَنْ عَبَدَهُ وَفازَ مَنْ أَطاعَهُ وَأَمِنَ الْمُعْتَصِمُ بِهِ.

اللّٰهُمَّ يا ذَا الْجُودِ وَالْمَجْدِ وَالثَّناءِ الْجَمِيلِ وَالْحَمْدِ.

أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ مَنْ خَضَعَ لَكَ بِرَقَبَتِهِ وَرَغِمَ لَكَ أَنْفُهُ وَعَفَّرَ لَكَ وَجْهَهُ وَذَلَّلَ لَكَ نَفْسَهُ وَفاضَتْ مِنْ خَوْفِكَ دُمُوعُهُ وَتَرَدَّدَتْ عَبْرَتُهُ وَاعْتَرَفَ لَكَ بِذُنُوبِهِ وَفَضَحَتْهُ عِنْدَكَ خَطِيئَتُهُ وَشانَتْهُ عِنْدَكَ جَرِيرَتُهُ وَضَعُفَتْ عِنْدَ ذٰلِكَ قُوَّتُهُ وَقَلَّتْ حِيلَتُهُ وَانْقَطَعَتْ عَنْهُ أَسْبابُ خَدائِعِهِ وَاضْمَحَلَّ عَنْهُ كُلُّ باطِلٍ وَأَلْجَأَتْهُ ذُنُوبُهُ إِلىٰ ذُلِّ مُقامِهِ بَيْنَ يَدَيْكَ وَخُضُوعِهِ لَدَيْكَ وَابْتِهالِهِ إِلَيْكَ.

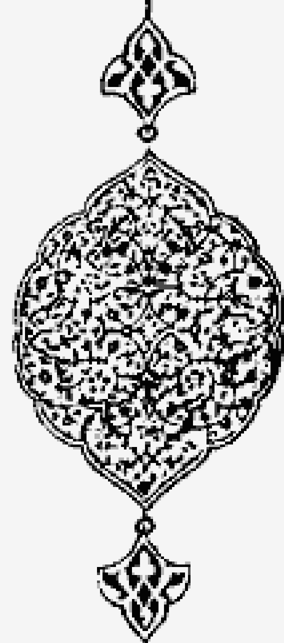
أَسْأَلُكَ اللّٰهُمَّ سُؤالَ مَنْ هُوَ بِمَنْزِلَتِهِ، أَرْغَبُ إِلَيْكَ كَرَغْبَتِهِ وَأَتَضَرَّعُ إِلَيْكَ كَتَضَرُّعِهِ وَأَبْتَهِلُ إِلَيْكَ كَأَشَدِّ ابْتِهالِهِ.

اللّٰهُمَّ فَارْحَمِ اسْتِكانَةَ مَنْطِقِي وَذُلَّ مُقامِي وَمَجْلِسِي



طاعتت که در هر عضوی من درآید و از من جدا نشود تا تو را ملاقات کنم و از رحم خود به نافرمانیت بگو: از هر عضوم برآید و به من نزدیک نیاید تا تو را ملاقات کنم، و از دنیا به من روزی کن و مرا بدان بی‌رغبت کن و آن را از من دریغ مکن با رغبتم در آن، ای بخشاینده.

۳۱ ـ از عبدالرحمن بن سیابه گفت: امام صادق (ع) این دعا را به من داد: «سپاس از آن خدا است که خود سرپرست سپاس است وشایان آن وپایان آن و در خور آن پاک است، هرکه یگانه‌اش شناخت و ره یافته است، هرکه پرستیدش و کامیاب شده، هرکه فرمانش برده و آسوده است، هرکه بدو پناهنده شده، بار خدایا! ای صاحب جو و بزرگواری و ستایش نیکو و سپاس، از تو خواهم خواستن کسی که گردن به درگاهت نهاده و بینی به خاک آستانت سوده و چهره بر خاک درت نهاده و خود را خوار کرده است و از ترست اشکش روان است و آب دیده‌اش گردان و به گناهانش در برابرت اعتراف کرده و خطایش او را در برت رسوا ساخته و چرکین کرده و جرمش او را نزد تو و در این هنگام نیرویش سست شده و بی‌چاره است و اسباب فریب دادن از او برکنار شده و هر بیهوده وباطل از برش نابود گردیده و گناهانش او را به مقام خواری در پیشگاهت کشانده‌اند و به فروتنی در برابرت و زاری به آستانت واداشته‌اند، از تو خواهم بار خدایا، چون خواهش کسی که در چنین مرتبه‌ای است و به مانند او روی به آستانت دارم وچون او به درگاهت زاری وفریاد بر آرم و به سخت‌ترین وضع او





وَخُضُوعِي إِلَيْكَ بِرَقَبَتِي.

أَسْأَلُكَ اللّٰهُمَّ الْهُدىٰ مِنَ الضَّلالَةِ وَالْبَصِيرَةَ مِنَ الْعَمىٰ وَالرُّشْدَ مِنَ الْغِوايَةِ.

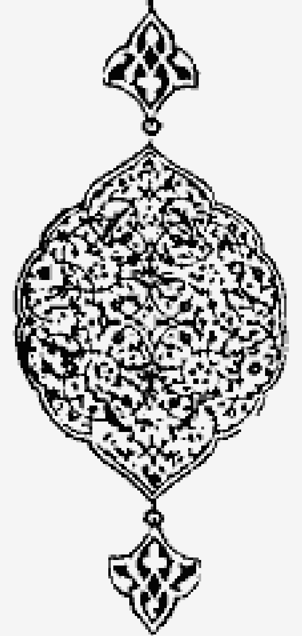
وَأَسْأَلُكَ اللّٰهُمَّ أَكْثَرَ الْحَمْدِ عِنْدَ الرَّخاءِ وَأَجْمَلَ الصَّبْرِ عِنْدَ الْمُصِيبَةِ وَأَفْضَلَ الشُّكْرِ عِنْدَ مَوْضِعِ الشُّكْرِ وَالتَّسْلِيمَ عِنْدَ الشُّبُهاتِ وَأَسْأَلُكَ الْقُوَّةَ فِي طاعَتِكَ وَالضَّعْفَ عَنْ مَعْصِيَتِكَ وَالْهَرَبَ إِلَيْكَ مِنْكَ وَالتَّقَرُّبَ إِلَيْكَ رَبِّ لِتَرْضىٰ وَالتَّحَرِّيَ لِكُلِّ ما يُرْضِيكَ عَنِّي فِي إِسْخاطِ خَلْقِكَ الْتِماساً لِرِضاكَ.

رَبِّ مَنْ أَرْجُوهُ إِنْ لَمْ تَرْحَمْنِي أَوْ مَنْ يَعُودُ عَلَيَّ إِنْ أَقْصَيْتَنِي أَوْ مَنْ يَنْفَعُنِي عَفْوُهُ إِنْ عاقَبْتَنِي أَوْ مَنْ آمُلُ عَطاياهُ إِنْ حَرَمْتَنِي أَوْ مَنْ يَمْلِكُ كَرامَتِي إِنْ أَهَنْتَنِي أَوْ مَنْ يَضُرُّنِي هَوانُهُ إِنْ أَكْرَمْتَنِي.

رَبِّ ما أَسْوَءَ فِعْلِي وَأَقْبَحَ عَمَلِي وَأَقْسىٰ قَلْبِي وَأَطْوَلَ أَمَلِي وَأَقْصَرَ أَجَلِي وَأَجْرَأَنِي عَلىٰ عِصْيانِ مَنْ خَلَقَنِي.

رَبِّ وَما أَحْسَنَ بَلاءَكَ عِنْدِي وَأَظْهَرَ نَعْماءَكَ عَلَيَّ كَثُرَتْ عَلَيَّ مِنْكَ النِّعَمُ فَما أُحْصِيها وَقَلَّ مِنِّي الشُّكْرُ فِيما أَوْلَيْتَنِيهِ فَبَطِرْتُ بِالنِّعَمِ وَتَعَرَّضْتُ لِلنِّقَمِ وَسَهَوْتُ عَنِ الذِّكْرِ وَرَكِبْتُ الْجَهْلَ بَعْدَ الْعِلْمِ وَجُزْتُ مِنَ الْعَدْلِ إِلَى الظُّلْمِ وَجاوَزْتُ الْبِرَّ إِلَى الْإِثْمِ وَصِرْتُ إِلَى الْهَرَبِ مِنَ الْخَوْفِ وَالْحُزْنِ.

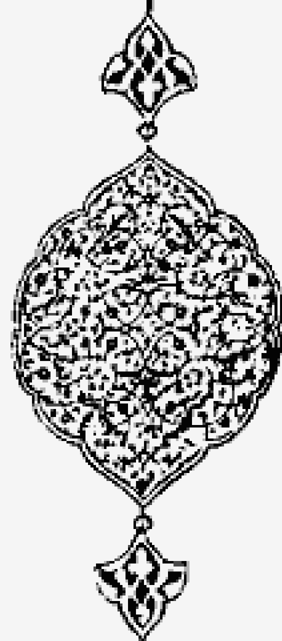
فَما أَصْغَرَ حَسَناتِي وَأَقَلَّها فِي كَثْرَةِ ذُنُوبِي وَما أَكْثَرَ ذُنُوبِي





دست نیاز به سویت دراز کنم.
بار خدایا! به زبونی گفتارم وخواری مقام ومجلسم وفروتنی من به درگاهت ترحّم کن، از تو خواهم بار خدایا هدایت از گمراهی وبینائی از کوری و ره‌جوئی از بی‌راهی و از تو خواهم بار خدایا حمد بسیار درگاه آسایش و رفاه و نیکوترین صبرگاه مصیبت و بهترین شکر درجای شکر وتسلیم در هنگام شبهه‌ها و از تو خواهم نیرو در طاعتت و سستی از گناهت و گریز از تو به درگاهت و نزدیک شدن به تو پروردگارا تا آنجا که خشنود شوی وجستجوی از هرآنچه تو را از من راضی کند اگرچه به خشم آوردن خلق تو باشد برای طلب رضایت، پروردگارا! به که امیدوار باشم اگر تو مرا رحم نکنی و چه کسی برسر من گذرد اگر تو دورم کنی و گذشت، چه کسی به من سود دهد اگر تو کیفرم دهی یا به عطاهای چه کس آرزومند شوم اگر تو مرا محروم سازی، یا چه کسی تواند مرا ارجمند دارد اگر تو مرا خوار کنی یا خوار شمردن، چه کسی به من زیان دارد اگر تو مرا گرامی داری.

پروردگارا! چه بدبخت کردارم و زشت است کارم و سخت است دلم و دراز است آرزویم و کوتاه است عمرم و دلیرم بر نافرمانی آنکه مرا آفریده است، پروردگارا! چه اندازه آزمایشت نزد من نیکو است و نعمتهایت در بر من فراوان و عیان است بسیار نعمت بر من دادی و نتوانم آنها را شمرد و شکر من در برابر آنها کم است، من به نعمت تو مستی و خوش‌گذرانی کردم و خود را در معرض انتقام تو درآوردم و از یاد تو بازماندم و دانسته نادانی کردم و از عدالت به ستم گرائیدم و از خوش‌کرداری به گنه‌کاری تجاوز نمودم و از ترس و غمّ پا به گریز نهادم وه چه خرد و اندک است





وَأَعْظَمَها عَلىٰ قَدْرِ صِغَرِ خَلْقِي وَضَعْفِ رُكْنِي.

رَبِّ وَما أَطْوَلَ أَمَلِي فِي قِصَرِ أَجَلِي وَأَقْصَرَ أَجَلِي فِي بُعْدِ أَمَلِي وَما أَقْبَحَ سَرِيرَتِي فِي عَلانِيَتِي.

رَبِّ لا حُجَّةَ لِي إِنِ احْتَجَجْتُ وَلا عُذْرَ لِي إِنِ اعْتَذَرْتُ وَلا شُكْرَ عِنْدِي إِنِ ابْتُلِيتُ وَأُولِيتُ إِنْ لَمْ تُعِنِّي عَلىٰ شُكْرِ ما أُولِيتُ.

رَبِّ ما أَخَفَّ مِيزانِي غَداً إِنْ لَمْ تُرَجِّحْهُ وَأَزَلَّ لِسانِي إِنْ لَمْ تُثَبِّتْهُ وَأَسْوَدَ وَجْهِي إِنْ لَمْ تُبَيِّضْهُ.

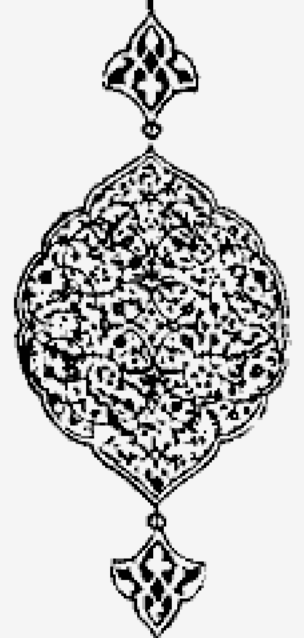
رَبِّ كَيْفَ لِي بِذُنُوبِيَ الَّتِي سَلَفَتْ مِنِّي قَدْ هَدَّتْ لَها أَرْكانِي.

رَبِّ كَيْفَ أَطْلُبُ شَهَواتِ الدُّنْيا وَأَبْكِي عَلىٰ خَيْبَتِي فِيها وَلا أَبْكِي وَتَشْتَدُّ حَسَراتِي عَلىٰ عِصْيانِي وَتَفْرِيطِي.

رَبِّ دَعَتْنِي دَواعِي الدُّنْيا فَأَجَبْتُها سَرِيعاً وَرَكَنْتُ إِلَيْها طائِعاً وَدَعَتْنِي دَواعِي الْآخِرَةِ فَتَثَبَّطْتُ عَنْها وَأَبْطَأْتُ فِي الْإِجابَةِ وَالْمُسارَعَةِ إِلَيْها كَما سارَعْتُ إِلىٰ دَواعِي الدُّنْيا وَحُطامِهَا الْهامِدِ وَهَشِيمِها الْبائِدِ وَسَرابِهَا الذّاهِبِ.

رَبِّ خَوَّفْتَنِي وَشَوَّقْتَنِي وَاحْتَجَجْتَ عَلَيَّ بِرِقِّي وَكَفَلْتَ لِي بِرِزْقِي فَآمَنْتُ [مِنْ] خَوْفِكَ وَتَثَبَّطْتُ عَنْ تَشْوِيقِكَ وَلَمْ أَتَّكِلْ عَلىٰ ضَمانِكَ وَتَهاوَنْتُ بِاحْتِجاجِكَ.

اللّٰهُمَّ فَاجْعَلْ أَمْنِي مِنْكَ فِي هٰذِهِ الدُّنْيا خَوْفاً وَحَوِّلْ تَثَبُّطِي شَوْقاً وَتَهاوُنِي بِحُجَّتِكَ فَرَقاً مِنْكَ ثُمَّ رَضِّنِي بِما قَسَمْتَ لِي مِنْ



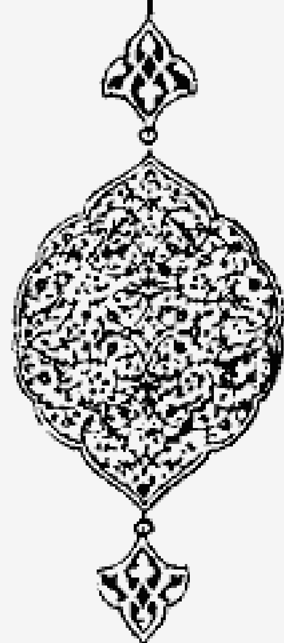
حسناتم نسبت به فراوانی گناهانم و چه بسیار است گناهانم و بزرگند در برابر خلقت کوچک و ناتوانی ارکان بدنم.

پروردگارا! چه بسیار آرزوهایم، دراز است در برابر عمر کوتاهم و عمرم کوتاه است نسبت به آرزوی دور و درازم و چه اندازه زشت است نهانم و عیانم، پروردگارا! دلیلی ندارم که بیاورم و عذری نه که بدان دست زنم واگر آزموده شوم، وقدردانی و شکر ندارم مگر تو، خودت مرا به شکر نعمت یاری کنی، پروردگارا! چه اندازه میزان اعمالم در فردای قیامت سست است اگر تواُش سنگین نکنی و زبانم لغزان است اگر تواُش برجا نداری و رویم سیاه است اگر تواُش سپید نسازی، پروردگارا! چطور گناهانی که پیش کردم، ارکان مرا در هم شکستند؟ .

پروردگارا! چگونه دنبال شهوتهای دنیا می‌روم و بر ناامیدی خود از آنها می‌گیریم و گریه‌ام نیاید بااینکه افسوس فراوان دارم از نافرمانی وتقصیر خودم، پروردگارا! دواعی دنیا مرا به خود خواندند و من زود اجابت کردم و دنبال آنها دویدم و با دلبستگی بدانها پیوستم و دواعی آخرت مرا درخواستند و من در جواب آنها بازماندم و کندی کردم از اجابت آنها و شتاب بدانها چنانچه دنبال اعیان دنیا و کالای پوسیده و نشخوار نابود و سراب از میان روندهٔ آن دویدم.

پروردگارا! مرا ترسانیدی و تشویق کردی و به بنده بودنم دلیل آوردی که باید فرمان‌بر باشم وروزی مرا هم کفایت کردی و من از بیم تو آسودم و از تشویقت باز ایستادم و به کفالت اعتماد نکردم و به دلیل آوردنت اهانت نمودم.

بار خدایا! آسودگی مرا در این دنیا در ترس از خودت مقرر دار و تنبلی مرا به شوق و نشاط تبدیل کن و اهانت مرا به دلیل





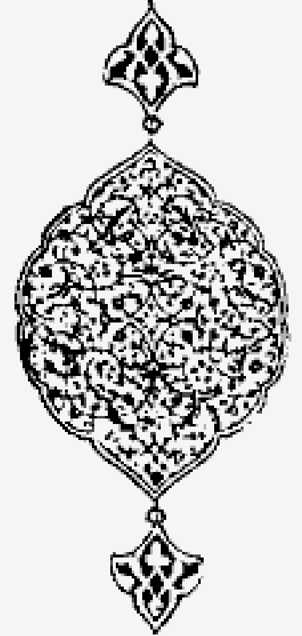
رِزْقِكَ يا كَرِيمُ [يا كَرِيمُ].

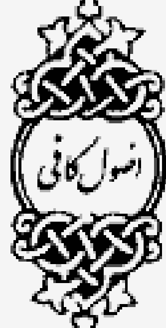
أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ رِضاكَ عِنْدَ السُّخْطَةِ وَالْفُرْجَةَ عِنْدَ الْكُرْبَةِ وَالنُّورَ عِنْدَ الظُّلْمَةِ وَالْبَصِيرَةَ عِنْدَ تَشَبُّهِ الْفِتْنَةِ.

رَبِّ اجْعَلْ جُنَّتِي مِنْ خَطايايَ حَصِينَةً وَدَرَجاتِي فِي الْجِنانِ رَفِيعَةً وَأَعْمالِي كُلَّها مُتَقَبَّلَةً وَحَسَناتِي مُضاعَفَةً زاكِيَةً وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفِتَنِ كُلِّها ما ظَهَرَ مِنْها وَما بَطَنَ وَمِنْ رَفِيعِ الْمَطْعَمِ وَالْمَشْرَبِ وَمِنْ شَرِّ ما أَعْلَمُ وَمِنْ شَرِّ ما لا أَعْلَمُ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ أَنْ أَشْتَرِيَ الْجَهْلَ بِالْعِلْمِ وَالْجَفاءَ بِالْحِلْمِ وَالْجَوْرَ بِالْعَدْلِ وَالْقَطِيعَةَ بِالْبِرِّ وَالْجَزَعَ بِالصَّبْرِ وَالْهُدىٰ بِالضَّلالَةِ وَالْكُفْرَ بِالْإِيمانِ».

ابْنُ مَحْبُوبٍ، عَنْ جَمِيلِ بْنِ صالِحٍ أَنَّهُ ذَكَرَ أَيْضاً مِثْلَهُ وَذَكَرَ أَنَّهُ دُعاءُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ صَلَواتُ اللّٰهِ عَلَيْهِما وَزادَ فِي آخِرِهِ «آمِينَ رَبَّ الْعالَمِينَ».

٣٢ ـ ابْنُ مَحْبُوبٍ قالَ: حَدَّثَنا نُوحٌ أَبُو الْيَقْظانِ، عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: ادْعُ بِهٰذَا الدُّعاءِ: «اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِرَحْمَتِكَ الَّتِي لا تُنالُ مِنْكَ إِلّا بِرِضاكَ وَالْخُرُوجَ مِنْ جَمِيعِ مَعاصِيكَ [إِلّا بِرِضاكَ] وَالدُّخُولَ فِي كُلِّ ما يُرْضِيكَ وَالنَّجاةَ مِنْ كُلِّ وَرْطَةٍ وَالْمَخْرَجَ مِنْ كُلِّ كَبِيرَةٍ أَتىٰ بِها مِنِّي عَمْدٌ أَوْ زَلَّ بِها مِنِّي خَطَأً أَوْ خَطَرَ بِها عَلَيَّ خَطَراتُ الشَّيْطانِ أَسْأَلُكَ خَوْفاً تُوقِفُنِي بِهِ عَلىٰ حُدُودِ رِضاكَ وَتَشْعَبُ بِهِ عَنِّي كُلَّ شَهْوَةٍ خَطَرَ بِها هَوايَ



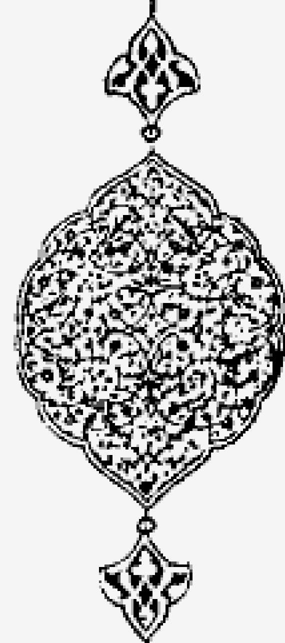


آوردنت به ترس و هراس بدل کن سپس راضی دار مرا بدانچه قسمتم کردی از روزیت ای کریم[ای کریم] از تو خواهم به نام بزرگت رضایت تو را هنگام خشم و گشایش هنگام گرفتاری و روشنی هنگام تاریکی و بینائی هنگام اشتباه کاری فتنه، پروردگارا! سپر مرا از خطاهایم محکم ساز و درجات مرا در بهشت بلند کن و همهٔ کردارم را پذیرا ساز و حسناتم را چند برابر و پاک نما و به تو پناه برم از همهٔ فتنه‌ها آنچه از آنها عیان است و آنچه نهان است و از خوراک و نوشیدن به اسراف و از شرّ آنچه من می‌دانم و از شرّ آنچه نمی‌دانم و به تو پناه برم از اینکه دانش بدهم و نادانی به خرم و به جای بردباری جفاکاری کنم و به جای ستمکاری و به جای خوش‌رفتاری ناسپاسی و به جای شکیبائی بی‌تابی و به جای هدایت گمراهی و به جای ایمان کفر بورزم.

ابن محبوب از جمیل بن صالح که او یادآور شده است نیز مانند همین دعارا گفته است که دعاء علی بن الحسین (ع) است ودر آخرش افزوده است: «آمین رب العالمین».

۳۲ ـ نوح ابو الیقظان برای ما بازگفت از امام صادق (ع) فرمود: این دعا را بخوان:

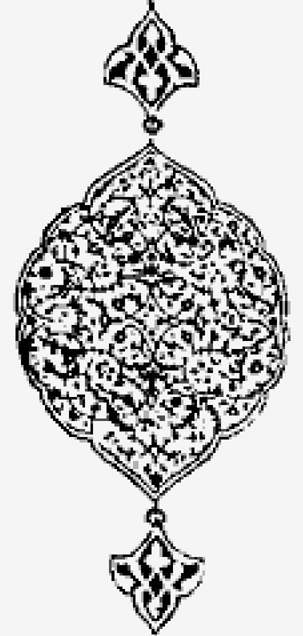
بار خدایا! راستی من از تو خواهش دارم به حق رحمتت که جز به رضایت به دست نیاید بیرون شدن از همهٔ نافرمانیهای تو و درآمدن در هر امری که موجب رضایت تو است و هم رهائی از هر پرتگاه وگرفتاری و برکناری از هرگناه کبیره که عمداً از من سر زده و یا به خطا در آن لغزش شده یا خاطر شیطانی آن در نهادم افتاده، از تو بیم و ترسی خواهم که مرا بر حدود رضایتت بازدارد و هر شهوتی را که هوای نفسم در خاطرم آرد ورأی مرا بلغزاند تا از مرز





وَاسْتَزَلَّ بِها رَأْيِي لِيُجاوِزَ حَدَّ حَلالِكَ، أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ الْأَخْذَ بِأَحْسَنِ ما تَعْلَمُ وَتَرْكَ سَيِّءِ كُلِّ ما تَعْلَمُ أَوْ أَخْطَأُ مِنْ حَيْثُ لا أَعْلَمُ أَوْ مِنْ حَيْثُ أَعْلَمُ.

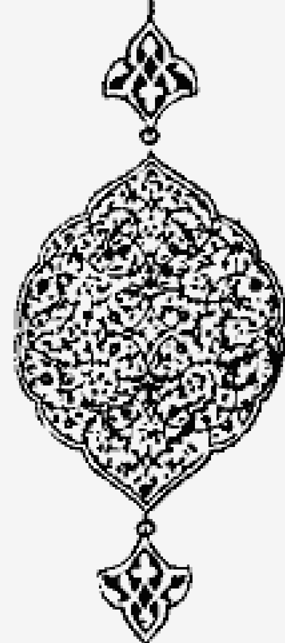
أَسْأَلُكَ السَّعَةَ فِي الرِّزْقِ وَالزُّهْدَ فِي الْكَفافِ وَالْمَخْرَجَ بِالْبَيانِ مِنْ كُلِّ شُبْهَةٍ وَالصَّوابَ فِي كُلِّ حُجَّةٍ وَالصِّدْقَ فِي جَمِيعِ الْمَواطِنِ وَإِنْصافَ النّاسِ مِنْ نَفْسِي فِيما عَلَيَّ وَلِيَ وَالتَّذَلُّلَ فِي أَعْطاءِ النَّصَفِ مِنْ جَمِيعِ مَواطِنِ السَّخَطِ وَالرِّضا وَتَرْكَ قَلِيلِ الْبَغْيِ وَكَثِيرِهِ فِي الْقَوْلِ مِنِّي وَالْفِعْلِ وَتَمامَ نِعْمَتِكَ فِي جَمِيعِ الْأَشْياءِ وَالشُّكْرَ لَكَ عَلَيْها لِكَيْ تَرْضىٰ وَبَعْدَ الرِّضا وَأَسْأَلُكَ الْخِيَرَةَ فِي كُلِّ ما يَكُونُ فِيهِ الْخِيَرَةُ بِمَيْسُورِ الْأُمُورِ كُلِّها لا بِمَعْسُورِها يا كَرِيمُ يا كَرِيمُ يا كَرِيمُ وَافْتَحْ لِي بابَ الْأَمْرِ الَّذِي فِيهِ الْعافِيَةُ وَالْفَرَجُ وَافْتَحْ لِي بابَهُ وَيَسِّرْ لِي مَخْرَجَهُ، وَمَنْ قَدَّرْتَ لَهُ عَلَيَّ مَقْدَرَةً مِنْ خَلْقِكَ فَخُذْ عَنِّي بِسَمْعِهِ وَبَصَرِهِ وَلِسانِهِ وَيَدِهِ وَخُذْهُ عَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ يَسارِهِ وَمِنْ خَلْفِهِ وَمِنْ قُدّامِهِ وَامْنَعْهُ أَنْ يَصِلَ إِلَيَّ بِسُوءٍ، عَزَّ جارُكَ وَجَلَّ ثَناءُ وَجْهِكَ وَلا إِلٰهَ غَيْرُكَ، أَنْتَ رَبِّي وَأَنَا عَبْدُكَ.

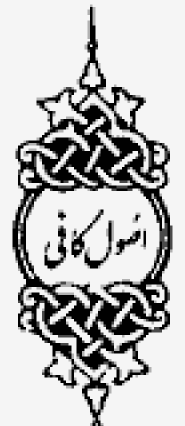


اللَّهُمَّ أَنْتَ رَجائِي فِي كُلِّ كُرْبَةٍ وَأَنْتَ ثِقَتِي فِي كُلِّ شِدَّةٍ وَأَنْتَ لِي فِي كُلِّ أَمْرٍ نَزَلَ بِي ثِقَةٌ وَعُدَّةٌ، فَكَمْ مِنْ كَرْبٍ يَضْعُفُ عَنْهُ الْفُؤادُ وَتَقِلُّ فِيهِ الْحِيلَةُ وَيَشْمَتُ فِيهِ الْعَدُوُّ وَتَعْيىٰ فِي الْأُمُورِ أَنْزَلْتُهُ بِكَ وَشَكَوْتُهُ إِلَيْكَ راغِباً إِلَيْكَ فِيهِ عَمَّنْ سِواكَ قَدْ فَرَّجْتَهُ وَكَفَيْتَهُ،

حلال تو فراتر روم از من دور ساز، از تو خواهم بار خدایا بهتر آنچه را تو می‌دانی وترک هر بدی که تو می‌دانی یا از اینکه ندانسته به خطا روم یا دانسته، از تو خواهم وسعت رزق و زهد در اندازهٔ کفایت و توضیحی که از هر شبههٔ برهاند و درستی در هر حجّتی که به زبان آید وراستی در هر زمینهٔ وقضاوت به حق برای مردم در بارهٔ خودم در مورد زیان و سود و نرمش، و پذیرش انصاف در هر موردی از خشم و خشنودی وترک کم وبیش از ستم وتجاوز در گفتارم وکردارم وتمامی نعمت خود در همهٔ چیز وشکرگزاری تو بر آنها تاآنجا که خشنودی آرد و از آن هم بگذرد و از تو خواهم هر امر آسانی که خیر در آن است نه کارهای سخت ناهموار یاکریم یاکریم یاکریم، به رویم برگشا در هر امری که درآن عافیت وگشایش است درش به رویم برگشا و برآمدن از آن را بر من آسان کن و به هرکدام از آفریده‌هایت که برمن توانائی آزاری مقدر کردی گوش وچشم وزبان ودستش را از من بازگیر و او را از راست وچپ وپیش وپسش محاصره کن و بازدارش از اینکه به من بدی رساند، پناهنده به تو عزیز است وستایشت والا است ونیست شایستهٔ ستایشی جز تو، توئی پروردگار من ومنم بندهٔ تو.

بار خدایا! تو امید منی در هر گرفتاری و تو مورد اعتماد منی در هر سختی و تو در هر امری که برایم رخ دهد پشت و پناه منی، چه بسیار گرفتاری که دل را ناتوان کرد و چاره را از دست برد و دشمن را شاد کرد و به سرزنش آورد وهر علاجی در آن ماند و من آن را به آستانت فرود آوردم و به درگاهت شکایت کردم واز جز تو در بارهٔ آن رو بر تافتم و به حضرت تو شتافتم و تو گره آن را گشودی و بی‌نیازش نمودی، پس توئی سرکار هر نعمت و صاحب



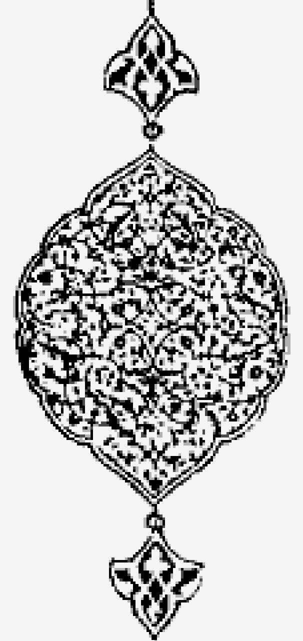


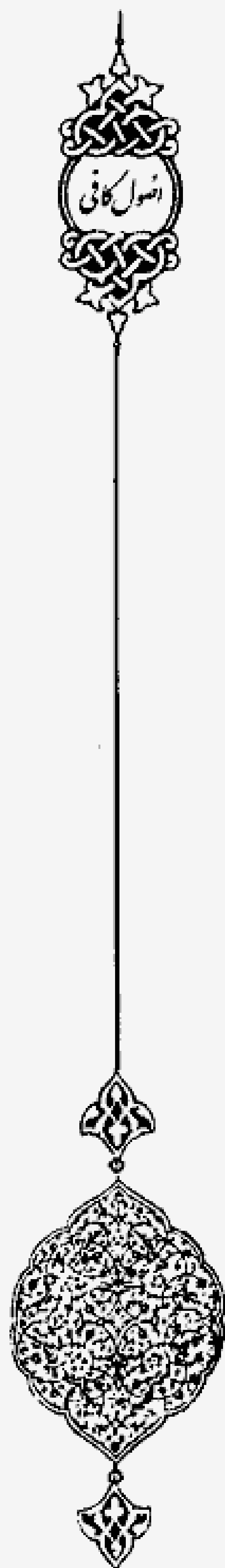
فَأَنْتَ وَلِيُّ كُلِّ نِعْمَةٍ وَصاحِبُ كُلِّ حاجَةٍ وَمُنْتَهىٰ كُلِّ رَغْبَةٍ فَلَكَ الْحَمْدُ كَثِيراً وَلَكَ الْمَنُّ فاضِلاً».

٣٣ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ ابْنِ أَبي عُمَيْرٍ، عَنْ مَنْصُورِ بْنِ يُونُسَ، عَنْ أَبِي بَصِيرٍ، عَنْ أَبي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: قُلِ:

اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ قَوْلَ التَّوّابِينَ وَعَمَلَهُمْ وَنُورَ الْأَنْبِياءِ وَصِدْقَهُمْ وَنَجاةَ الْمُجاهِدِينَ وَثَوابَهُمْ وَشُكْرَ الْمُصْطَفَيْنَ وَنَصِيحَتَهُمْ وَعَمَلَ الذّاكِرِينَ وَيَقِينَهُمْ وَإِيمانَ الْعُلَماءِ وَفِقْهَهُمْ وَتَعَبُّدَ الْخاشِعِينَ وَتَواضُعَهُمْ وَحُكْمَ الْفُقَهاءِ وَسِيرَتَهُمْ وَخَشْيَةَ الْمُتَّقِينَ وَرَغْبَتَهُمْ وَتَصْدِيقَ الْمُؤْمِنِينَ وَتَوَكُّلَهُمْ وَرَجاءَ الْمُحْسِنِينَ وَبِرَّهُمْ.

اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ ثَوابَ الشّاكِرِينَ وَمَنْزِلَةَ الْمُقَرَّبِينَ وَمُرافَقَةَ النَّبِيِّينَ، اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَوْفَ الْعالِمِينَ لَكَ وَعَمَلَ الْخائِفِينَ مِنْكَ وَخُشُوعَ الْعابِدِينَ لَكَ وَيَقِينَ الْمُتَوَكِّلِينَ عَلَيْكَ وَتَوَكُّلَ الْمُؤْمِنِينَ بِكَ، اللّٰهُمَّ إِنَّكَ بِحاجَتِي عالِمٌ غَيْرُ مُعَلَّمٍ وَأَنْتَ لَها واسِعٌ غَيْرُ مُتَكَلِّفٍ وَأَنْتَ الَّذِي لا يُحْفِيكَ سائِلٌ وَلا يَنْقُصُكَ نائِلٌ وَلا يَبْلُغُ مِدْحَتَكَ قَوْلُ قائِلٍ أَنْتَ كَما تَقُولُ وَفَوْقَ ما نَقُولُ، اللّٰهُم اجْعَلْ لِي فَرَجاً قَرِيباً وَأَجْراً عَظِيماً وَسِتْراً جَمِيلاً اللّٰهُم إِنَّكَ تَعْلَمُ أَنِّي عَلىٰ ظُلْمِي لِنَفْسِي وَإِسْرافِي عَلَيْها لَمْ أَتَّخِذْ لَكَ ضِدّاً وَلا نِدّاً وَلا صاحِبَةً وَلا وَلَداً، يا مَنْ لا تُغَلِّطُهُ الْمَسائِلُ، يا مَنْ لا يَشْغَلُهُ شَيْءٌ عَنْ شَيْءٍ وَلا





هر حاجت و پایان هر رغبت، از آنِ تو است سپاس فراوان و از آنِ تو است بخشش هرچه بیشتر.

۳۳ ـ از امام صادق (ع) که فرمود: بگو: بار خدایا! از تو خواهم گفتار توبه‌کننده‌ها و کردارشان ونور پیغمبران وراستی‌شان ورهائی مجاهدان وثوابشان وشکرگزاری برگزیده‌ها وخیر خواهی‌شان وعمل ذاکرین ویقین آنان وایمان دانایان وفهمشان وپرستش خاشعان وتواضعشان وحکم فقهاء وروش آنها وترس پرهیزکاران ورغبتشان وباور مؤمنان وتوکّلشان وامید محسنان وکردار نیکشان.

بار خدایا! از تو خواهم ثواب شاکران ومقام مقرّبان وهمراه بودن با پیمبران، بار خدایا راستی که از تو خواهم ترس عاملان برای تو وکردار بیم‌داران از تو وخشوع عابدان برای تو ویقین متوکّلان بر تو وتوکّل مؤمنین به‌تو.

بار خدایا! تو به‌حاجتم، نگفته دانائی، وتو برای برآوردنش دست‌داری ورنج نبری وتوئی که هیچ خواستاری عطایت را به‌پایان نرساند وهیچ بخششی از تو نکاهد وگفتار هیچ گوینده بحق مدحت نرسد تو چنانکه خود بگوئی برتر از آنکه ما گوئیم.

بار خدایا! برای من گشایش نزدیکی مقرر دار ومزد بزرگی وپوشش خوبی بر عیوبم، بار خدایا! تو می‌دانی با اینکه من بر خودم ستم کردم واسراف نمودم، برایت ضدّی وهمتائی نگرفتم ونه‌همسری ونه‌فرزندی، ای کسی که تراکم مسائل، او را به‌غلط نیندازند، این کسی که چیزی از چیزی او را باز ندارد نه شنیدنی از شنیدنی ونه دیدنی از دیدنی واصرارِ اصرار کننده‌ها او را به‌تنگ نیاورد، از تو خواهم که در این ساعت به‌من گشایش دهی از آنجا که گمان برم



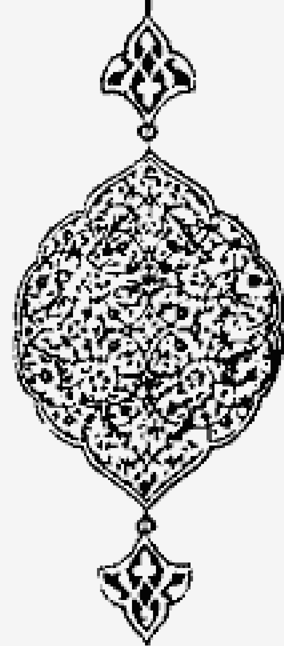
سَمْعٌ عَنْ سَمْعٍ وَلا بَصَرٌ عَنْ بَصَرٍ وَلا يَبْرِمُهُ إِلْحاحُ الْمُلِحّينَ أَسأَلُكَ أَنْ تُفَرِّجَ عَنّي في ساعَتِي هٰذِهِ مِنْ حَيْثُ أَحْتَسِبُ وَمِنْ حَيْثُ لا أَحْتَسِبُ إِنَّكَ تُحْيِي الْعِظامَ وَهِيَ رَمِيمٌ وإِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، يا مَنْ قَلَّ شُكْرِي لَهُ فَلَمْ يَحْرِمْنِي وَعَظُمَتْ خَطِيئَتِي فَلَمْ يَفْضَحْنِي وَرَآنِي عَلَى الْمَعاصِي فَلَمْ يَجْبَهْنِي وَخَلَقَنِي لِلَّذي خَلَقَنِي لَهُ فَصَنَعْتُ غَيْرَ الَّذِي خَلَقَنِي لَهُ فَنِعْمَ الْمَوْلىٰ أَنْتَ يا سَيِّدِي وَبِئْسَ الْعَبْدُ أَنَا وَجَدْتَنِي وَنِعْمَ الطّالِبُ أَنْتَ رَبِّي وَبِئْسَ الْمَطْلُوبُ [أَنا] أَلْفَيْتَنِي، عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ وَابْنُ أَمَتِكَ بَيْنَ يَدَيْكَ ما شِئْتَ صَنَعْتَ بِي، اللّٰهُمَّ هَدَأَتِ الْأَصْواتُ وَسَكَنَتِ الْحَرَكاتُ وَخَلا كُلُّ حَبِيبٍ بِحَبِيبِهِ وَخَلَوْتُ بِكَ أَنْتَ الْمَحْبُوبُ إِلَيَّ فَاجْعَلْ خَلْوَتِي مِنْكَ اللَّيْلَةَ الْعِتْقَ مِنَ النّارِ يا مَنْ لَيْسَتْ لِعالِمٍ فَوْقَهُ صِفَةٌ يا مَنْ لَيْسَ لِمَخْلُوقٍ دُونَهُ مَنَعَةٌ يا أَوَّلَ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ وَيا آخِرَ بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ يا مَنْ لَيْسَ لَهُ عُنْصُرٌ وَيا مَنْ لَيْسَ لِآخِرِهِ فَناءٌ وَيا أَكْمَلَ مَنْعُوتٍ وَيا أَسْمَحَ الْمُعْطِينَ وَيا مَنْ يَفْقَهُ بِكُلِّ لُغَةٍ يُدْعىٰ بِها وَيا مَنْ عَفْوُهُ قَدِيمٌ وَبَطْشُهُ شَدِيدٌ وَمُلْكُهُ مُسْتَقِيمٌ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي شافَهْتَ بِهِ مُوسىٰ يا اللّٰهُ يا رَحْمٰنُ يا رَحِيمُ، يا لا إِلٰهَ إِلَّا أَنْت، اللّٰهُمَّ أَنْتَ الصَّمَدُ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُدْخِلَنِي الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ».

٣٤ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْوَلِيدِ، عَنْ يُونُسَ قالَ: قُلْتُ لِلرِّضا عَلَيْهِ السَّلام: عَلِّمْنِي دُعاءً وَأَوْجِزْ،



واز آنجا که گمان نبرم زیرا توئی که استخوانهای پوسیده وخاک‌شده را زنده می‌کنی وبه‌راستی تو بر هر چیز توانائی، ای کسی که کمت شکرگزاردم وباز هم دریغم نکردی وخطایم در بر او بزرگ شد ومرا رسوا نکردی ومرا در نافرمانی دید و برویم نزد و برای آنچه مرا آفرید آفرید و من جز آن کردم که برای آنش مرا آفرید پس چه خوب سرپرستی باشی تو ای آقایم و چه بد بنده‌ای باشم من، مرا جستی چه خوب جوینده‌ای هستی تو پروردگار منی و چه بد مطلوبم برایت، تو مرا بنده و بنده‌زاد و کنیززاد خود یافتی و زیردست خود که هر کار خواهی با من توانی کرد.

بار خدایا! آوازها همه خمودند و جنبشها همه آرمیدند و هر دوستی بادوست خود خلوت کرد و من با تو خلوت کردم که محبوب منی و ثمرهٔ خلوت مرا باخودت در این شب آزادیم از دوزخ مقرر فرما، ای که هیچ دانشمندی وصفی برتر از او نتواند وهیچ آفریده‌ای در برابر او منعی نتواند ای که آغاز هر چیزی وپس از هر چیز هستی ای که از ماده‌ای پیدا نشدی و ای که به نیستی نگرائی ای کاملترین توصیف شده وبخشنده‌ترین عطا کننده ای کسی که با هرزبانی خوانده شود وبفهمد ای که گذشتش قدیم است و یورشش سخت است و ملکش استوار است، از تو خواهم بدان نامت که با آن با موسی بی‌واسطه گفتگو کردی یاالله یارحمن یارحیم یالا اله الا انت، اللّهم أنت الصمد اسألك ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تدخلنی الجنة برحمتك. [۹۲]



۳۴ - از یونس گوید: به امام رضا(ع) گفتم: یک دعا به من بیاموز و مختصر کن، در پاسخ فرمود: بگو: ای که مرا به خود



فَقالَ: قُلْ: «يا مَنْ دَلَّنِي عَلىٰ نَفْسِهِ وَذَلَّلَ قَلْبِي بِتَصْدِيقِهِ أَسْأَلُكَ الْأَمْنَ وَالْإِيمانَ».

۳۵ ـ عَلِيُّ بْنُ حَمْزَةَ، عَنْ بَعْضِ أَصْحابِهِ، عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام أَنَّ رَجُلًا أَتىٰ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلام فَقالَ:

يا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ! كانَ لِي مالٌ وَرِثْتُهُ وَلَمْ أُنْفِقْ مِنْهُ دِرْهَماً فِي طاعَةِ اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ ثُمَّ اكْتَسَبْتُ مِنْهُ مالًا فَلَمْ أُنْفِقْ مِنْهُ دِرْهَماً فِي طاعَةِ اللّٰهِ فَعَلِّمْنِي دُعاءً يَخْلُفُ عَلَيَّ ما مَضىٰ وَيَغْفِرُ ما عَمِلْتُ أَوْ عَمَلًا أَعْمَلُهُ.

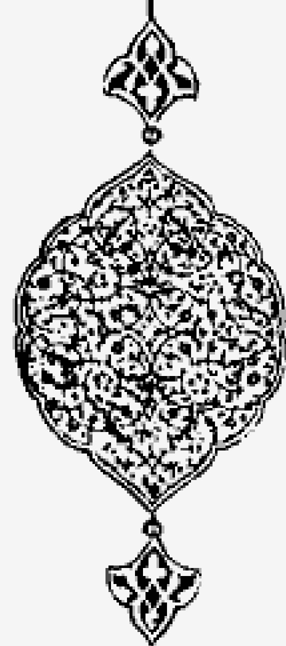
قالَ: قُلْ.

قالَ: وَأَيَّ شَيْءٍ أَقُولُ يا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ؟

قالَ: قُلْ كَما أَقُولُ:

«يا نُورِي فِي كُلِّ ظُلْمَةٍ وَيا أُنْسِي فِي كُلِّ وَحْشَةٍ وَيا رَجائِي فِي كُلِّ كُرْبَةٍ وَيا ثِقَتِي فِي كُلِّ شِدَّةٍ وَيا دَلِيلِي فِي الضَّلالَةِ أَنْتَ دَلِيلِي إِذَا انْقَطَعَتْ دَلالَةُ الْأَدِلَّاءِ فَإِنَّ دَلالَتَكَ لا تَنْقَطِعُ وَلا يَضِلُّ مَنْ هَدَيْتَ.

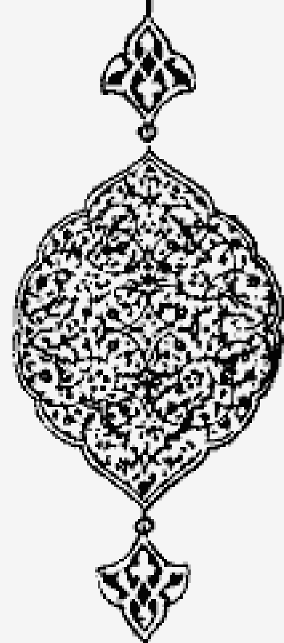
أَنْعَمْتَ عَلَيَّ فَأَسْبَغْتَ وَرَزَقْتَنِي فَوَفَّرْتَ وَغَذَّيْتَنِي فَأَحْسَنْتَ غِذائِي وَأَعْطَيْتَنِي فَأَجْزَلْتَ بِلَا اسْتِحْقاقٍ لِذٰلِكَ بِفِعْلٍ مِنِّي وَلٰكِنِ ابْتِداءً مِنْكَ لِكَرَمِكَ وَجُودِكَ فَتَقَوَّيْتُ بِكَرَمِكَ عَلىٰ مَعاصِيكَ وَتَقَوَّيْتُ بِرِزْقِكَ عَلىٰ سَخَطِكَ وَأَفْنَيْتُ عُمْرِي فِيما لا تُحِبُّ فَلَمْ يَمْنَعْكَ





رهنمود و دلم را رام تصدیق به خود ساخت، از تو امن و ایمان خواستارم.

۳۵ ـ از امام صادق (ع) که مردی نزد امیرالمؤمنین (ع) آمد و گفت: یاامیرالمؤمنین! من مالی دارم که ارث برده‌ام و یک درهمش را (مثلا یک ریال) در طاعت خدا عزوجل صرف نکردم سپس مالی هم خود به دست آوردم و یک درهمش را در راه طاعت خدا عزوجل خرج نکردم، به من دعائی بیاموز که جایگزین شود آنچه را از دستم رفته و به وسیلهٔ آن هرچه را کردم و می‌کنم آمرزیده شود، فرمود: بگو: گفت: چه بگویم یاامیرالمؤمنین؟ فرمود: بگو: آنچه را من می‌گویم: «ای نور من در هر تاریکی و ای وسیلهٔ آرامشم در هر هراس و ای امیدم در هرگرفتاری و ای مورد اعتمادم در هر سختی و ای راه نمایم در هر گمراهی، توئی رهنمائی رهنمایان قطع شود، زیرا رهنمائی تو قطع نمی‌شود وگمراه نشود کسی که توأش رهنمائی، تو به من نعمت دادی وشایان وفراوانش کردی و تو به من روزی دادی وبسیارش کردی و به من خوراک دادی، خوراک خوب دادی و به من عطا دادی، عطای کامل دادی بی آنکه من سزاوار آن باشم در برابر کاری که کردم ولی تو آن را بی‌سابقه آغاز نمودی برای کرم و جود خودت و به وسیلهٔ کرم تو بر نافرمانیهای تو نیروی گرفتم و به وسیلهٔ روزی تو بر کاری که مایهٔ خشم تو است نیرومند شدم و عمرم را در آنچه تو دوست نداری گذارادندم و فانی کردم و دلیری من بر تو و ارتکاب آنچه تو بر من غدقن کرده بودی و ورود در آنچه تو بر من حرام کردی تو را بازنداشت از اینکه بازهم فضل خود را به من عطا کنی و بردباری تو دربارهٔ من و باز گرد فضل تو بر من



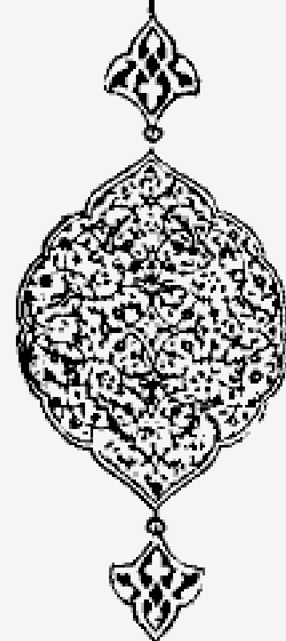


جُرْأتِي عَلَيْكَ وَرُكُوبِي لِما نَهَيْتَنِي عَنْهُ وَدُخُولِي فِيما حَرَّمْتَ عَلَيَّ أَنْ عُدْتَ عَلَيَّ بِفَضْلِكَ وَلَمْ يَمْنَعْنِي حِلْمُكَ عَنِّي وَعَوْدُكَ عَلَيَّ بِفَضْلِكَ أَنْ عُدْتُ فِي مَعاصِيكَ فَأَنْتَ الْعَوّادُ بِالْفَضْلِ وَأَنَا الْعَوّادُ بِالْمَعاصِي.

فَيا أَكْرَمَ مَنْ أُقِرُّ لَهُ بِذَنْبٍ وَأَعَزَّ مَنْ خُضِعَ لَهُ بِذُلٍّ، لِكَرَمِكَ أَقْرَرْتُ بِذَنْبِي وَلِعِزِّكَ خَضَعْتُ بِذُلِّي فَما أَنْتَ صانِعٌ بِي فِي كَرَمِكَ وَإِقْرارِي بِذَنْبِي وَعِزِّكَ وَخُضُوعِي بِذُلِّيَ افْعَلْ بِي ما أَنْتَ أَهْلُهُ وَلا تَفْعَلْ بِي ما أَنَا أَهْلُهُ».

تَمَّ كِتابُ الدُّعاءِ وَيَتْلُوهُ كِتابُ فَضْلِ الْقُرْآنِ

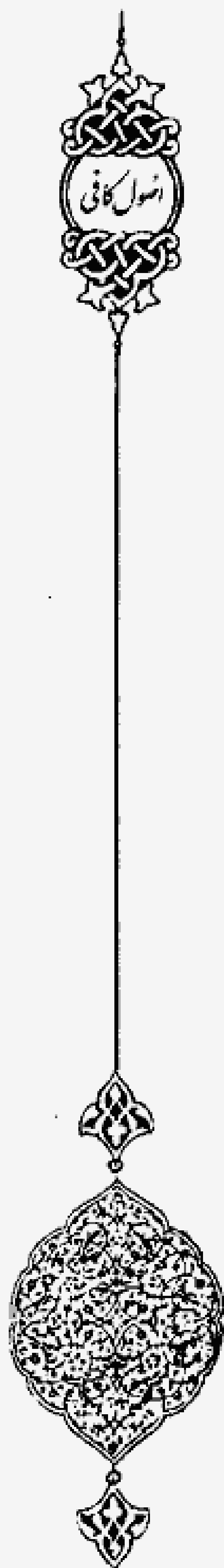




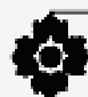
مرا بازنداشت از اینکه به نافرمانیهای تو بازگردم، پس تو بسیار بازگرد به فضلی و من بسیار بازگرد به گناهان، ای کریم‌تر کسی که در برابرش به گناه اقرار کنم و عزیزترین کسی که به زبونی در برابرش خضوع شود، برای کرمت به گناهم اقرار کردم و به خاطر عزتت به زبونی خضوع نمودم، پس تو با من چه خواهی کرد در مقام کرمت و اقرار من به گناهم و از نظر عزتت و خضوع من به زبونیم، آن را به من عمل کن که شایستهٔ تو است و با من مکن آنچه را شایستهٔ من است».



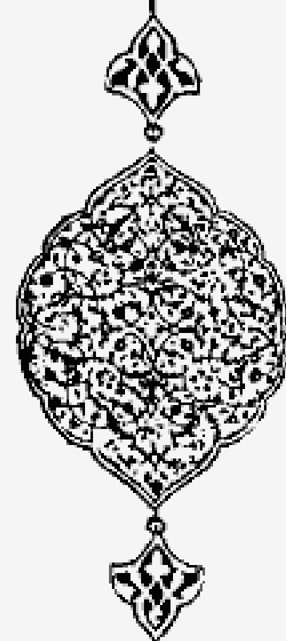
پایان کتاب دعاء و دنبالش کتاب «فضل قرآن» است.




اصول کافی



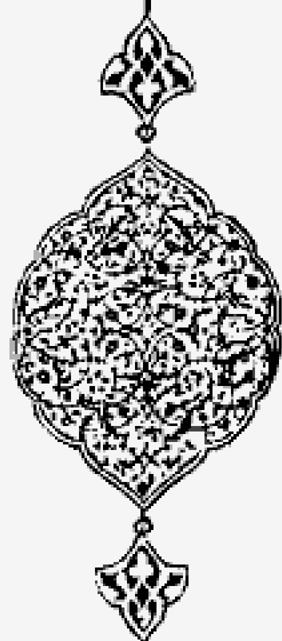

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی





كِتابُ فَضْلِ الْقُرْآنِ

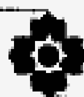
کتاب فضل قرآن



كِتابُ فَضْلِ الْقُرْآنِ

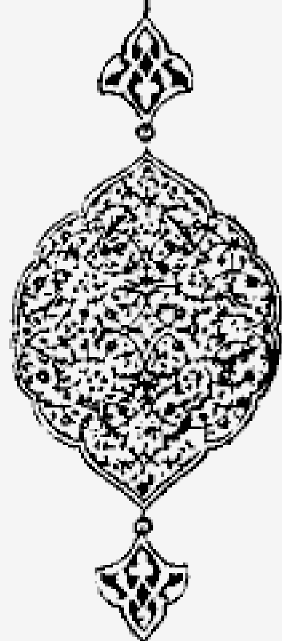
١ ـ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْعَبّاسِ، عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَبْدِالرَّحْمنِ، عَنْ سُفْيانَ الْحَرِيرِيِّ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ سَعْدٍ الْخَفّافِ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قالَ: يا سَعْدُ تَعَلَّمُوا الْقُرْآنَ فَإِنَّ الْقُرْآنَ يَأْتِي يَوْمَ الْقِيامَةِ فِي أَحْسَنِ صُورَةٍ نَظَرَ إِلَيْها الْخَلْقُ وَالنّاسُ صُفُوفٌ عِشْرُونَ وَمِائَةُ أَلْفِ صَفٍّ، ثَمانُونَ أَلْفَ صَفٍّ أُمَّةُ مُحَمَّدٍ وَأَرْبَعُونَ أَلْفَ صَفٍّ مِنْ سائِرِ الْأُمَمِ فَيَأْتِي عَلىٰ صَفِّ الْمُسْلِمِينَ فِي صُورَةِ رَجُلٍ فَيُسَلِّمُ فَيَنْظُرُونَ إِلَيْهِ ثُمَّ يَقُولُونَ: لا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ إِنَّ هٰذَا الرَّجُلَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ نَعْرِفُهُ بِنَعْتِهِ وَصِفَتِهِ غَيْرَ أَنَّهُ كانَ أَشَدَّ اجْتِهاداً مِنّا فِي الْقُرْآنِ فَمِنْ هُناكَ أُعْطِيَ مِنَ الْبَهاءِ وَالْجَمالِ وَالنُّورِ ما لَمْ نُعْطَهُ ثُمَّ يُجاوِزُ حَتّىٰ يَأْتِيَ عَلىٰ صَفِّ الشُّهَداءِ فَيَنْظُرُونَ إِلَيْهِ

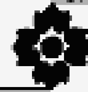




کتاب فضل قرآن [۹۳]

۱ ـ از سعد خفّاف (کفشدوز) از امام باقر(ع) فرمود: ای سعد، قرآن را بیاموزید زیرا قرآن در روز قیامت در زیباترین صورتی که مردم دیده‌اند به‌محشر آید ومردم یکصد وبیست صف دارند که هشتاد صف آنها امّت محمد است(ص) وچهل صف از امّت‌های دیگرند وقرآن در صورت مردی بر صف مسلمانان گذرد وسلام دهد وآنان به‌وی نگرند وگویند: لاٰ اله الاّ الله الحلیم الکریم، راستی که این مرد از مسلمانان است وما او را به‌سیما وصفتِ مسلمانی می‌شناسیم جز اینکه او بیشتر از ماها دربارهٔ قرآن کوشش کرده است واز اینجا است که به‌او خرّمی وزیبائی وروشنی بیشتری داده شده که به‌ماها داده نشده. سپس می‌گذرد تا به‌صف شهیدان می‌رسد وشهیدان به‌او نگاه می‌کنند وسپس می‌گویند: لاٰ اله الاّ الله الربّ الرحیم، راستی این مرد از شهیدان است او را به‌نشانی ووصفِ او

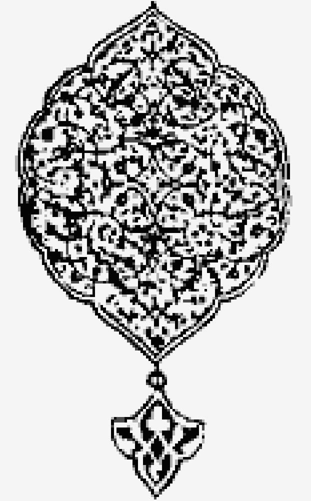


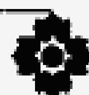



[الشُّهداءُ] ثُمَّ يَقُولُونَ لا إلٰهَ إلاَّ اللّٰهُ الرَّبُّ الرَّحِيمُ إنَّ هذَا الرَّجُلَ مِنَ الشُّهداءِ نَعْرِفُهُ بِسَمْتِهِ وَصِفَتِهِ غَيْرَ أنَّهُ مِنْ شُهداءِ الْبَحْرِ فَمِنْ هُناكَ أُعْطِيَ مِنَ الْبَهاءِ وَالْفَضْلِ ما لَمْ نُعْطَهُ.

قالَ: فَيَتَجاوَزُ حَتَّىٰ يَأْتِيَ [عَلَىٰ] صَفَّ شُهداءِ الْبَحْرِ فِي صُورَةِ شَهِيدٍ فَيَنْظُرُ إلَيْهِ شُهداءُ الْبَحْرِ فَيَكْثُرُ تَعَجُّبُهُمْ وَيَقُولُونَ: إنَّ هذا مِنْ شُهداءِ الْبَحْرِ نَعْرِفُهُ بِسَمْتِهِ وَصِفَتِهِ غَيْرَ أنَّ الْجَزِيرَةَ الَّتِي أُصِيبَ فِيها كانَتْ أعْظَمَ هَوْلاً مِنَ الْجَزِيرَةِ الَّتِي أُصِبْنا فِيها فَمِنْ هُناكَ أُعْطِيَ مِنَ الْبَهاءِ وَالْجَمالِ وَالنُّورِ ما لَمْ نُعْطَهُ.

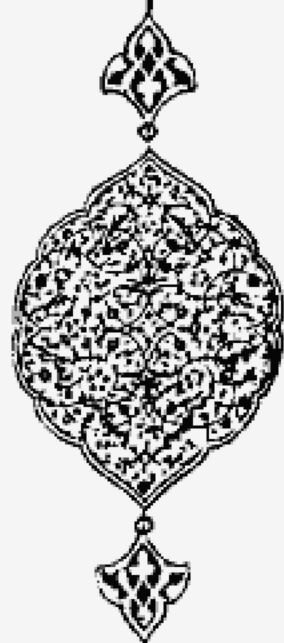
ثُمَّ يُجاوِزُ حَتَّىٰ يَأْتِيَ صَفَّ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ فِي صُورَةِ نَبِيٍّ مُرْسَلٍ فَيَنْظُرُ النَّبِيُّونَ وَالْمُرْسَلُونَ إلَيْهِ فَيَشْتَدُّ لِذلِكَ تَعَجُّبُهُمْ وَيَقُولُونَ لا إلٰهَ إلاَّ اللّٰهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ إنَّ هذا النَّبِيَّ مُرْسَلٌ نَعْرِفُهُ بِسَمْتِهِ وَصِفَتِهِ غَيْرَ أنَّهُ أُعْطِيَ فَضْلاً كَثِيراً، قالَ: فَيَجْتَمِعُونَ فَيَأْتُونَ رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فَيَسْألُونَهُ وَيَقُولُونَ: يا مُحَمَّدُ مَنْ هذا؟ فَيَقُولُ لَهُمْ: أوَما تَعْرِفُونَهُ؟ فَيَقُولُونَ ما نَعْرِفُهُ هذا مِمَّنْ لَمْ يَغْضَبِ اللّٰهُ عَلَيْهِ، فَيَقُولُ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: هذا حُجَّةُ اللّٰهِ عَلَىٰ خَلْقِهِ فَيُسَلِّمُ ثُمَّ يُجاوِزُ حَتَّىٰ يَأْتِيَ عَلَىٰ صَفِّ الْمَلائِكَةِ فِي صُورَةِ مَلَكٍ مُقَرَّبٍ فَتَنْظُرُ إلَيْهِ الْمَلائِكَةُ فَيَشْتَدُّ تَعَجُّبُهُمْ وَيَكْبُرُ ذلِكَ عَلَيْهِمْ لِما رَأَوْا مِنْ فَضْلِهِ وَيَقُولُونَ: تَعالىٰ رَبُّنا وَتَقَدَّسَ إنَّ هذَا الْعَبْدَ مِنَ الْمَلائِكَةِ نَعْرِفُهُ بِسَمْتِهِ وَصِفَتِهِ غَيْرَ أنَّهُ كانَ أقْرَبَ الْمَلائِكَةِ إلَى اللّٰهِ

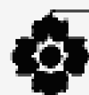





می‌شناسیم جز اینکه از شهیدان در دریا است واز اینجا به‌او خرّمی وفزونی دادند که به‌ماها ندادند. فرمود: پس می گذرد تا به‌صف شهیدان دریا می‌رسد در صورت یک شهید! وشهیدان در دریا به‌او نگاه می‌کنند وبسیار تعجّب می کنند ومی گویند: اینَ خود یِکی از شهیدان دریا است او را به‌نشانی ووصفِ او می‌شناسیم جز اینکه در یک جزَیره کشته شده که از آن جزیره‌ای که ما در آن کشته شدیم هراسناک‌تر بوده است واز اینجا است به‌او خرّمی وزیبائی وروشنی بیشتری داده‌اند که به‌ما نداده‌اند. سپس می گذرد تا به‌صف پیغمبران ورسولان می‌آید در صورت یک پیغمبر مرسل، وپیغمبران ورسولان به‌او نگاه می کنند وشگفتی آنان را می‌افزاید ومی گویند: لاٰ اله الاّ اللّٰه الحلیم الکریم، راستی که این پیغمبر مرسل است وبه‌نشانی ووصفش او را می‌شناسیم جز آنکه فضیلت بسیاری به‌او داده شده است.

فرمود: پس همه گرد آیند ونزد رسول خدا(ص) بیایند واز او بپرسند از وی ومی گویند: یا محمد این کیست؟ در پاسخِ آنها گوید: آیا شماها او را نمی‌شناسید؟ می گویند: ما او را نمی‌شناسیم، این کیست که خدا به‌او خشم نکرده است؟ پس رسول‌خدا(ص) فرماید: این است حجّت خدا بر خلقش، وسلام دهد وبگذرد تا به‌صورت فرشتهٔ مقرّبی به‌صف فرشته‌ها رسد وفرشته‌ها بدو نگرند ودر شگفت شوند واز فضل او که بینند بر آنها گران آید ومی گویند: پروردگار ما برتر است ومقدّس، راستی که این هم یک بنده‌ای است از فرشته‌ها که به‌نشانی ووصف فرشته‌او را می‌شناسیم جز اینکه نزدیکترین فرشته‌ها است به‌درگاه خدا عز وجل، واز اینجا است که نور وجمالی در بر دارد که ماها نداریم! سپس بگذرد تا به‌حضرت ربّ‌العزت رسد تبارک وتعالی وزیر عرش به‌سجده افتد

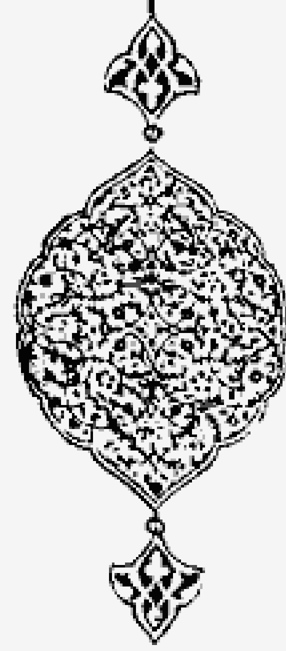


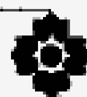




عَزَّ وَجَلَّ مَقاماً فَمِنْ هُناكَ أُلْبِسَ مِنَ النُّورِ وَالْجَمالِ ما لَمْ تُلْبَسْ، ثُمَّ يُجاوِزُ حَتّىٰ يَنْتَهِيَ إِلىٰ رَبِّ الْعِزَّةِ تَبارَكَ وَتَعالىٰ فَيَخِرُّ تَحْتَ الْعَرْشِ فَيُنادِيهِ تَبارَكَ وَتَعالىٰ يا حُجَّتِي فِي الْأَرْضِ وَكَلامِيَ الصّادِقَ النّاطِقَ ارْفَعْ رَأْسَكَ وَسَلْ تُعْطَ وَاشْفَعْ تُشَفَّعْ فَيَرْفَعُ رَأْسَهُ فَيَقُولُ اللّٰهُ تَبارَكَ وَتَعالىٰ: كَيْفَ رَأَيْتَ عِبادِي؟ فَيَقُولُ: يا رَبِّ مِنْهُمْ مَنْ صانَنِي وَحافَظَ عَلَيَّ وَلَمْ يُضَيِّعْ شَيْئاً وَمِنْهُمْ مَنْ ضَيَّعَنِي وَاسْتَخَفَّ بِحَقِّي وَكَذَّبَ بِي وَأَنَا حُجَّتُكَ عَلىٰ جَمِيعِ خَلْقِكَ، فَيَقُولُ اللّٰهُ تَبارَكَ وَتَعالىٰ: وَعِزَّتِي وَجَلالِي وَارْتِفاعِ مَكانِي لَأُثِيبَنَّ عَلَيْكَ الْيَوْمَ أَحْسَنَ الثَّوابِ وَلَأُعاقِبَنَّ عَلَيْكَ الْيَوْمَ أَلِيمَ الْعِقابِ قالَ: فَيَرْجِعُ الْقُرْآنُ رَأْسَهُ فِي صُورَةٍ أُخْرىٰ.

قالَ: فَقُلْتُ لَهُ: يا أَبا جَعْفَرٍ فِي أَيِّ صُورَةٍ يَرْجِعُ؟ قالَ: فِي صُورَةِ رَجُلٍ شاحِبٍ مُتَغَيِّرٍ يُبْصِرُهُ أَهْلُ الْجَمْعِ فَيَأْتِي الرَّجُلَ مِنْ شِيعَتِنا الَّذِي كانَ يَعْرِفُهُ وَيُجادِلُ بِهِ أَهْلَ الْخِلافِ فَيَقُومُ بَيْنَ يَدَيْهِ فَيَقُولُ: ما تَعْرِفُنِي؟ فَيَنْظُرُ إِلَيْهِ الرَّجُلُ فَيَقُولُ: ما أَعْرِفُكَ يا عَبْدَاللّٰهِ، قالَ: فَيَرْجِعُ فِي صُورَتِهِ الَّتِي كانَتْ فِي الْخَلْقِ الْأَوَّلِ وَيَقُولُ: ما تَعْرِفُنِي؟ فَيَقُولُ: نَعَمْ، فَيَقُولُ الْقُرْآنُ: أَنَا الَّذِي أَسْهَرْتُ لَيْلَكَ وَأَنْصَبْتُ عَيْشَكَ سَمِعْتَ الْأَذىٰ وَرُجِمْتَ بِالْقَوْلِ فِيَّ، أَلا وَإِنَّ كُلَّ تاجِرٍ قَدِ اسْتَوْفىٰ تِجارَتَهُ وَأَنَا وَراءَكَ الْيَوْمَ، قالَ: فَيَنْطَلِقُ بِهِ إِلىٰ رَبِّ الْعِزَّةِ تَبارَكَ وَتَعالىٰ فَيَقُولُ: يا رَبِّ يا رَبِّ عَبْدُكَ وَأَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ قَدْ



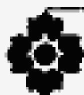




وخدای تبارک وتعالی او را ندا دهد: ای حجّت من در روی زمین وای سخن راست وگویایم سر بردار وبخواه تا به‌تو عطا شود وشفاعت کن تا پذیرفته گردد. وسر بردارد. سپس خدای تبارک وتعالی می‌فرماید: چگونه دیدی بندگانم را؟ در پاسخ عرض کند: برخی مرا نگهداشت وحفظ کرد وچیزی از مرا ضایع نکرد وبرخی مرا ضایع کرد وحق مرا خوار شمرد ومرا دروغ دانست ومنم حجّت تو بر همه خلقت.

پس خدا تبارک وتعالی فرماید: به‌عزّت وجلال ورفعت مقامم سوگند، امروز بهترین ثواب را برای تو بدهم ودردناکترین کیفر را به‌خاطر تو بکنم. فرمود: پس قرآن به‌صورت دیگر سرِ خود را برگرداند.

راوی گوید: من گفتم: یا اباجعفر در چه صورتی برمی‌گردد؟ فرمود: در صورت مردی ژولیده ورنگ‌پریده که همهٔ مردم محشر او را ببینند ومردی از شیعه‌های ما که او را می‌شناسد وبا او بامخالفان بحث ومناقشه کرده است برابر او آید، پس گوید: تو مرا نمی‌شناسی؟ وآن مرد به‌او نگاه کند، گوید: ای بندهٔ خدا تو را نشناسم، گوید: پس به‌صورتِ اول خود بازگردد واز آن مرد پرسد که: مرا نشناسی؟ در پاسخ گوید: چرا! پس قرآن می‌گوید: منم که شب تو را بی‌خواب کردم وتو را در رنج معیشت افکندم، دربارهٔ من آزار شدی ورانده شدی، هلا که هر تاجری سود خود را دریافت کند ومن امروز پشتیبان تو ام. فرمود: پس او را به‌درگاه ربّ العزت تبارک وتعالی برد وبگوید: پروردگارا پروردگارا بندهٔ تو است وتو بدو داناتری، دربارهٔ من رنج کش بود ومواظب من بود به‌سبب من با او دشمنی می‌شد واو به‌خاطر من دوستی می‌کرد وبه‌خاطر من

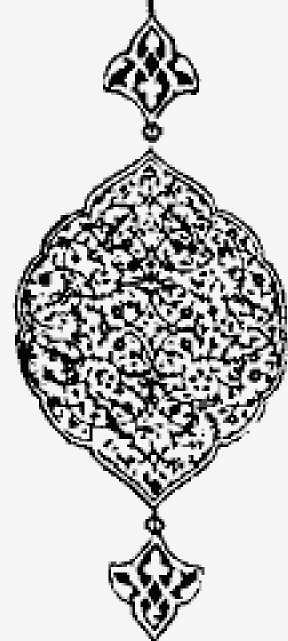


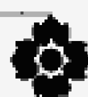


كانَ نَصِباً فِيَّ، مُواظِباً عَلَيَّ، يُعادِي بِسَبَبِي وَيُحِبُّ فِيَّ وَيُبْغِضُ؛ فَيَقُولُ اللّٰهُ عَزَّ وَجَلَّ: أَدْخِلُوا عَبْدِي جَنَّتِي وَاكْسُوهُ حِلَّةً مِنْ حُلَلِ الْجَنَّةِ وَتَوَّجُوهُ بِتاجٍ، فَإِذا فُعِلَ بِهِ ذٰلِكَ عُرِضَ عَلَى الْقُرْآنِ فَيُقالُ لَهُ: هَلْ رَضِيتَ بِما صُنِعَ بِوَلِيِّكَ؟ فَيَقُولُ: يا رَبِّ إِنِّي أَسْتَقِلُّ هذا لَهُ فَزِدْهُ مَزِيدَ الْخَيْرِ كُلِّهِ، فَيَقُولُ: وَعِزَّتِي وَجَلالِي وَعُلُوِّي وَارْتِفاعِ مَكانِي لَأَنْحَلَنَّ لَهُ الْيَوْمَ خَمْسَةَ أَشْياءَ مَعَ الْمَزِيدِ لَهُ وَلِمَنْ كانَ بِمَنْزِلَتِهِ أَلا أَنَّهُمْ شَبابٌ لا يَهْرَمُونَ وَأَصِحّاءُ لا يَسْقُمُونَ وَأُغْنِياءُ لا يَفْتَقِرُونَ وَفَرِحُونَ لا يَحْزَنُونَ وَأَحْياءٌ لا يَمُوتُونَ.

ثُمَّ تَلا هٰذِهِ الْآيَةَ: ((لا يَذُوقُونَ فِيهَا الْمَوْتَ إِلَّا الْمَوْتَةَ الْأُولىٰ)) قالَ قُلْتُ: جُعِلْتُ فِداكَ يا أَبا جَعْفَرٍ وَهَلْ يَتَكَلَّمُ الْقُرْآنُ؟ فَتَبَسَّمَ ثُمَّ قالَ: رَحِمَ اللّٰهُ الضُّعَفاءَ مِنْ شِيعَتِنا إِنَّهُمْ أَهْلُ تَسْلِيمٍ ثُمَّ قالَ: نَعَمْ يا سَعْدُ وَالصَّلاةُ تَتَكَلَّمُ وَلَها صُورَةٌ وَخَلْقٌ تَأْمُرُ وَتَنْهىٰ، قالَ سَعْدٌ: فَتَغَيَّرَ لِذٰلِكَ لَوْنِي وَقُلْتُ: هذا شَيْءٌ لا أَسْتَطِيعُ [أَنا] أَتَكَلَّمُ بِهِ فِي النّاسِ، فَقالَ أَبُو جَعْفَرٍ:

وَهَلِ النّاسُ إِلَّا شِيعَتُنا فَمَنْ لَمْ يَعْرِفِ الصَّلاةَ فَقَدْ أَنْكَرَ حَقَّنا ثُمَّ قالَ: يا سَعْدُ أُسْمِعُكَ كَلامَ الْقُرْآنِ؟ قالَ سَعْدٌ: فَقُلْتُ: بَلىٰ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْكَ فَقالَ: ((إِنَّ الصَّلاةَ تَنْهىٰ عَنِ الْفَحْشاءِ وَالْمُنْكَرِ وَ لَذِكْرُ اللّٰهِ أَكْبَرُ)) فَالنَّهْيُ كَلامٌ وَالْفَحْشاءُ وَالْمُنْكَرُ رِجالٌ وَنَحْنُ ذِكْرُ اللّٰهِ وَنَحْنُ أَكْبَرُ.

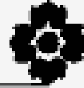




دشمني مي‌كرد.

پس خدا عز وجل فرمايد: اين بندهٔ مرا به‌بهشت بريد واز جامه‌هاي بهشتي به‌او بپوشيد وبر سر او تاج گذاريد؛ وچون با او چنين كنند او را به‌قرآن نمايند وگفته شود به‌او: آيا بدانچه با دوستت عمل شد خشنودى؟ گويد: پروردگار من، آن را كم شمارم، به‌او هر مزيد خيرى بيفزا، خدا فرمايد: به‌عزّت وجلال وعلوّ مقام وارتفاع مقامم سوگند، امروز به‌او وهر كه همپايهٔ او است پنج چيز به‌او بافزوني عطا كنم، هلا آنان جواناني باشند كه پير نشوند وتندرستاني باشند كه بيمار نگردند وتوانگراني باشند كه فقير نشوند وشادكاماني باشند كه اندوهگين نشوند وزنده‌هائي باشند كه نميرند سپس اين آيه را خواند (٥٦ سورة‌الدخان): «نچشند در آن مرگ را جز همان مرگ اول».

گويد: گفتم: قربانت گردم يا اباجعفر آيا قرآن سخن مي‌گويد؟ آن حضرت لبخندى زد وسپس فرمود: خدا رحمت كند شيعيان ساده‌دل ما را، زيرا اهل تسليم وپذيرشند؛ سپس فرمود: آرى سعد، نَماز هم سَخن مى‌گويد وصورتي دارد وخلقى باشد كه فرمان دهد وغدقن كند، سعد گويد: از اين سخن رنگم پريد وگفتم: اين چيزى است كه نمي‌توانم ميان مردم بگويم. امام باقر (ع) فرمود: آيا مردم جز همان شيعيان ما هستند؟ هر كه نماز را نشناسند ونفهمد، حقّ ما را منكر است. سپس فرمود: اى سعد، من به‌تو سخن قرآن را بشنوانم؟ گفتم: آرى خدايت رحمت كند! فرمود (٤٥ سوره عنكبوت): «راستي نماز باز مي‌دارد از فحشاء ومنكر وهرآينه ذكر خدا بزرگتر است» نهي سخن است (كه نماز مى‌گويد) وفحشاء ومنكر مرداني باشند، وما ذكر خدائيم وما اكبر هستيم. [٩٤]





٢ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ النَّوْفَلِيِّ، عَنِ السَّكُونِيِّ، عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ، عَنْ آبائِهِ عَلَيْهِم السَّلام قالَ:

قالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّم:

أَيُّهَا النّاسُ إِنَّكُمْ فِي دارِ هُدْنَةٍ وَأَنْتُمْ عَلىٰ ظَهْرِ سَفَرٍ وَالسَّيْرُ بِكُمْ سَرِيعٌ وَقَدْ رَأَيْتُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ يُبْلِيانِ كُلَّ جَدِيدٍ وَيُقَرِّبانِ كُلَّ بَعِيدٍ وَيَأْتِيانِ بِكُلِّ مَوْعُودٍ فَأَعِدُّوا الْجِهازَ لِبُعْدِ الْمَجازِ.

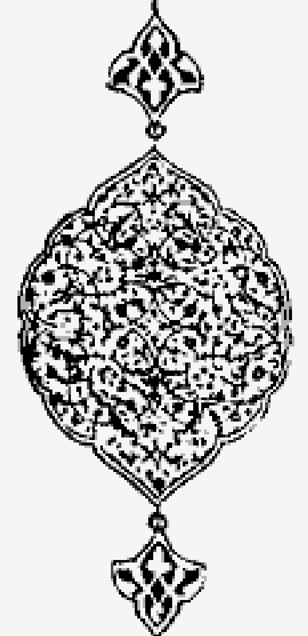
قالَ: فَقامَ الْمِقْدادُ بْنُ الْأَسْوَدِ فَقالَ: يا رَسُولَ اللّٰهِ وَما دارُ الْهُدْنَةِ؟

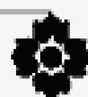
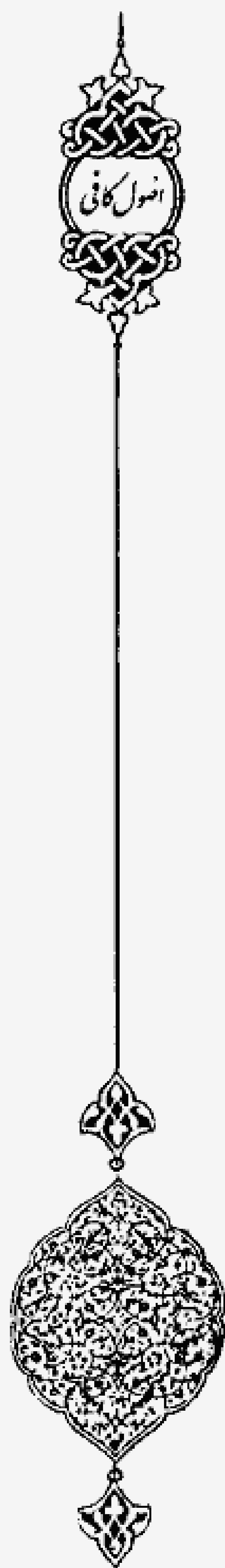
قالَ: دارُ بَلاغٍ وَانْقِطاعٍ، فَإِذَا الْتَبَسَتْ عَلَيْكُمُ الْفِتَنُ كَقِطَعِ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ فَعَلَيْكُمْ بِالْقُرْآنِ فَإِنَّهُ شافِعٌ مُشَفَّعٌ وَماحِلٌ مُصَدَّقٌ وَمَنْ جَعَلَهُ أَمامَهُ قادَهُ إِلَى الْجَنَّةِ وَمَنْ جَعَلَهُ خَلْفَهُ ساقَهُ إِلَى النّارِ.

وَهُوَ الدَّلِيلُ يَدُلُّ عَلىٰ خَيْرِ سَبِيلٍ وَهُوَ كِتابٌ فِيهِ تَفْصِيلٌ وَبَيانٌ وَتَحْصِيلٌ.

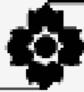
وَهُوَ الْفَصْلُ لَيْسَ بِالْهَزْلِ وَلَهُ ظَهْرٌ وَبَطْنٌ فَظاهِرُهُ حُكْمٌ وَباطِنُهُ عِلْمٌ، ظاهِرُهُ أَنِيقٌ وَباطِنُهُ عَمِيقٌ.

لَهُ نُجُومٌ وَعَلىٰ نُجُومِهِ نُجُومٌ لا تُحْصىٰ عَجائِبُهُ وَتُبْلىٰ غَرائِبُهُ فِيهِ مَصابِيحُ الْهُدىٰ وَمَنارُ الْحِكْمَةِ وَدَلِيلٌ عَلَى الْمَعْرِفَةِ لِمَنْ عَرَفَ الصِّفَةَ فَلْيَجْلُ جالٍ بَصَرَهُ وَلْيُبْلِغِ الصِّفَةَ نَظَرَهُ، يَنْجُ مِنْ عَطَبٍ



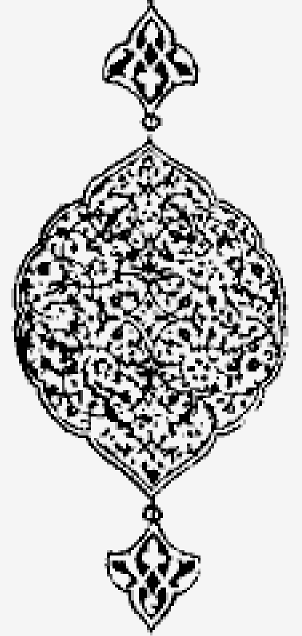
۲ ـ از امام صادق (ع) از پدرانش (ع) از رسول‌خدا (ص) فرمود که فرموده است: أیا مردم، شماها اکنون در خانهٔ صلح وسازش هستید وشما در سرِ راهید وبشتاب شما را می‌برند، شما می‌نگرید که شب وروز وشبَ وماه ومهر تازه‌ها را کهنه کنند وهر آینده دوری را نزدیک سازند وهر وعده‌ای را بسرآرند، شما هم آمادهٔ حرکت باشید که گذرگاه شما دور است. مقداد بن اسود از جا برخاست وگفت: یارسول‌الله خانهٔ صلح وسازش چیست؟ فرمود: خانه‌ای است که بدان رسند واز آن کوچند (یعنی موقّتی است وکوتاه‌مدت وسزاوار جدّ وکوشش وجنگ ونزاع بر سرِ آن نیست) هرگاه آشوبها چون شبِ تار شما را فراگرفت به‌قرآن بچسبید زیرا شفیعی است که شفاعتش پذیرفته است وگزارش بدی‌ها را می‌دهد وگفتهٔ او تصدیق می‌شود، هر که قرآن را رهبرِ خود سازد او را به‌بهشت کشاند وهر که آن را پشت سر خود نهد او را به‌دوزخ راند، همان قرآن رهنما است که به‌بهترین راهی رهنماید وآن کتابی است که در آن است تفصیل وبیان وتحصیل مقاصد، آن است جداکنندهٔ حق وباطل ورافع هرگونه اختلاف، شوخی وسرسری نیست، ظاهری دارد وباطنی دارد، ظاهرش حکم ودستور است وباطنش علم ودانش، ظاهرش خرّم وزیبا است وباطنش ژرف ونارسا، اختراتی دارد واخترانش هم اختراتی دارند (قسمت‌هائی دارد وهر قسمتش هم قسمت‌هائی دارد خ‌ل) شگفتی‌هایش شماره نشوند وتازه‌هایش کهنه نگردند، در آن است چراغ‌های هدایت وفروزانگاه حکمت ودلیل بر معرفت، برای کسی که راهِ آن را بداند باید هر پیگردی دیده‌های خود را به‌همه سوی آن بچرخاند ونظر تأمّل را تا درک صفت آن برساند، نجات بخشد هر که در معرض هلاک است ورها سازد




وَيَتَخَلَّصَ مِنْ نَشَبٍ فَإِنَّ التَّفَكُّرَ حَياةُ قَلْبِ الْبَصِيرِ، كَما يَمْشِي الْمُسْتَنِيرُ فِي الظُّلُماتِ بِالنُّورِ، فَعَلَيْكُمْ بِحُسْنِ التَّخَلُّصِ وَقِلَّةِ التَّرَبُّصِ.

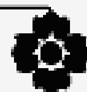
٣ ـ عَلِيٌّ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ عَبْدِاللّٰهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ، عَنْ سَماعَةَ بْنِ مِهْرانَ قالَ: قالَ أَبُو عَبْدِاللّٰهِ عَلَيهِ السَّلام: إِنَّ الْعَزِيزَ الْجَبّارَ أَنْزَلَ عَلَيْكُمْ كِتابَهُ وَهُوَ الصّادِقُ الْبارُّ، فِيهِ خَبَرُكُمْ وَخَبَرُ مَنْ قَبْلَكُمْ وَخَبَرُ مَنْ بَعْدَكُمْ وَخَبَرُ السَّماءِ وَالْأَرْضِ وَلَوْ أَتاكُمْ مَنْ يُخْبِرُكُمْ عَنْ ذٰلِكَ لَتَعَجَّبْتُمْ.

٤ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسىٰ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنانٍ، عَنْ أَبِي الْجارُودِ قالَ: قالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيهِ السَّلام: قالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيهِ وَآلِهِ وَسَلَّم: أَنَا أَوَّلُ وافِدٍ عَلَى الْعَزِيزِ الْجَبّارِ يَوْمَ الْقِيامَةِ وَكِتابُهُ وَأَهْلُ بَيْتِي ثُمَّ أُمَّتِي، ثُمَّ أَسْأَلُهُمْ ما فَعَلْتُمْ بِكِتابِ اللّٰهِ وَبِأَهْلِ بَيْتِي.



٥ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيىٰ، عَنْ طَلْحَةَ بْنِ زَيْدٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيهِ السَّلام قالَ: إِنَّ هٰذَا الْقُرْآنَ فِيهِ مَنارُ الْهُدىٰ وَمَصابِيحُ الدُّجىٰ فَلْيَجْلُ جالٍ بَصَرَهُ وَيَفْتَحُ لِلضِّياءِ نَظَرَهُ فَإِنَّ التَّفَكُّرَ حَياةُ قَلْبِ الْبَصِيرِ، كَما يَمْشِي الْمُسْتَنِيرُ فِي الظُّلُماتِ بِالنُّورِ.

٦ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسىٰ، عَنْ يُونُسَ، عَنْ





هر که دچار چنگال است، پس به‌راستی اندیشه است که زنده می کند دلِ بینا را چونانکه روشنی‌جو در تاریکی‌ها به‌وسیلهٔ نور راه می‌رود برَ شما باد که خوش برآئید و کم بپائید و کم انتظار برید.

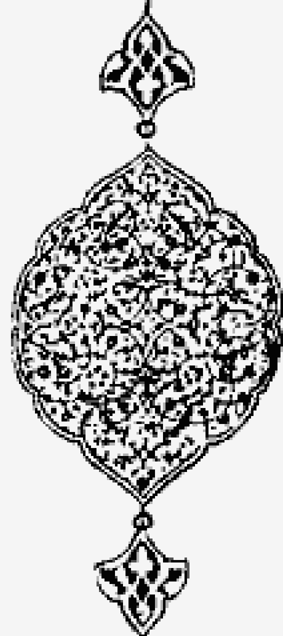
۳ ـ از امام صادق (ع)، فرمود: راستی که عزیز جبّار کتاب خود را بر شماها فرو فرستاده و او است که راست‌گو و نیک خواه است، در کتاب او است گزارش شما و گزارش هر که پیش از شما و گزارش هر که پس از شما است و گزارش آسمان و زمین و اگر بیاید نزد شما کسی که شما را از آن گزارش دهد، هر آینه به شگفت آئید.

۴ ـ امام باقر (ع) فرمود: رسول خدا (ص) فرموده است:

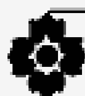
من نخست وارد بر عزیز جبارم در روز رستاخیز با کتاب او و خاندان من سپس امت من باشند، سپس من از امتم بپرسم شما با کتاب خدا چه کردید و به خاندانم چه کردید؟

۵ ـ از امام صادق (ع)، فرمود:

راستی این قرآن است که در آن است فروزشگاه هدایت و چراغهای شب تار و باید هر جوینده‌ای دیده در آن بچرخاند و برای پرتو آن نظر خود را بگشاید، زیرا اندیشهٔ زندگی دل بینا است چونانکه راه می‌رود پرتویاب در تاریکیها به وسیلهٔ نور.



۶ ـ در سفارش امیرالمؤمنین (ع) به یارانش این بود که:

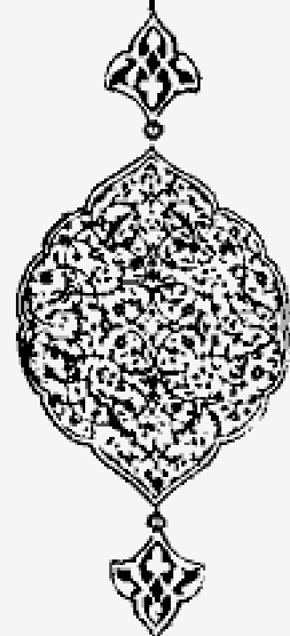




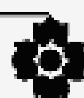
أَبي جَميلَةَ قالَ: قالَ أَبو عَبْدِاللّٰهِ عَلَيهِ السّلام: كانَ في وَصِيَّةِ أَميرِ الْمُؤْمِنينَ عَلَيهِ السّلام أَصْحابَهُ: اعْلَمُوا أَنَّ الْقُرْآنَ هُدَى النَّهارِ وَنُورُ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ عَلىٰ ما كانَ مِنْ جَهْدٍ وَفاقَةٍ.

٧ ـ عَلِيٌّ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ النَّوْفَلِيِّ، عَنِ السَّكُونِيِّ، عَنْ أَبي عَبْدِاللّٰهِ، عَنْ آبائِهِ عَلَيهِم السّلام قالَ: شَكا رَجُلٌ إِلىٰ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَجَعاً في صَدْرِهِ، فَقالَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: اسْتَشْفِ بِالْقُرْآنِ فَإِنَّ اللّٰهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ: ((وَشِفاءٌ لِما فِي الصُّدُورِ)).

٨ ـ أَبو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ، عَنْ بَعْضِ أَصْحابِهِ، عَنِ الْخَشّابِ، رَفَعَهُ قالَ: قالَ أَبو عَبْدِاللّٰهِ عَلَيهِ السّلام: لا وَاللّٰهِ لا يَرْجِعُ الْأَمْرُ وَالْخِلافَةُ إِلىٰ آلِ أَبي بَكْرٍ وَعُمَرَ أَبَداً وَلا إِلىٰ بَني أُمَيَّةَ أَبَداً وَلا في وُلْدِ طَلْحَةَ وَالزُّبَيْرِ أَبَداً وَذٰلِكَ أَنَّهُمْ نَبَذُوا الْقُرْآنَ وَأَبْطَلُوا السُّنَنَ وَعَطَّلُوا الْأَحْكامَ، وَقالَ: رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: الْقُرْآنُ هُدىً مِنَ الضَّلالَةِ وَتِبْيانٌ مِنَ الْعَمىٰ وَاسْتِقالَةٌ مِنَ الْعَثْرَةِ وَنُورٌ مِنَ الظُّلْمَةِ وَضِياءٌ مِنَ الْأَحْداثِ وَعِصْمَةٌ مِنَ الْهَلَكَةِ وَرُشْدٌ مِنَ الْغَوايَةِ وَبَيانٌ مِنَ الْفِتَنِ وَبَلاغٌ مِنَ الدُّنْيا إِلىٰ الْآخِرَةِ وَفيهِ كَمالُ دينِكُمْ وَما عَدَلَ أَحَدٌ عَنِ الْقُرْآنِ إِلّا إِلىٰ النّارِ.



٩ ـ حُمَيْدُ بْنُ زِيادٍ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ وُهَيْبِ بْنِ حَفْصٍ، عَنْ أَبي بَصيرٍ، قالَ: سَمِعْتُ أَبا عَبْدِاللّٰهِ عَلَيهِ السّلام يَقُولُ: إِنَّ الْقُرْآنَ زاجِرٌ وَآمِرٌ: يَأْمُرُ بِالْجَنَّةِ وَيَزْجُرُ عَنِ النّارِ.





بدانید قرآن رهبری روزان است و روشنی شب تار نسبت به هرآنچه از سختی و نداری باشد.

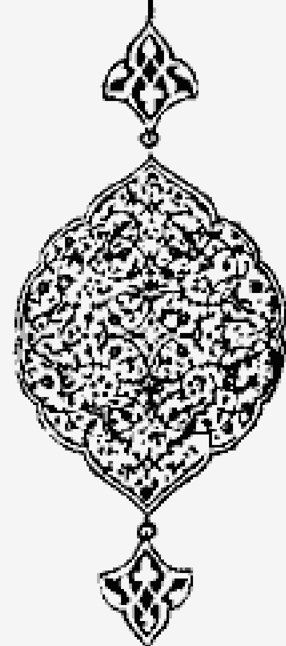
۷ ـ امام صادق (ع) فرمود: مردی به پیغمبر (ص) از درد سینه شکایت کرد، در پاسخش فرمود:

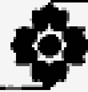
از قرآن شفا جو، زیرا خدا عزوجل می‌فرماید (۵۷ سوره یونس): «شفاء است برای آنچه در سینه‌هااست».

۸ ـ امام صادق (ع) فرمود: امامت و خلافت هرگز به آل ابی بکر و عمر بر نگردد و نه به زادگان بنی امیّه و نه فرزندان طلحه و زبیر این برای آن است که آنان قرآن را به دور انداختند و سنن را باطل کردند و احکام را تعطیل نمودند بااینکه رسول خدا(ص) فرمود: قرآن رهبری از ضلالت است وبیان هر نادانی است و وسیلهٔ بازگشت وگذشت از هر لغزش است وروشنی است در تاریکی وپرتوی است در هر پیشامد (بدعت) ونگهداری از هر هلاکت است ورهیابی از هر گمراهی است وبیان است در مورد هر فتنه واشتباه ووسیلهٔ رسیدن از دنیا به سعادت آخرت است ودر آن است کمال‌دین شماها وهیچکس از قرآن منحرف نشود جز به‌دوزخ سوزان. [۹۵]

۹ ـ از ابی بصیر، گوید: شنیدم امام باقر (ع) می‌فرمود:

راستی قرآن بازدارنده و فرمان دهنده است، فرمان به بهشت می‌دهد و از دوزخ باز می‌دارد.



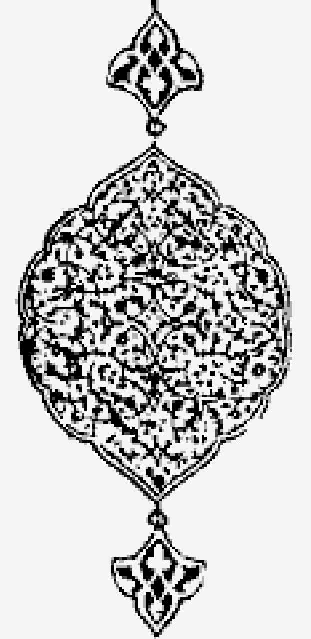




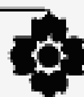
١٠ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ، عَنْ صالِحِ بْنِ السِّنْدِيِّ، عَنْ جَعْفَرِ بْنِ بَشِيرٍ، عَنْ سَعْدٍ الْإِسْكافِ قالَ: قالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: أُعْطِيتُ السُّوَرَ الطُّوَلَ مَكانَ التَّوْراةِ وَأُعْطِيتُ الْمِئِينَ مَكانَ الْإِنْجِيلِ وَأُعْطِيتُ الْمَثانِيَ مَكانَ الزَّبُورِ وَفُضِّلْتُ بِالْمُفَصَّلِ ثَمانٌ وَسِتُّونَ سُورَةً وَهُوَ مُهَيْمِنٌ عَلىٰ سائِرِ الْكُتُبِ وَالتَّوْراةُ لِمُوسىٰ وَالْإِنْجِيلُ لِعِيسىٰ وَالزَّبُورُ لِداوُدَ.

١١ ـ أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سالِمٍ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ النَّضْرِ، عَنْ عَمْرِو بْنِ شِمْرٍ، عَنْ جابِرٍ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلامُ قالَ: يَجِيءُ الْقُرْآنُ يَوْمَ الْقِيامَةِ فِي أَحْسَنِ مَنْظُورٍ إِلَيْهِ صُورَةً فَيَمُرُّ بِالْمُسْلِمِينَ فَيَقُولُونَ: هٰذَا الرَّجُلُ مِنّا، فَيُجاوِزُهُمْ إِلَى النَّبِيِّينَ فَيَقُولُونَ: هُوَ مِنّا، فَيُجاوِزُهُمْ إِلَى الْمَلائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ فَيَقُولُونَ: هُوَ مِنّا، حَتّىٰ يَنْتَهِيَ إِلىٰ رَبِّ الْعِزَّةِ عَزَّ وَجَلَّ فَيَقُولُ: يا رَبِّ فُلانُ بْنُ فُلانٍ أَظْمَأْتُ هَواجِرَهُ وَأَسْهَرْتُ لَيْلَهُ فِي دارِ الدُّنْيا وَفُلانُ بْنُ فُلانٍ لَمْ أُظْمِئْ هَواجِرَهُ وَلَمْ أُسْهِرْ لَيْلَهُ.

فَيَقُولُ تَبارَكَ وَتَعالىٰ: أَدْخِلْهُمُ الْجَنَّةَ عَلىٰ مَنازِلِهِمْ فَيَقُومُ فَيَتَّبِعُونَهُ، فَيَقُولُ لِلْمُؤْمِنِ: اقْرَأْ وَارْقَهْ قالَ: فَيَقْرَأُ وَيَرْقىٰ حَتّىٰ يَبْلُغَ كُلُّ رَجُلٍ مِنْهُمْ مَنْزِلَتَهُ الَّتِي هِيَ لَهُ فَيَنْزِلُها.



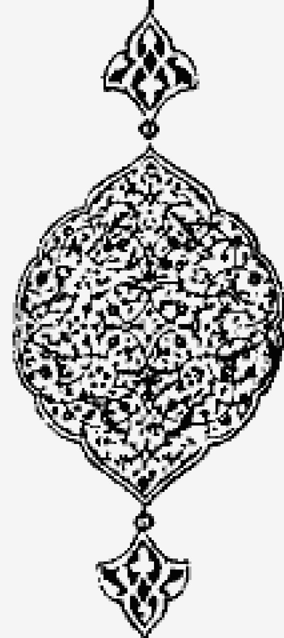
١٢ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، وَعِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ



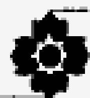

۱۰ ـ رسول خدا(ص) فرمود:

به من سوره‌های دراز داده شده به جای تورات، و سوره‌های صد آیه‌ای داده شده به جای انجیل، و سوره‌های همانند داده شده به جای زبور، و سوره‌های مفصل (یعنی آیه کوتاه) که شصت و هشت سوره است بیشتر به من عطا شده و این قرآن غالب و شاهد است بر کتب دیگر، و تورات از آنِ موسی(ع) است و انجیل از آنِ عیسی(ع) و زبور از آنِ داود(ع). [۹۶]

۱۱ ـ از جابر که امام باقر(ع) فرمود: قرآن روز قیامت در بهترین صورتی می‌آید و به مسلمانان گذر می‌کند و می‌گویند: این مرد از ما است و از آنها بگذرد و نزد پیغمبران آید و آنها هم می‌گویند: او از ما است، و از آنها نزد فرشته‌های مقرّب می‌گذرد و آنها هم می‌گویند: او از ما است، تا به درگاه ربّ العزة عزوجل می‌رسد و می‌گوید: پروردگارا! فلان پسر فلان است که من در دنیا روزهای گرمش را به تشنگی کشاندم و شبهای او را بی‌خواب کردم و فلان پسر فلان است که نه روز او را به تشنگی کشاندم و نه شبش را بی‌خواب کردم، پس خدا تبارک و تعالی می‌فرماید: آنها را به بهشت بر و هرکدام را در مقام خود جای بده و قرآن برخیزد و قرآنیان دنبال او بروند و او می‌گوید به هر مؤمنی: قرآن بخوان و بالا برو، فرمود: هر کدام قرآن می‌خوانند و بالا می‌روند تا هر مردی به درجهٔ خود می‌رسد که برای او مقرر شده است و در آن منزل می‌گیرد.



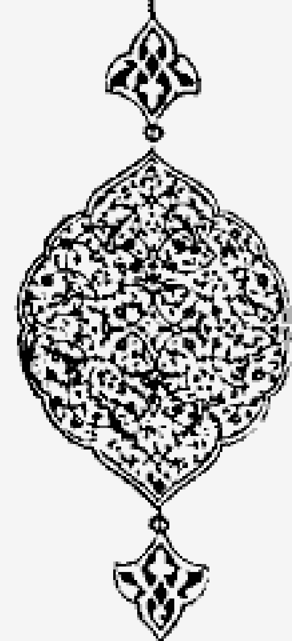
۱۲ ـ از یونس بن عمار که امام صادق (ع) فرمود: روز



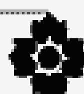


أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ سَهْلِ بْنِ زِيادٍ، جَمِيعاً، عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ، عَنْ مالِكِ بْنِ عَطِيَّةَ، عَنْ يُونُسَ بْنِ عَمّارٍ قالَ: قالَ أَبُو عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلامُ إِنَّ الدَّواوِينَ يَوْمَ الْقِيامَةِ ثَلاثَةٌ: دِيوانٌ فِيهِ النِّعَمُ وَدِيوانٌ فِيهِ الْحَسَناتُ، وَدِيوانٌ فِيهِ السَّيِّئاتُ فَيُقابَلُ بَيْنَ دِيوانِ النِّعَمِ وَدِيوانِ الْحَسَناتِ فَتَسْتَغْرِقُ النِّعَمُ عامَّةَ الْحَسَناتِ وَيَبْقىٰ دِيوانُ السَّيِّئاتِ فَيُدعىٰ بِابْنِ آدَمَ الْمُؤْمِنِ لِلْحِسابِ فَيَتَقَدَّمُ الْقُرْآنُ أَمامَهُ فِي أَحْسَنِ صُورَةٍ فَيَقُولُ: يا رَبِّ أَنَا الْقُرْآنُ وَهذا عَبْدُكَ الْمُؤْمِنُ قَدْ كانَ يُتْعِبُ نَفْسَهُ بِتِلاوَتِي وَيُطِيلُ لَيْلَهُ بِتَرْتِيلِي وَتَفِيضُ عَيْناهُ إِذا تَهَجَّدَ فَأَرْضِهِ كَما أَرْضانِي قالَ: فَيَقُولُ الْعَزِيزُ الْجَبّارُ: عَبْدِي ابْسُطْ يَمِينَكَ فَيَمْلَأُها مِنْ رِضْوانِ اللّٰهِ الْعَزِيزِ الْجَبّارِ وَيَمْلَأُ شِمالَهُ مِنْ رَحْمَةِ اللّٰهِ، ثُمَّ يُقالُ: هذِهِ الْجَنَّةُ مُباحَةٌ لَكَ فَاقْرَأْ وَاصْعَدْ فَإِذا قَرَأَ آيَةً صَعِدَ دَرَجَةً.

۱۳ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، وَعَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْقاسانِيِّ، جَمِيعاً، عَنِ الْقاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ سُلَيْمانَ بْنِ داوُدَ، عَنْ سُفْيانَ بْنِ عُيَيْنَةَ، عَنِ الزُّهْرِيِّ قالَ: قالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلامُ: لَوْ ماتَ مَنْ بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ لَما اسْتَوْحَشْتُ بَعْدَ أَنْ يَكُونَ الْقُرْآنُ مَعِي. وَكانَ عَلَيْهِ السَّلامُ إِذا قَرَأَ ((مالِكِ يَوْمِ الدِّينِ)) يُكَرِّرُها حَتّىٰ كادَ أَنْ يَمُوتَ.



۱۴ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ، عَنْ إِبْراهِيمَ بْنِ عَبْدِالْحَمِيدِ، عَنْ إِسْحاقَ ابْنِ غالِبٍ قالَ: قالَ أَبُو عَبْدِاللّٰهِ

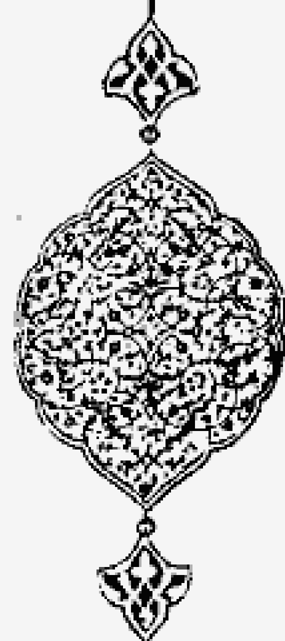




قیامت سه دفتر باشد: دفتری که در آن نعمتها ثبت است و دفتری که در آن حسنات ثبت است و دفتری که در آن سیئات ثبت است، و دفتر نعمتها را با دفتر حسنات برابر کنند و نعمتها همه حسنات را فرا گیرند و غرفه کنند و دفتر سیئات به جا ماند و آدمی زاده مؤمن را پای حساب بخوانند و قرآن در زیباترین صورتی جلو او پیش آید و گوید: پروردگارا! من قرآنم و این بندهٔ مؤمن تو است که خود را به رنج می‌انداخت برای خواندن من و شبش را در تمرین من، طولانی می‌کرد، و چون به نماز شب مشغول می‌شد اشک از چشمش روان می‌گردد، او را خشنود ساز چنانچه مرا خشنود ساخت، فرمود: پس خدای عزیز و جبّار می‌فرماید: ای بندهٔ من! دست راستت را باز کن و خدا دست راستش را از رضوان عزیز جبّار پر می‌کند و دست چپش را از رحمت خدا، سپس به او گفته می‌شود: این بهشت برایت مباح است، بخوان و بالا رو و چون آیه‌ای بخواند درجه‌ای بالا رود.

۱۳ ـ از زهری که علی بن الحسین (ع) می‌فرمود:

اگر همهٔ مردم میان مشرق تا به مغرب بمیرند، من هراسی ندارم پس از اینکه قرآن با من است، و شیوه‌اش بود که هرگاه مالک یوم الدین را می‌خواند، آن را تکرار می‌کرد تا نزدیک بود بمیرد.



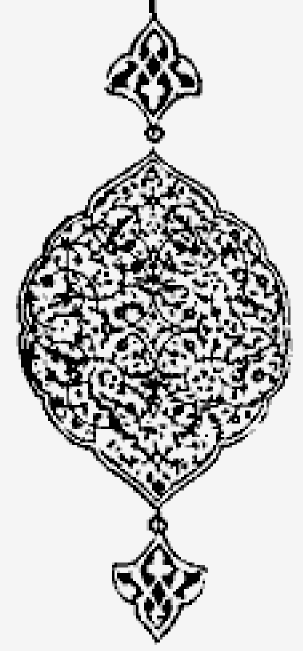
۱۴ ـ از اسحاق بن غالب که امام صادق (ع) فرمود: هرگاه خدا عزوجل خلق اولین و آخرین را در محشر جمع کند به ناگاه



عَلَيهِ السَّلام: إذا جَمَعَ اللّٰهُ عَزَّ وَجَلَّ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرينَ إذا هُمْ بِشَخْصٍ قَدْ أَقْبَلَ لَمْ يُرَ قَطُّ أَحْسَنُ صُورَةً مِنْهُ فَإِذا نَظَرَ إِلَيْهِ الْمُؤْمِنُونَ وَهُوَ الْقُرْآنُ قالُوا: هذا مِنّا، هذا أَحْسَنُ شَيْءٍ رَأَيْنا فَإِذا انْتَهىٰ إِلَيْهِمْ جازَهُمْ، ثُمَّ يَنْظُرُ إِلَيْهِ الشُّهَداءُ حَتّىٰ إذا انْتَهىٰ إِلىٰ آخِرِهِمْ جازَهُمْ فَيَقُولُونَ: هذا الْقُرْآنُ، فَيَجُوزُهُمْ كُلَّهُمْ حَتّىٰ إِذَا انْتَهىٰ إِلَى الْمُرْسَلِينَ فَيَقُولُونَ: هٰذَا الْقُرْآنُ فَيَجُوزُهُمْ حَتّىٰ يَنْتَهِيَ إِلَى الْمَلائِكَةِ فَيَقُولُونَ: هٰذَا الْقُرْآنُ فَيَجُوزُهُمْ [ثُمَّ يَنْتَهِيَ] حَتّىٰ يَقِفَ عَنْ يَمِينِ الْعَرْشِ فَيَقُولُ الْجَبّارُ: وَعِزَّتِي وَجَلالِي وَارْتِفاعِ مَكانِي لَأُكْرِمَنَّ الْيَوْمَ مَنْ أَكْرَمَكَ وَلَأُهِينَنَّ مَنْ أَهانَكَ.

بابُ فَضْلِ حامِلِ الْقُرْآنِ

١ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ أَبِي الْحُسَيْنِ الْفارِسِيِّ، عَنْ سُلَيْمانَ بْنِ جَعْفَرٍ الْجَعْفَرِيِّ، عَنِ السَّكُونِيِّ، عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيهِ السَّلام قالَ: قالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّم: إِنَّ أَهْلَ الْقُرْآنِ فِي أَعْلىٰ دَرَجَةٍ مِنَ الْآدَمِيِّينَ ما خَلَا النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ فَلا تَسْتَضْعِفُوا أَهْلَ الْقُرْآنِ حُقُوقَهُمْ فَإِنَّ لَهُمْ مِنَ اللّٰهِ الْعَزِيزِ الْجَبّارِ لَمَكاناً عَلِيّاً.



همه بنگرند شخصی پیش آید که هرگز صورتی زیباتر از وی دیده نشده است و چون چشم مؤمنان به وی افتد که همان قرآن است گویند: این از ما است، این بهترین چیزی است که ما دیدیم و چون به آنها رسد و از آنها هم بگذرد و آنها گویند: این قرآن است و از آنان هم می‌گذرد تا به فرشته‌ها می‌رسد و می‌گویند: این قرآن است و از آنها می‌گذرد تا به سمت راست عرش می‌ایستد و خدای جبّار می‌فرماید: به عزّت و جلالم و به بلندی مقامم سوگند، هر آینه امروز گرامی دارم هرکه تو را گرامی داشته و هر آینه امروز خوار کنم هرکه تو را خوار کرده است.

باب در فضیلت کسی که قرآن را به کار بسته است

۱ ـ از امام صادق (ع) که رسول خدا (ص) فرموده است:
راستی اهل قرآن در بالاترین درجهٔ آدمیانند جز پیغمبران و رسولان، حقوق اهل قرآن را کم مشمارید زیرا از طرف خدای عزیز جبّار مقام بلندی دارند.

۲ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَسَهْلِ بْنِ زِيادٍ، جَمِيعاً، عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ، عَنْ جَمِيلِ بْنِ صالِحٍ، عَنِ الْفُضَيْلِ بْنِ يَسارٍ، عَنْ أَبي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: الْحافِظُ لِلْقُرْآنِ الْعامِلُ بِهِ مَعَ السَّفَرَةِ الْكِرامِ الْبَرَرَةِ.

۳ ـ وَبِإِسْنادِهِ، عَنْ أَبي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: قالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّم: تَعَلَّمُوا الْقُرْآنَ فَإِنَّهُ يَأْتِي يَوْمَ الْقِيامَةِ صاحِبَهُ فِي صُورَةِ شابٍّ جَمِيلٍ شاحِبِ اللَّوْنِ فَيَقُولُ لَهُ الْقُرْآنُ: أَنَا الَّذِي كُنْتُ أَسْهَرْتُ لَيْلَكَ وَأَظْمَأْتُ هَواجِرَكَ وَأَجْفَفْتُ رِيقَكَ وَأَسَلْتُ دَمْعَتَكَ أَؤُولُ مَعَكَ حَيْثُما أُلْتُ وَكُلُّ تاجِرٍ مِنْ وَراءِ تِجارَتِهِ وَأَنَا الْيَوْمَ لَكَ مِنْ وَراءِ تِجارَةِ كُلِّ تاجِرٍ وَسَيَأْتِيكَ كَرامَةٌ [مِنَ] اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ فَأَبْشِرْ، فَيُؤْتىٰ بِتاجٍ فَيُوضَعُ عَلىٰ رَأْسِهِ وَيُعْطَى الْأَمانُ بِيَمِينِهِ وَالْخُلْدُ فِي الْجِنانِ بِيَسارِهِ وَيُكْسىٰ حُلَّتَيْنِ ثُمَّ يُقالُ لَهُ: اقْرَءْ وَارْقَهْ فَكُلَّما قَرَأَ آيَةً صَعِدَ دَرَجَةً وَيُكْسىٰ أَبَواهُ حُلَّتَيْنِ إِنْ كانا مُؤْمِنَيْنِ ثُمَّ يُقالُ لَهُما: هٰذا لِما عَلَّمْتُماهُ الْقُرْآنَ.

۴ ـ ابْنُ مَحْبُوبٍ، عَنْ مالِكِ بْنِ عَطِيَّةَ، عَنْ مِنْهالٍ الْقَصّابِ، عَنْ أَبي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ وَهُوَ شابٌّ مُؤْمِنٌ اخْتَلَطَ الْقُرْآنُ بِلَحْمِهِ وَدَمِهِ وَجَعَلَهُ اللّٰهُ عَزَّ وَجَلَّ مَعَ السَّفَرَةِ الْكِرامِ الْبَرَرَةِ وَكانَ الْقُرْآنُ حَجِيزاً عَنْهُ يَوْمَ الْقِيامَةِ، يَقُولُ: يا رَبِّ إِنَّ كُلَّ عامِلٍ قَدْ أَصابَ أَجْرَ عَمَلِهِ غَيْرَ عامِلي فَبَلِّغْ بِهِ أَكْرَمَ عَطاياكَ، قالَ:

۲ ـ امام صادق (ع) فرمود:
حافظ قرآن که بدان عمل کند، همراه فرشته‌های پیغامبر گرامی و خوش‌رفتار است.

۳ ـ رسول خدا(ص) فرمود: قرآن را بیاموزید زیرا روز قیامت نزد خوانندهٔ خود آید صورت جوانی زیبا رنگ پریده و قرآن به او می‌گوید: منم که شب تو را بی‌خواب کردم و روزهای گرم‌تر به تشنگی کشیدم و آب دهانت را خشک کردم و اشکت را روان ساختم، هر جا بر وی با تو می‌آیم و هر تاجری در پس تجارت خود به انتظار سود است و امروزه من به سود تو در پس تجارت هر تاجری هستم و به زودی کرامت خدا عزوجل به تو می‌رسد، مژده بگیر و تاجی برایش آورند و بر سرش نهند و برگ امان به دستش دهند و بهشت جاوید او را مکان باشد و دو جامهٔ بهشتی به او پوشند، سپس به او گفته شود: بخوان و بالا برو و هر آنچه آیه‌ای خواند، درجه‌ای بر آید و به پدر و مادر او هم اگر مؤمن باشند دو جامه پوشند و به آنها گویند: این مزد این است که قرآن به او آموختید.

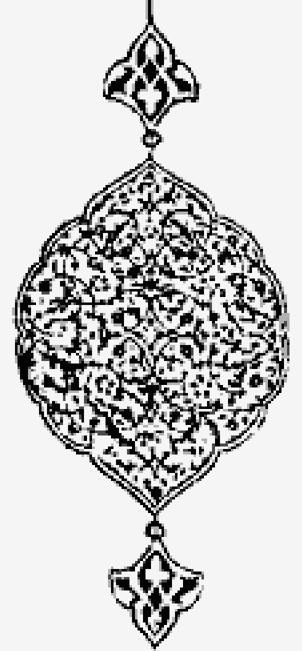
٤ ـ از امام صادق (ع) فرمود: هر که در جوانی باایمان، قرآن بخواند، قرآن باگوشت و خونش بیامیزد و خدا عزوجل او را با سَفَرهٔ کرام برره همراه کند و قرآن روز قیامت مانع او باشد از دوزخ. می‌گوید: پروردگارا! هر کارگری مزد خود را گرفته جز کارگر من، تو کاملترین عطاهایت را به او بده، فرمود: خدای جبّار دو جامه از جامه‌های بهشتی به او بپوشاند و تاج کرامت بر سرش گذارد،



فَيَكْسُوهُ اللّٰهُ الْعَزِيزُ الْجَبّارُ حُلَّتَيْنِ مِنْ حُلَلِ الْجَنَّةِ وَيُوضَعُ عَلىٰ رَأْسِهِ تاجُ الْكَرامَةِ ثُمَّ يُقالُ لَهُ: هَلْ أَرْضَيْناكَ فِيهِ؟ فَيَقُولُ الْقُرْآنُ: يا رَبِّ قَدْ كُنْتُ أَرْغَبُ لَهُ فِيما هُوَ أَفْضَلُ مِنْ هذا فَيُعْطَى الْأَمْنَ بِيَمِينِهِ وَالْخُلْدَ بِيَسارِهِ ثُمَّ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ فَيُقالُ لَهُ: اقْرَأْ وَاصْعَدْ دَرَجَةً؛ ثُمَّ يُقالُ لَهُ: هَلْ بَلَغْنا بِهِ وَأَرْضَيْناكَ فَيَقُولُ: نَعَمْ. قالَ: وَمَنْ قَرَأَهُ كَثِيراً وَتَعاهَدَهُ بِمَشَقَّةٍ مِنْ شِدَّةِ حِفْظِهِ أَعْطاهُ اللّٰهُ عَزَّ وَجَلَّ أَجْرَ هذا مَرَّتَيْنِ.

٥ ـ أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ عَبْدِاللّٰهِ، وَحُمَيْدُ بْنُ زِيادٍ، عَنِ الْخَشّابِ، جَمِيعاً، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ يُوسُفَ، عَنْ مُعاذِ بْنِ ثابِتٍ، عَنْ عَمْرِو بْنِ جُمَيْعٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: قالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّم: إِنَّ أَحَقَّ النّاسِ بِالتَّخَشُّعِ فِي السِّرِّ وَالْعَلانِيَةِ لَحامِلُ الْقُرْآنِ وَإِنَّ أَحَقَّ النّاسِ فِي السِّرِّ وَالْعَلانِيَةِ بِالصَّلاةِ وَالصَّوْمِ لَحامِلُ الْقُرْآنِ، ثُمَّ نادىٰ بِأَعْلىٰ صَوْتِهِ:

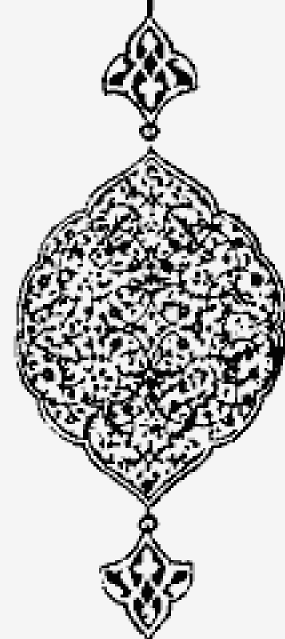
يا حامِلَ الْقُرْآنِ تَواضَعْ بِهِ يَرْفَعْكَ اللّٰهُ وَلا تَعَزَّزْ بِهِ فَيُذِلَّكَ اللّٰهُ، يا حامِلَ الْقُرْآنِ تَزَيَّنْ بِهِ لِلّٰهِ يُزَيِّنْكَ اللّٰهُ [بِهِ] وَلا تَزَيَّنْ بِهِ لِلنّاسِ فَيَشِينَكَ اللّٰهُ بِهِ، مَنْ خَتَمَ الْقُرْآنَ فَكَأَنَّما أُدْرِجَتِ النُّبُوَّةُ بَيْنَ جَنْبَيْهِ وَلٰكِنَّهُ لا يُوحىٰ إِلَيْهِ وَمَنْ جَمَعَ الْقُرْآنَ فَنَوْلُهُ: لا يَجْهَلُ مَعَ مَنْ يَجْهَلُ عَلَيْهِ وَلا يَغْضَبُ فِيمَنْ يَغْضَبُ عَلَيْهِ وَلا يَحِدُّ فِيمَنْ يَحِدُّ وَلٰكِنَّهُ يَعْفُو وَيَصْفَحُ وَيَغْفِرُ وَيَحْلُمُ لِتَعْظِيمِ الْقُرْآنِ وَمَنْ أُوتِيَ الْقُرْآنَ فَظَنَّ أَنَّ





سپس به او گفته شود: آیا ما تو را در بارهٔ او خشنود کردیم؟ قرآن گوید: پروردگارا! من در بارهٔ او میل به مزد بیشتری داشتم پس برگ امان به دست راستش دهند و بهشت را در دست چپش، سپس وارد بهشت گردد و به او گفته شود: قرآن بخوان و یک درجه بالا برو، سپس به قرآن گویند: آیا او را به حقّش رساندیم و تو را خشنود کردیم، گوید: آری و هرکه قرآن بخواند و آن را برای اهتمام در حقّش با رنج و مشقّت بازرسی کند، خدای عزوجل به او دو بار مزد دهد.

۵ ـ رسول خدا(ص) فرمود: سزاوارتر مردم به ترس از خدا در نهان و عیان دارای علم به قرآن آن است و راستی که سزاوارتر مردم در نهان و عیان به نماز خواندن و روزه گرفتن عالم به قرآن است، سپس به بلندترین آوازش فریاد زد: ای عالم به قرآن! به وسیلهٔ آن تواضع پیشه کن تا خدایت بالا برد و آن را وسیلهٔ عزّت‌طلبی و تکبّر مساز تا خدا خوارت کند، ای دانای قرآن! خود را با آن برای خدا بیارای تا خدا تو را بیاراید و خود را بدان برای مردم میارای تا خدا بدو تورا زشت نماید، هرکه تمام قرآن را حفظ کند گویا: نبوّت را در دل خود جای داده است ولی با وحی نمی‌رسد و هرکه قرآن را فراهم کند و آن را درک کند در برابر کسی که با او نادانی کند بردبار باشد و در برابر هرکه به او خشم کند شکیبا باشد و خشم نکند و در برابر هرکه به او تندی کند تند نشود ولی بگذرد و چشم پوشد و بیامرزد و بردبار باشد به خاطر تعظیم قرآن و هرکه به او تندی کند تند نشود ولی بگذرد و چشم پوشد و بیامرزد و بردبار باشد به خاطر تعظیم قرآن و هرکه قرآن بدو داده شده است و گمان برد به کسی بهتر او داده شده هر آینه



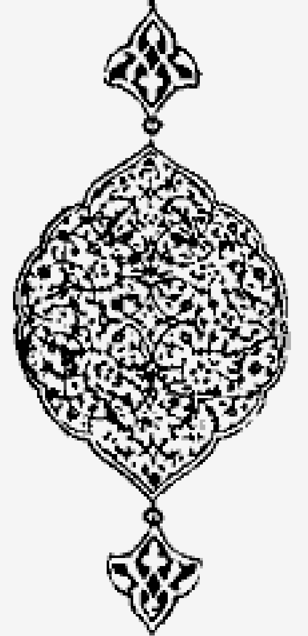


أَحَداً مِنَ النّاسِ أُوتِيَ أَفْضَلَ مِمّا أُوتِيَ فَقَدْ عَظَّمَ ما حَقَّرَ اللّٰهُ وَحَقَّرَ ما عَظَّمَ اللّٰهُ.

٦ ـ أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ عَبْدِاللّٰهِ، عَنْ عُبَيْسِ بْنِ هِشامٍ قالَ: حَدَّثَنا صالِحٌ الْقَمّاطُ، عَنْ أَبانِ بْنِ تَغْلِبَ، عَنْ أَبي عَبْدِاللّٰهِ عليه السلام قالَ: النّاسُ أَرْبَعَةٌ، فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِداكَ وَما هُمْ؟ فَقالَ: رَجُلٌ أُوتِيَ الْإِيمانَ وَلَمْ يُؤْتَ الْقُرْآنَ وَرَجُلٌ أُوتِيَ الْقُرْآنَ وَلَمْ يُؤْتَ الْإِيمانَ وَرَجُلٌ أُوتِيَ الْقُرْآنَ وَأُوتِيَ الْإِيمانَ وَرَجُلٌ لَمْ يُؤْتَ الْقُرْآنَ وَلَا الْإِيمانَ.

قالَ: قُلْتُ: جُعِلْتُ فِداكَ فَسِّرْ لِي حالَهُمْ، فَقالَ: أَمَّا الَّذِي أُوتِيَ الْإِيمانَ وَلَمْ يُؤْتَ الْقُرْآنَ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ التَّمْرَةِ طَعْمُها حُلْوٌ وَلا رِيحَ لَها، وأَمَّا الَّذِي أُوتِيَ الْقُرْآنَ وَلَمْ يُؤْتَ الْإِيمانَ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ الْآسِ رِيحُها طَيِّبٌ وَطَعْمُها مُرٌّ، وَأَمّا مَنْ أُوتِيَ الْقُرْآنَ وَالْإِيمانَ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ الْأُتْرُجَّةِ رِيحُها طَيِّبٌ وَطَعْمُها طَيِّبٌ، وَأَمَّا الَّذِي لَمْ يُؤْتَ الْإِيمانَ وَلا الْقُرْآنَ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ الْحَنْظَلَةِ طَعْمُها مُرٌّ وَلا رِيحَ لَها.

٧ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، وَعَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ الْقاسانِيُّ، جَمِيعاً، عَنِ الْقاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ سُلَيْمانَ بْنِ داوُدَ، عَنْ سُفْيانَ بْنِ عُيَيْنَةَ، عَنِ الزُّهْرِيِّ قالَ: قُلْتُ لِعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عليهما السلام: أَيُّ الْأَعْمالِ أَفْضَلُ؟ قالَ: الْحالُّ الْمُرْتَحِلُ، قُلْتُ: وَمَا الْحالُّ



آنچه را خدا کوچک شمرده بزرگ دانسته و آنچه را خدا بزرگ دانسته کوچک شمرده است.

۶ - از ابان تغلب، از امام صادق (ع) که فرمود: مردم چهار دسته‌اند، گفتم: قربانت، چه هستند؟ فرمود:

۱ - مردی که ایمانش داده و قرآنش ندادند. ۲ - مردی که قرآنش داده و ایمانش ندادند.

۳ - مردی که قرآنش داده‌وایمانش هم دادند. ٤ - مردی که نه‌قرآن‌به‌او داده‌شده‌و نه‌ایمان.

گوید: گفتم: قربانت، حال آنها را برایم شرح کن، فرمود: آنکه ایمان داده شده و قرآن نمی‌داند، چون میوه (خرماخ) ای است که شیرین است و بو ندارد و اما آنکه قرآن می‌داند و ایمان ندارد چون مورد است که خوش‌بو است و تلخ مزّه است و اما آنکه هم قرآن به او داده شده و هم ایمان چون ترنج است که خوش‌بو و خوش‌مزّه است و اما آنکه نه ایمان به او داده شده و نه قرآن، چون حنظل است (هندوانهٔ ابو جهل) تلخ است و بو ندارد. [۹۷]

۷ - زهری گوید: به علی بن الحسین (ع) گفتم: کدام عمل بهتر است؟ فرمود: عمل حال مرتحل (در آید و کوچ کند) گفتم: حال مرتحل چیست؟ فرمود: خواندن قرآن را آغاز کند و به انجام رساند و هر زمانی که از اول قرآن شروع کرد تا آخر برساند گوید:

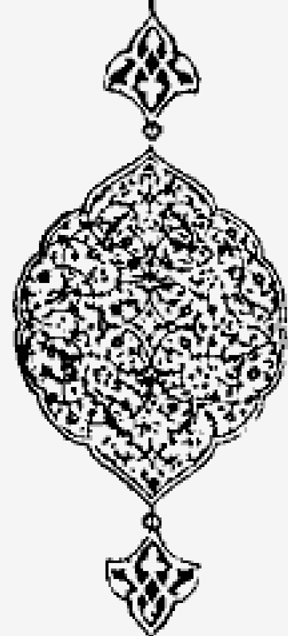


الْمُرْتَحِلُ؟ قالَ: فَتْحُ الْقُرْآنِ وَخَتْمُهُ، كُلَّما جاءَ بِأَوَّلِهِ ارْتَحَلَ فِي آخِرِهِ وَقالَ: قالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّم: مَنْ أَعْطاهُ اللَّهُ الْقُرْآنَ فَرَأىٰ أَنَّ رَجُلاً أُعْطِيَ أَفْضَلَ مِمّا أُعْطِيَ فَقَدْ صَغَّرَ عَظِيماً وَعَظَّمَ صَغِيراً.

٨ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسىٰ، عَنْ سُلَيْمانَ بْنِ رَشِيدٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ مُعاوِيَةَ بْنِ عَمّارٍ قالَ: قالَ لِي أَبُو عَبْدِاللَّهِ عَلَيْهِ السَّلام: مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ فَهُوَ غَنِيٌّ وَلا فَقْرَ بَعْدَهُ وَإِلّا ما بِهِ غِنىً.

٩ ـ أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِالْجَبّارِ، عَنِ ابْنِ نَجْرانَ، عَنْ أَبِي جَمِيلَةَ، عَنْ جابِرٍ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: قالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّم: يا مَعاشِرَ قُرّاءِ الْقُرْآنِ اتَّقُوا اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فِيما حَمَّلَكُمْ مِنْ كِتابِهِ فَإِنِّي مَسْؤُولٌ وَإِنَّكُمْ مَسْؤُولُونَ إِنِّي مَسْؤُولٌ عَنْ تَبْلِيغِ الرِّسالَةِ وَأَمّا أَنْتُمْ فَتُسْأَلُونَ عَمّا حُمِّلْتُمْ مِنْ كِتابِ اللَّهِ وَسُنَّتِي.

١٠ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ الْقاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ سُلَيْمانَ بْنِ داوُدَ الْمِنْقَرِيِّ، عَنْ حَفْصٍ قالَ: سَمِعْتُ مُوسىٰ بْنِ جَعْفَرٍ عَلَيْهِما السَّلام يَقُولُ لِرَجُلٍ: أَتُحِبُّ الْبَقاءَ فِي الدُّنْيا؟ فَقالَ: نَعَمْ؟ فَقالَ: وَلِمَ؟ قالَ: لِقِراءَةِ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ، فَسَكَتَ عَنْهُ، فَقالَ لَهُ بَعْدَ ساعَةٍ:



فرمود(ع) که: رسول خدا(ص) فرموده است: به هر کس خدا قرآن داد و پندارد که خدا به دیگری بهتر از او عطائی داده است، هر آینه بزرگی را کوچک شمرده و کوچکی را بزرگ شمرده است.

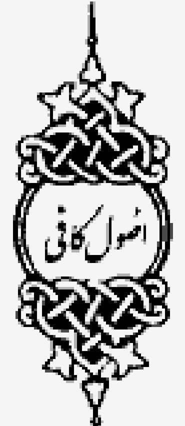
۸ ـ از امام صادق (ع) که فرمود:

هر که قرآن را بخواند، بی‌نیاز شود و پس از آن نیازی ندارد و گرنه به هیچ بی‌نیازی دست نیابد.

۹ ـ از امام باقر(ع) که فرمود:

ای گروه قرآن خوانان! از خدا عزوجل بپرهیزید در آنچه از کتاب خود به شما داده است، زیرا من مسئولم و شما هم مسئولید، من مسئولم از تبلیغ و رسالت و شما هم مسئولید از آنچه که از کتاب خدا و سنّت من دریافتید.

۱۰ ـ از حفص گوید: از امام کاظم(ع) شنیدم به مردی می‌فرمود: تو دوست داری در دنیا بمانی؟ در پاسخ گفت: آری، فرمود: برای چه؟ جواب گفت: برای خواندن قل هو اللّٰه احد، و امام(ع) چیزی نگفت: و پس از ساعتی فرمود: ای حفص! هر که از دوستان و شیعیان ما بمیرد و قرآن را خوب نداند، در گورش به او



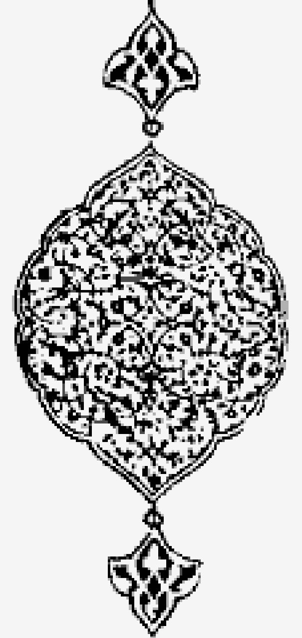
يا حَفْصُ! مَنْ ماتَ مِنْ أَوْلِيائِنا وَشِيعَتِنا وَلَمْ يُحْسِنِ الْقُرْآنَ عُلِّمَ فِي قَبْرِهِ لِيَرْفَعَ اللّٰهُ بِهِ مِنْ دَرَجَتِهِ فَإِنَّ دَرَجاتِ الْجَنَّةِ عَلىٰ قَدْرِ آياتِ الْقُرْآنِ يُقالُ لَهُ: اقْرَأْ وَارْقَ، فَيَقْرَأُ ثُمَّ يَرْقىٰ. قالَ حَفْصٌ: فَما رَأَيْتُ أَحَداً أَشَدَّ خَوْفاً عَلىٰ نَفْسِهِ مِنْ مُوسَىٰ بْنِ جَعْفَرٍ عليهما السّلام وَلا أَرْجا النّاسِ مِنْهُ كانَتْ قِراءَتُهُ حُزْناً، فَإِذا قَرَأَ فَكَأَنَّهُ يُخاطِبُ إِنْساناً.

١١ ـ عَلِيٌّ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ النَّوْفَلِيِّ، عَنِ السَّكُونِيِّ، عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عليه السّلام قالَ: قالَ رَسُولُ اللّٰهِ صلّى الله عليه وآله وسلّم: حَمَلَةُ الْقُرْآنِ عُرَفاءُ أَهْلِ الْجَنَّةِ، وَالْمُجْتَهِدُونَ قُوّادُ أَهْلِ الْجَنَّةِ، وَالرُّسُلُ سادَةُ أَهْلِ الْجَنَّةِ.

بابُ مَنْ يَتَعَلَّمُ الْقُرْآنَ بِمَشَقَّةٍ

١ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَسَهْلِ بْنِ زِيادٍ، جَمِيعاً، عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ، عَنْ جَمِيلِ بْنِ صالِحٍ، عَنِ الْفُضَيْلِ بْنِ يَسارٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عليه السّلام قالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ: إِنَّ الَّذِي يُعالِجُ الْقُرْآنَ وَيَحْفَظُهُ بِمَشَقَّةٍ مِنْهُ وَقِلَّةِ حِفْظٍ لَهُ أَجْرانِ.

٢ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ، عَنْ مَنْصُورِ بْنِ يُونُسَ، عَنِ الصَّبّاحِ بْنِ سَيابَةَ قالَ: سَمِعْتُ أَبا عَبْدِاللّٰهِ عليه السّلام



یاد دهند تا خدا به وسیلهٔ آن درجه‌اش را بالا برد، زیرا درجات بهشت به اندازهٔ آیات قرآن است، به او گفته شود: بخوان و بالا رو و می‌خواند و بالا می‌رود، حفص گوید: من احدی را ندیدم بر خود بترسد چون موسی بن جعفر، و احدی را ندیدم از آن حضرت امیدوارتر باشد و قرآن خواندنش با ناله بود، و چون قرآن می‌خواند گویا با کسی سخن می‌گفت.

۱۱ ـ رسول خدا(ص) فرمود:

قرآن خوانان معرفان اهل بهشتند، و مجتهدان و کوشایان در دین و عبادت افسران اهل بهشتند، و رسولان خدا آقایان اهل بهشتند.

باب کسی که به رنج قرآن یاد می‌گیرد

۱ ـ از فضیل بن یسار، گوید: شنیدم امام صادق (ع) می‌فرمود:

راستی کسی که با قرآن همدم است و آن را به مشقّت حفظ می‌کند دو اجر دارد.

۲ ـ امام صادق (ع) می‌فرمود:

هرکه به سختی قرآن را یاد گیرد، دو اجر دارد، و هرکه به

يَقُولُ: مَنْ شُدِّدَ عَلَيْهِ فِي الْقُرْآنِ كانَ لَهُ أَجْرانِ، وَمَنْ يُسِّرَ عَلَيْهِ كانَ مَعَ الْأَوَّلِينَ.

٣ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ سُلَيْمٍ الْفَرّاءِ، عَنْ رَجُلٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عليه السلام قالَ: يَنْبَغِي لِلْمُؤْمِنِ أَنْ لا يَمُوتَ حَتّىٰ يَتَعَلَّمَ الْقُرْآنَ أَوْ يَكُونَ فِي تَعْلِيمِهِ.

بابُ مَنْ حَفِظَ الْقُرْآنَ ثُمَّ نَسِيَهُ

١ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ؛ وَأَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِالْجَبّارِ، جَمِيعاً، عَنِ ابْنِ فَضّالٍ، عَنْ أَبِي إِسْحاقَ ثَعْلَبَةَ بْنِ مَيْمُونٍ، عَنْ يَعْقُوبَ الْأَحْمَرِ قالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِاللّٰهِ عليه السلام: جُعِلْتُ فِداكَ إِنِّي كُنْتُ قَرَأْتُ الْقُرْآنَ فَفَلَتَ مِنِّي فَادْعُ اللّٰهَ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ يُعَلِّمَنِيهِ، قالَ: فَكَأَنَّهُ فَزِعَ لِذٰلِكَ فَقالَ: عَلَّمَكَ اللّٰهُ هُوَ وَإِيّانا جَمِيعاً ـ قالَ: وَنَحْنُ نَحْوٌ مِنْ عَشَرَةٍ ـ ثُمَّ قالَ: السُّورَةُ تَكُونُ مَعَ الرَّجُلِ قَدْ قَرَأَها، ثُمَّ تَرَكَها فَتَأْتِيهِ يَوْمَ الْقِيامَةِ فِي أَحْسَنِ صُورَةٍ وَتُسَلِّمُ عَلَيْهِ فَيَقُولُ: مَنْ أَنْتَ فَتَقُولُ: أَنَا سُورَةُ كَذا وَكَذا فَلَوْ أَنَّكَ تَمَسَّكْتَ بِي وَأَخَذْتَ بِي لَأَنْزَلْتُكَ هٰذِهِ الدَّرَجَةَ فَعَلَيْكُمْ بِالْقُرْآنِ، ثُمَّ قالَ: إِنَّ مِنَ النّاسِ مَنْ يَقْرَأُ الْقُرْآنَ لِيُقالَ: فُلانٌ قارِئٌ وَمِنْهُمْ مَنْ

آسانی یاد گیرد، با اوّلین باشد. [۹۸]

۳ ـ از امام صادق (ع) فرمود:
برای مؤمن شایسته است که نمیرد تا قرآن را بیاموزد و یا آنکه در کار یاد گرفتن آن باشد.

باب کسی که قرآن را حفظ کرده و سپس فراموش کرده

۱ ـ از یعقوب احمر، گوید: به امام صادق (ع) گفتم: قربانت، راستی که من قرآن را یاد گرفتم و از دستم رفت، به درگاه خدا عزوجل دعا کن که آن را به من یاد دهد، گویا مانند اینکه آن حضرت از این گزارش در هراس شد و فرمود: خدا آن را به تو و ماها همه یاد بدهد ـ گوید: ما نزدیک ده کس بودیم ـ سپس فرمود: سوره‌ای است که همراه مردی بوده، آن را خوانده و سپس واگزارده است و روز قیامت در نیکوترین صورتی بیاید و بر او سلام دهد، او می‌گوید: تو کیستی؟ جواب می‌دهد: من سورهٔ چنان و چنانم و اگر تو به من چسبیده بودی و مرا نگاه داشته بودی، تو را به این درجه می‌رسانیدم، بر شما باد به ملازمت قرآن سپس فرمود: برخی مردمند که قرآن را می‌خوانند تا گفته شود: فلانی قرآن خوان است و برخی باشند که قرآن می‌خوانند برای به دست آوردن دنیا، در اینها خیری

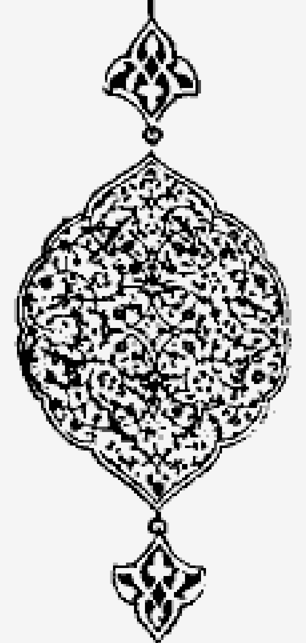


يَقرَأُ القُرآنَ لِيَطلُبَ بِهِ الدُّنيا وَلا خَيرَ فِي ذلِكَ وَمِنهُمْ مَنْ يَقرَأُ القُرآنَ لِيَنتَفِعَ بِهِ فِي صَلاتِهِ وَلَيلِهِ وَنَهارِهِ.

٢ ـ عَلِيُّ بْنُ إبْراهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ ابْنِ أَبي عُمَيرٍ، عَنْ أَبِي المَغْراءِ، عَنْ أَبِي بَصِيرٍ، قالَ: قالَ أَبُو عَبْدِاللّٰهِ عليه السّلام: مَنْ نَسِيَ سُورَةً مِنَ القُرآنِ مُثِّلَتْ لَهُ فِي صُورَةٍ حَسَنَةٍ وَدَرَجَةٍ رَفِيعَةٍ فِي الجَنَّةِ فَإِذا رَآها قالَ: ما أَنْتِ ما أَحْسَنَكِ لَيْتَكِ لِي؟ فَيَقُولُ: أَما تَعْرِفُنِي؟ أَنَا سُورَةُ كَذا وَكَذا وَلَوْ لَمْ تَنْسَنِي رَفَعْتُكَ إلىٰ هذا.

٣ ـ ابْنُ أَبِي عُمَيْرٍ، عَنْ إبْراهِيمَ بْنِ عَبْدِالحَمِيدِ، عَنْ يَعْقُوبَ الأَحْمَرِ قالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِاللّٰهِ عليه السّلام: إنَّ عَلَيَّ دَيْناً كَثِيراً وَقَدْ دَخَلَنِي ما كانَ القُرآنُ يَتَفَلَّتُ مِنّي فَقالَ أَبُو عَبْدِاللّٰهِ عليه السّلام: القُرآنَ القُرآنَ، إنَّ الآيَةَ مِنَ القُرآنِ وَالسُّورَةَ لَتَجِيءُ يَوْمَ القِيامَةِ حَتّىٰ تَصْعَدَ أَلْفَ دَرَجَةٍ ـ يَعْنِي فِي الجَنَّةِ ـ فَتَقُولُ: لَوْ حَفِظْتَنِي لَبَلَغْتُ هٰهُنا.

٤ ـ حُمَيْدُ بْنُ زِيادٍ، عَنِ الحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَماعَةَ، وَعِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، جَمِيعاً، عَنْ مُحْسِنِ بْنِ أَحْمَدَ، عَنْ أَبانِ بْنِ عُثْمانَ، عَنِ ابْنِ أَبِي يَعْفُورٍ قالَ: سَمِعْتُ أَبا عَبْدِاللّٰهِ عليه السّلام يَقُولُ: إنَّ الرَّجُلَ إذا كانَ يَعْلَمُ السُّورَةَ ثُمَّ نَسِيَها أَوْ تَرَكَها وَدَخَلَ الجَنَّةَ أَشْرَفَتْ عَلَيْهِ مِنْ فَوْقٍ فِي أَحْسَنِ صُورَةٍ فَتَقُولُ: تَعْرِفُنِي؟ فَيَقُولُ: لا؛ فَتَقُولُ: أَنَا سُورَةُ كَذا وَكَذا لَمْ تَعْمَلْ بِي



نیست و برخی باشند که قرآن می‌خوانند تا در نماز شب و روز خود از آن سود برند.

۲ ـ امام صادق (ع) فرمود:

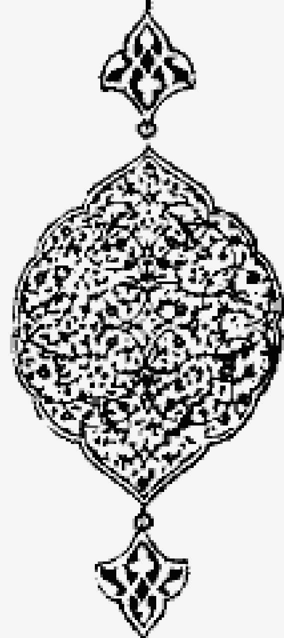
هر که یک سوره از قرآن را فراموش کند، برای او در صورتی زیبا و درجه‌ای بلند در بهشت نمودار شود و چون آن را بیند گوید: تو چیستی وه چه زیبائی کاش تو از آنِ من بودی؟ در پاسخش می‌گوید: آیا تو مرا نمی‌شناسی؟ من فلان سوره‌ام و اگر مرا فراموش نکرده بودی، تو را به این درجه بالا می‌آوردم.

۳ ـ از یعقوب احمر، گوید: به امام صادق (ع) گفتم: من بدهکاری بسیاری دارم و تا آنجا اندوه و پریشانی به دلم راه یافته که قرآن را از دستم ربوده است و فراموشم کرده، امام صادق (ع) فرمود: قرآن، قرآن، راستی که یک آیه از قرآن و یک سوره از آن روز قیامت می‌آید تا هزار درجه بالا می‌رود، یعنی در بهشت و می‌گوید: اگر تو مرا با خود نگهداشته بودی تو را به این مقام می‌رسانیدم.

۴ ـ از ابن یعفور، گوید: شنیدم امام صادق (ع) می‌فرمود:

مردی که سوره‌ای را می‌داند و سپس فراموش می‌کند یا ترک آن می‌کند و به بهشت می‌رود، آن سوره از سوی بالا سر می‌کشد در زیباترین صورتی و به او می‌گوید: مرا می‌شناسی؟ جواب می‌دهد:

نه، او می‌گوید: من فلان سوره‌ام، مرا به کار نبستی و از دست گذاردی، هلا به خدا اگر مرا به کار بسته بودی هر آینه

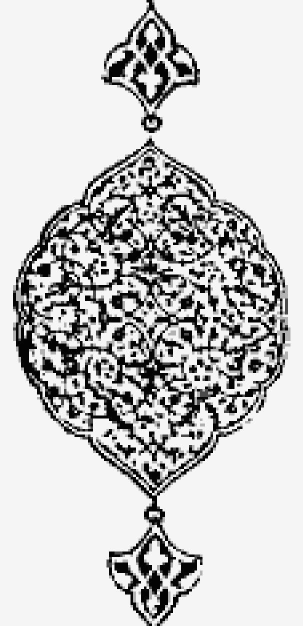




وَتَرَكْتَنِي أَما وَاللّٰهِ لَوْ عَمِلْتَ بِي لَبَلَغْتُ بِكَ هٰذِهِ الدَّرَجَةَ وَأَشارَتْ بِيَدِها إِلىٰ فَوْقِها.

٥ ـ أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ عَبْدِ اللّٰهِ، عَنِ الْعَبّاسِ بْنِ عامِرٍ، عَنِ الْحَجّاجِ الْخَشّابِ، عَنْ أَبِي كَهْمَسٍ الْهَيْثَمِ بْنِ عُبَيْدٍ قالَ: سَأَلْتُ أَبا عَبْدِ اللّٰهِ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ قَرَأَ الْقُرْآنَ ثُمَّ نَسِيَهُ فَرَدَدْتُ عَلَيْهِ ـ ثَلاثاً ـ أَعَلَيْهِ فِيهِ حَرَجٌ؟ قالَ: لا.

٦ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسىٰ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خالِدٍ، وَالْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ، جَمِيعاً، عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ، عَنْ يَحْيَى الْحَلَبِيِّ، عَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ مُسْكانَ، عَنْ يَعْقُوبَ الْأَحْمَرِ قالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللّٰهِ عليه السلام: جُعِلْتُ فِداكَ إِنَّهُ أَصابَتْنِي هُمُومٌ وَأَشْياءُ لَمْ يَبْقَ شَيْءٌ مِنَ الْخَيْرِ إِلّا وَقَدْ تَفَلَّتَ مِنِّي مِنْهُ طائِفَةٌ حَتّىٰ الْقُرْآنِ لَقَدْ تَفَلَّتَ مِنِّي طائِفَةٌ مِنْهُ، قالَ: فَفَزِعَ عِنْدَ ذٰلِكَ حِينَ ذَكَرْتُ الْقُرْآنَ ثُمَّ قالَ: إِنَّ الرَّجُلَ لَيَنْسَى السُّورَةَ مِنَ الْقُرْآنِ فَتَأْتِيهِ يَوْمَ الْقِيامَةِ حَتّىٰ تُشْرِفَ عَلَيْهِ مِنْ دَرَجَةٍ مِنْ بَعْضِ الدَّرَجاتِ فَتَقُولُ: السَّلامُ عَلَيْكَ، فَيَقُولُ: وَعَلَيْكَ السَّلامُ مَنْ أَنْتَ؟ فَتَقُولُ: أَنَا سُورَةُ كَذا وَكَذا ضَيَّعْتَنِي وَتَرَكْتَنِي أَما لَوْ تَمَسَّكْتَ بِي بَلَغْتُ بِكَ هٰذِهِ الدَّرَجَةَ، ثُمَّ أَشارَ بِإِصْبَعِهِ ثُمَّ قالَ: عَلَيْكُمْ بِالْقُرْآنِ فَتَعَلَّمُوهُ فَإِنَّ مِنَ النّاسِ مَنْ يَتَعَلَّمُ الْقُرْآنَ لِيُقالَ فُلانٌ قارِئٌ وَمِنْهُمْ مَنْ يَتَعَلَّمُهُ فَيَطْلُبُ بِهِ الصَّوْتَ فَيُقالُ فُلانٌ حَسَنُ الصَّوْتِ، وَلَيْسَ فِي ذٰلِكَ خَيْرٌ وَمِنْهُمْ



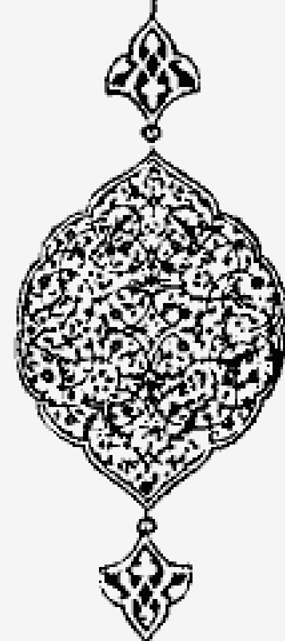


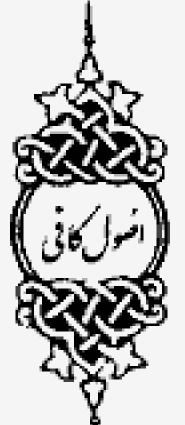
تو را به این درجه می‌رسانیدم و با دستش اشاره به بالای سرش می‌کند.

۵ ـ از ابی کهمس هیثم بن عبید، گوید: از امام صادق (ع) پرسیدم در بارهٔ مردی که قرآن را یاد گرفته و فراموش کرده ـ تا سه بار برای او باز گفتم ـ آیا بر او گناهی هست؟ فرمود: نه.

۶ ـ از یعقوب احمر، گوید: به امام صادق (ع) گفتم: قربانت، راستی که به من هومی و گرفتاریهائی رسیده که هر خیر و نیکی را از دستم ربوده تا برسد به قرآن که قسمتی از آن از یادم رفته است.

گوید: آن حضرت در هنگام این گزارش چون به نام قرآن رسیدم در هراس شد، سپس فرمود: راستی مردی است که سوره‌ای از قرآن را فراموش می‌کند و آن سوره روز قیامت نزد او آید تا آینکه از یکی درجات بهشت بر او سرازیر شود و به او گوید: بر تو درود، در پاسخ او گوید: درود بر تو، تو کیستی؟ بگوید: من فلان سوره‌ام که مرا ضایع گذاشتی و ترک کردی، اما اگر به من چسبیده بودی، تو را به این درجه می‌رسانیدم سپس باانگشتش اشاره کرد، سپس فرمود: بچسبید به قرآن و آن را بیاموزید، راستی برخی مردمند کمه قرآن یاد گیرند برای شهرت تا گویند: فلانی قرآن دان است، و برخی آن را برای آوازه خوانی یاد گیرند تا گویند: فلانی خوش آواز است، و در این آموزش خیری نیست، و برخی آن را یاد





مَنْ يَتَعَلَّمُهُ فَيَقُومُ بِهِ فِي لَيْلِهِ وَنَهارِهِ لا يُبالِي مَنْ عَلِمَ ذٰلِكَ وَمَنْ لَمْ يَعْلَمْهُ.

بابٌ فِي قِراءَتِهِ

١ ـ عَلِيٌّ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ حَمّادٍ، عَنْ حَرِيزٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: الْقُرْآنُ عَهْدُ اللّٰهِ إِلىٰ خَلْقِهِ فَقَدْ يَنْبَغِي لِلْمَرْءِ الْمُسْلِمِ أَنْ يَنْظُرَ فِي عَهْدِهِ وَأَنْ يَقْرَأَ مِنْهُ فِي كُلِّ يَوْمٍ خَمْسِينَ آيَةً.

٢ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، وَعَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ، جَمِيعاً، عَنِ الْقاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ سُلَيْمانَ بْنِ داوُدَ، عَنْ حَفْصِ بْنِ غِياثٍ، عَنِ الزُّهْرِيِّ قالَ: سَمِعْتُ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِما السَّلام يَقُولُ: آياتُ الْقُرْآنِ خَزائِنُ فَكُلَّما فُتِحَتْ خِزانَةٌ يَنْبَغِي لَكَ أَنْ تَنْظُرَ ما فِيها.

بابُ الْبُيُوتِ الَّتِي يُقْرَأُ فِيها الْقُرْآنُ

١ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ، عَنِ الْفُضَيْلِ بْنِ عُثْمانَ، عَنْ لَيْثِ بْنِ أَبِي سُلَيْمٍ، رَفَعَهُ قالَ:

گیرند و در شب و روز به عمل بدان قیام کنند و توجّه ندارند که کسی آن را بداند یا نداند.

باب در خواندن قرآن

۱ ـ از امام صادق (ع)، فرمود: قرآن عهد و فرمان خدا است با خلقش، پس چه اندازه شایسته است بر مسلمان که در فرمان او نگاه کند و هر روزی پنجاه آیهٔ آن را بخواند.

۲ ـ از زهری، گوید: از علی بن الحسین (ع) شنیدم می‌فرمود:

آیات قرآن گنجینه‌هایند و هر زمانی که گنجینه‌ای گشودی بر تو سزا است که نگاه کنی در آن چیست.

باب خانه‌هائی که در آنها قرآن خوانند

۱ ـ پیغمبر (ص) فرمود: خانه‌های خود را با خواندن قرآن روشن کنید و آنها را گورستان نشمارید چنانچه جهودان و تراسایان



قالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيهِ وَآلِهِ وَسَلَّم: نَوِّرُوا بُيُوتَكُمْ بِتِلاوَةِ الْقُرْآنِ وَلا تَتَّخِذُوها قُبُوراً كَما فَعَلَتِ الْيَهُودُ وَالنَّصارىٰ، صَلَّوْا فِي الْكَنائِسِ وَالبِيَعِ وَعَطَّلُوا بُيُوتَهُمْ فَإِنَّ الْبَيْتَ إِذا كَثُرَ فِيهِ تِلاوَةُ الْقُرْآنِ كَثُرَ خَيْرُهُ وَاتَّسَعَ أَهْلُهُ وَأَضاءَ لِأَهْلِ السَّماءِ كَما تُضِيءُ نُجُومُ السَّماءِ لِأَهْلِ الدُّنْيا.

٢ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسىٰ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خالِدٍ، وَالْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ، جَمِيعاً، عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ، عَنْ يَحْيىٰ بْنِ عِمْرانَ الْحَلَبِيِّ، عَنْ عَبْدِالْأَعْلىٰ مَوْلىٰ آلِ سامٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عَلَيهِ السَّلام قالَ: إِنَّ الْبَيْتَ إِذا كانَ فِيهِ الْمَرْءُ الْمُسْلِمُ يَتْلُو الْقُرْآنَ يَتَراءاهُ أَهْلُ السَّماءِ كَما يَتَراءىٰ أَهْلُ الدُّنْيا الْكَوْكَبَ الدُّرِّيَّ فِي السَّماءِ.

٣ ـ مُحَمَّدٌ، عَنْ أَحْمَدَ؛ وَعِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيادٍ، جَمِيعاً، عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عُبَيْدِاللّه، عَنِ ابْنِ الْقَدّاحِ، عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عَلَيهِ السَّلام قالَ: قالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيهِ السَّلام الْبَيْتُ الَّذِي يُقْرَأُ فِيهِ الْقُرْآنُ وَيُذْكَرُ اللهُ عَزَّ وَجَلَّ فِيهِ تَكْثُرُ بَرَكَتُهُ وَتَحْضُرُهُ الْمَلائِكَةُ وَتَهْجُرُهُ الشَّياطِينُ وَيُضِيءُ لِأَهْلِ السَّماءِ كَما تُضِيءُ الْكَواكِبُ لِأَهْلِ الْأَرْضِ وَإِنَّ الْبَيْتَ الَّذِي لا يُقْرَأُ فِيهِ الْقُرْآنُ وَلا يُذْكَرُ اللهُ عَزَّ وَجَلَّ فِيهِ تَقِلُّ بَرَكَتُهُ وَتَهْجُرُهُ الْمَلائِكَةُ وَتَحْضُرُهُ الشَّياطِينُ.

کردند، در همان کلیساها و معبدهای خود نماز خوانند و خانه‌های خود را معطّل و بی‌عبادت گذارند، زیرا چون در خانه بسیار قرآن خوانده شود، خیرش فراوان گردد و اهل آن توسعه یابند و برای اهل آسمان بدرخشد چنانچه اختران آسمان برای اهل زمین می‌درخشد.

۲ ـ از امام صادق (ع) که فرمود:

چون در خانه‌ای مرد مسلمانی باشد که قرآن بخواند، اهل آسمان آن خانه را به یکدیگر بنمایند چنانچه اهل زمین اختران درخشان را به هم بنمایند.



۳ ـ امیرالمؤمنین (ع) فرمود: خانه‌ای که در آن قرآن خوانده شود و یاد خدا عزوجل گردد، برکتش بسیار شود و فرشته‌ها در آن حاضر شوند و شیاطین آن را ترک کنند و برای اهل آسمان بدرخشد چنانچه اختران برای اهل زمین می‌درخشند وراستی خانه‌ای که در آن قرآن خوانده نشود و یاد خدا عزوجل در آن نگردد، برکتش کم شود و فرشته‌ها از آن دوری گزینند و شیاطین در آن حاضر شوند.



بابُ ثَوابِ قِراءَةِ الْقُرْآنِ

١ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، وَسَهْلِ بْنِ زِيادٍ؛ وَعَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، جَمِيعاً، عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ، عَنْ عَبْدِاللّٰهِ بْنِ سِنانٍ، عَنْ مُعاذِ بْنِ مُسْلِمٍ، عَنْ عَبْدِاللّٰهِ بْنُ سُلَيْمانَ، عَنْ أَبي جَعْفَرٍ عليه السلام قالَ: مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ قائِماً فِي صَلاتِهِ كَتَبَ اللّٰهُ لَهُ بِكُلِّ حَرْفٍ مِائَةَ حَسَنَةٍ، وَمَنْ قَرَأَهُ فِي صَلاتِهِ جالِساً كَتَبَ اللّٰهُ لَهُ بِكُلِّ حَرْفٍ خَمْسِينَ حَسَنَةً وَمَنْ قَرَأَهُ فِي غَيْرِ صَلاتِهِ كَتَبَ اللّٰهُ لَهُ بِكُلِّ حَرْفٍ عَشْرَ حَسَناتٍ.

قال ابْنُ مَحْبُوبٍ: وَقَدْ سَمِعْتُهُ عَنْ مُعاذٍ عَلىٰ نَحْوٍ مِمّا رَواهُ ابْنُ سِنانٍ.

٢ ـ ابْنُ مَحْبُوبٍ، عَنْ جَمِيلِ بْنِ صالِحٍ، عَنِ الْفُضَيْلِ بْنِ يَسارٍ، عَنْ أَبي عَبْدِاللّٰهِ عليه السلام قالَ: ما يَمْنَعُ التّاجِرَ مِنْكُمُ الْمَشْغُولَ فِي سُوقِهِ إِذا رَجَعَ إِلىٰ مَنْزِلِهِ أَنْ لا يَنامَ حَتّىٰ يَقْرَأَ سُورَةً مِنَ الْقُرْآنِ فَتُكْتَبُ لَهُ مَكانَ كُلِّ آيَةٍ يَقْرَؤُها عَشْرَ حَسَناتٍ وَيُمْحىٰ عَنْهُ عَشْرَ سَيِّئاتٍ.

٣ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسىٰ، عَنْ

باب ثواب خواندن قرآن

۱ ـ از امام باقر (ع)، فرمود:

هر که قرآن را ایستاده در نمازش بخواند، خدا به هر حرفش برای او صدحسنه نویسد و هر که نشسته در نمازش قرآن بخواند، خدا به هر حرف برایش پنجاه حسنه نویسد و هر که در جز نماز بخواند، خدا به هر حرف برایش ده حسنه نویسد.



۲ ـ از امام صادق (ع)، فرمود:

چه باز می‌دارد بازرگان شما را که چون از شغل بازارش به خانه‌اش بر می‌گردد، نخوابد تا یک سوره از قرآن بخواند تا نوشته شود برایش به جای هر آیه که می‌خواند ده حسنه و محو شود از او ده سیئه.

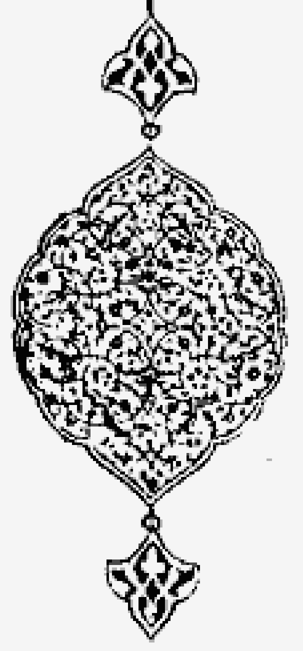
۳ ـ از بشیر بن غالب اسدی، از حسین بن علی (ع)، فرمود:



عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ أَوْ غَيْرِهِ، عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ، عَنْ رَجُلٍ، عَنْ جابِرٍ، عَنْ مُسافِرٍ، عَنْ بِشْرِ بْنِ غالِبٍ الْأَسَدِيِّ، عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيهِما السَّلام قالَ: مَنْ قَرَأَ آيَةً مِنْ كِتابِ اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي صَلاتِهِ قائِماً يُكْتَبُ لَهُ بِكُلِّ حَرْفٍ مِائَةُ حَسَنَةٍ فَإِذا قَرَأَها فِي غَيْرِ صَلاةٍ كَتَبَ اللّٰهُ لَهُ بِكُلِّ حَرْفٍ عَشْرَ حَسَناتٍ، وَإِنِ اسْتَمَعَ الْقُرْآنَ كَتَبَ اللّٰهُ لَهُ بِكُلِّ حَرْفٍ حَسَنَةً، وَإِنْ خَتَمَ الْقُرْآنَ لَيْلاً صَلَّتْ عَلَيْهِ الْمَلائِكَةُ حَتّٰى يُصْبِحَ، وَإِنْ خَتَمَهُ نَهاراً صَلَّتْ عَلَيْهِ الْحَفَظَةُ حَتّٰى يُمْسِيَ وَكانَتْ لَهُ دَعْوَةٌ مُجابَةٌ وَكانَ خَيْراً لَهُ مِمّا بَيْنَ السَّماءِ إِلَى الْأَرْضِ.

قُلْتُ: هٰذا لِمَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ فَمَنْ لَمْ يَقْرَأْ؟ قالَ: يا أَخا بَنِي أَسَدٍ إِنَّ اللّٰهَ جَوادٌ ماجِدٌ كَرِيمٌ، إِذا قَرَأَ ما مَعَهُ أَعْطاهُ اللّٰهُ ذٰلِكَ.

٤ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ، عَنْ خالِدِ بْنِ مادٍّ الْقَلانِسِيِّ، عَنْ أَبِي حَمْزَةَ الثُّمالِيِّ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيهِ السَّلام قالَ: مَنْ خَتَمَ الْقُرْآنَ بِمَكَّةَ مِنْ جُمُعَةٍ إِلىٰ جُمُعَةٍ أَوْ أَقَلَّ مِنْ ذٰلِكَ أَوْ أَكْثَرَ، وَخَتَمَهُ فِي يَوْمِ جُمُعَةٍ، كُتِبَ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ وَالْحَسَناتِ مِنْ أَوَّلِ جُمُعَةٍ كانَتْ فِي الدُّنْيا إِلىٰ آخِرِ جُمُعَةٍ تَكُونُ فِيها وَإِنْ خَتَمَهُ فِي سائِرِ الْأَيّامِ فَكَذٰلِكَ.

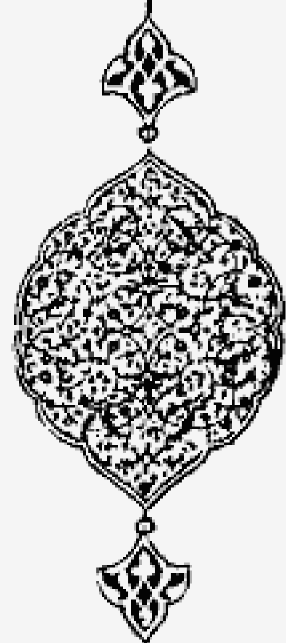


٥ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسىٰ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خالِدٍ، وَالْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ، جَمِيعاً، عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ، عَنْ يَحْيَى الْحَلَبِيِّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوانَ عَنْ سَعْدِ بْنِ طَرِيفٍ، عَنْ



هر که یک آیه قرآن را ایستاده در نمازش بخواند، در برابر هر حرفی برایش صد حسنه نوشته شود و هرگاه آن را در جز نماز بخواند، به هر حرفی برایش ده حسنه نویسد و اگر قرآن را بشنود و گوش دهد، خدا به هر حرفی برایش یک حسنه نویسد و اگر قرآن را در شب، ختم کند، فرشته تا صبح به او صلوات فرستد و اگر در روز، ختم کند، فرشته‌های نگهبان بر او صلوات فرستند تا شب کند و دعایش اجابت شود و برای او بهتر است از آنچه میان آسمان و زمین است، گفتم: این برای کسی است که همهٔ قرآن را می‌خواند، پس کسی که همهٔ قرآن را نمی‌داند؟ فرمود: ای اخا بنی اسد! راستی خدا بخشنده و بزرگوار و کریم است، اگر آنچه را از قرآن می‌داند بخواند، خدا این اجر را به او می‌دهد.

۴ ـ از امام باقر(ع)، فرمود: هر که در مکه قرآن را از جمعه تا جمعهٔ دیگر ختم کند، یا در کمتر یا بیشتر از آن بخواند و در روز جمعه ختم کند، برای او اجر نوشته شود با حسنات از اول جمعه که در دنیا بوده تا آخر جمعه که در آن خواهد بود و اگر در روزهای دیگر، ختم کند نیز چنین است. [۹۹]



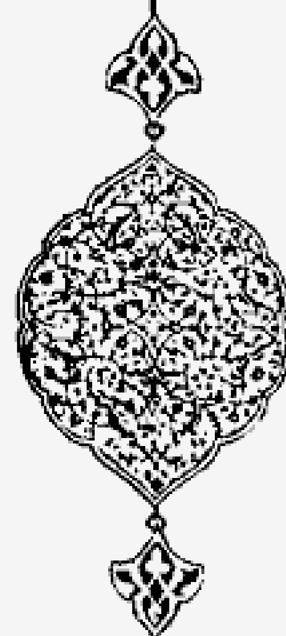
۵ ـ از سعد بن طریف، از امام باقر(ع) گوید: رسول خدا(ص) فرمود:

هر که در یک شب ده آیه از قرآن بخواند، از غافلان نوشته

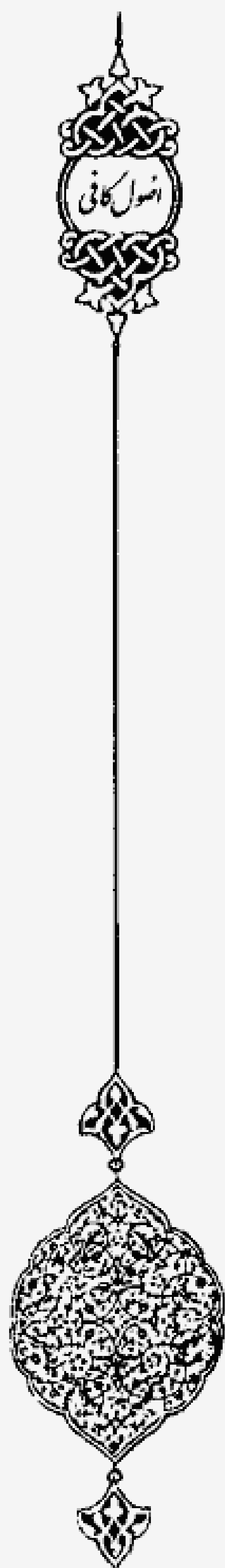


أبي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: قالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّم: مَنْ قَرَأَ عَشْرَ آياتٍ في لَيْلَةٍ لَمْ يُكْتَبْ مِنَ الْغافِلِينَ، وَمَنْ قَرَأَ خَمْسِينَ آيَةً كُتِبَ مِنَ الذّاكِرِينَ، وَمَنْ قَرَأَ مِائَةَ آيَةٍ كُتِبَ مِنَ الْقانِتِينَ، وَمَنْ قَرَأَ مِائَتَيْ آيَةٍ كُتِبَ مِنَ الْخاشِعِينَ، وَمَنْ قَرَأَ ثَلاثَ مِائَةِ آيَةٍ كُتِبَ مِنَ الْفائِزِينَ، وَمَنْ قَرَأَ خَمْسَمِائَةِ آيَةٍ كُتِبَ مِنَ الْمُجْتَهِدِينَ، وَمَنْ قَرَأَ أَلْفَ آيَةٍ كُتِبَ لَهُ قِنْطارٌ مِنْ تِبْرٍ ـ الْقِنْطارُ خَمْسَةَ عَشَرَ أَلْفِ مِثْقالٍ مِنْ ذَهَبٍ وَالْمِثْقالُ أَرْبَعَةٌ وَعِشْرُونَ قِيراطاً ـ أَصْغَرُها مِثْلُ جَبَلِ أُحُدٍ وَأَكْبَرُها ما بَيْنَ السَّماءِ إِلَى الْأَرْضِ.

٦ ـ أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبّارِ، وَمُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، جَمِيعاً، عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَدِيدٍ، عَنْ مَنْصُورٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ بَشِيرٍ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِما السَّلام ـ قالَ: وَقَدْ رُوِيَ هٰذَا الْحَدِيثُ عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام ـ قالَ: مَنِ اسْتَمَعَ حَرْفاً مِنْ كِتابِ اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ غَيْرِ قِراءَةٍ كَتَبَ اللّٰهُ لَهُ حَسَنَةً وَمَحا عَنْهُ سَيِّئَةً وَرَفَعَ لَهُ دَرَجَةً، وَمَنْ قَرَأَ نَظَراً مِنْ غَيْرِ صَوْتٍ كَتَبَ اللّٰهُ لَهُ بِكُلِّ حَرْفٍ حَسَنَةً وَمَحا عَنْهُ سَيِّئَةً وَرَفَعَ لَهُ دَرَجَةً، وَمَنْ تَعَلَّمَ مِنْهُ حَرْفاً ظاهِراً كَتَبَ اللّٰهُ لَهُ عَشْرَ حَسَناتٍ وَمَحا عَنْهُ عَشْرَ سَيِّئاتٍ وَرَفَعَ لَهُ عَشْرَ دَرَجاتٍ قالَ: لا أَقُولُ بِكُلِّ آيَةٍ وَلٰكِنْ بِكُلِّ حَرْفٍ: باءٍ أَوْ تاءٍ أَوْ شِبْهِهِما.



قالَ: وَمَنْ قَرَأَ حَرْفاً [ظاهِراً] وَهُوَ جالِسٌ فِي صَلاتِهِ كَتَبَ اللّٰهُ



نشود و هرکه پنجاه آیه بخواند، در ذاکرین نوشته شود و هرکه صد آیه بخواند، در قانتین نوشته شود و هرکه دویست آیه بخواند، در خاشعین نوشته شود و هرکه سیصد آیه بخواند، در فائزین نوشته شود و هرکه پانصد آیه بخواند، در مجتهدین نوشته شود و هرکه هزار آیه بخواند، برای او یک قنطار طلا نوشته شود ـ قنطار پانزده هزار مثقال طلا است و مثقال ۲٤ قیراط است ـ که خردترش چون کوه احد است و بزرگترش چون میانه آسمان تا زمین است.

٦ ـ از محمد بن بشیر، از علی بن الحسین (ع) ـ راوی گوید: این حدیث از امام صادق (ع) هم روایت شده ـ فرمود: هرکه یک حرف از قرآن را گوش کند و نخواند، برایش یک حسنه نوشته شود و از او یک سیئه محو شود و برای او یک درجه بالا رود و هرکه آن را بخواند با نگاه بی‌تلفظ و صوت، خدا به هر حرفی برای او حسنه‌ای نویسد و از او گناهی محو کند و برای او درجه‌ای بالا برد و هرکه یک حرف ظاهر از آن را یاد گیرد، خدا برای او ده حسنه نویسد و از او ده سیئه محو کند و برای او ده درجه بالا برد، فرمود: نمی‌گویم: به هر آیه ولی به هر حرف چون باء یا تاء یا مانند آنها، فرمود: و هرکه حرف [ظاهر] از آن را در نماز نشسته بخواند، خدا برای او پنجاه حسنه نویسد و پنجاه گناه از او محو کند و پنجاه درجه برای او بالا برد و هرکه آن را ایستاده در نمازش بخواند، خدا



لَهُ بِهِ خَمْسِينَ حَسَنَةً وَمَحا عَنْهُ خَمْسِينَ سَيِّئَةً وَرَفَعَ لَهُ خَمْسِينَ دَرَجَةً وَمَنْ قَرَأَ حَرْفاً وَهُوَ قائِمٌ فِي صَلاتِهِ كَتَبَ اللّٰهُ لَهُ بِكُلِّ حَرْفٍ مِائَةَ حَسَنَةٍ وَمَحا عَنْهُ سَيِّئَةٍ وَرَفَعَ لَهُ مِائَةَ دَرَجَةٍ وَمَنْ خَتَمَهُ كانَتْ لَهُ دَعْوَةٌ مُسْتَجابَةٌ مُؤَخَّرَةٌ أَوْ مُعَجَّلَةٌ، قالَ: قُلْتُ: جُعِلْتُ فِداكَ خَتَمَهُ كُلَّهُ؟ قالَ: خَتَمَهُ كُلَّهُ.

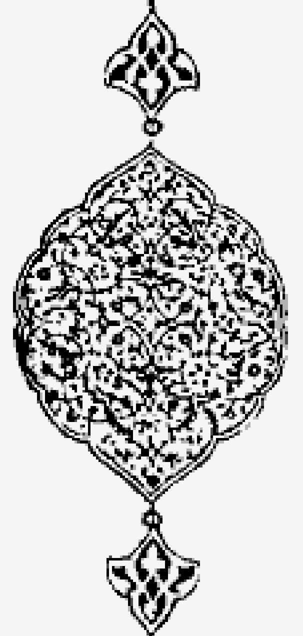
٧ ـ مَنْصُورٌ، عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: سَمِعْتُ أَبِي عَلَيْهِ السَّلام يَقُولُ: قالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّم: خَتْمُ الْقُرْآنِ إِلىٰ حَيْثُ تَعْلَمُ.



بابُ قِراءَةِ الْقُرْآنِ فِي الْمُصْحَفِ

١ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ، رَفَعَهُ إِلىٰ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ فِي الْمُصْحَفِ مُتِّعَ بِبَصَرِهِ وَخُفِّفَ عَنْ والِدَيْهِ وَإِنْ كانا كافِرَيْنِ.

٢ ـ عَنْهُ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْحَسَنِ الضَّرِيرِ، عَنْ حَمّادِ بْنِ عِيسىٰ، عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: إِنَّهُ لَيُعْجِبُنِي أَنْ يَكُونَ فِي الْبَيْتِ مُصْحَفٌ يَطْرُدُ اللّٰهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ الشَّياطِينَ.



٣ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيادٍ، عَنِ ابْنِ فَضّالٍ،

به هر حرف از آن برایش صد حسنه نویسد و از او صد گناه محو کند و برایش صد درجه بالا برد و هرکه آن را ختم کند، دعای اجابت شده‌ای دارد در آینده یا کنون، گوید: گفتم: قربانت، همهٔ آن را ختم کند؟ فرمود: همهٔ آن را ختم کند. [۱۰۰]

۷ ـ از امام صادق (ع)، فرمود:

از پدرم شنیدم می‌فرمود: رسول خدا(ص) فرموده است: ختم کردن قرآن، خواندن آن است تا آنجا که تو می‌دانی. [۱۰۱]

باب خواندن قرآن از روی نوشتهٔ قرآن

۱ ـ حدیث را به‌امام صادق (ع) رسانیده که فرمود:

هرکه قرآن را از روی مصحف بخواند از دیدهٔ خود بهره‌ور شود وسبب تخفیف عذاب پدر ومادرش گردد، گرچه کافر باشند.

۲ ـ امام صادق (ع) فرمود:

من خوش دارم که در خانه قرآنی باشد، که خدا عز وجل بدان شیاطین را دور می‌کند.

۳ ـ امام صادق (ع) فرمود:



عَمَّنْ ذَكَرَهُ، عَنْ أَبي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: ثَلاثَةٌ يَشْكُونَ إِلَى اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ: مَسْجِدٌ خَرابٌ لا يُصَلّي فِيهِ أَهْلُهُ، وَعالِمٌ بَيْنَ جُهّالٍ وَمُصْحَفٌ مُعَلَّقٌ قَدْ وَقَعَ عَلَيْهِ الْغُبارُ لا يُقْرَأُ فِيهِ.

٤ـ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ، عَنِ ابْنِ جُمْهورٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عُمَرَ بْنِ مَسْعَدَةَ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ راشِدٍ، عَنْ جَدِّهِ، عَنْ أَبي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: قِراءَةُ الْقُرْآنِ فِي الْمُصْحَفِ تُخَفِّفُ الْعَذابَ عَنِ الْوالِدَيْنِ وَلَوْ كانا كافِرَيْنِ.

٥ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيادٍ، عَنْ يَحْيَى بْنِ الْمُبارَكِ، عَنْ عَبْدِاللّٰهِ بْنِ جَبَلَةَ، عَنْ مُعاوِيَةَ بْنِ وَهْبٍ، عَنْ إِسْحاقَ بْنِ عَمّارٍ، عَنْ أَبي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: قُلْتُ لَهُ: جُعِلْتُ فِداكَ إِنّي أَحْفَظُ الْقُرْآنَ عَلىٰ ظَهْرِ قَلْبي فَأَقْرَأُهُ عَلىٰ ظَهْرِ قَلْبي أَفْضَلُ أَوْ أَنْظُرُ فِي الْمُصْحَفِ؟ قالَ: فَقالَ لي: بَلِ اقْرَأْهُ وَانْظُرْ فِي الْمُصْحَفِ فَهُوَ أَفْضَلُ، أَما عَلِمْتَ أَنَّ النَّظَرَ فِي الْمُصْحَفِ عِبادَةٌ؟

بابُ تَرْتيلِ الْقُرْآنِ بِالصَّوْتِ الْحَسَنِ

١ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهيمَ، عَنْ أَبيهِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَعْبَدٍ، عَنْ واصِلِ بْنِ سُلَيْمانَ، عَنْ عَبْدِاللّٰهِ بْنِ سُلَيْمانَ قالَ: سَأَلْتُ أَبا عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام

سه چیز است که به‌درگاه خدا عز وجل شکایت می‌کند: مسجدِ ویرانی که اهلش در آن نماز نمی‌خوانند، ودانائی میان نادانها، ومصحف که آویخته است وگرد بدان نشسته وآن را نمی‌خوانند.

۴ ـ امام صادق (ع) فرمود: خواندن قرآن از روی مصحف، عذاب پدر ومادر را سبک کند، گرچه کافر باشند.

۵ ـ از اسحاق بن عمّار گوید: به‌امام صادق (ع) گفتم: قربانت، من قرآن در دل حفظ دارم، آن را از حفظ بخوانم بهتر است یا از روی مصحف؟

گوید: به‌من فرمود: بلکه بخوان ودر مصحف نگاه کن که آن بهتر است، آیا ندانی که نگاه در مصحف عبادت است.

باب شمرده خواندن وخوش‌آواز خواندنِ قرآن

۱ ـ از عبدالله بن سلیمان گوید: از امام صادق (ع) پرسیدم از قول خدا عز وجل (۴ سوره مزمّل): «و رتّل القرآن ترتیلا»، فرمود:

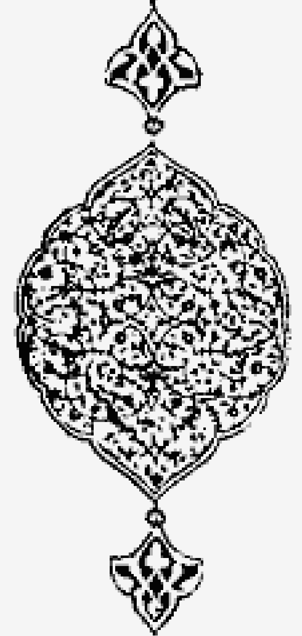


عَنْ قَوْلِ اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ: ((وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلاً)) قالَ: قالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنينَ صَلَواتُ اللّٰهِ عَلَيْهِ: بَيِّنْهُ تِبْياناً وَلا تَهُذَّهُ هَذَّ الشِّعْرِ وَلا تَنْثُرْهُ نَثْرَ الرَّمْلِ وَلكِنِ افْزَعُوا قُلُوبَكُمُ الْقاسِيَةَ وَلا يَكُنْ هَمُّ أَحَدِكُمْ آخِرَ السُّورَةِ.

٢ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ ابْنِ أَبي عُمَيْرٍ، عَمَّنْ ذَكَرَهُ، عَنْ أَبي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلامِ قالَ: إِنَّ الْقُرْآنَ نَزَلَ بِالْحُزْنِ فَاقْرَؤُوهُ بِالْحُزْنِ.

٣ ـ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ، عَنْ إِبْراهِيمَ الْأَحْمَرِ، عَنْ عَبْدِاللّٰهِ بْنِ حَمّادٍ، عَنْ عَبْدِاللّٰهِ بْنِ سِنانٍ، عَنْ أَبي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلامِ قالَ: قالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: اقْرَؤُوا الْقُرْآنَ بِأَلْحانِ الْعَرَبِ وَأَصْواتِها وَإِيّاكُمْ وَلُحُونَ أَهْلِ الْفِسْقِ وَأَهْلِ الْكَبائِرِ فَإِنَّهُ سَيَجِيءُ مِنْ بَعْدِي أَقْوامٌ يُرَجِّعُونَ الْقُرْآنَ تَرْجِيعَ الْغِناءِ وَالنَّوْحِ وَالرُّهْبانِيَّةِ، لا يَجُوزُ تَراقِيَهُمْ قُلُوبُهُمْ مَقْلُوبَةٌ وَقُلُوبُ مَنْ يُعْجِبُهُ شَأْنُهُمْ.

٤ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيادٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَسَنِ بْنِ شَمُّونٍ قالَ: حَدَّثَني عَلِيُّ ابْنُ مُحَمَّدٍ النَّوْفَلِيِّ، عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلامِ قالَ: ذَكَرْتُ الصَّوْتَ عِنْدَهُ فَقالَ: إِنَّ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِما السَّلامِ كانَ يَقْرَأُ فَرُبَّما مَرَّ بِهِ الْمارُّ فَصَعِقَ مِنْ حُسْنِ صَوْتِهِ وَإِنَّ الْإِمامَ لَوْ أَظْهَرَ مِنْ ذلِكَ شَيْئاً لَما احْتَمَلَهُ النّاسُ مِنْ حُسْنِهِ قُلْتُ: وَلَمْ يَكُنْ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يُصَلِّي بِالنّاسِ وَيَرْفَعُ صَوْتَهُ





امیر المؤمنین(ع) فرموده است: یعنی او را خوب بیان کن وکلماتش را روشن ادا کن وچون شعر، پست سرِ هم وبه‌شتاب مخوانش وچون ریگ پراکنده مسازش ولی دلهای سخت خود را با آن به‌هراس اندازید ونباید که همّت یکی از شماها این باشد که سوره را پایان دهد. [۱۰۲]

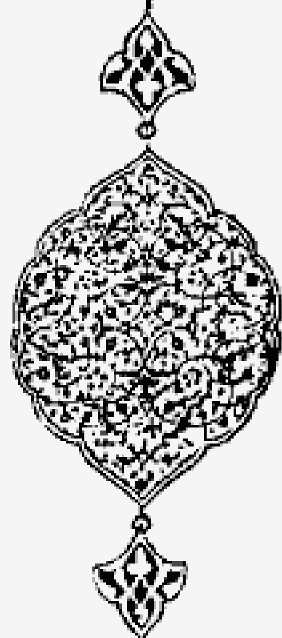
۲ ـ امام صادق (ع) فرمود:

قرآن برای نالیدن واندوه نازل شده، آن را با صوت حزین بخوانید.

۳ ـ از امام صادق (ع) که: رسول خدا(ص) فرمود:

قرآن را با لحنها وآوازهای عرب بخوانید واز لحنِ بدکاران واهل گناهانِ کبیره دوری کنید زیرا که پس از من مردمانی آیند که قرآن را چون خوانندگی ونوحه‌خوانی ورهبان‌مآبی در حنجره بچرخانند واز گلوگاه آنان نگذرد، دلشان وارونه است، ودلِ هرکه از آنها خوشش آید هم وارونه است.

۴ ـ علی بن محمد نوفلی باز گفته است که: من از آواز خوانی نزد ابوالحسن(ع) نام بردم، فرمود: علی بن الحسین(ع) قرآن را چنان به‌آواز می‌خواند که بسا گذرنده به‌او می‌گذشت واز خوش‌آوازی او خود را از دست می‌داد وبی‌هوش می‌شد، وراستی اگر امام از آواز خوش قرآن خواندن چیزی اظهار دارد مردم بخاطر خوبی وخوشی آن تحمل آن نکنند، گفتم: رسول‌خدا(ص) که با مردم نماز می‌خواند آواز خود را به‌خواندن قرآن بلند می‌کرد؟





بِالْقُرْآنِ؟ فَقالَ: إِنَّ رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّم كانَ يُحَمِّلُ النّاسَ مِنْ خَلْفِهِ ما يُطِيقُونَ.

٥ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ، عَنْ سُلَيْمٍ الْفَرّاءِ، عَمَّنْ أَخْبَرَهُ، عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: أَعْرِبِ الْقُرْآنَ فَإِنَّهُ عَرَبِيٌّ.

٦ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَعْبَدٍ، عَنْ عَبْدِاللّٰهِ بْنِ الْقاسِمِ، عَنْ عَبْدِاللّٰهِ بْنِ سِنانٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: إِنَّ اللّٰهَ عَزَّ وَجَلَّ أَوْحىٰ إِلىٰ مُوسَىٰ بْنِ عِمْرانَ عَلَيْهِ السَّلام: إِذا وَقَفْتَ بَيْنَ يَدَيَّ فَقِفْ مَوْقِفَ الذَّلِيلِ الْفَقِيرِ وَإِذا قَرَأْتَ التَّوْراةَ فَأَسْمِعْنِيها بِصَوْتٍ حَزِينٍ.

٧ ـ عَنْهُ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَعْبَدٍ، عَنْ عَبْدِاللّٰهِ بْنِ الْقاسِمِ، عَنْ عَبْدِاللّٰهِ بْنِ سِنانٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: قالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّم: لَمْ يُعْطَ أُمَّتِي أَقَلَّ مِنْ ثَلاثٍ: الْجَمالِ وَالصَّوْتِ الْحَسَنِ وَالْحِفْظِ.

٨ ـ عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَعْبَدٍ، عَنْ يُونُسَ، عَنْ عَبْدِاللّٰهِ بْنِ مُسْكانَ، عَنْ أَبِي بَصِيرٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: قالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّم: إِنَّ مِنْ أَجْمَلِ الْجَمالِ الشَّعْرَ الْحَسَنَ وَنَغْمَةَ الصَّوْتِ الْحَسَنِ.

٩ ـ عَنْهُ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَعْبَدٍ، عَنْ عَبْدِاللّٰهِ بْنِ الْقاسِمِ، عَنْ

فرمود: رسول‌خدا(ص) به‌آنانکه پشت‌سرش بودند به‌اندازه تحمل وپذیرش آنها آواز را بلند می‌کرد. [۱۰۳]

۵ ـ امام صادق (ع) فرمود:
قرآن را با اِعراب بخوانید زیرا کلام عربی است.

۶ ـ امام صادق (ع) فرمود که:
خدا عز وجل به‌موسی بن عمران وحی کرد: هرگاه برابر من ایستادی چون زبون ونیازمند بایست وهرگاه تورات بخوانی آن را به‌آواز حزینی به‌من بشنوان.

۷ ـ امام صادق (ع) فرمود که:
رسول خدا(ص) فرموده است: به‌امتم کمتر از سه چیز داده نشده، زیبائی وخوش‌آوازی وقوه حافظه.

۸ ـ پیغمبر (ص) فرمود:
زیباترین زیبائی، موی زیبا ونغمهٔ آواز خوش است.

۹ ـ پیغمبر (ص) فرمود:

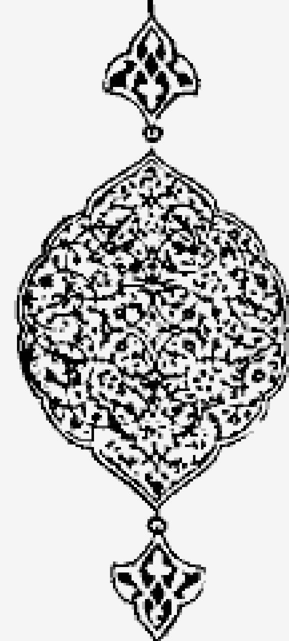


عَبْدِاللّٰهِ بْنِ سِنانٍ، عَنْ أَبي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيهِ السَّلام قالَ: النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيهِ وَآلِهِ وَسَلَّم لِكُلِّ شَيْءٍ حِلْيَةٌ وَحِلْيَةُ الْقُرْآنِ الصَّوْتُ الْحَسَنُ.

١٠ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيادٍ، عَنْ مُوسىٰ بْنِ عُمَرَ الصَّيْقَلِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسىٰ، عَنِ السَّكُونِيِّ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِسْماعِيلَ الْمِيثَمِيِّ، عَنْ رَجُلٍ، عَنْ أَبي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيهِ السَّلام قالَ: ما بَعَثَ اللّٰهُ عَزَّ وَجَلَّ نَبِيّاً إِلَّا حَسَنَ الصَّوْتِ.

١١ - سَهْلُ [بْنُ زِيادٍ] عَنِ الْحَجّالِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ عُقْبَةَ، عَنْ رَجُلٍ، عَنْ أَبي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيهِ السَّلام قالَ: كانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ صَلَواتُ اللّٰهِ عَلَيهِ أَحْسَنَ النّاسِ صَوْتاً بِالْقُرْآنِ وَكانَ السَّقّاؤُونَ يَمُرُّونَ فَيَقِفُونَ بِبابِهِ يَسْمَعُونَ قِراءَتَهُ، وَكانَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيهِ السَّلام أَحْسَنَ النّاسِ صَوْتاً.

١٢ - حُمَيْدُ بْنُ زِيادٍ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَسَدِيِّ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ الْمِيثَمِيِّ، عَنْ أَبانِ بْنِ عُثْمانَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَيْلِ قالَ: قالَ أَبُو عَبْدِاللّٰهِ عَلَيهِ السَّلام: يُكْرَهُ أَنْ يُقْرَأَ «قُلْ هُوَ اللّٰهُ أَحَدٌ» بِنَفَسٍ واحِدٍ.



١٣ - عَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبي حَمْزَةَ، عَنْ أَبي بَصِيرٍ قالَ: قُلْتُ لِأَبي جَعْفَرٍ عَلَيهِ السَّلام: إِذا قَرَأْتُ الْقُرْآنَ فَرَفَعْتُ بِهِ صَوْتِي جاءَنِي الشَّيْطانُ فَقالَ: إِنَّما تُرائِي بِهذا أَهْلَكَ وَالنّاسَ قالَ: يا أَبا مُحَمَّدٍ اقْرَأْ قِراءَةً ما بَيْنَ الْقِراءَتَيْنِ

برای هر چیزی زیوری است وزیور قرآن آواز خوش است.

۱۰ ـ از امام صادق (ع) فرمود:
خدا عز وجل هیچ پیغمبری را بر نیانگیخته جز اینکه خوش آواز باشد.

۱۱ ـ امام صادق (ع) فرمود که:
علی بن الحسین (ع) از همه کس خوش آوازتر قرآن می‌خواند وچون سقّاها می‌گذشتند وبه‌در خانهٔ او می‌رسیدند بر درِ خانه‌اش می‌ایستادند وقرآن خواندنِ او را گوش می‌دادند وامام باقر(ع) هم از همه خوش‌آوازتر بود.

۱۲ ـ امام صادق (ع) فرمود:
بد است که سورهٔ قل هو الله احد با یک نفس خوانده شود.

۱۳ ـ از ابی بصیر گوید: به‌امام باقر(ع) گفتم: هرگاه قرآن را بلند بخوانم شیطانم آید وگوید: تو با این کار به‌خاندان خود ومردمِ دیگر خودنمائی می‌کنی.
فرمود: ای محمد، تو با آواز متوسطی قرآن بخوان که

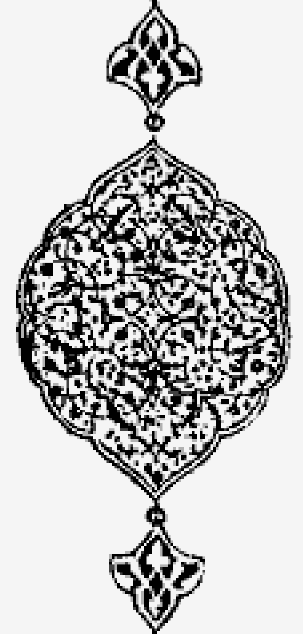


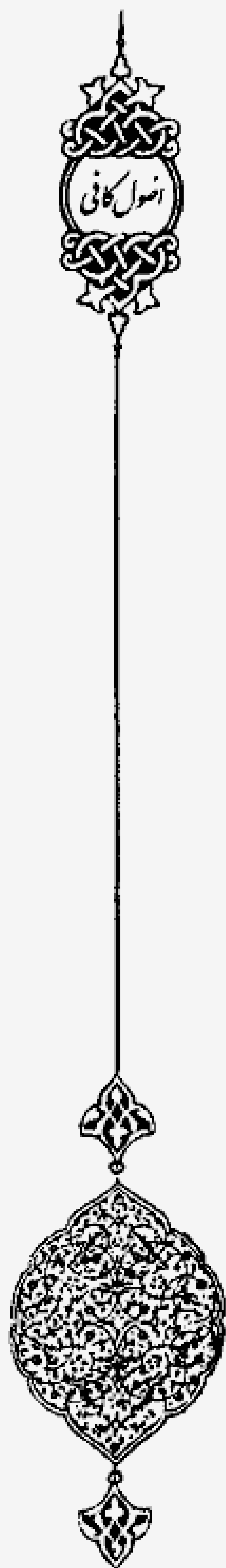
تُسْمِعُ أَهْلَكَ وَرَجِّعْ بِالْقُرْآنِ صَوْتَكَ فَإِنَّ اللّٰهَ عَزَّ وَجَلَّ يُحِبُّ الصَّوْتَ الْحَسَنَ يُرَجَّعُ فِيهِ تَرْجِيعاً.

بابٌ فِيمَنْ يُظْهِرُ الْغَشْيَةَ عِنْدَ قِراءَةِ الْقُرْآنِ

١ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيادٍ، عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ إِسْحاقَ الضَّبِّيِّ، عَنْ أَبِي عِمْرانَ الْأَرْمَنِيِّ، عَنْ عَبْدِاللّٰهِ بْنِ الْحَكَمِ، عَنْ جابِرٍ، عَنْ أَبي جَعْفَرٍ عليه السّلام قالَ: قُلْتُ: إِنَّ قَوْماً إِذا ذَكَرُوا شَيْئاً مِنَ الْقُرْآنِ أَوْ حُدِّثُوا بِهِ صَعِقَ أَحَدُهُمْ حَتّىٰ يُرىٰ أَنَّ أَحَدَهُمْ لَوْ قُطِعَتْ يَداهُ أَوْ رِجْلاهُ لَمْ يَشْعُرْ بِذٰلِكَ؟ فَقالَ: سُبْحانَ اللّٰهِ ذاكَ مِنَ الشَّيْطانِ، ما بِهٰذا نُعِتُوا، إِنَّما هُوَ اللِّينُ وَالرِّقَّةُ وَالدَّمْعَةُ وَالْوَجَلُ.

أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَسّانٍ، عَنْ أَبِي عِمْرانَ الْأَرْمَنِيِّ، عَنْ عَبْدِاللّٰهِ بْنِ الْحَكَمِ، عَنْ جابِرٍ، عَنْ أَبي جَعْفَرٍ عليه السّلام مِثْلَهُ.





خاندانت بشنوند ودر خواندن قرآن آوازت را چرخ بده زیرا خدا عز وجل دوست دارد آواز خوب را که در آن چرخ دادن باشد.

باب در کسی که هنگام قرآن خواندن خود را به‌غش می‌زند

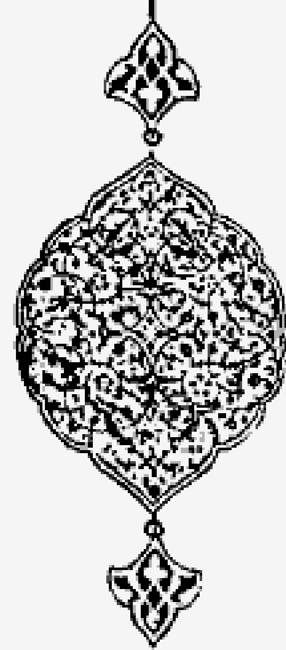
۱ ـ جابر گوید: به‌امام باقر(ع) گفتم: مردمی باشند که چون به‌آیه‌ای از قرآن یادآوری شوند یا برای آنها باز گفته شود یکی از آنان بیهوش می‌شود تا چنان می‌نماید که اگر دستش یا پایش را ببرند نمی‌فهمد، فرمود: سبحان‌الله این کار شیطانی است به‌این کار توصیف نشدند ومأمور نیستند همانا تأثر از قرآن به‌نرمش ورقّت قلب واشک ریختن وهراس است.



بابٌ فِي كَمْ يُقرَأُ القُرآنُ وَيُخْتَمُ

١ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ حَمّادٍ، عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْمُخْتارِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِاللّٰهِ قالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِاللّٰهِ عليه السّلام: أَقْرَأُ الْقُرْآنَ فِي لَيْلَةٍ؟ قالَ: لا يُعْجِبُنِي أَنْ تَقْرَأَهُ فِي أَقَلَّ مِنْ شَهْرٍ.

٢ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيادٍ، عَنْ بَعْضِ أَصْحابِهِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ قالَ: دَخَلْتُ عَلىٰ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عليه السّلام فَقالَ لَهُ أَبُو بَصِيرٍ: جُعِلْتُ فِداكَ أَقْرَأُ الْقُرْآنَ فِي شَهْرِ رَمَضانَ فِي لَيْلَةٍ؟ فَقالَ: لا، قالَ: فَفِي لَيْلَتَيْنِ؟ قالَ: لا، قالَ: فَفِي ثَلاثٍ؟ قالَ: ها (وَأَشارَ بِيَدِهِ) ثُمَّ قالَ: يا أَبا مُحَمَّدٍ إِنَّ لِرَمَضانَ حَقّاً وَحُرْمَةً لا يُشْبِهُهُ شَيْءٌ مِنَ الشُّهُورِ وَكانَ أَصْحابُ مُحَمَّدٍ صلّى الله عليه وآله وسلّم يَقْرَأُ أَحَدُهُمُ الْقُرْآنَ فِي شَهْرٍ أَوْ أَقَلَّ، إِنَّ الْقُرْآنَ لا يُقْرَأُ هَذْرَمَةً وَلٰكِنْ يُرَتَّلُ تَرْتِيلاً فَإِذا مَرَرْتَ بِآيَةٍ فِيها ذِكْرُ الْجَنَّةِ فَقِفْ عِنْدَها وَسَلِ اللّٰهَ عَزَّ وَجَلَّ الْجَنَّةَ وَإِذا مَرَرْتَ بِآيَةٍ فِيها ذِكْرُ النّارِ فَقِفْ عِنْدَها وَتَعَوَّذْ بِاللّٰهِ مِنَ النّارِ.



٣ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ النُّعْمانِ، عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ شُعَيْبٍ، عَنْ حُسَيْنِ بْنِ خالِدٍ، عَنْ أَبِي

باب در مدّتی که قرآن خوانده شود وبه‌پایان رسد

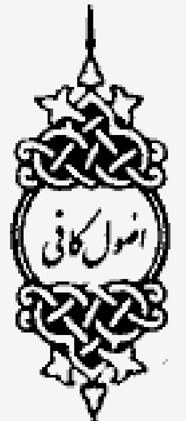
۱ ـ از محمد بن عبدالله گوید: به‌امام صادق (ع) گفتم: من قرآن را در یک شب بخوانم؟

فرمود: من‌خوش ندارم که در کمتر از یک ماه آن‌را بخوانی.

۲ ـ از علی بن ابی حمزه گوید: به‌امام صادق (ع) وارد شدم وابو بصیر به‌او عرض کرد: قربانت در ماه رمضان همه قرآن را در یک شب بخوانم؟

فرمود: نه، گفت: در دو شب؟ فرمود: نه، گفت: در سه شب؟ فرمود: ها، وبادست خود اشاره کرد (یعنی بخوان) سپس فرمود: ای ابامحمد، راستی برای ماه رمضان حق وحرمتی است که هیچکدام از ماه‌ها بدان نمانند واصحاب محمد (ص) همه قرآن را در یک ماه یا کمتری می‌خواندند، راستی قرآن با شتاب و درهم ورهم خوانده نشود ولی باید با آرامی وتأنّی خوانده شود، هرگاه به آیه‌ای گذری که در آن ذکر بهشت است در نزد آن ایست کن واز خدا عز وجل بهشت بخواه، وهرگاه به آیه‌ای گذری که در آن ذکر دوزخ است در نزد آن ایست کن واز دوزخ به‌خدا پناه بر. [۱۰۴]

۳ ـ از حسن بن خالد گوید: به‌امام صادق (ع) گفتم: در چند روز قرآن را بخوانم؟

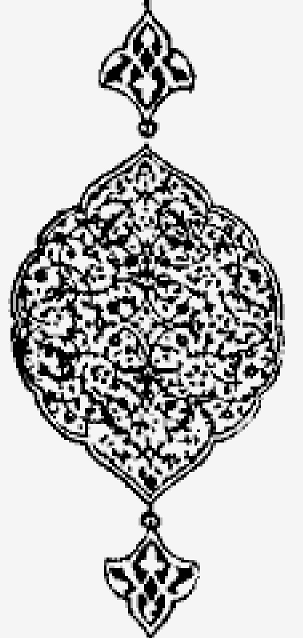


عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: قُلْتُ لَهُ: فِي كَمْ أَقْرَأُ الْقُرْآنَ؟ فَقالَ: اقْرَأْهُ أَخْماساً، اقْرَأْهُ أَسْباعاً، أَما إِنَّ عِنْدِي مُصْحَفاً مُجَزًّى أَرْبَعَةَ عَشَرَ جُزْءاً.

٤ــ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خالِدٍ، عَنْ يَحْيَىٰ بْنِ إِبْراهِيمَ بْنِ أَبِي الْبِلادِ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْمُغِيرَةِ، عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: قُلْتُ لَهُ: إِنَّ أَبِي سَأَلَ جَدَّكَ عَنْ خَتْمِ الْقُرْآنِ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ، فَقالَ لَهُ جَدُّكَ: فِي كُلِّ لَيْلَةٍ. فَقالَ لَهُ: فِي شَهْرِ رَمَضانَ، فَقالَ لَهُ جَدُّكَ: فِي شَهْرِ رَمَضانَ فَقالَ لَهُ أَبِي: نَعَمْ مَا اسْتَطَعْتُ.

فَكانَ أَبِي يَخْتِمُهُ أَرْبَعِينَ خَتْمَةً فِي شَهْرِ رَمَضانَ، ثُمَّ خَتَمْتُهُ بَعْدَ أَبِي فَرُبَّما زِدْتُ وَرُبَّما نَقَصْتُ عَلَىٰ قَدْرِ فَراغِي وَشُغْلِي وَنَشاطِي وَكَسَلِي فَإِذا كانَ يَوْمُ الْفِطْرِ جَعَلْتُ لِرَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّم خَتْمَةً وَلِعَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلام أُخْرىٰ وَلِفاطِمَةَ عَلَيْها السَّلام أُخْرىٰ، ثُمَّ لِلْأَئِمَّةِ عَلَيْهِم السَّلام حَتَّىٰ انْتَهَيْتُ إِلَيْكَ فَصَيَّرْتُ لَكَ واحِدَةً مُنْذُ صِرْتُ فِي هذا الْحالِ فَأَيُّ شَيْءٍ لِي بِذٰلِكَ؟ قالَ: لَكَ بِذٰلِكَ أَنْ تَكُونَ مَعَهُمْ يَوْمَ الْقِيامَةِ، قُلْتُ: اللّٰهُ أَكْبَرُ [فَ]لِي بِذٰلِكَ؟! قالَ: نَعَمْ، ثَلاثَ مَرّاتٍ.

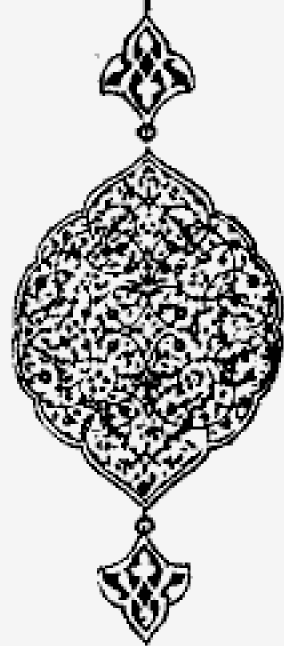
٥ــ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَىٰ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ قالَ: سَأَلَ أَبُو بَصِيرٍ أَبا عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام وَأَنَا حاضِرٌ فَقالَ لَهُ: جُعِلْتُ فِداكَ أَقْرَأُ الْقُرْآنَ فِي لَيْلَةٍ؟





فرمود: آن را پنج بخش بخوان (روزی شش جزء) یا هفت بخش بخوان (در هفت روز) امّا نزد من قرآنی است که چهارده جزوه دارد (یعنی در چهارده روز ختم می‌شود).

۴ ـ از علی بن مغیره از ابی الحسن (ع) گوید: به‌او گفتم که: پدرم از جدّت پرسیده بود از ختم قرآن در هر شب وجدّت در پاسخ او گفته بود: در هر شب، وباز به‌آن حضرت گفته بود، در خصوص ماه رمضان وجدّت در پاسخش گفته بود: در ماه رمضان، وباز پدرم به‌او گفته بود: آری تا هرچه بتوانم، وشیوهٔ پدرم این بود که در ماه رمضان چهل ختم قرآن می‌خواند ومن هم پس از پدرم آن را ختم می‌کردم وبسا که می‌افزودم وبسا که می‌کاستم به‌اندازهٔ فراغت وشغلم وبه‌اندازهٔ نشاط وکسالتم وهرگاه روز عید فطر می‌شد یک ختم را هدیه رسول‌خدا (ص) می‌کردم ویکی دیگر را هدیه علی (ع) ویکی دیگر را هدیه فاطمه (ع) وسپس برای امامان تا به‌شما می‌رسیدم وبرای شما هم یک ختم هدیه می‌کردم تا به‌این حال رسیدم، برای من در برابر این عمل چه ثوابی است؟ فرمود: ثواب تو این است که روز قیامت با آنها هستی، گفتم: اللّٰه اکبر! ثواب من این است؟ تا سه بارفرمود: آری.



۵ ـ از علی بن ابی حمزه گوید: من حاضر بودم که ابوبصیر از امام صادق (ع) پرسید، به‌او گفت: قربانت، من قرآن را در یک شب بخوانم؟ فرمود: نه، گفت: در دو شب بخوانم؟ فرمود: نه، تا



فَقالَ: لا، فَقالَ: فِي لَيْلَتَيْنِ؟ فَقالَ: لا حَتّىٰ بَلَغَ سِتَّ لَيالٍ فَأَشارَ بِيَدِهِ فَقالَ: ها، ثُمَّ قالَ أَبُو عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام: يا أَبا مُحَمَّدٍ إِنَّ مَنْ كانَ قَبْلَكُمْ مِنْ أَصْحابِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّم كانَ يَقْرَأُ الْقُرْآنَ فِي شَهْرٍ وَأَقَلَّ، إِنَّ الْقُرْآنَ لا يُقْرَأُ هَذْرَمَةً وَلٰكِنْ يُرَتَّلُ تَرْتِيلاً إِذا مَرَرْتَ بِآيَةٍ فِيها ذِكْرُ النّارِ وَقَفْتَ عِنْدَها وَتَعَوَّذْتَ بِاللّٰهِ مِنَ النّارِ، فَقالَ أَبُو بَصِيرٍ: أَقْرَأُ الْقُرْآنَ فِي رَمَضانَ فِي لَيْلَةٍ؟ فَقالَ: لا، فَقالَ: فِي لَيْلَتَيْنِ؟ فَقالَ: لا، فَقالَ: فِي ثَلاثٍ؟ فَقالَ: ها ـ وَأَوْمَأَ بِيَدِهِ ـ نَعَمْ شَهْرُ رَمَضانَ لا يُشْبِهُهُ شَيْءٌ مِنَ الشُّهُورِ، لَهُ حَقٌّ وَحُرْمَةٌ، أَكْثِرْ مِنَ الصَّلاةِ مَا اسْتَطَعْتَ.

بابُ أَنَّ الْقُرْآنَ يُرْفَعُ كَما أُنْزِلَ

١ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ النَّوْفَلِيِّ، عَنِ السَّكُونِيِّ، عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: قالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّم إِنَّ الرَّجُلَ الْأَعْجَمِيَّ مِنْ أُمَّتِي لَيَقْرَأُ الْقُرْآنَ بِعَجَمِيَّةٍ فَتَرْفَعُهُ الْمَلائِكَةُ عَلىٰ عَرَبِيَّةٍ.

٢ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيادٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سُلَيْمانَ، عَنْ بَعْضِ أَصْحابِهِ، عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: قُلْتُ لَهُ:

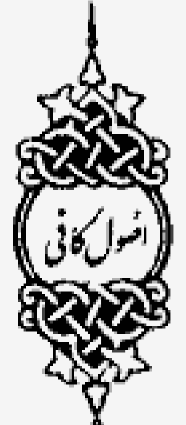
رسید به‌شش شب وامام با دستِ خود اشاره کرد: ها (یعنی بخوان)، سپس امام صادق (ع) فرمود: ای ابامحمد راستی آنها که از اصحاب محمد (ص) پیش از شماها بودند قرآن را در یک ماه وکمتر می‌خواندند، راستی قرآن را به‌شتاب وسرسری نباید خواند ولی باید به‌آرامی خوانده شود وچون به‌آیه رسی که در آن ذکرِ دوزخ است، در سرِ آن بایستی واز دوزخ به‌خدا پناه بری. پس ابو بصیر گفت: در ماه رمضان همهٔ قرآن را در یک شب بخوانم؟ فرمود: نه، گفت: در دو شب؟ فرمود: نه، گفت: در سه شب؟ فرمود: ها ـ وبا دستِ خود اشاره کرد ـ آری ماه رمضان است که هیچکدام از ماه‌ها بدان نمانند برای آن حق وحرمتی است، نماز را هرچه توانی بخوان (یعنی در ماه رمضان). [۱۰۵]

باب اینکه قرآن چنانچه نازل شده وبه‌عبارت درست بالا برده شود

۱ ـ از سکونی از امام صادق (ع) فرمود: پیغمبر (ص) فرموده است:

راستی مرد غیر عرب از امتم قرآن را عجمی (بی تجوید وبااعراب غلط) می‌خواند وفرشته‌ها آن را به‌عربی درست به‌درگاه خدا بالا برند.

۲ ـ از یکی از اصحابش از ابی‌الحسن (ع) گوید: به‌او گفتم: قربانت راستی ما آیاتی در قرآن می‌شنویم که آنها در نزد ما چنان



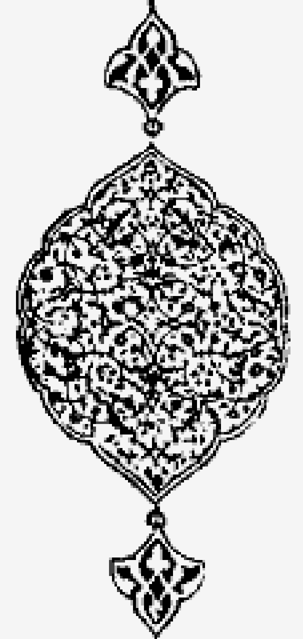
جُعِلْتُ فِداكَ إنّا نَسْمَعُ الْآياتِ فِي الْقُرْآنِ لَيْسَ هِيَ عِنْدَنا كَما نَسْمَعُها وَلا نُحْسِنُ أَنْ نَقْرأها كَما بَلَغَنا عَنْكُمْ، فَهَلْ نَأْثَمُ؟ فَقالَ:

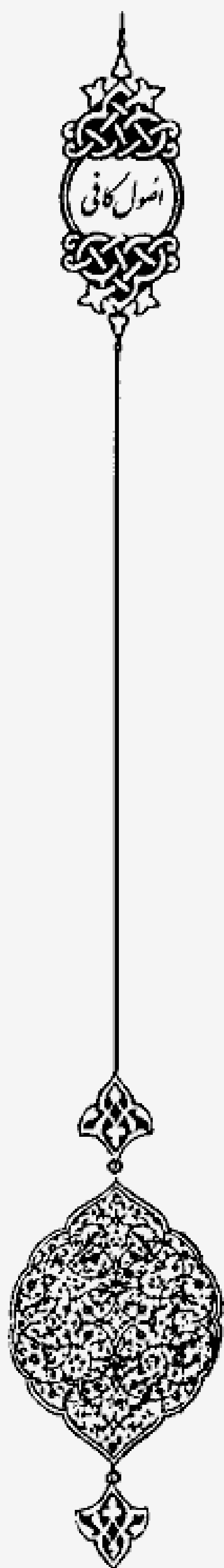
لا، إقْرَؤُوا كَما تَعَلَّمْتُمْ فَسَيَجِيئُكُمْ مَنْ يُعَلِّمُكُمْ.

بابُ فَضْلِ الْقُرْآنِ

١ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسىٰ، عَنْ بَدْرٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوانَ، عَنْ أَبي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: مَنْ قَرَأَ قُلْ هُوَ اللّٰهُ أَحَدٌ مَرَّةً بُورِكَ عَلَيْهِ، وَمَنْ قَرَأها مَرَّتَيْنِ بُورِكَ عَلَيْهِ وَعَلىٰ أَهْلِهِ، وَمَنْ قَرَأها ثَلاثَ مَرّاتٍ بُورِكَ عَلَيْهِ وَعَلىٰ أَهْلِهِ وَعَلىٰ جِيرانِهِ، وَمَنْ قَرَأَها اثْنَيْ عَشَرَ مَرَّةً بَنَى اللّٰهُ لَهُ اثْنَيْ عَشَرَ قَصْراً فِي الْجَنَّةِ فَيَقُولُ الْحَفَظَةُ:

اذْهَبُوا بِنا إلىٰ قُصُورِ أَخِينا فُلانٍ فَنَنْظُرَ إلَيْها، وَمَنْ قَرَأها مِائَةَ مَرَّةٍ غُفِرَتْ لَهُ ذُنُوبُ خَمْسَةٍ وَعِشْرِينَ سَنَةٍ ما خَلا الدِّماءَ وَالْأَمْوالَ، وَمَنْ قَرَأها أَرْبَعَمائَةِ مَرَّةٍ كانَ لَهُ أَجْرُ أَرْبَعِمائَةِ شَهِيدٍ كُلُّهُمْ قَدْ عُقِرَ جَوادُهُ وَأُرِيقَ دَمُهُ، وَمَنْ قَرَأها أَلْفَ مَرَّةٍ فِي يَوْمٍ وَلَيْلَةٍ لَمْ يَمُتْ حَتّىٰ يَرىٰ مَقْعَدَهُ فِي الْجَنَّةِ أَوْ يُرىٰ لَهُ.





نیستند که می‌شنویم وما نمی‌توانیم آنها را چنانچه از شما به‌ما رسیده بخوانیم، آیا گنهکاریم؟

فرمود: نه، همچنانکه آموختید بخوانید به‌زودی نزد شما آید کسی که به‌شما بیاموزد.

باب فضل قرآن

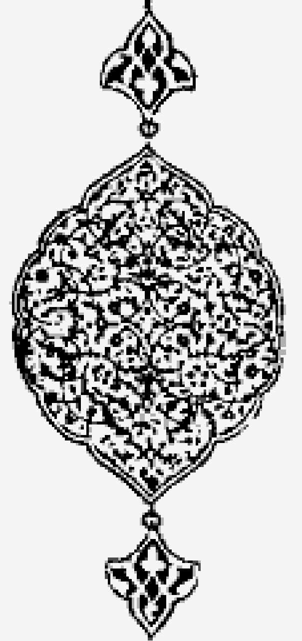
۱ ـ از محمد بن مروان از امام محمد باقر(ع) فرمود: هرکس یک‌بار قل هو الله احد را بخواند خودش مبارک شود وهرکه دو بار بخواند خودش وخاندانش مبارک شوند وهرکه سه بار آن را بخواند خودش وخاندانش وهمسایه‌هایش مبارک شوند وهرکه دوازده بار آن را بخواند خدا دوازده کاخ در بهشت برایش بنا کند وفرشته‌های نگهبان گویند: بیائید برویم به‌کاخ‌های فلان برادرِ خود وآنها را تماشا کنیم! وهرکه آن را صد بار بخواند، گناهانِ بیست وپنج ساله‌اش آمرزیده شود جز خون ناحق واموال، وهرکه آن را چهارصد بار بخواند ثواب چهارصد شهید برد که همه اسب خود را در راه خدا پی کرده وخونش ریخته شده است، وهرکه در یک شبانه‌روز آن را هزار بار بخواند نمیرد تا جایگاه خود را در بهشت ببیند یا به‌او نموده شود. [۱۰۶]



٢ ـ حُمَيْدُ بْنُ زِيادٍ، عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ الْمِيثَمِيِّ، عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ شُعَيْبٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: لَمّا أَمَرَ اللّٰهُ عَزَّ وَجَلَّ هٰذِهِ الْآياتِ أَنْ يَهْبِطْنَ إِلَى الْأَرْضِ تَعَلَّقْنَ بِالْعَرْشِ وَقُلْنَ أَيْ رَبِّ إِلىٰ أَيْنَ تُهْبِطُنا إِلىٰ أَهْلِ الْخَطايا وَالذُّنُوبِ فَأَوْحَى اللّٰهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِنَّ: أَنِ اهْبِطْنَ فَوَعِزَّتِي وَجَلالِي لا يَتْلُو كُنَّ أَحَدٌ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ وَشِيعَتِهِمْ فِي دُبُرِ ما افْتَرَضْتُ عَلَيْهِ مِنَ الْمَكْتُوبَةِ فِي كُلِّ يَوْمٍ إِلَّا نَظَرْتُ إِلَيْهِ بِعَيْنِيَ الْمَكْنُونَةِ فِي كُلِّ يَوْمٍ سَبْعِينَ نَظْرَةً أَقْضِي لَهُ فِي كُلِّ نَظْرَةٍ سَبْعِينَ حاجَةً وَقَبِلْتُهُ عَلىٰ ما فِيهِ مِنَ الْمَعاصِي وَهِيَ أُمُّ الْكِتابِ وَ«شَهِدَ اللّٰهُ أَنَّهُ لا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ» وَآيَةُ الْكُرْسِيِّ وَآيَةُ الْمُلْكِ.

٣ ـ أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَسّانٍ، عَنْ إِسْماعِيلَ بْنِ مِهْرانَ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ ابْنِ أَبِي حَمْزَةَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سُكَيْنٍ، عَنْ عَمْرِو بْنِ شِمْرٍ، عَنْ جابِرٍ قالَ: سَمِعْتُ أَبا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلام يَقُولُ: مَنْ قَرَأَ الْمُسَبِّحاتِ كُلَّها قَبْلَ أَنْ يَنامَ لَمْ يَمُتْ حَتّىٰ يُدْرِكَ الْقائِمَ وَإِنْ ماتَ كانَ فِي جِوارِ مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّم.

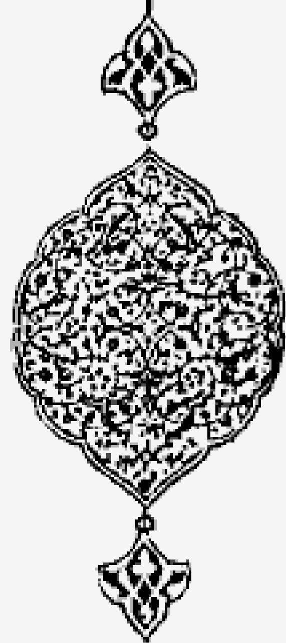
٤ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ النُّعْمانِ، عَنْ عَبْدِاللّٰهِ بْنِ طَلْحَةَ، عَنْ جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: قالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّم: مَنْ قَرَأَ قُلْ هُوَ اللّٰهُ أَحَدٌ مِائَةَ مَرَّةٍ حِينَ يَأْخُذُ مَضْجَعَهُ غَفَرَ اللّٰهُ لَهُ ذُنُوبَ خَمْسِينَ سَنَةً.





۲ ـ از یعقوب بن شعیب از امام صادق (ع) فرمود: چون خدا عز وجل این سه آیه را فرمان داد که به‌زمین فرود آیند به‌عرش در آویختند و گفتند: پروردگارا به‌کجا ما را فرود می‌کنی به‌سوی خطاکاران و گنه‌کاران؟ خدا عزوجل بدانها وحی کرد که: فرود شوید، به‌عزّت وجلالم سوگند، کسی از خاندان محمد (ص) وشیعیانشان شما را هر روزه در دنبال نماز واجب نخواند جز اینکه به‌او نظر کنم (مقصود از واجب، پنجگانهٔ شبانه‌روز است) در هر روزی هفتاد نظر مهرورزی ودر هر نظری هفتاد حاجت از او برآورم وبا هرچه گناه دارد او را بپذیرم؛ وآن آیات عبارتند از امّ‌الکتاب (سورهٔ حمد) و (۱۸ سوره آل‌عمران): «گواه است خدا که راستش این است که نیست شایستهٔ پرستشی جز او وهم گواهند فرشته‌ها ودانشمندان»، و(۲۵۵ سوره‌بقره): آیةالکرسی،و (۲۶ سوره آل‌عمران): آیهٔ‌ملك. [۱۰۷]

۳ ـ از جابر گوید: شنیدم امام باقر(ع) می‌فرمود: هرکه همه مستحبات را بخواند پیش از آنکه بخوابد نمیرد تا امام قائم(ع) را دریابد، واگر هم بمیرد در جوار محمد پیغمبر(ص) قرار گیرد. [۱۰۸]



٤ ـ رسول خدا (ص) فرمود:

هرکه وقتی به‌بستر خواب آرمید، صد بار سورهٔ قل هو اللّٰه احد بخواند، خدا گناهِ پنجاه سالش را بیامرزد.

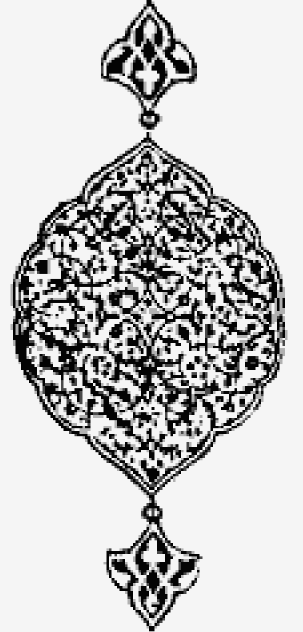


٥ ـ حُمَيْدُ بْنُ زِيادٍ، عَنِ الْخَشّابِ، عَنِ ابْنِ بَقّاحٍ، عَنْ مُعاذٍ، عَنْ عَمْرِو بْنِ جُمَيْعٍ، رَفَعَهُ إِلىٰ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عليهما السّلام قالَ: قالَ رَسُولُ اللّٰهِ صلّى اللّه عليه وآله وسلّم: «مَنْ قَرَأَ أَرْبَعَ آياتٍ مِنْ أَوَّلِ الْبَقَرَةِ وَآيَةَ الْكُرْسِيِّ وَآيَتَيْنِ بَعْدَها وَثَلاثَ آياتٍ مِنْ آخِرِها لَمْ يَرَ فِي نَفْسِهِ وَمالِهِ شَيْئاً يُكْرِهُهُ وَلا يَقْرُبُهُ شَيْطانٌ وَلا يَنْسَىٰ الْقُرْآنَ.

٦ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ، عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ، عَنْ رَجُلٍ، عَنْ أَبي جَعْفَرٍ عليه السّلام قالَ: مَنْ قَرَأَ إِنّا أَنْزَلْناهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ، يَجْهَرُ بِها صَوْتَهُ كانَ كَالشّاهِرِ سَيْفَهُ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ، وَمَنْ قَرَأَها سِرّاً كانَ كَالْمُتَشَحِّطِ بِدَمِهِ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ، وَمَنْ قَرَأَها عَشْرَ مَرّاتٍ غُفِرَتْ لَهُ عَلىٰ نَحْوِ أَلْفِ ذَنْبٍ مِنْ ذُنُوبِهِ.

٧ ـ أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِالْجَبّارِ، عَنْ صَفْوانَ بْنِ يَحْيىٰ، عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ شُعَيْبٍ، عَنْ أَبي عَبْدِاللّٰهِ عليه السّلام قالَ: كانَ أَبي صلوات اللّه عليه يَقُولُ: «قُلْ هُوَ اللّٰهُ أَحَدٌ» ثُلْثُ الْقُرْآنِ وَ«قُلْ يا أَيُّها الْكافِرُونَ» رُبْعُ الْقُرْآنِ.

٨ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْجَهْمِ، عَنْ إِبْراهِيمَ بْنِ مِهْزَمٍ، عَنْ رَجُلٍ سَمِعَ أَبَا الْحَسَنِ عليه السّلام يَقُولُ: مَنْ قَرَأَ آيَةَ الْكُرْسِيِّ عِنْدَ مَنامِهِ لَمْ يَخَفِ الْفالِجَ إِنْ شاءَ اللّٰهُ، وَمَنْ قَرَأَها فِي دُبُرِ كُلِّ فَرِيضَةٍ لَمْ يَضُرَّهُ ذُو حُمَةٍ وَقالَ: مَنْ قَدَّمَ قُلْ هُوَ اللّٰهُ أَحَدٌ بَيْنَهُ وَبَيْنَ جَبّارٍ مَنَعَهُ اللّٰهُ عَزَّ وَجَلَّ



۵ ـ رسول خدا(ص) فرمود:

هر که چهار آیهٔ اول سورهٔ بقره را با آیة الکرسی ودو آیه بعد از آن (یعنی از الله لا اله الا هو الحي القيّوم، تا هم فیها خالدون) وسه آیهٔ آخر سورهٔ بقره را بخواند در جان ومالش بد نبیند وشیطان به‌او نزدیک نشود وقرآن را فراموش نکند.

۶ ـ از امام باقر(ع) فرمود: هر که انّا انزلناه فی لیلة‌القدر را به‌آواز خواند چون کسی باشد که در راه خدا شمشیر کشد، وهر که آهسته بخواند چون کسی باشد که در راه خدا در خون خود غلطد، وهر که آن را ده بار بخواند به‌اندازهٔ هزار گناه از گناهانش آمرزیده شوند.

۷ ـ از امام صادق(ع) که پدرم(ع) می‌فرمود:

قل هو الله احد یک سوّم قرآن است وقل یا ایّها الکافرون یک چهارم قرآن است.

۸ ـ از مردی که شنید ابو الحسن(ع) می‌فرمود: هر که هنگام خوابیدنش آیة‌الکرسی را بخواند از درد فلج نترسد انشاءالله، وهر که آن را دنبال هر فریضه بخواند هیچ نیشدارِ زهرناکی به‌او زیان نرساند. وفرمود: هر که قل هو الله احد را در برابر جبّار و زورگوئی پیش دارد خدای عز وجل او را از وی منع کند، آن را از پیش روی

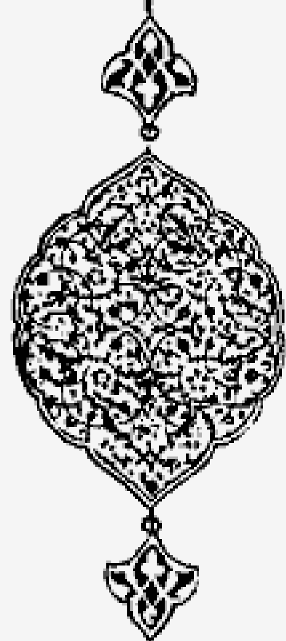


مِنْهُ، يَقْرَأُها مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ وَعَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ شِمالِهِ، فَإِذا فَعَلَ ذٰلِكَ رَزَقَهُ اللّٰهُ عَزَّ وَجَلَّ خَيْرَهُ وَمَنَعَهُ مِنْ شَرِّهِ، وَقالَ: إِذا خِفْتَ أَمْراً فَاقْرَأْ مِائَةَ آيَةٍ مِنَ الْقُرْآنِ مِنْ حَيْثُ شِئْتَ ثُمَّ قُلِ: اللّٰهُمَّ اكْشِفْ عَنِّي الْبَلاءَ ـ ثَلاثَ مَرّاتٍ ـ.

٩ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ، عَنْ إِسْحاقَ بْنِ عَمّارٍ، عَنْ أَبي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلامُ قالَ: مَنْ قَرَأَ مِائَةَ آيَةٍ يُصَلِّي بِها فِي لَيْلَةٍ كَتَبَ اللّٰهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ بِها قُنُوتَ لَيْلَةٍ وَمَنْ قَرَأَ مِائَتَيْ آيَةٍ فِي غَيْرِ صَلاةٍ لَمْ يُحاجَّهُ الْقُرْآنُ يَوْمَ الْقِيامَةِ، وَمَنْ قَرَأَ خَمْسَمِائَةَ آيَةٍ فِي يَوْمٍ وَلَيْلَةٍ فِي صَلاةِ النَّهارِ وَاللَّيْلِ كَتَبَ اللّٰهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ فِي اللَّوْحِ الْمَحْفُوظِ قِنْطاراً مِنَ الْحَسَناتِ وَالْقِنْطارُ أَلْفٌ وَمِائَتا أُوقِيَّةٍ، وَالْأُوقِيَّةُ أَعْظَمُ مِنْ جَبَلِ أُحُدٍ.

١٠ ـ أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَسّانٍ، عَنْ إِسْماعِيلَ بْنِ مِهْرانٍ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ ابْنِ أَبِي حَمْزَةَ، عَنْ مَنْصُورِ بْنِ حازِمٍ، عَنْ أَبي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلامُ قالَ: مَنْ مَضىٰ بِهِ يَوْمٌ واحِدٌ فَصَلّىٰ فِيهِ بِخَمْسِ صَلَواتٍ وَلَمْ يَقْرَأْ فِيها بِقُلْ هُوَ اللّٰهُ أَحَدٌ قِيلَ لَهُ: يا عَبْدَ اللّٰهِ لَسْتَ مِنَ الْمُصَلِّينَ.

١١ ـ وَبِهٰذا الْإِسْنادِ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ، عَنْ أَبي بَكْرٍ الْحَضْرَمِيِّ، عَنْ أَبي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلامُ قالَ: مَنْ كانَ يُؤْمِنُ بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلا يَدَعُ أَنْ يَقْرَأَ فِي دُبُرِ الْفَرِيضَةِ بِقُلْ هُوَ اللّٰهُ أَحَدٌ،



واز پشت سر واز سمت راست واز سمت چپِ خود بخواند وچون چنین کند، خدا عز وجل خیر او را بهرهٔ وی کند وشرّش را از او باز دارد، وفرمود: چون از امری بترسی صد آیه از قرآن بخوان از هر کجا خواهی سپس سه بار بگو: خدایا بلا را از من برطرف کن.

۹ ـ از امام صادق (ع) فرمود: هرکه صد آیه را در نماز شب بخواند، خدا عز وجل برایش عبادت یک شب را ثبت کند وهرکه ۲۰۰ آیه در جز نماز بخواند، قرآن روز قیامت با او ستیزه نکند، وهرکه در شبانه‌روز در نمازِ روز وشب پانصد آیه بخواند، خدا عز وجل در لوح محفوظ برای او یک قنطار حسنه نویسد وهر قنطاری هزار ودویست اوقیه است وهر اوقیه از کوه اُحُد بزرگتر است.

۱۰ ـ از امام صادق (ع) فرمود:

هرکه یک روز تمام بگذرد ونماز پنجگانه را بخواند وقل هو الله احد در آنها نخواند، به‌او گفته شود: ای بندهٔ خدا تو را از نماز خوانان نیستی.

۱۱ ـ امام صادق (ع) فرمود:

هرکه ایمان به‌خدا وروزِ جزا دارد، از دست نگذارد که در دنبال هر فریضه، قل هو الله احدَ را بخواند زیرا هرکه آن را بخواند

فَإِنَّهُ مَنْ قَرَأَها جَمَعَ اللّٰهُ لَهُ خَيْرَ الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ وَغَفَرَ لَهُ وَلِوالِدَيْهِ وَما وَلَدا.

١٢ ـ عَنْهُ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ، رَفَعَهُ قالَ: قالَ أَبُو عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام: إِنَّ سُورَةَ الْأَنْعامِ نَزَلَتْ جُمْلَةً شَيَّعَها سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ حَتّىٰ أُنْزِلَتْ عَلىٰ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّم فَعَظِّمُوها وَبَجِّلُوها فَإِنَّ اسْمَ اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ فِيها فِي سَبْعِينَ مَوْضِعاً وَلَوْ يَعْلَمُ النّاسُ ما فِي قِراءَتِها ما تَرَكُوها.

١٣ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ النَّوْفَلِيِّ، عَنِ السَّكُونِيِّ، عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام: أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّم صَلّىٰ عَلىٰ سَعْدِ بْنِ مُعاذٍ فَقالَ: لَقَدْ وافىٰ مِنَ الْمَلائِكَةِ سَبْعُونَ أَلْفاً وَفِيهِمْ جَبْرَئِيلُ عَلَيْهِ السَّلام يُصَلُّونَ عَلَيْهِ فَقُلْتُ لَهُ: يا جَبْرَئِيلُ بِما يَسْتَحِقُّ صَلاتَكُمْ عَلَيْهِ؟ فَقالَ: بِقِراءَتِهِ قُلْ هُوَ اللّٰهُ أَحَدٌ قائِماً وَقاعِداً وَراكِباً وَماشِياً وَذاهِباً وَجائِياً.

١٤ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيادٍ، عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ بَشِيرٍ، عَنْ عُبَيْدِاللّٰهِ بْنِ الدِّهْقانِ، عَنْ دُرُسْتَ، عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: قالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّم: مَنْ قَرَأَ أَلْهاكُمُ التَّكاثُرُ عِنْدَ النَّوْمِ وُقِيَ فِتْنَةَ الْقَبْرِ.

١٥ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسىٰ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْماعِيلَ بْنِ بَزِيعٍ، عَنْ عَبْدِاللّٰهِ بْنِ الْفَضْلِ النَّوْفَلِيِّ، رَفَعَهُ

خدا خیر دنیا و آخرت را برایش فراهم کند واو را وپدر ومادر وفرزندانش را بیامرزد.

۱۲ ـ از امام صادق (ع) فرمود:

راستی سورهٔ انعام یک جا نازل شده است وهفتاد هزار فرشته آن را بدرقه کرده‌اند تا به‌محمد (ص) نازل شده، آن را بزرگ شمارید واحترام گذارید زیرا در هفتاد جای آن نام خدا است واگر مردم بدانند آن فوائدی که در خواندن آن است آن را ترک نکنند.

۱۳ ـ امام صادق (ع) فرمود که: پیغمبر (ص) بر جنازهٔ سعد بن معاذ نماز خواند وپس از آن فرمود:

هفتاد هزار فرشته که جبرئیل در شمار آنها بود آمدند بر جنازهٔ او نماز خواندند، من گفتم: ای جبرئیل برای چه سزاوارِ نماز خواندنِ شماها شده است؟ در پاسخ گفت: برای خواندن قل هو اللّٰه احد ایستاده ونشسته وسواره وپیاده ودر راه رفتن.

۱٤ ـ امام صادق (ع) فرمود:

رسول خدا(ص) فرموده است: هر که وقت خواب، الهیٰکم التکاثر را بخواند از فتنهٔ قبر محفوظ بماند.

۱۵ ـ از عبد اللّٰه بن فضل نوفلی حدیث را به‌معصوم رسانیده که فرمود:

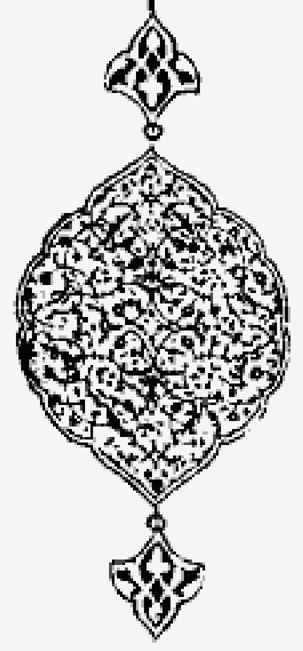


قالَ: ما قَرَأْتُ الْحَمْدَ عَلىٰ وَجَعٍ سَبْعِينَ مَرَّةً إِلَّا سَكَنَ.

١٦ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ ابْنِ أَبي عُمَيْرٍ، عَنْ مُعاوِيَةَ بْنِ عَمّارٍ، عَنْ أَبي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: لَوْ قُرِأَتِ الْحَمْدُ عَلىٰ مَيِّتٍ سَبْعِينَ مَرَّةً ثُمَّ رُدَّتْ فِيهِ الرُّوحُ ما كانَ ذٰلِكَ عَجَباً.

١٧ ـ عَنْهُ، عَنْ أَحْمَدَ، عَنْ بَكْرِ بْنِ صالِحٍ، عَنْ سُلَيْمانَ الْجَعْفَرِيِّ، عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ: ما مِنْ أَحَدٍ فِي حَدِّ الصِّبا يَتَعَهَّدُ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ قِراءَةَ قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ وَقُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النّاسِ كُلَّ واحِدَةٍ ثَلاثَ مَرّاتٍ وَقُلْ هُوَ اللّٰهُ أَحَدٌ مِائَةَ مَرَّةٍ فَإِنْ لَمْ يَقْدِرْ فَخَمْسِينَ إِلَّا صَرَفَ اللّٰهُ عَزَّ وَجَلَّ عَنْهُ كُلَّ لَمَمٍ أَوْ عَرَضٍ مِنْ أَعْراضِ الصِّبْيانِ وَالْعُطاشِ وَفَسادِ الْمِعْدَةِ وَبُدُورِ الدَّمِ أَبَداً ما تُعُوهِدَ بِهذا حَتّىٰ يَبْلُغَهُ الشَّيْبُ فَإِنْ تَعَهَّدَ نَفْسَهُ بِذٰلِكَ أَوْ تُعُوهِدَ كانَ مَحْفُوظاً إِلىٰ يَوْمِ يَقْبِضُ اللّٰهُ عَزَّ وَجَلَّ نَفْسَهُ.

١٨ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ ابْنِ أَبي عُمَيْرٍ، عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَحْمَدَ الْمِنْقَرِيِّ قالَ: سَمِعْتُ أَبا إِبْراهِيمَ عَلَيْهِ السَّلام يَقُولُ: مَنِ اسْتَكْفىٰ بِآيَةٍ مِنَ الْقُرْآنِ مِنَ الشَّرْقِ إِلَى الْغَرْبِ كُفِيَ [إِذا كانَ بِيَقِينٍ].



١٩ ـ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحاقَ، وَعَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، جَمِيعاً، عَنْ بَكْرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَزْدِيِّ، عَنْ رَجُلٍ، عَنْ أَبي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام فِي الْعَوْذَةِ قالَ: تَأْخُذُ قُلَّةً جَدِيدَةً فَتَجْعَلُ

حمد بر هیچ دردی هفتاد بار خوانده نشود جز اینکه آرام گردد.

۱۶ ـ معاویة بن عمّار از امام صادق (ع)، فرمود که:
اگر حمد را هفتاد بار بر مرده‌ای بخوانند وجان به‌تنش برگردد شگفت نباشد.

۱۷ ـ از سلیمان جعفری از ابی‌الحسن (ع) گوید: شنیدمش می‌فرمود: هیچکس نباشد که از دوران کودکی تعهّد کند که در هر شب قل اعوذ بربّ الفلق وقل اعوذ بربّ النّاس را هر کدام سه بار وقل هو اللّٰه احد را صد بار بخواند، واگر نتواند قل هو اللّٰه احد را پنجاه بار بخواند، جز اینکه خدا عز وجل هرگونه نزول وتعرّض کودکی ومرض تشنگی وفسادِ معده وجوشش خون را از او دفع کند تا وقتی بدان مواظبت کند تا پیر شود، واگر خود را پابند آن کند یا دیگری او را بر آن وادارد تا روزی که خدا عز وجل جانش را بگیرد، محفوظ بماند.

۱۸ ـ از حسین بن احمد منقری گفت: شنیدم امام کاظم (ع) می‌فرمود:
هرکه یک آیه از قرآن را برای خود کافی شناسد از شرق وغرب، او را بس باشد [هرگاه باعقیده باشد].

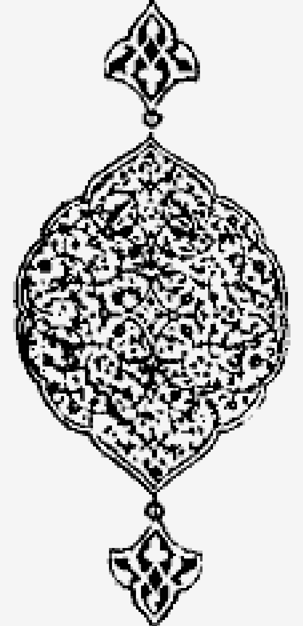
۱۹ ـ از مردی از امام صادق (ع) برای حفظ فرمود:
یک کوزهٔ تازه بگیر ودر آن آب کن وسی بار انّا انزلناه فی لیلة القدر را بر آن بخوان وسپس آن را درآویز واز آن بنوش



فِيها ماءً ثُمَّ تَقْرَأُ عَلَيْها إِنّا أَنْزَلْناهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ ثَلاثِينَ مَرَّةً ثُمَّ تُعَلِّقُ وَتَشْرَبُ مِنْها وَتَتَوَضَّأُ وَيُزَ[د]ادُ فِيها ماءٌ إِنْ شاءَ.

٢٠ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيادٍ، عَنْ إِدْرِيسَ الْحارِثِيِّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنانٍ، عَنْ مُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ قالَ: قالَ أَبُو عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام: يا مُفَضَّلُ احْتَجِزْ مِنَ النّاسِ كُلِّهِمْ بِبِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ وَبِقُلْ هُوَ اللّٰهُ أَحَدٌ، اقْرَأْها عَنْ يَمِينِكَ وَعَنْ شِمالِكَ وَمِنْ بَيْنِ يَدَيْكَ وَمِنْ خَلْفِكَ وَمِنْ فَوْقِكَ وَمِنْ تَحْتِكَ، فَإِذا دَخَلْتَ عَلىٰ سُلْطانٍ جائِرٍ فَاقْرَأْها حِينَ تَنْظُرُ إِلَيْهِ ثَلاثَ مَرّاتٍ وَاعْقِدْ بِيَدِكَ الْيُسْرىٰ ثُمَّ لا تُفارِقْها حَتّىٰ تَخْرُجَ مِنْ عِنْدِهِ.

٢١ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ عَبْدِاللّٰهِ بْنِ جَعْفَرٍ، عَنِ السَّيّارِيِّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ بَكْرٍ، عَنْ أَبِي الْجارُودِ عَنِ الْأَصْبَغِ بْنِ نُباتَةَ، عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ صَلَواتُ اللّٰهِ عَلَيْهِ أَنَّهُ قالَ: وَالَّذِي بَعَثَ مُحَمَّداً صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّم بِالْحَقِّ وَأَكْرَمَ أَهْلَ بَيْتِهِ ما مِنْ شَيْءٍ تَطْلُبُونَهُ مِنْ حِرْزٍ، مِنْ حَرْقٍ أَوْ غَرَقٍ أَوْ سَرَقٍ أَوْ إِفْلاتِ دابَّةٍ مِنْ صاحِبِها أَوْ ضالَّةٍ أَوْ آبِقٍ إِلّا وَهُوَ فِي الْقُرْآنِ، فَمَنْ أَرادَ ذٰلِكَ فَلْيَسْأَلْنِي عَنْهُ، قالَ: فَقامَ إِلَيْهِ رَجُلٌ فَقالَ: يا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ! أَخْبِرْنِي عَمّا يُؤْمِنُ مِنَ الْحَرْقِ وَالْغَرَقِ؟ فَقالَ: اقْرَأْ هٰذِهِ الْآياتِ: ((اَللّٰهُ الَّذِي نَزَّلَ الْكِتابَ وَهُوَ يَتَوَلَّى الصّالِحِينَ)) ((وَما قَدَرُوا اللّٰهَ حَقَّ قَدْرِهِ ـ إِلىٰ قَوْلِهِ ـ سُبْحانَهُ وَتَعالىٰ عَمّا يُشْرِكُونَ))، فَمَنْ قَرَأَها فَقَدْ أَمِنَ الْحَرْقَ وَالْغَرَقَ ـ قالَ: فَقَرَأَها رَجُلٌ وَاضْطَرَمَتِ النّارُ



ووضوء بساز وهرچه خواهد آب بر آن افزاید انشاءالله.

۲۰ ـ از مفضل بن عمر گوید: امام صادق (ع) فرمود:
ای مفضل، از همه مردم خود را به کلمهٔ بسم الله الرحمن الرحیم وبه‌سورهٔ قل هو الله احد نگهداری کن، آن را از سمت راستت واز سمت چپت واز پیش رویت واز پشت سرت واز بالای سر واز طرف زیر پایت بخوان وچون بر سلطان خلافکاری درآئی چون چشمت بدو افتد سه بار آن را بخوان ودست چپ را گره کن واز هم باز مکن تا از نزد او بیرون آئی.

۲۱ ـ از امیر المؤمنین(ع) که فرمود: سوگند بدانکه محمد(ص) را به‌راستی فرستاده وخاندانش را گرامی داشته هیچ چیزی نیست که آن را بجوئید از قبیل حرز ودعای حفظ از سوختن وغرق‌شدن ودزد زدگی وگریختن چهارپا از دست صاحبش وبرای یافتن گمشده وبرگشتن بندهٔ گریخته جز اینکه همه در قرآن است وهرکه آن را خواهد از من بپرسد. گوید: پس مردی برخاست وگفت: یاامیرالمؤمنین به‌من خبر ده از آنچه وسیلهٔ ایمنی از سوختن وغرق شدن است! فرمود: این آیات را بخوان: «الله الذي نزّل الكتاب وهو يتولّىٰ الصالحين» (در سورهٔ اعراف آیهٔ ۱۹۶ چنین است: انّ وليي الله الذي نزّل الكتاب وهو يتولّىٰ الصالحين) «وما قدروا الله حقّ قدره» (در سورةالزمر: والارض جميعاً قبضته يوم القيامة والسمٰوات مطويات بيمينه) الى قوله تعالى: «عمّا يشركون»، هرکه آنها را بخواند از سوختن

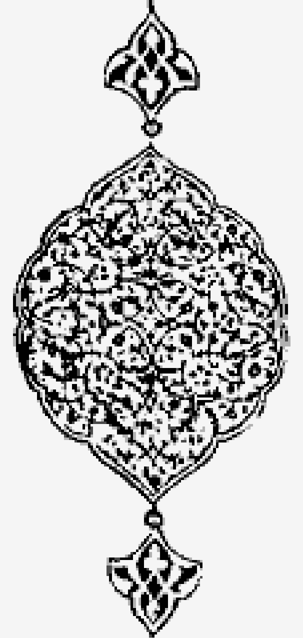


فِي بُيُوتِ جيرانِهِ وَبَيْتُهُ وَسَطَها فَلَمْ يُصِبْهُ شَيْءٌ ـ.

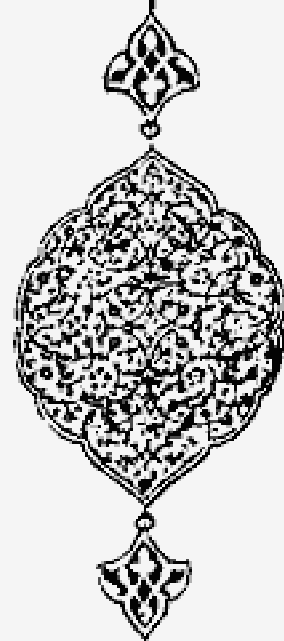
ثُمَّ قامَ إِلَيْهِ رَجُلٌ آخَرُ فَقالَ: يا أَميرَ الْمُؤْمِنينَ! إِنَّ دابَّتِي اسْتَصْعَبَتْ عَلَيَّ وَأَنَا مِنْها عَلىٰ وَجَلٍ فَقالَ: اقْرَأْ فِي أُذُنِها الْيُمْنىٰ ((وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي ٱلسَّماواتِ وَالْأَرْضِ طَوْعاً وَكَرْهاً وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ)) ـ فَقَرَأَها فَذَلَّتْ لَهُ دابَّتُهُ ـ، وَقامَ إِلَيْهِ رَجُلٌ آخَرُ فَقالَ: يا أَميرَ الْمُؤْمِنينَ! إِنَّ أَرْضِي أَرْضٌ مَسْبَعَةٌ وَإِنَّ السِّباعَ تَغْشىٰ مَنْزِلِي وَلا تَجُوزُ حَتّىٰ تَأْخُذَ فَرِيسَتَها فَقالَ: اقْرَأْ ((لَقَدْ جاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ ما عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ ٱللّٰهُ لا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ ٱلْعَرْشِ ٱلْعَظِيمِ)) ـ فَقَرَأَهُما الرَّجُلُ فَاجْتَنَبَتْهُ السِّباعُ، ثُمَّ قامَ إِلَيْهِ آخَرُ فَقالَ: يا أَميرَ الْمُؤْمِنينَ! إِنَّ فِي بَطْنِي ماءً أَصْفَرَ فَهَلْ مِنْ شِفاءٍ؟ فَقالَ: نَعَمْ بِلا دِرْهَمٍ وَلا دِينارٍ وَلٰكِنِ اكْتُبْ عَلىٰ بَطْنِكَ آيَةَ الْكُرْسِيِّ وَتَغْسِلُها وَتَشْرَبُها وَتَجْعَلُها ذَخِيرَةً فِي بَطْنِكَ فَتَبْرَءُ بِإِذْنِ اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ ـ فَفَعَلَ الرَّجُلُ فَبَرِأَ بِإِذْنِ اللّٰهِ ـ.

ثُمَّ قامَ إِلَيْهِ آخَرُ فَقالَ: يا أَميرَ الْمُؤْمِنينَ! أَخْبِرْنِي عَنِ الضّالَّةِ؟ فَقالَ:

اقْرَأْ يس فِي رَكْعَتَيْنِ وَقُلْ: يا هادِيَ الضّالَّةِ رُدَّ عَلَيَّ ضالَّتِي ـ فَفَعَلَ فَرَدَّ اللّٰهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَيْهِ ضالَّتَهُ ـ، ثُمَّ قامَ إِلَيْهِ آخَرُ فَقالَ: يا أَميرَ الْمُؤْمِنينَ! أَخْبِرْنِي عَنِ الْآبِقِ فَقالَ: اقْرَأْ ((أَوْ كَظُلُماتٍ فِي بَحْرٍ لُجِّيٍّ يَغْشاهُ مَوْجٌ مِنْ فَوْقِهِ مَوْجٌ (إِلىٰ قَوْلِهِ) وَمَنْ لَمْ يَجْعَلِ ٱللّٰهُ لَهُ نُوراً فَما لَهُ مِنْ



وغرق شدن در امان است. گوید: مردی آنها را خواند وآتش در خانه‌های همسایگانش درگرفت وخانهٔ او میان آنها بود وهیچ آسیبی بدان نرسید. سپس مردی دیگر نزدِ آن حضرت بپاخاست و گفت: یاامیرالمؤمنین راستی که چهارپای من چموشی می‌کند ومن از آن در ترس وهراسم! فرمود: در گوش راستش بخوان (۸۳ سوره آل‌عمران): «ولهُ أسلمَ من في السمٰوات والارض طوعاً وكرهاً واليه ترجعون»، وآن را خواند وآن چهارپا رام شد. مرد دیگری برخاست و گفت: یاامیرالمؤمنین راستی که سرزمین زندگی من، سرزمین پُر درنده‌ای است ودرنده‌ها به‌خانهٔ من درآیند وبرنگردند تا شکار خود را بگیرند! فرمود: این آیه را بخوان (۱۳۸ سوره توبه): «لقد جائكم رسولٌ من انفسكم عزيزٌ عليهِ ما عنتّم حريصٌ عليكم بالمؤمنين رؤوفٌ رحيم» (۱۳۹): «فان تولّوا فقل حسبي الله لا اله الا هو عليهِ توكلت وهو ربّ العرش العظيم» وآن مرد آنها را خواند ودرنده‌ها از او کناره گرفتند. سپس مردی دیگری خدمت او برخاست و گفت: یاامیرالمؤمنین در شکمِ من آب زرد است(بیماری بوده) آیا وسیلهٔ شفائی دارد؟ فرمود: آری، بی مصرف کردن درهم ودینار، آیة الکرسی را بر شکم خود بنویس وآن را بشوی وبنوش وآن را پس انداز کن در شکمت، به‌اذن خدا عز وجل بهبود می‌شوی، وآن مرد چنین کرد وبهبود یافت. سپس دیگری نزد آن حضرت برخاست وگفت: ای امیرالمؤمنین به‌من گزارشی دربارهٔ حیوان گمشده بده! فرمود: سورهٔ یس را در دو رکعت بخوان وبگو: ای رهنمای گمراه شده، حیوان گمشده‌ام را به‌من برگردان، آن کار را کرد وخدا عز وجل گمشدهٔ او را برگردانید. سپس دیگری برخاست وگفت: یاامیرالمؤمنین از بندهٔ گریخته به‌من گزارشی بده! فرمود: این آیه را بخوان (۴۰ سوره



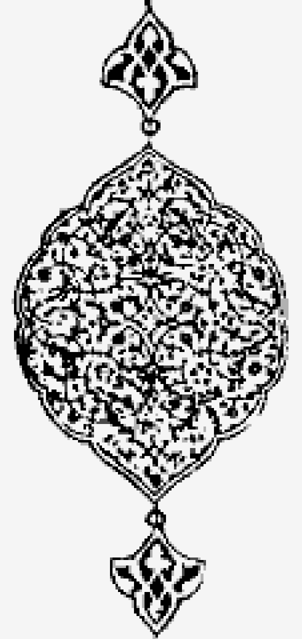


نونٍ))، فقالها الرَّجُلُ فرَجَعَ إليهِ الآبِقُ، ثُمَّ قامَ إليهِ آخَرُ فقالَ: يا أميرَ المُؤمِنينَ! أخبِرني عَنِ السَّرَقِ فإنَّهُ لا يَزالُ قَدْ يُسرَقُ لِيَ الشَّيءُ بَعدَ الشَّيءِ لَيلاً؟ فقالَ لَهُ: اقرَأْ إذا أوَيتَ إلىٰ فِراشِكَ: ((قُلِ ادْعُوا اللَّهَ أوِ ادْعُوا الرَّحمٰنَ أيّاً ما تَدعُوا (إلىٰ قَولِهِ) وكَبِّرْهُ تَكبِيراً)) ثُمَّ قالَ أميرُ المُؤمِنينَ عليه السلام: مَنْ باتَ بِأرضٍ قَفرٍ فقَرَأ هٰذِهِ الآيَةَ: ((إنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذي خَلَقَ السَّماواتِ والأرضَ في سِتَّةِ أيّامٍ ثُمَّ استَوىٰ عَلَى العَرشِ ـ إلىٰ قَولِهِ: تَبارَكَ اللَّهُ رَبُّ العالَمِينَ)) حَرَسَتْهُ المَلائِكَةُ وتَباعَدَتْ عَنهُ الشَّياطِينُ.

قالَ: فمَضىٰ الرَّجُلُ فإذا هُوَ بِقَريَةٍ خَرابٍ فباتَ فِيها ولَمْ يَقرَأْ هٰذِهِ الآيَةَ فتَغَشّاهُ الشَّيطانُ وإذا هُوَ آخِذٌ بِخَطمِهِ فقالَ لَهُ صاحِبُهُ: أنظِرْهُ واستَيقَظَ الرَّجُلُ فقَرَأ الآيَةَ فقالَ الشَّيطانُ لِصاحِبِهِ: أرغَمَ اللَّهُ أنفَكَ احرُسْهُ الآنَ حَتّىٰ يُصبِحَ، فلَمّا أصبَحَ رَجَعَ إلىٰ أميرِ المُؤمِنينَ عليه السلام فأخبَرَهُ وقالَ لَهُ: رَأيتُ في كَلامِكَ الشِّفاءَ والصِّدقَ، ومَضىٰ بَعدَ طُلُوعِ الشَّمسِ فإذا هُوَ بِأثَرِ شَعرِ الشَّيطانِ مُجتَمِعاً في الأرضِ.

۲۲ ـ مُحَمَّدُ بنُ يَحيىٰ، عَنْ أحمَدَ بنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بنِ سِنانٍ، عَنْ سَلَمَةَ بنِ مُحرِزٍ قالَ: سَمِعتُ أبا جَعفَرٍ عليه السلام يَقُولُ: مَنْ لَمْ يُبرِئْهُ الحَمدُ لَمْ يُبرِئْهُ شَيءٌ.

۲۳ ـ عِدَّةٌ مِنْ أصحابِنا، عَنْ سَهلِ بنِ زِيادٍ، عَنْ إسماعِيلَ بنِ



نور): «او کظلماتٍ في بحرٍ لجّيّ يغشاه موجٌ من فوقهِ موجٌ من فوقهِ سحاب ظلمات بعضها فوق بعض اذا اُخرج يده لم يكد يراها» تا قولش: «من لم يجعل الله له نوراً فما له من نور» وآن مرد آن را خواند وبندهٔ گریخته‌اش برگشت. سپس دیگری نزد آن حضرت ایستاد وگفت: یاامیرالمؤمنین دربارهٔ دزد بردن به‌من گزارش بده که پیوسته هر شب به‌من دزدی می‌شود! به‌او فرمود: چون به‌بسترِ خود آرمیدی این آیه را بخوان (۱۱۰ سوره‌اسراء): «قل ادعوا الله وادعوا الرحمٰن ايّاً ما تدعوا» تا «وكبّره تكبيراً». سپس امیرالمؤمنین (ع) فرمود: هرکه در بیابان بی‌سکنه شب گذراند واین آیات را بخواند (۵۴ سوره اعراف): «انّ ربّكم الله الذي خلق السمٰوات والارض في ستة ايّام ثمّ استوىٰ على العرش» تا قول خدا: «تبارك الله ربّ العالمين» فرشته‌ها او را حفظ کنند وشیاطین از او دور شوند. گوید آن مرد به‌سفر رفت ونزدیکِ ویرانه‌ای رسید وشب را در آنجا بسربرد واین آیات را نخواند وشیطان پیرامونش آمد وبینیِ او را گرفت ورفیقش به‌او گفت: به‌او مهلت بده، وآن مرد بیدار شد وآیه را خواند وشیطان به‌رفیقش گفت: خدا بینی تو را به‌خاک بمالد، اکنون او را تا صبح پاسبانی ونگهداری کن، وچون صبح کرد نزد امیرالمؤمنین (ع) برگشت وبه‌او گزارش داد وگفت: در سخنِ تو شفاء وتندرستی یافتم، وپس از برآمدن آفتاب بدانجا رفت ودیدِ جای پای شیطان در روی زمین فراهم است.

۲۲ ـ از سلمة بن محرز گوید:

شنیدم امام باقر (ع) می‌فرمود:

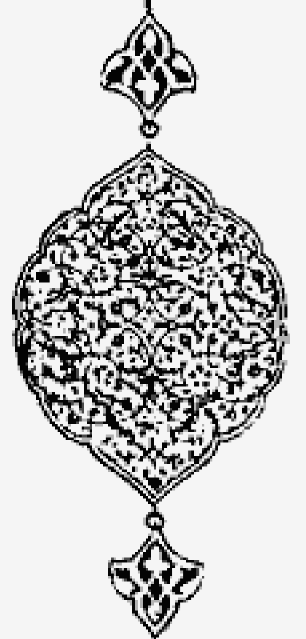
هرکه را سورهٔ حمد بهبودی نبخشد هیچ چیز او را بهبود نکند.

۲۳ ـ از امام صادق (ع) فرمود:



مَهْرانَ، عَنْ صَفْوانَ بْنِ يَحْيىٰ، عَنْ عَبْدِاللّٰهِ بْنِ سِنانٍ، عَنْ أَبي عَبْدِاللّٰهِ عليه السلام أَنَّهُ قالَ: مَنْ قَرَأَ ـ إِذا أَوىٰ إِلىٰ فِراشِهِ ـ: قُلْ يا أَيُّهَا الْكافِرُونَ وَقُلْ هُوَ اللّٰهُ أَحَدٌ كَتَبَ اللّٰهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ بَراءةً مِنَ الشِّرْكِ.

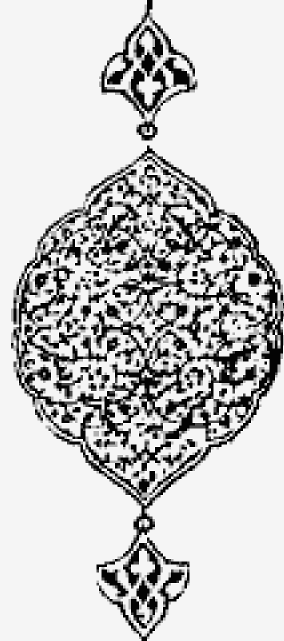
٢٤ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهيمَ، عَنْ أَبيهِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَعْبَدٍ، عَنْ أَبيهِ، عَمَّنْ ذَكَرَهُ، عَنْ أَبي عَبْدِاللّٰهِ عليه السلام أَنَّهُ قالَ: لا تَمَلُّوا مِنْ قِراءَةِ إِذا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزالَها، فَإِنَّهُ مَنْ كانَتْ قِراءَتُهُ بِها في نَوافِلِهِ لَمْ يُصِبْهُ اللّٰهُ عَزَّ وَجَلَّ بِزَلْزَلَةٍ أَبَداً وَلَمْ يَمُتْ بِها وَلا بِصاعِقَةٍ وَلا بِآفَةٍ مِنْ آفاتِ الدُّنْيا حَتّىٰ يَمُوتَ وَإِذا ماتَ نَزَلَ عَلَيْهِ مَلَكٌ كَريمٌ مِنْ عِنْدِ رَبِّهِ فَيَقْعُدُ عِنْدَ رَأْسِهِ فَيَقُولُ: يا مَلَكَ الْمَوْتِ ارْفَقْ بِوَلِيِّ اللّٰهِ فَإِنَّهُ كانَ كَثيراً ما يَذْكُرُني وَيَذْكُرُ تِلاوَةَ هٰذِهِ السُّورَةِ، وَتَقُولُ لَهُ السُّورَةُ مِثْلَ ذٰلِكَ وَيَقُولُ مَلَكُ الْمَوْتِ قَدْ أَمَرَني رَبّي أَنْ أَسْمَعَ لَهُ وَأُطيعَ وَلا أُخْرِجَ رُوحَهُ حَتّىٰ يَأْمُرَني بِذٰلِكَ فَإِذا أَمَرَني أَخْرَجْتُ رُوحَهُ وَلا يَزالُ مَلَكُ الْمَوْتِ عِنْدَهُ حَتّىٰ يَأْمُرَهُ بِقَبْضِ رُوحِهِ وَإِذا كُشِفَ لَهُ الْغِطاءُ فَيَرىٰ مَنازِلَهُ فِي الْجَنَّةِ فَيُخْرِجُ رُوحَهُ مِنْ أَلْيَنِ ما يَكُونُ مِنَ الْعِلاجِ، ثُمَّ يُشَيِّعُ رُوحَهُ إِلَى الْجَنَّةِ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ يَبْتَدِرُونَ بِها إِلَى الْجَنَّةِ.





هر کس چون به‌بستر خوابش رود، سورهٔ قل یاایّها‌الکافرون وسورهٔ قل هو اللّٰه احد بخواند خدا عز وجل برایش بر کناری از شرک را ثبت کند.

۲۴ ـ از امام صادق (ع) فرمود: از خواندن سورهٔ اذا زلزلت الارض زلزالها خسته نشوید زیرا هر که نمازهای نافلهٔ خود را با آن بخواند خدای عز وجل هرگز او را به‌زمین لرزه دچار نکند وبدان به‌برق زدگی نمیرد وبه‌هیچ آفتی در دنیا دچار نگردد تا بمیرد، وچون بمیرد یک فرشتهٔ کریمی از جانب پروردگارش بدو فرود آید وبالای سرش نشیند و گوید: ای ملک‌الموت جان دوستِ خدا را آسان بگیر زیرا که او بسیار مرا یاد می کرد، واین سوره را می‌خواند وسورهٔ اذا زلزلت هم همین سفارش را به‌ملک‌الموت می کند وملک‌الموت می گوید: پروردگارم به‌من فرمان داده که از این شخص حرف شنو باشم وفرمانِ او را برم وجانِ او را نگیرم تا خودش دستور دهد به‌من که جانِ اَو را بگیرم وچونَ خودش فرمان داد جانش را می گیرم. وپیوسته ملک‌الموت در بر او بماند تا خودش خواهد که جانش را بستاند وچون پرده از برابر دیده‌اش به کنار رود منازلِ خود را در بهشت بنگرد وجانش به‌آسانترین روشی برآید وسپسَ هفتاد هزار فرشته جانِ او را تا به‌بهشت بدرقه کنند واو را شتابان به‌بهشت رسانند.





بابُ النَّوادِرِ

١ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحمَّدِ بْنِ خالِدٍ، عَنْ إِسْماعِيلَ بْنِ مِهْرانَ، عَنْ عُبَيْسِ بْنِ هِشامٍ، عَمَّنْ ذَكَرَهُ، عَنْ أَبي جَعْفَرٍ عَلَيهِ السَّلام قالَ:

قُرّاءُ الْقُرْآنِ ثَلاثَةٌ:

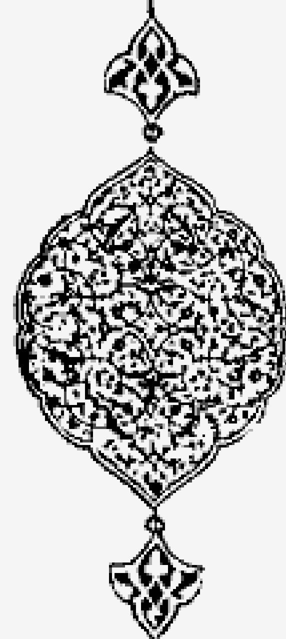
رَجُلٌ قَرَأَ الْقُرْآنَ فَاتَّخَذَهُ بِضاعَةً وَاسْتَدَرَّ بِهِ الْمُلُوكَ وَاسْتَطالَ بِهِ عَلَى النّاسِ.

وَرَجُلٌ قَرَأَ الْقُرْآنَ فَحَفِظَ حُرُوفَهُ وَضَيَّعَ حُدُودَهُ وَأَقامَهُ إِقامَةَ الْقِدْحِ فَلا كَثَّرَ اللّهُ هؤُلاءِ مِنْ حَمَلَةِ الْقُرْآنِ.

وَرَجُلٌ قَرَأَ الْقُرْآنَ فَوَضَعَ دَواءَ الْقُرْآنِ عَلى داءِ قَلْبِهِ فَأَسْهَرَ بِهِ لَيْلَهُ وَأَظْمَأَ بِهِ نَهارَهُ وَقامَ بِهِ فِي مَساجِدِهِ وَتَجافى بِهِ عَنْ فِراشِهِ.

فَبِأُولئِكَ يَدْفَعُ اللّهُ الْعَزِيزُ الْجَبّارُ الْبَلاءَ وَبِأُولئِكَ يُدِيلُ اللّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنَ الْأَعْداءِ وَبِأُولئِكَ يُنَزِّلُ اللّهُ عَزَّ وَجَلَّ الْغَيْثَ مِنَ السَّماءِ.

فَوَاللّهِ لَهؤُلاءِ فِي قُرّاءِ الْقُرْآنِ أَعَزُّ مِنَ الْكِبْرِيتِ الْأَحْمَرِ.



باب نوادر

۱ ـ از امام باقر(ع) که فرمود: قرآن خوانان سه باشند:
۱) مردی که قرآن بخواند وآن را کاسبیِ خود بحساب گیرد وپادشاهان را به‌وسیلهٔ آن بدوشد واز آنها سود برد وبه‌وسیلهٔ آن به‌مردم گردن‌فرازی ودست‌اندازی کند.
۲) کسی که قرآن را بخواند والفاظ آن را نگهداری کند ومقرراتش را از دست بنهد وآن را چون جام آب بر دست دارد وبرای سود نقدی خواهد (وآن را چون چوبهٔ تیر بی پیکان بر پا دارد که‌فرمود: معنایش این است‌که آنچه خدای عزوجل در گله وسرزنش
۳) کسی که قرآن را بخواند و بداند و داروی شفابخش آن را بر دل دردمند خود نهد وبرای آن شبها بیداری کشد(و آن را بخواند و باآن مناجات کند یا در آن مطالعه کند و از حقائق آن دریابد) و روزها را برای آن به تشنگی به سر آورد(روزه گیرد و ریاضت کشد) و در مساجد خود برای خواندن و آموختن و آموزش و ترویج آن قیام کند و از بستر آسایش و خوابش به خاطر آن دوری گزینند به آنان است که خدای عزیز جبّار بلا را بگرداند و مردم روی زمین را به هلاکت نرساند(چون طاغیان مردم پیشین مانند قوم فرعون و عاد و ثمود) و به وسیلهٔ اینان است که خدا عزوجل شرّ دشمنان اسلام را بگرداند و به اینان است که خدا عزوجل باران را از آسمان فرو ببارد، به خدا سوگند هر آینه اینان در میان قرآن‌خوانان و قرآن‌دانان از کبریت احمر کمیاب‌ترند.

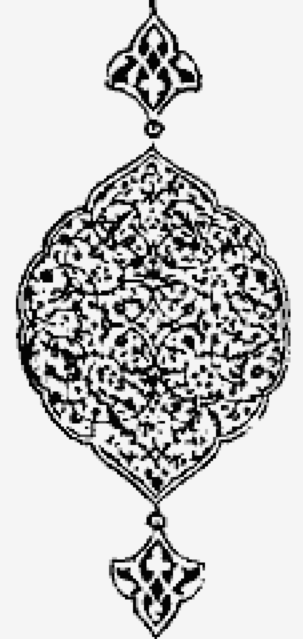


٢ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيادٍ؛ وَعَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، جَمِيعاً، عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ، عَنْ أَبِي حَمْزَةَ، عَنْ أَبِي يَحْيىٰ، عَنِ الْأَصْبَغِ بْنِ نُباتَةَ قالَ: سَمِعْتُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عليهم السّلام يَقُولُ: نَزَلَ الْقُرْآنُ أَثْلاثاً: ثُلْثٌ فِينا وَفِي عَدُوِّنا، وَثُلْثٌ سُنَنٌ وَأَمْثالٌ، وَثُلْثٌ فَرائِضُ وَأَحْكامٌ.

٣ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنِ الْحَجّالِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ عُقْبَةَ، عَنْ داوُدَ بْنِ فَرْقَدٍ، عَمَّنْ ذَكَرَهُ، عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السّلام قالَ: إِنَّ الْقُرْآنَ نَزَلَ أَرْبَعَةَ أَرْباعٍ: رُبْعٌ حَلالٌ، وَرُبْعٌ حَرامٌ، وَرُبْعٌ سُنَنٌ وَأَحْكامٌ، وَرُبْعٌ خَبَرُ ما كانَ قَبْلَكُمْ وَنَبَأُ ما يَكُونُ بَعْدَكُمْ وَفَصْلُ ما بَيْنَكُمْ.

٤ ـ أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِالْجَبّارِ، عَنْ صَفْوانَ، عَنْ إِسْحاقَ بْنِ عَمّارٍ، عَنْ أَبِي بَصِيرٍ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السّلام قالَ: نَزَلَ الْقُرْآنُ أَرْبَعَةَ أَرْباعٍ: رُبْعٌ فِينا، وَرُبْعٌ فِي عَدُوِّنا، وَرُبْعٌ سُنَنٌ وَأَمْثالٌ، وَرُبْعٌ فَرائِضُ وَأَحْكامٌ.

٥ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ؛ وَسَهْلِ بْنِ زِيادٍ، عَنْ مَنْصُورِ بْنِ الْعَبّاسِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ السَّرِيِّ، عَنْ عَمِّهِ عَلِيِّ بْنِ السَّرِيِّ، عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السّلام قالَ: أَوَّلُ ما نَزَلَ عَلىٰ رَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّم: «بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ» وَآخِرُهُ «إِذا جاءَ نَصْرُ اللّٰهِ».



۲ ـ از اصبغ بن نباته، گوید: شنیدم امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید:

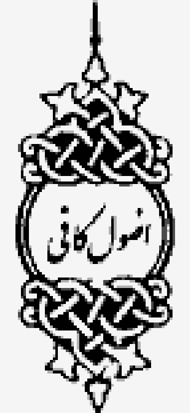
قرآن در سه بخش نازل شده: یک سوّم در بارهٔ ما و در بارهٔ دشمن ما، و یک سوّم در سنن و امثال، و یک سوّم در فرائض و احکام.

۳ ـ از امام صادق (ع) که فرمود: راستی قرآن به چهار بخش نازل شده است: یک چهارم حلال و یک چهارم حرام و یک چهارم سنن و یک چهارم در خبر از آنچه پیش از شما بوده است و در گزارش آنچه پس از شماها می‌باشد و در فیصله دادن بدانچه اختلاف میان شماها است. [۱۰۹]

۴ ـ از امام باقر (ع) که قرآن بر چهار بخش نازل شده: یک چهارم در بارهٔ ما، و یک چهارم در بارهٔ دشمنان ما، و یک چهارم در سنن و امثال، و یک چهارم در فرائض و احکام.

۵ ـ از امام صادق (ع) که فرمود:

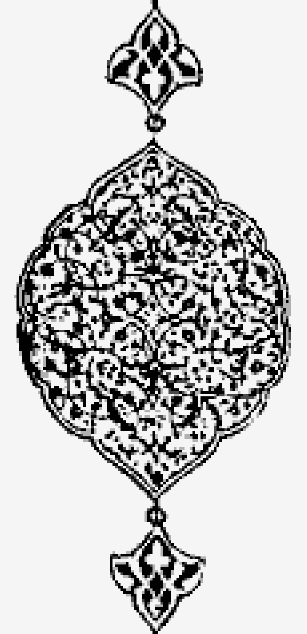
اول چیزی که بر رسول خدا(ص) نازل شد: بسم الله الرحمن الرحیم، اقرأ باسم ربك بود، و آخر سوره: اذا جاء نصر الله بود (شاید یعنی پس از آن سورهٔ کامله نازل نشده و منافات ندارد که برخی آیات نازل شده باشد چنانچه مشهور است از مجلسی‌ره).



٦ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ؛ وَمُحَمَّدِ بْنِ الْقاسِمِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سُلَيْمانَ، عَنْ داوُدَ، عَنْ حَفْصِ ابْنِ غِياثٍ، عَنْ أَبي عَبْدِاللّٰهِ عليه السّلام قالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ: ((شَهْرُ رَمَضانَ ٱلَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ ٱلْقُرْآنُ)) وَإِنَّما أُنْزِلَ فِي عِشْرِينَ سَنَةً بَيْنَ أَوَّلِهِ وَآخِرِهِ؟ فَقالَ أَبُو عَبْدِاللّٰهِ عليه السّلام: نَزَلَ الْقُرْآنُ جُمْلَةً واحِدَةً فِي شَهْرِ رَمَضانَ إِلَى الْبَيْتِ الْمَعْمُورِ ثُمَّ نَزَلَ فِي طُولِ عِشْرِينَ سَنَةً، ثُمَّ قالَ: قالَ النَّبِيُّ صلّى اللّٰه عليه وآله وسلّم: نَزَلَتْ صُحُفُ إِبْراهِيمَ فِي أَوَّلِ لَيْلَةٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضانَ وَأُنْزِلَتِ التَّوْراةُ لِسِتٍّ مَضَيْنَ مِنْ شَهْرِ رَمَضانَ وَأُنْزِلَ الْإِنْجِيلُ لِثلاثَ عَشَرَةَ لَيْلَةً خَلَتْ مِنْ شَهْرِ رَمَضانَ وَأُنْزِلَ الزَّبُورُ لِثَمانِ عَشَرَ خَلَوْنَ مِنْ شَهْرِ رَمَضانَ وَأُنْزِلَ الْقُرْآنُ فِي ثَلاثٍ وَعِشْرِينَ مِنْ شَهْرِ رَمَضانَ.

٧ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيادٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسىٰ، عَنْ بَعْضِ رِجالِهِ، عَنْ أَبي عَبْدِاللّٰهِ عليه السّلام قالَ: لا تَتَفَأَّلْ بِالْقُرْآنِ.

٨ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ صَفْوانَ، عَنِ ابْنِ مُسْكانَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْوَرّاقِ قالَ: عَرَضْتُ عَلىٰ أَبي عَبْدِاللّٰهِ عليه السّلام كِتاباً فِيهِ قُرْآنٌ مُخَتَّمٌ مُعَشَّرٌ بِالذَّهَبِ وَكُتِبَ فِي آخِرِهِ سُورَةٌ بِالذَّهَبِ وَأَرَيْتُهُ إِيّاهُ فَلَمْ يَعِبْ فِيهِ شَيْئاً إِلّا كِتابَةَ الْقُرْآنِ بِالذَّهَبِ وَقالَ: لا يُعْجِبُنِي أَنْ يُكْتَبَ الْقُرْآنُ إِلّا بِالسَّوادِ كَما كُتِبَ أَوَّلَ مَرَّةٍ.

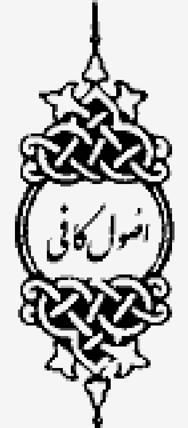


۶ ـ از حفص بن غیاث، از امام صادق (ع) گوید: پرسیدم از او تفسیر قول خدا عزوجل را (۱۸۵ سوره بقره): «ماه رمضان است که قرآن در آن نازل شده است» بااینکه قرآن از اول تا آخر در ظرف بیست سال نازل شده؟

امام صادق (ع) فرمود: قرآن یک‌جا در ماه رمضان به بیت المعمور نازل شد وسپس در مدت بیست سال قسمت قسمت نازل شد، سپس فرمود: پیغمبر (ص) فرموده: صحف ابراهیم در اول شب ماه رمضان نال شده و تورات شب ششم ماه رمضان و انجیل شب سیزدهم ماه رمضان نازل شده و زبور در شب هیجدهم ماه رمضان نازل شده است و قرآن در شب بیست و سوم ماه رمضان نازل شده.

۷ ـ از امام صادق (ع) فرمود:
به قرآن فال نزن.[۱۱۰]

۸ ـ از محمد بن وراق گوید: کتابی را که قرآن در آن بود و با آب‌طلا مهرگزاری و عشرگزاری شده بود، به امام صادق (ع) عرضه نمودم و در آخرش یک سورهٔ قرآن با آب‌طلا نوشته بود که به آن حضرت وانمودم، هیچ عیب و نکوهشی از آن نکرد جز از نوشتن قرآن با آب‌طلا و فرمود: خوش ندارم که قرآن جز با مرکّب سیاه نوشته شود که اول بار نوشته شده است. [۱۱۱]



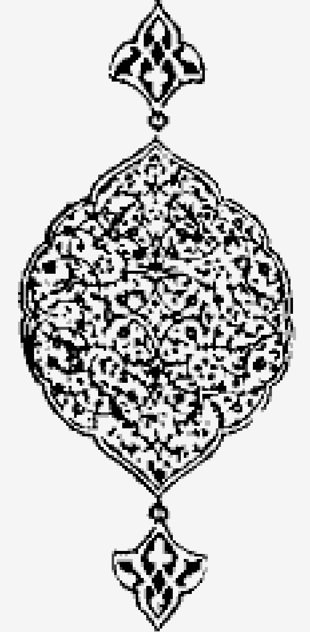
٩ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحمَّدٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسىٰ، عَنْ ياسِينَ الضَّرِيرِ، عَنْ حَرِيزٍ، عَنْ زُرارَةَ، عَنْ أَبي جَعْفَرٍ عليه السلام قالَ: تَأْخُذُ الْمصْحَفَ فِي الثُّلُثِ الثّانِي مِنْ شَهْرِ رَمَضانَ فَتَنْشُرُهُ وَتَضَعُهُ بَيْنَ يَدَيْكَ وَتَقُولُ: «اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِكِتابِكَ الْمُنْزَلِ وَما فِيهِ، وَفِيهِ اسْمُكَ الْأَعْظَمُ الْأَكْبَرُ وَأَسْماؤُكَ الْحُسْنىٰ وَما يُخافُ وَيُرْجىٰ أَنْ تَجْعَلَنِي مِنْ عُتَقائِكَ مِنَ النّارِ» وَتَدْعُو بِما بَدا لَكَ مِنْ حاجَةٍ.

١٠ ـ أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سالِمٍ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ النَّضْرِ، عَنْ عَمْرِو بْنِ شِمْرٍ، عَنْ جابِرٍ، عَنْ أَبي جَعْفَرٍ عليه السلام قالَ: لِكُلِّ شَيْءٍ رَبِيعٌ وَرَبِيعُ الْقُرْآنِ شَهْرُ رَمَضانَ.

١١ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ ابْنِ سِنانٍ أَوْ عَنْ غَيْرِهِ، عَمَّنْ ذَكَرَهُ قالَ: سَأَلْتُ أَبا عَبْدِاللّٰهِ عليه السلام عَنِ الْقُرْآنِ وَالْفُرْقانِ أَهُما شَيْئانِ أَوْ شَيْءٌ واحِدٌ؟ فَقالَ عليه السلام: الْقُرْآنُ جُمْلَةُ الْكِتابِ وَالْفُرْقانُ الْمُحْكَمُ الْواجِبُ الْعَمَلِ بِهِ.

١٢ ـ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنِ الْوَشّاءِ، عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرّاجٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ، عَنْ زُرارَةَ، عَنْ أَبي جَعْفَرٍ عليه السلام قالَ: إِنَّ الْقُرْآنَ واحِدٌ نَزَلَ مِنْ عِنْدِ واحِدٍ وَلٰكِنَّ الْإِخْتِلافَ يَجِيءُ مِنْ قِبَلِ الرُّواةِ.

١٣ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ ابْنِ أَبي عُمَيْرٍ، عَنْ عُمَرَ



۹ ـ از زراره، از امام باقر(ع) فرمود: در دههٔ دوم ماه رمضان مصحف را بردار و بازکن و برابرت بگذار و بگو: «بار خدایا! من از تو خواهش دارم به حق کتابت که نازل شده و آنچه در آن است و در آن است اسم اعظم اکبرت و اسماء حسنای تو و آنچه بیم آرد و آنچه امید آرد که مرا از آزاد شده‌های خود از دوزخ مقرر داری» و دعا می‌کنی به هر آنچه از حوائج برایت رخ داده است.

۱۰ ـ امام باقر(ع) فرمود:
برای هر چیزی بهاری است و بهار قرآن خواندن، ماه رمضان است.

۱۱ ـ از کسی که نام او را برده است، گوید: از امام صادق (ع) پرسیدم که قرآن و فرقان دو معنی دارند یا یک معنی دارند؟ فرمود: قرآن نام همهٔ کتاب خدا است و فرقان همان بخشی است که محکم است و دستور واجب در آن بیان شده.

۱۲ ـ امام باقر(ع) فرمود:
راستی که قرآن یکی است و از نزد یگانه نازل شده است ولی اختلاف از طرف راویان پدید می‌آید.

۱۳ ـ از فضیل بن یسار، گوید: به امام صادق (ع) گفتم:



بْنِ أُذَيْنَةَ، عَنِ الْفُضَيْلِ بْنِ يَسارٍ قالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام: إِنَّ النّاسَ يَقُولُونَ: إِنَّ الْقُرْآنَ نَزَلَ عَلىٰ سَبْعَةِ أَحْرُفٍ فَقالَ: كَذَبُوا أَعْداءُ اللّٰهِ وَلٰكِنَّهُ نَزَلَ عَلىٰ حَرْفٍ واحِدٍ مِنْ عِنْدِ الْواحِدِ.

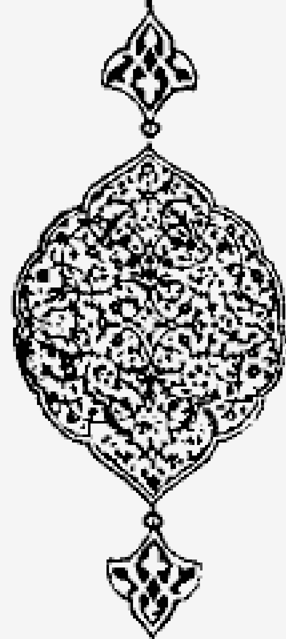
١٤ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ عَبْدِاللّٰهِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ، عَنْ عَبْدِاللّٰهِ بْنِ بُكَيْرٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: نَزَلَ الْقُرْآنُ بِإِيّاكَ أَعْنِي وَاسْمَعِي يا جارَةُ.

وَفِي رِوايَةٍ أُخْرىٰ، عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: مَعْناهُ ما عاتَبَ اللّٰهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ عَلىٰ نَبِيِّهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّم فَهُوَ يَعْنِي بِهِ ما قَدْ مَضىٰ فِي الْقُرْآنِ مِثْلُ قَوْلِهِ:

((وَلَوْلا أَنْ ثَبَّتْناكَ لَقَدْ كِدْتَ تَرْكَنُ إِلَيْهِمْ شَيْئاً قَلِيلاً)) عَنىٰ بِذٰلِكَ غَيْرَهُ.

١٥ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيادٍ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ، عَنْ عَبْدِاللّٰهِ بْنِ جُنْدُبٍ، عَنْ سُفْيانَ بْنِ السِّمْطِ قالَ: سَأَلْتُ أَبا عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام عَنْ تَنْزِيلِ الْقُرْآنِ قالَ: اقْرَؤُوا كَما عُلِّمْتُمْ.

١٦ ـ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ، عَنْ بَعْضِ أَصْحابِهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ قالَ: دَفَعَ إِلَيَّ أَبُو الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلام مُصْحَفاً وَقالَ: لا تَنْظُرْ فِيهِ، فَفَتَحْتُهُ وَقَرَأْتُ فِيهِ: ((لَمْ يَكُنِ الَّذِينَ كَفَرُوا)) فَوَجَدْتُ فِيها اسْمَ سَبْعِينَ رَجُلاً مِنْ قُرَيْشٍ بِأَسْمائِهِمْ وَأَسْماءِ آبائِهِمْ قالَ: فَبَعَثَ إِلَيَّ: ابْعَثْ إِلَيَّ بِالْمُصْحَفِ.





راستی مردم می‌گویند: قرآن به هفت حرف نازل شده است؟

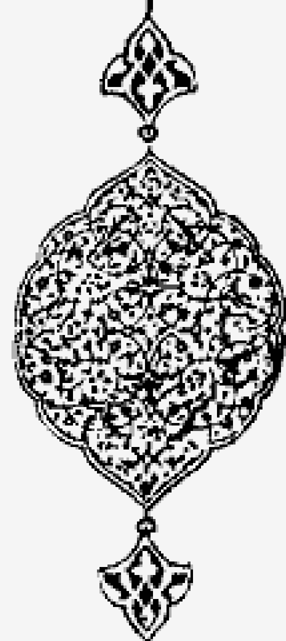
فرمود: دروغ می‌گویند دشمنان خدا ولی آن بر یک حرف نازل شده است از نزد خدای یگانه. [۱۱۲]

۱۴ ـ از امام صادق (ع)، فرمود:

قرآن به روش این ضرب المثل عربی نازل شده است که: ایاك اعنی و اسمعی یا جاره، به تو می‌گویم ولی ای همسایهٔ زن تو گوش بده (و در فارسی به جای این مثل عربی گویند: به در می‌گویند که دیوار بشنود). در روایت دیگر است از امام صادق (ع) که‌فرمود: معنایش این‌است که آنچه‌خدای عزوجل درگله و سرزنش از پیغمبرش در قرآن آورده است مقصود از آن دیگران است و او قصد کرده است که در قرآن ثبت شده مثل قول خدا(۷٤ سوره اسراء): «و اگر نبود که ما تو را پا برجا داشتیم هرآینه نزدیک بود اندکی به مشرکان اعتماد کنی» به این کلام جز او را قصد داشته است.

۱۵ ـ از سفیان بن سمط، گوید: از امام صادق (ع) پرسیدم از روش نزول قرآن، فرمود:

چنانچه آموخته شدید بخوانید.



۱۶ ـ از احمد بن محمد بن أبی نصر، گوید: امام رضا(ع) مصحفی به من داد و فرمود:

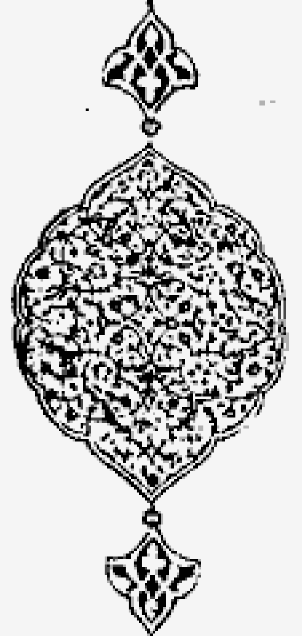
در آن نگاه مکن، من آن را گشودم و در آن سوره «لم یکن الذین کفروا» را خواندم و در آن نام هفتاد مرد از قریش را یافتم که به نام خودشان و نام پدرانشان ثبت بودند، گوید: پس امام رضا(ع) فرستاد نزد من که آن مصحف را نزد من فرست. [۱۱۳]



١٧ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ حُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ، عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ، عَنِ الْقاسِمِ ابْنِ سُلَيْمانَ، عَنْ أَبي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: قالَ أَبي عَلَيْهِ السَّلام: ما ضَرَبَ رَجُلٌ الْقُرْآنَ بَعْضَهُ بِبَعْضٍ إِلّا كَفَرَ.

١٨ ـ عَنْهُ، عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ النَّضْرِ، عَنِ الْقاسِمِ بْنِ سُلَيْمانَ، عَنْ أَبي مَرْيَمَ الْأَنْصارِي، عَنْ جابِرٍ، عَنْ أَبي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ: وَقَعَ مُصْحَفٌ فِي الْبَحْرِ فَوَجَدُوهُ وَقَدْ ذَهَبَ ما فِيهِ إِلّا هٰذِهِ الْآيَةُ: ((أَلَا إِلَى اللّٰهِ تَصِيرُ الْأُمُورُ)).

١٩ ـ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ، عَنْ مُعَلَّىٰ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنِ الْوَشّاءِ، عَنْ أَبانٍ، عَنْ مَيْمُونٍ الْقَدّاحِ قالَ: قالَ لِي أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلام: اقْرَءْ، قُلْتُ: مِنْ أَيِّ شَيْءٍ أَقْرَأُ؟ قالَ: مِنَ السُّورَةِ التّاسِعَةِ قالَ: فَجَعَلْتُ أَلْتَمِسُها فَقالَ: اقْرَأْ مِنْ سُورَةِ يُونُسَ قالَ: فَقَرَأْتُ ((لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا الْحُسْنىٰ وَزِيادَةٌ وَلا يَرْهَقُ وُجُوهَهُمْ قَتَرٌ وَلا ذِلَّةٌ)) قالَ: حَسْبُكَ، قالَ: قالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّم: إِنّي لَأَعْجَبُ كَيْفَ لا أَشِيبُ إِذا قَرَأْتُ الْقُرْآنَ.



٢٠ ـ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ، عَنْ صالِحِ بْنِ أَبي حَمّادٍ، عَنِ الْحَجّالِ، عَمَّنْ ذَكَرَهُ، عَنْ أَحَدِهِما عَلَيْهِما السَّلام قالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ:

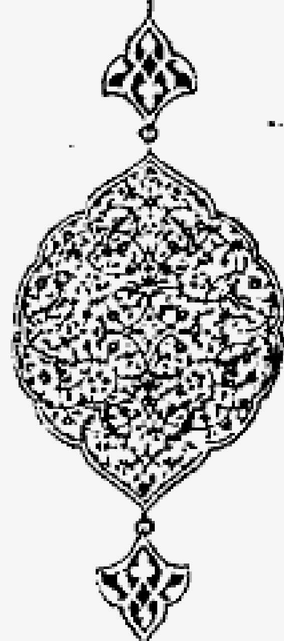
((بِلِسانٍ عَرَبِيٍّ مُبِينٍ)) قالَ: يُبِينُ الْأَلْسُنَ وَلا تُبِينُهُ الْأَلْسُنُ.



۱۷ ـ از امام صادق (ع) که پدرم فرمود:
مردی قرآن را برهم نزده است جز اینکه کافر شده(مردی قرآن را برهم نزند جز اینکه کافر گرددخ ل). [۱۱٤]

۱۸ ـ از جابر، از امام باقر (ع) گوید: شنیدمش می‌فرمود: مصحفی به دریا افتاد و ا و را به دست آورند و همهٔ نوشته‌های آن رفته بود جز این آیه (۵۳ سوره شوری): «الا الی اللّه تصیر الاُمور» «هلا هر کاری را بازگشت به سوی خدا است».

۱۹ ـ از میمون قداح گوید: امام باقر (ع) به من فرمود: بخوان، گفتم: از چه بخوانم؟ فرمود: از سورهٔ نهم، گوید: من شروع به جستجوی آن کردم، فرمود: از سورهٔ یونس بخوان، من این آیه را خواندم (۲۶ سوره یونس): «برای آن کسانی که خوش‌رفتاری کردند خوشی است و بیش از آن ودژم نسازد چهرهٔ آنها را تیرگی و خواری» فرمود که: رسول خدا (ص) فرموده است: راستی که من در عجبم که مویم سپید نمی‌شود چون قرآن را می‌خوانم.



۲۰ ـ از کسی که نام او را برد که از امام باقر و یا امام صادق (ع) پرسیدم از قول خدا عزوجل (۱۹۵ سوره شعراء): «به زبان عربی روشن کننده‌ای است» فرمود: یعنی هر زبانی را بیان می‌کند وهیچ زبان دیگری آن را بیان نمی‌کند. [۱۱۵]

۲۱ ـ أَحْمَدُ بْنُ مُحمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ النَّهْدِيِّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْوَلِيدِ، عَنْ أَبانٍ، عَنْ عامِرِ بْنِ عَبْدِاللّٰهِ بْنِ جِذاعَةَ، عَنْ أَبي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيهِ السَّلام قالَ: ما مِنْ عَبْدٍ يَقْرَأُ آخِرَ الْكَهْفِ إِلَّا تَيَقَّظَ فِي السّاعَةِ الَّتِي يُرِيدُ.

۲۲ ـ أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ وَغَيْرُهُ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْكُوفِيِّ، عَنْ عُثْمانَ بْنِ عِيسىٰ، عَنْ سَعِيدِ بْنِ يَسارٍ قالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيهِ السَّلام: سُلَيْمٌ مَوْلاكَ ذَكَرَ أَنَّهُ لَيْسَ مَعَهُ مِنَ الْقُرْآنِ إِلَّا سُورَةُ يس، فَيَقُومُ مِنَ اللَّيْلِ فَيَنْفَدُ ما مَعَهُ مِنَ الْقُرْآنِ أَيُعِيدُ ما قَرَأَ؟ قالَ: نَعَمْ لا بَأْسَ.

۲۳ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنْ عَبْدِالرَّحْمٰنِ بْنِ أَبِي هاشِمٍ، عَنْ سالِمِ بْنِ سَلَمَةَ قالَ: قَرَأَ رَجُلٌ عَلىٰ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيهِ السَّلام وَأَنا أَسْتَمِعُ حُرُوفاً مِنَ الْقُرْآنِ لَيْسَ عَلىٰ ما يَقْرَؤُها النّاسُ، فَقالَ أَبُو عَبْدِاللّٰهِ عَلَيهِ السَّلام: كُفَّ عَنْ هٰذِهِ الْقِراءَةِ، اِقْرَأْ كَما يَقْرَأُ النّاسُ حَتّىٰ يَقُومَ الْقائِمُ عَلَيهِ السَّلام، فَإِذا قامَ الْقائِمُ عَلَيهِ السَّلام قَرَأَ كِتابَ اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ عَلىٰ حَدِّهِ وَأَخْرَجَ الْمُصْحَفَ الَّذِي كَتَبَهُ عَلِيٌّ عَلَيهِ السَّلام وَقالَ: أَخْرَجَهُ عَلِيٌّ عَلَيهِ السَّلام إِلَى النّاسِ حِينَ فَرَغَ مِنْهُ وَكَتَبَهُ فَقالَ لَهُمْ: هٰذا كِتابُ اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ كَما أَنْزَلَهُ [اللّٰهُ] عَلىٰ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّم وَقَدْ جَمَعْتُهُ مِنَ اللَّوْحَيْنِ فَقالُوا: هُوَذا عِنْدَنا مُصْحَفٌ جامِعٌ فِيهِ الْقُرْآنُ لا حاجَةَ لَنا فِيهِ، فَقالَ: أَما وَاللّٰهِ ما

۲۱ ـ از امام صادق (ع)، فرمود:

هیچ بنده‌ای نیست که آیهٔ آخر کهف را بخواند جز اینکه در هر ساعتی خواهد، از خواب بیدار شود.

۲۲ ـ از سعید بن یسار، گوید: به امام صادق (ع) گفتم: آزاد کردهٔ تو به نام سلیم یادآور شده که از قرآن جز سورهٔ یس را در حفظ ندارد، شب برخیزد و آنچه قرآن یاددارد بخواند تا به پایان رسد، آیا آنچه را خوانده باز خواند؟ فرمود: آری، باکی ندارد.

۲۳ ـ از سالم بن سلمه، گوید: مردی برای امام صادق (ع) چند کلمه از قرآن خواند که من گوش می‌کردم و نبود به روشی که مردم می‌خوانند، امام صادق (ع) به او فرمود: از این قرائت خودداری کن و چنان قرائت کن که مردم امروزه قرائت می‌کنند تا امام قائم(ع) ظهور کند و هرگاه امام قائم(ع) ظهور کرد، کتاب خدا عزوجل را بر حدّ و قرار خود می‌خواند و آن مصحفی را که علی(ع) نوشته بود بیرون آورد و فرمود: علی(ع) این مصحف را برای مردم بیرون آورد هنگامی که از آن فراغت یافت و آن را نوشت و به آنها فرمود: این است کتاب خدا عزوجل چنانچه آن را نازل کرده است بر محمد(ص) و من آن را از دو لوح فراهم آوردم، در پاسخ او گفتند: هم‌اکنون در نزد ما مصحفی است که همهٔ قرآن در آن گرد آمده است و ما نیازی بدان نداریم، پس فرمود: هلا به خدا سوگند آن را پس از امروز خود نخواهید دید تا هرگز همانا بر

تَرَوْنَهُ بَعْدَ يَوْمِكُمْ هذا أَبَداً، إِنَّما كانَ عَلَيَّ أَنْ أُخْبِرَكُمْ حِينَ جَمَعْتُهُ لِتَقْرَؤُوهُ.

٢٤ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ صَفْوانَ، عَنْ سَعِيدِ بْنِ عَبْدِاللّٰهِ الْأَعْرَجِ قالَ: سَأَلْتُ أَبا عَبْدِاللّٰهِ عليه السلام عَنِ الرَّجُلِ يَقْرَأُ الْقُرْآنَ ثُمَّ يَنْساهُ ثُمَّ يَقْرَأُ ثُمَّ يَنْساهُ أَعَلَيْهِ فِيهِ حَرَجٌ؟

فَقالَ: لا.

٢٥ ـ عَلِيٌّ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ، عَنِ الْقاسِمِ بْنِ سُلَيْمانَ، عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عليه السلام قالَ: قالَ أَبِي عليه السلام: ما ضَرَبَ رَجُلٌ الْقُرْآنَ بَعْضَهُ بِبَعْضٍ إِلَّا كَفَرَ.

٢٦ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيادٍ؛ وَمُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسىٰ، جَمِيعاً، عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ، عَنْ جَمِيلٍ، عَنْ سَدِيرٍ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قالَ: سُورَةُ الْمُلْكِ هِيَ الْمانِعَةُ تَمْنَعُ مِنْ عَذابِ الْقَبْرِ وَهِيَ مَكْتُوبَةٌ فِي التَّوْراةِ سُورَةَ الْمُلْكِ وَمَنْ قَرَأَها فِي لَيْلَتِهِ فَقَدْ أَكْثَرَ وَأَطابَ وَلَمْ يُكْتَبْ بِها مِنَ الْغافِلِينَ وَإِنِّي لَأَرْكَعُ بِها بَعْدَ عِشاءِ الْآخِرَةِ وَأَنا جالِسٌ وَإِنَّ والِدِي عليه السلام كانَ يَقْرَؤُها فِي يَوْمِهِ وَلَيْلَتِهِ وَمَنْ قَرَأَها إِذا دَخَلَ عَلَيْهِ فِي قَبْرِهِ ناكِرٌ وَنَكِيرٌ مِنْ قِبَلِ رِجْلَيْهِ قالَتْ رِجْلاهُ لَهُما لَيْسَ لَكُما إِلىٰ ما قِبَلِي سَبِيلٌ قَدْ كانَ هذَا الْعَبْدُ يَقُومُ عَلَيَّ فَيَقْرَأُ سُورَةَ الْمُلْكِ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَلَيْلَةٍ وَإِذا أَتَياهُ مِنْ قِبَلِ جَوْفِهِ قالَ لَهُما: لَيْسَ لَكُما إِلىٰ ما قِبَلِي



من بایست که شما را بدان گزارش دهم هنگامی که فراهمش کردم تا آن را بخوانید. [۱۱۶]

۲۴ ـ از سعید بن عبدالله اعرج، گوید: از امام صادق (ع) پرسیدم از مردی که قرآن را میآموزد و سپس آن را فراموش می‌کند و باز بیاموزد و باز هم آن را فراموش می‌کند، بر او گناهی است؟

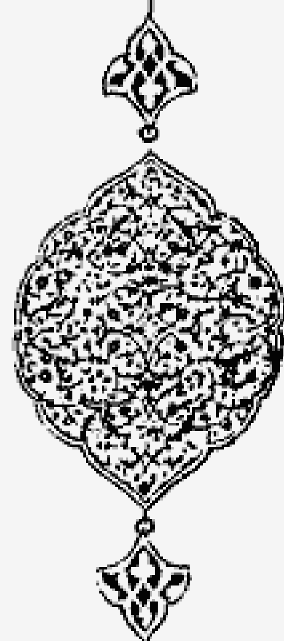
در پاسخ فرمود: نه.

۲۵ ـ از امام صادق (ع) که پدرم فرمود:

هیچ مردی قرآن را بر هم‌نزده‌است جز اینکه کافر شده.[۱۱۷]

۲۶ ـ از سدیر، از امام باقر (ع) فرمود:

سورهٔ ملک است که جلوگیر است، از عذاب قبر جلوگیری کند و در تورات به نام سورهٔ ملک نوشته شده، و هرکس آن را در شبش بخواند، کار بسیار و پاکیزه‌ای کرده است و از غافلان نوشته نشود به وسیلهٔ خواندن آن، و من آن را قبل از رکوع بعد از نماز عشاء آخرین نماز شبانه روز می‌خوانم در هنگامی که نشسته‌ام (ظاهراً در نماز وتیره باشد) و پدرم آن را در هر روز و هر شب می‌خواند و هرکه آن را بخواند هرگاه ناکر و نکیر (دو فرشته بازپرس در گور) از سوی دو پایش بر او در گورش درآیند دو پایش بدانها گویند: از سوی من راهی ندارید زیرا این بنده به روی من می‌ایستاد و در هر شب و روز سورهٔ ملک را می‌خواند و هرگاه از سوی شکمش نزد او آیند، به آنها گوید: از سوی من برای شماها





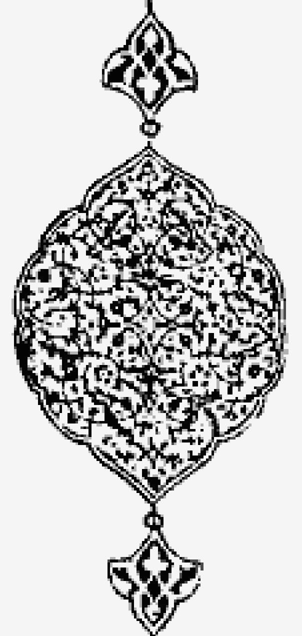
سَبِيلٌ، قَدْ كانَ هذَا الْعَبْدُ أَوْعانِي سُورَةَ الْمُلْكِ وَإِذا أَتَياهُ مِنْ قِبَلِ لِسانِهِ قالَ لَهما:

لَيْسَ لَكُما إِلىٰ ما قِبَلِي سَبِيلٌ قَدْ كانَ هذا الْعَبْدُ يَقْرَأُ بِي فِي كُلِّ يَوْمٍ وَلَيْلَةٍ سُورَةَ الْمُلْكِ.

٢٧ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ، عَنْ عَبْدِاللّٰهِ بْنِ فَرْقَدٍ وَالْمُعَلَّىٰ بْنِ خُنَيْسٍ قالا: كُنّا عِنْدَ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام وَمَعنا رَبِيعَةُ الرَّأْيِ فَذَكَرَ فَضْلَ الْقُرْآنِ فَقالَ أَبُو عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام: إِنْ كانَ ابْنُ مَسْعُودٍ لا يَقْرَأُ عَلىٰ قِراءَتِنا فَهُوَ ضالٌّ، فَقالَ رَبِيعَةُ: ضالٌّ؟ فَقالَ: نَعَمْ ضالٌّ ثُمَّ قالَ أَبُو عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام: أَمّا نَحْنُ فَنَقْرَأُ عَلىٰ قِراءَةِ أُبَيٍّ.

٢٨ ـ عَلِيُّ بْنُ الْحَكَمِ، عَنْ هِشامِ بْنِ سالِمٍ، عَنْ أَبي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: إِنَّ الْقُرْآنَ الَّذِي جاءَ بِهِ جَبْرَئِيلُ عَلَيْهِ السَّلام إِلىٰ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّم سَبْعَةَ عَشَرَ أَلْفِ آيَةٍ.

[وَيَتْلُوهُ كِتابُ الْعِشْرَةِ]





راهی نیست، این بنده سورهٔ ملک را در من جای داده و هرگاه از سوی زبانش نزد او آیند، زبانش به آنها گوید: برای شما از سوی من راهی نیست، هر آینه این بنده با من در هر روز و شب سورهٔ ملک را خوانده است.

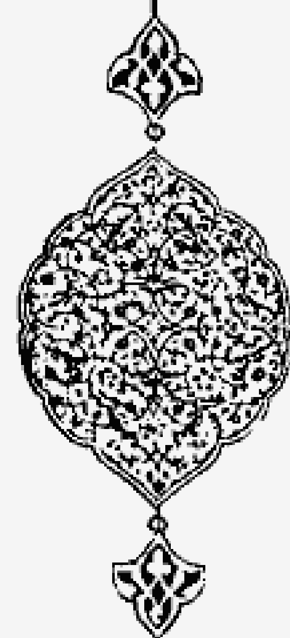
۲۷ ـ از عبدالله بن فرقد و معلی بن خنیس، گویند: ما در نزد امام صادق (ع) بودیم و ربیعة الرأی هم با ما بود و فضیلت قرآن را یادآور شدیم، امام صادق (ع) فرمود: اگر ابن مسعود به روش قرائت ما قرآن را نمی‌خواند، او گمراه است، ربیعة الرأی گفت: گم‌راه است؟ فرمود: آری گم‌راه است، سپس امام صادق (ع) فرمود: اما ما به روش قرائت اُبیّ قرآن را می‌خوانیم. [۱۱۸]

۲۸ ـ از امام صادق (ع) فرمود:

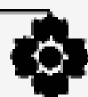
راستی قرآنی که جبرئیل برای محمد (ص) آورده است هفده‌هزار آیه بوده است. [۱۱۹]


اصول کافی


مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

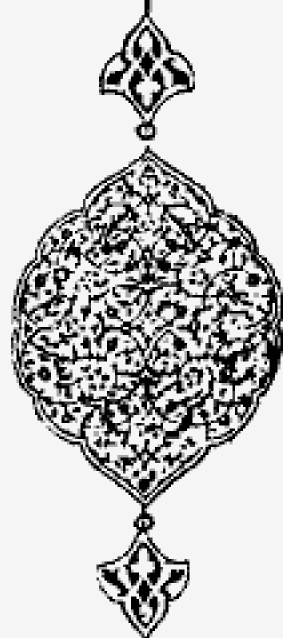






كتاب العشرة

کتاب معاشرت

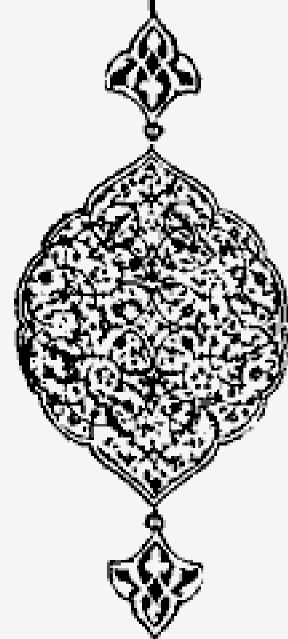




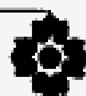
بابُ ما يَجِبُ مِنَ الْمُعاشَرَةِ

١ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَدِيدٍ، عَنْ مُرازِمٍ قالَ: قالَ أَبُو عَبْدِاللّهِ عليه السلام: عَلَيْكُمْ بِالصَّلاةِ فِي الْمَساجِدِ وَحُسْنِ الْجِوارِ لِلنّاسِ وَإِقامَةِ الشَّهادَةِ وَحُضُورِ الْجَنائِزِ إِنَّهُ لا بُدَّ لَكُمْ مِنَ النّاسِ إِنَّ أَحَداً لا يَسْتَغْنِي عَنِ النّاسِ حَياتَهُ وَالنّاسُ لا بُدَّ لِبَعْضِهِمْ مِنْ بَعْضٍ.

٢ ـ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْماعِيلَ، عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شاذانَ، وأَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِالْجَبّارِ، جَمِيعاً، عَنْ صَفْوانَ بْنِ يَحْيىٰ، عَنْ مُعاوِيَةَ بْنِ وَهْبٍ قالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِاللّهِ عليه السلام: كَيْفَ يَنْبَغِي لَنا أَنْ نَصْنَعَ فِيما بَيْنَنا وَبَيْنَ قَوْمِنا وَفِيما بَيْنَنا وَبَيْنَ خُلَطائِنا مِنَ النّاسِ؟ قالَ: فَقالَ: تُؤَدُّونَ الْأَمانَةَ إِلَيْهِمْ وَتُقِيمُونَ







باب اندازهٔ معاشرتِ واجب

۱ ـ از مرازم گوید: امام صادق (ع) فرمود: بچسبید به‌نمازخواندن در مسجدها (یعنی در جماعت مسلمانان شرکت کنید) وبه‌خوشی همسایهٔ مردم باشید، ودر محاکم ادای گواهی کنید وبرای تشییع جنازه‌ها حاضر شوید، راستش این است که مردم برای زندگانی شما لازمند، راستی کسی نیست که تا زنده است از مردم بی‌نیاز باشد ووجود مردم برای یکدیگر لازم است.

۲ ـ از معاویة بن وهب گوید: به‌امام صادق (ع) گفتم: ما در میان خود وهم‌مذهبانِ خود وبا مردم دیگری که با ما آمیزش دارند شایسته است چه کنیم؟

گوید: در پاسخ فرمود: امانتِ آنها را بپردازید وگواهی حق بر سود وزیانشان بدهید وبیمارانشان را عیادت کنید وبر سرِ جنازهٔ

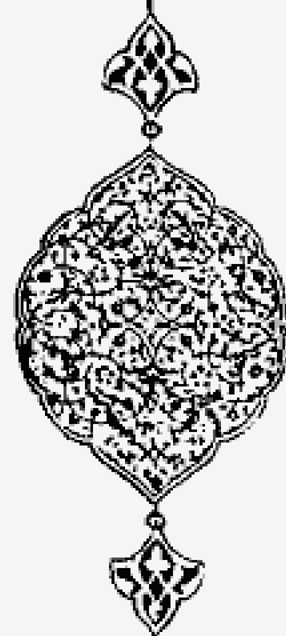


الشَّهادَةَ لَهُمْ وَعَلَيْهِمْ وَتَعُودُونَ مَرْضاهُمْ وَتَشْهَدُونَ جَنائِزَهُمْ.

٣ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ، وَمُحَمَّدِ بْنِ خالِدٍ، جَمِيعاً، عَنِ الْقاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ حَبِيبٍ الْخَثْعَمِيِّ قالَ: سَمِعْتُ أَبا عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام يَقُولُ: عَلَيْكُمْ بِالْوَرَعِ وَالْإِجْتِهادِ وَاشْهَدُوا الْجَنائِزَ وَعُودُوا الْمَرْضىٰ وَاحْضُرُوا مَعَ قَوْمِكُمْ مَساجِدَكُمْ وَأَحِبُّوا لِلنّاسِ ما تُحِبُّونَ لِأَنْفُسِكُمْ أَما يَسْتَحْيِي الرَّجُلُ مِنْكُمْ أَنْ يَعْرِفَ جارُهُ حَقَّهُ وَلا يَعْرِفُ حَقَّ جارِهِ.

٤ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ، عَنْ مُعاوِيَةَ بْنِ وَهْبٍ، قالَ: قُلْتُ لَهُ: كَيْفَ يَنْبَغِي لَنا أَنْ نَصْنَعَ فِيما بَيْنَنا وَبَيْنَ قَوْمِنا وَبَيْنَ خُلَطائِنا مِنَ النّاسِ مِمَّنْ لَيْسُوا عَلىٰ أَمْرِنا؟ قالَ: تَنْظُرُونَ إِلىٰ أَئِمَّتِكُمْ الَّذِينَ تَقْتَدُونَ بِهِمْ فَتَصْنَعُونَ ما يَصْنَعُونَ فَوَاللّٰهِ إِنَّهُمْ لَيَعُودُونَ مَرْضاهُمْ وَيَشْهَدُونَ جَنائِزَهُمْ وَيُقِيمُونَ الشَّهادَةَ لَهُمْ وَعَلَيْهِمْ وَيُؤَدُّونَ الْأَمانَةَ إِلَيْهِمْ.

٥ـ أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِالْجَبّارِ، وَمُحَمَّدِ بْنُ إِسْماعِيلَ، عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شاذانَ جَمِيعاً، عَنْ صَفْوانَ بْنِ يَحْيىٰ، عَنْ أَبِي أُسامَةَ زَيْدٍ الشَّحّامِ قالَ: قالَ لِي أَبُو عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام: اقْرَأْ عَلىٰ مَنْ تَرىٰ أَنَّهُ يُطِيعُنِي مِنْهُمْ وَيَأْخُذُ بِقَوْلِي السَّلامَ وَأُوصِيكُمْ بِتَقْوَى اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ وَالْوَرَعِ فِي دِينِكُمْ وَالْإِجْتِهادِ لِلّٰهِ وَصِدْقِ الْحَدِيثِ وَأَداءِ الْأَمانَةِ وَطُولِ السُّجُودِ وَحُسْنِ الْجِوارِ فَبِهٰذا جاءَ



مرده‌هاشان حاضر شوید.

۳ ـ از حبیب خثعمی گوید: شنیدم امام صادق (ع) می‌فرمود:

بچسبید به‌ورع و کوشش در طاعت وبر سرِ جنازه‌ها حاضر شوید وبیمارها را عیادت کنید وباقومِ خودتان به‌مسجدها بروید وبرای همهٔ مردم بخواهید آنچه را برای خودتان می‌خواهید، آیا یکی از شماها شرم ندارد که همسایه‌اش حقّ او را بشناسد ورعایت کند واو حقّ همسایهٔ خود را نشناسد؟. [۱۲۰]

٤ ـ از معاویة بن وهب گوید: به‌امام صادق (ع) گفتم: چگونه سزاوار است که ما با قوم خود ومردمی که با آنها معاشرت داریم وهم‌مذهبِ ما نیستند عمل کنیم؟

فرمود: به‌امامانِ خود که از آنها پیروی می کنید نگاه کنید وآن کار را که آنها را می‌کنند، بخدا سوگند که امامان شما بیمارانِ آنها را عیادت می‌کنند وبه‌جنازه‌های آنها حاضر می‌شوند وبر سود وزیانِ آنها گواهی می‌دهند وامانتِ آنها را به‌آنها می‌پردازند.

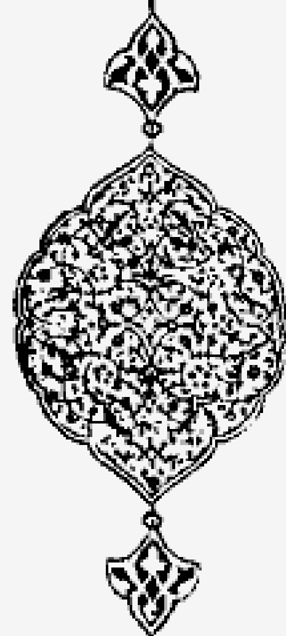
۵ ـ از ابی اسامه زید شحّام گوید: امام صادق (ع) به‌من فرمود:

به‌هرکدام که می‌دانی از من فرمان می‌برند وبه‌گفتهٔ من عمل می‌کنند سلامِ مرا برسان، ومن به‌شما سفارش می‌کنم به‌تقوای خدای عز وجل وورع در دیانتِ خود وکوشش برای خدا وراستگوئی وپرداخت امانت وطول دادن سجده وخوش‌همسایگی که محمد (ص) اینها را آورده است. امانتِ هر که به‌شما امانت سپرده پس



مُحَمَّدٌ صَلَّى اللهُ عَلَيهِ وَآلِهِ وَسَلَّم أَدُّوا الْأَمانَةَ إِلىٰ مَنِ ائْتَمَنَكُمْ عَلَيْها بَرّاً أَوْ فاجِراً، فَإِنَّ رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللهُ عَلَيهِ وَآلِهِ وَسَلَّم كانَ يَأْمُرُ بِأَداءِ الْخَيْطِ وَالْمِخْيَطِ صِلُوا عَشائِرَكُمْ وَاشْهَدُوا جَنائِزَهُمْ وَعُودُوا مَرْضاهُمْ وَأَدُّوا حُقُوقَهُمْ فَإِنَّ الرَّجُلَ مِنْكُمْ إِذا وَرَعَ فِي دِينِهِ وَصَدَقَ الْحَدِيثَ وَأَدَّى الْأَمانَةَ وَحَسُنَ خُلْقُهُ مَعَ النّاسِ قِيلَ: هذا جَعْفَرِيٌّ، فَيَسُرُّنِي ذٰلِكَ وَيَدْخُلُ عَلَيَّ مِنْهُ السُّرُورُ وَقِيلَ: هذا أَدَبُ جَعْفَرٍ وَإِذا كانَ عَلىٰ غَيْرِ ذٰلِكَ دَخَلَ عَلَيَّ بَلاؤُهُ وَعارُهُ وَقِيلَ: هذا أَدَبُ جَعْفَرٍ؛ فَوَاللّٰهِ لَحَدَّثَنِي أَبِي عَلَيهِ السَّلام أَنَّ الرَّجُلَ كانَ يَكُونُ فِي الْقَبِيلَةِ مِنْ شِيعَةِ عَلِيٍّ عَلَيهِ السَّلام فَيَكُونُ زَيْنَها: آداهُمْ لِلْأَمانَةِ وَأَقْضاهُمْ لِلْحُقُوقِ وَأَصْدَقُهُمْ لِلْحَدِيثِ، إِلَيْهِ وَصاياهُمْ وَوَدائِعُهُمْ تَسْأَلُ الْعَشِيرَةُ عَنْهُ فَتَقُولُ: مَنْ مِثْلُ فُلانٍ؟ إِنَّهُ لَآدانا لِلْأَمانَةِ وَأَصْدَقُنا لِلْحَدِيثِ.

بابُ حُسْنِ الْمُعاشَرَةِ



١ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ حَمّادٍ، عَنْ حَرِيزٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قالَ: قالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيهِ السَّلام: مَنْ خالَطْتَ فَإِنِ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَكُونَ يَدُكَ الْعُلْيا عَلَيْهِمْ فَافْعَلْ.

٢ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خالِدٍ، عَنْ

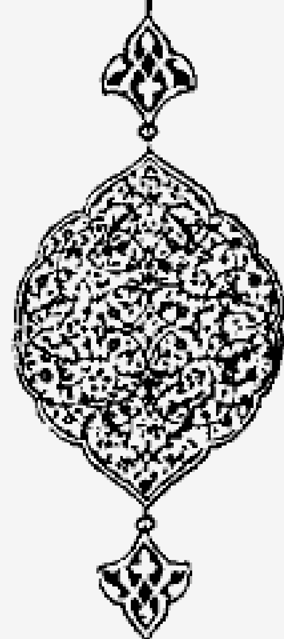


دهید، خوش کردار باشد یا بدکار زیرا رسول‌خدا(ص) را شیوه این بود که می‌فرمود: نخ وسوزنی را هم به‌صاحبش بپردازید. با تیرهٔ خود پیوست کنید وبر سرِ جنازهٔ مرده‌هاشان حاضر شوید واز بیمارهاشان عیادت کنید وحقوق آنها را بپردازید زیرا هر مردی از شماها هرگاه در دینِ خود ورع داشته باشد وراست گوید وامانت را بپردازد وبامردم خوش‌رفتاری کند وگفته شود این جعفری است من شاد می‌شوم واز او شادی بر من وارد می‌شود وگفته می‌شود این اثرِ پرورشِ جعفر است، به‌خدا سوگند که پدرم برایم باز گفت که: مردی در میان یک قبیله از شیعه‌های علی(ع) بود وزیورِ آن قبیله بشمار می‌رفت از همه بهتر امانت را می‌پرداخت وحقوق را مراعات می‌کرد وراستگوتر بود وهمه وصیّت وامانتِ خود را بدو می‌سپردند از همهٔ مردم عشیره که از او پرسش می‌کردی می‌گفتند: چه کسی مانندِ فلانی است، راستی که او از همهٔ ماها امانت پردازتر وراستگوتر است.

باب حسن معاشرت

۱ ـ امام باقر(ع) فرمود: با هرکه معاشرت داری، اگر توانی دست بر سر آنها داشته باشی(به آنهااحسان و کمک و خدمت کنی) بکن.

۲ ـ از ابی الربیع شامی، گوید: نزد امام صادق(ع) وارد

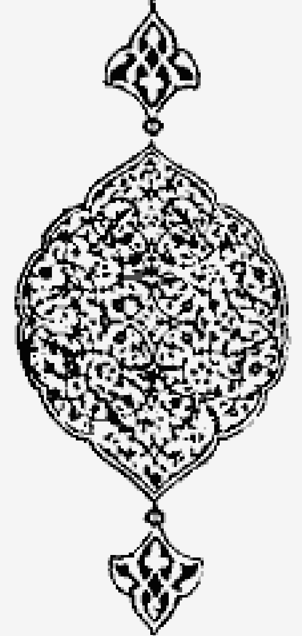




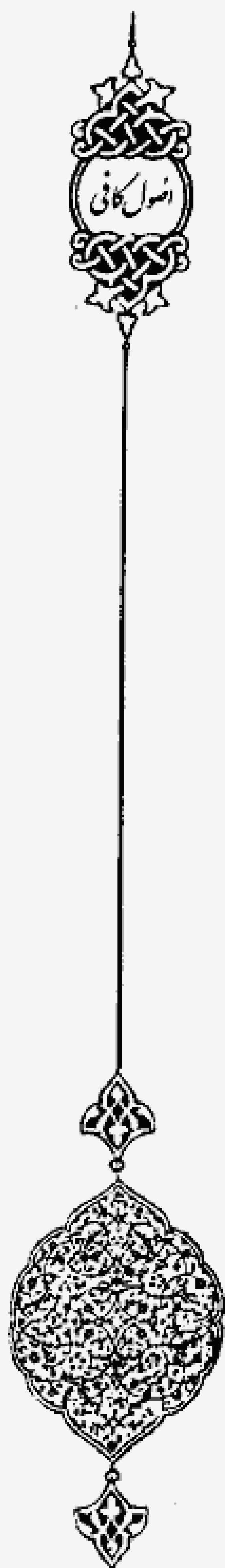
إِسْماعِيلَ بْنِ مِهْرانَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَفْصٍ، عَنْ أَبِي الرَّبِيعِ الشّامِيِّ قالَ: دَخَلْتُ عَلىٰ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيهِ السَّلام وَالْبَيْتُ غاصٌّ بِأَهْلِهِ فِيهِ الْخُراسانِيُّ وَالشّامِيُّ وَمِنْ أَهْلِ الْآفاقِ فَلَمْ أَجِدْ مَوْضِعاً أَقْعُدُ فِيهِ فَجَلَسَ أَبُو عَبْدِاللّٰهِ عَلَيهِ السَّلام وَكانَ مُتَّكِئاً ثُمَّ قالَ: يا شِيعَةَ آلِ مُحَمَّدٍ اعْلَمُوا أَنَّهُ لَيْسَ مِنّا مَنْ لَمْ يَمْلِكْ نَفْسَهُ عِنْدَ غَضَبِهِ وَمَنْ لَمْ يُحْسِنْ صُحْبَةَ مَنْ صَحِبَهُ وَمُخالَقَةَ مَنْ خالَقَهُ وَمُرافَقَةَ مَنْ رافَقَهُ وَمُجاوَرَةَ مَنْ جاوَرَهُ وَمُمالَحَةَ مَنْ مالَحَهُ، يا شِيعَةَ آلِ مُحَمَّدٍ اتَّقُوا اللّٰهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ وَلا حَوْلَ وَ قُوَّةَ إِلّا بِاللّٰهِ.

٣ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ، عَمَّنْ ذَكَرَهُ، عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيهِ السَّلام فِي قَوْلِ اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ: ((إِنّا نَراكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ)) قالَ: كانَ يُوَسِّعُ الْمَجْلِسَ وَيَسْتَقْرِضُ لِلْمُحْتاجِ وَيُعِينُ الضَّعِيفَ.

٤ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنانٍ، عَنْ عَلاءِ بْنِ الْفُضَيْلِ، عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيهِ السَّلام قالَ: كانَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيهِ السَّلام يَقُولُ: عَظِّمُوا أَصْحابَكُمْ وَوَقِّرُوهُمْ وَلا يَتَهَجَّمْ بَعْضُكُمْ عَلىٰ بَعْضٍ وَلا تُضارُّوا وَلا تُحاسِدُوا وَإِيّاكُمْ وَالْبُخْلَ كُونُوا عِبادَ اللّٰهِ الْمُخْلَصِينَ [الصّالِحِينَ].



٥ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسىٰ، عَنِ الْحَجّالِ، عَنْ داوُدَ بْنِ أَبِي زَيْدٍ وَثَعْلَبَةَ وَعَلِيِّ بْنِ عُقْبَةَ، عَنْ بَعْضِ مَنْ



شدم و اطاق پر از حاضران بود که از اهل خراسان و شام و دیگر بلاد در آنجا بودند، من جائی نیافتم که بنشینم، امام صادق (ع) که تکیه داده بود، روی پا نشست و فرمود: ای شیعهٔ آل محمد! راستش این است که نیست از ما کسی که هنگام خشم خوددار نباشد و باهم‌صحبت خود، خوش صحبتی نکند، و خوش خلقی نکند باهم خلق خود، و رفاقت نکند با کسی که با او رفاقت کند و هم‌جوار او هم‌جوار خود نباشد و خوش‌مزگی نکند با کسی که بااو خوش مزگی کند، ای شیعهٔ آل محمد! تا توانید از خدا بپرهیزید و لا حول و لا قوة الا بالله.

۳ ـ از امام صادق (ع) که در تفسیر قول خدا عزوجل (۳٦ سوره یوسف): «راستی ما تو را از محسنان دانیم و بینیم» فرمود: جا باز می‌کرد برای واردین مجلس خود و به نیازمندان وام می‌دهد و به ناتوانها کمک می‌کرد.

٤ ـ امام باقر (ع) می‌فرمود:

بزرگ شمارید یاران خود را و آنها را احترام کنید و به یکدیگر هجوم نکنید و به‌هم حسد نبرید و بپرهیزید از بخل، از بنده‌های باخلاص خدا باشید (از بنده‌های شایستهٔ خدا باشیدخ ل).

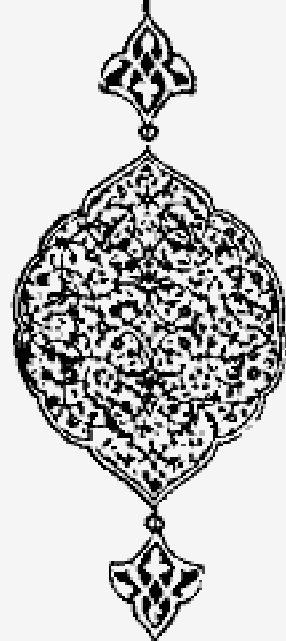
۵ ـ از کسی که برای او روایت کرده بود از امام باقر یاامام صادق (ع)، فرمود:



رَواهُ؛ عَنْ أَحَدِهِما عليهما السّلام قالَ: الْإِنْقِباضُ مِنَ النّاسِ مَكْسِبَةٌ لِلْعَداوَةِ.

بابُ مَنْ تَجِبُ مُصادَقَتُهُ وَمُصاحَبَتُهُ

١ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ حُسَيْنِ بْنِ الْحَسَنِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنانٍ، عَنْ عَمّارِ بْنِ مُوسىٰ، عَنْ أَبي عَبْدِاللّٰهِ عليه السّلام قالَ: قالَ أَميرُ الْمُؤْمِنينَ عليه السّلام: لا عَلَيْكَ أَنْ تَصْحَبَ ذَا الْعَقْلِ وَإِنْ لَمْ تَحْمَدْ كَرَمَهُ وَلٰكِنِ انْتَفِعْ بِعَقْلِهِ وَاحْتَرِسْ مِنْ سَيِّيءِ أَخْلاقِهِ وَلا تَدَعَنَّ صُحْبَةَ الْكَريمِ وَإِنْ لَمْ تَنْتَفِعْ بِعَقْلِهِ وَلٰكِنِ انْتَفِعْ بِكَرَمِهِ بِعَقْلِكَ وَافْرِرْ كُلَّ الْفِرارِ مِنَ اللَّئيمِ الْأَحْمَقِ.



٢ ـ عَنْهُ، عَنْ عَبْدِالرَّحْمٰنِ بْنِ أَبي نَجْرانَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الصَّلْتِ، عَنْ أَبانٍ، عَنْ أَبِي الْعُدَيْسِ قالَ: قالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السّلام: يا صالِحُ اتَّبِعْ مَنْ يُبْكيكَ وَهُوَ لَكَ ناصِحٌ وَلا تَتَّبِعْ مَنْ يُضْحِكُكَ وَهُوَ لَكَ غاشٌّ وَسَتَرِدُونَ عَلَى اللّٰهِ جَميعاً فَتَعْلَمُونَ.

٣ ـ عَنْهُ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، عَنْ مُوسَىٰ بْنِ يَسارٍ الْقَطّانِ، عَنِ الْمَسْعُودِيِّ، عَنْ أَبي داوُدَ، عَنْ ثابِتِ بْنِ صَخْرَةَ، عَنْ أَبِي الزَّعْلىٰ قالَ: قالَ أَميرُ الْمُؤْمِنينَ عليه السّلام: قالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

روی ترش کردن به مردم مایهٔ دشمنی است.

باب کسی که رفاقت و همنشینی او بایست است

۱ ـ از امام صادق (ع) که امیرالمؤمنین (ع) فرمود:
بر تو باکی نیست که با خردمند همنشین گردی و گرچه کرم او را نپسندی و سود زیادی از او نبری ولی از خرد او سود بر و از اخلاق بدش بپرهیز و همنشینی کریم را از دست مده و اگرچه از خردش بهره نبری ولی به خرد خود از کرمش بهره گیر و تا توانی از پست و بی‌خرد بگریز.

۲ ـ از امام باقر (ع)، فرمود:
ای آدم! خوب پیرو کسی باش که تو را گریاند و اندرز دهد و دنبال کسی مرو که تو را خنداند و گول زند و به زودی همهٔ شماها بر خدا درآئید و بدانید.

۳ ـ رسول خدا (ص) فرمود:
بنگرید که با که هم‌صحبت می‌شوید، زیرا راستش این است که مرگ بر کسی فرود نیاید جز اینکه یارانش در برابر او مجسم



وَآلِهِ وَسَلَّم: انْظُرُوا مَنْ تُحادِثُونَ؟ فَإِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَحَدٍ يَنْزِلُ بِهِ الْمَوْتُ إِلَّا مُثِّلَ لَهُ أَصْحابُهُ إِلَى اللهِ إِنْ كانُوا خِياراً فَخِياراً وَإِنْ كانُوا شِراراً فَشِراراً، وَلَيْسَ أَحَدٌ يَمُوتُ إِلَّا تَمَثَّلْتُ لَهُ عِنْدَ مَوْتِهِ.

٤ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ، عَنْ بَعْضِ الْحَلَبِيِّينَ، عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ مُسْكانَ عَنْ رَجُلٍ مِنْ أَهْلِ الْجَبَلِ لَمْ يُسَمِّهِ قالَ: قالَ أَبُو عَبْدِاللهِ عَلَيْهِ السَّلام: عَلَيْكَ بِالتِّلادِ وَإِيّاكَ وَكُلَّ مُحْدَثٍ لا عَهْدَ لَهُ وَلا أَمانَ وَلا ذِمَّةَ وَلا مِيثاقَ وَكُنْ عَلَى حَذَرٍ مِنْ أَوْثَقِ النّاسِ عِنْدَكَ.

٥ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، رَفَعَهُ إِلَى أَبِي عَبْدِاللهِ عَلَيْهِ السَّلام قالَ:

أَحَبُّ إِخْوانِي إِلَيَّ مَنْ أَهْدَى إِلَيَّ عُيُوبِي.

٦ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ، عَنْ عُبَيْدِاللهِ الدِّهْقانِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عائِذٍ، عَنْ عُبَيْدِاللهِ الْحَلَبِي، عَنْ أَبِي عَبْدِاللهِ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: لا تَكُونُ الصَّداقَةُ إِلَّا بِحُدُودِها فَمَنْ كانَتْ فِيهِ هٰذِهِ الْحُدُودُ أَوْ شَيْءٌ مِنْها فَانْسِبْهُ إِلَى الصَّداقَةِ وَمَنْ لَمْ يَكُنْ فِيهِ شَيْءٌ مِنْها فَلا تَنْسِبْهُ إِلَى شَيْءٍ مِنَ الصَّداقَةِ فَأَوَّلُها أَنْ تَكُونَ سَرِيرَتُهُ وَعَلانِيَتُهُ لَكَ واحِدَةً، وَالثّانِي أَنْ يَرَى زَيْنَكَ زَيْنَهُ وَشَيْنَكَ شَيْنَهُ، وَالثّالِثَةُ أَنْ لا تُغَيِّرَهُ عَلَيْكَ وِلايَةٌ وَلا مالٌ، وَالرّابِعَةُ أَنْ لا يَمْنَعَكَ شَيْئاً تَنالُهُ مَقْدَرَتُهُ، وَالْخامِسَةُ وَهِيَ تَجْمَعُ هٰذِهِ الْخِصالَ أَنْ لا يُسْلِمَكَ عِنْدَ النَّكَباتِ.



گردند به درگاه خدا، اگر خوبان باشند به نظر خوب آیند و اگر بدان باشند بدان، و کسی نمیرد جز اینکه هنگام مرگ در نظر او نمونه‌ها بازدید آیند.

۴ ـ از امام صادق (ع) که فرمود:

به رفیقان دیرین و نجیب بچسب و از هر تازه به دوران رسیده که پیمان و امان و تعهّد و میثاقی نمی‌شناسند بپرهیز، و از واثق مردم در نزد خود حذر کن (که ممکن است روزی دشمن شود).

۵ ـ امام صادق (ع) فرمود:

محبوب‌ترین برادرانم در نزد من کسی است که عیوبم را به من هدیه کند (یعنی خیرخواهانه، آنها را یادآوری کند).

۶ ـ امام صادق (ع) فرمود:

صداقت و دوستی در میان نباشد جز با شرائطش و هر که دارای همهٔ آن شروط یا برخی از آنها است، او را اهل صداقت دان و هرکس هیچ کدام از آنها را ندارد، او را به صداقت نسبت مده، اول: اینکه نهان و عیانش برای تو یکی باشد، دوم: اینکه آراسته‌گی تو را آراسته‌گی خودش داند و زشتی تو را زشتی خودش شمارد، سوم: اینکه به جاه و مالی رسید دست از تو برندارد، چهارم: اینکه از آنچه تواند به تو دریغ نکند، پنجم که همهٔ اینها را لازم دارد: این است که هنگام بیچارگی و نکبت تو را وانهند.



بابُ مَنْ تُكْرَهُ مُجالَسَتُهُ وَمُرافَقَتُهُ

١ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خالِدٍ، عَنْ عُمْرِو بْنِ عُثْمانَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سالِمٍ الْكِنْدِيِّ، عَمَّنْ حَدَّثَهُ، عَنْ أَبي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: كانَ أَميرُ الْمُؤْمِنينَ عَلَيْهِ السَّلام إِذا صَعَدَ الْمِنْبَرَ قالَ: يَنْبَغي لِلْمُسْلِمِ أَنْ يَتَجَنَّبَ مُواخاةَ ثَلاثَةٍ: الْماجِنُ الْفاجِرِ وَالْأَحْمَقِ وَالْكَذّابِ.

فَأَمَّا الْماجِنُ الْفاجِرُ فَيُزَيِّنُ لَكَ فِعْلَهُ وَيُحِبُّ أَنَّكَ مِثْلُهُ وَلا يُعينُكَ عَلىٰ أَمْرِ دينِكَ وَمَعادِكَ وَمُقارَبَتُهُ جَفاءٌ وَقَسْوَةٌ وَمَدْخَلُهُ وَمَخْرَجُهُ عارٌ عَلَيْكَ.

وَأَمَّا الْأَحْمَقُ فَإِنَّهُ لا يُشيرُ عَلَيْكَ بِخَيْرٍ وَلا يُرْجىٰ لِصَرْفِ السُّوءِ عَنْكَ وَلَوْ أَجْهَدَ نَفْسَهُ. وَرُبَّما أَرادَ مَنْفَعَتَكَ فَضَرَّكَ فَمَوْتُهُ خَيْرٌ مِنْ حَياتِهِ وَسُكُوتُهُ خَيْرٌ مِنْ نُطْقِهِ وَبُعْدُهُ خَيْرٌ مِنْ قُرْبِهِ.

وَأَمَّا الْكَذّابُ فَإِنَّهُ لا يَهْنَئُكَ مَعَهُ عَيْشٌ، يَنْقُلُ حَديثَكَ وَيَنْقُلُ إِلَيْكَ الْحَديثَ كُلَّما أَفْنىٰ أُحْدُوثَةً مَطَرَها بِأُخْرىٰ مِثْلِها حَتّىٰ أَنَّهُ يُحَدِّثُ بِالصِّدْقِ فَما يُصَدَّقُ، وَيُفَرِّقُ بَيْنَ النّاسِ بِالْعَداوَةِ فَيُنْبِتُ السَّخائِمَ فِي الصُّدورِ فَاتَّقُوا اللّٰهَ عَزَّ وَجَلَّ وَانْظُرُوا لِأَنْفُسِكُمْ.

باب کسی که مجالست و رفاقت با او بد است

۱ ـ از امام صادق (ع) که هر وقت به منبر بالا می‌رفت می‌فرمود: برای مسلمان شایسته است که از برادری و رفاقت با سه کس دوری گزینند: هرزه‌گوی بدکار و احمق و دروغگو.

اما هرزه‌گوی بدکار: کردارش را برایت آراید، و خواهد که به مانند او باشی، و تو را در کار دنیا و آخرت کمک ندهد، و نزدیکی با او جفا است و سخت‌دلی، و ورود بر او و خروج از منزل او برای تو ننگ است.

و اما احمق: تو را به خیری واندارد، و برای دفع بدی از تو امیدی به او نیست و گرچه خود را به تلاش اندازد و بسا که خواهد به تو سودی رساند و زیانت بخشد، پس مرگ او از زندگیش بهتر است، و خموشی او بهتر از گفتار او است، و دوری از او بهتر از نزدیکی با او است.

و اما دوغگو: زندگانی با او بر تو گوارا نیست، هرچه گوئی به دیگران بازگوید و برای تو از دیگران بازگوید، هر زمانی یک افسانه‌ای به سر رساند افسانه‌ای مانند آن به دنبال آن چسباند تا آنجا که اگر راست هم گوید، از او باور نشود، و میان مردم دشمنی افکند و آنها را از هم جدا کند و در سینه‌ها کینه‌ها برویاند. از خدا بپرهیزید و خود را بپائید.



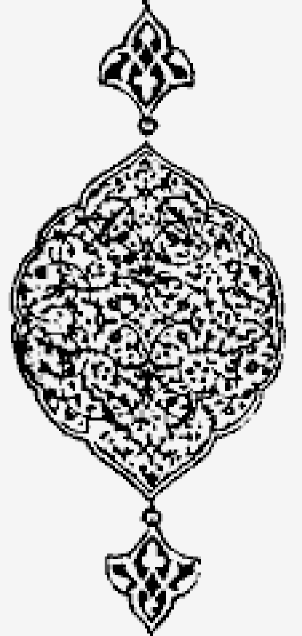
٢ ـ وَفي رِوايَةِ عَبْدِالْأَعْلىٰ، عَنْ أَبي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: قالَ أَميرُ الْمُؤْمِنينَ عَلَيْهِ السَّلام: لا يَنْبَغي لِلْمَرْءِ الْمُسْلِمِ أَنْ يُواخِيَ الْفاجِرَ فَإِنَّهُ يُزَيِّنُ فِعْلَهُ وَيُحِبُّ أَنْ يَكُونَ مِثْلَهُ وَلا يُعِينُهُ عَلىٰ أَمْرِ دُنْياهُ وَلا أَمْرِ مَعادِهِ وَمَدْخَلُهُ إِلَيْهِ وَمَخْرَجُهُ مِنْ عِنْدِهِ شَيْنٌ عَلَيْهِ.

٣ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ عُثْمانَ بْنِ عِيسىٰ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يُوسُفَ، عَنْ مُيَسِّرٍ عَنْ أَبي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: لا يَنْبَغي لِلْمَرءِ الْمُسْلِمِ أَنْ يُواخِيَ الْفاجِرَ وَلَا الْأَحْمَقَ وَلا الْكَذّابَ.

٤ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيادٍ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْباطٍ، عَنْ بَعْضِ أَصْحابِهِ، عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: قالَ عِيسَىٰ ابْنُ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلام: إِنَّ صاحِبَ الشَّرِّ يُعْدِي، وَقَرِينَ السَّوْءِ يُرْدِي فَانْظُرْ مَنْ تُقارِنُ.

٥ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، وَمُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنانٍ، عَنْ عَمّارِ بْنِ مُوسىٰ قالَ: قالَ أَبُو عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام: يا عَمّارُ إِنْ كُنْتَ تُحِبُّ أَنْ تَسْتَتِبَّ لَكَ النِّعْمَةُ وَتَكْمُلَ لَكَ الْمُرُوءَةُ وَتَصْلَحَ لَكَ الْمَعِيشَةُ؛ فَلا تُشارِكِ الْعَبِيدَ وَالسَّفَلَةَ فِي أَمْرِكَ، فَإِنَّكَ إِنِ ائْتَمَنْتَهُمْ خانُوكَ وَإِنْ حَدَّثُوكَ كَذَبُوكَ وَإِنْ نُكِبْتَ خَذَلُوكَ وَإِنْ وَعَدُوكَ أَخْلَفُوكَ.

٦ ـ قالَ: وَسَمِعْتُ أَبا عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام يَقُولُ: حُبُّ الْأَبْرارِ





۲ ـ امیرالمؤمنین (ع) فرمود:

نشاید برای مرد مسلمان که با بدکردار برادری آغازد، زیرا کار بد خود را برای او جلوه دهد و خواهد که مانند او گردد، و او را در کار دنیا و دیگر سرایش کمک ندهد، و رفت و آمد نزد او برای او زشتی و زبونی آورد.

۳ ـ امام صادق (ع) فرمود:

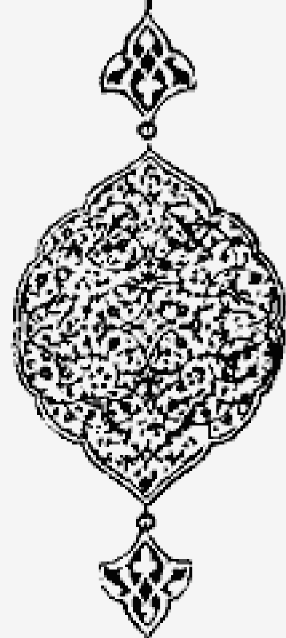
نشاید که مرد مسلمان با بدکار و احمق و دروغگو رفاقت کند.

٤ ـ عیسی بن مریم (ع) فرمود:

راستی بدکردار ستم آورد، و همنشین بد هلاکت بارد، بنگر با چه کس همنشین گردی.

۵ ـ از عمار بن موسی که امام صادق (ع) فرمود:

ای عمار! اگر خواهی نعمت برایت فراهم گردد و مردانگیت به کمال رسد و زندگانیت خوب باشد، بنده‌ها و پست‌ها را در کارت وارد مکن، زیرا که اگر بدانها چیزی سپاری، به تو خیانت ورزند و اگر با تو سخنی بازگویند، دروغ زنند و اگر گرفتاری شدی، تو را واگذارند و اگر به تو وعده دهند، تخلف کنند.



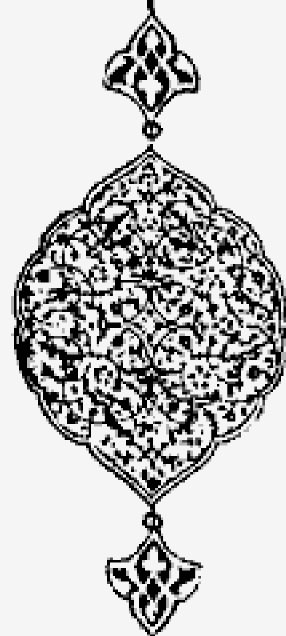
٦ ـ گوید: و از امام صادق (ع) شنیدم می‌فرمود:



لِلْأَبْرارِ ثَوابٌ لِلْأَبْرارِ، وَحُبُّ الْفُجّارِ لِلْأَبْرارِ فَضِيلَةٌ لِلْأَبْرارِ، وَبُغْضُ الْفُجّارِ لِلْأَبْرارِ زَيْنٌ لِلْأَبْرارِ، وَبُغْضُ الْأَبْرارِ لِلْفُجّارِ خِزْيٌ عَلَى الْفُجّارِ.

٧ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيادٍ، وَعَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، جَمِيعاً، عَنْ عَمْرِو بْنِ عُثْمانَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عُذافِرٍ، عَنْ بَعْضِ أَصْحابِهِما، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ وَأَبِي حَمْزَةَ، عَنْ أَبِي عَبْدِاللّهِ، عَنْ أَبِيهِ عليهما السّلام قالَ: قالَ لِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ صَلَواتُ اللّهِ عَلَيْهِما: يا بُنَيَّ انْظُرْ خَمْسَةً فَلا تُصاحِبْهُمْ وَلا تُحادِثْهُم وَلا تُرافِقْهُمْ فِي طَرِيقٍ؛ فَقُلْتُ: يا أَبَتِ مَنْ هُمْ؟ عَرِّفْنِيهِمْ.

قالَ: إِيّاكَ وَمُصاحَبَةَ الْكَذّابِ فَإِنَّهُ بِمَنْزِلَةِ السَّرابِ يُقَرِّبُ لَكَ الْبَعِيدَ وَيُبَعِّدُ لَكَ الْقَرِيبَ، وَإِيّاكَ وَمُصاحَبَةَ الْفاسِقِ فَإِنَّهُ بايِعُكَ بِأُكْلَةٍ أَوْ أَقَلَّ مِنْ ذٰلِكَ، وَإِيّاكَ وَمُصاحَبَةَ الْبَخِيلِ فَإِنَّهُ يَخْذُلُكَ فِي مالِهِ أَحْوَجَ ما تَكُونُ إِلَيْهِ، وَإِيّاكَ وَمُصاحَبَةَ الْأَحْمَقِ فَإِنَّهُ يُرِيدُ أَنْ يَنْفَعَكَ فَيَضُرُّكَ، وَإِيّاكَ وَمُصاحَبَةَ الْقاطِعِ لِرَحِمِهِ فَإِنِّي وَجَدْتُهُ مَلْعُوناً فِي كِتابِ اللّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي ثَلاثَةِ مَواضِعَ:



قالَ اللّهُ عَزَّ وَجَلَّ: ((فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَتُقَطِّعُوا أَرْحامَكُمْ أُولٰئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللّهُ فَأَصَمَّهُمْ وَأَعْمىٰ أَبْصارَهُمْ)).

وَقالَ عَزَّ وَجَلَّ: ((الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثاقِهِ وَيَقْطَعُونَ ما أَمَرَ اللّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولٰئِكَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ

دوست داشتن نیکان مر نیکان را برای نیکان ثواب است، و دوست داشتن بدکاران نیکان را برای نیکان فضیلت است، و دشمن بودن بدکاران برای نیکان زینت نیکان است، و دشمن بودن نیکان برای بدکاران رسوائی بدکاران است.

۷ ـ از محمد بن مسلم و ابی حمزه، از امام صادق (ع)، از پدرش، فرمود که: پدرم علی بن الحسین (ع) به من فرمود: ای فرزند جانم! با پنج کس همنشین مباش و گفتگو مکن و رفیق راه مشو، من گفتم: پدرجان! آنها چه کسانند، آنها را به من معرفی کن؟ فرمود: بپرهیز از همنشینی دروغگو، زیرا چون سراب است، دور را به تو نزدیک می‌کند و دور می‌کند نزدیک را، بپرهیز از همنشینی فاسق و بزه‌کار، زیرا که او تو را به یک خوراک یا کمتر از آن می‌فروشد، و مبادا با بخیل رفاقت کنی، زیرا او مال خود را هنگامی که سخت بدان نیازمندی، از تو دریغ می‌دارد، مبادا با بی‌خرد رفاقت کنی، زیرا که او می‌خواهد به تو سود رساند، و در عوض زیان می‌رساند، مبادا با کسی که قطع رحم می‌کند رفاقت کنی و هم صحبت شوی، زیرا من او را در کتاب خدا عزوجل ملعون یافتم در سه‌جا:

۱ ـ خدا عزوجل فرماید (۲۳ سوره محمد): «آیا در شما این نگرانی است که اگر پشت به فرمان خدا دادید در زمین فساد کنید و قطع رحم نمائید (۲٤) آنانند که خدا آنها را لعنت کرده و کر ساخته و کورشان ساخته است».

۲ ـ خدا عزوجل فرماید (۲۵ سوره رعد): «آن کسانی که می‌شکنند پیمان خدا را پس از بستن آن و می‌برند آنچه را خدا فرمان داده است که پیوند کنند و فساد می‌کنند در زمین آنان دچار لعنت و خانمان بد هستند».

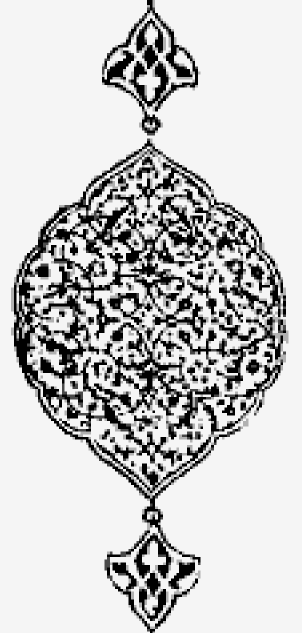


الدّارِ)). وَقالَ فِي الْبَقَرَةِ: ((الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثاقِهِ وَيَقْطَعُونَ ما أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ هُمُ الْخاسِرُونَ)).

٨ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ مُوسَى بْنِ الْقاسِمِ قالَ: سَمِعْتُ الْمُحارِبِيَّ يَرْوِي عَنْ أَبِي عَبْدِاللَّهِ عَلَيهِ السّلام عَنْ آبائِهِ عَلَيهِم السّلام قالَ: قالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللّهُ عَلَيهِ وَآلِهِ وَسَلَّم: ثَلاثَةٌ مُجالَسَتُهُمْ تُمِيتُ الْقَلْبَ: الْجُلُوسُ مَعَ الْأَنْذالِ، وَالْحَدِيثُ مَعَ النِّساءِ، وَالْجُلُوسُ مَعَ الْأَغْنِياءِ.

٩ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ بَعْضِ أَصْحابِهِ، عَنْ إِبْراهِيمَ بْنِ أَبِي الْبِلادِ، عَمَّنْ ذَكَرَهُ قالَ: قالَ لُقْمانُ عَلَيهِ السّلام لِابْنِهِ: يا بُنَيَّ لا تَقْتَرِبْ فَتَكُونَ أَبْعَدَ لَكَ وَلا تَبْعُدْ فَتُهانَ، كُلُّ دابَّةٍ تُحِبُّ مِثْلَها وَإِنَّ ابْنَ آدَمَ مِثْلَهُ وَلا تَنْشُرْ بَزَّكَ إِلّا عِنْدَ باغِيهِ كَما لَيْسَ بَيْنَ الذِّئْبِ وَالْكَبْشِ خُلَّةٌ كَذلِكَ لَيْسَ بَيْنَ الْبارِّ وَالْفاجِرِ خُلَّةٌ، مَنْ يَقْتَرِبْ مِنَ الزِّفْتِ يَعْلَقْ بِهِ بَعْضُهُ كَذلِكَ مَنْ يُشارِكُ الْفاجِرَ يَتَعَلَّمُ مِنْ طُرُقِهِ، مَنْ يُحِبُّ الْمِراءَ يُشْتَمْ، وَمَنْ يَدْخُلُ مَداخِلَ السُّوءِ يُتَّهَمْ، وَمَنْ يُقارِنُ قَرِينَ السُّوءِ لا يَسْلَمْ، وَمَنْ لا يَمْلِكُ لِسانَهُ يَنْدَمْ.

١٠ ـ أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِالْجَبّارِ، عَنِ ابْنِ أَبِي نَجْرانَ، عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ، عَنْ أَبِي عَبْدِاللَّهِ عَلَيهِ السّلام أَنَّهُ قالَ: لا تَصْحَبُوا أَهْلَ الْبِدَعِ وَلا تُجالِسُوهُمْ فَتَصِيرُوا عِنْدَ النّاسِ كَواحِدٍ





۳ ـ خدا عزوجل فرماید (۲۷ سوره بقره): «آن کسانی که می‌شکنند عهد خدا را پس از پیوستن و بستن آن و می‌برند آنچه را خدا فرمان داده که پیوند شود و فساد می‌کنند در زمین آنان زیانکارانند».

۸ ـ رسول خدا(ص) فرمود:

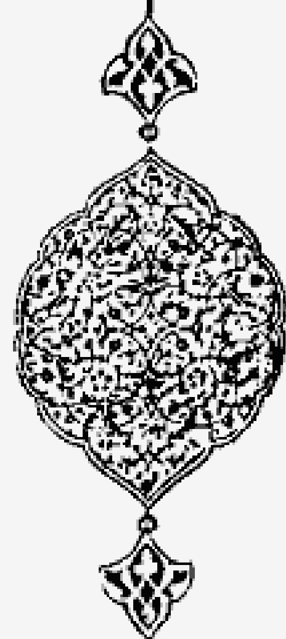
سه کسند که همنشینی آنها دل را بمیراند: نشستن با اوباش، و گفت و شنود با زنها، و نشستن با توانگران.

۹ ـ لقمان به پسرش گفت:

پسر جانم! پر نزدیک مشو تا تو را دور کند و پر دوری مکن تا خوار و بی‌مقدار شوی، هر جان‌دار همانند خود را دوست دارد و راستی که آدمی‌زاده مانند خود را دوست دارد، کالای خود را پهن مکن مگر در برابر خریدارش و جویایش، چنانچه میان گرگ و گوسفند دوستی نباشد، همچنان میان خوش‌کردار و بدکردار دوستی نیفتد، هر که به قیر نزدیک شود، قیر به او می‌چسبد، همچنین هر کس به بدکار شریک شود، از روشهای او بیاموزد، هر که ستیزه‌جو است، دشنام خورد و هر که به محلهای بدی رود، متهم گردد، و هر که با همنشین بد جفت شود، سالم نماند، و هر که زبان خود را نگه ندارد، پشیمان گردد.

۱۰ ـ از امام صادق (ع) که فرمود:

با بدعت‌گذاران هم‌صحبت نشوید و با آنها هم‌نشین نگردید تا در چشم مردم مانند یکی از آنها باشید، رسول خدا(ص) فرمود: مرد



مِنْهُمْ، قالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّم: اَلْمَرْءُ عَلىٰ دِينِ خَلِيلِهِ وَقَرِينِهِ.

١١ ـ أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِالْجَبّارِ، عَنِ الْحَجّالِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ يَعْقُوبَ الْهاشِمِيِّ، عَنْ هارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ، عَنْ عُبَيْدِ بْنِ زُرارَةَ قالَ: قالَ أَبُو عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام: إِيّاكَ وَمُصادَقَةَ الْأَحْمَقِ فَإِنَّكَ أَسَرُّ ما تَكُونُ مِنْ ناحِيَتِهِ أَقْرَبُ ما يَكُونُ إِلىٰ مَساءَتِكَ.

بابُ التَّحَبُّبِ إِلَى النّاسِ وَالتَّوَدُّدِ إِلَيْهِمْ

١ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، وَعَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، جَمِيعاً، عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ، عَنْ هِشامِ بْنِ سالِمٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: إِنَّ أَعْرابِيّاً مِنْ بَنِي تَمِيمٍ أَتَى النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّم فَقالَ لَهُ: أَوْصِنِي، فَكانَ مِمّا أَوْصاهُ: تَحَبَّبْ إِلَى النّاسِ يُحِبُّوكَ.

٢ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خالِدٍ، عَنْ عُثْمانَ بْنِ عِيسىٰ، عَنْ سَماعَةَ، عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: مُجامَلَةُ النّاسِ ثُلُثُ الْعَقْلِ.

٣ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ النَّوْفَلِيِّ، عَنِ السَّكُونِيِّ،

همکیش دوست و هم‌نشین خویش است. [۱۲۱]

۱۱ ـ امام صادق (ع) فرمود:
بپرهیز از رفاقت با احمق که هرچه از جانب او مسرورتر باشی، او به بدحال کردن تو نزدیک‌تر است.

باب دوستی و مهرورزی با مردم

۱ ـ از امام باقر (ع)، فرمود:
یک اعرابی از بنی تمیم نزد پیغمبر (ص) آمد و به آن حضرت گفت: به من سفارشی کن ودر سفارش به او این بود که: دوستی کنی با مردم تا تو را دوست دارند.

۲ ـ از امام صادق (ع)، فرمود:
مدارا با مردم یک سوّم خردمندی است.

۳ ـ رسول خدا (ص) فرمود: سه چیز است که دوستی مرد را



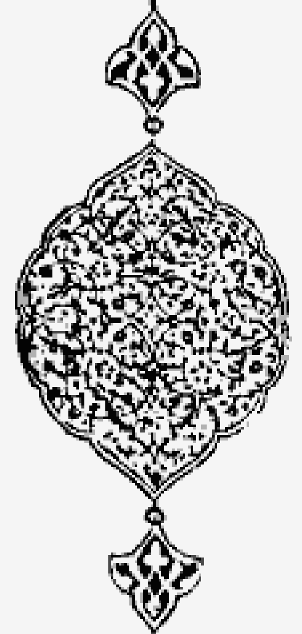
عَنْ أَبي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: قالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّم: ثَلاثٌ يُصْفِينَ وُدَّ الْمَرْءِ لِأَخِيهِ الْمُسْلِمِ: يَلْقاهُ بِالْبُشْرِ إِذا لَقِيَهُ وَيُوَسِّعُ لَهُ فِي الْمَجْلِسِ إِذا جَلَسَ إِلَيْهِ وَيَدْعُوهُ بِأَحَبِّ الْأَسْماءِ إِلَيْهِ.

٤ ـ وَبِهٰذَا الْإِسْنادِ قالَ: قالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّم: التَّوَدُّدُ إِلَى النّاسِ نِصْفُ الْعَقْلِ.

٥ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيادٍ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَسّانٍ، عَنْ مُوسَى بْنِ بَكْرٍ، عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: التَّوَدُّدُ إِلَى النّاسِ نِصْفُ الْعَقْلِ.

٦ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَىٰ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَىٰ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنانٍ، عَنْ حُذَيْفَةَ بْنِ مَنْصُورٍ قالَ: سَمِعْتُ أَبا عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام يَقُولُ: مَنْ كَفَّ يَدَهُ عَنِ النّاسِ فَإِنَّما يَكُفُّ عَنْهُمْ يَداً واحِدَةً وَيَكُفُّونَ عَنْهُ أَيْدِياً كَثِيرَةً.

٧ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خالِدٍ، عَنْ بَعْضِ أَصْحابِهِ، عَنْ صالِحِ بْنِ عُقْبَةَ، عَنْ سُلَيْمانَ بْنِ زِيادٍ التَّمِيمِيِّ، عَنْ أَبي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: قالَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِما السَّلام: الْقَرِيبُ مَنْ قَرَّبَتْهُ الْمَوَدَّةُ وَإِنْ بَعُدَ نَسَبُهُ وَالْبَعِيدُ مَنْ بَعَّدَتْهُ الْمَوَدَّةُ وَإِنْ قَرُبَ نَسَبُهُ، لا شَيْءَ أَقْرَبُ إِلىٰ شَيْءٍ مِنْ يَدٍ إِلىٰ جَسَدٍ وَإِنَّ تَغُلُّ فَتُقْطَعُ فَتُحْسَمُ.





با برادر مسلمانش با صفا می‌کند:

۱ ـ همیشه به خوش‌روئی بااو برخورد کند.

۲ ـ در مجلس برای او جا باز کند هرگاه در بر او بنشیند.

۳ ـ به هر نامی که دوست دارد، او را بخواند.

٤ ـ رسول خدا(ص) فرمود:

مهرورزی با مردم، نیمی از خرد است.

۵ ـ ابو الحسن (ع) فرمود:

مهرورزی با مردم، نیمی از خرد است.

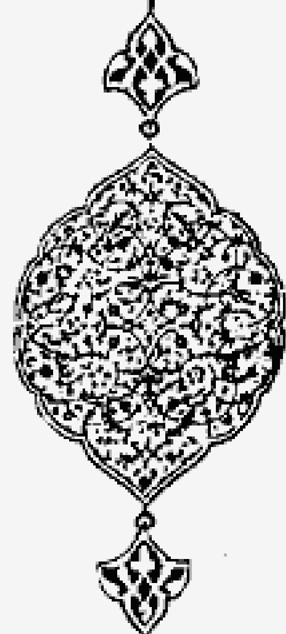
۶ ـ از حذیفه بن منصور، گوید: شنیدم امام صادق (ع) می‌فرمود:

هر که دست از آزار مردم بازدارد، همانا یک دست از آنها بازگرفته است و آنان دستهای بسیاری از او بازگیرند.

۷ ـ از امام صادق (ع) که امام حسن (ع) فرمود:

خویش: کسی است که مهرش او را پیوسته و گرچه نژادش با دوست نپیوسته، و بیگانه: آنکه پیوند مهر گسسته و گرچه در نژاد وابسته است.

چیزی به چیز دیگر نزدیک‌تر نیست از دست به پیکر و به راستی که دست خیانت ورزد و از تن بریده شود و بریده شود و از بن برآید. [۱۲۲]



بابُ إخبارِ الرَّجُلِ أَخاهُ بِحُبِّهِ

١ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خالِدٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عُمَرَ [بْنِ أُذَيْنَةَ]، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ نَصْرِ بْنِ قابُوسَ قالَ: قالَ لِي أَبُو عَبْدِاللّٰهِ عَلَيهِ السَّلام: إذا أَحْبَبْتَ أَحَداً مِنْ إِخْوانِكَ فَأَعْلِمْهُ ذلِكَ فَإِنَّ إِبْراهِيمَ عَلَيهِ السَّلام قالَ: «رَبِّ أَرِنِي كَيْفَ تُحْيِي الْمَوتىٰ قالَ: أَوَلَمْ تُؤْمِنْ؟ قالَ: بَلىٰ، وَلكِنْ لِيَطْمَئِنَّ قَلْبِي».

٢ ـ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ خالِدٍ، وَمُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسىٰ، جَمِيعاً، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ، عَنْ هِشامِ بْنِ سالِمٍ عَنْ أَبي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيهِ السَّلام قالَ: إذا أَحْبَبْتَ رَجُلاً فَأَخْبِرْهُ بِذلِكَ فَإِنَّهُ أَثْبَتُ لِلْمَوَدَّةِ بَيْنَكُما.

بابُ التَّسْلِيمِ

١ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ النَّوْفَلِيِّ، عَنِ السَّكُونِيِّ، عَنْ أَبي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيهِ السَّلام قالَ: قالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيهِ وَآلِهِ وَسَلَّم:



باب خبر دادن مرد برادر خود را از دوست داشتن او

۱ ـ از نصر بن قابوس، گوید: امام صادق (ع) به من فرمود:
هرگاه یکی از برادران خود را دوست داری، به او اعلام کن، زیرا ابراهیم (ع) گفت(۲۶۰ سوره بقره): «پروردگارا به من بنما که چگونه مرده‌ها را زنده می‌کنی، فرمود آیا ایمان نداری؟ گفت چرا برای اینکه دلم مطمئن شود».[۱۲۳]

۲ ـ از امام صادق (ع) که فرمود:
هرگاه دوست داشتی مردی را، او را از دوستی خود آگاه کن، زیرا که آن دوستی را میان شماها پای برجاتر کند.

باب در سلام کردن

۱ ـ رسول خدا(ص) فرمود:
سلام کردن مستحب است، و ردّ سلام واجب است.

السَّلامُ تَطَوُّعٌ وَالرَّدُّ فَرِيضَةٌ.

٢ ـ وَبِهذا الْإِسْنادِ قالَ: مَنْ بَدَأَ بِالْكَلامِ قَبْلَ السَّلامِ فَلا تُجِيبُوهُ. وَقالَ:

ابْدَؤُوا بِالسَّلامِ قَبْلَ الْكَلامِ فَمَنْ بَدَأَ بِالْكَلامِ قَبْلَ السَّلامِ فَلا تُجِيبُوهُ.

٣ ـ وَبِهذَا الْإِسْنادِ قالَ: قالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللهُ عَلَيهِ وَآلِهِ وَسَلَّم: أَوْلَى النّاسِ بِاللّٰهِ وَبِرَسُولِهِ مَنْ بَدَأَ بِالسَّلامِ.

٤ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيادٍ، عَنْ عَبْدِالرَّحْمٰنِ بْنِ أَبِي نَجْرانَ، عَنْ عاصِمِ بْنِ حُمَيْدٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيهِ السَّلام قالَ: كانَ سَلْمانُ رَحِمَهُ اللّٰهُ يَقُولُ: أَفْشُوا سَلامَ اللّٰهِ فَإِنَّ سَلامَ اللّٰهِ لا يَنالُ الظّالِمِينَ.

٥ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنِ ابْنِ فَضّالٍ، عَنْ ثَعْلَبَةَ بْنِ مَيْمُونٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ قَيْسٍ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيهِ السَّلام قالَ: إِنَّ اللّٰهَ عَزَّ وَجَلَّ يُحِبُّ إِفْشاءَ السَّلامِ.

٦ ـ عَنْهُ، عَنِ ابْنِ فَضّالٍ، عَنْ مُعاوِيَةَ بْنِ وَهْبٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيهِ السَّلام قالَ: إِنَّ اللّٰهَ عَزَّ وَجَلَّ قالَ: [إِنَّ] الْبَخِيلَ مَنْ يَبْخَلُ بِالسَّلامِ.

٧ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيادٍ، عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيِّ، عَنِ ابْنِ الْقَدّاحِ، عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيهِ السَّلام قالَ: إِذا

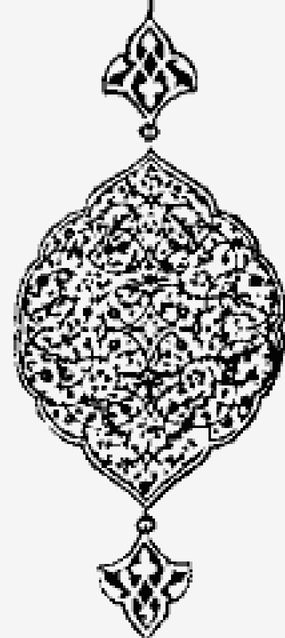


۲ ـ و به همین سند فرمود (ع):
هر که سلام نکرده آغاز سخن کرد، پاسخش ندهید و فرمود:
پیش از سخن گفتن، به سلام کردن آغاز کنید، و هر که سلام نکرده آغاز سخن کند، به او پاسخ ندهید.

۳ ـ رسول خدا(ص) فرمود: نزدیکترین مردم به خدا و رسولش کسی است که آغاز به سلام کند.

٤ ـ از امام باقر (ع) که سلمان رحمه الله بارها می‌فرمود:
سلام خدا را آشکارا ادا کنید، زیرا سلام خدا به ستمکاران نمی‌رسد.

۵ ـ امام باقر (ع) فرمود:
راستی که خدا عزوجل دوست دارد آشکارا سلام کردن را.



٦ ـ از امام صادق (ع) فرمود: خدا عزوجل فرموده است:

۷ ـ از ابن قدّاح ازامام صادق (ع) فرمود: هرگاه یکی از شماها سلام دهد باید بلند سلام کند ونگوید من سلام کردم وجواب



سَلَّمَ أَحَدُكُمْ فَلْيَجْهَرْ بِسَلامِهِ لا يَقُولُ: سَلَّمْتُ فَلَمْ يَرُدُّوا عَلَيَّ، وَلَعَلَّهُ يَكُونُ قَدْ سَلَّمَ وَلَمْ يُسْمِعْهُمْ فَإِذا رَدَّ أَحَدُكُمْ فَلْيَجْهَرْ بِرَدِّهِ وَلا يَقُولُ الْمُسْلِمُ: سَلَّمْتُ فَلَمْ يَرُدُّوا عَلَيَّ، ثُمَّ قالَ: كانَ عَلِيٌّ عليه السلام يَقُولُ: لا تَغْضَبُوا وَلا تُغْضِبُوا أَفْشُوا السَّلامَ وَأَطِيبُوا الْكَلامَ وَصَلُّوا بِاللَّيْلِ وَالنّاسُ نِيامٌ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ بِسَلامٍ، ثُمَّ تَلا عليه السلام عَلَيْهِمْ قَوْلَ اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ: «السَّلامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ».

٨ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسىٰ، عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ، عَنْ عَبْدِاللّٰهِ بْنِ سِنانٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عليه السلام قالَ: الْبادِي بِالسَّلامِ أَوْلىٰ بِاللّٰهِ وَبِرَسُولِهِ.

٩ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خالِدٍ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ، عَنْ أَبانٍ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْمُنْذِرِ قالَ: سَمِعْتُ أَبا عَبْدِاللّٰهِ عليه السلام يَقُولُ: مَنْ قالَ: السَّلامُ عَلَيْكُمْ فَهِيَ عَشْرُ حَسَناتٍ وَمَنْ قالَ: [ال]سَلامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ فَهِيَ عِشْرُونَ حَسَنَةً وَمَنْ قالَ: [ال]سَلامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكاتُهُ فَهِيَ ثَلاثُونَ حَسَنَةً.

١٠ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ صالِحِ بْنِ السِّنْدِيِّ، عَنْ جَعْفَرِ بْنِ بَشِيرٍ، عَنْ مَنْصُورِ بْنِ حازِمٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عليه السلام قالَ: ثَلاثَةٌ تَرُدُّ عَلَيْهِمْ رَدَّ الْجَماعَةِ وَإِنْ كانَ واحِداً: عِنْدَ الْعُطاسِ يُقالُ: يَرْحَمُكُمُ اللّٰهُ وَإِنْ لَمْ يَكُنْ مَعَهُ غَيْرُهُ وَالرَّجُلُ يُسَلِّمُ عَلَى الرَّجُلِ فَيَقُولُ:

ندادند وشاید که سلام کرده ونشنیدند وهرگاه یکی از شماها جوابِ سلام دهد باید بلند بگوید ومسلمانی نگوید من سلام کردم وبه‌من جواب ندادند، سپس فرمود: علی(ع) بارها می‌فرمود: خشم نکنید وبه‌خشم میاورید، سلام را فاش گوئید وسخن را شیرین وخوش ادا کنید وشب که مردم در خوابند شماها نماز بخوانید تا با سلامتی به‌بهشت بروید، سپس بر آنها قول خدا عز وجل را خواند (۲۳ سوره حشر): «السّلام المؤمن المهیمن».

۸ ـ از امام صادق (ع) فرمود:

آنکه آغاز سلام کند به‌خدا ورسولش نزدیکتر است. [۱۲۴]

۹ ـ از حسن بن منذر گوید: از امام صادق (ع) شنیدم می‌فرمود:

هر که گوید: السّلام علیکم، ده حسنه است وهر که گوید: السّلام علیکم ورحمة اللّه، بیست حسنه بحساب است، وهر که گوید: السّلام علیکم ورحمة اللّه وبرکاته، سی حسنه است (در دو صیغهٔ اخیر سلامٌ علیکم هم ضبط شده).

۱۰ ـ امام صادق (ع) فرمود: بر سه کس با صیغهٔ جمع جواب گفته شود، وگرچه یک نفر باشند: به‌کسی که عطسه زند گویند: یرحمکم اللّه، واگرچه دیگری با او نباشد، ومردی هم که به‌دیگری سلام دهد بگوید: السّلام علیکم، ومردی که به‌دیگری دعا کند گوید: عافاکم اللّه، واگرچه یک تن باشد زیرا با او دیگری هم هست (از نویسنده‌های اعمال وهمهٔ مؤمنین ومؤمنات وهمهٔ خردمندان



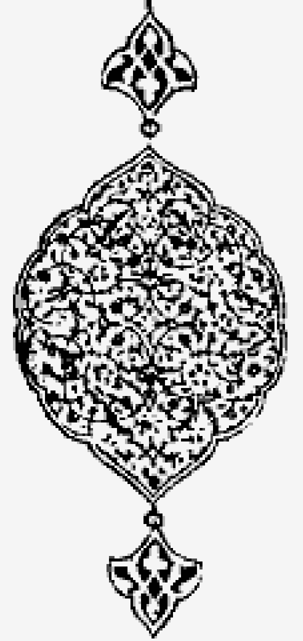
السَّلامُ عَلَيْكُمْ وَالرَّجُلُ يَدْعُو لِلرَّجُلِ فَيَقُولُ: عافاكُمُ اللّٰهُ وَإِنْ كانَ واحِداً فَإِنَّ مَعَهُ غَيْرَهُ.

١١ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ؛ رَفَعَهُ قالَ: كانَ أَبُو عَبْدِاللّٰهِ عَلَيهِ السَّلام يَقُولُ: ثَلاثَةٌ لا يُسَلِّمُونَ: الْماشِي مَعَ الْجِنازَةِ وَالْماشِي إِلَى الْجُمُعَةِ وَفِي بَيْتِ الْحَمّامِ.

١٢ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ عُثْمانَ بْنِ عِيسىٰ، عَنْ هارُونَ بْنِ خارِجَةَ، عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيهِ السَّلام قالَ: مِنَ التَّواضُعِ أَنْ تُسَلِّمَ عَلىٰ مَنْ لَقِيتَ.

١٣ـ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ، عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ، عَنْ جَمِيلٍ، عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ الْحَذّاءِ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيهِ السَّلام قالَ: مَرَّ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ عَلَيهِ السَّلام بِقَوْمٍ فَسَلَّمَ عَلَيْهِمْ فَقالُوا: عَلَيْكَ السَّلامُ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكاتُهُ وَمَغْفِرَتُهُ وَرِضْوانُهُ، فَقالَ لَهُمْ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيهِ السَّلام: لا تُجاوِزُوا بِنا مِثْلَ ما قالَتِ الْمَلائِكَةُ لِأَبِينا إِبْراهِيمَ عَلَيهِ السَّلام إِنَّما قالُوا: رَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكاتُهُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ.

١٤ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ رِئابٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيهِ السَّلام قالَ: إِنَّ مِنْ تَمامِ التَّحِيَّةِ لِلْمُقِيمِ الْمُصافَحَةَ وَتَمامِ التَّسْلِيمِ عَلَى الْمُسافِرِ الْمُعانَقَةَ.



١٥ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ النَّوْفَلِيِّ، عَنِ السَّكُونِيِّ،

بلکه همهٔ مخلوقات تا رحمتِ خدا شامل همه گردد واز برکتِ نیکان به‌بدان هم رسد).

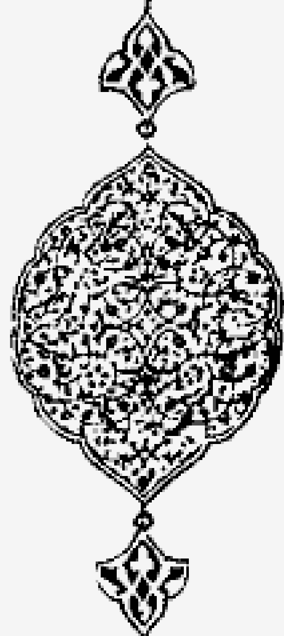
۱۱ ـ از محمد بن حسین سند را به‌آنجا رسانیده که گوید: امام صادق (ع) می‌فرمود:

سه کس سلام ننمایند: آنکه باجنازه رود وآنکه به‌نماز جمعه می‌رود ودر خانهٔ حمّام.

۱۲ ـ از امام صادق (ع) فرمود:

از تواضع است که به‌هرکس برخوردی سلام کنی.

۱۳ ـ از امام باقر (ع) که: امیرالمؤمنین (ع) به‌مردمی گذر کرد وبدانها سلام داد، در پاسخِ او گفتند: علیک السّلام ورحمة الله وبرکاته ومغفرته ورضوانه، امیرالمؤمنین (ع) فرمود: دربارهٔ ما از آنچه فرشته‌ها دربارهٔ سلام به‌پدرِ ما ابراهیم کرده‌اند نگذرید، همانا گفتند (۲۳ سوره هود): «رحمة الله وبرکاته علیکم اهل البیت».



۱۴ ـ از امام صادق (ع) فرمود:

راستی که از تکمیل تحیّت بر مقیم، دست دادن است؛ ودربارهٔ آنکه از سفر آمده است در آغوش گرفتن.

۱۵ ـ از امام صادق (ع) که:

عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: قالَ أَميرُ الْمُؤْمِنينَ عَلَيْهِ السَّلام: يُكْرَهُ لِلرَّجُلِ أَنْ يَقُولَ: حَيّاكَ اللّٰهُ ثُمَّ يَسْكُتَ حَتّىٰ يَتْبَعَها بِالسَّلامِ.

بابُ مَنْ يَجِبُ أَنْ يَبْدَأَ بِالسَّلامِ

١ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعيدٍ، عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ، عَنِ الْقاسِمِ بْنِ سُلَيْمانَ، عَنْ جَرّاحٍ الْمَدائِنِيِّ، عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: يُسَلِّمُ الصَّغيرُ عَلَى الْكَبيرِ وَالْمارُّ عَلَى الْقاعِدِ وَالْقَليلُ عَلَى الْكَثيرِ.

٢ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهيمَ، عَنْ صالِحِ بْنِ السِّنْدِيِّ، عَنْ جَعْفَرِ بْنِ بَشيرٍ، عَنْ عَنْبَسَةَ بْنِ مُصْعَبٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: الْقَليلُ يَبْدَؤُونَ الْكَثيرَ بِالسَّلامِ وَالرّاكِبُ يَبْدَأُ الْماشِيَ وَأَصْحابُ الْبِغالِ يَبْدَؤُونَ أَصْحابَ الْحَميرِ وَأَصْحابُ الْخَيْلِ يَبْدَؤُونَ أَصْحابَ الْبِغالِ.

٣ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيادٍ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْباطٍ، عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ، عَنْ بَعْضِ أَصْحابِهِ، عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ: يُسَلِّمُ الرّاكِبُ عَلَى الْماشِي وَالْماشِي عَلَى الْقاعِدِ وَإِذا لَقِيَتْ جَماعَةٌ جَماعَةً سَلَّمَ الْأَقَلُّ عَلَى الْأَكْثَرِ وَإِذا لَقِيَ

امیر المؤمنین (ع) فرمود: برای مرد بد است که بگوید: حیّاک الله (خدایت زنده دارد) تا آنکه سلام را دنبالش بگوید.



باب آنکه باید آغاز سلام کند



۱ ـ از امام صادق (ع) که فرمود:

صغیر بر کبیر سلام دهد ورهگذر بر کسی که نشسته واندک بر بسیار.

۲ ـ امام صادق (ع) فرمود:

کمتر به‌بیشتر سلام دهند وسواره بر پیاده واستر سواران به‌خر سواران سلام دهند واسب سواران به‌استر سواران.

۳ ـ امام صادق (ع) می‌فرمود:

سوراه بر پیاده سلام دهد ورهگذر بر آنکه نشسته است، وهرگاه گروهی به‌گروهی برخورند کمتر بر بیشتر سلام دهد وهرگاه یکی به‌جمعی برخورد آن یک تن به‌جمع سلام دهد.

واحِدٌ جَماعَةً سَلَّمَ الْواحِدُ عَلَى الْجَماعَةِ.

٤ ـ سَهْلُ بْنُ زِيادٍ، عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيِّ، عَنِ ابْنِ الْقَدّاحِ، عَنْ أَبي عَبْدِاللّٰهِ عليه السلام قالَ: يُسَلِّمُ الرّاكِبُ عَلَى الْماشي وَالْقائِمُ عَلَى الْقاعِدِ.

٥ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ عُمَرَ بْنِ عَبْدِالْعَزيزِ، عَنْ جَميلٍ، عَنْ أَبي عَبْدِاللّٰهِ عليه السلام قالَ: إِذا كانَ قَوْمٌ في مَجْلِسٍ ثُمَّ سَبَقَ قَوْمٌ فَدَخَلُوا فَعَلَى الدّاخِلِ أَخيراً إِذا دَخَلَ أَنْ يُسَلِّمَ عَلَيْهِمْ.

بابُ إِذا سَلَّمَ واحِدٌ مِنَ الْجَماعَةِ أَجْزَأَهُمْ وَإِذا رَدَّ واحِدٌ مِنَ الْجَماعَةِ أَجْزَأَ عَنْهُم

١ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيادٍ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْباطٍ، عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ، عَنْ بَعْضِ أَصْحابِهِ، عَنْ أَبي عَبْدِاللّٰهِ عليه السلام قالَ:

إِذا مَرَّتِ الْجَماعَةُ بِقَوْمٍ أَجْزَأَهُمْ أَنْ يُسَلِّمَ واحِدٌ مِنْهُمْ وَإِذا سَلَّمَ عَلَى الْقَوْمِ وَهُمْ جَماعَةٌ أَجْزَأَهُمْ أَنْ يَرُدَّ واحِدٌ مِنْهُمْ.

٢ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ،

۴ ـ امام صادق (ع) فرمود: سواره بر رهگذرِ پیاده سلام دهد و آنکه ایستاده است بر آنکه نشسته.

۵ ـ امام صادق (ع) فرمود: چون مردمی در مجلسی باشند ودیگران وارد شوند آنها که تازه وارد شدند باید سلام دهند.



باب سلام دادنِ یک تن از جمعی بس است وجوابِ یکی از جمعی بس است

۱ ـ از امام صادق (ع) فرمود:

چون جمعی به‌مرد گذرند بس است که یکی از آنها سلام دهد وچون بر جمعی سلام شود کافی است که یکی از آنها جواب گوید.

۲ ـ از عبد الرحمٰن بن حجّاج که امام صادق (ع) فرمود:



عَنْ عَبْدِالرَّحْمٰنِ بْنِ الْحَجّاجِ قالَ: إذا سَلَّمَ الرَّجُلُ مِنَ الْجَماعَةِ أَجْزَأَ عَنْهُمْ.

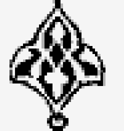
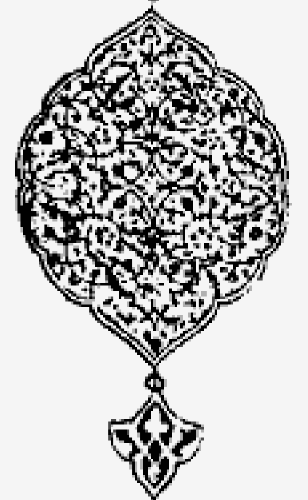
٣ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيىٰ، عَنْ غِياثِ بْنِ إبْراهِيمَ، عَنْ أَبي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: إذا سَلَّمَ مِنَ الْقَوْمِ واحِدٌ أَجْزَأَ عَنْهُمْ وَإذا رَدَّ واحِدٌ أَجْزَأَ عَنْهُمْ.



بابُ التَّسْلِيمِ عَلَى النِّساءِ



١ ـ عَلِيُّ بْنُ إبْراهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ حَمّادِ بْنِ عِيسىٰ، عَنْ رِبْعِيِّ بْنِ عَبْدِاللّٰهِ، عَنْ أَبي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: كانَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّم يُسَلِّمُ عَلَى النِّساءِ وَيَرْدُدْنَ عَلَيْهِ السَّلامَ، وَكانَ أَميرُ الْمُؤْمِنينَ عَلَيْهِ السَّلام يُسَلِّمُ عَلَى النِّساءِ وَكانَ يَكْرَهُ أَنْ يُسَلِّمَ عَلَى الشّابَّةِ مِنْهُنَّ وَيَقُولُ: أَتَخَوَّفُ أَنْ يُعْجِبَنِي صَوْتُها فَيَدْخُلَ عَلَيَّ أَكْثَرُ مِمّا أَطْلُبُ مِنَ الْأَجْرِ.

هرگاه مردی از جمعی سلام کند برای آنها بس است.

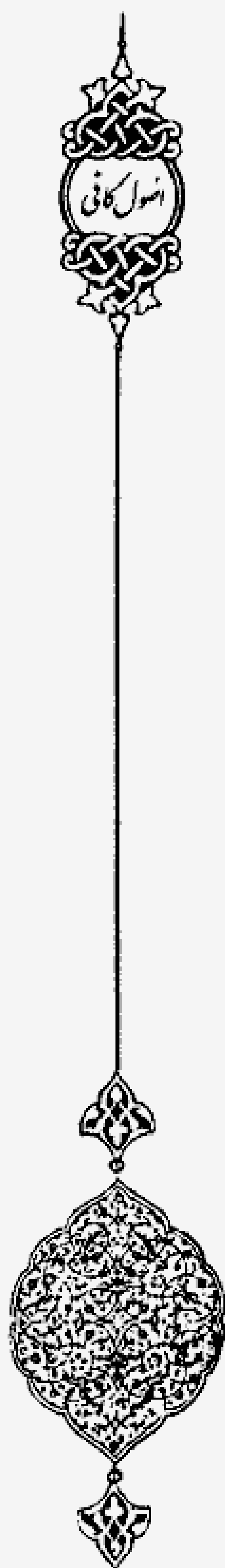
۳ ـ امام صادق (ع) فرمود:
هرگاه از قومی یکی سلام دهد از آنها بس باشد، وهرگاه یکی هم جواب گوید از آنها بس است.



باب سلام کردن به‌زنها



۱ ـ از امام صادق (ع) که: رسول خدا (ص) به‌زنها سلام می‌کرد وجوابش را می‌دادند، وشیوهٔ امیرالمؤمنین (ع) هم بود که به‌زنها سلام می‌داد وخوش نداشت که به‌زنهای جوان سلام دهد ومی‌فرمود: می‌ترسم آوازش مرا خوش آید وبر من درآید بیش از آنچه ثواب در سلام می‌جویم.





بابُ التَّسليمِ عَلىٰ أَهلِ المِلَلِ

١ ـ عَلِيُّ بْنُ إبْراهيمَ، عَنْ أَبيهِ، عَنِ ابْنِ أَبي عُمَيْرٍ، عَنِ ابْنِ أُذَيْنَةَ، عَنْ زُرارَةَ، عَنْ أَبي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلامُ قالَ: دَخَلَ يَهودِيٌّ عَلىٰ رَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَعائِشَةُ عِنْدَهُ فَقالَ: السّامُ عَلَيْكُمْ، فَقالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: عَلَيْكُمْ، ثُمَّ دَخَلَ آخَرُ فَقالَ مِثْلَ ذٰلِكَ فَرَدَّ عَلَيْهِ كَما رَدَّ عَلىٰ صاحِبِهِ، ثُمَّ دَخَلَ آخَرُ فَقالَ مِثْلَ ذٰلِكَ فَرَدَّ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ كَما رَدَّ عَلىٰ صاحِبَيْهِ فَغَضِبَتْ عائِشَةُ فَقالَتْ: عَلَيْكُمُ السّامُ وَالْغَضَبُ وَاللَّعْنَةُ يا مَعْشَرَ الْيَهودِ يا إخْوَةَ الْقِرَدَةِ وَالْخَنازِيرِ، فَقالَ لَها رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: يا عائِشَةُ إنَّ الْفُحْشَ لَوْ كانَ مُمَثَّلاً لَكانَ مِثالَ سَوْءٍ، إنَّ الرِّفْقَ لَمْ يُوضَعْ عَلىٰ شَيْءٍ قَطُّ إلّا زانَهُ وَلَمْ يُرْفَعْ عَنْهُ قَطُّ إلّا شانَهُ.

قالَتْ: يا رَسُولَ اللّٰهِ! أَما سَمِعْتَ إلىٰ قَوْلِهِمْ: السّامُ عَلَيْكُمْ؟ فَقالَ: بَلىٰ، أَما سَمِعْتِ ما رَدَدْتُ عَلَيْهِمْ؟ قُلْتُ: عَلَيْكُمْ، فَإذا سَلَّمَ عَلَيْكُمْ مُسْلِمٌ فَقُولُوا: سَلامٌ عَلَيْكُمْ وَإذا سَلَّمَ عَلَيْكُمْ كافِرٌ فَقُولُوا: عَلَيْكَ.

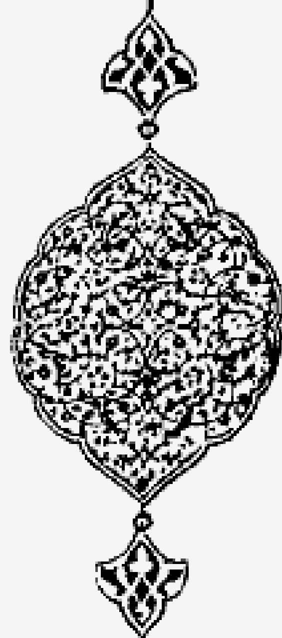
٢ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسىٰ، عَنْ



باب سلام بر سائر ملّتها

۱ ـ از امام باقر (ع) که یک یهودی به‌رسول خدا (ص) وارد شد وعائشه هم در حضورِ آن حضرت بود، آن یهودی گفت: السام علیکم، ورسول‌خدا (ص) در پاسخش فرمود: علیکم. وسپس دیگری وارد شد وهمچنین گفت وپیغمبر همان جواب رفیقش را به‌او داد وباز هم سوّمی آمد وهمین را گفت ورسول‌خدا هم همان جواب را داد، وعائشه خشمگین شد وگفت: سام وخشم ولعنت بر شماها باد ای گروه یهود، ای برادرانِ میمونها وخوکها. پس رسول‌خدا (ص) به‌او گفت:

ای عائشه اگر دشنام مجسم بود بد نمونه‌ای بود، به‌راستی نرمش بر هیچ چیز نهاده نشده است جز اینکه آن را آراسته واز آن برداشته نشده است هرگز جز اینکه آن را زشت ساخته، فرمود: یارسول‌الله گوش نمی‌دهی که می‌گویند السام علیکم؟ فرمود: چرا تو نشنیدی من جواب دادم گفتم: بر شما باد، پس هرگاه مسلمانی به‌شما سلام کرد در جوابش بگوئید: سلامٌ علیکم، واگر کافری سلام کرد در جوابش بگوئید: علیکم.



۲ ـ امیر المؤمنین (ع) فرمود:



مُحمّدِ بْنِ يَحْيىٰ، عَنْ غِياثِ بْنِ إبْراهِيمَ، عَنْ أَبي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيهِ السَّلام قالَ: قالَ أميرُ الْمُؤْمِنينَ عَلَيهِ السَّلام: لا تَبْدَؤُوا أَهْلَ الْكِتابِ بِالتَّسْلِيمِ وَإذا سَلَّمُوا عَلَيْكُمْ فَقُولُوا: وَعَلَيْكُمْ.

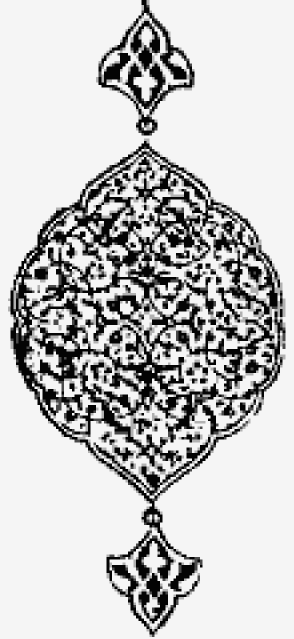
٣ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحمَّدِ بْنِ خالِدٍ، عَنْ عُثْمانَ بْنِ عِيسىٰ، عَنْ سَماعَةَ قالَ: سَأَلْتُ أَبا عَبْدِاللّٰهِ عَلَيهِ السَّلام عَنِ الْيَهُودِيِّ وَالنَّصْرانِيِّ وَالْمُشْرِكِ إذا سَلَّمُوا عَلَى الرَّجُلِ وَهُوَ جالِسٌ كَيْفَ يَنْبَغِي أَنْ يَرُدَّ عَلَيْهِمْ؟ فَقالَ: يَقُولُ: عَلَيْكُمْ.

٤ ـ مُحمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحمَّدٍ، عَنِ ابْنِ فَضّالٍ، عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ، عَنْ بُرَيْدِ بْنِ مُعاوِيَةَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ، عَنْ أَبي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيهِ السَّلام قالَ: إذا سَلَّمَ عَلَيْكَ الْيَهُودِيُّ وَالنَّصْرانِيُّ وَالْمُشْرِكُ فَقُلْ: عَلَيْكَ.

٥ ـ أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سالِمٍ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ النَّضْرِ، عَنْ عَمْرِو بْنِ شِمْرٍ، عَنْ جابِرٍ، عَنْ أَبي جَعْفَرٍ عَلَيهِ السَّلام قالَ: أَقْبَلَ أَبُو جَهْلِ بْنِ هِشامٍ وَمَعَهُ قَوْمٌ مِنْ قُرَيْشٍ فَدَخَلُوا عَلىٰ أَبي طالِبٍ فَقالُوا:

إنَّ ابْنَ أَخِيكَ قَدْ آذانا وَآذىٰ آلِهَتَنا فَادْعُهُ وَمُرْهُ فَلْيَكُفَّ عَنْ آلِهَتِنا وَنَكُفُّ عَنْ إلٰهِهِ.

قالَ: فَبَعَثَ أَبُو طالِبٍ إلىٰ رَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيهِ وَآلِهِ فَدَعاهُ، فَلَمّا دَخَلَ النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيهِ وَآلِهِ وَسَلَّم لَمْ يَرَ فِي الْبَيْتِ إلّا مُشْرِكاً فَقالَ:



به‌اهل کتاب سلام ندهید وهرگاه به‌شما سلام دادند در جوابِ آنها بگوئید: وعلیک.

۳ ـ از سماعه گوید: از امام صادق (ع) پرسیدم از یهودی ونصرانی ومشرک هرگاه بر مسلمانی که نشسته است سلام کنند چگونه شایسته است که جواب آنها را بدهد؟

فرمود: می‌گوئید: وعلیکم.

۴ ـ از امام صادق (ع) فرمود:

چون یهود وترسا ومشرک به‌تو سلام کردند، در جواب آنها بگو: علیک.

۵ ـ از جابر، از امام باقر (ع) گوید: ابوجهل بن هشام با گروهی از قریش که همراهش بودند آمدند نزد ابی‌طالب وگفتند: راستی برادر زادهٔ تو ما را آزار کرده است ومعبودهای ما را هم آزرده است او را بخواه وبه‌او بفرما دست از نکوهش معبودان ما بردارد تا ما هم از معبودِ او دست باز داریم، فرمود: ابوطالب فرستاد نزد رسول‌خدا (ص) واو را خواست وچون پیغمبر واردِ آن خانه شد در آنجا جز مشرکان کسی را ندید وگفت: سلام بر هرکه پیرو حق باشد، سپس نشست وابوطالب درخواستِ قریش را به‌او گزارش داد وآن حضرت در پاسخ فرمود: آیا بجای این پیشنهاد کلمهٔ بهتری را نخواهند که به‌وسیلهٔ آن به‌همهٔ عرب آقائی کنند وهمه را زیر فرمان

السَّلامُ عَلىٰ مَنِ اتَّبَعَ الْهدىٰ ثُمَّ جَلَسَ فَخَبَّرَهُ أَبُو طالِبٍ بِما جاؤُوا لَهُ.

فَقالَ: أَوَ هَلْ لَهُمْ فِي كَلِمَةٍ خَيْرٌ لَهُمْ مِنْ هذا يَسُودُونَ بِها الْعَرَبَ وَيَطَأُونَ أَعْناقَهُمْ؟

فَقالَ أَبُو جَهْلٍ: نَعَمْ وَما هٰذِهِ الْكَلِمَةُ؟

فَقالَ: تَقُولُونَ: لا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ.

قالَ: فَوَضَعُوا أَصابِعَهُمْ فِي آذانِهِمْ وَخَرَجُوا هُراباً وَهُمْ يَقُولُونَ:

«ما سَمِعْنا بِهذا فِي الْمِلَّةِ الْآخِرَةِ إِنْ هذا إِلَّا اخْتِلاقٌ».

فَأَنْزَلَ اللّٰهُ تَعالىٰ فِي قَوْلِهِمْ: «صٓ * وَالْقُرْآنِ ذِي الذِّكْرِ ـ إِلَىٰ قَوْلِهِ ـ إِلَّا اخْتِلاقٌ».

٦ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ عَبْدِاللّٰهِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ، عَنْ أَبانِ بْنِ عُثْمانَ، عَنْ زُرارَةَ، عَنْ أَبي عَبْدِاللّٰهِ قالَ: تَقُولُ فِي الرَّدِّ عَلَى الْيَهُودِيِّ وَالنَّصْرانِيِّ سَلامٌ.

٧ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ ابْنِ أَبي عُمَيْرٍ، عَنْ عَبْدِالرَّحْمٰنِ بْنِ الْحَجّاجِ قالَ: قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ مُوسىٰ عَلَيْهِ السَّلام: أَرَأَيْتَ إِنِ احْتَجْتُ إِلىٰ مُتَطَبِّبٍ وَهُوَ نَصْرانِيٌّ أَنْ أُسَلِّمَ عَلَيْهِ وَأَدْعُو لَهُ؟ قالَ: نَعَمْ إِنَّهُ لا يَنْفَعُهُ دُعاؤُكَ.

٨ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسىٰ، عَنِ ابْنِ



گیرند؟ ابوجهل گفت: چرا، آن کلمه چیست؟ فرمود: همه بگوئید: لا اله الا اللّه، فرمود: پس همه انگشتان خود را در گوشهای خود نهادند وپای به‌گریز بیرون شدند ومی‌گفتند: ماها در این ملّت پسین این را شنیدیم واین جز جعل ودروغ نباشد. وخدای تعالی دربارهٔ گفتارِ آنها این آیات را فرو فرستاد:

«ص * سوگند به‌قرآن یادآورنده ۱ بلکه آنها که کافرند عزّت‌طلب وجدائی افکنند ۲ چه بسیار نابود کردیم پیش از آنان ملتهائی را وفریاد می‌زدند در این هنگام راه چاره‌ای نیست ۳ ودر شگفت بودند که یکی از آنها بیم ده آنها برآید وکافران گفتند این جادوگر ودروغگو است ٤ آیا معبودان را یک معبود ساخته است راستی که این چیز بسیار شگفت آوری است ۵ واشراف آنها رها شدند که بروید وشکیبا باشید بر معبودان خود راستی که این مطلب خواستنی است ٦ ما در ملتهای پسین نشنیدیم چنین چیزی» تا قول خدا: «نیست این مگر جعل ودروغ ۷ ».

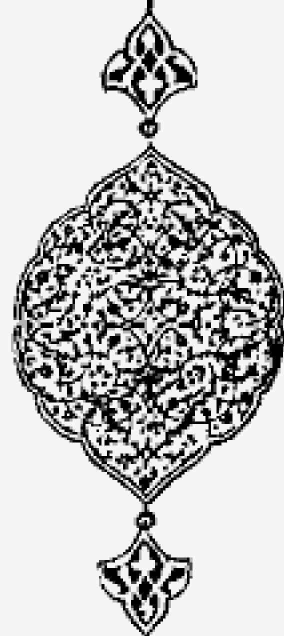
٦ ـ از امام صادق (ع) فرمود:

در جوابِ سلام یهود وترسا می‌گوئی: سلام (بی‌علیک، یعنی سلام بر ما یا بر مستحقش).

۷ ـ از عبدالرحمن بن حجاج گوید: به‌امام کاظم (ع) گفتم: بفرمائید اگر من نیازمند یک پزشک نصرانی شدم، به‌او سلام کنم و در حقش دعا کنم؟

فرمود: آری از دعای تو سودی نبرد.

۸ ـ از عبدالرحمن بن حجاج گوید: به‌امام کاظم (ع) گفتم:



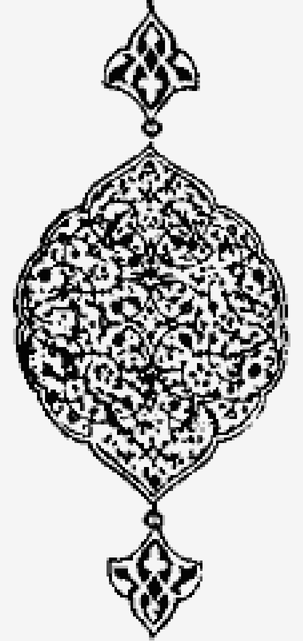


مَحْبُوبٍ، عَنْ عَبْدِالرَّحْمٰنِ بْنِ الْحَجّاجِ قالَ: قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ مُوسىٰ عَلَيْهِ السَّلام: أَرأَيْتَ إِنِ احْتَجْتُ إِلَى الطَّبِيبِ وَهُوَ نَصْرانِيٌّ [أَنْ] أُسَلِّمَ عَلَيْهِ وَأَدْعُوَ لَهُ؟ قالَ: نَعَمْ إِنَّهُ لا يَنْفَعُهُ دُعاؤُكَ.

٩ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خالِدٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسىٰ بْنِ عُبَيْدٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَرَفَةَ، عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضا عَلَيْهِ السَّلام قالَ: قِيلَ لِأَبِي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام: كَيْفَ أَدْعُو لِلْيَهُودِيِّ وَالنَّصْرانِيِّ قالَ: تَقُولُ لَهُ: بارَكَ اللّٰهُ لَكَ فِي الدُّنْيا.

١٠ ـ حُمَيْدُ بْنُ زِيادٍ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ وُهَيْبِ بْنِ حَفْصٍ، عَنْ أَبِي بَصِيرٍ، عَنْ أَحَدِهِما عَلَيْهِما السَّلام فِي مُصافَحَةِ الْمُسْلِمِ الْيَهُودِيَّ وَالنَّصْرانِيَّ قالَ: مِنْ وَراءِ الثَّوْبِ فَإِنْ صافَحَكَ بِيَدِهِ فَاغْسِلْ يَدَكَ.

١١ ـ أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْكُوفِيِّ، عَنْ عَبّاسِ بْنِ عامِرٍ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَعْمَرٍ، عَنْ خالِدٍ الْقَلانِسِيِّ قالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام: أَلْقَى الذِّمِّيَّ فَيُصافِحُنِي قالَ: امْسَحْها بِالتُّرابِ وَبِالْحائِطِ، قُلْتُ: فَالنّاصِبَ؟ قالَ: اغْسِلْها.



١٢ ـ أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِالْجَبّارِ، عَنْ صَفْوانَ، عَنِ الْعَلاءِ بْنِ رَزِينٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلام فِي رَجُلٍ صافَحَ رَجُلاً مَجُوسِيّاً قالَ يَغْسِلُ يَدَهُ وَلا يَتَوَضَّأُ.

بفرمائید اگر من نیازمند یک پزشک نصرانی شدم، به‌او سلام کنم و در حقش دعا کنم؟

فرمود: آری از دعای تو سودی نبرد.

۹ ـ از امام رضا (ع) فرمود:

به‌امام صادق (ع) گفته شد: برای یهود وترسا با چه عبارتی دعا کنیم؟ فرمود: برای او بگوئید: خدا به‌دنیای تو برکت دهد.

۱۰ ـ از ابی بصیر از امام باقر (ع) ویا امام صادق (ع) که در دست‌دادن با یهود وترسا فرمود: از پشت جامه باشد واگر با تو بی‌پرده دست داد، دستت را بشوی.

۱۱ ـ از خالد قلانسی گوید: به‌امام صادق (ع) گفتم: به‌یک ذمّی (یهود وترسا و گبر) بر خورم وبه‌من دست دهد! فرمود: آن را بخاکِ یا دیوار بکش، گفتم: اگر ناصبی ودشمنِ خاندان پیغمبر باشد؟ فرمود: آن را بشوی.

۱۲ ـ از محمد بن مسلم از امام باقر (ع) دربارهٔ مردی که با گبری دست داده، فرمود:

دستش را بشوید ووضوء نگیرد.

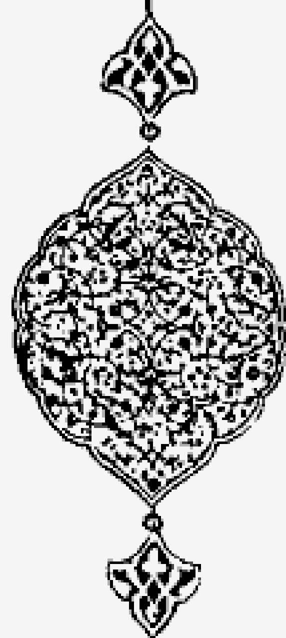


بابُ مُكاتَبَةِ أَهْلِ الذِّمَّةِ

١ ـ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْكُوفِيِّ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْباطٍ، عَنْ عَمِّهِ يَعْقُوبَ بْنِ سالِمٍ، عَنْ أَبِي بَصِيرٍ، قالَ: سُئِلَ أَبُو عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام عَنِ الرَّجُلِ يَكُونُ لَهُ الْحاجَةُ إِلَى الْمَجُوسِيِّ أَوْ إِلَى الْيَهُودِيِّ أَوْ إِلَى النَّصْرانِيِّ أَوْ أَنْ يَكُونَ عامِلاً أَوْ دِهْقاناً مِنْ عُظَماءِ أَهْلِ أَرْضِهِ فَيَكْتُبُ إِلَيْهِ الرَّجُلُ فِي الْحاجَةِ الْعَظِيمَةِ أَيَبْدَأُ بِالْعِلْجِ وَيُسَلِّمُ عَلَيْهِ فِي كِتابِهِ وَإِنَّما يَصْنَعُ ذٰلِكَ لِكَيْ تُقْضَى حاجَتُهُ؟ قالَ: أَمّا أَنْ تَبْدَأَ بِهِ فَلا وَلٰكِنْ تُسَلِّمُ عَلَيْهِ فِي كِتابِكَ فَإِنَّ رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّم قَدْ كانَ يَكْتُبُ إِلَى كِسْرَى وَقَيْصَرَ.

٢ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ أُسماعِيلَ بْنِ مَرّارٍ، عَنْ يُونُسَ، عَنْ عَبْدِاللّٰهِ بْنِ سِنانٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام عَنِ الرَّجُلِ يَكْتُبُ إِلَى رَجُلٍ مِنْ عُظَماءِ عُمّالِ الْمَجُوسِ فَيَبْدَأُ بِاسْمِهِ قَبْلَ اسْمِهِ؟ فَقالَ:

لا بَأْسَ إِذا فَعَلَ لِاخْتِيارِ الْمَنْفَعَةِ.







بابِ نامه نویسی با اهل ذمّه

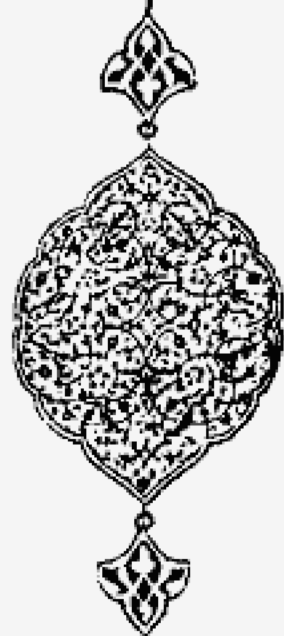


۱ ـ از ابی بصیر گوید: از امام صادق (ع) پرسش شد از مردی که نیازی دارد با گبر یا یهودی یا ترسا یا اینکه یکی از آنها در سرزمینِ او کارمند ویا دهدار وده‌بان است واین مرد در حاجت مهمی به‌او نامه می‌نویسد، آیا در آغاز نامهٔ خود بدان مرد کافر سلام می‌نویسد وتنها برای انجام کارش این را می‌کند؟

فرمود: نباید نامهٔ خود را به‌سلام بر او آغاز کنی ولی در نامهٔ خود سلام به‌او بنویسی زیرا رسول‌خدا(ص) هم بسا که به‌کسری وقیصر نامه می‌نوشت.

۲ ـ از عبدالله بن سنان از امام باقر(ع) دربارهٔ کسی که به‌یکی از بزرگان وکارمندان گبر نامه نویسد ونامِ او را پیش از نامِ خود برد؟

در پاسخ فرمود: هرگاه برای سودِ خود این کار کند باکی ندارد.



بابُ الإغْضاءِ

١ ـ عِدَّةٌ مِنْ أصحابِنا، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحمَّدٍ، عَنْ عَبْدِاللّٰهِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْحَجّالِ، عَنْ ثَعْلَبَةَ بْنِ مَيْمُونٍ، عَمَّنْ ذَكَرَهُ، عَنْ أبي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيهِ السّلام قالَ: كانَ عِنْدَهُ قَوْمٌ يُحَدِّثُهُمْ إذْ ذَكَرَ رَجُلٌ مِنْهُمْ رَجُلاً فَوَقَعَ فِيهِ وَشَكاهُ فَقالَ لَهُ أبُو عَبْدِاللّٰهِ عَلَيهِ السّلام: وَأَنّىٰ لَكَ بِأخِيكَ كُلِّهِ «وَأيُّ الرِّجالِ الْمُهَذَّبُ».

٢ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحمَّدِ بْنِ عِيسىٰ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ؛ وَمُحَمَّدِ بْنِ سِنانٍ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ، عَنْ أَبِي بَصِيرٍ، قالَ: قالَ أبُو عَبْدِاللّٰهِ عَلَيهِ السّلام: لا تُفَتِّشِ النّاسَ فَتَبْقىٰ بِلا صَدِيقٍ.

بابُ نادِرٍ

١ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسىٰ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنانٍ، عَنِ الْعَلاءِ بْنِ الْفُضَيْلِ، وَحَمّادِ بْنِ عُثْمانَ قالَ:



بابِ گذشت و چشم پوشی

۱ ـ از کسی که نام او را برده است از امام صادق (ع) فرمود: مردمی نزد آن حضرت بودند که برای آنها حدیث می‌فرمود، بناگاه یکی از آنها نام مردی را به‌بدی یاد کرد واز او به‌امام صادق (ع) شکایت کرد، امام صادق (ع) به‌او فرمود: از کجا برادرِ تمام عیار به‌دست می‌آوری؟ و کدام مردانند که سراپا مهذّب وبا تربیت هستند؟. [۱۲۵]

۲ ـ از ابی بصیر گوید: امام صادق (ع) فرمود:
از نهان مردمان بازرسی مکن تا بی‌دوست بمانی.

باب نادر

۱ ـ امام صادق (ع) می‌فرمود:
به‌دلت بنگر، هرگاه از یارت نگران است روی یکی از شماها

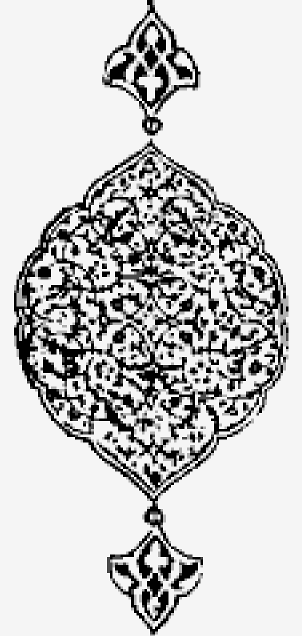


سَمِعْتُ أَبا عَبْدِاللّٰهِ عَلَيهِ السَّلام يَقُولُ: انْظُرْ قَلْبَكَ فَإِذا أَنْكَرَ صاحِبَكَ فَإِنَّ أَحَدَكُما قَدْ أَحْدَثَ.

٢ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خالِدٍ، عَنْ إِسْماعِيلَ بْنِ مِهْرانَ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ يُوسُفَ، عَنْ زَكَرِيّا بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ صالِحِ بْنِ الْحَكَمِ قالَ: سَمِعْتُ رَجُلاً يَسْأَلُ أَبا عَبْدِاللّٰهِ عَلَيهِ السَّلام فَقالَ: الرَّجُلُ يَقُولُ: أَوَدُّكَ، فَكَيْفَ أَعْلَمُ أَنَّهُ يَوَدُّنِي؟ فَقالَ: امْتَحِنْ قَلْبَكَ فَإِنْ كُنْتَ تَوَدُّهُ فَإِنَّهُ يَوَدُّكَ.

٣ ـ أَبُو بَكْرٍ الْحَبّالُ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى الْقَطّانِ الْمَدائِنِيِّ قالَ: سَمِعْتُ أَبِي يَقُولُ: حَدَّثَنا مَسْعَدَةُ بْنُ الْيَسَعِ قالَ: قُلْتُ لأَبِي عَبْدِاللّٰهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيهِما السَّلام: إِنِّي وَاللّٰهِ لَأُحِبُّكَ، فَأَطْرَقَ ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ فَقالَ: صَدَقْتَ يا أَبا بِشْرٍ، سَلْ قَلْبَكَ عَمّا لَكَ فِي قَلْبِي مِنْ حُبِّكَ، فَقَدْ أَعْلَمَنِي قَلْبِي عَمّا لِي فِي قَلْبِكَ.

٤ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيادٍ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْباطٍ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْجَهْمِ قالَ: قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ عَلَيهِ السَّلام: لا تُنْسِنِي مِنَ الدُّعاءِ، قالَ: [أ]وَتَعْلَمُ أَنِّي أَنْساكَ؟ قالَ: فَتَفَكَّرْتُ فِي نَفْسِي وَقُلْتُ: هُوَ يَدْعُو لِشِيعَتِهِ وَأَنَا مِنْ شِيعَتِهِ، قُلْتُ: لا، لا تَنْسانِي قالَ: وَكَيْفَ عَلِمْتَ ذٰلِكَ؟ قُلْتُ: إِنِّي مِنْ شِيعَتِكَ وَإِنَّكَ لَتَدْعُو لَهُمْ، فَقالَ: هَلْ عَلِمْتَ بِشَيْءٍ غَيْرِ هذا؟ قالَ: قُلْتُ: لا، قالَ: إِذا أَرَدْتَ أَنْ تَعْلَمَ مالَكَ عِنْدِي فَانْظُرْ [إِلىٰ] ما لِي عِنْدَكَ.



بادِ گران است.

۲ ـ از صالح بن حکم گوید: شنیدم مردی از امام صادق (ع) می‌پرسید ومی‌گفت: مردی به‌من می‌گوید: تو را دوست دارم، چگونه بدانم که او مرا دوست دارد؟

در پاسخ فرمود: دلت را بیازمای، اگر او را دوست داری به‌راستی او هم تو را دوست دارد.

۳ ـ مسعدة بن یسع گوید: به‌امام صادق (ع) گفتم: به‌راستی که من به‌خدا سوگند، تو را دوست دارم! امام (ع) سر فرو برد وسپس سر برآورد وفرمود: ای ابابشر راست گفتی، از دلت بپرس از آنچه که از مهرت در دلم هست ودلِ من از مهری که در دلت به‌من داری مرا آگاه کرد.

٤ ـ از حسن بن جهم گوید: به‌ابی الحسن (ع) گفتم: مرا از دعا فراموش مکن، فرمود: تو می‌دانی که من فراموشت می‌کنم؟ گوید: من اندیشه کردم وبا خود گفتم که او برای شیعهٔ خود دعا می‌کند ومن هم از شیعیان اویم! گفتم: نه مرا فراموش نمی‌کنی! فرمود: از کجا این را دانستی؟ گفتم: من شیعهٔ شمایم ومحققاً شما برای آنها دعا می‌کنید، پس فرمود: جز این هم چیزی دانستی؟ گفتم: نه! فرمود: هرگاه خواستی بدانی نزد من چه داری، بنگر که من در نزد تو چه دارم.



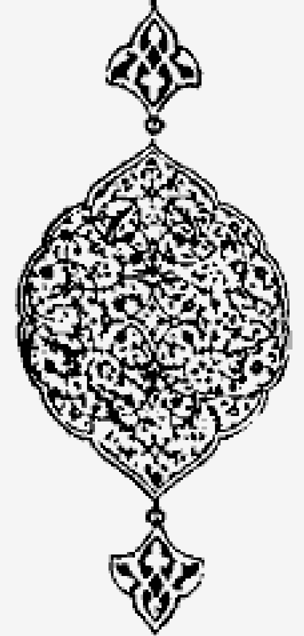
٥ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ، عَنِ الْقاسِمِ بْنِ سُلَيْمانَ، عَنْ جَرّاحٍ الْمَدائِنِيِّ، عَنْ أَبي عَبْدِ اللّٰهِ عَلَيهِ السّلام قالَ: انْظُرْ قَلْبَكَ فَإِنْ أَنْكَرَ صاحِبَكَ فَاعْلَمْ أَنَّ أَحَدَكُما قَدْ أَحْدَثَ.

بابُ الْعِطاسِ وَالتَّسْمِيتِ

١ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسىٰ، عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ، عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ، عَنِ الْقاسِمِ بْنِ سُلَيْمانَ، عَنْ جَرّاحٍ الْمَدائِنِيِّ قالَ: قالَ أَبُو عَبْدِ اللّٰهِ عَلَيهِ السّلام: لِلْمُسْلِمِ عَلىٰ أَخِيهِ مِنَ الْحَقِّ أَنْ يُسَلِّمَ عَلَيْهِ إِذا لَقِيَهُ وَيَعُودَهُ إِذا مَرِضَ وَيَنْصَحَ لَهُ إِذا غابَ وَيُسَمِّتَهُ إِذا عَطَسَ يَقُولُ: «الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعالَمِينَ لا شَرِيكَ لَهُ» وَيَقُولُ لَهُ: «يَرْحَمُكَ اللّٰهُ» فَيُجِيبُهُ فَيَقُولُ لَهُ: «يَهْدِيكُمُ اللّٰهُ وَيُصْلِحُ بالَكُمْ» وَيُجِيبَهُ إِذا دَعاهُ وَيَتْبَعَهُ إِذا ماتَ.

٢ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ هارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ، عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ صَدَقَةَ، عَنْ أَبي عَبْدِ اللّٰهِ عَلَيهِ السّلام قالَ: قالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيهِ وَآلِهِ وَسَلَّم: إِذا عَطَسَ الرَّجُلُ فَسَمِّتُوهُ وَلَوْ كانَ مِنْ وَراءِ جَزِيرَةٍ، وَفي رِوايَةٍ أُخْرىٰ: وَلَوْ مِنْ وَراءِ الْبَحْرِ.

٣ ـ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ، عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ



۵ ـ امام صادق (ع) می‌فرمود: به‌دلت بنگر، هرگاه از یارت نگران است روی یکی از شماها بادِ گران است.

باب عطسه و تسمیت
(یعنی جوابی که در برابرعطسه گویند)

۱ ـ امام صادق (ع) فرمود:

مسلمان بر مسلمان حق دارد که برخورد به او سلام دهد و در بیماری، از او عیادت کند و پشت سرش برای او خیرخواهی کند وچون عطسه کند خودش می‌گوید: «الحمد للّٰه رب العالمین لا شریک له» و به او می‌گوید در جواب عطسه‌اش: «یرحمك اللّٰه» پس او جوابش را می‌گوید به این عبارت: «یهدیکم اللّٰه و یصلح بالکم».

و هرگاه از او دعوت کرد، او را اجابت کند و هرگاه مرد دنبال جنازهٔ او برود.

۲ ـ رسول خدا (ص) فرمود:

هرگاه مردی عطسه زد، به او تسمیت گوئید گرچه از پس جزیره باشد، و در روایت دیگر است گرچه از پس دریائی باشد.

۳ ـ از اسحاق بن یزید و معمر بن زیاد و ابن رئاب، گویند:

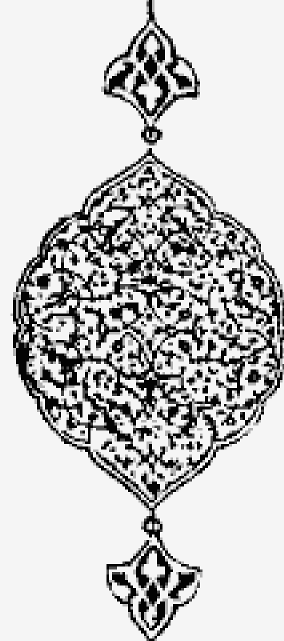


عَلِيٍّ، عَنْ مُثَنًّى، عَنْ إِسْحاقَ بْنِ يَزِيدَ؛ وَمَعْمَرِ بْنِ أَبِي زِيادٍ وَابْنِ رِئابٍ قالُوا: كُنّا جُلُوساً عِنْدَ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عليه السلام إِذا عَطَسَ رَجُلٌ فَما رَدَّ عَلَيْهِ أَحَدٌ مِنَ الْقَوْمِ شَيْئاً حَتّىٰ ابْتَدَأَ هُوَ فَقالَ: سُبْحانَ اللّٰهِ أَلا سَمَّتُّمْ إِنَّ مِنْ حَقِّ الْمُسْلِمِ أَنْ يَعُودَهُ إِذا اشْتَكىٰ وَأَنْ يُجِيبَهُ إِذا دَعاهُ وَأَنْ يَشْهَدَهُ إِذا ماتَ وَأَنْ يُسَمِّتَهُ إِذا عَطَسَ.

٤ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسىٰ، عَنْ صَفْوانَ بْنِ يَحْيىٰ قالَ: كُنْتُ عِنْدَ الرِّضا عليه السلام فَعَطَسَ، فَقُلْتُ لَهُ: صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْكَ، ثُمَّ عَطَسَ، فَقُلْتُ: صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْكَ ثُمَّ عَطَسَ فَقُلْتُ: صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْكَ وَقُلْتُ لَهُ: جُعِلْتُ فِداكَ إِذا عَطَسَ مِثْلُكَ نَقُولُ لَهُ كَما يَقُولُ بَعْضُنا لِبَعْضٍ: يَرْحَمُكَ اللّٰهُ؟ أَوْ كَما نَقُولُ؟ قالَ: نَعَمْ أَلَيْسَ تَقُولُ: صَلَّى اللّٰهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ؟ قُلْتُ: بَلىٰ، قالَ: ارْحَمْ مُحَمَّداً وَآلَ مُحَمَّدٍ؟ قالَ: بَلىٰ وَقَدْ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَرَحِمَهُ وَإِنَّما صَلَواتُنا عَلَيْهِ رَحْمَةٌ لَنا وَقُرْبَةٌ.

٥ ـ عَنْهُ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسىٰ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ قالَ: سَمِعْتُ الرِّضا عليه السلام يَقُولُ: التَّثاؤُبُ مِنَ الشَّيْطانِ وَالْعَطْسَةُ مِنَ اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ.

٦ ـ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ، عَنْ صالِحِ بْنِ أَبِي حَمّادٍ، قالَ: سَأَلْتُ الْعالِمَ عليه السلام عَنِ الْعَطْسَةِ وَمَا الْعِلَّةُ فِي الْحَمْدِ لِلّٰهِ عَلَيْها؟ فَقالَ: إِنَّ لِلّٰهِ نِعَماً عَلىٰ عَبْدِهِ فِي صِحَّةِ بَدَنِهِ وَسَلامَةِ جَوارِحِهِ وَإِنَّ الْعَبْدَ يَنْسىٰ

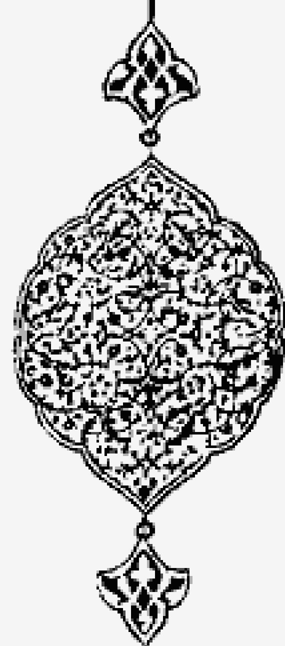




ما در نزد امام صادق (ع) نشسته بودیم که ناگاه مردی عطسه زد و کسی به او هیچ جوابی نداد تا آن حضرت آغاز سخن کرد وفرمود: چرا به‌او تسمیت‌نگفتید، راستی‌از حق مسلمان‌است‌بر مسلمان که چون بیمار شود، او را عیادت کند وچون دعوتش کند، از او بپذیرد وچون بمیرد، بر سر جنازهٔ او حاضر شود وچون عطسه زند، او را تسمیت گوید.

۴ ـ از صفوان بن یحیی، گوید: من نزد امام رضا(ع) بودم و عطسه‌ای زد، من به او گفتم: صلی اللّٰه علیك، باز عطسه زد وگفتم: صلی اللّٰه علیك، و باز عطسه زد وگفتم: صلی اللّٰه علیك، و به او گفتم: قربانت، چون مانند توئی(امام معصوم) عطسه زند بگوئیم مانند آنکه به یکدیگر می‌گوئیم: یرحمك اللّٰه، یا بگوئیم آنچه من می‌گویم؟ فرمود: آری، مگر نگفتی: صلی اللّٰه علی محمد وآله؟ گفتم: چرا، فرمود: یعنی ارحم محمداً وآل محمد، فرمود: آری، محققاً خدا صلوات داده است بر او و به او مهربانی کرده و همانا که صلوات ما بر آن حضرت، رحمت برای خود ما است و تقرّب به خدا است. [۱۲۶]

۵ ـ از احمد بن محمد بن ابی نصر، گوید: از امام رضا(ع) شنیدم می‌فرمود: دهن یاوه از شیطان است و عطسه از طرف خدای عزوجل است.



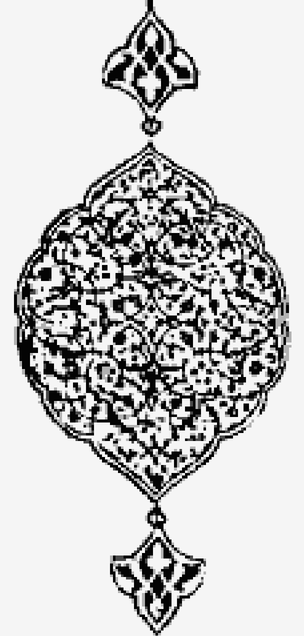
۶ ـ از صالح بن ابی حماد، گوید: از عالم(امام کاظم ع) در بارهٔ عطسه پرسش کردم و از سبب ذکر حمد برای آن در پاسخ فرمود: راستی خدا را بر بنده‌ها نعمتها است در تندرستی و سلامت



ذِكْرَ اللهِ عَزَّ وَجَلَّ عَلىٰ ذٰلِكَ وَإِذا نَسِيَ أَمَرَ اللهُ الرِّيحَ فَتَجاوَزَ فِي بَدَنِهِ ثُمَّ يُخْرِجُها مِنْ أَنْفِهِ فَيَحْمَدُ اللهَ عَلىٰ ذٰلِكَ فَيَكُونُ حَمْدُهُ عِنْدَ ذٰلِكَ شُكْراً لِما نَسِيَ.

٧ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خالِدٍ، عَنِ ابْنِ فَضّالٍ، عَنْ جَعْفَرِ بْنِ يُونُسَ، عَنْ داوُدَ بْنِ الْحُصَيْنِ قالَ: كُنّا عِنْدَ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام فَأَحْصَيْتُ فِي الْبَيْتِ أَرْبَعَةَ عَشَرَ رَجُلاً فَعَطَسَ أَبُو عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام فَما تَكَلَّمَ أَحَدٌ مِنَ الْقَوْمِ فَقالَ أَبُو عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام: أَلا تُسَمِّتُونَ؟ مِنْ حَقِّ الْمُؤْمِنِ عَلَى الْمُؤْمِنِ إِذا مَرِضَ أَنْ يَعُودَهُ وَإِذا ماتَ أَنْ يَشْهَدَ جَنازَتَهُ وَإِذا عَطَسَ أَنْ يُسَمِّتَهُ ـ أَوْ قالَ: يُشَمِّتَهُ ـ وَإِذا دَعاهُ أَنْ يُجِيبَهُ.

٨ ـ أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سالِمٍ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ النَّضْرِ، عَنْ عمر بْنِ شِمْرٍ، عَنْ جابِرٍ قالَ: قالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلام: نِعْمَ الشَّيْءُ الْعَطْسَةُ تَنْفَعُ فِي الْجَسَدِ وَتُذَكِّرُ بِاللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ، قُلْتُ: إِنَّ عِنْدَنا قَوْماً يَقُولُونَ: لَيْسَ لِرَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّم فِي الْعَطْسَةِ نَصِيبٌ، فَقالَ: إِنْ كانُوا كاذِبِينَ فَلا نالَهُمْ شَفاعَةُ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّم.



٩ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ، عَنْ بَعْضِ أَصْحابِهِ، قالَ: عَطَسَ رَجُلٌ عِنْدَ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلام فَقالَ: الْحَمْدُ لِلّٰهِ، فَلَمْ يُسَمِّتْهُ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلام وَقالَ: نَقَصْنا حَقَّنا ثُمَّ قالَ إِذا

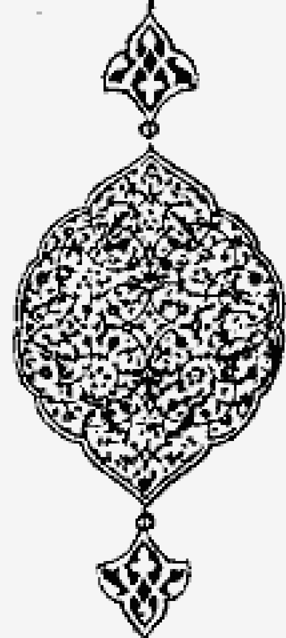


اندام او، و راستی بنده، خدا عزوجل را به حساب بخشندهٔ این نعمتها فراموش می‌کند وچون فراموش کرد، خدا به باد دستور می‌دهد که در تنش گذرد و از بینیش برآید، پس بر این خدا را حمد کند و حمدش در این گاه شکر و جبران فراموشی است.

۷ ـ از داود بن حصین، گوید: ما جمعی در حضور امام صادق (ع) بودیم و من تا ۱٤ مرد را در اطاق برشمردم، امام صادق (ع) عطسه زد و کسی از حاضران سخنی نگفت، امام فرمود: آیا تسمیت نگوئید؟ آیا جواب عطسه ندهید؟ (تسمیت گوئید، باید جواب عطسه را بگوئیدخ‌ل) از حق مؤمن بر مؤمن این است که هرگاه بیمار شد، او را عیادت کند، وهرگاه مرد، بر سر جنازه‌اش حاضر شود، وهرگاه عطسه زد، او را تسمیت گوید (به او گوید: یرحمك الله) و هرگاه از او دعوت کرد، بپذیرد.

۸ ـ از جابر، گوید: امام باقر (ع) فرمود:

چه خوب چیزی است عطسه، برای تن سودمند است و خدا عزوجل را هم به یاد می‌آورد، گفتم: نزد ما مردمی هستند که می‌گویند: برای رسول خدا (ص) در عطسه بهره‌ای نیست، فرمود: اگر دروغ گویند، شفاعت محمد (ص) بدانها مرساد.



۹ ـ ابن ابی عمیر، از یکی از اصحابش، گفت: مردی در حضور امام باقر (ع) عطسه زد و گفت: الحمد لله، و امام باقر (ع) به او جواب نداد و فرمود:



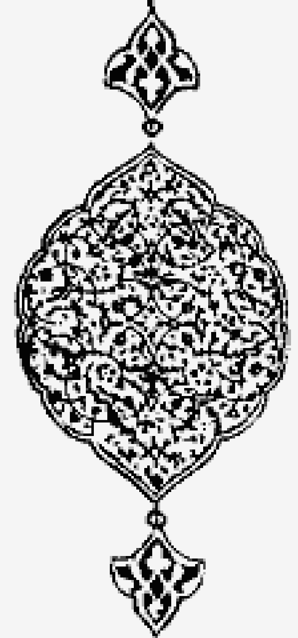
عَطَسَ أَحَدُكُمْ فَلْيَقُلِ: الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعالَمِينَ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ.

قالَ: فَقالَ الرَّجُلُ: فَسَمَّتَهُ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلام.

١٠ ـ عَلِيٌّ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ، عَنْ إِسْماعِيلَ الْبَصْرِيِّ، عَنِ الْفُضَيْلِ بْنِ يَسارٍ قالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلام: إِنَّ النّاسَ يَكْرَهُونَ الصَّلاةَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ فِي ثَلاثَةِ مَواطِنَ: عِنْدَ الْعَطْسَةِ وَعِنْدَ الذَّبِيحَةِ وَعِنْدَ الْجِماعِ، فَقالَ: أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلام: ما لَهُمْ وَيْلَهُمْ نافَقُوا لَعَنَهُمُ اللّٰهُ.

١١ ـ عَنْهُ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ، عَنْ سَعْدِ بْنِ أَبِي خَلَفٍ قالَ: كانَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلام إِذا عَطَسَ فَقِيلَ لَهُ: يَرْحَمُكَ اللّٰهُ، قالَ: يَغْفِرُ اللّٰهُ لَكُمْ وَيَرْحَمُكُمْ، وَإِذا عَطَسَ عِنْدَهُ إِنْسانٌ قالَ: يَرْحَمُكَ اللّٰهُ عَزَّ وَجَلَّ.

١٢ ـ عَنْهُ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ النَّوْفَلِيِّ، أَوْ غَيْرِهِ، عَنِ السَّكُونِيِّ، عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: عَطَسَ غُلامٌ لَمْ يَبْلُغِ الْحُلُمَ عِنْدَ النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّم فَقالَ: الْحَمْدُ لِلّٰهِ، فَقالَ لَهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّم: بارَكَ اللّٰهُ فِيكَ.



١٣ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ عَبْدِاللّٰهِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ، عَنْ أَبانِ بْنِ عُثْمانَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: إِذا عَطَسَ الرَّجُلُ فَلْيَقُلِ: الْحَمْدُ لِلّٰهِ [رَبِّ الْعالَمِينَ] لا



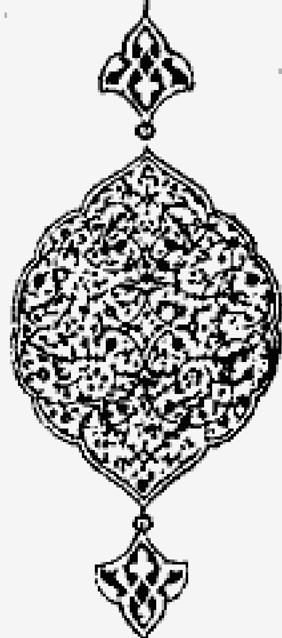
از حق ما کاست، سپس فرمود: هرگاه یکی از شماها عطسه زند بگوید: الحمد للّٰه رب العالمین و صلی اللّٰه علی محمد و اهل بیته، گوید: آن مرد این ذکر را گفت و امام باقر(ع) هم به او جواب عطسه را داد.

۱۰ - از فضیل بن یسار، گوید: به امام باقر(ع) گفتم: راستی مردم صلوات بر محمد و آلش را در سه جا بد می‌دارند: گاه عطسه و هنگام سر بریدن و در وقت جماع.

امام باقر(ع) فرمود: چه دردی دارند، وای بر آنها نفاق کردند، خدا لعنتشان کند.

۱۱ - از سعد بن ابی خلف که امام باقر(ع) را شیوه این بود که: چون عطسه می‌زد، به او گفته می‌شد: یرحمك اللّٰه، می‌فرمود: یغفر اللّٰه لکم و یرحمکم، و هرگاه انسانی در برش عطسه می‌زد، می گفت: یرحمك اللّٰه عزوجل.

۱۲ - از امام صادق (ع) که:
یک پسر نا بالغ نزد رسول خدا(ص) عطسه زد و گفت: الحمد للّٰه، و پیغمبر(ص) به او گفت: بارك اللّٰه فيك.



۱۳ - از محمد بن مسلم، از امام باقر(ع)، فرمود:
چون کسی عطسه زند، بگوید: الحمد للّٰه[رب العالمین] لا شریك له، و هرکس جواب عطسه دهد، بگوید: یرحمك اللّٰه، و



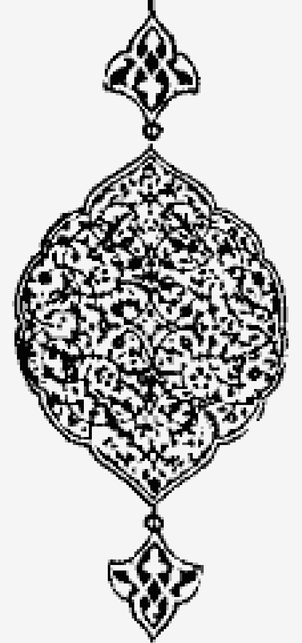
شَرِيكَ لَهُ وَإِذا سَمَّتَ الرَّجُلُ فَلْيَقُلْ: يَرْحَمُكَ اللّٰهُ وَإِذا رَدَّ[دْتَ] فَلْيَقُلْ: يَغْفِرُ اللّٰهُ لَكَ وَلَنا. فَإِنَّ رَسُولَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّم سُئِلَ عَنْ آيَةٍ أَوْ شَيْءٍ فِيهِ ذِكْرُ اللّٰهِ فَقالَ: كُلُّ ما ذُكِرَ اللّٰهُ فِيهِ فَهُوَ حَسَنٌ.

١٤ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنانٍ، عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ نُعَيْمٍ، عَنْ مِسْمَعِ بْنِ عَبْدِالْمَلِكِ قالَ: عَطَسَ أَبُو عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام فَقالَ: الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعالَمِينَ ثُمَّ جَعَلَ إِصْبَعَهُ عَلىٰ أَنْفِهِ فَقالَ: رَغِمَ أَنْفِي لِلّٰهِ رَغْماً داخِراً.

١٥ ـ أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سالِمٍ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ النَّضْرِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوانَ رَفَعَهُ قالَ:

قالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلام: مَنْ قالَ إِذا عَطَسَ: الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعالَمِينَ عَلىٰ كُلِّ حالٍ. لَمْ يَجِدْ وَجَعَ الْأُذُنَيْنِ وَالْأَضْراسِ.

١٦ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ أَوْ غَيْرِهِ، عَنِ ابْنِ فَضّالٍ، عَنْ بَعْضِ أَصْحابِهِ، عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: فِي وَجَعِ الْأَضْراسِ وَوَجَعِ الْآذانِ إِذا سَمِعْتُمْ مَنْ يَعْطِسُ فَابْدَؤُوهُ بِالْحَمْدِ.



١٧ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ، [عَنْ أَبِيهِ]، عَنْ صالِحِ بْنِ السِّنْدِيِّ، عَنْ جَعْفَرِ بْنِ بَشِيرٍ، عَنْ عُثْمانَ، عَنْ أَبِي أُسامَةَ قالَ: قالَ أَبُو عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام: مَنْ سَمِعَ عَطْسَةً فَحَمِدَ اللّٰهَ عَزَّ وَجَلَّ وَصَلّىٰ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّم وَأَهْلِ بَيْتِهِ لَمْ يَشْتَكِ عَيْنَيْهِ وَلا ضِرْسَهُ، ثُمَّ قالَ: إِنْ سَمِعْتَها فَقُلْها وَإِنْ كانَ بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ الْبَحْرُ.



هرگاه ردّ کند (ردّ کنی) باید بگوید: یغفر الله لك و لنا.

زیرا از رسول خدا (ص) درخواست شد از آیه یا کلامی که در آن ذکر خدا باشد، در پاسخ فرمود: هر جمله‌ای که ذکر خدا در آن باشد خوب است.

۱۴ ـ از مسمع بن عبدالملك، گوید: امام صادق (ع) عطسه زد و گفت:

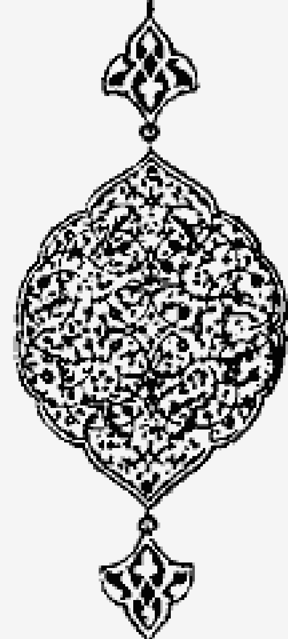
الحمد لله رب العالمین، و سپس انگشتش را بر بینی خود نهاد و گفت: بینیم برای خدا به زبونی بر خاک است.

۱۵ ـ امیرالمؤمنین (ع) فرمود:

هر کس که هنگام عطسه خود گوید: الحمد لله رب العالمین علی کل حال، درد گوش و دندان نیابد.

۱۶ ـ از امام صادق (ع)، فرمود:

در بارهٔ درد دندان و گوش، هرگاه شنیدید کسی عطسه زند، با حمد خدا با او آغاز سخن کنید.



۱۷ ـ از ابی اسامه، گوید: امام صادق (ع) فرمود:

هرکه عطسه‌ای شنود و حمد خدا عزوجل کند، صلوات بر پیغمبر و خاندانش فرستد، از درد چشم و دندانش ننالد.

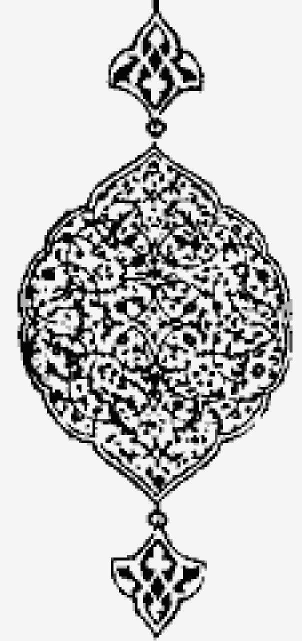
سپس فرمود: اگر آن را شنیدی، آن ذکر را بگو گرچه میان تو و آن، دریا باشد.



۱۸ ـ أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ، عَنْ بَعْضِ أَصْحابِهِ، عَنِ ابْنِ أَبِي نَجْرانَ، عَنْ بَعْضِ أَصْحابِهِ، عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السّلام: عَطَسَ رَجُلٌ نَصْرانِيٌّ عِنْدَ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السّلام فَقالَ لَهُ الْقَوْمُ هَداكَ اللّٰهُ فَقالَ أَبُو عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السّلام: [فَقُولُوا]: يَرْحَمُكَ اللّٰهُ، فَقالُوا لَهُ: إِنَّهُ نَصْرانِيٌّ؟! فَقالَ: لا يَهْدِيهِ اللّٰهُ حَتّىٰ يَرْحَمَهُ.

۱۹ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ، عَنْ هارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ، عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ صَدَقَةَ، عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السّلام قالَ: قالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّم: إِذا عَطَسَ الْمَرْءُ الْمُسْلِمُ ثُمَّ سَكَتَ لِعِلَّةٍ تَكُونُ بِهِ قالَتِ الْمَلائِكَةُ عَنْهُ: الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعالَمِينَ، فَإِنْ قالَ: الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعالَمِينَ قالَتِ الْمَلائِكَةُ يَغْفِرُ اللّٰهُ لَكَ، قالَ: وَقالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّم: الْعِطاسُ لِلْمَرِيضِ دَلِيلُ الْعافِيَةِ وَراحَةٌ لِلْبَدَنِ.

۲۰ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُوسىٰ، عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ، عَنْ عُثْمانَ بْنِ عِيسىٰ، عَنْ عَبْدِالصَّمَدِ بْنِ بَشِيرٍ، عَنْ حُذَيْفَةَ بْنِ مَنْصُورٍ [عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السّلام] قالَ: قالَ: الْعِطاسُ يَنْفَعُ فِي الْبَدَنِ كُلِّهِ ما لَمْ يَزِدْ عَلَى الثَّلاثِ فَإِذا زادَ عَلَى الثَّلاثِ فَهُوَ داءٌ وَسُقْمٌ.



۲۱ ـ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْكُوفِيِّ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْباطٍ، عَنْ عَمِّهِ يَعْقُوبَ بْنِ سالِمٍ، عَنْ أَبِي بَكْرٍ الْحَضْرَمِيِّ قالَ: سَأَلْتُ أَبا عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السّلام عَنْ قَوْلِ اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ: «إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْواتِ



۱۸ ـ از یکی از اصحابش، گوید: مردی ترسا در نزد امام صادق (ع) عطسه زد، حاضران به او گفتند: هداك اللّٰه.

پس امام صادق (ع) فرمود: [بگوئید] یرحمك اللّٰه، گفتند: او ترسا است، فرمود: تا خدا به او رحم نکند، او را هدایت نکند.

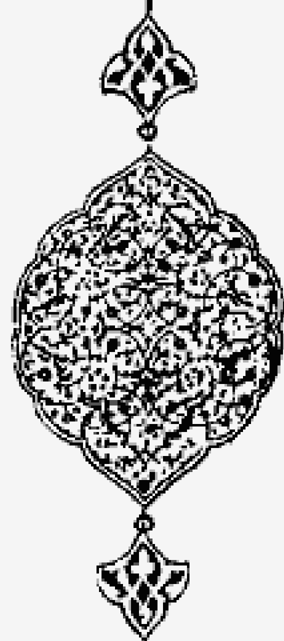
۱۹ ـ از امام صادق (ع) که رسول خدا (ص) فرمود:

هرگاه مرد مسلمانی عطسه زند و برای مانعی خاموش بماند، فرشته‌ها از طرف او گویند: الحمد للّٰه رب العالمین، و اگر خود گوید: الحمد للّٰه رب العالمین، فرشته‌ها گویند: یغفر اللّٰه لك.

فرمود: رسول خدا (ص) فرموده است: عطسه در بیمار نشانهٔ بهبودی است و برای تن، آسایش است.

۲۰ ـ امام صادق (ع) فرمود:

عطسه برای همهٔ تن سودمند است تا از سه بار فزون نباشد، و اگر از سه بار فزود، درد و بیماری باشد.



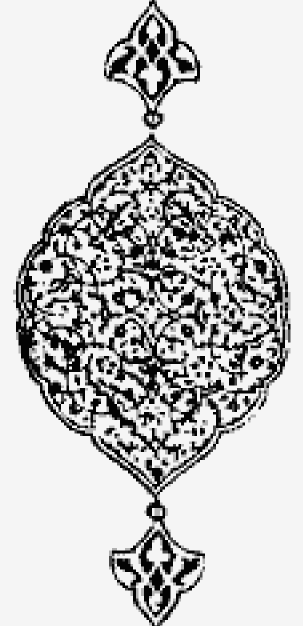
۲۱ ـ از ابی بکر حضرمی، گوید: از امام صادق (ع) از تفسیر قول خدا عزوجل پرسیدم (۱۹ سوره لقمان): «راستی که زشت‌ترین آوازها بانگ خر است».



لَصَوْتُ الْحَمِيرِ)) قالَ: الْعَطْسَةُ الْقَبِيحَةُ.

٢٢ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنِ الْقاسِمِ بْنِ يَحْيىٰ، عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ راشِدٍ، عَنْ أَبي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيهِ السَّلام قالَ: مَنْ عَطَسَ ثُمَّ وَضَعَ يَدَهُ عَلىٰ قَصَبَةِ أَنْفِهِ ثُمَّ قالَ: «الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعالَمِينَ [الْحَمْدُ لِلّٰه] حَمْداً كَثِيراً كَما هُوَ أَهْلُهُ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ وَآلِهِ وَسَلَّمَ» خَرَجَ مِنْ مِنْخَرِهِ الْأَيْسَرِ طائِرٌ أَصْغَرُ مِنَ الْجَرادِ وَأَكْبَرُ مِنَ الذُّبابِ حَتّىٰ يَسِيرَ تَحْتَ الْعَرْشِ يَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ لَهُ إِلىٰ يَوْمِ الْقِيامَةِ.

٢٣ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ بَعْضِ أَصْحابِهِ، رَواهُ عَنْ رَجُلٍ مِنَ الْعامَّةِ قالَ: كُنْتُ اجالِسُ أَبا عَبْدِاللّٰهِ عَلَيهِ السَّلام فَلا وَاللّٰهِ ما رَأَيْتُ مَجْلِساً أَنْبَلَ مِنْ مَجالِسِهِ قالَ: فَقالَ لِي ذاتَ يَوْمٍ: مِنْ أَيْنَ تَخْرُجُ الْعَطْسَةُ؟ فَقُلْتُ: مِنَ الْأَنْفِ، فَقالَ لِي: أَصَبْتَ الْخَطَأَ، فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِداكَ مِنْ أَيْنَ تَخْرُجُ؟ فَقالَ: مِنْ جَمِيعِ الْبَدَنِ كَما أَنَّ النُّطْفَةَ تَخْرُجُ مِنْ جَمِيعِ الْبَدَنِ وَمَخْرَجُها مِنَ الْإِحْلِيلِ ثُمَّ قالَ: أَما رَأَيْتَ الْإِنْسانَ إِذا عَطَسَ نَفَضَ أَعْضاؤُهُ وَصاحِبُ الْعَطْسَةِ يَأْمَنُ الْمَوْتَ سَبْعَةَ أَيّامٍ.



٢٤ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ النَّوْفَلِيِّ، عَنِ السَّكُونِيِّ، عَنْ أَبي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيهِ السَّلام قالَ: قالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيهِ وَآلِهِ وَسَلَّم: تَصْدِيقُ الْحَدِيثِ عِنْدَ الْعِطاسِ.

فرمود: عطسهٔ ناهموار باشد.

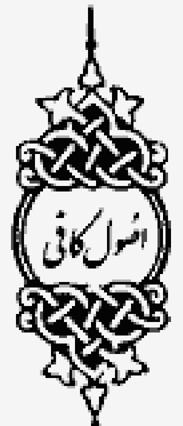
۲۲ ـ از امام صادق (ع)، فرمود:

هرکه عطسه زند و سپس دستش را بر تیغهٔ بینی خود نهد و بگوید: «(الحمد لله رب العالمین (الحمد لله) حمداً کثیراً کما هو اهله و صلی الله علی محمد النبیّ و آله و سلم» از سوراخ چپ بینی او پرنده‌ای خردتر از ملخ و بزرگ‌تر از مگس برآید و تا زیر عرش برود، تا روز رستاخیز برای او آمرزش جوید.

۲۳ ـ مردی از عامه، گوید: من باامام صادق (ع) همنشین بودم و نه به خدا سوگند که مجلسی ارجمندتر از مجالس او ندیدم گوید: یک روزی به من فرمود: عطسه از کجا بر می‌آید؟ من گفتم: از بینی، در پاسخ من فرمود: به خطا رسیدی، من گفتم: قربانت از کجا بر می‌آید؟ فرمود: از همهٔ تن، چنانچه نطفه هم از همهٔ بدن برآید، گرچه از آلت مردی درآید، سپس فرمود: آیا نبینی که چون انسان عطسه زند، همهٔ اندامش تکان خورند و کسی که عطسه زند تا هفت روز از مرگ برهد.

۲٤ ـ رسول خدا(ص) فرمود:

نشانهٔ راستی بازگوئی هنگام عطسه زدن است.



٢٥ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ النَّوْفَلِيِّ، عَنِ السَّكُونِيِّ، عَنْ أَبي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيهِ السَّلام قالَ: قالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللهُ عَلَيهِ وَآلِهِ وَسَلَّم: إِذا كانَ الرَّجُلُ يَتَحَدَّثُ بِحَدِيثٍ فَعَطَسَ عاطِسٌ فَهُوَ شاهِدُ حَقٍّ.

٢٦ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيادٍ، عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيِّ، عَنِ ابْنِ الْقَدّاحِ، عَنِ ابْنِ أَبي عُمَيْرٍ، عَنْ أَبي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيهِ السَّلام قالَ: قالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللهُ عَلَيهِ وَآلِهِ وَسَلَّم: تَصْدِيقُ الْحَدِيثِ عِنْدَ الْعُطاسِ.

٢٧ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ مُحسِنِ بْنِ أَحْمَدَ، عَنْ أَبانِ بْنِ عُثْمانَ، عَنْ زُرارَةَ، عَنْ أَبي جَعْفَرٍ عَلَيهِ السَّلام قالَ: إِذا عَطَسَ الرَّجُلُ ثَلاثاً فَسَمِّتْهُ ثُمَّ اتْرُكْهُ.

بابُ وجُوبِ إِجْلالِ ذِي الشَّيْبَةِ الْمُسْلِمِ

١ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيى، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، وَعَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، جَمِيعاً، عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ، عَنْ عَبْدِاللّٰهِ بْنِ سِنانٍ، قالَ: قالَ لِي أَبُو عَبْدِاللّٰهِ عَلَيهِ السَّلام: إِنَّ مِنْ إِجْلالِ اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ إِجْلالَ الشَّيْخِ الْكَبِيرِ.

٢ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ النَّوْفَلِيِّ، عَنِ السَّكُونِيِّ،

۲۵ ـ از امام صادق (ع) که رسول خدا (ص) فرمود:
هرگاه مردی حدیثی می‌گوید و کسی عطسه زند هم، او گواه درستی آن حدیث باشد.

۲۶ ـ امام صادق (ع) فرمود: رسول خدا (ص) فرموده است:
راست بودن حدیث، از عطسه معلوم شود. [۱۲۷]

۲۷ ـ از زراره، از امام باقر (ع) فرمود:
هرگاه مردی عطسه زد، تا سه بار به او جواب گو و سپس او را واگذار (یعنی در بار سوم حق او ادا شده است و در بیش از آن اگر جواب گوید احسانی کرده است).

باب لزوم احترام مسلمان ریش سفید و سالخورده

۱ ـ از عبدالله بن سنان، گوید: امام صادق (ع) به من فرمود:
راستی از احترام خدا عزوجل، احترام پیره‌مرد سالخورده است.

۲ ـ امام صادق (ع) فرمود: رسول خدا (ص) فرموده است:



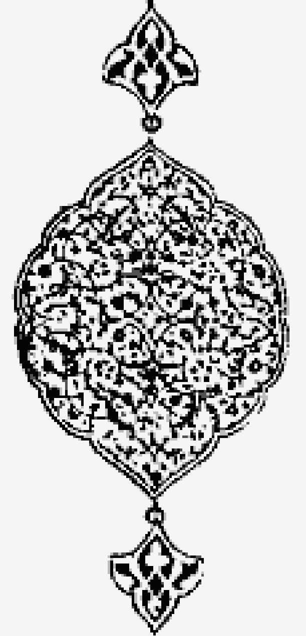
عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: قالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّم: مَنْ عَرَفَ فَضْلَ كَبِيرٍ لِسِنِّهِ فَوَقَّرَهُ آمَنَهُ اللّٰهُ مِنْ فَزَعِ يَوْمِ الْقِيامَةِ.

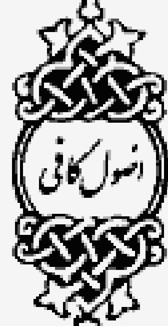
٣ ـ وَبِهٰذَا الْإِسْنادِ قالَ: قالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّم: مَنْ وَقَّرَ ذا شَيْبَةٍ فِي الإِسْلامِ آمَنَهُ اللّٰهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ فَزَعِ يَوْمِ الْقِيامَةِ.

٤ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خالِدٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَيْلِ، عَنْ إِسْحاقَ بْنِ عَمّارٍ، قالَ: سَمِعْتُ أَبَا الْخَطّابِ يُحَدِّثُ عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: ثَلاثَةٌ لا يَجْهَلُ حَقَّهُمْ إِلّا مُنافِقٌ مَعْرُوفٌ [بِ]ـالنِّفاقِ: ذُو الشَّيْبَةِ فِي الْإِسْلامِ، وَحامِلُ الْقُرْآنِ، وَالْإِمامُ الْعادِلُ.

٥ ـ عَنْهُ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ أَبِي نَهْشَلٍ، عَنْ عَبْدِاللّٰهِ بْنِ سِنانٍ، قالَ: قالَ لِي أَبُو عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام: مِنْ إِجْلالِ اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ إِجْلالُ الْمُؤْمِنِ ذِي الشَّيْبَةِ وَمَنْ أَكْرَمَ مُؤْمِناً فَبِكَرامَةِ اللّٰهِ بَدَأَ وَمَنِ اسْتَخَفَّ بِمُؤْمِنٍ ذِي شَيْبَةٍ أَرْسَلَ اللّٰهُ إِلَيْهِ مَنْ يَسْتَخِفُّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ.

٦ ـ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحاقَ، عَنْ سَعْدانَ بْنِ مُسْلِمٍ، عَنْ أَبِي بَصِيرٍ وَغَيْرِهِ، عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: قالَ: مِنْ إِجْلالِ اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ إِجْلالُ ذِي الشَّيْبَةِ الْمُسْلِمِ.





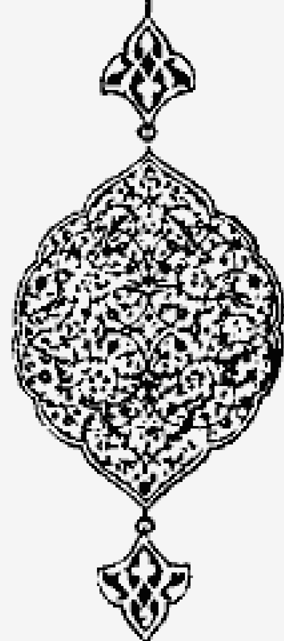
هر که فضل پیرمردی را به خاطر گذشت سنّ او بفهمد و او را احترام کند، خدا او را از هراس روز قیامت آسوده سازد.

۳ ـ امام صادق (ع) فرمود: رسول خدا(ص) فرموده است:
هر که احترام کند کسی را که در اسلام موی خود را سپید کرده است، خدا عزوجل او را از هراس روز قیامت آسوده سازد.

۴ ـ از اسحاق بن عمار، گوید: از ابا الخطاب شنیدم از قول امام صادق (ع) باز می‌گفت که فرمود:
سه کسند که حق آنها را نادیده نگیرد جز شخص منافق معروف به نفاق: سپیدموی در مسلمانی و حامل قرآن و امام عادل.

۵ ـ از عبدالله بن سنان که امام صادق (ع) به من فرمود:
از احترام خدا عزوجل است احترام مؤمن سپیدموی، هر که مؤمنی را گرامی دارد، به گرامی داشتن خدا آغاز کرده است، و هر که مؤمن سپیدموی را سبک شمارد، خدا کسی را بگمارد که پیش از مرگش او را سبک شمارد.

۶ ـ از امام صادق (ع)، فرمود:
از احترام به خدا است احترام به سپیدموی مسلمان.



بابُ إكرامِ الكَريمِ

١ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيادٍ، عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيِّ، عَنْ عَبْدِاللّٰهِ بْنِ الْقَدّاحِ، عَنْ أَبي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: دَخَلَ رَجُلانِ عَلىٰ أَميرِ الْمُؤْمِنينَ عَلَيْهِ السَّلام فَأَلْقىٰ لِكُلِّ واحِدٍ مِنْهُما وِسادَةً فَقَعَدَ عَلَيْها أَحَدُهُما وَأَبَى الْآخَرُ، فَقالَ أَميرُ الْمُؤْمِنينَ عَلَيْهِ السَّلام: اقْعُدْ عَلَيْها فَإِنَّهُ لا يَأْبَى الْكَرامَةَ إِلَّا حِمارٌ، ثُمَّ قالَ: قالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّم: إِذا أَتاكُمْ كَريمُ قَوْمٍ فَأَكْرِمُوهُ.

٢ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهيمَ، عَنْ أَبيهِ، عَنِ النَّوْفَلِيِّ، عَنِ السَّكُونِيِّ، عَنْ أَبي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: قالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّم: إِذا أَتاكُمْ كَريمُ قَوْمٍ فَأَكْرِمُوهُ.

٣ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبي عَبْدِاللّٰهِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عيسىٰ، عَنْ عَبْدِاللّٰهِ الْعَلَوِيِّ، عَنْ أَبيهِ، عَنْ جَدِّهِ، قالَ: قالَ أَميرُ الْمُؤْمِنينَ عَلَيْهِ السَّلام: لَمّا قَدِمَ عَدِيُّ بْنُ حاتِمٍ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّم أَدْخَلَهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّم بَيْتَهُ وَلَمْ يَكُنْ فِي الْبَيْتِ غَيْرُ خَصَفَةٍ وَوِسادَةٍ مِنْ أَدَمٍ فَطَرَحَها رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّم لِعَدِيِّ بْنِ حاتِمٍ.



باب گرامی شمردن شخص کریم و بزرگوار

۱ ـ از امام صادق (ع)، فرمود:
دو مرد خدمت امام امیرالمؤمنین (ع) رسیدند و برای هر کدام توشکی انداخت، یکی از آنها روی آن نشست و دیگری خودداری کرد، امیرالمؤمنین (ع) فرمود:
روی آن بنشین، زیرا از پذیرفتن احترام خودداری نکند جز الاغ، سپس فرمود: رسول خدا (ص) فرموده است: هرگاه مرد بزرگوار قومی به شما وارد شد، او را گرامی دارید.

۲ ـ امام صادق (ع) فرمود که: رسول خدا (ص) فرمود:
هرگاه بزرگوار قومی بر شما وارد شود، او را گرامی دارید.

۳ ـ امیرالمؤمنین (ع) فرمود:
چون عدی بن حاتم نزد پیغمبر (ص) آمد، پیغمبر (ص) او را به خانهٔ خود بر و در آن جز یک تیکه حصیر و توشکی نبود و آنها را زیر پای عدی گسترد (یعنی پیغمبر مهمان خود را روی تشک جاي‌داد و خود روی زمین نشست).

بابُ حَقِّ الدّاخِلِ

١ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهيمَ، عَنْ أَبيهِ، عَنْ النَّوْفَلِيِّ، عَنِ السَّكُونِيِّ، عَنْ أَبي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: قالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّم إِنَّ مِنْ حَقِّ الدّاخِلِ عَلَى أَهْلِ الْبَيْتِ أَنْ يَمْشُوا مَعَهُ هُنَيْئَةً إِذا دَخَلَ وَإِذا خَرَجَ، وَقالَ: قالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّم: إِذا دَخَلَ أَحَدُكُمْ عَلَى أَخِيهِ الْمُسْلِمِ فِي بَيْتِهِ فَهُوَ أَمِيرٌ عَلَيْهِ حَتَّى يَخْرُجَ.

بابُ الْمُجالِسِ بِالْأَمانَةِ

١ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيادٍ، وَأَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ، جَميعاً، عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ، عَنْ عَبْدِاللّٰهِ بْنِ سِنانٍ، عَنِ ابْنِ أَبي عَوْفٍ، عَنْ أَبي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلامُ قالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ: الْمُجالِسُ بِالْأَمانَةِ

٢ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهيمَ، عَنْ أَبيهِ، عَنِ ابْنِ أَبي عُمَيْرٍ، عَنْ حَمّادِ بْنِ عُثْمانَ، عَنْ زُرارَةَ، عَنْ أَبي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: قالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّم: الْمُجالِسُ بِالْأَمانَةِ.

باب حق وارد



۱ ـ از امام صادق (ع) که رسول خدا (ص) فرمود:
راستی که وارد، حق دارد بر اهل خانه که وارد شده است تا اندازه‌ای که هنگام ورود و هنگام خروج، او را بدرقه کنند و با او راه روند.
فرمود: رسول خدا (ص) فرموده است: هر گاه یکی از شما بر برادر مسلمانش در خانه وارد شود، بر او امیر باشد تا بیرون رود.

باب المُجالِس بالامانة



۱ ـ از ابن ابی عوف که شنیدم امام صادق (ع) می‌فرمود:
المُجالِس بالامانة.

۲ ـ امام صادق (ع) فرمود: پیغمبر (ص) فرموده است:
المُجالِس بالامانة.



٣ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، أَحْمَدَ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ خالِدٍ، عَنْ عُثْمانَ بْنِ عِيسىٰ، عَمَّنْ ذَكَرَهُ، عَنْ أَبي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: الْمُجالِسُ بِالْأَمانَةِ وَلَيْسَ لِأَحَدٍ أَنْ يُحَدِّثَ بِحَدِيثٍ يَكْتُمُهُ صاحِبُهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ إِلَّا أَنْ يَكُونَ ثِقَةً أَوْ ذِكْراً لَهُ بِخَيْرٍ.

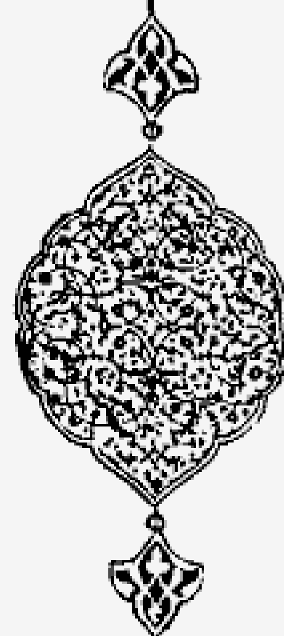


بابٌ في الْمُناجاةِ

١ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسىٰ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ، عَنْ مالِكِ بْنِ عَطِيَّةَ، عَنْ أَبِي بَصِيرٍ، عَنْ أَبي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: إِذا كانَ الْقَوْمُ ثَلاثَةً فَلا يَتَناجىٰ مِنْهُمُ اثْنانِ دُونَ صاحِبِهِما فَإِنَّ [في] ذٰلِكَ [م]ما يَحْزُنُهُ وَيُؤْذِيهِ.

٢ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ أَبي عَبْدِاللّٰهِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: إِذا كانَ ثَلاثَةٌ فِي بَيْتٍ فَلا يَتَناجَىٰ اثْنانِ دُونَ صاحِبِهِما فَإِنَّ ذٰلِكَ مِمّا يَغُمُّهُ.

٣ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ النَّوْفَلِيِّ، عَنِ السَّكُونِيِّ، عَنْ أَبي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: قالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّم: مَنْ عَرَضَ لِأَخِيهِ الْمُسْلِمِ [الْمُتَكَلِّمِ] فِي حَدِيثِهِ فَكَأَنَّما خَدَشَ وَجْهَهُ.



۳ ـ از امام صادق (ع) که فرمود:

المُجالِس بالامانة، و کسی حق ندارد کلام محرمانهٔ هم‌صحبت خود را بازگو کند مگر به اجازهٔ او جز در موردی که وثوق بشنونده دارد یا ذکر خیر او باشد. [۱۲۸]



باب در صحبت سر به گوشی

۱ ـ از امام صادق (ع)، فرمود:

هرگاه سه کس باهم نشسته‌اند، دوتای آنها سر به گوش‌هم سخن نکنند، زیرا مایهٔ اندوه و آزار آن سومی است.

۲ ـ از امام کاظم (ع)، فرمود:

هرگاه سه کس باهم نشسته‌اند، دوتای آنها سر به گوش‌هم سخن نکنند، زیرا مایهٔ اندوه و آزار آن سومی است.

۳ ـ از امام صادق (ع) که رسول خدا (ص) فرموده است:

هرکه در میان سخن برادر مسلمانش (که در سخن گفتن است) بدود و سخن او را ببرد، مانند این است که روی او را خراشیده است.



بابُ الجُلُوسِ

١ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خالِدٍ، عَنِ النَّوْفَلِيِّ، عَنْ عَبْدِالْعَظِيمِ بْنِ عَبْدِاللّٰهِ بْنِ الْحَسَنِ الْعَلَوِيِّ رَفَعَهُ قالَ: كانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّم يَجْلِسُ ثَلاثاً: الْقُرْفُصاءَ وَهُوَ أَنْ يُقِيمَ ساقَيْهِ وَيَسْتَقْبِلَهُما بِيَدَيْهِ وَيَشُدَّ يَدَهُ فِي ذِراعِهِ، وَكانَ يَجْثُو عَلىٰ رُكْبَتَيْهِ وَكانَ يُثَنِّي رِجْلاً واحِدَةً وَيَبْسُطُ عَلَيْها الْأُخْرىٰ وَلَمْ يُرَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّم مُتَرَبِّعاً قَطُّ.

٢ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ، عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ الثُّمالِيِّ قالَ: رَأَيْتُ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِما السَّلام قاعِداً واضِعاً إِحْدىٰ رِجْلَيْهِ عَلىٰ فَخِذِهِ فَقُلْتُ: إِنَّ النّاسَ يَكْرَهُونَ هٰذِهِ الْجِلْسَةَ وَيَقُولُونَ: إِنَّها جِلْسَةُ الرَّبِّ، فَقالَ: إِنِّي إِنَّما جَلَسْتُ هٰذِهِ الْجِلْسَةَ لِلْمَلالَةِ وَالرَّبُّ لا يَمَلُّ وَلا تَأْخُذُهُ سِنَةٌ وَلا نَوْمٌ.

٣ ـ عَلِيٌّ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُرازِمٍ، عَنْ أَبِي سُلَيْمانَ الزّاهِدِ، عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: مَنْ رَضِيَ بِدُونِ التَّشَرُّفِ مِنَ الْمَجْلِسِ لَمْ يَزَلِ اللّٰهُ عَزَّ وَجَلَّ وَمَلائِكَتُهُ يُصَلُّونَ عَلَيْهِ حَتّىٰ يَقُومَ.

باب وضع نشستن

۱ ـ از عبدالعظیم بن عبدالله بن حسن علوی حدیث را به معصوم رسانیده که فرمود: پیغمبر (ص) بر سه وضع می‌نشست:

۱ ـ بر سر دو پا و آن این است که دو ساق را از زمین بلند گذارد و دو زانو را در میان دو دست خود بگیرد و به ذراع خود تکیه دهد.

۲ ـ گاهی هم بر سر دو زانو می‌نشست.

۳ ـ گاهی هم یک پا را تا می‌کرد و دیگری را روی آن می‌گشود و هرگز دیده نشد چهار زانو بنشیند.

۲ ـ از ابی حمزه ثمالی، گوید: من دیدم علی بن الحسین (ع) نشسته و یکی از دو پا را روی ران دیگر نهاده، گفتم: مردم از این نشستن بدشان آید و گویند: این نشستن پروردگاری است، در پاسخ فرمود:

من خود از دل تنگی چنین نشستم و پروردگار را دلتنگی نیست و چرت و خواب او را فرانگیرد.

۳ ـ از امام صادق (ع)، فرمود:

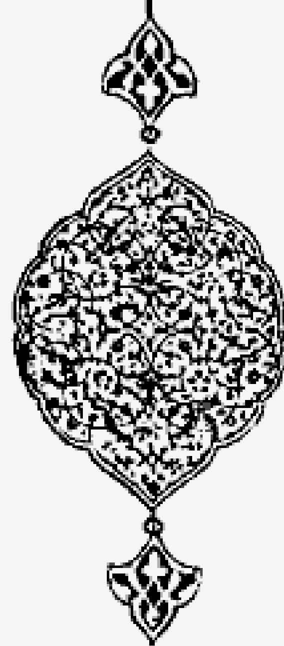
هر که کمتر از شرافت‌مآبی و صدر مجلس خشنود باشد، خدا و فرشته‌ها پیوسته بر او رحمت فرستند تا از آن مجلس برخیزد.



٤ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ بَعْضِ أَصْحابِهِ، عَنْ طَلْحَةَ بْنِ زَيْدٍ، عَنْ أَبي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: كانَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّم أَكْثَرَ ما يَجْلِسُ تُجاهَ الْقِبْلَةِ.

٥ ـ أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ، عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنِ الْوَشّاءِ عَنْ حَمّادِ بْنِ عُثْمانَ قالَ: جَلَسَ أَبُو عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام مُتَوَرِّكاً رِجْلَهُ الْيُمْنىٰ عَلىٰ فَخِذِهِ الْيُسْرىٰ فَقالَ لَهُ رَجُلٌ: جُعِلْتُ فِداكَ هٰذِهِ جِلْسَةٌ مَكْرُوهَةٌ؛ فَقالَ: لا إِنَّما هُوَ شَيْءٌ قالَتْهُ الْيَهُودُ، لَمّا أَنْ فَرَغَ اللّٰهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ خَلْقِ السَّماواتِ وَالْأَرْضِ وَاسْتَوىٰ عَلَى الْعَرْشِ جَلَسَ هٰذِهِ الْجَلْسَةَ لِيَسْتَرِيحَ فَأَنْزَلَ اللّٰهُ عَزَّ وَجَلَّ ((اَللّٰهُ لا إِلٰهَ إِلّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لا تَأْخُذُهُ سِنَةٌ وَلا نَوْمٌ)) وَبَقِيَ أَبُو عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام مُتَوَرِّكاً كَما هُوَ.

٦ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خالِدٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ عَبْدِاللّٰهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ، عَمَّنْ ذَكَرَهُ، عَنْ أَبي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: كانَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّم إِذا دَخَلَ مَنْزِلاً قَعَدَ فِي أَدْنَى الْمَجْلِسِ إِلَيْهِ حِينَ يَدْخُلُ.



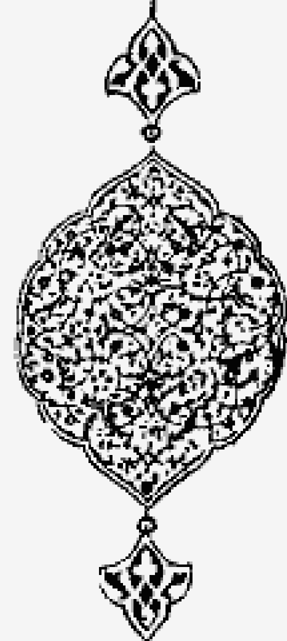
٧ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسىٰ، مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيىٰ، عَنْ طَلْحَةَ بْنِ زَيْدٍ، عَنْ أَبي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: قالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلام: سُوقُ الْمُسْلِمِينَ كَمَسْجِدِهِمْ فَمَنْ سَبَقَ إِلىٰ مَكانٍ فَهُوَ أَحَقُّ بِهِ إِلَى اللَّيْلِ؛ قالَ: وَكانَ لا يَأْخُذُ عَلىٰ بُيُوتِ



۴ ـ از امام صادق (ع) که:
رسول خدا(ص) بیشتر برابر قبله می‌نشست.

۵ ـ از حماد بن عثمان که امام صادق (ع) روی ران چپ نشست و پای راست خود را روی آن نهاد و مردی به او گفت: قربانت! این نشستن بدنمائی است، فرمود: نه، این را همانا یهود گویند که: چون خدا عزوجل از آفرینش آسمانها و زمین فارغ شد و بر عرش استوار گردید، چنین نشست تا استراحت کند و خدا عزوجل این آیه را نازل کرده (۲۵۵ سوره بقره): «اللّٰه لا اله الا هو الحی القیوم لا تأخذه سنة و لا نوم» و امام صادق (ع) به همان وضع ماند.

۶ ـ از امام صادق (ع) که:
چون رسول خدا(ص) وارد می‌شد، دم در می‌نشست.



۷ ـ امام صادق (ع) فرمود: امیرالمؤمنین (ع) فرموده است:
بازار مسلمانان چون مسجد آنها است، هرکس پیشی گرفت و در جائی نشست به آن احق است تا به شب.
فرمود: آن حضرت در برابر دکان‌های بازار کرایه



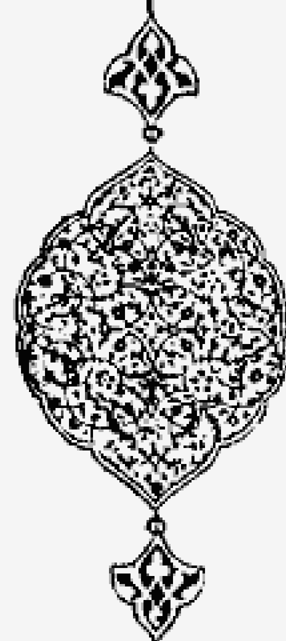
السُّوقِ كِراءً.

٨ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ النَّوْفَلِيِّ، عَنِ السَّكُونِيِّ، عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: قالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّم: يَنْبَغِي لِلْجُلَساءِ فِي الصَّيْفِ أَنْ يَكُونَ بَيْنَ كُلِّ اثْنَيْنِ مِقْدارُ عَظْمِ الذِّراعِ لِئَلّا يَشُقَّ بَعْضُهُمْ عَلىٰ بَعْضٍ فِي الْحَرِّ.

٩ ـ عَلِيٌّ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ، عَنْ حَمّادِ بْنِ عُثْمانَ قالَ: رَأَيْتُ أَبا عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام يَجْلِسُ فِي بَيْتِهِ عِنْدَ بابِ بَيْتِهِ قُبالَةَ الْكَعْبَةِ.



بابُ الإتِّكاءِ وَالإحْتِباءِ



١ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ النَّوْفَلِيِّ، عَنِ السَّكُونِيِّ، عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: قالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّم: الإتِّكاءُ فِي الْمَسْجِدِ رُهْبانِيَّةُ الْعَرَبِ إِنَّ الْمُؤْمِنَ مَجْلِسُهُ مَسْجِدُهُ وَصَوْمَعَتُهُ بَيْتُهُ.

٢ ـ عَنْهُ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ النَّوْفَلِيِّ، عَنِ السَّكُونِيِّ، عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام قالَ:

قالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّم:

نمی گرفت. [۱۲۹]

۸ ـ رسول خدا(ص) فرمود:

آنان که در تابستان دور هم نشینند، شایسته است که میان هر دو تن به اندازهٔ استخوان ذراعی(فاصله) باشد تا از نزدیکی به‌هم و سختی گرما دلتنگی نکشند.

۹ ـ از حماد بن عثمان، گوید:

دیدم امام صادق (ع) در خانه‌اش دم در در برابر قبله می‌نشست.

باب تکیه زدن و بر دست تکیه دادن

۱ ـ از امام صادق (ع) که فرمود:

تکیه زدن در مسجد، خداپرستی عربها است، راستی که باشگاه مؤمن مسجد او است و عبادتگاه مؤمن خانهٔ او است.

۲ ـ رسول خدا(ص) فرمود:

احتباء در مسجد، دیوار تکیه‌گاه عرب است(یعنی عرب به جای تکیه بر دیوار ساختمان که شهرنشینان دارند، دستهای خود را



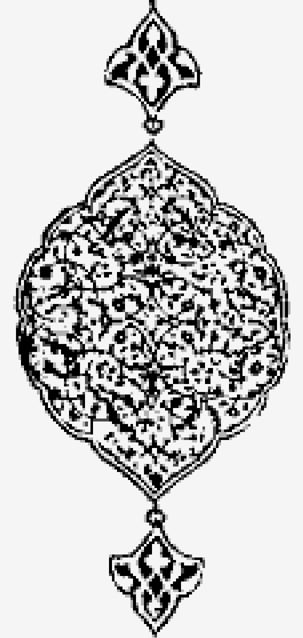
الْإِحْتِباءُ فِي الْمَسْجِدِ حِيطانُ الْعَرَبِ.

٣ ـ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْماعِيلَ، عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شاذانَ، وَعَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، جَمِيعاً، عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ، عَنْ إِبْراهِيمَ بْنِ عَبْدِالْحَمِيدِ، عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: قالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّم: الْإِحْتِباءُ حِيطانُ الْعَرَبِ.

٤ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خالِدٍ، عَنْ عُثْمانَ بْنِ عِيسىٰ، عَنْ سَماعَةَ قالَ: سَأَلْتُ أَبا عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام عَنِ الرَّجُلِ يَحْتَبِي بِثَوْبٍ واحِدٍ؟ فَقالَ: إِنْ كانَ يُغَطِّي عَوْرَتَهُ فَلا بَأْسَ.

٥ ـ عَنْهُ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْباطٍ، عَنْ بَعْضِ أَصْحابِنا، عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: لا يَجُوزُ لِلرَّجُلِ أَنْ يَحْتَبِيَ مُقابِلَ الْكَعْبَةِ.

بابُ الدُّعابَةِ وَالضِّحْكِ



١ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسىٰ، عَنْ مُعَمَّرِ بْنِ خَلّادٍ قالَ: سَأَلْتُ أَبا الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلام فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِداكَ الرَّجُلُ يَكُونُ مَعَ الْقَوْمِ فَيَجْرِي بَيْنَهُمْ كَلامٌ يَمْزَحُونَ وَيَضْحَكُونَ؟ فَقالَ: لا بَأْسَ ما لَمْ يَكُنْ؛ فَظَنَنْتُ أَنَّهُ عَنَىٰ الْفُحْشَ، ثُمَّ قالَ: إِنَّ رَسُولَ اللّٰهِ

به‌زانوهای خود حلقه کنند و درون‌جامهٔ وسیع خود استراحت نمایند).

۳ ـ رسول خدا(ص) فرمود:

احتباء، دیوار تکیه‌گاههای عرب است.

٤ ـ از سماعه، گوید: از امام صادق (ع) پرسیدم که مرد در زیر یک جامه احتباء کند؟

فرمود: اگر عورتش را بپوشاند عیب ندارد.

۵ ـ امام صادق (ع) فرمود:

روا نیست که مرد در برابر کعبه احتباء کند.

باب شوخی و خنده

۱ ـ از معمر بن خلاد، گوید: از ابو الحسن(ع) پرسیدم و گفتم: قربانت! مردی با جمعی است و سخنی به میان آرند و شوخی کنند و بخندند؟

فرمود: باکی ندارد تا که نباشد، من گمان کردم مقصود او دشنام است و هرزه‌گوئی، سپس فرمود: عرب بیابانی نزد رسول



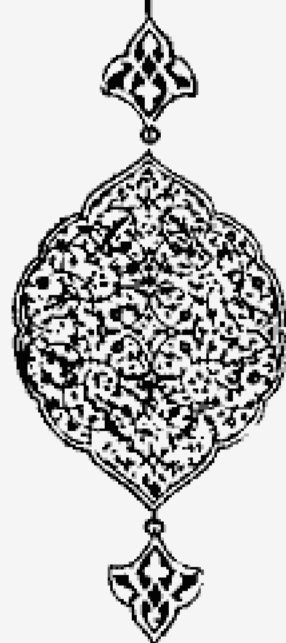
صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّم كانَ يَأْتِيهِ الْأَعْرابِيُّ فَيُهْدِي لَهُ الْهَدِيَّةَ ثُمَّ يَقُولُ مَكانَهُ:

أَعْطِنا ثَمَنَ هَدِيَّتِنا فَيَضْحَكُ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَكانَ إِذا اغْتَمَّ يَقُولُ: ما فَعَلَ الْأَعْرابِيُّ لَيْتَهُ أَتانا.

٢ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خالِدٍ، عَنْ شَرِيفِ بْنِ سابِقٍ، عَنْ الْفَضْلِ بْنِ أَبِي قُرَّةَ، عَنْ أَبي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: ما مِنْ مُؤْمِنٍ إِلّٰا وَفِيهِ دُعابَةٌ، قُلْتُ: وَمَا الدُّعابَةُ؟ قالَ: الْمِزاحُ.

٣ ـ عَنْهُ، مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، عَنْ يَحْيَىٰ بْنِ سَلامٍ، عَنْ يُوسُفَ بْنِ يَعْقُوبَ، عَنْ صالِحِ بْنِ عُقْبَةَ، عَنْ يُونُسَ الشَّيْبانِيِّ قالَ: قالَ أَبُو عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام: كَيْفَ مُداعَبَةُ بَعْضِكُمْ بَعْضاً؟ قُلْتُ: قَلِيلٌ، قالَ: فَلا تَفْعَلُوا فَإِنَّ الْمُداعَبَةَ مِنْ حُسْنِ الْخُلْقِ وَإِنَّكَ لَتُدْخِلُ بِها السُّرُورَ عَلىٰ أَخِيكَ وَلَقَدْ كانَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّم يُداعِبُ الرَّجُلَ يُرِيدُ أَنْ يَسُرَّهُ.

٤ ـ صالِحُ بْنُ عُقْبَةَ، عَنْ عَبْدِاللّٰهِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْجُعْفِيِّ قالَ: سَمِعْتُ أَبا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلام يَقُولُ: إِنَّ اللّٰهَ عَزَّ وَجَلَّ يُحِبُّ الْمُداعِبَ فِي الْجَماعَةِ بِلا رَفَثٍ.



٥ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيادٍ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْباطٍ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ كُلَيْبٍ، عَنْ أَبي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: ضِحْكُ الْمُؤْمِنِ تَبَسُّمٌ.

خدا(ص) می‌آمد و چیزی به عنوان هدیه تقدیم او می‌کرد و همان‌جا می‌گفت: بهای هدیهٔ ما را بده، و رسول خدا(ص) می‌خندید، و چون غمگین می‌شد، می‌فرمود: آن عرب بیابانی چه کرد؟ (چه شدخ) کاش نزد ما می‌آمد.

۲ ـ از فضل بن أبی قره، از امام صادق (ع) فرمود:
مؤمنی نباشد که در او دعابت نیست، گفتم: دعابت چیست؟ فرمود: مزاح.

۳ ـ از یونس شیبانی، گوید: امام صادق (ع) فرمود:
چگونه با یکدیگر شوخی می‌کنید؟ گفتم: اندکی؟ فرمود: مکنید (یعنی با یکدیگر کم شوخی و خوش‌مزگی مکنید) زیرا شوخی از خوش‌خلقی است و تو به وسیلهٔ آن برادرت را شاد می‌کنی و هر آینه رسول خدا(ص) با مردی شوخی می‌کرد، می‌خواست او را شاد کند.

۴ ـ از عبدالله بن محمد جعفی، گوید: شنیدم امام باقر(ع) می‌فرمود:
راستی خدا عزوجل دوست دارد کسی را که در میان جمع، شوخی وخوشمزگی می‌کند، بی‌آنکه فحش دهد وهرزه‌درائی کند.

۵ ـ از امام صادق (ع) فرمود:
خندهٔ مؤمن، تبسّم است.



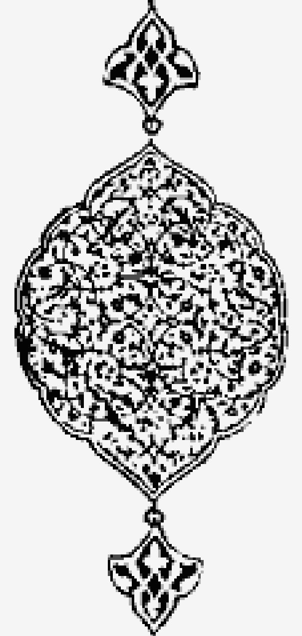
٦ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ ابْنِ أَبي عُمَيْرٍ، عَنْ مَنْصُورٍ، عَنْ حَرِيزٍ، عَنْ أَبي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيهِ السَّلام قالَ: كَثْرَةُ الضَّحْكِ تُمِيتُ الْقَلْبَ وَقالَ: كَثْرَةُ الضَّحْكِ تَمِيثُ الدِّينَ كَما يَمِيثُ الْماءُ الْمِلْحَ.

٧ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ النَّوْفَلِيِّ، عَنِ السَّكُونِيِّ، عَنْ أَبي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيهِ السَّلام قالَ: إِنَّ مِنَ الْجَهْلِ الضَّحْكَ مِنْ غَيْرِ عَجَبٍ، قالَ: وَكانَ يَقُولُ: لا تُبْدِيَنَّ عَنْ واضِحَةٍ وَقَدْ عَمِلْتَ الْأَعْمالَ الْفاضِحَةَ، وَلا يَأْمَنُ الْبَياتَ مَنْ عَمِلَ السَّيِّئاتِ.

٨ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ ابْنِ أَبي عُمَيْرٍ، عَنْ حَفْصِ بْنِ الْبَخْتَرِيِّ قالَ: قالَ أَبُو عَبْدِاللّٰهِ عَلَيهِ السَّلام: إِيّاكُمْ وَالْمِزاحُ فَإِنَّهُ يَذْهَبُ بِماءِ الْوَجْهِ.

٩ ـ عَنْهُ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ ابْنِ أَبي عُمَيْرٍ، عَمَّنْ حَدَّثَهُ، عَنْ أَبي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيهِ السَّلام قالَ: إِذا أَحْبَبْتَ رَجُلاً فَلا تُمازِحْهُ وَلا تُمارِهِ.

١٠ ـ عَنْهُ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ ابْنِ أَبي عُمَيْرٍ، عَنْ حَمّادٍ، عَنِ الْحَلَبِيِّ، عَنْ أَبي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيهِ السَّلام قالَ: الْقَهْقَهَةُ مِنَ الشَّيْطانِ.



١١ ـ حُمَيْدُ بْنُ زِيادٍ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْكِنْدِيِّ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ الْمِيثَمِيِّ، عَنْ عَنْبَسَةَ الْعابِدِ قالَ: سَمِعْتُ أَبا عَبْدِاللّٰهِ عَلَيهِ السَّلام يَقُولُ: كَثْرَةُ الضَّحْكِ تَذْهَبُ بِماءِ الْوَجْهِ.

١٢ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيادٍ، عَنْ جَعْفَرِ بْنِ



۶ ـ امام صادق (ع) فرمود:
خندهٔ بسیار، دل را بمیراند.
و فرمود: بسیار خندیدن دین را آب کند چنانچه که آب نمک را بساید.

۷ ـ از سکونی که امام صادق (ع) فرمود:
راستی از نادانی است خندهٔ بی‌مورد، گوید: بارها می‌فرمود: خنده دندان نما مده، تو که کارهای رسوا کردی، از بلای شبگرد آسوده مباد آنکه بدکردار است.

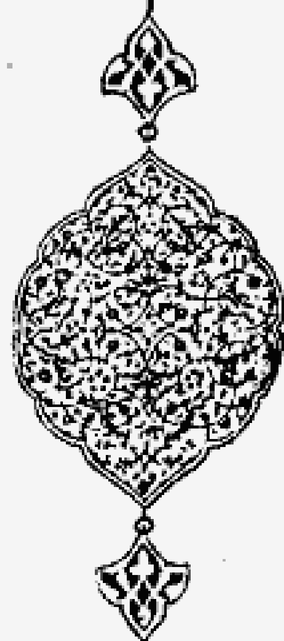


۸ ـ امام صادق (ع) فرمود:
مبادا شوخی کنید که آبرو را می‌برد.

۹ ـ امام صادق (ع) فرمود:
هرگاه مردی را دوست داری، با او شوخی و ستیزه مکن.

۱۰ ـ امام صادق (ع) فرمود:
خندهٔ قهقهه از شیطان است.

۱۱ ـ امام صادق (ع) فرمود:
خندهٔ بسیار، آبرو را می‌برد.



۱۲ ـ امام صادق (ع) فرمود: امیرالمؤمنین (ع) فرموده است:



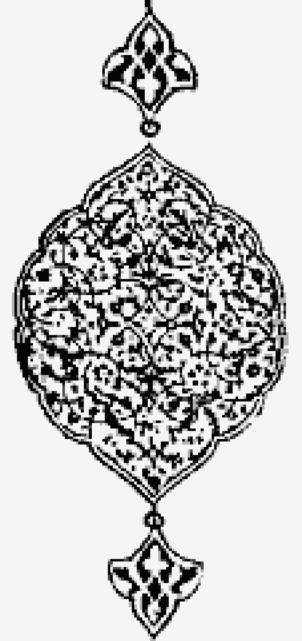
مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيِّ، عَنِ ابْنِ الْقَدَّاحِ، عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: قالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلام: إِيّاكُمْ وَالْمُزاحَ فَإِنَّهُ يَجُرُّ السَّخِيمَةَ وَيُورِثُ الضَّغِينَةَ وَهُوَ السَّبُّ الْأَصْغَرُ.

١٣ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ عَبْدِاللّٰهِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ، عَنْ أَبانِ بْنِ عُثْمانَ، عَنْ خالِدِ بْنِ طَهْمانَ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: إِذا قَهْقَهْتَ فَقُلْ حِينَ تَفْرَغُ «اللّٰهُمَّ لا تَمْقُتْنِي».

١٤ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسىٰ، عَنِ الْحَجّالِ، عَنْ داوُدَ بْنِ فَرْقَدٍ وَعَلِيِّ بْنِ عُقْبَةَ وَثَعْلَبَةَ، رَفَعُوهُ إِلىٰ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ وَأَبِي جَعْفَرٍ أَوْ أَحَدِهِما عَلَيْهِما السَّلام قالَ: كَثْرَةُ الْمُزاحِ تَذْهَبُ بِماءِ الْوَجْهِ وَكَثْرَةُ الضَّحْكِ تَمُجُّ الْإِيمانَ مَجّاً.

١٥ ـ حُمَيْدُ بْنُ زِيادٍ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ الْمِيثَمِيِّ، عَنْ عَنْبَسَةَ الْعابِدِ قالَ: سَمِعْتُ أَبا عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام يَقُولُ: الْمُزاحُ السِّبابُ الْأَصْغَرُ.

١٦ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خالِدٍ، عَنْ عُثْمانَ بْنِ عِيسىٰ، عَنِ ابْنِ مُسْكانَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوانَ، عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: إِيّاكُمْ وَالْمُزاحَ فَإِنَّهُ يَذْهَبُ بِماءِ الْوَجْهِ وَمَهابَةِ الرِّجالِ.



١٧ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنِ الْبَرْقِيِّ، عَنْ أَبِي الْعَبّاسِ، عَنْ عَمّارِ بْنِ مَرْوانَ قالَ: قالَ أَبُو عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام: لا

مبادا شوخی کنید که دلتنگی آرد و کینه زاید و دشنام خُرد باشد.

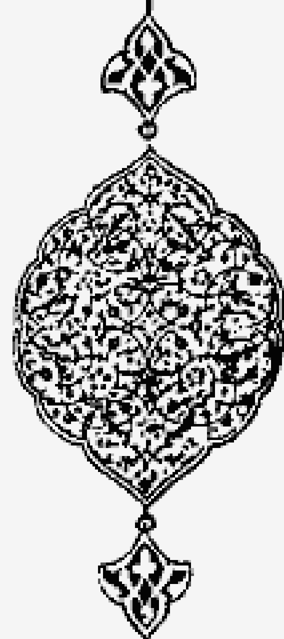
۱۳ ـ از امام باقر (ع)، فرمود:
چون قهقهه زدی پس از فراغت بگو: بار خدایا! مرا دشمن مدار.

۱۴ ـ امام باقر و امام صادق (ع) یا یکیشان فرموده:
شوخی بسیار آبرو را ببرد و خندهٔ بسیار ایمان را به دور پرتاب کند.

۱۵ ـ امام صادق (ع) می‌فرمود:
شوخی، دشنام کوچک است.

۱۶ ـ امام صادق (ع) فرمود:
بپرهیزید از شوخی، زیرا آبرو را ببرد و مردان را سبک کند.

۱۷ ـ امام صادق (ع) فرمود:
جدال مکن تا آبرویت برود، و شوخی مکن تا روی مردم به





تُمارِ فَيَذْهَبَ بَهاؤُكَ وَلا تُمازِحْ فَيُجْتَرَأَ عَلَيْكَ.

١٨ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ صالِحِ بْنِ السِّنْدِيِّ، عَنْ جَعْفَرِ بْنِ بَشِيرٍ، عَنْ عَمّارِ بْنِ مَرْوانَ، عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عليه‌السلام قالَ: لا تُمازِحْ فَيُجْتَرَأَ عَلَيْكَ.

١٩ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ، عَنْ سَعْدِ بْنِ أَبِي خَلَفٍ، عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه‌السلام أَنَّهُ قالَ فِي وَصِيَّةٍ لَهُ لِبَعْضِ وُلْدِهِ ـ أَوْ قالَ: قالَ أَبِي لِبَعْضِ وُلْدِهِ ـ: إِيّاكَ وَالْمُزاحَ فَإِنَّهُ يَذْهَبُ بِنُورِ إِيمانِكَ وَيَسْتَخِفُّ بِمُرُوءَتِكَ.

٢٠ ـ عَنْهُ، عَنِ ابْنِ فَضّالٍ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْجَهْمِ، عَنْ إِبْراهِيمَ بْنِ مِهْزَمٍ، عَمَّنْ ذَكَرَهُ، عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ عليه‌السلام قالَ: كانَ يَحْيَىٰ بْنُ زَكَرِيّا عليهما‌السلام يَبْكِي وَلا يَضْحَكُ وَكانَ عِيسَىٰ بْنُ مَرْيَمَ عليهما‌السلام يَضْحَكُ وَيَبْكِي وَكانَ الَّذِي يَصْنَعُ عِيسَىٰ عليه‌السلام أَفْضَلَ مِنَ الَّذِي كانَ يَصْنَعُ يَحْيَىٰ عليه‌السلام.

بابُ حَقِّ الْجِوارِ

١ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ، وَمُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَىٰ، عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ إِسْحاقَ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيارَ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ

تو باز شود و بر تو دلیر شوند.

۱۸ ـ امام صادق (ع) فرمود:

شوخی مکن تا بر تو دلیر شوند.

۱۹ ـ از ابو الحسن (ع) که به یکی از پسرانش وصیّت کرد، یا فرمود:

بپرهیز از شوخی که نور ایمانت را برد و مرادنگیت را سبک کند.

۲۰ ـ از امام کاظم (ع)، فرمود:

یحیی بن زکریا گریه می‌کرد و نمی‌خندید و عیسی بن مریم می‌خندید و گریه‌هم می‌کرد و آنچه عیسی (ع) می‌کرد برتر بود از آنچه یحیی (ع) می‌کرد.

باب حقّ همسایگی

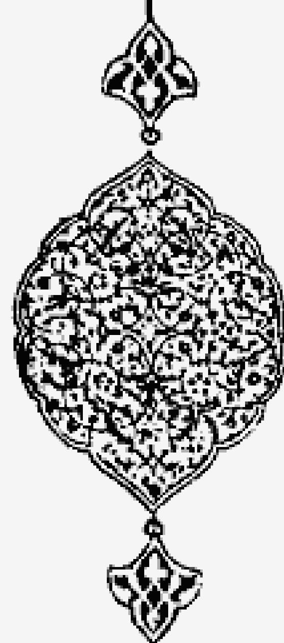
۱ ـ از عمرو بن مکرمه، گوید: نزد امام صادق (ع) رفتم و به آن حضرت گفتم: مرا همسایه‌ای است که آزارم می‌کند؟ فرمود: تو



فَضّالٍ، عَنْ فَضالَةَ بْنِ أَيُّوبَ، جَمِيعاً عَنْ مُعاوِيَةَ بْنِ عَمّارٍ، عَنْ عَمْرِو بْنِ عِكْرِمَةَ قالَ: دَخَلْتُ عَلىٰ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عليه السلام فَقُلْتُ لَهُ: لِيَ جارٌ يُؤْذِينِي؟ فَقالَ: ارْحَمْهُ قُلْتُ: لا رَحِمَهُ اللّهُ، فَصَرَفَ وَجْهَهُ عَنِّي؛ قالَ: فَكَرِهْتُ أَنْ أَدَعَهُ، فَقُلْتُ: يَفْعَلُ بِي كَذا وَكَذا وَيَفْعَلُ بِي وَيُؤْذِينِي، فَقالَ: أَرَأَيْتَ إِنْ كاشَفْتَهُ انْتَصَفْتَ مِنْهُ؟ فَقُلْتُ: بَلىٰ أُرْبِي عَلَيْهِ فَقالَ: إِنَّ ذا مِمَّنْ يَحْسُدُ النّاسَ عَلىٰ ما آتاهُمُ اللّٰهُ مِنْ فَضْلِهِ فَإِذا رَأىٰ نِعْمَةً عَلىٰ أَحَدٍ فَكانَ لَهُ أَهْلٌ جَعَلَ بَلاءَهُ عَلَيْهِمْ وَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ أَهْلٌ جَعَلَهُ عَلىٰ خادِمِهِ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ خادِمٌ أَسْهَرَ لَيْلَهُ وَأَغاظَ نَهارَهُ، إِنَّ رَسُولَ اللّٰهِ صلى الله عليه وآله وسلم أَتاهُ رَجُلٌ مِنَ الْأَنْصارِ فَقالَ: إِنِّي اشْتَرَيْتُ داراً فِي بَنِي فُلانٍ وَإِنَّ أَقْرَبَ جِيرانِي مِنِّي جِواراً مَنْ لا أَرْجُو خَيْرَهُ وَلا آمَنُ شَرَّهُ، قالَ: فَأَمَرَ رَسُولُ اللّٰهِ صلى الله عليه وآله وسلم عَلِيّاً عليه السلام وَسَلْمانَ وَأَبا ذَرٍّ ـ وَنَسِيتُ آخَرَ وَأَظُنُّهُ الْمِقْدادَ ـ أَنْ يُنادُوا فِي الْمَسْجِدِ بِأَعْلىٰ أَصْواتِهِمْ بِأَنَّهُ لا إِيمانَ لِمَنْ لَمْ يَأْمَنْ جارُهُ بَوائِقَهُ فَنادُوا بِها ثَلاثاً ثُمَّ أَوْمَأَ بِيَدِهِ إِلىٰ كُلِّ أَرْبَعِينَ داراً مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ وَعَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ شِمالِهِ.

٢ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسىٰ، مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيىٰ، عَنْ طَلْحَةَ بْنِ زَيْدٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ، عَنْ أَبِيهِ عليهما السلام قالَ:

قَرَأْتُ فِي كِتابِ عَلِيٍّ عليه السلام أَنَّ رَسُولَ اللّٰهِ كَتَبَ بَيْنَ



به او مهربانی کن، گفتم: خدایش مهر نکند، آن حضرت از من روی برگردانید، گوید: من نخواستم آن همسایه را رها کنم، گفتم: او با من چنین و چنان می‌کند و مرا آزار می‌دهد، فرمود: به نظر تو اگر با او یک‌روئی کنی، از او انتقام می‌کشی؟ گفتم: آری، من بر او می‌چربم، فرمود: این همسایه تو از آنها است که حسد برند بر مردم در آنچه خدا از فضل خود به آنها داده است و هرگاه نعمتی برای کسی بیند و خاندان داشته باشد به خاندانش تعرض و آزار می‌کند و اگر خاندانی ندارد، به خدمتکارش می‌پیچید، و اگر خادم هم ندارد شبها بیدار می‌ماند و روزها را در خشم می‌گذراند. رسول خدا(ص) بود که شخصی از انصار نزد او آمد و گفت: در بنی فلان، خانه‌ای خریدم و نزدیک‌ترین همسایه‌ام کسی است که امید به خیرش ندارم و از شرّش آسودگی ندارم، فرمود رسول خدا(ص) به علی(ع) و سلمان و اباذرّ ـ و دیگری را فراموشم کردم و گمانم مقداد باشد ـ فرمان داد تا در مسجد با بلندترین آواز خود جار کشند که: هر که همسایه‌اش از آزار او آسوده نباشد، ایمان ندارد و سه بار این جار را زدند، سپس آن حضرت بادست خود به هر چهل باب خانه که برابرش بودند و در پشت سرش بودند و در سمت راستش بودند و در سمت چپش بودند اشاره کرد (یعنی تا چهل خانه از هر سوی همسایه به حساب است و باید حق آنها را رعایت کرد).

۲ ـ از امام صادق (ع)، از پدرش که فرمود: من در کتاب علی(ع) خواندم که رسول خدا(ص) عهدنامه میان مهاجرین و انصار و هرکس بدانها پیوندد نوشت که:

۱ ـ همسایه چون خود انسان است، نه زیانمند شود و نه گناه ورزد.



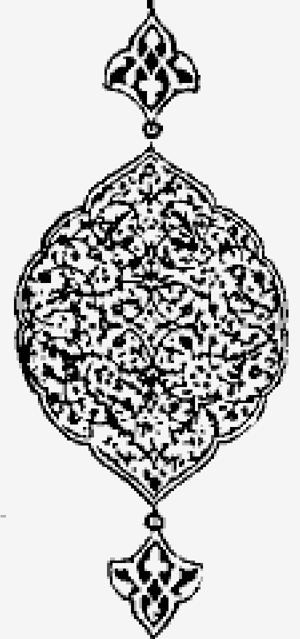
الْمُهاجِرِينَ وَالْأَنْصارِ وَمَنْ لَحِقَ بِهِمْ مِنْ أَهْلِ يَثْرِبَ أَنَّ الْجارَ كَالنَّفْسِ غَيْرَ مُضارٍّ وَلا آثِمٍ وَحُرْمَةُ الْجارِ كَحُرْمَةِ أُمِّهِ الْحَدِيثُ مُخْتَصَرٌ.

٣ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خالِدٍ، عَنْ إِسْماعِيلَ بْنِ مِهْرانَ، عَنْ إِبْراهِيمَ بْنِ أَبِي رَجاءٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: حُسْنُ الْجِوارِ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ.

٤ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيادٍ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْباطٍ، عَنْ عَمِّهِ يَعْقُوبَ بْنِ سالِمٍ، عَنْ إِسْحاقَ بْنِ عَمّارٍ، عَنِ الْكاهِلِيِّ قالَ: سَمِعْتُ أَبا عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام يَقُولُ: إِنَّ يَعْقُوبَ عَلَيْهِ السَّلام لَمّا ذَهَبَ مِنْهُ بِنْيامِينُ نادىٰ يا رَبِّ أَما تَرْحَمُنِي؟ أَذْهَبْتَ عَيْنَيَّ وَأَذْهَبْتَ ابْنَيَّ؟ فَأَوْحَى اللّٰهُ تَبارَكَ وَتَعالىٰ: لَوْ أَمَتُّهُما لَأَحْيَيْتُهُما لَكَ حَتّىٰ أَجْمَعَ بَيْنَكَ وَبَيْنَهُما وَلٰكِنْ تَذْكُرُ الشّاةَ الَّتِي ذَبَحْتَها وَشَوَّيْتَها وَأَكَلْتَ وَفُلانٌ وَفُلانٌ إِلىٰ جانِبِكَ صائِمٌ لَمْ تُنِلْهُ مِنْها شَيْئاً؟

٥ ـ وَفِي رِوايَةٍ أُخْرىٰ قالَ: فَكانَ بَعْدَ ذٰلِكَ يَعْقُوبُ عَلَيْهِ السَّلام يُنادِي كُلَّ غَداةٍ مِنْ مَنْزِلِهِ عَلىٰ فَرْسَخٍ: أَلا مَنْ أَرادَ الْغَداءَ فَلْيَأْتِ إِلىٰ يَعْقُوبَ، وَإِذا أَمْسىٰ نادىٰ:

أَلا مَنْ أَرادَ الْعَشاءَ فَلْيَأْتِ إِلىٰ يَعْقُوبَ.



٦ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ، عَنْ

۲ ـ احترام همسایه بر همسایه چون احترام مادر است تا آخر حدیث، مختصر (شاید مقصود این است که همچنان که مرد رعایت خود می‌کند و به خود زیان نمی‌زند و خود را به گناه نمی‌افکند یا گناهکار نمی‌داند، باید نسبت به همسایه هم چنین باشد ـ از وافی).

۳ ـ از امام صادق (ع)، فرمود:

خوش‌همسایگی، روزی را بسیار کند.

۴ ـ از کاهلی، گوید: شنیدم امام صادق (ع) می‌فرمود:

چون بنیامین از بر یعقوب رفت، فریاد کشید: خدایا! به من رحم نمی‌کنی؟ فرزندم را بردی و چشمم را گرفتی؟ خدا تبارک و تعالی به او وحی کرد: اگر من آنها را میرانده باشم، زندشان می‌کنم تا آنها را به تو رسانم ولی یادت می‌آید آن گوسفندی را که سر بریدی و بریان کردی؟ خوردی و فلان و فلان در همسایه‌گی تو بودند و روزه داشتند و چیزی از آن به آنها ندادی؟

۵ ـ و در روایت دیگری است که فرمود:

پس از آن شیوه چنین شد که هر چاشتگاه، چارجی یعقوب از منزل او تا مسافت یک‌فرسخ جار می‌کشید که: هر کس چاشت خواهد، به خانهٔ یعقوب آید، و در شامگاه هم جار می‌زد که: هر کس شام خواهد، به خانهٔ یعقوب آید.

۶ ـ از امام صادق (ع) که فاطمه (ع) نزد رسول خدا (ص)



إِسْحاقَ بْنِ عَبْدِالْعَزِيزِ، عَنْ زُرارَةَ، عَنْ أَبي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: جاءَتْ فاطِمَةُ عَلَيْها السَّلام تَشْكُو إِلىٰ رَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّم بَعْضَ أَمْرِها فَأَعْطاها رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّم كُرَيْسَةً وَقالَ: تَعَلَّمِي ما فِيها، فَإِذا فِيها: مَنْ كانَ يُؤْمِنُ بِاللّٰهِ وَالْيَومِ الآخِرِ فَلا يُؤْذِي جارَهُ، وَمَنْ كانَ يُؤْمِنُ بِاللّٰهِ وَالْيَومِ الآخِرِ فَلْيُكْرِمْ ضَيْفَهُ، وَمَنْ كانَ يُؤْمِنُ بِاللّٰهِ وَالْيَومِ الآخِرِ فَلْيَقُلْ خَيْراً أَوْ لِيَسْكُتْ.

٧ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خالِدٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ سَعْدانَ، عَنْ أَبِي مَسْعُودٍ قالَ: قالَ لِي أَبُو عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام: حُسْنُ الْجِوارِ زِيادَةٌ فِي الْأَعْمارِ وَعِمارَةُ الدِّيار.

٨ ـ عَنْهُ، عَنِ النَّهِيكِيِّ، عَنْ إِبْراهِيمَ بْنِ عَبْدِالْحَمِيدِ، عَنِ الْحَكَمِ الْخَيّاطِ قالَ: قالَ أَبُو عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام: حُسْنُ الْجِوارِ يَعْمُرُ الدِّيارَ وَيَزِيدُ فِي الْأَعْمارِ.

٩ ـ عَنْهُ، عَنْ بَعْضِ أَصْحابِهِ، عَنْ صالِحِ بْنِ حَمْزَةَ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَبْدِاللّٰهِ، عَنْ عَبْدٍ صالِحٍ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: قالَ: لَيْسَ حُسْنُ الْجِوارِ كَفُّ الْأَذىٰ وَلٰكِنَّ حُسْنَ الْجِوارِ صَبْرُكَ عَلَى الْأَذىٰ.

١٠ ـ أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْكُوفِيِّ، عَنْ عُبَيْسِ بْنِ هِشامٍ، عَنْ مُعاوِيَةَ بْنِ عَمّارٍ، عَنْ أَبي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: قالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّم: حُسْنُ الْجِوارِ يَعْمُرُ الدِّيارَ وَيُنْسِي فِي الْأَعْمارِ.



آمد و در برخی کارهایش شکایتی به او کرد و رسول خدا(ص) جزوه‌ای به او داد و فرمود: آنچه در آن است، یاد بگیر و به ناگاه در آن ثبت بود که:

هرکس ایمان به خدا و روز رستاخیز دارد، همسایهٔ خود را نیازارد، هرکس ایمان به خدا و روز جزا دارد، مهمانش را گرامی شمارد، هرکس ایمان به خدا و روز جز دارد، باید خوب گوید یا خموشی جوید.

۷ ـ از ابی مسعود که امام صادق (ع) فرمود:

خوش همسایگی عمرها را فزاید و خانمان‌ها را آباد سازد.

۸ ـ امام صادق (ع) فرمود:

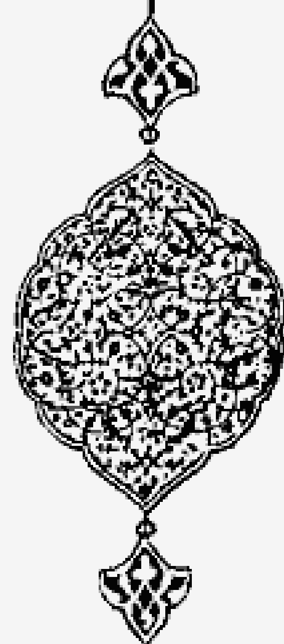
خوش همسایه بودن خانمان‌ها را آباد سازد و عمرها را بیفزاید.

۹ ـ از حسن بن عبدالله، از امام کاظم (ع) فرمود:

خوش همسایه بودن بس این نیست که از آزار همسایه خودداری کنی، بلکه تااینجا است که بر آزارش شکیبا باشی.

۱۰ ـ رسول خدا(ص) فرمود:

خوش همسایه بودن خانمان‌ها را آباد سازد و عمرها را دراز کند.

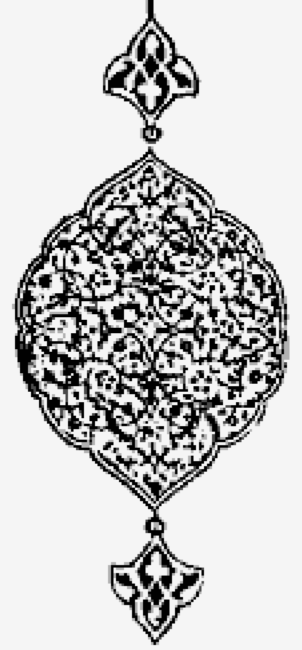




١١ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ أَبي عَبْدِاللّٰهِ، عَنْ إِسْماعِيلَ بْنِ مِهْرانَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَفْصٍ، عَنْ أَبِي الرَّبِيعِ الشّامِيِّ، عَنْ أَبي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام قالَ قالَ ـ وَالْبَيْتُ غاصٌّ بِأَهْلِهِ ـ اعْلَمُوا أَنَّهُ لَيْسَ مِنّا مَنْ لَمْ يُحْسِنْ مُجاوَرَةَ مَنْ جاوَرَهُ.

١٢ ـ عَنْهُ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَيْلِ، عَنْ أَبِي حَمْزَةَ قالَ: سَمِعْتُ أَبا عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام يَقُولُ: الْمُؤْمِنُ مَنْ آمَنَ جارُهُ بَوائِقَهُ، قُلْتُ: وَما بَوائِقُهُ؟ قالَ: ظُلْمُهُ وَغَشْمُهُ.

١٣ ـ أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِالْجَبّارِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْماعِيلَ، عَنْ حَنانِ بْنِ سَدِيرٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ أَبي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: جاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّم فَشَكا إِلَيْهِ أَذىً مِنْ جارِهِ، فَقالَ لَهُ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّم: اصْبِرْ، ثُمَّ أَتاهُ ثانِيَةً فَقالَ لَهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّم: اصْبِرْ، ثُمَّ عادَ إِلَيْهِ فَشَكاهُ ثالِثَةً فَقالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّم لِلرَّجُلِ الَّذِي شَكا: إِذا كانَ عِنْدَ رَواحِ النّاسِ إِلَى الْجُمُعَةِ فَأَخْرِجْ مَتاعَكَ إِلَى الطَّرِيقِ حَتّى يَراهُ مَنْ يَرُوحُ إِلَى الْجُمُعَةِ فَإِذا سَأَلُوكَ فَأَخْبِرْهُمْ قالَ: فَفَعَلَ، فَأَتاهُ جارُهُ الْمُؤْذِي لَهُ فَقالَ لَهُ: رُدَّ مَتاعَكَ فَلَكَ اللّٰهُ عَلَيَّ أَنْ لا أَعُودَ.



١٤ ـ عَنْهُ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِالْجَبّارِ، عَنْ إِسْماعِيلَ، عَنْ عَبْدِاللّٰهِ بْنِ عُثْمانَ، عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْبَجَلِيِّ، عَنْ عُبَيْدِاللّٰهِ الْوَصافِيِّ، عَنْ أَبي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: قالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ



۱۱ ـ از ابی الربیع شامی، از امام صادق (ع) گوید: ـ خانه پر بود که ـ فرمود:

همه بدانید که راستش از ما نیست هر که با همسایهٔ خود به خوشی رفتار نکند.

۱۲ ـ از ابی حمزه که شنیدم امام صادق (ع) می‌فرمود:

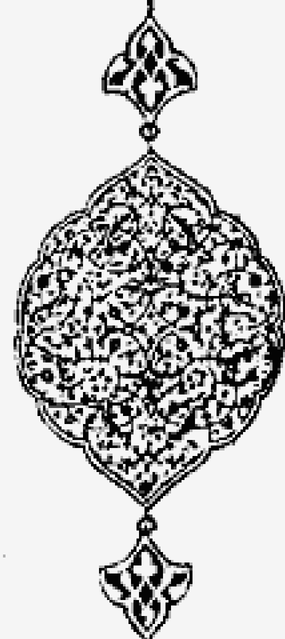
مؤمن کسی است که همسایه‌اش از بوائق او آسوده باشد، گوید: گفتم: بوائق چیست؟ فرمود: ستم او و دغلی او.

۱۳ ـ از امام باقر(ع)، فرمود:

مردی نزد پیغمبر(ص) آمد و به او از آزار دادن همسایه‌اش شکایت کرد، رسول خدا(ص) به او فرمود: صبر کن، سپس باز آمد و شکایت کرد و فرمود: صبر کن، بار سوم باز آمد و شکایت کرد، پیغمبر(ص) به آن مرد شاکی فرمود: روز جمعه بامدادانی که مردم برای نماز جمعه می‌روند، اثاث خانهٔ خود را بر سر راه آور تا هر کس به نماز جمعه می‌رود، آن را بنگرد و چون از تو پرسند، به آنها وضع خود را گزارش بده، فرمود: چنین کرد و همسایهٔ آزار دهنده‌اش آمد و به او گفت: اثاث خود را برگردان، من با خدا برای تو عهد می‌کنم که به آزار تو باز نگردم.

۱۴ ـ امام صادق (ع) فرمود: رسول خدا(ص) فرموده است:

به من ایمان ندارد کسی که سیر بخوابد و همسایه‌اش گرسنه باشد.





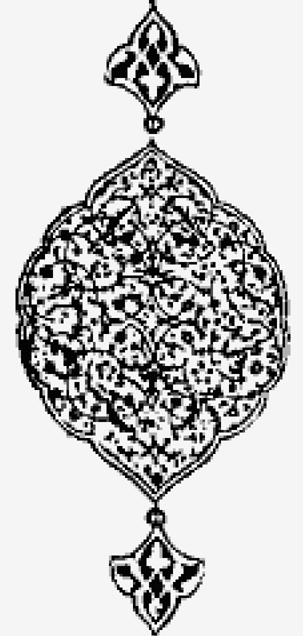
وَسَلَّم: ما آمَنَ بي مَنْ باتَ شَبْعانَ وَجارُهُ جائِعٌ، قالَ: وَما مِنْ أَهْلِ قَرْيَةٍ يَبيتُ [وَ] فيهِمْ جائِعٌ يَنْظُرُ إِلَيْهِمِ يَوْمَ الْقِيامَةِ.

١٥ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ ابْنِ فَضّالٍ، عَنْ أَبي فَضّالٍ، عَنْ أَبي جَميلَةَ، عَنْ سَعْدِ بْنِ طَريفٍ، عَنْ أَبي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: مِنَ الْقَواصِمِ الْفَواقِرِ الَّتي تَقْصِمُ الظَّهْرَ جارُ السَّوْءِ، إِنْ رَأىٰ حَسَنَةً أَخْفاها وَإِنْ رَأىٰ سَيِّئَةً أَفْشاها.

١٦ ـ عَنْهُ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَيْلِ، عَنْ إِسْحاقَ بْنِ عَمّارٍ، عَنْ أَبي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: قالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّم: أَعُوذُ بِاللّٰهِ مِنْ جارِ السَّوْءِ في دارِ إِقامَةٍ، تَراكَ عَيْناهُ وَيَرْعاكَ قَلْبُهُ إِنْ رَآكَ بِخَيْرٍ ساءَهُ وَإِنْ رَآكَ بِشَرٍّ سَرَّهُ.

بابُ حَدِّ الْجِوارِ

١ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهيمَ، عَنْ أَبيهِ، عَنِ ابْنِ أَبي عُمَيْرٍ، عَنْ مُعاوِيَةَ بْنِ عَمّارٍ، عَنْ عَمْرِو بْنِ عِكْرِمَةَ، عَنْ أَبي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام قالَ قالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّم: كُلُّ أَرْبَعينَ داراً جيرانٌ؛ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ وَعَنْ يَمينِهِ وَعَنْ شِمالِهِ.



٢ ـ وَعَنْهُ، عَنْ أَبيهِ، عَنِ ابْنِ أَبي عُمَيْرٍ، عَنْ جَميلِ بْنِ دَرّاجٍ،



فرمود: اهل یک آبادانی نباشند که شب گزارنند و میان آنها گرسنه‌ای باشد و خدا روز قیامت بدانها نظر رحمت کند.

۱۵ ـ امام صادق (ع) فرمود:

از بلاهای شکننده که کمر را می‌شکند، همسایهٔ بد است، اگر خوبی و کار حسنه را بیند، نهان سازد و اگر بد کرداری بیند، فاش کند.

۱۶ ـ رسول خدا(ص) گفت: به خدا پناه برم از همسایهٔ بد در اقامت‌گاه زندگی، چشمش تو را بیند، و دلش به تو توجه دارد، اگر تو را خوش بیند بد دارد، و اگر تو را در بدی بیند شادی کند.

باب حدّ جِوار و همسایگی

۱ ـ از امام صادق (ع)، رسول خدا(ص) فرمود:

هر چهل خانه، همسایه باشند از برابر او و دنبال سرش و از سمت راستش و از سمت چپش (یعنی از هر طرف تا چهل خانه).

۲ ـ از امام باقر (ع) فرمود:



عَنْ أبي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: حَدُّ الْجِوارِ أَرْبَعُونَ داراً مِنْ كُلِّ جانِبٍ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ وَعَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ شِمالِهِ.

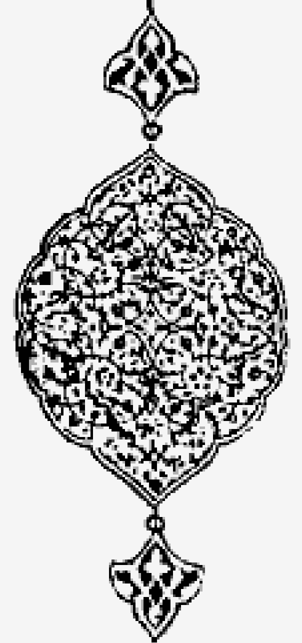
بابُ حُسْنِ الصَّحابَةِ وَحَقِّ الصّاحِبِ فِي السَّفَرِ

١ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنانٍ، عَنْ عَمّارِ بْنِ مَرْوانَ قالَ: أَوْصانِي أَبُو عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام فَقالَ: أُوصِيكَ بِتَقْوَى اللّٰهِ وَأَداءِ الْأَمانَةِ وَصِدْقِ الْحَدِيثِ وَحُسْنِ الصَّحابَةِ لِمَنْ صَحِبْتَ وَلا قُوَّةَ إِلّا بِاللّٰهِ.

٢ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ حَمّادٍ، عَنْ حَرِيزٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: مَنْ خالَطْتَ فَإِنِ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَكُونَ يَدُكَ الْعُلْيا عَلَيْهِ فَافْعَلْ.

٣ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ النَّوْفَلِيِّ، عَنِ السَّكُونِيِّ، عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: قالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّم: ما اصْطَحَبَ اثْنانِ إِلّا كانَ أَعْظَمُهُما أَجْراً وَأَحَبُّهُما إِلَى اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ أَرْفَقَهُما بِصاحِبِهِ.

٤ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ، عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيد، عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: قالَ



هر چهل خانه، همسایه باشند، از برابر او و دنبال سرش و از سمت راستش و از سمت چپش.

باب خوش‌رفتاری وحقّ رفیق در سفر

۱ ـ از عمّار بن مروان گوید: امام صادق (ع) به‌من سفارش کرد وفرمود:

تو را سفارش کنم به‌پرهیزکاریِ خدا وپرداخت سپرده وراستی در گفتار وخوش‌رفتاری بارفیق ولاقوّة الاّ باللّه.

۲ ـ از امام باقر (ع) فرمود:

با هرکه آمیزش کردی، اگر توانی دست بر او فراز داری وبه‌او نیکی کنی بکن.

۳ ـ از امام صادق (ع) که: رسول خدا (ص) فرمود:

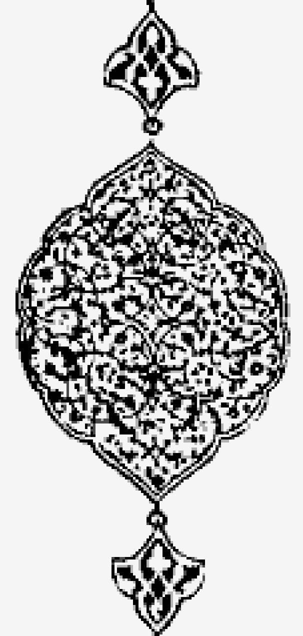
دو کس با هم همراه ورفیق نشوند جز اینکه مزد بزرگتر ودوستی بیشتر به‌درگاه خدا از آنِ آن کس است که به‌یارِ خود رفق وسازش بیشتری دارد.

۴ ـ از امام صادق (ع) که: رسول خدا (ص) فرمود: حقّ مسافر است که چون بیمار شود تا سه روز همسفرانش با او بمانند



رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّم حَقُّ الْمُسافِرِ أَنْ يُقِيمَ عَلَيْهِ أَصْحابُهُ إِذا مَرِضَ ثَلاثاً.

٥ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ، عَنْ هارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ، عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ صَدَقَةَ، عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ، عَنْ آبائِهِ عَلَيهِمِ السَّلام أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلام صاحَبَ رَجُلاً ذِمِّيّاً فَقالَ لَهُ الذِّمِّيُّ: أَيْنَ تُرِيدُ يا عَبْدَاللّٰهِ؟ فَقالَ: أُرِيدُ الْكُوفَةَ، فَلَمّا عَدَلَ الطَّرِيقُ بِالذِّمِّي عَدَلَ مَعَهُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلام فَقالَ لَهُ الذِّمِّيُّ: أَلَسْتَ زَعَمْتَ أَنَّكَ تُرِيدُ الْكُوفَةَ؟ فَقالَ لَهُ: بَلىٰ، فَقالَ لَهُ الذِّمِّيُّ: فَقَدْ تَرَكْتَ الطَّرِيقَ، فَقالَ لَهُ: قَدْ عَلِمْتُ قالَ فَلِمَ عَدَلْتَ مَعِي وَقَدْ عَلِمْتَ ذٰلِكَ؟ فَقالَ لَهُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلام: هٰذا مِنْ تَمامِ حُسْنِ الصُّحْبَةِ أَنْ يُشَيِّعَ الرَّجُلُ صاحِبَهُ هُنَيْئَةً إِذا فارَقَهُ وَكَذٰلِكَ أَمَرَنا نَبِيُّنا صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّم فَقالَ لَهُ الذِّمِّيُّ: هٰكَذا؟ قالَ: نَعَمْ، قالَ الذِّمِّيُّ: لا جَرَمَ إِنَّما تَبِعَهُ مَنْ تَبِعَهُ لِأَفْعالِهِ الْكَرِيمَةِ فَأَنَا أُشْهِدُكَ أَنِّي عَلىٰ دِينِكَ وَرَجَعَ الذِّمِّيُّ مَعَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلام فَلَمّا عَرَفَهُ أَسْلَمَ.



وبپایند (به‌انتظار اینکه بهبودی یابد وبا آنها بیاید).

۵ ـ از امام صادق (ع) از پدرانش که: امیرالمؤمنین (ع) با یک ذمّی (کتابیِّ پناهنده به‌اسلام) هم سفر شد وآن ذمّی به‌وی گفت: ای بندهٔ خدا به‌کجا می‌روی؟ در پاسخِ او گفت: به‌کوفه می‌روم. وچون ذمّی به‌راه دیگری عدول کرد، امیرالمؤمنین هم بدان راه میل کرد وآن ذمّی به‌او گفت: مگر نپنداشتی که به‌کوفه خواهی رفت؟ فرمود: چرا، آن ذمّی گفت: راه کوفه را رها کردی؟ فرمود: می‌دانم، گفت: پس چرا با من بداین راه عدول کردی وآن را می‌دانی؟ امیرالمؤمنین در پاسخش گفت: این از کمال خوش رفاقتی است که مردی رفیقِ راهِ خود را هنگام جدائی چند گامی بدرقه کند، پیغمبر ما (ص) به‌ماها چنین دستور داده است، ذمّی به‌او گفت: مطلب این اَست؟ فرمود: آری، آن ذمّی گفت: البته هرکه پیروی آن حضرت کرده به‌خاطر اعمال بزرگواری او بوده است، من تو را گواه می‌گیرم که بر کیش تو ام وآن ذمّی با امیرالمؤمنین (ع) برگشت وچون او را شناخت اسلام آورد.



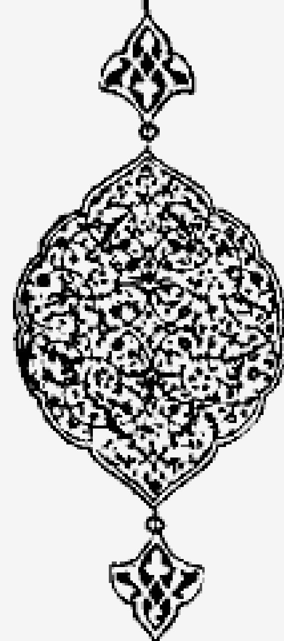
بابُ التَّكاتُبِ

١ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، وَسَهْلِ بْنِ زِيادٍ، جَمِيعاً، عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ، عَمَّنْ ذَكَرَهُ، عَنْ أَبي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: التَّواصُلُ بَيْنَ الْإِخْوانِ فِي الْحَضَرِ التَّزاوُرُ وَفِي السَّفَرِ التَّكاتُبُ.

٢ ـ ابْنِ مَحْبُوبٍ، عَنْ عَبْدِاللّٰهِ بْنِ سِنانٍ، عَنْ أَبي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: رَدُّ جَوابِ الْكِتابِ واجِبٌ كَوُجُوبِ رَدِّ السَّلامِ وَالْبادِي بِالسَّلامِ أَوْلىٰ بِاللّٰهِ وَرَسُولِهِ.

بابُ النَّوادِرِ

١ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنِ الْوَشّاءِ، عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرّاجٍ، عَنْ أَبي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: كانَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّم يَقْسِمُ لَحَظاتِهِ بَيْنَ أَصْحابِهِ فَيَنْظُرُ إِلىٰ ذا وَيَنْظُرُ إِلىٰ ذا بِالسَّوِيَّةِ، قالَ: وَلَمْ يَبْسُطْ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّم رِجْلَيْهِ بَيْنَ



باب نامه نگاری

۱ ـ از امام صادق (ع) فرمود: پیوست میان برادران دینی در وطن دیدار از همدیگر است ودر هنگامِ سفر نامه‌نگاری باهم.

۲ ـ امام صادق (ع) فرمود: جواب دادن به‌نامه واجب است مانندِ جوابِ سلام، وآنکه آغاز سلام کند به‌خدا ورسولش نزدیکتر است.

باب نوادر

۱ ـ از امام صادق (ع) فرمود: پیغمبر نگاهِ خود را میان اصحابش تقسیم می‌کرد وبه‌این وآن برابر نگاه می‌کرد.

فرمود: رسول خدا(ص) هرگز میان اصحابش پای خود را دراز نکرد واگر مردی به‌آن حضرت دست می‌داد، رسول‌خدا(ص)

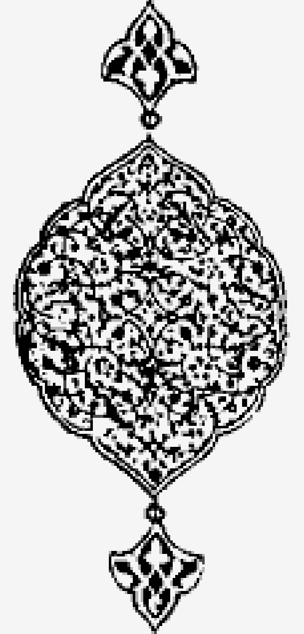


أَصْحابِهِ قَطُّ وَإِنْ كانَ لَيُصافِحُهُ الرَّجُلُ فَما يَتْرُكُ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يَدَهُ مِنْ يَدِهِ حَتّىٰ يَكُونَ هُوَ التّارِكَ فَلَمّا فَطَنُوا لِذٰلِكَ الرَّجُلُ إِذا صافَحَهُ قالَ بِيَدِهِ فَنَزَعَها مِنْ يَدِهِ.

٢ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ مُعَمَّرِ بْنِ خَلّادٍ، عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: إِذا كانَ الرَّجُلُ حاضِراً فَكَنِّهِ وَإِذا كانَ غائِباً فَسَمِّهِ.

٣ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ النَّوْفَلِيِّ، عَنِ السَّكُونِيِّ، عَنْ أَبي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام قالَ: قالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: إِذا أَحَبَّ أَحَدُكُمْ أَخاهُ الْمُسْلِمَ فَلْيَسْأَلْهُ عَنِ اسْمِهِ وَاسْمِ أَبِيهِ وَاسْمِ قَبِيلَتِهِ وَعَشِيرَتِهِ فَإِنَّ مِنْ حَقِّهِ الْواجِبِ وَصِدْقِ الْإِخاءِ أَنْ يَسْأَلَهُ عَنْ ذٰلِكَ وَإِلّا فَإِنَّها مَعْرِفَةُ حُمْقٍ.

٤ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خالِدٍ، عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ، عَنْ عَبْدِالْمَلِكِ بْنِ قُدامَةَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِما السَّلام قالَ: قالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يَوْماً لِجُلَسائِهِ: تَدْرُونَ مَا الْعَجْزُ؟ قالُوا: اللّٰهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ، فَقالَ: الْعَجْزُ ثَلاثَةٌ: أَنْ يَبْدُرَ أَحَدُكُمْ بِطَعامٍ يَصْنَعُهُ لِصاحِبِهِ فَيُخْلِفُهُ وَلا يَأْتِيهِ، وَالثّانِيَةُ أَنْ يَصْحَبَ الرَّجُلُ مِنْكُمُ الرَّجُلَ أَوْ يُجالِسَهُ يُحِبُّ أَنْ يَعْلَمَ مَنْ هُوَ وَمِنْ أَيْنَ هُوَ، فَيُفارِقُهُ قَبْلَ أَنْ يَعْلَمَ ذٰلِكَ، وَالثّالِثَةُ أَمْرُ النِّساءِ يَدْنُو أَحَدُكُمْ مِنْ أَهْلِهِ فَيَقْضِي حاجَتَهُ وَهِيَ لَمْ تَقْضِ حاجَتَها



دست از دستش نمی‌کشید تا او باشد که رها کند وچون مردم این شیوه را دانستند هرکه با آن حضرت دست می‌داد زود دست خود را می‌کشید.

۲ ـ از ابی الحسن (ع) فرمود:

هرگاه مرد حاضر باشد او را به‌کنیه‌اش بخوان واگر غائب است به‌نامش. [۱۳۰]

۳ ـ رسول خدا (ص) فرمود:

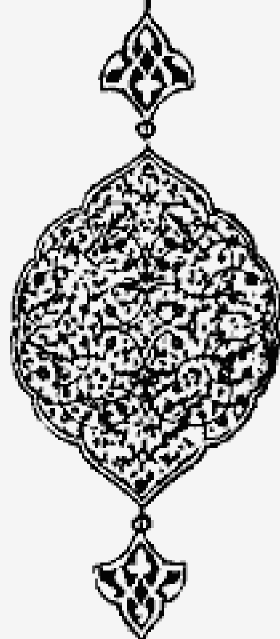
هرگاه یکی از شما برادرِ مسلمانش را دوست دارد باید او را از نامش ونام پدرش ونام تیره وتبارش بپرسد زیرا حقّ واجب ووظیفهٔ برادری این است که او را از اینها بپرسد تا خوب او را بشناسد وگرنه شناسائی احمقانه است.

۴ ـ از علی بن الحسین (ع) که: رسول خدا (ص) یک روز به‌همنشین‌های خود فرمود: می‌دانید عجز کدام است؟ گفتند: خدا ورسولش داناترند، فرمود: عجز ودرماندگی سه چیز است:

الف ـ یکی از شماها بشتابد وخوراکی برای رفیق خود آماده سازد واو نیاید از آن بخورد وخلف وعده کند.

ب ـ اینکه مردی از شماها با دیگری رفیق وهمصحبت شود یا همنشین گردد ودوست دارد که بداند او کیست واز کجا است وپیش از آنکه این را بداند از او جدا شود.

ج ـ دربارهٔ کار زنها است، یکی از شماها به‌زن خود درآید وحاجتش برآید (یعنی انزال کند واز عمل فارغ گردد) با اینکه آن





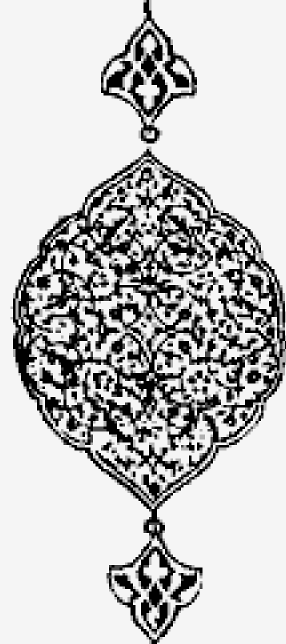
فَقالَ عَبْدِاللّٰهِ بْنُ عَمْرِو بْنِ الْعاصِ: فَكَيْفَ ذٰلِكَ يٰا رَسُولَ اللّٰهِ؟ قالَ: يَتَحَوَّشُ وَيَمْكُثُ حَتّىٰ يَأْتِيَ ذٰلِكَ مِنْهُما جَميعاً.

قالَ: وَفي حَديثٍ آخَرَ: قال رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّم: إِنَّ مِنْ أَعْجَزِ الْعَجْزِ رَجُلاً لَقِيَ رَجُلاً فَأَعْجَبَهُ نَحْوُهُ فَلَمْ يَسْأَلْهُ عَنِ اسْمِهِ وَنَسَبِهِ وَمَوْضِعِهِ.

٥ ـ وَعَنْهُ، عَنْ عُثْمانَ بْنِ عِيسىٰ، عَنْ سَماعَةَ قالَ: سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ مُوسىٰ عَلَيْهِ السَّلام يَقُولُ: لا تُذْهِبِ الْحِشْمَةَ بَيْنَكَ وَبَيْنَ أَخِيكَ ابْقِ مِنْها فَإِنَّ ذَهابَها ذَهابُ الْحَياءِ.

٦ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِسْماعِيلَ، عَنْ عَبْدِاللّٰهِ بْنِ واصِلٍ، عَنْ عَبْدِاللّٰهِ ابْنِ سِنانٍ قالَ: قالَ أَبُو عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام: لا تَثِقْ بِأَخِيكَ كُلَّ الثِّقَةِ فَإِنَّ صِرْعَةَ الْإِسْتِرْسالِ لَنْ تُسْتَقالَ..

٧ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ عُمَرَ بْنِ عَبْدِالْعَزِيزِ، عَنْ مُعَلَّىٰ بْنِ خُنَيْسٍ وَعُثْمانَ بْنِ سُلَيْمانَ النَّخّاسِ، عَنْ مُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ، وَيُونُسَ بْنِ ظَبْيانَ قالا: قالَ أَبُو عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلام: اخْتَبِرُوا إِخْوانَكُمْ بِخَصْلَتَيْنِ فَإِنْ كانَتا فِيهِمْ وَإِلّا فَاعْزِبْ ثُمَّ اعْزِبْ ثُمَّ اعْزِبْ، مُحافَظَةٍ عَلَى الصَّلَواتِ فِي مَواقِيتِها وَالْبِرِّ بِالْإِخْوانِ فِي الْعُسْرِ وَالْيُسْرِ.



زن هنوز کامیاب نشده و آتش شهوتش فرو ننشسته است ؛ عبدالله بن عمرو بن عاص عرض کرد: این مطلب چگونه است؟ فرمود: خودداری کند وبپاید تا آب از هر دو آید.

فرمود: در حدیث دیگر است که رسول‌خدا(ص) فرموده است: از بدترین درماندگی است که مردی با مردی برخورد کند واز او خوشش آید واو را بپسندد واز نام ونسب او نپرسد.

۵ ـ از سماعه گوید: از امام کاظم (ع) شنیدم می‌فرمود:

یک باره پردهٔ احترام را از میان خود وبرادرانت بر مدار واز آن بر جا گذار زیرا رفتنِ آن مایهٔ بی‌شرمی است.

۶ ـ از امام صادق (ع) فرمود: یک باره به‌برادرت اعتماد مکن واحتیاط را از دست مده زیرا به‌زمین خوردن از راه بی‌بند وباری وخود رها کردن جبران‌پذیر نیست.

۷ ـ از مفضل بن عمر ویونس بن ظبیان گفتند: امام صادق (ع) فرمود:

برادران خود را با دو خصلت بیازمائید، اگر در آنها باشند که بسیار خوب است واگر نه دور شوید، دور شوید، دور شوید: مواظبت به‌نمازها در وقتشان واحسان به‌برادران در تنگدستی وتوانگری.

بابٌ

١ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ عُمَرَ بْنِ عَبْدِالْعَزِيزِ، عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرّاجٍ، قال: قالَ أَبُو عَبْدِاللّٰهِ عليه السلام: لا تَدَعْ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ وَإِنْ كانَ بَعْدَهُ شِعْرٌ.

٢ ـ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحابِنا، أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خالِدٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ، عَنْ يُوسُفَ بْنِ عَبْدِ السَّلامِ، عَنْ سَيْفِ بْنِ هارُونَ مَوْلىٰ آلِ جَعْدَةَ قالَ: قالَ أَبُو عَبْدِاللّٰهِ عليه السلام: اكْتُبْ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ مِنْ أَجْوَدِ كِتابِكَ و تَمُدَّ الْباءَ حَتّىٰ تَرْفَعَ السِّينَ.

٣ ـ عَنْهُ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ السَّرِيِّ، عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عليه السلام قالَ: قالَ: لا تَكْتُبْ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ لِفُلانٍ وَلا بَأْسَ أَنْ تَكْتُبَ عَلىٰ ظَهْرِ الْكِتابِ لِفُلانٍ.

٤ ـ عَنْهُ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، عَنِ النَّضْرِ بْنِ شُعَيْبٍ، عَنْ أَبانِ بْنِ عُثْمانَ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ السَّرِيِّ، عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عليه السلام قالَ: لا تَكْتُبْ داخِلَ الْكِتابِ: «لِأَبِي فُلانٍ» وَاكْتُبْ «إِلىٰ أَبِي فُلانٍ» وَاكْتُبْ عَلَى الْعُنْوانِ «لِأَبِي فُلانٍ».



باب



۱ ـ امام صادق (ع) فرمود:

بسم اللّه الرحمن الرحیم را در آغاز سخن وامگذار گرچه دنبالش شعری باشد.

۲ ـ امام صادق (ع) فرمود:

بسم اللّه الرحمن الرحیم را با بهترین خطّ خود بنویس و باءِ آن را مکش تا سینِ آن را برآوری. [۱۳۱]

۳ ـ امام صادق (ع) فرمود:

ننویس بسم اللّه الرحمن الرحیم لفلان، وباکی نیست که در پشت نامه لفلان را بنویسی.

٤ ـ امام صادق (ع) فرمود:

در درون نامه ننویس، (لأبي فلان) بنویس (الیٰ ابي فلان) ودر آدرس بنویس (لأبی فلان).



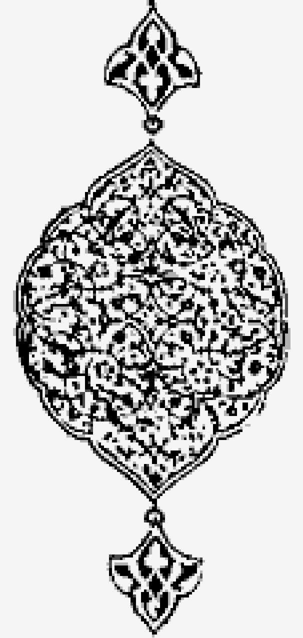
٥ ـ عَنْهُ، عَنْ عُثْمانَ بْنِ عِيسىٰ، عَنْ سَماعَةَ، قالَ: سَأَلْتُ أَبا عَبْدِاللّٰهِ عليه السلام عَنِ الرَّجُلِ يَبْدَأُ بِالرَّجُلِ فِي الْكِتابِ، قالَ: لا بَأْسَ بِهِ، ذٰلِكَ مِنَ الْفَضْلِ، يَبْدَأُ الرَّجُلُ بِأَخِيهِ يُكْرِمُهُ.

٦ ـ عَنْهُ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ، عَنْ أَبانِ بْنِ الْأَحْمَرِ، عَنْ حَدِيدِ بْنِ حَكِيمٍ، عَنْ أَبي عَبْدِاللّٰهِ عليه السلام قالَ: لا بَأْسَ بِأَنْ يَبْدَأَ الرَّجُلُ بِاسْمِ صاحِبِهِ فِي الصَّحِيفَةِ قَبْلَ اسْمِهِ.

٧ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ ابْنِ أَبي عُمَيْرٍ، عَنْ مُرازِمِ بْنِ حَكِيمٍ قالَ: أَمَرَ أَبُو عَبْدِاللّٰهِ عليه السلام بِكِتابٍ فِي حاجَةٍ فَكُتِبَ ثُمَّ عُرِضَ عَلَيْهِ وَلَمْ يَكُنْ فِيهِ اسْتِثْناءٌ فَقالَ: كَيْفَ رَجَوْتُمْ أَنْ يَتِمَّ هٰذا وَلَيْسَ فِيهِ اسْتِثْناءٌ؟ انْظُرُوا كُلَّ مَوْضِعٍ لا يَكُونُ فِيهِ اسْتِثْناءٌ فَاسْتَثْنُوا فِيهِ.

٨ ـ عَنْهُ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبي نَصْرٍ، عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضا عليه السلام أَنَّهُ كانَ يُتَرِّبُ الْكِتابَ وَقالَ: لا بَأْسَ بِهِ.

٩ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ ابْنِ أَبي عُمَيْرٍ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ عَطِيَّةَ أَنَّهُ رَأىٰ كُتُباً لِأَبِي الْحَسَنِ عليه السلام مُتَرَّبَةً.





۵ ـ از سماعه گوید: از امام صادق (ع) پرسیدم: مردی با دیگری آغازِ نامه‌نگاری کند؟ فرمود: باکی ندارد این خود فضل واحسانی است که مردی برادرِ خود را با نوشتن نامه‌ای گرامی دارد.

۶ ـ امام صادق (ع) فرمود:

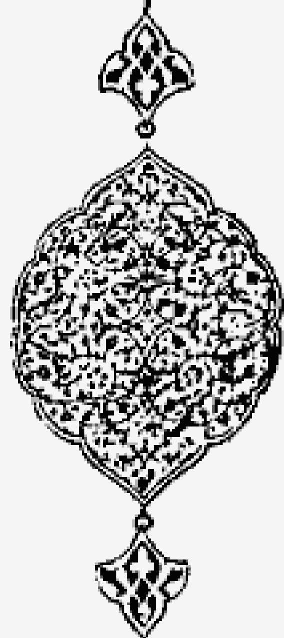
باکی ندارد که کسی نامِ طرف خود را در نامه‌اش پیش از نامِ خودش بنویسد.

۷ ـ از مرازم بن حکیم گوید: امام صادق (ع) فرمود:

نامه‌ای برای انجام حاجتی بنویسند، ونوشتند وبه‌آن حضرت وانمودند ودر آن کلمهٔ انشاءاللّٰه نبود، فرمود: چه امیدی دارید که این کار انجام شود با اینکه انشاءاللّٰه ندارد؟ بنگرید هرجا انشاء اللّٰه می‌خواهد در آن بنویسید.

۸ ـ از امام رضا(ع) که نامه را خاکی می‌کرد، می‌فرمود: عیب ندارد (این برای خوشکانیدن مرکّب آن بوده است).

۹ ـ از علی بن عطیّه که او نامه‌هائی از ابوالحسن(ع) دیده بود که خاک بر آن افشانده بود.



بابُ النَّهْيِ عَنْ إحْراقِ الْقَراطِيسِ الْمَكْتُوبَةِ

١ ـ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيىٰ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ، عَنْ عَبْدِالْمَلِكِ بْنِ عُتْبَةَ، عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلامِ قالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْقَراطِيسِ تُجْتَمَعُ هَلْ تُحْرَقُ بِالنّارِ وَفِيها شَيْءٌ مِنْ ذِكْرِ اللّٰهِ؟ قالَ: لا، تُغْسَلُ بِالْماءِ أَوَّلاً قَبْلُ.

٢ ـ عَنْهُ، عَنِ الْوَشّاءِ، عَنْ عَبْدِاللّٰهِ بْنِ سِنانٍ، قالَ: سَمِعْتُ أَبا عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلامِ يَقُولُ: لا تُحَرِّقُوا الْقَراطِيسَ وَلٰكِنِ امْحُوها وَحَرِّقُوها.

٣ ـ عَلِيُّ بْنُ إِبْراهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ ابْنِ أَبي عُمَيْرٍ، عَنْ حَمّادِ بْنِ عُثْمانَ، عَنْ زُرارَةَ قالَ: سُئِلَ أَبُو عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلامِ عَنِ الْإِسْمِ مِنْ أَسْماءِ اللّٰهِ يَمْحُوهُ الرَّجُلُ بِالتُّفْلِ قالَ: امْحُوهُ بِأَطْهَرِ ما تَجِدُونَ.

٤ ـ عَلِيٌّ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ النَّوْفَلِيِّ، عَنِ السَّكُونِيِّ، عَنْ أَبِي عَبْدِاللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلامِ قالَ: قالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: امْحُوا كِتابَ اللّٰهِ [تَعالىٰ] وَذِكْرَهُ بِأَطْهَرِ ما تَجِدُونَ. وَنَهىٰ أَنْ يُحَرَّقَ كِتابُ اللّٰهِ وَنَهىٰ أَنْ يُمْحىٰ بِالْأَقْلامِ.

٥ ـ عَلِيٌّ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ ابْنِ أَبي عُمَيْرٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْحاقَ



باب نهی از سوزاندن کاغذهای نوشته شده

۱ ـ از عبدالملک بن عتبه گوید: از ابی الحسن (ع) پرسیدم از کاغذهائی که انباشته می‌شود: آیا سوخته شوند بااینکه چیزی از ذکر خدا در آنها است؟

فرمود: نه، آنها را اول با آب بشویند (وسپس بسوزانند).

۲ ـ از عبد اللّه بن سنان گوید: شنیدم امام صادق (ع) می‌فرمود:

کاغذهای نوشته را نسوزانید ولی نوشته را محو کنید وسپس بسوزانید.

۳ ـ از زراره گوید: از امام صادق (ع) پرسیده شد از یکی نام‌های خدا که مردی آن را با آبِ دهانِ خود محو می‌کند؟

فرمود: آن را با پاکترین چیزی که یابید پاک کنید.

٤ ـ از امام صادق (ع) فرمود: رسول خدا(ص) فرمود:

نوشتهٔ کلمهٔ قرآن را با پاکترین وسیله که یابید پاک کنید، وغدقن کرد از سوزانیدن نوشتهٔ قرآن وغدقن کرد از محو کردن آن با قلم (یعنی سیاه کردنِ آن).

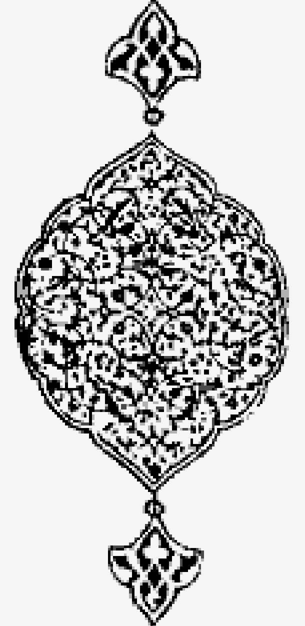
۵ ـ از امام کاظم (ع) که دربارهٔ آنچه از نامِ خدا بر پشت



بْنِ عَمَّارٍ، عَنْ أَبِي الْحَسَنِ مُوسىٰ عَلَيْهِ السَّلام فِي الظُّهُورِ الَّتِي فِيها ذِكْرُ اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ قالَ: اغْسِلْها.

تَمَّ كِتابُ الْعِشْرَةِ وَلِلّٰهِ الْحَمْدُ وَالْمِنَّةُ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطّاهِرِينَ.







چیزی نوشته باشد.

فرمود: آن را با آب بشوی.

این پایان کتاب عشرت است، وبا آن کتابِ اصول کافی به‌پایان رسید

۲۱ ذی‌قعدة الحرام سال ۱۳۸۱ هجری قمری برابر ششم اردیبهشت

۱۳٤۱ خورشیدی.

پایان شرح وترجمه بقلم محمد باقر کمره‌ای ـ شهر ری

« و آخرُ دعویٰهم اَن الحمدُ للّهِ ربِّ العالمینَ»

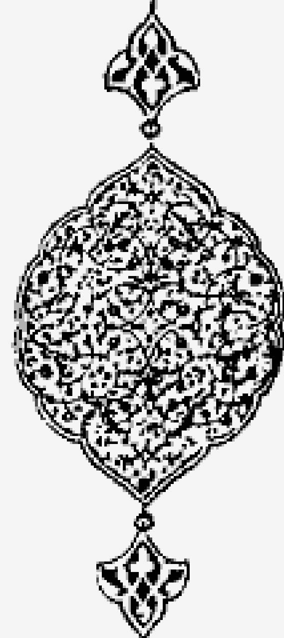


بسمه تعالی

سپاس خدا را که به‌تصحیح ومقابلهٔ این سفر عظیم (کتاب اصول کافی) موفّق شدیم ومتن آن را با چند نسخهٔ خطّی که تحت نظر اعاظم علماء واکابر محدّثین چون علاّمهٔ مجلسی وشیخ حرّ عاملی ـ رحمهم‌اللّه ـ مقابله وتصحیح شده برابر کنیم ومنتهای دقّت وکوشش را در تصحیح مطبعی آن به‌اضافهٔ ترجمه وشرح کتاب که به‌قلمِ دانشمندِ معظّم آقای حاج شیخ محمد باقر کمره‌ای مرقوم شده استَ بکار بریم. امید است به‌فضلِ خدا مورد استفادهٔ عموم فضلا ودانشمندان واقع شود.

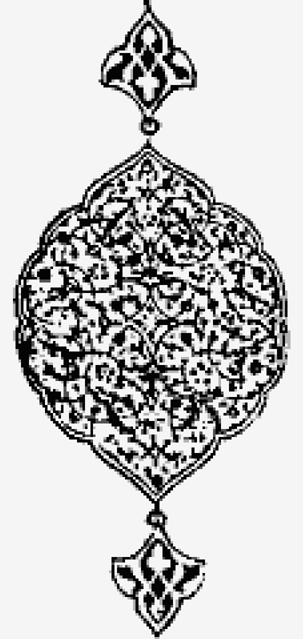
ذیحجة الحرام ۱۳۸۰ هجری قمری برابر ادریبهشت ۱۳٤۱ شمسی.

محمد باقر بهبودی ـ علی اکبر غفاری

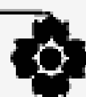



اصول کافی



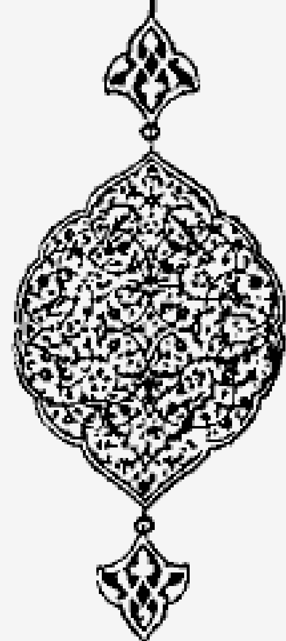






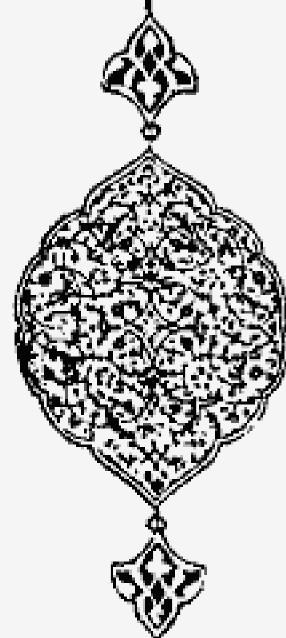


شرح‌ها

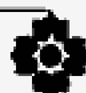



اصول کافی









[شرحهای کتاب دعاء]

[۱] از مجلسی(ره) ـ در مصباح گوید: دعای خدا در یوزه بخواندن خدا است ورغبت بدان خیری که نزد او است ودعای انسان آواز کردن او وطلب توجه او است، انتهی. وبسا که دعا به‌ذکر خدا اطلاق شود نیز چنانچه از پیغمبر(ص) روایت شده است: بهترین دعا الحمد لله است.

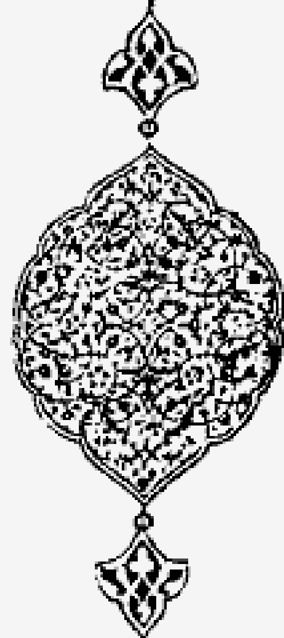
طیبی گفته: زیرا ذکر، درخواست لطیفی است که با روش دقیقی انجام شده واز این باب است قول امیه:

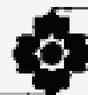
چـه روزی ستـایش کـنـد مـر تـو را کـس

ز درخـواسـت بـاشـد ثـنـایـت و را بـس

ممکن است از آن جمله اهدنا الصراط مقصود باشد.

در نهایه گوید: در حدیث عرفه است که(پیغمبر فرمود): بیشتر دعای من وپیمبرانِ پیش از من در عرفات لا اله الاُ اللّٰه وحده لاشریک له، له الملك وله الحمد وهو علیٰ کل شیٌ قدیر است ؛ همان تهلیل وتمجید وتحمید را دعا



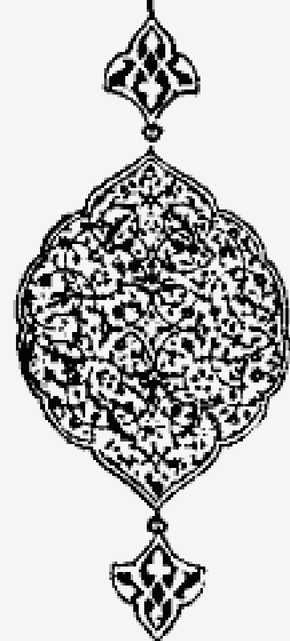


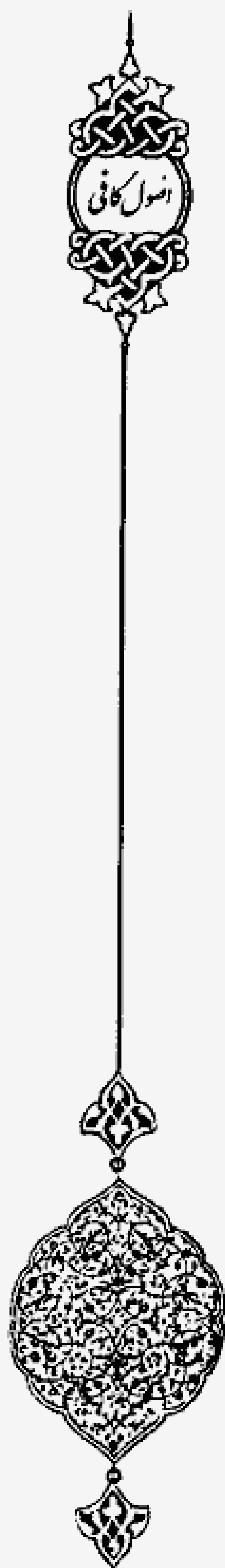


گفته است زیرا چون دعا باشد در استیجاب ثواب خدا وپاداش او چون حدیث دیگر که فرماید: چون ستایش من بنده را از درخواست من باز دارد بدو بهتر از آنچه به‌درخواست کننده‌ها بدهم عطا کنم، پایان نقل از مجلسی(ره).

من گویم: حقیقت دعا همان درخواست وتوجه خدا است به‌عنوان یک آفریننده بر بنده ومخلوقِ خود وصیغهٔ اصلی آن در عربی: یا الله، واللّهم، است ودر فارسی: ای خدا، خدایا، واجابت آن همان توجه حق است به‌بندهٔ خود که چون به‌تعبیر عادی درآید، در عرب: لبیك، گفته شود ودر فارسی معمولی به کلمهٔ کوتاه(ها) تعبیر شود وموضوع درخواست چیزی از خدا در حقیقت معنی دعا وارد نیست وبه‌عبارت ساده: دعا، در اصل به‌معنی گدائی از خدا نیست بلکه به‌معنی خداخواهی وخداجوئی است وبه‌همین معنی با آیهٔ مورد بحث در حدیث تطبیق می‌شود وبا احادیث نبویه مذکوره منطبق می‌گردد بی آنکه نیاز به‌تکلف وتوجیه داشته باشد وبه‌همین معنا مغز وحقیقت عبادت وپرستش است چنانچه در اخبار این باب بیاید، ومقصود از قول خدا(۲۰۰ سوره بقره): «چون مناسک خود را به‌پایان آوردید خدا را یاد کنید چنانچه پدرانِ خود را یاد می‌کنید یا یاد عمیق‌تری» یاد پدر همان توجهِ زبونانه وتوأم با احترام است که در نهاد کودک نسبت به‌پدر نهفته است وچون کودک خردسال وساده‌ای گوید: بابا، بابا، آقاجان، همین حقیقت دعا ونیایش در آن نهفته است.

از مجلسی(ره) ـ خدا در سورهٔ مؤمن فرماید: «مرا بخوانید تا برای شما اجابت کنم» طبرسی گفته: یعنی هرگاه مصلحت باشد که اجابت شما کنم وهرکه از خدا چیزی خواستار شود واو را بخواند بناچار باید شرط مصلحت کند یا در زبان یا در دل وگرنه بسا باشد درخواست مفسده کند وآن زشت است، واز ابن‌عباس نقل شده که: معنی آیه این است که:«مرا





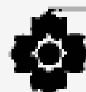
یگانه دانید وبپرستید تا به‌شما ثواب دهم» وبر آن دلالت دارد قول پیغمبر(ص) که فرمود: دعا همان پرستش خدا است، وچون از عبادت به‌لفظ دعا تعبیر کرده از ثواب دادن به‌لفظ اجابت تعبیر کرده تا همجنس باشند. بیضاوی گفته: «ادعوني» یعني بپرستید مرا، و «استجب لکم» یعنی تا من به‌شما ثواب دهم برای آنکه دنبالش فرمود: «راستی کسانی که از دعای من سربزرگی کنند زبون به‌دوزخ درآیند» واگر دعاء در اینجا به‌درخواست حاجت تفسیر شود، استکباری که جلوگیر آن است از راه مبالغه باشد ومقصود از عبادت، دعاء است زیرا که آن یکی از روش‌های عبادت است، انتهی.

این خبر دلالت دارد که مقصود از آن معنی دوم است، ودعاء را عبادت خوانده برای اعلام افضلیتِ آن واشاره دارد به‌اینکه سزاوار است انسان در هر حال دعا کند گرچه حاجت لازمی هم نداشته باشد وغرضش از دعاء همان تحصیل درخواست خود نباشد بلکه عمدهٔ مقصودش تقرب به‌خدا وفرمان‌بری او باشد واگر کُندی در اجابت شد باز هم دعا کند واگر اعتراض کنی که: بنابر این، دعا باید واجب باشد وترکش کبیره باشد زیرا تهدید به‌دوزخ دارد؟.

من گویم: دور نیست زیرا دعا فی‌الجمله واجب است وکمترین آن دعاهای وارده در سوره حمد است که جزء نماز است وترک دعا به‌طور کلی از گناهان کبیره است ومؤید آن است قول امام چهارم(ع) در صحیفهٔ کامله که فرموده است:

«دعایت را عبادت نامیدی و ترکش را تکبّر وآن را به دخول دوزخ تهدید نمودی»، پایان نقل از مجلسی(ره).

گویم: تفسیر ساده آیه این است که بگوئید: خدایا تا من بگویم لبیک، وبه‌این معنی اساس توحید وخدا شناسی است وجزء اصول دین است





وسرآغاز مسلمانی است وجای تردید در وجوب آن نیست.

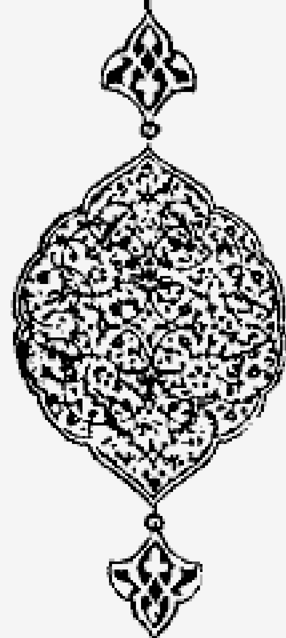
[۲] از مجلسی(ره) - «ولا تقل ان الامر قد فرغ منه» مقصود از امر پیدایش هر پدیده است وپرورش آن ونهی از این گفتار دو وجه دارد:

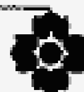
۱ - اینکه این پندار باطل است زیرا گفتار یهود وبرخی حکماء است که گویند: هرچه شدنی بوده شده وخدا کار تازه‌ای ندارد. بلکه باید ایمان داشت به‌بداء واینکه خدا سبحانه هر روز در کاری است وهرچه خواهد محو کند وهرچه خواهد ثبت کند وامّ‌الکتاب در بر او است وقدر وقضاء مانع دعا نیستند زیرا هر دیگرگونی در لوح محو واثبات روا است وبه‌علاوه خود دعا هم از اسباب قضاء است وامر به‌دعاء هم از آنها است.

۲ - اینکه گرچه برای هر پیشآمدی مقدری است که در لوح محفوظ است وتغییرش نتوان داد ولی این مانع از دعا نیست وبدین نظر نتوان دعا را بی‌اثر شمرد واز آن دست کشید چنانچه تحقیق آن در کتاب عدل گذشت ودر اینجا نیز بتوجه اختصار آن را یادآور شویم وحاصل خبر این است که از آن به‌دو وجه پاسخ داده است:

۱) دعاء بذات خود مطلوب است چون عبادتی است بزرگ وبه‌مقامی بلند می‌رساند در نزد خدا تعالی که رسیدن بدان جز با دعا وزاری ممکن نیست.

هرچه باید بشود بیش وکم دارد وبسا به‌واسطهٔ شرطی از میان برود مثلاً عمرش سی سال باشد، اگر صلهٔ رحم نکند وشصت سال باشد اگر بکند، در فلانه روز یک درهم روزی دارد اگر دعا نکند وبیشتر از آن نخواهد ودو درهم است اگر دعا کند وفزونی خواهد وهمچنین در امور دیگر وحاصل اینکه برای هر موجود حادث شرائطی است واسبابی وخدا نخواسته کارها را بی اسباب انجام دهد ودعا هم از جمله اسباب است واگر دعا نکند به‌او داده نشود ودانش خدا تابع معلوم است وعلت آن نیست وقضا وقدر حتمی نیستند





وگرنه ثواب وعقاب وامر ونهی باطل شوند چنانچه از امیرالمؤمنین(ع) گذشت.

[۳] از مجلسی(ره) ـ مقصود از عفاف وپارسائی یا خودداری از گدائی به‌در خانهٔ مردم است یا خودداری در شکم وفرج است از حرام یا مطلق خودداری از حرام است واوسط اظهر است ومعنی نخست به‌دعاء برگردد وبنا بر دو معنی دیگر بسا که با دعاء مخالفت دارد با اینکه دعا احب اعمال باشد زیرا فرقی میان دوست‌تر وبهتر نیست به‌جوری که مخالفت نباشد وممکن است جواب از آن به‌چند وجه:

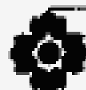
۱ ـ دعاء افضل اعمال است وعفت بهترین ترک اعمال خلاف.

۲ ـ افضلیت هرکدام نسبت به‌اعمال دیگر است نه به‌یکدیگر.

۳ ـ افضلیت هرکدام از یک جهت است زیرا هرکدام اثر مخصوصی دارند که دیگری جای‌گیر آن نیست چنانچه آب برای بدن خاصیتی دارد که نان وگوشت ندارد وبالعکس ودرست باشد که گویند: هرکدام افضل است از نظر اثر مخصوص به‌خود.

[۴] برخی نیزه‌ها دارای پیکانی است آهنین که بر سر آن نصب شده است ودر مورد حمله به‌دشمن آن نوک آهنین به‌آسانی بکار می‌نشیند وبه‌بدن فرو می‌رود وامام دعا را از نظر تأثیر در دشمن به‌آن نیزه مانند نموده است. در حدیث دوم برای دعا، سینهٔ بی‌کینه و دل باتقویٰ را بمیان آورده است و مجلسی در شرح آن گوید: در این حدیث به پاره‌ای از شرائط دعا اشاره شده و بیان شده است که دعاء سبب رهائی از بدیهای دنیا و سختیهای دیگر سرا است و اخلاص در دعا بلکه در جمیع عبادات به پاک بودن آن است از همهٔ آلودگیهای ریاء واغراض دنیویّه و پست.

[۵] از مجلسی(ره) ـ «ما قد قدّر» یعنی در لوح محو واثبات یا در




شب قدر ثبت شده است یا اینکه موجبات آن فراهم گردیده است.

[۶] از مجلسی(ره) - «لیترافقان» در بیشتر نسخه‌ها چنین است از رفق آمده یعنی ملازم یکدیگرند وخدا آنها را با هم قرار داده تا بلاء سبب دعا شود ودعا آن را دفع کند ودر بعضی (لیتوافقان) به‌واو است از وقوف است یعنی در برابر هم به‌صف شده ومبارزه می‌کنند ودعاء بلاء را از میان می‌برد واین روشن‌تر است.

[۷] از مجلسی(ره) - بهم چسبانیدن انگشتان برای بیان ابرام بلاء است چنانچه متعارف است.

[۸] از مجلسی(ره) - حاصلش این است که خدا دفع می‌کند بلائی را که بنده مستحق آن شده هر گاه بداند که بنده در آینده برای دفع آن دعا خواهد کرد وبه‌همین سبب آن بلا نازل نمی‌شود ودعا قبل از انجام در دفع بلاء اثر می‌کند.

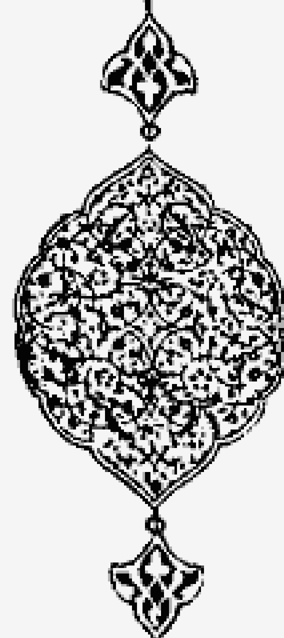
[۹] از مجلسی(ره) - «من کل داء» یعنی از دردهای تن ویا دردهای جان وروح، دشوار باشد ویا هموار وبرای برخی دردها دعاهائی وارد است.

[۱۰] از مجلسی(ره) - حیاء، گرفتگی درون است از بیم نکوهش وچون به‌خدا نسبت شود معنی همان ترک کاری را دارد که شرم‌آور است وگفته شده است: حیاء در خدا به‌معنی کار مخالف بابزرگواری وقدرت او است.

«فلا یردیده صفرا» اشعار دارد که خدا دعایش را اجابت کند واگر صلاح نداند بهتر از آن را در کف او گذارد.

دفع یک شبهه

بیشتر مردم پندارند که خدای سبحانه نوید اجابت دعا داده است وخلف وعده از او محال است وبه‌علاوه اجابت دعا در بسیاری از آیات واخبار آمده است ودروغ از خدا وحججِ او روا نیست وپاسخ از این اعتراض به‌چند





وجه است:

۱ ـ وعدهٔ خدا مشروط به‌مشیت است ومطلق نیست وبر آن دلالت دارد قول خدا(٤١ سوره انعام): «وبرگشاید آنچه را به‌درگاه او دعا کنید اگر بخواهد».

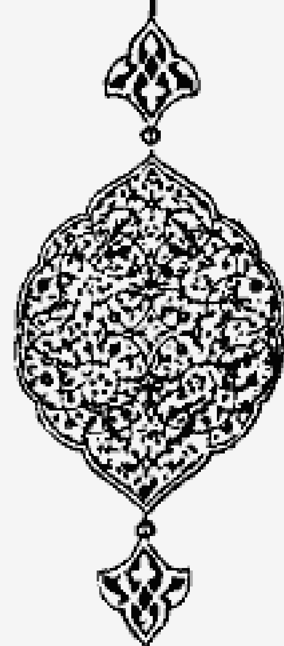
۲ ـ مقصود از اجابت توجه واستماع دعا است واز لوازم اجابت است که دعای مؤمن فوراً مورد توجه شود وعطای آنچه را که خواهد پس اندازد تا باز دعا کند وآوازش بشنود که آن را دوست دارد.

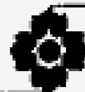
۳ ـ اجابت مشروط به‌مصلحت وخیر دعا کننده است زیرا حکیم به‌دلخواه بنده‌های نادان از خیر وصلاح آنها نگذرد.

٤ ـ هر عبادتی شرائطی دارد که اگر فراهم نباشد مقبول نگردد واثرش در دنیا وآخرت بر آن بار نشود، دعا هم عبادتی است مشروط به‌شرائطی وبسا که عدم استجابت آن برای این است که شرط قبول را ندارد ودر بسیاری از اخبار به‌شرائط دعا توجه شده است ومنافیات آن بیان شده که برخی گذشته وبعضی می‌آید وبسا که سبب عدم اجابت همین باشد، خدا سبحانه فرموده است: «اوفوا بعهدي اوفِ بعهدکم» ـ «به‌عهد من وفا کنید تا به‌عهد شما وفا کنم».

۵ ـ لازم نیست اجابت فوری باشد وبسا به‌واسطهٔ مصالحتی تا مدت نامعلومی به‌تأخیر افتد چنانچه در تفسیرِ: «قد اجیبت دعوتکما» ـ «دعای شما (ای موسیٰ وهارون) اجابت شد» واردَ شده که پس از اعلام اجابت تا غرق فرعون که مضمون دعا بود چهل سال طول کشید وبه‌زودی بیاید که خدا اجابت دعای مؤمن را به‌تأخیر اندازد چون دوست دارد آواز او را بشنود.

۶ ـ خدا به‌کسی که دعایش را در دنیا برنیاورد در آخرت ده چندان دهد تا چون عوض آخرت را بیند آرزو کند که کاش اجابت همه دعاهایش به‌آخرت افتاده بود وبنابر این صدق کند که دعای او به‌وجه اکمل به‌اجابت







رسیده است.

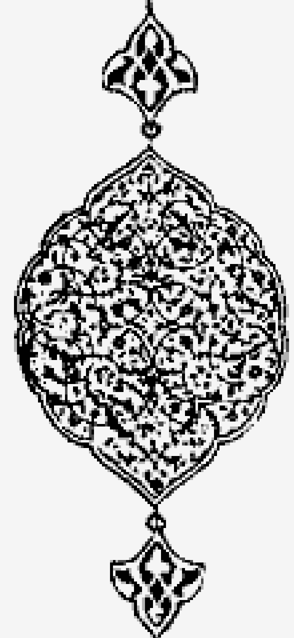
وما در کتاب عین الحیوة در این موضوع بسط سخن دادیم، پایان کلام مجلسی(ره).

من گویم: چنانچه سابقاً اشاره شد حقیقت دعا عبارت از توجه بنده است از روی دل به‌خدا وندای او به‌عنوان یک آفریننده وبخشاینده یعنی بنده‌ای از روی دل گوید:(خدایا)، واجابتِ او همان توجه حق است به‌او وپذیرش ندای او به‌عنوان یک بنده متوجه وآیات واخبار آجابت به‌همین معنا توجه دارند ولی برآوردن حاجتی که به‌عرض او رساند مشروط به‌شرائط متعددی است که برخی از آن در ضمن اجوبه متقدمه ذکر شده است.

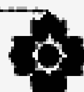
[۱۱] از مجلسی(ره) ـ این روایت حمل می‌شود بر اینکه پیش از آن عادت به‌دعا نداشته، ومقصود این است که سود کاملی ندارد(چون سود کامل گرفتار نشدن به‌بلا است وپس از گرفتاری سودش همان رفع ادامهٔ بلا است).

[۱۲] از مجلسی(ره) ـ لفظ ظن را کلینی(ره) به‌معنی یقین دانسته است به‌قرینهٔ آنچه در حدیث یک باب آینده آمده است وممکن است حمل بر ظاهر آن شود که گمان است زیرا یقین به‌اجابت مشکل است مگر آنکه مقصود یقین به‌وعدهٔ اجابت باشد که خدا داده است با وجود شرائط دعا وآن اعم است از عطای عین حاجت در دنیا یا عوض آن در آخرت.

[۱۳] از مجلسی(ره) ـ «ولیس لی في ذلك نیة» یعنی اهتمام وتصمیم در آن نبود وشاید در بار اول مصلحت ندانسته وتصمیم به‌دعا نگرفته وبرای خوشدلی اصحابش دعا کرده است وچون مصلحت دیده از روی دل دعا کرده است.



[۱٤] از مجلسی(ره) ـ (بر دو حدیث) «مالم یستعجل» یعنی تا اینکه بنده شتاب نورزد وچون حاجتش به‌تأخیر افتد نومید نگردد واز درگاه



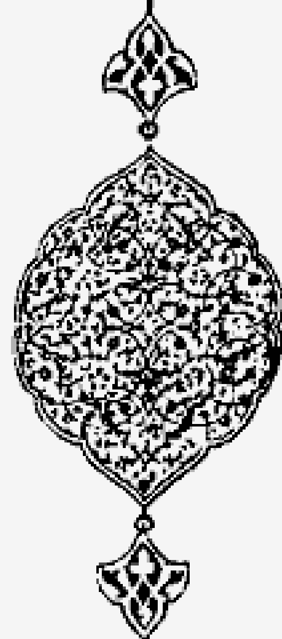


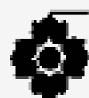
خدا رو برگرداند وبرای آنکه حاجت او پس افتاده دست از دعا بردارد ویا مقصود این است که در دعا شتاب ورزد وبه‌آن اهتمام نکند وخود به‌دنبال حاجتش رود پیش از آنکه در دعای به‌درگاه خدا اصرار ورزد چنانچه ظاهر خبر دوم است.

وحاصل آنکه باید دعا کننده در دعا مبالغه کند وبه‌پروردگار زمین وآسمان خوش‌بین باشد وبرای تأخیر اجابت از درگاه او نومید نگردد زیرا بسا برای آنکه از آواز او خوشش آید ویا برای مصلحت اجابت پس افتد ونباید در آن شتاب کند زیرا شتاب از شیطان است وخدا از آن نکوهش کرده در چند جای از قرآن. راغب گوید: شتاب خواستن چیزی است وجستن آن پیش از اوان آن واز این راه مذموم است در نظر عام قرآن تا آنجا که گفته‌اند: شتاب از شیطان است.

«اذا عجل» در حدیث دوم ـ یعنی در تعقیب نماز شتاب کند وآن را وانهد وبدان دل ندهد وبرخیزد دنبال کارهایش برود یا به‌اندکی از دعا پردازد وبه‌دنبال کاری برود که برای آن دعا کرده است ومقصود از آن همان است که در خبر پیش گفتیم یعنی برای کندی در اجابت دعا دچار نومیدی گردد.

[۱۵] از مجلسی(ره) ـ خدای تعالی در داستان ابراهیم فرموده است که به‌قوم خود گفت(۴۸ سوره مریم): «من از شما وآنچه در برابر خدا می‌خوانید ومی‌پرستید کناره می‌کنم» طبرسی گوید: یعنی از شما دوری کنم وبه‌کناری روم وپروردگارم را بخوانم، یعنی پروردگارم را بپرستم به‌امید اینکه به‌دعا به‌درگاه پروردگارم بدبخت نشوم چنانچه شما به‌دعا در برابر بت‌ها بدبخت شدید، وکلمهٔ عیسی را از راه خشوع آورده، وگفته‌اند: مقصودش این است که شاید طاعت وعبادتم را بپذیرد وبه‌واسطهٔ ردّ آن بدبخت نشوم زیرا مؤمن میان بیم وامید است. بیضاوی گفته: یعنی نومید وسرگردان نشوم وکوششم ضایع نگردد چون شما در دعای معبودانِ خود، انتهی.






و باید معنی خبر و وجه استشهاد به آیه را بیان کنیم. قوله:«استجیب له» یعنی زود اجابت شود و یا زود اجابت نشود و در آخرت به او عوض دهند وحاصل این است که برای تأخیر اجابت، ترک اصرار نکند. و سبب استشهاد به آیه این است که ابراهیم(ع) اظهار امیدواری وبلکه اطمینان نمود، زیرا «عسی» دلالت بر اثبات دارد.

[۱۶] از مجلسی(ره) ـ اینکه دعای نهان از دعای عیان بهتر است ویا با آن برابر است در صورتی است که دعای عیان از روی اخلاص باشد ومشوب به‌ریاء وسمعه وطلب شهرت نگردد وگرنه میان آنها نسبتی نیست.

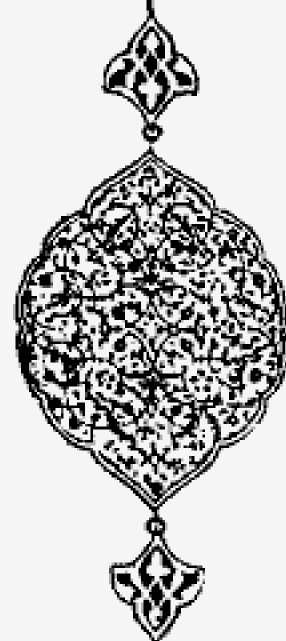
واین اخبار منافات دارد با آنچه وارد شده است از استحباب اجتماع برای دعای به‌درگاه خدا تبارک وتعالی وبه‌زودی وجه جمع میان آنها بیاید(انشاءالله).

[۱۷] از مجلسی(ره) ـ ابن قتیبه گفته: مردم گمان برده‌اند که ظل وفیئ یک معنی دارند، وچنین نیست، ظل، سایهٔ بامداد وشب است، وفیئ، سایهٔ بعد بعد از ظهر است وبه‌سایهٔ صبح اطلاق نشود زیرا آن سایه‌ای است که از سوی مغرب به‌سوی مشرق بر گشته است وفیئ هم به‌معنی بر گشت است ؛ در روایت عدةالداعی وقت بعد از ظهر را به‌اندازهٔ خواندن چهار رکعت نماز به‌آرامی محدود کرده است.

[۱۸] از مجلسی(ره) ـ حاصلش این است که رقتِ قلب نشانهٔ پاکی آن است از دغلی وحسد وافکار بیهوده وخیالات باطله، ونشانهٔ توجه آن است به‌خدا ورو گردانیدن از آنچه جز او است ووصول به‌حق وتقرب به‌حضرت او، وخلوص وپاکی دل نشانه وسبب اجابت دعا است.

[۱۹] از مجلسی(ره) ـ جوهری گفته:

سحر، اندکی پیش از سپیده دم است. وفیروزآبادی ودیگران هم چنین گفته‌اند.






[۲۰] از مجلسی(ره) ـ این حدیث دلالت بر چندی از شرائط دعا دارد:

۱ ـ در هنگام زوال شمس از میان آسمان باشد.

۲ ـ پیش از دعا کردن، صدقه دهد گرچه کم باشد.

۳ ـ بوی خوش به‌کار برند، وگویا بوئیدن کنایه از استعمال اندکی عطر باشد نه همان صرفِ بو کردنِ آن.

۴ ـ دعا در مسجد باشد، وممکن است مقصود در اینجا همان مسجد پیغمبر(ص) باشد واینکه فرمود: هرچه خدا می‌خواست برای حاجتش دعا می‌خواند، مقصود ستایش وسپاس وصلوات است واین هم خود دلالت اجمالی بر آدابی دارد.

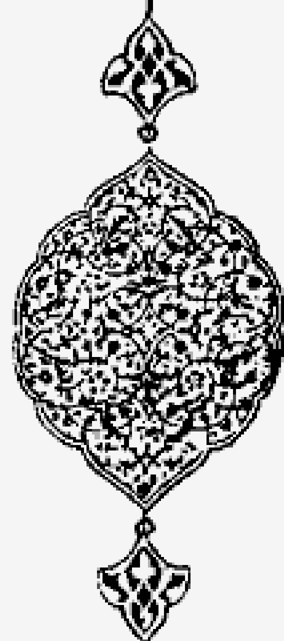
[۲۱] از مجلسی(ره) ـ ظاهرش این است که یک ششم نیمهٔ دوم شب است(که اگر نیمه شب شش ساعت معمولی باشد یک ساعت می‌شود) نه اینکه یک ششم همه شب باشد، واین خبر در کتاب صلوٰة در باب نماز نافله بیاید... وتهذیب آن را به‌اختلافی روایت کرده است.

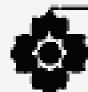
[۲۲] از مجلسی(ره) ـ «قال الرغبة» دو وجه دارد:

۱ ـ مقصود این باشد که اگر در حال دعا بیشتر شوق وامید دارد سزاوار است که دو کف خود را به‌آسمان باز دارد که گویا می‌خواهد رحمتِ خدا را دریافت کند واگر حال بیم وگمان اجابت نشدن دارد پشتِ دو دست را به‌آسمان کند کنایه از اینکه گناهِ فراوانِ او باعث راندگی او است وگرچه فضل وحمیت خدا مقتضای کرم خداوندی است.

۲ ـ مقصود این باشد که اگر برای سودی دعا می‌کند وکف دست به‌آسمان بردارد واگر مقصودش دفع زیانی است وبلائی که از آسمان فرود آید دو پشت دست‌ها را به‌آسمان کند که گویا با آن دفاع می‌کند.

طبرسی گفته است: تبتّل، به‌معنی انقطاع به‌درگاه خدا است برای





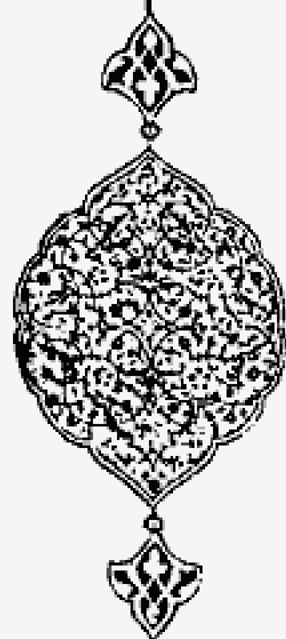


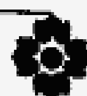
عبادت واخلاص عمل واصلش از بتل به‌معنی بریدن است واز این رو فاطمه(ع) را بتول گفته‌اند برای آنکه به‌عبادت خدا از دیگران بریده بود، واز امام باقر وامام صادق(ع) روایت شده است که تبتّل بلند کردنِ دو دست است در نماز ودر روایتِ ابی‌بصیر گفته: تبتّل، بلند کردن دست است به‌درگاه خدا وزاری کردن بدان وممکن است مقصود این باشد که این وضع بهترین انواع تبتّل است واینکه فرموده با انگشت اشاره کنی، وضع اشاره به‌بالا بردن انگشت یا فرود آوردن آن یا به‌راست وچپ بردن محقق می‌شود وخبر سوم بر وجه اول دلالت دارد وآن با دست چپ مناسب است ووجه دوم با دست راست ومقصود از دو انگشت جمع میان هر دو است.

[۲۳] از مجلسی(ره) ـ «في صلوتي بيساري» یعنی دست چپ را با دست راست بلند کرده بودم یا بی‌دست راست چنانچه در نماز وتر است یا اینکه دست چپ را بلند کرده وبا دست راست شماره می‌کرده با تضرع وحرکت انگشت را با دست راست می‌نموده وسائل نادان بگمانش که دست راست اشرف است وغافل بوده که همه اعضاء تن را عذابی است وباید از آن پناه جویند وهرکدام را در هستی وپایش وپرورش نیازی است به‌خدا بلکه دست چپ در اینجا انسب است زیرا نویسنده گناهان در سمت چپ است وهر گناهی از سوی چپِ نفس خیزد که میل به‌شهوت ولذت است.

[۲۴] از مجلسی(ره) ـ ظاهر این است که مقصود از تعوذ، تحرز از شر دشمنان است وبسا که اعم باشد ودشمنان نهانی را هم چون شیطان نفس فراگیرد بلکه از کیفرهای دنیا وآخرت هم باشد واین در نهایت بیچارگی است زیرا در برابر سنگ کشنده وشمشیر ونیزه است که دست را سپر سازند تا آنها را از اعضاء ارجمند تن دفع کنند.

«مما يلي وجهك» ظاهر این است که بالا وپائین کند، واین مخالف است با آنچه در خبر سابق گذشت وهمان است که در تبتّل گذشت وگویا







برای همین آنها را چهار شمرده است یا هر دو را یک معنی است واین خود اصطلاح دیگری است.

[۲۵] از مجلسی(ره) - عارف ربانی در عدة الداعي گوید: این اوضاعی که برای اقسام مختلفه دعا در این اخبار ذکر شده است بر دو وجه است:

۱ - از راه تعبد است واسراری دارد که ما آنها را نمی‌دانیم.

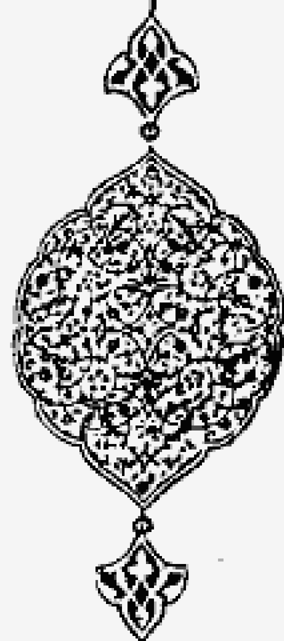
۲ - به‌اعتبار یک مناسبت عرفی است مثلاً گشودن هر دو دست در حال رغبت واشتیاق به‌رحمت حق مناسب است که نشان می‌دهد بنده به‌فضل خدا امیدوار است وقصد بر گرفتن کفی از عطایای حضرت او را دارد.

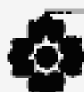
ودر حال رهبت بنده پشت دستها به‌آسمان دارد وبه‌زبان خواری وبیمقداری بدانهای نهان ورازهای سربسته عرضه می‌دارد که من شرم دارم دستِ گدائی به‌آستانت برآرم واز روی خجالت آن را به‌زمین متوجه کرده‌ام.

ودر حال تضرع وزاری که انگشت را حرکت می‌دهد بدین سوی وآن سوی خود را چونان فرزند مرده نماید که در حال شیون بدین سو وآن سو رو کند.

ودر حال تبتّل، انگشت خود را فراز ونشیب کند وانقطاع خود را به‌درگاه وی بدان مجسم نماید گویا به‌زبان حال برای امید بر آور خود گوید: من از همه بریدم وبه‌درگاه تو رو آوردم چونانکه توئی شایستهٔ پرستش ویا یک انگشت اشاره کند که رمز یگانگی است.

ومقصود از کشیدن هر دو دست در حال ابتهال برابر رویش به‌سوی قبله یا به‌سوی آسمان یا برآوردن آنها فراز سرش بحسب روایات مختلفه این است که اینها نوعی است از اظهار بندگی وکوچکی وزبونی یا خود را چون غریقی نماید که دست لخت را برآورده وبه‌دامن رحمت او می‌چسبد وبه گیسوان مهر وی که هالکان را نجات دهد وگرفتاران را بفریاد رسد وهمه






عالمیان را فراگیرد.

[۲۶] از مجلسی(ره) ـ «الاّ وله کیل ووزن» شاید مقصود این است که گرچه ثواب اعمال بر وجه تفضل باشد ولی مقیاسی دارد به‌خلاف ثواب گریه که بی‌قیاس است.

[۲۷] این همان عین حدیث (۱) باب است با اختلافی در سندِ آن.

[۲۸] از مجلسی(ره) ـ مقصود از ترک بازرسی آنان، این است که بی‌حساب به‌بهشت روند.

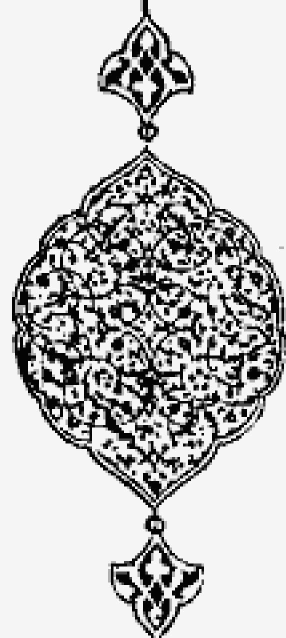
[۲۹] از مجلسی(ره) ـ تمجید ذکر بزرگواری او است سبحانه ووصف او به‌صفات نیک وثناء مدح وگفتار خوب است.

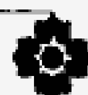
[۳۰] از مجلسی(ره) ـ شاید مقصود از مدح بیان بزرگواری ذات وصفات حضرت او است بی‌ملاحظه نعمت، ومراد به‌ستایش وثنا اعتراف به‌نعمت‌های او است وشکرگزاری از آنها.

«انه واللّٰه» این بر این اساس است که خروج از گناهان از شرائط اجابت دعا است ومؤید آن است قول خدا تعالی (سوره مائده): «همانا خدا پذیرا است از متقیان».

[۳۱] از مجلسی(ره) ـ «من اطاع اللّٰه تعالی في ما امره» یعنی در همه امر او زیرا خدا تعالی فرموده است(٤٠ سوره بقره): «به‌عهدم وفا کنید تا به‌عهد شما وفا کنم» یا اشاره است به‌قول خدا تعالی(١٨٠ سوره اعراف): «واز آن خدا است اسماء حسنیٰ او را بدانها بخوانید».

«ثم دعاه من جهة الدعاء» اشاره است به‌اینکه وعدهٔ خدا مشروط است به‌حصول شرائط ورفع موانع، واز جمله شروط آن است که در این خبر ذکر کرده است وبسا که عدم حصول موضوعی که برایش دعا کرده است برای این باشد که شرائط موجود نبوده وبسا که مانعی از اجابت در میان بوده





به‌علاوه وعده خدا اعم از این است که عین مطلوب را عطا کند یا بهتر از آن را در دنیا ویا آخرت.

«وتستعيذ منها» در برخی نسخه است که برای آن آمرزش خواهد وبنابر این نسخه هم پناه بردن لازمش پشیمانی وتوبه است وگفته شده که استعاذه کنایه از همان توبه است، واین حدیث دلالت دارد که دعا بدون شرائط محجوب است چنانچه نماز بی‌طهارت نادرست است. واز جمله شرائط دعا توبه است از همه گناهان وتصمیم بر ترک گناه واین شرط صلاح بنده است وعنایت خدا که از راه تأدیب اجابت دعا را گرو توبه از گناه نموده است تا نیتش خالص گردد وخودش را پاک کند از گناهان تیره کنندهٔ دل وخویش را در گروه بندگان خالص درآورد وگرنه بیاید که بسا دعاء دشمن خدا زودتر به‌اجابت رسد از دعای دوستش برای آنکه خدا آواز او را دوست دارد وآواز دشمن را بد دارد.

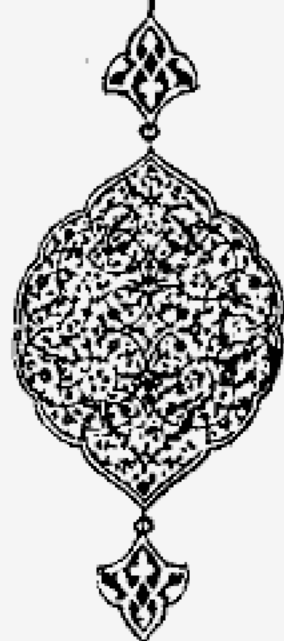
«وما انفقتم من شيءٍ فهو يخلفه» در مجمع البیان گفته: یعنی هرچه از مال خود را در راه خیر صرف کنید، خداوند سبحانه عوض وجانشین آن را به‌شماها می‌دهد در دنیا به‌فزودن نعمت ودر آخرت به‌ثواب جنت.

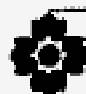
از کلینی است که: یعنی هرچه صدقه دهید در راه خیر عوض آن را در دنیا به‌شما بدهد یا برای آخرت شما ذخیره کند.

[۳۲] از مجلسی(ره) ـ پاکی کسب به‌این است که از راه حلال باشد ومقصود حلال بودن هرآنچه است که در خوراک وپوشاک صرف کند، ویا مطلق آنچه به‌دست آورد ومال خود شمارد واین روشن‌تر است.

[۳۳] از مجلسی(ره) ـ من گویم: بسا توهّم شود که میان این حدیث وحدیثی که دربارهٔ اثوب بودن دعای نهانی گذشت منافات است وجواب از آن به‌دو وجه ممکن است:

۱ ـ اجتماع در اجابت مؤثر است گرچه ثوابش کمتر است.







۲ ـ این اجتماع برای کسی است که از ریاء آسوده است، وآنچه گذشت در زمینه‌ای است که ایمنی از ریاء وخودنمائی محرز نیست با اینکه ممکن است با اجتماع باشد ونهانی از آنها دعا کنند واین دور است.

[۳٤] از مجلسی(ره) ـ این حدیث منافات ندارد که گمان اجابت در چهل تن بیشتر باشد یا حمل شود بر اینکه هرکدام ده بار دعا کنند که مجموع چهل بار شود.

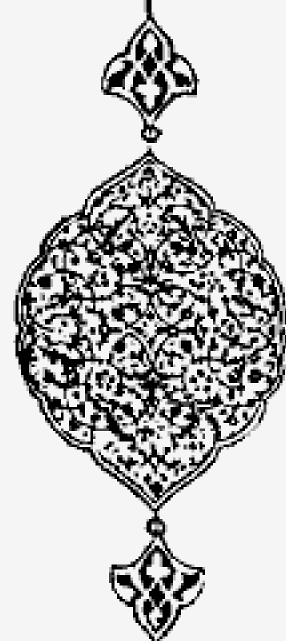
[۳۵] از مجلسی(ره) ـ این خبر دلالت دارد که اجتماع در دعا با زنان وکودکان هم محقق می‌شود وممکن است مقصود این خبر اهل وعیال باشد ومقصود از اخبار دیگر بیگانه‌ها باشد.

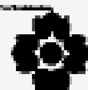
[۳٦] این روایت هم مشعر بر این است که اصل وپایهٔ دعا به‌درگاه خدا همان توجه به‌خدا است وخداگفتن از روی دل، وموضوع مسئلت ودرخواست حوائج که بیشتر مورد توجه عموم است در صمیم وحقیقت دعا وارد نیست ویک امر فرعی است، از این جهت می‌فرماید: دعاکننده وآمین گو در ثواب شریکند واشاره‌ای به‌شرکت در برآمدن حاجت ندارد.

[۳۷] از مجلسی(ره) ـ گفته‌اند در این حدیث وجوه بسیاری برای تأخیر اجابت دعا ذکر شده است(وتا هفت وجه آن را طبق استفاده از حدیث برشمرده است ودر آخر شرح حدیث گفته است) در این خبر فوائد بسیار وحقائق پر مغزی است برای هرکه به‌دیدهٔ بصیرت در آن بنگرد وآن را به‌خوبی بفهمد وباور کند.

[۳۸] از مجلسی(ره) ـ وحاصل این است که سزاوار است مؤمن برای پس افتادن اجابت دعوت خود دست از دعا برندارد زیرا تأخیرش برای مصلحت است وبه‌زودی در دنیا اجابت شود وگرنه در آخرت به‌او عوض داده شود.

[۳۹] از مجلسی(ره) ـ گفته شده است که شوق به‌چیزی تعلق





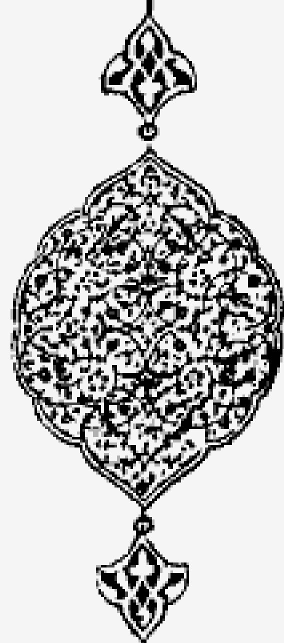

گیرد که از یک جهت درک شده واز جهتی درک نشده است زیرا چیزی که به‌هیچوجه درک نشده ومجهول مطلق ومعدوم مطلق است یا آنچه به‌تمامی به‌دست آمده است نسبت بدان اشتیاق ممکن نیست آنکه محبوبش از او غایب است وتصورش در اندیشهٔ او حاضر است به‌حضور او شوقمند است واگر او را بیند شوقی بدو ندارد مگر آنکه نسبت بدانچه از او نبیند چنانچه رویش بیند ومویش نبیند یا در تاریکیش بیند ودنبال کمال رؤیتش باشد ودر شوق دو جهت است: جهت ادراک وجهت جهل ونقصان وآن نقص است ودر خدا محال است.

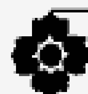
جواب از آن گفته‌اند که شوق مستلزم دوستی است ومنظور از آن در خدا همان صرف دوستی است با اینکه دوستی دربارهٔ خدا به‌طور مجاز است ومقصود از آن علم به‌صلاح است.

[۴۰] از مجلسی(ره) - آل نبی نزد شیعهٔ امامیه، خاندان پاک ومعصوم او هستند ودلیلی ندارد که شهید ثانی(ره) آنها را خصوص امیرالمؤمنین وفاطمه وحسن وحسین(ع) دانسته وعامه را در آن اختلاف است، برخی آل محمد را مطلق امت دانسته وبرخی عشیرهٔ او دانسته وبرخی هر که از بنی‌هاشم وبنی‌عبدالمطلب که زکوٰة گرفتن بر او حرام است وما پیش از این معنی آل را بیان کردیم، وسرّ اینکه‌دعابی‌صلوات محجوب است اموری است:

۱ - چون صلوات که طلب رحمت بر محمد وآل است با دعا همراه شد وبه‌خدا عرضه شد چون صلوات اجابت می‌شودآنچه‌بدان‌هم‌پیوست‌است اجابت می‌شود زیرا خدا کریم است وجزئی را نپذیرد وجزء دیگر را رد کند چنانچه از تبعیض اجزاء مبیع نهی کرده است.

۲ - هدیه مقربان درگاه خدا، وسیلهٔ شفاعت وقبول درخواست است وصلوات هدیه به‌مقربان درگاه خدا است.







۳ ـ صلوات سبب جبران گناهان است که مانع اجابت دعایند.

در نهایه گفته: صلوٰة، در لغت به‌معنی دعا است وعبادت مخصوصه را که شامل دعا است صلوٰة گفته اند، وبرخی گفته‌اند به‌معنی تعظیم است وعبادت مخصوصه چون برای تعظیم خدا است آن را صلوٰة گفته‌اند، واما اینکه گوئیم: اللّهم صل علی محمد، یعنی محمد را در دنیا بزرگوار کن به‌وسیلهٔ بلند کردن نام واظهار دعوت وابقاء شریعت او ودر آخرت به‌وسیلهٔ قبول شفاعت او دربارهٔ امتش ودو چندان کردن اجرتش وثوابش.

صاحب وافی گفته است: معنی صلوٰة خدا به‌پیغمبرش افاضهٔ انواع کرامات ولطائف نِعم است بر آن حضرت.

[٤١] از مجلسی(ره) ـ ذکر، به‌زبان است وشمول آن برای یادآوری بدل بعید است.

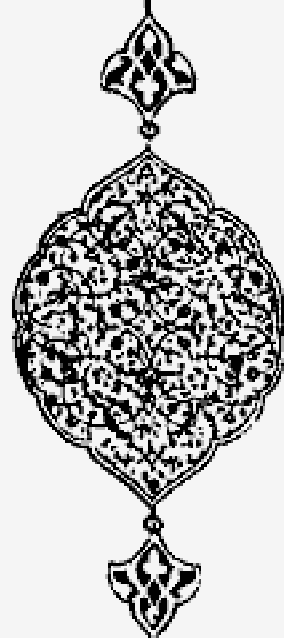
[٤٢] از مجلسی(ره) ـ این خبر را چند معنا است:

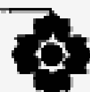
۱ ـ آنچه در حدیث (٤) بیاید که مقصود مقدمه ووسیلهٔ قرار دادن پیغمبر است پیش خدا برای هر حاجتی.

۲ ـ مقصود این باشد که یک سوم دعای خود را یا نیمی از آن ویا همهٔ آن را صلوات بر تو می‌سازم وحاجت خود را یاد نمی‌کنم.

[٤٣] از مجلسی(ره) ـ «لا تجعلوني کقدح الراکب» یعنی مرا آخر دعای خود نیاورید چنانچه شترسوار ظرف آب خود را پس از بار کردن همه بنه خود بدان می‌آویزد وآن را پشتِ سر خود قرار می‌دهد ـ تا آنکه می‌گوید: از این خبر معنی دیگر فهمیده شود وآن این است که راکب به‌قدح خود اهمیتی ندهد وبدان متوجه نشود مگر وقتی تشنه گردد وبدان حاجتمند شود واوقات دیگر از آن غافل است ومقصود این است که در هر وقت بیاد من باشید واز آغاز تا انجام دعا بیاد من باشید.

[٤٤] از مجلسی(ره) ـ اکثار محمول بر استحباب است وصلوات







خدا در هزار صف از فرشته‌ها چند معنی دارد:

۱ ـ همه فرشته‌ها برای رحمت خدا بر آن بنده از او ستایش وتمجید کند.

۲ ـ فرشته‌ها به‌امر خدا بر او صلوات فرستند وطلب رحمت کنند.

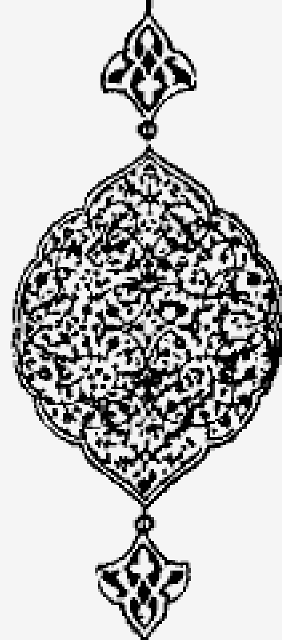
۳ ـ صلوات خدا بذل رحمت است ومزد مضاعف در حضور فرشته‌ها ـ تا آنکه گوید: مقصود از صلوات بر او این است که آل او را هم پیوست کند نه تنها به‌آن حضرت صلوات فرستد زیرا در اخبار خاصه وعامه وارد شده است که صلوات به‌او بی‌پیوست آل قبول نیست بلکه اخبار ما دلالت دارد که حرام است وموجب عقاب است واز این جهت در ذکر تشهد صلوات به‌او مقرون به‌صلوات بر آل وارد شده است از طرق عامه وخاصه.

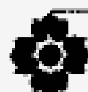
[٤٥] از مجلسی(ره) ـ گویا مراد مصنف از وجوب استحباب مؤکد باشد وگرچه برخی اخبار دلالت بر وجوب دارند ولی اینکه فرموده: مایهٔ حسرت است، دلالت بر وجوب ندارد زیرا ترک هرچه اجر دارد در قیامت مایهٔ حسرت وافسوس است گرچه مستحب باشد.

مقصود از ذکر هرآنچه است که سبب یادآوری خدا باشد واطاعت او در امر ونهی وتفکر دربارهٔ خداوند تا آنجا که روا است چه بدل باشد یا زبان واز این باب است یادآوری پیغمبران وامامان ودلائل امامتشان تا آنکه می‌فرماید: ولی عبادت اختراعی وبدعت‌مآب وریائی در حساب ذکر خدا نیستند.

[٤٦] از مجلسی(ره) ـ «في التورية التي لم تغير» دلالت دارد بر اینکه این توراتی که در دست اهل کتاب است تغییر وتحریف شده است وبر اینکه هر کتابی از آسمان نازل شده است دست نخورده نزد ائمه(ع) است مانند قرآن مجید.

[٤٧] از مجلسی(ره) ـ «اجعل لسانک من وراء قلبک» یعنی اول






تأمل کن در آنچه خواهي بگوئي که خوب است وخوش سرانجام است یا نه؟ وسپس سخن بگو که اگر چنین کني از خطا وپشیماني سالم بماني یا مقصود این است که در حال غفلت قرآن مخوان وذکر مگو یا آنچه را بدان معتقد نیستي به‌زبان میاور از راه نفاق یا گفتار بی‌کردار.

(خطا را از معدن دنبال مکن) چند وجه دارد:

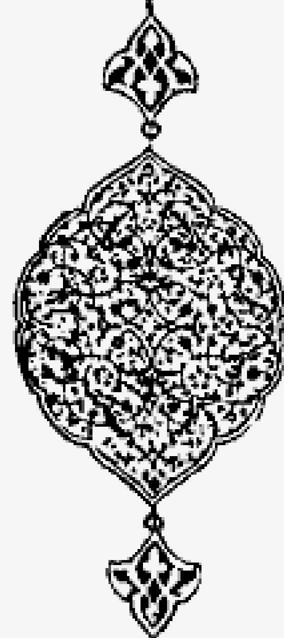
۱ ـ با اهل گناه که معدن خطایند همنشیني مکن تا با آنها شریک باشي ومایهٔ پشیماني تو گردد زیرا گناه وعده‌گاه اهل دوزخ است زیرا آنها آماده وفراهم شوند برای خطاها از انواع بازی‌ها وسرگرمی‌ها وغیبت مؤمنان وذکر دنیا واز آنچه از خدا باز می‌دارد.

۲ ـ گفته‌اند مقصود از معدن خطاء سفاهت وجهل است وهرآنچه گناه از آن زاید.

۳ ـ غرض نهی از حضور در موارد تهمت وگناه وارتکاب خطا باشد.

[٤٨] از مجلسی(ره) ـ شاید مقصود از یاد خدا در ملاء، ستایش او باشد به‌طوری که بشنوند واو را یاد کند.

[٤٩] از مجلسی(ره) ـ «اذکروا الله ذکراً کثیراً» قرطبی در تفسیر این آیه گفته است: روش گفتار دلالت دارد بر وجوب ذکرِ کثیر، زیرا علاوه از تأکید آن به‌مصدر به‌وصف کثرت هم برایش تأکید آورده است واین روش در مستحب نیاید پس عیان شد که ذکرِ کثیر واجب است وکسی به‌وجوب آن به‌زبان قائل نیست به‌طور دائم پس مقصود ذکر قلبی است ومنظور از ذکر قلبي یا همان ایمان به‌خدا وصفات کمال او است که در دل حاضر است ودر حکم آن است وقتی غافل است زیرا زوال آن یک باره موجب کفر است یا مقصود ذکر خدا است در آغاز هر کاری زیرا اقدام به‌هیچ کاری روا نیست جز با توجه به‌حکمی که خدا برای آن معین کرده است وچون مکلف همیشه در حال فعل یا ترکی است، به‌این اعتبار یاد خدا همیشه واجب است.





در معنی ذکرِ کثیر اختلاف است:

۱ ـ مقصود این است که خدا را هیچگاه فراموش نکند ـ از مجاهد.

۲ ـ خدا را به‌صفات بلند واسماء حسنیٰ یاد کند و وی را از آنچه بدو نشاید منزه شمارد.

۳ ـ در هر حال بگوید سبحان‌الله و الحمدلله و لااله‌الاّالله ـ از مقاتل واز ائمه روایت شده: هر که سی بار این ذکر را بگوید، ذکرِ کثیرِ خدا را انجام داده است.

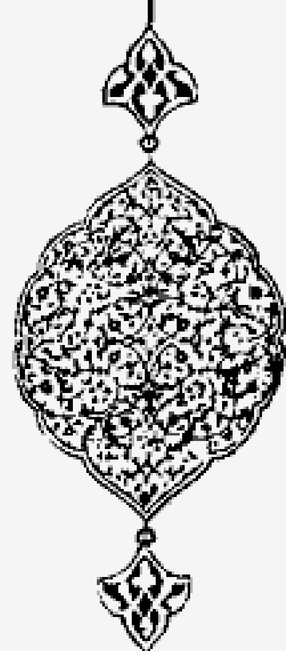
«ولا تمنن تستکثر» بیضاوی گفته است: مده به‌قصد اینکه عوض بیشتری بگیری، این نهی تنزیه است ویا خاص به‌آن حضرت است ویا مقصود این است که عبادت خود را فزون مشمار یا مزد تبلیغی خود را فزون در نظر میار.

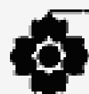
من ، به‌معنی کاستن یا بریدن است واز این رو آن را به‌فزون‌شماری تفسیر کرده است ومقصود این است که به‌واسطهٔ فزون شمردن کار خود از کار ووظیفه خود نکاه وآن را از دست مگذار.

[۵۰] از مجلسی(ره) ـ گویا مقصود از ذکر بسیار در جملهٔ دوم همان تکرار معنی اول است که بدو عبارت ادا شده یا مقصود از یکی مداومت است واز دیگری فزونی گرچه یک بار باشد، وگفته‌اند مقصود از اول تکرار واستمرار است واز دوم موافقت دل با زبان چنانچه در خبر دوم باب ذکر خدا در نهان بیاید.

[۵۱] از مجلسی(ره) ـ «من قرأ مائة آیة» یعنی در هر شبانه‌روز یا در هرکدام از شب وروز ودلالت دارد که ذکری که دفاع از برق زدگی دارد اعم از این است که صریح باشد یا در ضمن ومقصود از ذاکر در برابر غافل است.

[۵۲] از مجلسی(ره) ـ «ذکرني سراً» ذکر نهانی این است که در






دل باشد یا در تنهائی یا آهسته در برابر بلند گفتن.

ذکر علانیه ـ یعني در روز رستاخیز عمومی به‌وسیلهٔ اظهار شرف وفضیلت یا توفیر ثواب، یا مقصود ذکر میان اشراف فرشته‌ها است که گذشت ویا میان مردم وبه‌زبان آنان و گفته‌اند مقصود ذکر خیر او است به‌اظهار حال وشرف او در میان همهٔ خلق از فرشته وبشر.

[۵۳] از مجلسی(ره) ـ «اذکرك في نفسي» این پاداش ذکر نهانی است یعنی پاداش وثواب ذکر تو را می‌دهم وپاداش ذکر را ذکر نامیده است ومنظور ذکر برابر فراموشي نیست زیرا ذکر به‌این معنی در خدا هست چه بنده او را یاد کند چه نکند، یا مقصود این است که تو را به‌طوری یاد کنم که احدی بر آن مطلع نشود چنانچه خدا فرموده است(۱۷ سوره حم‌سجده): «هیچکس نداند آنچه را خدا از چشم روشنی برا آنها نهان کرده است» وگزارش داده است از آنکه خدا پادش‌ها دهد که بنده‌ها را از آن اطلاعی نیست.

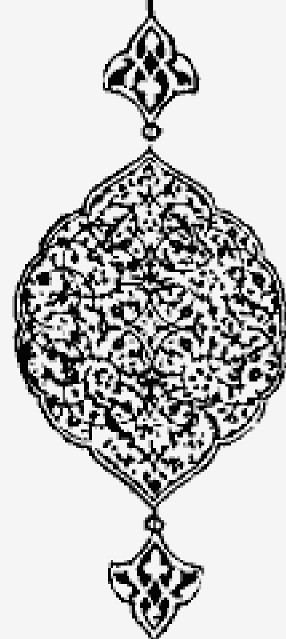
من گویم: مقصود از ذکر، ذکر به‌خوبي است وبدانچه دلالت دارد بر بزرگواری یاد شده دارد نه مطلق ذکر.

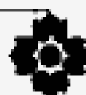
«اذکرني في ملائ» گفته‌اند اشاره است به‌ذکر جلي وانجام هر اطاعت عیانی هم در آن داخل است تا برسد به‌امر به‌معروف ونهي از منکر.

[۵٤] از مجلسی(ره) ـ «وقال الله» گفته شده است این دلیل بر عظمت ذکر ویاد با دل است به‌دو وجه است:

۱ ـ در دنبالهٔ آیه، کلمهٔ «و دون الجهر» است یعنی خدا را آهسته بخوانید بنابر این مقصود از ذکر با زاری وترس این است که با دل باشد ومقدم داشتن بر ذکر با زبان دلالت دارد بر رجحان ذکر قلبي.

۲ ـ توصیف ذکر با دل به‌عنوان تضرع وترس دلالت دارد بر اینکه عمده همان زاری وترس با دل است نه صرف گفتن با زبان.





[۵۵] از مجلسی(ره) ـ یعنی در زمرهٔ جنگجویان گریزان در راه خدا نبرد کند یا در زمرهٔ حاضران در جبهه که نبرد نمی‌کنند واو نبرد می‌کند ودر برخی نسخه‌ها به‌جای محاربین هاربین آمده ومقصود این است که به‌واسطهٔ او دفع ضرر از غافلان می‌شود چنانچه به‌واسطهٔ مجاهد دفع دشمن از دیگران می‌شود.

[۵۶] از مجلسی(ره) ـ راغب گفته است: مجد، وسعت کرم وبزرگواری است، ومقصود از کرمِ خدا، احسان ونعمت‌بخشی نمایان او است (تا آنکه گوید): مقصود از تمجیدِ خدا در اینجا دعاهای شامل بر بسیاری از صفات جلال وکرم او است.

[۵۷] از مجلسی(ره) ـ «وان خف» یعنی گرچه زمان نشستن او کوتاه بود واندک، وبرخی از شرح معنی استغفار معصومین(ع) گذشت وگفته‌اند دعا واستعاذه واستغفار پیغمبر(ص) با مقام عصمت او به‌منظور آموزش امت بوده است واظهار نهایت بندگی وعبودیت.

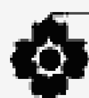
[۵۸] از مجلسی(ره) ـ گفته شده است: احتمال دارد سبب دو چندان برای دعا کننده این است که دو کار خوب کرده است:

۱ ـ نیایش وزاری به‌درگاه خدا تعالی.

۲ ـ اظهار دوستی با برادر دینی خود به‌وسیلهٔ دعا وخیرخواهی برای او واز این راه دعایش مستجاب است ودو بار مزد دارد.

[۵۹] عبد الله بن جندب، از موثّقین اصحاب امام صادق(ع) وامام کاظم(ع) وامام رضا(ع) است وبر اثر جلالت ومقام او است که دعای او صد هزار برابر نتیجه می‌دهد.

[۶۰] از مجلسی(ره) ـ «واعلم ان الله اعلم...الخ» یعنی اگر صلاح او وبنده‌های دیگرش را در دفع او داند او را دفع کند ودر گرفتاری وعافیت او ملاحظهٔ مصلحت را نماید ونیازی به‌دستور تو ندارد.





وگفته شده: مقصود این است که اگر مقصودت از نفرین وبد گوئی او اجابت است چه بد مقصودی داری درباره برادرت واز تو اجابت نشود واگر برای این است که خود را بی‌عیب شماری همین عیب تو بس که به‌برادر خود نفرین کنی واز او بد گوئی.

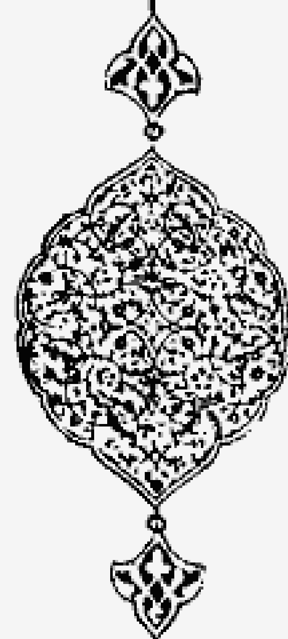
[٦١] از مجلسی(ره) ـ مقصود از امام عادل، پیشنماز است وممکن است مقصود مطلقِ پیشوای عادل باشد، ودعا شامل نفرین هم هست.

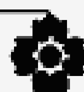
[٦٢] از مجلسی(ره) ـ «فانها ترفع فوق السحاب» گویا ابر، کنایه است از موانع اجابت دعا یا از موانع معنویه میان بنده وخدا، ویا کنایه از حجاب‌های فراز عرش یا زیر آن است به‌اختلاف اخبار، وممکن است مقصود همان ابر متعارف باشد بر اساس تشبیه برای بیان کمال اجابت. ومقصود از نظر، نظر رحمت است.

[٦٣] از مجلسی(ره) ـ این حدیث دلالت دارد که دعا برای چهل مؤمن باعث اجابت است، وممکن است «قدم» با تخفیف خوانده شود ومقصود این باشد که نزد چهل مؤمن رود وبه‌همراه آنها دعا کند، گرچه بعید است.

[٦٤] از مجلسی(ره) ـ گفته‌اند: اسراف، صَرفِ در حرام است؛ وتقتیر، منع واجب است.

[٦٥] از مجلسی(ره) ـ معلی بن خنیس، آزاد کرده ووابستهٔ امام صادق(ع) بود ودربارهٔ او اختلاف دارند. نجاشی وابن‌غضائری او را ضعیف شمردند وشیخ طوسی در کتاب غیبت او را از کارگزاران محبوب امام صادق(ع) دانسته وگفته: به‌روش آن حضرت عمر را بسر برده است. وکشی، روایات بسیاری در مدح او آورده که دلالت دارند از اهل بهشت است. واقوی در نظر من این است که از خواص امام صادق(ع) بوده است واز محرمان اسرار آن حضرت ونکوهش از او این است که اخبار بلندمعانی روایت





می‌کرده است ومعجزات غریبه وخود بیشتر مردم از درک آن عاجز بوده است وفهم آنان بدان نمی‌رسیده واز شدت دوستی به‌امامان دربارهٔ تقیه کوتاه می‌آمده است وشاید این تقصیر او را شفاعت در دنبال باشد واز اخبار برآید که قتل او کفاره این تقصیرش بوده است وسبب رفعت مقامش شده.

داود بن علی عباسی، معلی را به‌زندان افکند ومعرفی اصحاب امام صادق(ع) را از او خواست واو در پاسخ گفت: اگر در زیر پایم باشند به‌تو خبر ندهم، ودستور داد گردن او را زدند واو را بر دار کردند، پایان نقل از مجلسی(ره).

من گویم: طبق این اخبار معلوم می‌شود، معلی از رادمردان دین واجتماع اسلام بوده است که به‌مقام جانبازی رسیده ودر زمرهٔ مصلحان درآمده است وبه‌ناچار باید پروانه‌وار خود را در گرد شمع هدایت ائمهٔ اطهار سوخته باشد واز این نظر هیچگونه تقصیری به‌او متوجه نیست چنانچه در پاره‌ای مباحثِ گذشته توضیح داه شد.

[٦٦] از مجلسی(ره) ـ تکرار نفرین تا هفتاد بار باید در یک مجلس باشد، وگفته‌اند: مقصود این است که درباره نخست اثر نکرد تا هفتاد بار زمینه ادامه دارد، پایان نقل از مجلسی(ره).

من گویم: مورد تشریع مباهله در خصوص اختلافات ومباحثه مذهبی است تا به‌جائی که با گفتگو حل نشود وکار به‌انکار ومکابره کشد ومورد اخبار خصوص مباهله با مخالفان از فِرَقِ اسلامی است واین بحث بمیان می‌آید که:

۱ ـ این موارد منصوص از قبیل قضایای خصوصی وشخصی است که به‌دستور امام انجام می‌شده وحکم عمومی ندارد که هر کس از پیش خود بتواند کار اختلاف مذهب را تا به‌مباهله بکشاند وبه‌وسیلهٔ آن حل کند ویا اینکه از اخبار، قانون کلی استفاده می‌شود وشامل هر کس وهر زمانی می‌شود.





۲ ـ در صورت اینکه مضمون اخبار دستور کلی باشد راجع به‌اختلاف مذهبی، آیا در هرگونه اختلاف دینی گو اینکه با کفار اهل کتاب ویا مشرکین وملحدین باشد مشروع است؟.

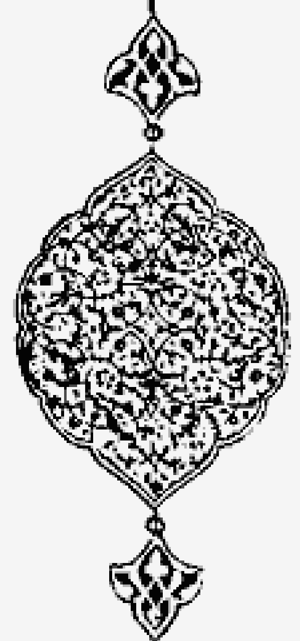
۳ ـ آیا مباهله در اختلافات دیگر جز امور مذهبی ودینی هم مشروع است واثر شرعی بر آن مترتب است یا نه مثلاً کسی با دیگری اختلاف مالی دارد وآن را به‌مباهله فیصله دهد واین مباهله در حکم یمینی باشد که قاطع دعوی است.

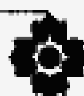
در قرآن مجید موضوع مباهلهٔ پیغمبر اسلام با نصارای نجران بیان شده است، ودر اختلاف میان شوهر وزن در خصوص اتهام زن از طرف شوهر نسبت به‌ارتکاب امر خلاف عفت با مرد بیگانه تشریع شده است با شرائطی که از آن جمله انجام این ملاعنه است در حضور حاکم شرع جامع‌الشرائط.

از اینکه مرحوم کلینی، بابی به‌این عنوان تنظیم کرده است واخباری از مقید ومطلق در آن فرا آورده استفاده می‌شود که جواب مثبت به‌همهٔ این سؤالات داده ومباهله را به‌عنوان یک قانون عمومی وکلی در همهٔ موارد، مشروع دانسته ولی عنوان باب بسیار کوتاه ومجمل است ونمی‌توان اطمینانی بدان داشت واز علماء وفقهاء هم در برابر این پرسش‌ها بیاناتی در دست نیست واین مسائل مورد تأمل وکاوش بسزائی است.

[٦٧] از مجلسی(ره) ـ بسا که شبانه‌روز بیست وچهار قسمت متساوی شود وهر قسمتی را ساعتی خوانند واین ساعات مستویه باشند وبسا که شب را به ۱۲ بخش کنند وروز را هم جدا ۱۲ بخش کنند وهر بخش را ساعت نامند، وبسا که ساعاتِ روز وشب برابر نباشند واین را ساعات معوجه نامند گویا مقصود از ساعات در این روایت به‌این اعتبار باشد وبسا که جزئی از شب یا روز را که حکم مخصوصی دارد، ساعت گویند کم باشد یا بیش.

[٦٨] از مجلسی(ره) ـ در ثواب الاعمال دارد که: بر آن درخت







میوه‌ها باشد بمانند پستانِ دوشیزه‌ها.

وحاصل این است که در درون میوه هفتاد جامه است که بهشتیان بپوشند واین میوهٔ دیگری است از میوه‌های آن.

[٦٩] از مجلسی(ره) ـ مقصود این است که مجموع توحید واستغفار از گناه بهترین عبادت است.

[٧٠] از مجلسی(ره) ـ «قوله من شهد» این اشاره دارد که مجرد گفتار بی‌قصد وعقیده پاداشی ندارد زیرا شهادت باید از صمیم قلب ادا شود خصوص با آنکه آن را مقید به‌اخلاص کرده است یعنی باید اخلاص در دین داشته باشد واخلاص در دین این است که آمیخته به‌هیچ نوعی از شرک نباشد مانند انکار رسالت وولایت یا معاد وآنچه ضروری دین است واین را در آخر خبر توضیح داده که فرموده است: کلمهٔ لااله‌الاالله از غیر اهل حق گرفته شود.

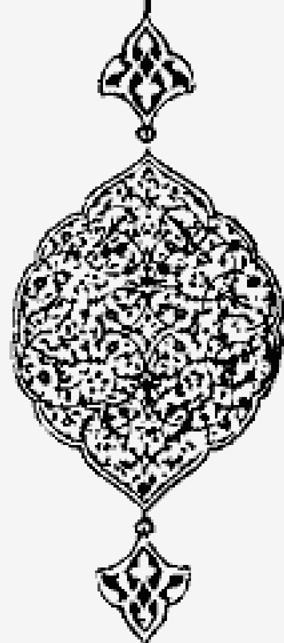
[٧١] از مجلسی(ره) ـ «سبعین مره» یعنی در یک مجلس هفتاد بار بگوید یا در یک شبانه‌روز چنانچه گفته شده است وبسا که (لا یفتل بالحبون) خوانده شده است یعنی دمل پیچ نشود تا آنجا که خفه گردد.

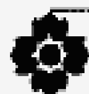
[٧٢] از طبرسی ـ «من في السمٰوات والارض» یعنی فرشته‌ها ودیگر مکلفین، در معنی «طوعاً وکرهاً» چند وجه است:

١ ـ سجده برای خدا واجب است، ولی مؤمن به‌دلخواه سجده کند وکافر به‌زور شمشیر ـ از حسن وقتاده وابن‌زید.

٢ ـ مقصود این است که همه برای خدا خاضعند، مؤمن به‌دلخواه وکافر به‌اکراه زیرا نمی‌تواند تحت تأثیر قضای الهی نباشد.

«وظلالهم» گفته شده است که مقصود خود اشخاص آنها است زیرا ظل در سجده پیرو انسان است. حسن گفته است: ظلّ کافر، سجده کند، وخودش سجده نکند. ومحققان گفته‌اند: معنایش این است که پیکرش







سجده کند نه دلش زیرا نیت عبادت ندارد.

[۷۳] از مجلسی(ره) ـ «یبث جنود اللیل» گویا مخذوفی دارد وآن جنود نهار است که به‌قرینهٔ روش سخن ناگفته مانده است، ودر برخی نسخ دارد که لشکریان خود می‌فرستد به‌طور عموم واین روشن‌تر است.

[۷٤] از مجلسی(ره) ـ «ولکن قل» دلالت دارد که افزودن چیزی به‌دعای وارد نشاید گرچه فزونی ستایش خدا وبجا در نظر آید زیرا بهره دعا به‌دستور است نه به‌خرد انسانی.

[۷۵] از مجلسی(ره) ـ «وتقرأ آیة الکرسي» شیخ در مفتاح گفته است: منظور در اینجا تا «هم فیها خالدون» است وآخر حشر از «ولو انزلنا هذا القرآن» است، وگفته‌اند: از «هو الله الخالق» است.

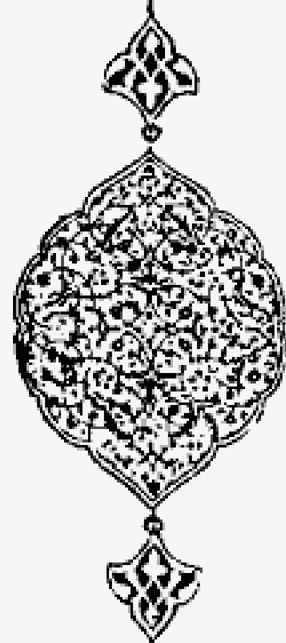
[۷٦] از مجلسی(ره) ـ «وحناناً من لدنا» گفته‌اند: مقصود این است که مهر ورحمت ما بر خود او یا رحمت ومهری که ما در دل او انداختیم نسبت به‌پدر ومادرش ودیگران.

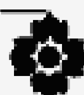
«وزکاةً» گفته شده: مقصود طهارت وپاکیِ روح است از پلیدی‌های شیطانی، یا مقصود از زکاة، صدقه‌ای است که خدا به‌پدر ومادرش عطا کرده ویا توفیق وقدرتی که به‌او داده است برای صدقه دادن به‌مردم.

[۷۷] از مجلسی(ره) ـ «فیقول الصبي» ـ من گویم: این جمله چند وجه دارد:

۱ ـ اینکه چون آن کودک در پیروی از دعائی که امام(ع) به‌او تعلیم داد وبه‌لفظ (رسولک) یا لفظ (محمد) رسید از پیش خود بر آن افزود الطیب المبارک وامام(ع) او را بر آن تقریر کرد وگویا می‌خواست آنها را هم بگوید ولی آن کودک پیشی گرفت وآن را گفت وامام هم تحسین کرد وکلام او را تقریر نمود ـ از مشایخ خود چنین شنیده‌ایم.

۲ ـ طیب در کلام توصیفی است که راوی از آن کودک کرده






وکلمهٔ مبارک را کودک ادا کرده است وامام طیب را هم بدان افزوده است ویه‌او یاد داده که در وصف پیغمبر(ص) بگو طیب مبارک.

[۷۸] از مجلسی(ره) ـ «ان لاتبیت لیلة» یعنی نخوابی واین معنا به‌طور مجاز است یا مقصود این است که در هیچ شبی کاری نکنی جز با این عوذات، یا مقصود این است که شب را نگذرانی جز با آنها واگر در آخر شب هم بگوید خوب است.

«تعوذ» یعنی خواندن آن در هر حال ودر هر وقت از شب وروز خوب است.

[۷۹] از مجلسی(ره) ـ «وجدته سدیداً» چند وجه دارد:

۱ ـ یعنی درستی وراستی آنچه برای تو گفتم در آخرت روشن شود یا در خواب.

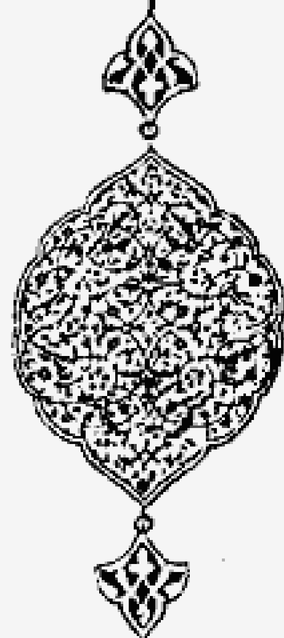
۲ ـ مقصود ظهور آثار آن باشد از روشن شدن دل که نشانهٔ آمرزش است چنانچه گفته شده، یا از توفیق وهدایت وفراهم شدن کار دنیا وآخرت.

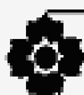
۳ ـ ظهور حالات روحانیه عجیبه از خواندن این دعا به‌شمارهٔ مذکور وبعید نیست همه دعاهای وارده از اهل عصمت چنین باشند.

[۸۰] از مجلسی(ره) ـ آیة الکرسی، یعنی تا کلمهٔ «العظیم» آخر آیه، یا تا «هم فیها خالدون» چنانچه گذشت.

شهد اللّٰه، یعنی آیهٔ «شهد اللّٰه» (۱۸ سوره آل‌عمران) مقصود این است که نصب دلیل بر وجود خود کرده است زیرا هر ذره‌ای از ذرات جهان شاهد وگواه او است ودر قرآن هم به‌وجود خود گواهی داده چنانچه فرموده است(۱۵ سوره طه): «انا اللّٰه لا اله الاّ انا» وفرشته‌ها با اعتراف به‌وی ادای شهادت کرده‌اند؛ ودانشمندان، با ایمان به‌او واقامهٔ دلیل به‌وجودِ او.

آیهٔ سخره در سورهٔ اعراف است(۵۴): «انّ ربکم الذی خلق السمٰوات والارض» تا «ربّ العالمین» گفته‌اند: تا «قریب من المحسنین»







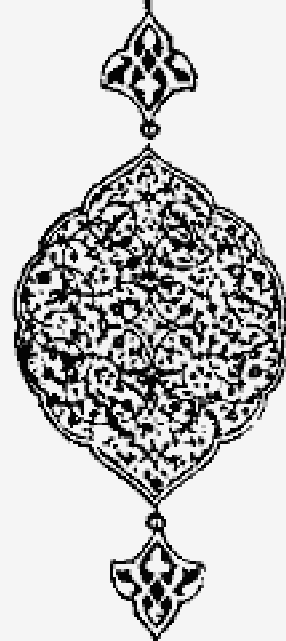
است چنانچه شیخ بهائی گفته است: وآن را آیهٔ سخره گفته‌اند چون دلالت دارد بر اینکه خداوند همه چیز را مسخرِ خود دارد و رامِ خویش نموده است.

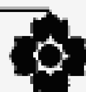
آیة السجده ـ مشهور این است که مقصود از آیة السجده دو آیه است از آخر سورهٔ حم سجده، از «سنریهم آیاتنا في الآفاق» تا آخر سوره. وگفته‌اند: مقصود همان آیهٔ پس از آیه سجده سورهٔ الم السجده است وآن این است(١٦ سوره الم‌سجده): «تتجافیٰ جنوبهم عن المضاجع یدعون ربهم خوفاً وطمعاً ومما رزقناهم ینفقون» زیرا با این مقام مناسب‌تر است واحوط جمع میان هر دو است.

[٨١] از مجلسی(ره) ـ در نهایه گفته است: عرض زمینه مدح وذم انسان است چه در خودش باشد چه در پدرانش چه دربارهٔ کسان وابسته به‌او، گفته‌اند: عرض آن جهتی است که انسان آن را حفظ می‌کند از خودش وحسبش ودفاع می‌کند از کاسته شدن وبر باد رفتنِ آن.

ابن قتیبه گفته: عرض، راجع به‌خود انسان است وتنش، نه جز آن ؛ واز این باره است حدیث ابن‌ضمضم: بار خدایا من عرض خود را به‌بندگانت صدقه دادم، یعنی هر که مرا عیب کند از او گذشتم ؛ واز آن است حدیث ابی‌الدرداء: از عرض خود وام بده برای روز نیازت، یعنی هر که تو را عیب گوید ومذمت کند از او مگذر وآن را در ذمه‌اش واگذار برای روز نیازت در قیامت، انتهیٰ.

وگفته شده است: معنی این حدیث این است که: من عرض خود را به‌خاطر تو برای مردم مباح کردم واگر مرا غیبت کردند وبد گفتند از آنها گذشتم ودر قیامت اجر آن را از تو خواهم زیرا تو فرمان دادی به‌عفو وگذشت. ووارد شده است که روز قیامت ندا رسد که: هر که بر خدا مزدی دارد برخیزد، وبرنخیزد جز کسی که در دنیا گذشت داشته باشد. واز پیغمبر روایت شده است که فرمود: آیا هرکدام شما عاجز هستید که چون





ابی‌ضمضم باشید که هرگاه از خانه‌اش بیرون می‌آمد می گفت: بار خدایا من عرضِ خود را به‌مردم صدقه دادم، مقصودش این بود که روز قیامت از آنها دادخواهی نکنم، نه اینکه به‌واسطهٔ این گذشت غیبتِ او حلال بوده، برای اینکه به‌مجرد مباح کردن عرض وآبرو حق ساقط نشود زیرا این خود صرف وعدهٔ گذشت است پیش از لزوم حق گرچه وفای به‌آن سزاوار است خصوص اگر برای خدا باشد. من گویم: در خصوص مورد حدیث که امام است عفو سودی ندارد زیرا ذم وغیبت امام کفر است وعفو ائمه دفع عقاب آن سود ندهد وبرای کافر در قیامت شفاعت نکنند چون پسند خدا نیست واین عفو برای تقیه یا رفع درجه است ونتیجه‌ای برای معفو ندارد.

«ان ترکت الناس لم یترکوك» گویا مقصود از ترک، ترک محاوره وگفتگوی با آنها است وعیب نکردن از آنها، ومقصود از رفض، گوشه‌گیری وترک معاشرت ومجالست ورفاقت با آنها است.

[۸۲] از مجلسی(ره) ـ «قال» یعنی ابو خدیجه گفته که: چون امام به‌منزلِ خود هم وارد می‌شد همین دعا را با کمی تغییر می‌خواند، یعنی بجای خرجت دخلت می‌فرموده است.

[۸۳] از مجلسی(ره) ـ «حوائج الدنیا» هرآنچه است که در زندگانی وبقاء در دنیا بدان نیاز است، وحوائج آخرت هرآنچه است که از آن سود آخرت به‌دست آید از همه امور خیر.

[۸٤] از مجلسی(ره) ـ در مفتاح الفلاح گفته: آیة الکرسی را تا «هم فیها خالدون» بخواند، ومشهور گفته‌اند: تا همان «العلي العظیم».

[۸۵] از مجلسی(ره) ـ این حدیث مطابق حدیث ۲ باب است، با اختلافی در اول سند.

[۸٦] از مجلسی(ره) ـ «وصدق قولي بفعالي» زیرا کردار، گواه راستی گفتار است، وکسی که مدعی ایمان به‌بهشت ودوزخ است وکاری



نکند که او را به‌بهشت نزدیک کند واز دوزخ دور سازد کردارش، گفتارش را تکذیب کند.

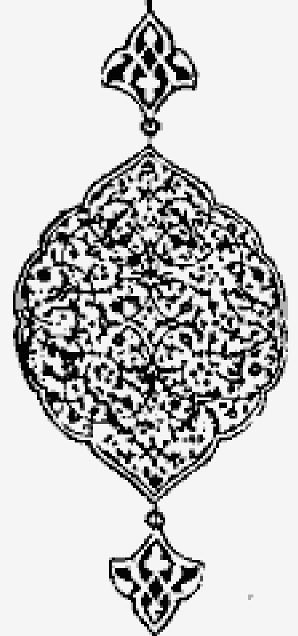
[۸۷] از مجلسی(ره) ـ مؤمنِ آل فرعون، ظاهر این است که مؤمنِ آل یس باشد چنانچه در اخبار دیگر است زیرا آیهٔ «یاقوم اتبعوا المرسلین» در داستان او است، وشاید این تعبیر خلاف از راویان باشد، وبرخی افاضل گفته‌است که: این دو مؤمن یک شخص بوده‌اند که عمرش دراز بوده است وبعد آن روشن است ومخالف اخبار وارده در باب هر دو مؤمن است.

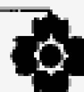
[۸۸] از مجلسی(ره) ـ «والذي نعرفه» این سخن از راوی است که علی بن‌الحکم باشد، می‌گوید: میان ما در دنبال دعای مذکور این عبارت معروف است بجای: ان یذهب اللیل ویجییُ الصبح بما جاء.

[۸۹] تفسیر این حدیث طبق روایت صاحب تهذیب در امالی خود از امام صادق(ع) این است که فرمود: هر که غم روزی خورد گناهی بر او نوشته شود، دانیال در دوران پادشاهی جبار وسرکش بود (بخت نصر) که او را گرفت در چاه افکند ودرنده‌ها را بر سر او ریخت وبدو نزدیک نشدند واو را از آن چاه برنیاورد وخدا عز وجل به‌یکی از پیغمبران وحی کرد که برای دانیال خوراکی ببرد، عرض کرد: پروردگارا، دانیال کجا است؟ خطاب رسید: از قریه بیرون شو وکفتاری تو را پیش آید، دنبالش برو تا تو را به‌او رهنماید؛ وآن کفتار او را بر سرِ آن چاه آورد که دانیال در آن بود وخوراک را برای او در چاه سرازیر کرد.

[۹۰] از مجلسی(ره) ـ «من عرشك» یعنی خصالی که عرش برای آنها سزاوار عزت است یا محل بست وبند آنها وحقیقت معنایش این است که به‌عزت عرش تو.

[۹۱] از مجلسی(ره) ـ فلک، را در مصباح گفته است: به‌معنی کشتی است مفرد ومذکر ومؤنث دارد، وممکن است با دو فتحه خوانده شود



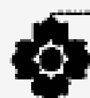




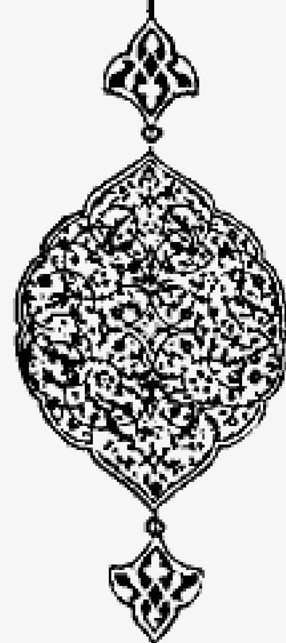
به‌معنی چرخ وبر این تقدیر مقصود موج هواء است وبه‌معنی اول دلالت دارد که خدا به‌هر کشتی فرشته گمارد.

[۹۲] از مجلسی(ره) - «لیست لعالم فوقه صفة» شاید مقصود این است که هیچ دانشمندی در صفت علم برتر از او نیست واعلم از او نیست، یا مقصود این است که دانشمندان نتوانند وصف او را از حد بگذرانند که بیش از آنش نسزد بلکه هرچه مبالغه کنند باز هم مقصرند.

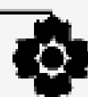


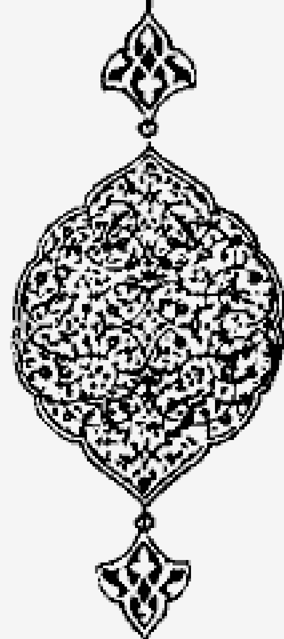



اصول کافی







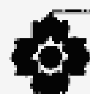


[شرحهای کتاب فضل قرآن]

[۹۳] این فصل اصول کافی به‌عنوان فضل قرآن مصدر است وقسمت اول اخبارش تا شمارهٔ ۱٤ عنوان وباب ندارد وپس از آن چند باب با عناوین مختلفه قید شده است که باز هم به‌عنوان یکی باب فضل قرآن است وخوب بود که کتاب‌القرآن تعبیر می‌شد، واخبار صدر این فصل با اخبار فضل قرآن در یک باب ذکر می‌شد.

[۹٤] از مجلسی(ره) ـ در نهایه گفته است: اصل معنی لفظ قرآن به‌معنی فراهم کردن است واز این راه کتاب خدا را قرآن گفته‌اند زیرا در آن قصص ووعد ووعید وآیات وسور با یکدیگر جمع شدند ولفظ قرآن مصدر است وگاهی بر همان صلوٰة اطلاق شود چون قرائت دارد وگاهی هم همزهٔ آن تخفیف گردد.

«کلام القرآن» گفته‌اند که سخن کردن قرآن عبارت از این است که به‌گوش می‌خورد واز آن فهم معنی می‌شود وهمین است حقیقت سخن

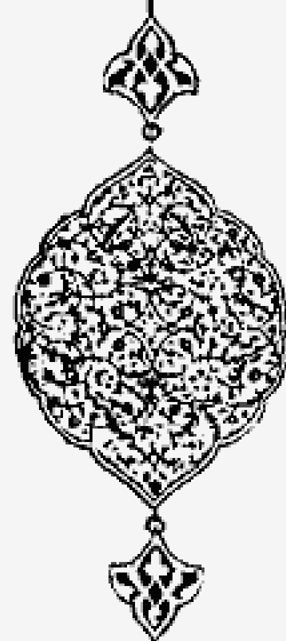




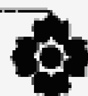
گفتن وشرطش نیست که از زبان موجود زنده‌ای باشد وهمچنین است مقصود از سخن گفتن نماز زیرا هر که نماز را بحق وحقیقتش بجا آورد، نمازش از پیروی دشمنان دین وزور بران حق ائمه راشدین ـ که هر که آنها را شناسد خدا را می‌شناسد وهر که آنها را یاد کند خدا را یاد کرده است ـ باز دارد، انتهی.

و در اخبار وارد است که مقصود از صلوٰة، امیر المؤمنین است؛ ومقصود از فحشاء ومنکر، ابوبکر وعمرند؛ وذکر الله، رسول خدا(ص) است، پس اینکه امام فرماید: نماز رجل است، ممکن است بر سبیل تنظیر باشد یعنی استبعاد ندارد که قرآن در حقیقت خود صورتی داشته باشد چنانچه از نظر بطن این آیه مقصود از لفظ صلوٰة هم یک مردی است یا مقصود این است که نماز هم صورت ونمونه‌ای دارد که بر آن مرتّب می‌شود واز آن ناشی می‌گردد وهمچنین است قرآن.

وممکن است مقصود از صورت قرآن در قیامت، امیرالمؤمنین(ع) باشد زیرا او دانشمند به‌قرآن است واخلاق قرآنی دارد چنانچه خود فرموده است: منم کلام الله ناطق، زیرا هر کس صفتی یا عملی یا حالتی دارد گویا جسد آن صفت وحالت است وآن صفت وحالت بوجود او مجسم شده است وبه‌این بیان امیرالمؤمنین(ع) پیکر قرآن ونماز وزکوة است وذکر الله است چون در آن به‌حد کمال است واین اسامی در باطن قرآن به‌او اطلاق شده است وبر مخالفین ودشمنانش فحشاء ومنکر وبغی وکفر وفسوق وعصیان اطلاق شده چون کاملاً در آنها موجود بوده‌اند وبوجود آنها مجسم شده بودند واین صفات ذمیمه چون جان آنها بوده است. در حمل این خبر چنین به‌ما افاضه شده وبه‌وسیلهٔ آن اخبار بسیاری حل خواهد شد، پایان کلام مجلسی(ره).

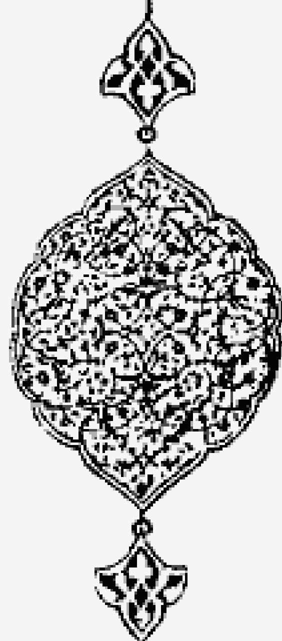


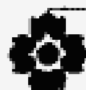
من در اینجا شرحی را که دربارهٔ قرآن در مقالهٔ شانزدهم جلد سوم



کتاب «الدین في طور الاجتماع» عربی خود مطبوع نجف در سنهٔ ۱۳۵۶ هجری قمری است عیناً ترجمه می‌کنم.

قرآن کلامی است که از مبدء غیب در قالب دل پیغمبر(ص) ریخته شده است واز زبان او سر بر زده در جلوه الفاظ منظم بشری که مرکب است از مفرد وجمله، ومؤلف است از حروف وصور ودر نظم واسلوب خود کاملاً ممتاز واز دیگر سخن‌ها جدا است، از نثر مرسل به‌وسیلهٔ سجع موزون وآغاز وانجام آیاتش ممتاز است واز شعر وتصنیف به‌وسیلهٔ برکناری از ملازمت وزن وقافیه وچون قرآن با ترکیب روان وسیل‌آسای خود بر تو خوانده شود وگوشت را به‌فواتح وفواصل آیات خود بند کند ودر آیاتش نه ضرب وعروضی وجود دارد ونه قافیه وقریضی ولی نظم سخن در آن بهم بسته وپیوسته است تا آنجا که قریحهٔ شاعرِ سخن‌سرا وخطیب سخنور را فرسنگ‌ها پشت‌سر انداخته است از تألیف کتاب نویسان این امتیاز را دارد که رشتهٔ سخن را به‌یک موضوع اختصاص نمی‌دهد وهنوز گوش مستمع از بیان یک موضوع خسته نشده است که در فنونی از گفتار وانواعی از معانی وارد بحث می‌شود در عین حالی که برایت داستان گذشتگان را بیان می‌کند چون بیم دهنده‌ای به‌تو اعلامِ خطر می‌نماید وگوشت را از مژده وبشارت مبشران پر می‌کند ودر این میان که تو را به‌احکام دین پرورش می‌دهد سرانجام پرهیزکاران را برایت بیان می‌کند وهلاکت کفار را شرح می‌دهد در همان حالی که تاریخ مردم دیرین را به‌تو می‌آموزد تو را به‌مبارزه ونبرد با سرکشان ومفسدان تشویق می‌نماید ودر میان شرح همه این مباحث مختلفه، عقائدِ پرارزش ومعارف پربهائی به‌تو درس می‌دهد که روحِ آزادی ونوع‌پروری ورژیم‌های حکم‌روانی وساست‌های مدنی را در تو تقویت می‌نماید، قرآن مجید از همه فنون کلام فصحاء وسخن‌سرایان عرب ممتاز است از شعر ونثر وخطابه وهم از همه تألیفات وکتاب‌نویس‌ها قدیم وجدید وشرقی وغربی جدا وممتاز



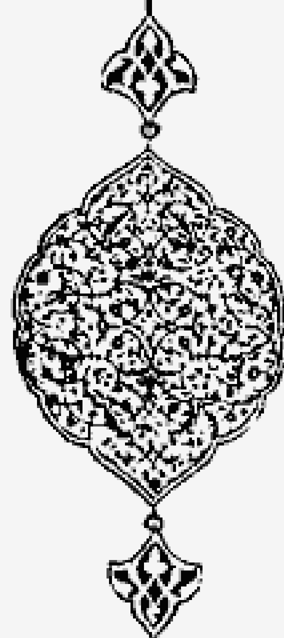


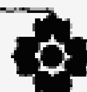


است، راستش این است که قرآن مجید گفتاری است جدا کنندهٔ حق وباطل وواقع بین وشوخی وسرسری نیست انواع مقاصد واطراف سخن با بیانی فرازنده وجمله‌بندی برازنده در آن فراهم شده است ومردم عادی وبسیار ساده وهمزبان از آن استفاده کنند وبا آن مأنوس شوند وگویا همان گفتار خود آنها است که در شب‌نشینی‌ها بدان داستان‌سرائی کنند وهیچگونه تعبیرات زشت ونامأنوس وناآشنائی در الفاظ آن وجود ندارد نه در مفردات آن تنافر وکلمه‌های زننده وجود دارد نه در جمله‌بندی‌ها وترکیباتش تعقید وابهام وگرهی هست با این ظاهر ساده ومأنوس پر معنا وپر مغز وعمیق است که خردِ بزرگترین فلاسفه در فهم آن سرگردان است واندکی از آن به‌مجلدهای سطبر از معارف وعلوم تفسیر می‌شود.

[۹۵] ممکن است مقصود این باشد که امر امامت حقّ این خانواده‌ها نبوده است وبه ناحق متصدّی آن گردیده‌اند، در این صورت بیان حکم واقع است و مقصود از خلافت، امامت بر حق است و محتمل است مقصود این باشد که این خانواده‌ها تا ابد حکم و خلافت ظاهری را هم دیگر به دست نخواهند آورد و خاندان آنها بواسطهٔ ظلم و ستمی که روا داشتند از تصدّی خلافت منفصل ابدی شدند، در این صورت اِخبار از آینده است و یک پیشگوئی است که در شمار ملاحم است در صورتی که در تاریخ آینده حدیث بنی‌فاطمه سلطنت‌هائی برپا کردند و در اطراف جهان به حکومت‌های دراز و کوتاه رسیدند که هنوز هم دنبالهٔ آنها باقی است.

[۹۶] از مجلسی(ره) ـ طوال، یعنی سورهٔ دراز، وآن: البقره وآل‌عمران والنساء والمائده والانعام والاعراف والانفال به‌همراه التوبه، زیرا این دو را قرین خوانند چونکه میان آنها بسم‌الله فاصله نشده است، وگفته‌اند: هفتمین سوره‌های طوال سورهٔ یونس است واین سوره‌ها را طوال گویند چون بلندترین سوره‌های قرآنند. واما مثانی، همان سوره‌هایند که دومی طوالند






وپهلوی آنها درآمده‌اند، از سورهٔ یونس تا سورهٔ النحل. وگویا طوال مبادی هستند ومثانی دومینِ آنها بشمار باشند.

وگفته شده است که: همه سوره‌های قرآن از کوتاه وبلند، مثانی هستند چون خدا فرماید: «کتاباً متشابهاً مثانی تقشعر» (واین توصیف راجع به‌همهٔ قرآن است) ووجه این نامگذاری این است که حدود وامثال در آن دوبار ذکر می‌شود.

وگفته شده است که: مثانی، همان سورهٔ حمد است، واین از امامانِ ما(ع) روایت شده است. واما صده‌ها، پس هر سوره‌ای باشد که در حدود صد آیه است یا اندکی بیش ویا کم وآنها هفت سوره‌اند که نخست سورهٔ بنی‌اسرائیل است وآخرش سورهٔ المؤمنون است، وگفته شده است: صده، همان سوره‌های پس از طوالند ومثانی پس از آنهایند که کمتر از صد آیه‌اند وبیشتر از مفصل وآنها را به‌اعتبار آغاز شمردن صده‌ها مثانی گویند. وسوره‌های مفصل پس از حم‌ها باشند تا آخر قرآن.

[۹۷] یعنی بوی خوب از او درک نمی‌شود.

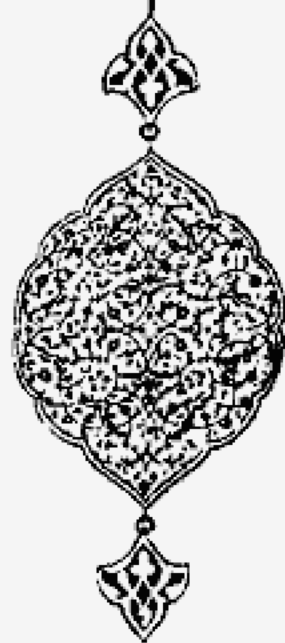
[۹۸] از مجلسی(ره) ـ وشاید مقصود از اولین سابقان در ایمان به‌خدا ورسولند.

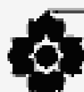
[۹۹] از مجلسی(ره) ـ شاید تعبیر به‌این مضمون برای بیان اختلاف مراتب فضیلت است ومقصود این است که گرچه همه اقسام ختم قرآن فضیلت دارند ولی در سه درجه قرار دارند:

۱ ـ از جمعه آغاز کند ودر جمعه آینده ختم کند وهمه را در ظرف یک هفته بخواند.

۲ ـ در جمعه ختم کند گرچه آن را در کمتر از هفته بخواند یا در دو هفته مثلاً بخواند.

۳ ـ یک ختم قرآن در مکه بخواند به‌هر نحو میسر شود.





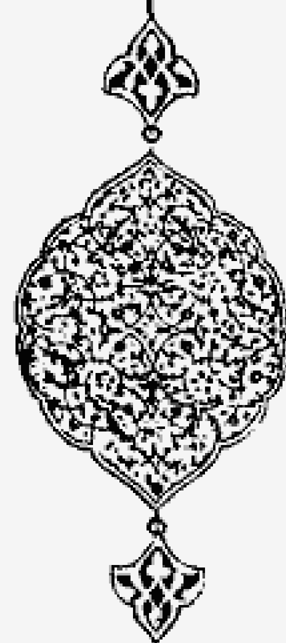


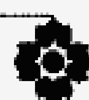
[۱۰۰] از مجلسی(ره) - «حرفا ظاهرا» شاید مقصود این است که مدغم نباشد وحروفی نباشد که در درج کلام ساقط می‌شوند، پایان نقل از مجلسی(ره).

من گویم: روشن‌تر این است که مقصود حرفی باشد که معلوم شود از قرآن است یعنی در ضمن جمله‌ای باشد از قرآن که ممتاز گردد از کلام دیگر وقرآنیت آن محرز گردد واز این حدیث استفاده شود که مجرد نیت برای تحقق قرآنیت کافی نیست واین خود یک بحث پردامنه‌ای است که در مسائل فقهی مورد توجه است:

۱ - بسم اللّٰه، در فقه شیعه جزء سوره است وگویند: اگر با قصد سوره معینی بسم اللّٰه گفت وخواست سورهٔ دیگر بخواند باید بسم اللّٰه را به‌قصد آن سوره اعاده کند.

۲ - مس کتابت قرآن برای بی‌طهارت حرام است، اگر یک کلمه را به‌قصد قرآن نوشت همین حکم حرمت بر آن مترتب است، وخلاصه اینکه قرآن بودن امری است قصدی وبقصد خواننده تحقق یابد ولی این حکم مورد اعتراض است وقرآن بودن هر کلام یا جزء بودن بسم اللّٰه برای هر سوره معین به‌ممیز خارجی است نه بصرف قصد خواننده مانند سائر اموری که ممیزات خارجی دارند وتعین بسم اللّٰه به‌عنوان جزئیت یک سورهٔ خاص به‌این است که آن سوره بعد از آن خوانده شود وتعین یک لفظ برای اینکه قرآن باشد به‌این است که اندازه‌ای از سائر الفاظ قرآن بدان ضمیمه شود که شناخته شود قرآن است چون قرآن از نظر ذات کلامی است ممتاز ودر حد اعجاز، پس بسم اللّٰه جزء مشترکی است از همه سوره‌ها مانند یک خشت که جزء مشترک مسجد ومدرسه است وچنانچه جزئیت آن برای مسجد به‌این است که سائر مشخصات مسجدی با آن ضمیمه شود جزئیت بسم اللّٰه هم برای سورهٔ خاص در صورتی است که مشخصات آن سوره با آن ضمیمه شود وچنانچه قصد





بناء به‌اینکه این آجر که بکار می‌گذارد جزئی از مدرسه یا مسجد باشد اثری ندارد در اینجا هم همین طور است واینکه امام می‌فرماید حرف ظاهری از قرآن را بخواند یعنی حرفی که به‌وسیلهٔ ضمیمه شدن اجزاء مشخصه دیگر معلوم شود که قرآن است نه اینکه صرف تلفظ به‌یک حرف ولو اینکه به‌قصد قرآن باشد کفایت کند وموجب این ثواب باشد.

[۱۰۱] از مجلسی(ره) ـ شاید مقصود این است که هرچه را از قرآن می‌داند تا آخرش بخواند ثواب ختم تمام قرآن را دارد واگرچه در واقع قرآن بیش از آن است.

[۱۰۲] از مجلسی(ره) ـ در اخبار عامه است که آن را چون دقل پراکنده مکن ودقل چنانچه در نهایه گفته است: خرمای بدو خشکی است که با هم پیوند نمی‌شود وپراکنده می‌گردد، ومقصود این است که کلمات قرآن را پیوسته ادا کن که از هم دور نشوند وپراکنده گردند وشنونده را سرگردان سازند.

[۱۰۳] تاب نیاوردن مردم برای شنیدن آوازه خواندن قرآن یا به‌واسطهٔ آن است که آن را غیر جائز می‌شمرند وبر امام اعتراض می‌کنند ومثلاً می‌گویند: سرود خوانی است، وروا نیست ویا برای این است که خود را از دست می‌دهند وبیهوش می‌شوند.

[۱۰۴] از مجلسی(ره) ـ «و اشار بیده» گویا اشاره کرد که خاموش باش.

[۱۰۵] از مجلسی(ره) ـ در نهایه گفته است: هاء لفظی است که برای آگاه کردن مخاطب آورند واو را بدانجا که رشتهٔ سخن کشیده خبردار کنند.

[۱۰۶] از مجلسی(ره) ـ «اربعمائة شهید» شاید مقصود شهیدان غیر از امت اسلام است، یا اینکه به‌اندازهٔ ثواب آنها به‌وی دهند گرچه




به‌شهیدان از راه تفضل ثواب بیشتری دهند.

[۱۰۷] آیة الکرسی، تا «هم فیها خالدون» اعتبار شده، وآیهٔ ملک تا «ترزق من تشاء بغیر حساب» که هرکدام دو آیه می‌شوند از نظر آیه‌شماری مضبوط در قرآن مجید واطلاق آیه بر مجموع از نظر اعتبار جنس است.

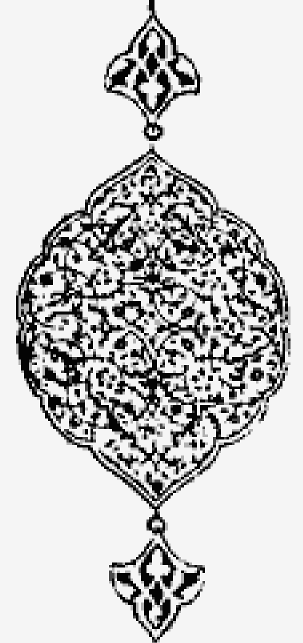
[۱۰۸] از مجلسی(ره) ـ در مجمع البحار گوید: در حدیث است که هرکه مسبحات را بخواند، یعنی سوره‌هائی که آغازِ آنها «سبّح لله» یا «سبحان» یا «سبح اسم ربك» است، در تهذیب گفته است: مسبحاتِ سوره‌ها آنهایند که با کلمهٔ «سبح» یا با کلمهٔ «یسبح» آغاز می‌شوند، پایان نقل از مجلسی(ره).

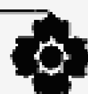
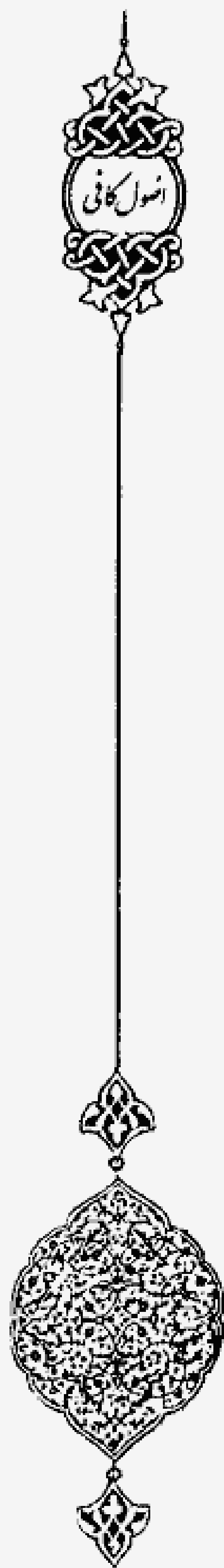
من گویم: این سوره‌ها عبارتند از:

۱ ـ سورهٔ الاسریٰ ۲ ـ سورهٔ الحدید ۳ ـ سورهٔ حشر ٤ ـ سورهٔ صف ۵ ـ سورهٔ جمعه ٦ ـ سورهٔ تغابن ۷ ـ سورهٔ الاعلیٰ.

[۱۰۹] از مجلسی(ره) ـ ممکن است ثلث وربع بر سبیل تخمین باشد یا بمجرد بخش بر ۳ و ٤ واگرچه همه اقسام با هم برابر نباشند یا تقسیم برابر اعتبار معانی وبطون آیات است.

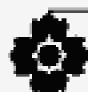
[۱۱۰] از مجلسی(ره) ـ گویا مقصود از این حدیث، نهی از بیان وقوع امور است در آینده به‌وسیلهٔ استنباط از قرآن یا بیان امور نهانی به‌وسیلهٔ آن، وخلاصه اینکه نباید قرآن را وسیلهٔ پیش گوئی ویا کشف اسرار نهانی ساخت نه اینکه مقصود نهی از استخارهٔ با قرآن باشد زیرا خبر داده شده که استخاره با قرآن جائز است چنین گفته شده، وشاید مقصود این است که بشنیدن قرآن یا دیدن آن نباید فال زد وآن را به‌دل گرفت چنانچه رسم عرب‌ها بوده که به‌مجرد شنیدن برخی آوازها ویا دیدن بعضی چیزها فالِ خوش برای خود می‌زدند ویا آن را به‌فالِ بد می‌گرفتند وشاید سرش این باشد که در صورت عدم ظهور اثر، نسبت به‌قرآن بدعقیده یا سست‌عقیده می‌شوند،



پایان نقل از مجلسی(ره).

من گویم: استخاره، بمعنی طلب خیر در کارها از خداوند وامیداینکه هر اقدامی انسان می‌کند سرانجامِ خوش ونتیجهٔ دل‌خواهی داشته باشد، امری است که عقلاً مستحسن است ودر شرع هم تأیید شده است وبرای آن دستوراتی رسیده که در باب خود مذکور است واین هیچ ربطی به‌فال زدن وفال گرفتن ندارد، واستخاره به‌معنی متعارف امروزه که برای تشخیص خوبی وبدی سرانجام کار است اگر به‌منظور پیشگوئی انجام شود، نوعی از فال‌گیری محسوب است ولی اگر به‌منظور طلب الهام از درگاه خدا باشد به‌این معنی که استخاره کننده از خدا بخواهد که اگر کاری که می‌خواهد در آن اقدام کند سرانجام خوب وسودمندی دارد به‌دلِ او اندازد که خیر است واگر سرانجامِ بد وزیان‌بخشی دارد به‌دلِ او اندازد که بد است، این خود یک نحو دعا ودرخواستی است، ومعنی فال زدن وفال گرفتن ندارد ونوعی از دستورهای الهی است وقابل تشریع است، یعنی صحیح است که شرع مقدس برای الهام جوئی از درگاه خدا وسیله‌ای مقرر کرده باشد ودستوری داده باشد وراهی در برابر بندگان گشوده باشد، والبته محتاج به‌دلیل معتبری است ودلیل جواز وصحت استخاره به‌وسیلهٔ قرآن مجید وارد شده است چنانچه مجلسی(ره) بیان کرده وروایتِ آن می‌آید، ومنظور از استخاره به‌قرآن این است که انسان با توسل بدان از خداوند طلب الهام کند ودرخواست کند که اگر کاری که اقدام می‌کند خیر است خیر بودن آن را به‌دلِ او اندازد تا رغبت در انجامِ آن پیدا کند واگر بد است، بد بودنِ آن را به‌دلِ او اندازد تا از آن صرف نظر کند چنانچه استخاره به‌معنی طلبِ خیر هم که اخبار بسیار وآداب ونماز برای آن وارد شده است، در حقیقت به‌معنی این است که خداوند وسائل واسباب خیر را برای انسان فراهم کند چون این عالم، عالم اسباب است ویکی از وسائل مؤثر در جلب خیر، علم فاعل به‌خیر بودن کاری



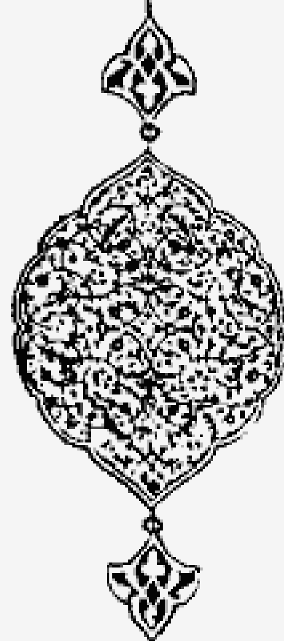


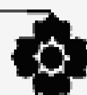
است که داعی اقدام او برای انجام آن می‌شود ویکی از وسائل مؤثر دفع ضرر وبدی همان عقیده به‌بد بودن وزیان آن است که باعث خودداری از انجام آن است، واستخاره به‌این معنی یکی از ابواب خیر است ودلیل تشریع آن از توسل به‌قرآن مورد اعتبار است ولی از نظر توسل به‌تسبیح، مورد تردید واعتراض است زیرا دلیل معتبری از کتاب وسنت بر تشریع وتجویز استلهام با تسبیح وجود ندارد، وخصوص انجام عمل شمارش وترتیب اثر بدان به‌فال گیری می‌ماند وما شرح استخاره با قرآن وشرائط آن را در مورد خود بیان می‌کنیم انشاءالله.

[۱۱۱] از مجلسی(ره) ـ مختم را گفته‌اند: به‌معنی این است که نشانهٔ پایان آیه‌ها با طلا بوده وممکن است مقصود از: مختم بالذهب، این باشد که نقش وسط جلد یا آغاز وانجام طلا بوده یا حاشیهٔ آن با طلا آراسته بوده است، پایان نقل از مجلسی(ره).

من گویم: لفظ حدیث مبهم است از این نظر که مقصود یک مصحفی است یا کتابی که در ضمن آن آیات سور قرآن بوده است.

[۱۱۲] از مجلسی(ره) ـ از نهایه است که در حدیث آمده: قرآن به‌هفت حرف نازل شده که همه کافی وشفابخشند، قصد او از حرف لغت است، یعنی بر هفت لغت از لغات عرب نازل شده است یعنی این هفت زبان مختلف عربی در قرآن هستند وبعضی تعبیراتش به‌زبان مخصوص قریش است وبعضیش به‌زبان هذیل وبعضی از آن به‌زبان هوازن وبرخی به‌زبان یمن ومقصود این است که در یک حرف هفت وجه است علاوه بر اینکه قرائت قرآن هفت تا ده روش دارد چون کلمهٔ مالک یوم الدین وعبد الطاغوت واز آن مصادری که این موضوع را توضیح می‌دهد گفتار ابن‌مسعود است که من قراءات قراء را شنیده‌ام ودر قرائت به‌هم نزدیک هستند بخوانید قرآن را چنانچه آموخته‌اید همانا اختلاف در تعبیرات قرآن مانند آن است که یکی از



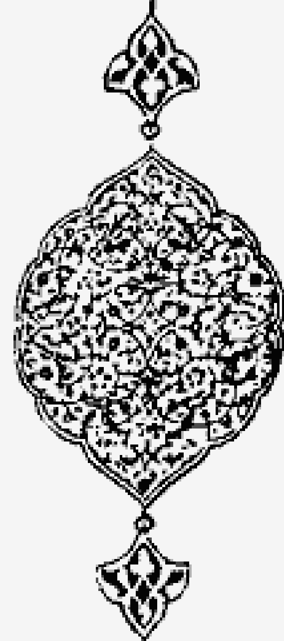


شماها بگوید: هلم(بیا)، یا به‌عبارت دیگر بگوید: تعال، یا بگوید: اقبل، که همه این الفاظ یک مقصود را می‌رسانند ودر شرح این حدیث جز این اقوال دیگری هم هست که این قول از همه بهتر است وحرف در اصل لغت طرف وجانب است وبه‌این تناسب حرف را در حروف هجاء بکار برند، پایان نقل از مجلسی(ره).

من گویم: شک نیست که لغت عرب پردامنه ووسیع بوده است در همان دوران نزول قرآن ودر مفردات وعلامات قبائل مختلفه با هم اختلاف داشته‌اند ولی دورنمای همه یک لغت بوده است وبا امتیازات خود از سائر زبان‌ها جدا بوده است، قرآن با اسلوب کامل فصیح‌ترین زبان‌های قبائل صریح حجاز ونجد ویمن در قالب کامل‌ترین جمله‌بندی‌ها وتعبیرات عربی ریخته شده است ودر حقیقت مطابق فشرده ومنتخب لغات فصیحه ومعموله دوران نزول است که از آن به‌لغت مضر تعبیر شده است، مضر جدّ اعلای کلیهٔ قبائلی است که در محیط حجاز ونجد وتهامه ویمامه زندگی می کرده‌اند.

در این هم شکی نیست که قرآن با تعبیرات مختلفه وقرائت‌های مختلفه در محیط اسلامی نشر شده است وسلسلهٔ این قراءات مختلفه هم به‌اصحاب پیغمبر می‌رسند که خود از زبان پیغمبر تعلیم گرفته‌اند وبه‌شاگردان خود آموخته‌اند وتا هفت، بلکه ده از این قرائت‌های مختلفه را متواتر دانسته‌اند یعنی بطور قطع سلسلهٔ آنها بخود شخص پیغمبر(ص) می‌رسد واز زبان آن حضرت شنیده شده است، ونتیجه این است که خود پیغمبر در آموزش قرآن تعبیرات مختلفه داشته، مانند یک شاعر ویا مؤلف که برای تعبیرات خود نسخه بدل ضبط می‌کند ویک عبارت نظم ویا نثر خود را به‌دو ویا چند تعبیر ادا می کند واین تعبیرات مختلفه دو وجه دارد:

۱ ـ تعدد نزول که برخی کلمات چند بار به‌آن حضرت نازل شده وهر بار موافق قرائتی بوده وپیغمبر یا به‌مناسبت آموزنده‌ها به‌هر کدام تعبیری



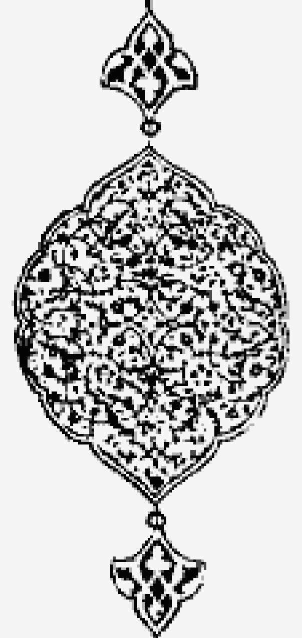


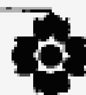
را تعلیم داده ویا همه را به‌همه تعلیم داده وهر کدام طبق ذوق خود یکی را انتخاب کرده وبه‌شاگردان خود آموخته است.

۲ - اینکه آنچه به‌شخص پیغمبر(ص) نازل شده، یک تعبیر بوده است وخود پیغمبر رخصت داشته که برای آن یک نسخه بدل بیان کند به‌مناسبت حال شاگردان وبنابر این قرآن هم مانند نماز فرض‌الله وفرض‌النبی دارد چنانچه در بعضی اخبار وبیشتر از طریق عامه آمده است که جبرئیل به‌پیغمبر عرض کرد: به‌امتت بگو: قرآن را به‌یک حرف(یعنی لغت) بخوانند، گفت:

نمی‌توانند، وجبرئیل بالا رفت وپائین آمد وگفت: به‌آنها بفرما: با دو حرف بخوانند، باز پیغمبر(ص) فرمود: نمی‌توانند، وتا سه بار یا هفت بار رخصت دریافت که به‌آنها توسعه دهد وبفرماید که آن را به‌هفت حرف بخوانند. در این صورت همه قرائت‌های ثابته وقطعی قرآنند یا به‌تعبد نزول یا واسطه رخصت داشتن پیغمبر(ص) در اختلاف تعبیر.

و مقصود از این‌اخبار که می‌فرماید: قرآن‌به‌یک حرف نازل‌شده‌است واز جانب خدای یگانه‌است این‌است که همهٔقرائت‌ها را خداوند نازل کرده‌است وتعبیر خدااست، وهمه، قرآن‌است وکسی حق نداشته ونتوانسته‌از طرف‌خود تعبیری در قرآن‌بگنجاند ونخواهد توانست. وروایت دوازدهم باب که می‌فرماید:اختلاف از طرف راویان‌است یعنی‌اختلاف در تفسیر ودر تطبیق مقاصد قرآنی نه‌اختلاف در تعبیر طبق‌قرائت‌های ثابته وگرنه لازم‌آید که قرآن به‌اعتبار قرائت‌های مختلفه تحریف به‌زیاده شده باشد، واین خلاف مسلّم‌میان همهٔمسلمین‌است واگر زمینهٔ امکان گنجاندن‌یک کلمهٔ بشری در قرآن باور شود، گنجانیدن یک‌جمله ویک‌آیه هم بمیان‌می‌آید بااینکه برخی‌آیات‌قرآن همان یک‌حرف‌است چون حروف مقطّعهٔ اوائل‌برخی سوره‌ها یا مانند کلمهٔ «مُدْهامَّتانِ» در سورهٔالرحمن، وفتح این باب خرق‌ناموس





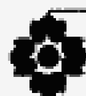
دیانت اسلام وایجاد تزلزل‌در مدرک‌اساسی وخلل‌ناپذیر قرآن مجید است، نعوذ بالله من‌الخذلان.

[۱۱۳] این دو حدیث وحدیث ۲۳ آینده در این باب اشعار دارند که در الفاظ قرآن موجود تغییراتی رخ داده است وآیات منزله با این قرآن موجود تطبیق کامل ندارد واین تردید در همان صدر اسلام هم در دلِ برخی افتاده است وروایت ۱۵ هم بدین تردید اشارت دارد ولی ادله محکم وفراوان دلالت دارند که متن قرآن همین است که در دست مسلمین است وهمین است که بر پیغمبر اسلام نازل شده است وپیغمبر اسلام آن را با همین صورت موجوده به‌امت خود تسلیم کرده وعلم به‌حقائق واجراء صحیح ونگهبانی آن را به‌خاندانش سپرده است واین سفارش مسلم وقطعی خود را صادر کرده است که:

انّي تاركٌ فيكم الثقلين، كتاب الله وعترتي - راستی که من دو وزنهٔ بزرگ اسلام را بجایِ خود می‌گذارم، کتاب خدا وعترت وخاندانم را.

۱ - از نظر تعقل واعتبار صحیح باید گفت که اگر دست تحریف وتغییر به‌این کتاب مقدس راه یافته بود بر اثر بروز اختلافات جدی وریشه‌دار میان طوائف مسلمین از نظر سیاسی وعلمی واعتقادی بکلی شیرازهٔ اسلام از هم پاشیده بود وقرآن از میان رفته بود، بعلاوه توجه مسلمانان از زمان وفات پیغمبر به‌حفظ وتدوین قرآن در صورتی که هنوز صدها نفر بودند که قرآن را سراسر از پیغمبر آموخته ودر خاطر داشتند راهِ هرگونه تغییر وتحریفی را بسته است.

۲ - دلالت خود قرآن بر مصونیّت آن از دستبرد و تحریف (۴۱ سوره‌حم‌سجده): «راستی که آن کتابی‌است عزیز ومصون‌ازتعرّض (۴۲) باطل از پیش وپس در آن راه ندارد، نازل شده است از طرف خدای حکیم وحمید».





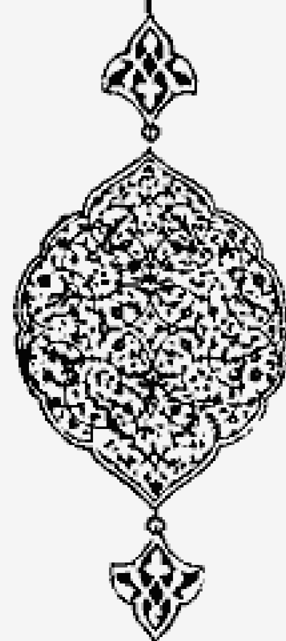
(۹ سوره حجر): «راستی که ما خود هستیم که قرآن را فرود فرستادیم وراستی که ما خودمان آن را حافظ ونگهداریم». ودر مجمع‌البیان هم بدین تعبیر قاطع اتفاق مسلمانان را وخصوص شیعه را از سید مرتضی نقل کرده است.

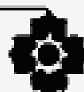
[۱۱٤] از مجلسی(ره) ـ گفته‌اند: مقصود از ضربِ قرآن بعضی بر بعضی، تفسیر قرآن وجمع میان آیه‌های آن است واستنباط احکام از آن زیرا جز معصوم این کار را نتواند، وممکن است مقصود همان معنی ظاهر باشد (یعنی دو جزوه از قرآن را به‌هم بکوید به‌قصد خوار شمردن واهانت که موجب کفر است) یا مقصود از کفر، فسق است بطور مجاز. شیخ صدوق در کتاب معانی‌الاخبار پس از نقل این حدیث گفته است: من از محمد بن الحسن معنی این حدیث را پرسیدم در پاسخ گفت: مقصودِ آن این است که مردی از تفسیر آیه‌ای به آیهٔ دیگری جواب دهد، انتهی.

وممکن است مقصود او هم همان باشد که ما در اول ذکر کردیم، پایان نقل از مجلسی(ره).

من گویم: اگر این جمله را به‌این جملهٔ ساده ترجمه کنیم که: هر که قرآن را برهم بزند کافر است، معنی روشنی دارد زیرا برهم زدن چیزی پریشان کردن وویران نمودنِ آن است.

[۱۱۵] سازمان هر زبانی دارای مفردات وجمله‌بندی‌های سخن واشاراتی است که هر کدام در بیان مقصود سخنور وظیفه‌ای را انجام می‌دهند از نظر مفردات لغت وجمله‌بندی‌های آن، میزان برتری لغتی بر لغت دیگر توسعهٔ تعبیرات است واهل هر زبانی که اطلاعات بیشتر ومحیط زندگی وسیع‌تر دارند لغت‌های بیشتری بکار می‌برند زیرا تعبیر از همهٔ آنچه در محیط زندگی آنها است جزء زندگی آنها است واین توسعه را خواه نخواه پدید می‌آورد وتوسعهٔ تعبیرات وجمله‌بندی‌های بیشتر در هر زبان از نظر توسعهٔ






ادبیات وعلوم اهل آن زبان است هرچه دائرهٔ ادبیات وتعلیمات دینی وعلوم در زبانی وسیع‌تر باشد جمله‌ها وتعبیرات دیگری بایست می‌شود.

ولی از نظر اشارات زبان، برتری زبانی به‌زبانی وابستهٔ هرچه دقیق‌تر بودن وعلمی‌تر بودن آن زبان است از نظر ادای مقاصد، واین اشارات مندرجه در لغت وزبانی برای مقاصد شاهکار بلاغت وشیوائی وسخن‌رانی است ودائرهٔ بسیار وسیعی دارد که ما بدانها اشاره می‌کنیم:

۱ ـ اعراب، یعنی علائمی در آخر هر لفظ برای نشان دادن مقصود از آن لفظ که فاعل است یا مفعول یا مضاف‌الیه.

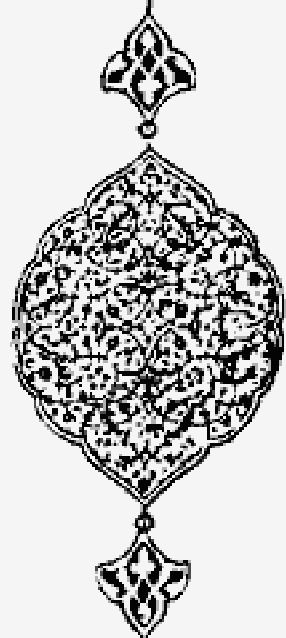
۲ ـ نشانه‌هائی برای اینکه لفظ به‌چه تعلق دارد، ومتعلق آن مرد است، زن است، یکی است، چندتا است.

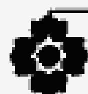
۳ ـ ترکیب وجمله‌بندی از نظر چیدن الفاظ در ردیف هم، وکدام جلو باشد وکدام عقب وکدام در وسط.

۴ ـ الفاظی که در لابلای کلام آیند وروابط اجزاء سخن را بفهمانند که معمولاً از آنها به‌حرف تعبیر کنند در برابر اسم وفعل ومی‌توان از آنها به‌ملاط سازمانِ سخن تعبیر کرد.

وهر کس اطلاعی به‌اصول ادبیات زبان‌ها داشته باشد می‌داند که زبان عرب از جهاتِ بالا بر هر زبانی برتری دارد ودر ادای مقاصد گویاتر است به‌همین جهت هر مقصودی که با هر زبانی ادا شده است با آن بطور کامل ادا می‌شود ولی بسا مقاصدی که با زبان عرب ادا شده است وبا هیچ زبان دیگری بطور کامل نمی‌توان ادا کرد واز این جهت است که برخی اشعار عرب وامثال سائره در زبان عرب وبرخی آیات مقدسهٔ قرآن ترجمه ندارند وبا زبان دیگری از مقصودِ کامل مندرج در آنها نمی‌شود تعبیر کرد واز این قبیل شمرده شده است:

آیهٔ (۱۱ سوره کهف): «فضربنا علیٰ آذانهم» ـ که مقصود این



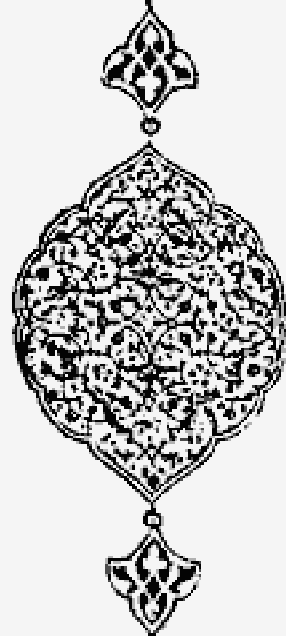


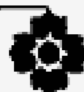


است که خوب را بر آنها مسلط کردیم، ولی این تعبیر با کنایه را نمی‌شود به‌زبان دیگر ترجمه کرد ویکی از نکات دقیق فهم مقاصد قرآنی که بعضی از بطون آن است همین دقتِ تعبیرات قرآن است در درج همین اشارات که احاطه بدانها مخصوص به‌عالم معصوم بوده است وتا آنجا هم که در دسترسِ همه بوده است مخصوص به‌همزبانان همزمان نزول قرآن بوده که پرورد گان زبان مضر بودند ودر آخر قرن دوم اسلامی بکلی منقرض شدند.

[۱۱۶] از مجلسی(ره) ـ من اللوحين، شاید در زمان پیغمبر(ص) قرآن را بر دو لوح نوشته بوده است واز آنها رونویس کرده، یا مقصود لوحِ خاطر ولوحِ دفترها است، یا مقصود لوحِ محفوظ ولوحِ محو واثبات است، یامقصود لوحِ زمین ولوحِ آسمانی است، پایان نقل از مجلسی(ره).

من می گویم: در این تردیدی نیست ومورد اتفاق مسلمانان است که علی بن ابی‌طالب(ع) یکی از نویسند گان قرآن بوده است چنانچه مورد اتفاق است که آن حضرت بیشتر از دیگر مسلمانان وخصوص نویسند گانِ قرآن به‌پیغمبر پیوسته بود ودر خانهٔ او زند گی می کرد وبا اسرارِ او آگاه بود وهمه وقت به‌او دسترسی داشت وپس از هجرت هم به‌شرف دامادیِ آن حضرت مشرف شد واز همه کس به‌او نزدیک‌تر بود با این ملاحظات مایهٔ یقین است که در نویسند گانِ قرآن بر همه سبقت داشته ودانا‌تر بوده است، با توجه به‌این موضوع در تاریخ جمع قرآن نامی از علی بن ابی‌طالب نیست، ودر حقیقت طبق اخباری که در این موضوع وارد شده است رئیس هیئتی که مأمور جمع قرآن شدند زید بن‌ثابتِ انصاری است که گرچه از جوانان بسیار هوشمند انصار بود واستفادهٔ خوبی از پرورش وآموزش پیغمبر برد ولی بهیچ وجه طرفِ سنجش با علی بن ابی‌طالب نیست، گرچه از نظر سن با آن حضرت نزدیک بوده است. در اینجا این پرسش بمیان می‌آید که چرا علی بن ابی‌طالب در هیئت جمع قرآنی که در دوران خلافت ابی‌بکر تشکیل شد

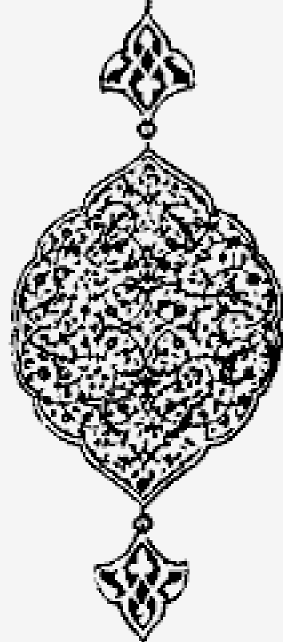


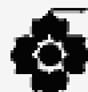



شرکت نکرد واین خود دلیل روشنی است که علی بن ابی‌طالب(ع) قرآن را خود جمع‌آوری کرده وپیروان حکومت خلفاء وقت آن را نپذیرفتند وقرآن را با نظر هیئتی به‌ریاست زید بن ثابت جمع‌آوری کردند وبا آن حضرت از این نظر اختلاف داشتند واین اختلاف چند وجه دارد:

۱ - از نظر سیاسی وآن عبارت از این است که چون قرآن قانون کلی حکومت اسلام بود وهرکس آن را به‌ملت اسلام می‌داد پیشوای قانونی شمرده می‌شد ورهبریِ او مسلّم می‌گردید وچون دستگاه حکومت سقیفه با رهبری علی مخالف بود بر خود هموار نمی‌کرد که قرآن را از دست علی بپذیرد واین را نقض حکومتِ خود می‌شمرد وشاید بهمین جهت بود که رئیس هیئت جمع قرآن از سائر قریش هم که طبق شعار سقیفه حقّ خلافت داشتند برگزیده نشد ویک نفر انصاری جوان وزبردست را به‌این سمت انتخاب کردند که قرآن را از دستِ او گرفتن این معنی را نداشته باشد واین همان معنائی است که امروزه از آن تعبیر می‌کنند که روحانیت از سیاست جدا است وحکومتِ سقیفه با این ترتیب آن را اجراء کرد، در این صورت ردّ قرآن از دست علی وپذیرشِ آن از دستِ هیئتِ جمع قرآن زید بن ثابت هیچ دلالتی ندارد که قرآنی که علی(ع) جمع کرده بود با این قرآن هیچگونه تفاوتی داشته است.

۲ - اختلاف در ترتیب سور وآیات چنانچه در بعضی اخبار اشاره دارد که علی(ع) قرآن را به‌ترتیب نزول جمع‌آوری کرده است والبته در این قرآن متداول ترتیب نزول در سوره‌ها وآیه‌ها مراعات نشده است واگر ترتیب واقعی سوره‌ها وآیه‌ها مضبوط شود ومعلوم گردد بسا که حقائقی از آن استفاده شود واز نظر تطبیق با موقعیت نزول آیات نص بر خلافت علی(ع) روشن گردد. در اینجا توجه به این نکته هم لازم است که جمع قرآن شامل مسائلی است که از آن جمله است:







۱ ـ تنظیم سوره‌ها به‌ترتیبی که موجود است.

۲ ـ نامگذاری سوره‌ها.

۳ ـ تتمیم بعضی سوره‌های مکی به‌آیاتی که در غیر مکه نازل شده است وتتمیم سوره‌های مدنی به‌آیاتی که در غیر مدینه نازل شده است.

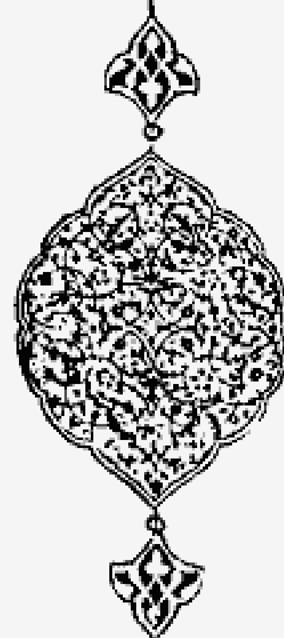
٤ ـ اسقاط بسم الله الرحمن الرحیم از سورهٔ برائت.

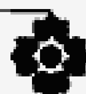
۵ ـ آیه بندی سوره‌ها در شماره‌های معین که در برخی موارد هم مورد اختلاف است.

٦ ـ ضبط املاء قرآن در نوشتن خصوص با برخی املاءهای نادر که در برخی موارد قرآن وجود دارد وبه‌عبارت دیگر ضبط کامل رسم‌الخط قرآن مجید. آنچه در بارهٔ جمع قرآن به‌وسیلهٔ هیئت زید بن ثابت از تواریخ واحادیث عمومی استفاده می‌شود این است که مأموریت زید بن ثابت در جمع قرآن دو ماده بیشتر نداشته است:

۱ ـ رو نویس کردن قرآن از روی همه نوشته‌های پراکنده زمان پیغمبر در یک اوراق منظم قابل حفظ وبایگانی زیرا در زمان پیغمبر نویسنده‌های قرآن از هرچه می‌توان در آن نوشت مانند پوست واستخوان شانهٔ گوسفند وشتر وسنگ‌های پهن استفاده کرده بودند وزید بن ثابت همهٔ این نوشته‌ها را در اوراق منظمی گردآورد ودر صندوقی جا داد.

۲ ـ مقابلهٔ مندرجات این اوراق کامل ونسخهٔ رو نویس شده از نوشته‌های گذشته با محفوظات صحابه که قرآن را از زبان خود پیغمبر یاد گرفته بودند ودر خاطر داشتند برای تحصیل اطمینان به‌صحت مندرجات این نسخه، ودر روایات هیچگونه تعرضی نیست که هیئت زید بن ثابت در مسائل ششگانهٔ دیگر تصرفی واظهار نظری کرده باشند واز خود نامی برای سوره‌ها ویا ترتیبی برای سور وآیات ابتکار کرده باشند واین خود دلالت دارد که قرآن مجید به‌همین ترتیب موجود از خود پیغمبر دریافت شده وهمهٔ آن



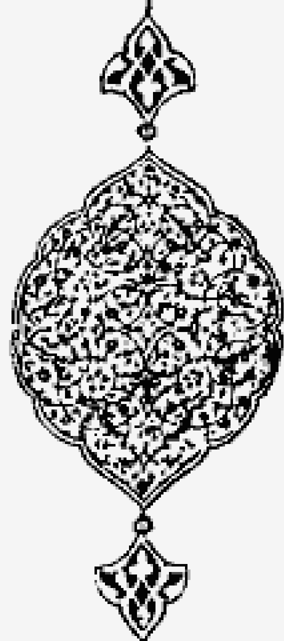


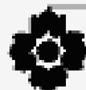
استناد به‌وحی الهی دارد، در این صورت اگر قرآن با ترتیب دیگری در نزد علی بن ابی‌طالب بوده است باید گفت: قرآن دارای دو درجه است ومانند احکام واقعی اولی وواقعی ثانوی هر دو درجه آن از مقام وحی رسیده ویکی که در خور فهم عموم بوده به‌همه آموخته شده ودیگری که زمینهٔ خاصی می‌خواسته به‌علی(ع) سپرده شده است، بنابر ایت هم‌حاق قرآن موجود در نزد علی(ع) با این قرآن تفاوتی ندارد گرچه از نظر ترتیب خاص مطالب دیگری هم از آن استفاده می‌شود.

۳ ـ اختلاف توضیحی:

یعنی در مصحف علی بن ابی‌طالب توضیحاتی از بیانات پیغمبر(ص) وجود داشته است به‌عنوان حاشیه یا بین‌الهلالین که موارد نزول وموارد تطبیق آیات وبرخی نکات رافع اختلاف بیان شده بوده است ویا وضع حکومت سقیفه موافق نبوده، وشاید منظور از مصحف مورد روایت ۱۶ این باب که امام رضا(ع) به‌بزنطی داده است از این باب بوده که در ضمن کلمهٔ: «لم یکن الذین کفروا من اهل الکتاب والمشرکین» نام هفتاد نفر رجال قریش که پای ورقه اتحادیه یهود ومشرکین بر علیه اسلام امضا داده بودند به‌نام خود وپدرشان بین‌الهلالین مثلاً توضیح داده شده است.

وبنابر این هم متن مصحف علی بن ابی‌طالب(ع) با قرآن موجود اختلافی نداشته است وبه‌هرحال نمی‌توان گفت که این متن قرآن موجود کم وکاستی دارد ویا اینکه در آن تحریف لفظی واختلاف متنی بوجود آمده است با اینکه همین قرآن موجود در طول دوران ائمهٔ معصومین مورد اعتماد آنها وعموم شیعه بوده است واخبار غیر قابل انکاری در صحت آن صادر شده وهمان را میزان شناختن حقائق اسلام دانسته ودر مورد اختلاف اخبار وارده از پیغمبر وائمه موافقت با آن را معیار درست بودن خبر قرار داده‌اند ودربارهٔ صحت هر تشریع وحکم اسلامی از اصول وفروع بدان تمسک کرده‌اند وآن







را مورد اعتبار وفصل بین حق وباطل شمرده‌اند.

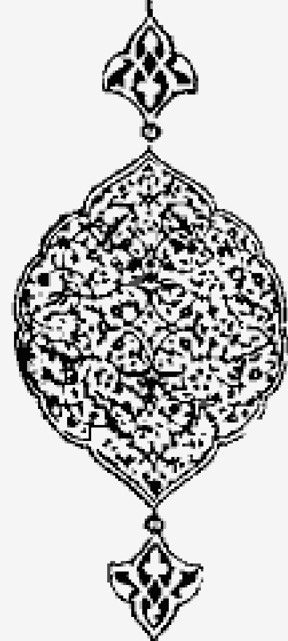
[۱۱۷] در سابق اشاره کردیم که برهم زدن هرچیزی کنایه از پریشان کردن وویران نمودن آن است وبر یکدیگر زدن قرآن هم کنایه از پریشان ساختن وویران نمودن سازمانی است که قرآن دارد وآن عبارت از تعلیم توحید وآداب دیانت وپیروی از خلافت حقه است وتفرقه میان او وخاندان عصمت که پیغمبر آنها را به‌هم قرین ساخته است.

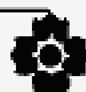
[۱۱۸] از مجلسی(ره) شاید که امام در این اظهار خود از ربیعه تقیّه کرده است وخود را پیرو قرائت اُبی معرفی کرده است.

[۱۱۹] از مجلسی(ره) ـ پوشیده نماند که این خبر وبسیاری از اخبار صحیحه، صریحند در اینکه قرآن کم شده وتغییر کرده است وبه‌عقیدهٔ من این اخبار از نظر معنی متواتر وقطعی هستند وطرح همهٔ آنها مایهٔ سلب اعتماد کلی از اخبار است بلکه بگمان من اخبار این موضوع کمتر از اخبار وارده در باب امامت نیست پس چگونه امامت را با اخبار اثبات می‌کنند.

اگر اعتراض شود که اعتماد به‌این اخبار سبب سلب اعتماد به‌قرآن است زیرا اگر تحریف قرآن مسلّم شود در هر آیه این احتمال می‌رود واز حجت بودن می‌افتد با اینکه معلوم است ائمه، قرائت وعمل به‌همین قرآن را جایز شمردند واین هم به‌حکم تواتر معلوم است زیرا از هیچکدام از اصحاب احدی از ائمه(ع) نقل نشده است که قرآن دیگری به‌آنها داده شده باشد یا قرائت دیگر به‌او آموخته باشند واین روشن است برای هر کس که در اخبار تتبع کند.

وبجان من چگونه جرئت دارند در این همه اخبار، تأویلات زور و رکیک کنند مثل اینکه در تأویل این خبر گفته‌اند: آیات زائده عبارت از احادیث قدسیه است یا اینکه آیات، به‌آیات کوچکتری تا به‌این شماره تجزیه می‌شوند.





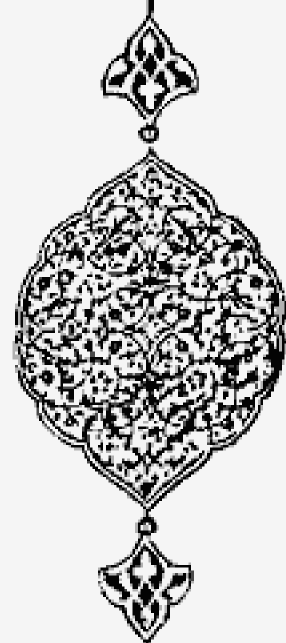


یا در تأویل خبرِ «لم یکن» گفته‌اند: این نام‌ها به‌عنوان تفسیر حاشیه ثبت بوده است وخدای تعالی می‌داند، سید حیدر آملی در تفسیر خود گفته است: اکثر قرّاء دربارهٔ قرآن به‌این شماره‌ها معتقدند:

۱ - سوره‌های قرآن - ۱۱۴	۲ - آیات قرآن - ۶۶۶۶
۳ - کلمات قرآن - ۷۷۴۳۷	۴ - حروف قرآن - ۳۲۲۶۷۰
۵ - فتحه‌های قرآن - ۹۳۲۴۳	۶ - ضمه‌های قرآن - ۴۰۸۰۴
۷ - کسره‌های قرآن - ۳۹۵۸۶	۸ - تشدیدهای قرآن - ۱۹۲۵۳
۹ - مدهای قرآن - ۱۷۷۱	۱۰ - همزه‌های قرآن - ۳۲۷۳
۱۱ - الفهای قرآن ۴۸۸۷۲	

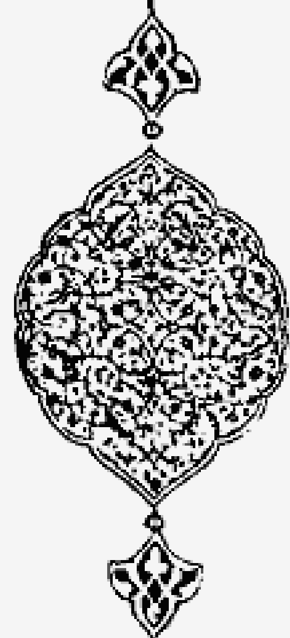
من می‌گویم: عبارتِ مجلسی در شرح این خبر مشوش است وبه‌ظاهر مرعوب اخباری شده که دلالت بر تحریف قرآن دارند ولی سید مرتضی چنانچه مجمع‌البیان در عبارتی که از او نقل کرده اظهار نظر نموده است، اخبار صریحه در تغییر وتحریف را از حشویه دانسته وبه کلی بی‌اعتبار شمرده است، این اخبار پس از جدا کردن اخباری که دلالت بر تغییر وتحریف اجراءات قرآن دارد در برابر ادلهٔ قطعی محفوظ بودن متن قرآن از هرگونه تغییر وتحریف بحکم عقل ونقل وبررسی تاریخ به‌هیچوجه قابل اعتناء نیستند وممکن است بسیاری از آیات قرآن که در این حدیث بدانها اشاره شده است منسوخ‌القرائه باشند وپس از نزول آن به‌پیغمبر قرائت آنها نسخ شده باشد وبه‌دستور خودِ پیغمبر ودر زمان او از قرآن حذف شده باشند واین با صحت وقطعیت ودرستی قرآن موجود مخالفت ندارد.

پایان کتاب فضل قرآن ودنبال آن کتاب معاشرت است

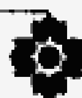



اصول کافی


مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی





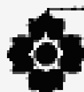


[شرحهای کتاب معاشرت]

[۱۲۰] مقصود این است که همهٔ مسلمانان با هر عقیده ومذهب که دارند باید این حقوق را نسبت بهم رعایت کنند.

[۱۲۱] از مجلسی(ره) ـ ظاهراً مقصود این است که در نزد مردم بدان متهم است وآن را دلیل آورده است وشاید مقصود این باشد غیر از تهمت مفسدهٔ دیگری هم دارد وآن این است دین دوستش به‌او سرایت می‌کند واقعاً چنانچه گذشت که شر واگیره دارد.

[۱۲۲] از مجلسی(ره) ـ در نهایه گوید: غلول، خیانت در غنیمت ودزدی از غنیمت است، وهر که نهانی در چیزی خیانت غلول کرده باشد وآن را غلول خوانند چون دستها را بغل کند. وگوید: حسم، به‌معنی این است که خونِ او بند رفته است واز این باب است حدیث معروف که دزدی را آوردند وفرمود: دستش را ببرید وخونش را بند آورید، انتهی. وشاید مقصود از تشبیه مجرد، تنبیه بر این است که اعتمادی به‌نزدیکی خویشاوند نیست زیرا





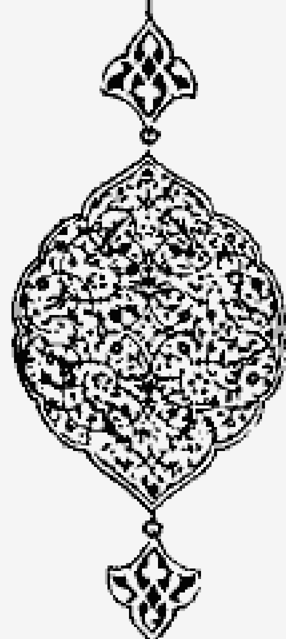
بسا که دوری گزینند یا از این راه که دست دزد دشمن او است وبه‌صاحب خود خیانت ورزد وسبب قطع آن گردد وجای آن محو شود که مبادا بر گردد.

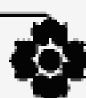
[۱۲۳] از مجلسی(ره) ـ این روایت کاملاً مطابق است با آنچه در روایت عیون در تفسیرش وارد شده است که مقصود اطمینان یافتن به‌مقام دوستی است بدان مراجعه کن تا بفهمی.

[۱۲٤] مهمترین مقاصد پیغمبر اسلام در محیط عربستان جاهلی پرآشوب برقرار کردن صلح وامنیت بود میان قبائل خونخواری که همیشه با هم در نبرد بودند ومیان همه افرادی که به‌شکار هم دیگر خو کرده بودند وسلام شعار برقراری این امنیت وآرامش بود وبه‌این اعتبار هر فردی با دیگری با این شعار صلح وسلامت روبرو می‌شد مهمترین مقصد اسلامی را انجام داده بود ودر امر صلح وسلامت وآرامش کمک کرده بود واز این رو به‌خدا وپیغمبر نزدیکتر شمرده شده است.

[۱۲۵] قسمت اخیر یکتا شعر است از قصیدهٔ نابغهٔ ذبیانی که برای یکی از پادشاهان عرب حیره سروده است واز او دربارهٔ ارتباط با پادشاهان عرب حسنانی که رقیب آنها بودند عذرخواهی کرده است. ومجلسی در شرح خود از غرر ودرر سید مرتضی(ره) این چند بیت از آن را نقل کرده است:

من قسم خوردم وبر خود ره تردید ندارم
نیست بالای خدا بهر کسی راه دیگر
گر رسیده است به‌تو نقل خیانت از من
آن سخن چین به‌دروغ ودغلی هست بتر
نیست بهر تو رفیقی که نیارد لغزش
از کجا مرد زمین هست فرشته پرور







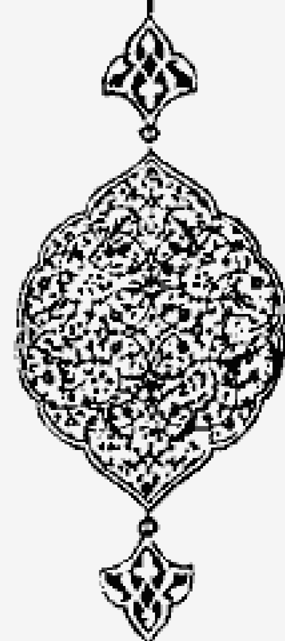
[۱۲۶] از مجلسی(ره) ـ «او کما نقول» در برخی نسخه‌ها به‌صیغهٔ تکلم است ودر بعضی به‌صیغهٔ خطاب است، بنابر اولی ممکن است غرض سائل سؤال از تخییر میان این دو باشد وامام هم او را مخیر کرده واستبعاد سائل را از این راه که آنها نیاز به‌دعا ندارند وطلب رحمت برای آنها سبک است، رفع نموده که شما می‌گوئید: ارحم محمّداً وآل محمد، ومی‌گوئیم: صلی اللّٰه علی محمد وآل محمد، صلوٰة هم در اینجا به‌معنی رحمت است، وسپس اشاره کرده است که طلب رحمت برای محمد وآل محمد برای احتیاج آنها به‌دعا نیست بلکه برای رفع درجات است ونفع آن به‌ماها می‌رسد، پایان نقل از مجلسی(ره).

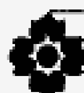
من می‌گویم: ظاهر این است که امام بیان کرده که از نظر حاق معنی فرقی میان یرحمکم اللّٰه وصلی اللّٰه علیک نیست زیرا هر دو به‌معنی طلب رحمت است بدو تعبیر وتخییر میان این دو مسلّم است.

[۱۲۷] مقصود از این چند حدیث که عطسه گواه صدق ودرستی حدیث است بر دو وجه است:

۱ ـ منظور این باشد که عطسه یک اماره ودلیل شرعی است بر صدق گفتار گوینده بر وجه تعبد مثل اینکه قرعه در مورد اشتباه واختلاف یک دلیل تعیین واقع است در موارد معینی گرچه بحسب ظاهر واقعیتی را نشان نمی‌دهد ودر این صورت عطسه هم مانند قرعه دلیل معتبری مقرر شده است ولی اهل حدیث وفقهاء اسلام ومذهب از این اخبار چنین معنائی نفهمیده وآن را بیان نکرده‌اند.

۲ ـ منظور این باشد که عطسه وسیلهٔ خوشبینی نسبت به‌گوینده است واز نظر اخلاقی باید خوشبین بود چنانچه ظاهرِ حال مسلمان هم وسیلهٔ خوشبینی به‌گفتارِ او است واز این معنی در فقه به‌حمل فعل مسلم بر صحت تعبیر شده است وچون گفتار مسلمان هم یکی از کرده‌های او است حمل بر







صحت می‌شود ومورد تصدیق است یعنی باید به‌او خوشبین بود او را دروغگو ندانست گرچه ترتیب اثر ثبوت آنچه گوید نیاز به‌شرائط معینی دارد به‌این معنا است که اگر کسی از قول مسلمانی بد گوئی نسبت به‌دیگری نقل کرد وخودِ او انکار کرد باید او را اخلاقاً تصدیق کرد.

[۱۲۸] مقصود این است که هرگاه با کسی صحبت خصوصی کرد وخود صریحاً گفت: این صحبت فاش نشود یا اینکه به‌قرینه معلوم باشد که میل ندارد دیگری کلام او را بشنود یا عملی که در آن مجلس کرده بداند این حکم امانت دارد وشایسته نیست که فاش شود مگر در موردی که اعتماد به‌شنونده باشد که آن را فاش نمی‌کند یا اینکه به‌خیر آن طرف باشد واز راه تواضع ویا اخلاص در عمل از فاش شدن آن خوشش نمی‌آید.

[۱۲۹] این حدیث دلالت دارد که در امکنهٔ عمومی واشتراکی برای هرکس به‌استفاده از آنها سبقت جوید حق‌السبق ثابت است، ومدت این حق‌السبق از وقت اشغال محل است تا شب وادامه ندارد ومی‌توان برای روز دیگر آن محل را به‌وسیله‌ای تحت اشغال داشت.

[۱۳۰] کنیه، آن است که اولش ابو فلان است، وبیشتر به‌نام اول پسر تنظیم می‌شود مانند ابوجعفر وابوعبدالله. ونام، آن اسمی است که هنگام ولادت برای نوزاد می‌گذارند.

[۱۳۱] از مجلسی(ره) ـ فاضل استرابادی گفته است: استحباب برآوردن سین پیش از کشیدن باء ممکن است مخصوص به‌خطّ کوفی باشد.

